



سیر مبارزات

زنان ایران

دهه ۵۰ شمسی

هاله صفرزاده

سیر مبارزات زنان ایران در دههی ۵۰ شمسی

هاله صفرزاده

فهرست مطالب

پیش درآمد.....	۱
بخش اول: کلیات.....	۱۰
۱-۱- شرایط جهان در دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ شمسی.....	۱۱
۱-۲- نگاهی اجمالی به مبارزات زنان جهان در دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی.....	۱۳
۱-۳- جنبش فمینیستی زنان جهان در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ میلادی.....	۱۶
۱-۴- شرایط اقتصادی-سیاسی جامعه ایران در دهه‌ی ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ شمسی.....	۲۲
۱-۵- مروری کوتاه از وضعیت زنان در دهه‌ی ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰.....	۲۴
بخش دوم: سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷.....	۲۹
منابع.....	۳۰
کتاب، نشریات و مقالات چاپ در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷.....	۳۰
۱-۲- سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی زنان ۳۴	
۲-۲- سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون و مسایل زنان.....	۳۷
۳-۲- بازنمایی وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زنان در سال‌های ابتدایی دهه ۵۰ شمسی در منابع سازمان‌های چاپ.....	۳۹
۲-۳-۱- وضعیت آموزش برای زنان و دختران.....	۳۹
۲-۳-۲- اشتغال دختران و زنان.....	۴۱
۳-۳-۲- زن در خانواده و کار خانگی.....	۴۶
۲-۳-۴- زنان در حوزه قوانین.....	۵۱
۲-۴- مبارزات زنان در دهه‌ی ۵۰ تا سال ۵۷.....	۵۵
۲-۵- راه‌حل زنان چپ برای رهایی در سال‌های ۵۰ تا ۵۷ شمسی.....	۶۳
۲-۶- موقعیت و نقش زنان در سازمان‌های سیاسی مبارز چپ.....	۶۶
۲-۶-۱- روابط بین زن و مرد و تقسیم کارهای خانه میان انقلابیون.....	۶۷
۲-۶-۲- آیا در خانه‌های تیمی از زنان به عنوان استتار استفاده می‌شد؟.....	۷۱

بخش سوم : سال های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ ۷۶

منابع ۷۸

- ۱-۳-۱- شرایط اجتماعی و سیاسی ایران در ماه‌های قبل و پس از سرنگونی رژیم سلطنت ۸۴
- ۲-۳-۲- شرایط زنان و مبارزات آنان در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ ۸۶
- ۳-۲-۱- تصویب یا لغو قوانین ۸۷
- ۳-۲-۲- محدودیت و ممنوعیت شغلی ۸۸
- ۳-۲-۳- ممنوعیت و محدودیت دخالت در سیاست ۸۹
- ۳-۲-۴- تعطیلی مدارس مختلط ۹۱
- ۳-۲-۵- تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها ۹۲
- ۳-۲-۶- ورزش زنان ۹۴
- ۳-۲-۷- تفکیک جنسیتی در سایر حوزه‌ها ۹۴
- ۳-۲-۸- حجاب ۹۶
- ۳-۳- موضوع سازمان‌ها و تشکل‌های چپ در رابطه با مسایل زنان، نقش و جایگاه زنان در این سازمان‌ها/ ۱۱۹

- ۳-۳-۱- سازمان چریک‌های فدایی خلق به نقل از نشریه کار: (تا پیش از انشعاب) ۱۲۰
- ۳-۳-۲- چریک‌های فدایی خلق (شاخه اشرف دهقانی) ۱۲۷
- ۳-۳-۳- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت) ۱۳۰
- ۳-۳-۴- سازمان چریک‌های فدایی خلق (اکثریت) ۱۳۵
- ۳-۳-۵- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر ۱۳۸
- ۳-۳-۶- اتحاد چپ ۱۴۶
- ۳-۳-۷- سازمان وحدت کمونیستی ۱۴۸
- ۳-۳-۸- سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر ۱۵۱
- ۳-۳-۹- کوموله، اتحاد مبارزان کمونیست و حزب کمونیست ایران ۱۵۵
- ۳-۳-۱۰- سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر) ۱۵۶
- ۳-۳-۱۱- رنجبران ۱۶۰
- ۳-۳-۱۲- حزب کارگران سوسیالیست ۱۶۷
- ۳-۳-۱۳- حزب توده ۱۷۵
- ۳-۳-۱۴- سازمان توفان (حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران) ۱۸۰
- ۳-۳-۱۵- سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۸۱

سازمان‌ها و تشکل‌های زنان..... ۱۸۷.....

- ۱۹۰-۴-۳- سازمان‌های صنفی مستقل از دولت و نهادهای قدرت ۱۹۰
- ۱۹۰-۴-۳-۱- کمیته زنان ماشین‌سازی تبریز ۱۹۰
- ۱۹۱-۴-۳-۲- اتحادیه زنان حقوق‌دان ۱۹۱
- ۱۹۱-۴-۳-۳- سازمان ملی پرستاران و بهیاران ایران ۱۹۱
- ۵-۳-۵- سازمان‌های سیاسی..... ۱۹۲
- ۱۹۲-۵-۳-۱- سازمان‌ها و تشکل‌های دولتی و شبه دولتی ۱۹۲
- ۱۹۳-۵-۳-۱-۱- بنیاد زینب کبری ۱۹۳
- ۱۹۳-۵-۳-۲- بسیج خواهران ۱۹۳
- ۱۹۳-۵-۳-۲- سازمان‌های مذهبی و ملی مستقل از دولت ۱۹۳
- ۱۹۳-۵-۳-۲-۱- جمعیت مادران مسلمان ۱۹۳
- ۱۹۵-۵-۳-۲- جمعیت زنان ایران (سازمان زنان جبهه ملی) ۱۹۵
- ۲۰۰-۵-۳-۲- جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی ایران ۲۰۰
- ۲۰۲-۵-۳-۳- سازمان‌های سیاسی چپ..... ۲۰۲
- ۲۰۲-۵-۳-۱- اتحادیه زنان مریوان ۲۰۲
- ۲۰۲-۵-۳-۲- جامعه‌ی زنان مبارز سقز..... ۲۰۲
- ۲۰۳-۵-۳-۳- شورای زنان (سنندج) ۲۰۳
- ۲۰۴-۵-۳-۴- کمیته زنان مبارز ۲۰۴
- ۲۰۶-۵-۳-۵- اتحادیه انقلابی زنان مبارز ۲۰۶
- ۲۱۱-۵-۳-۶- جمعیت بیداری زنان ۲۱۱
- ۲۱۷-۵-۳-۷- کمیته دفاع از حقوق زنان ۲۱۷
- ۲۱۸-۵-۳-۸- جمعیت زنان مبارز ۲۱۸
- ۲۲۱-۵-۳-۹- اتحاد ملی زنان ۲۲۱
- ۲۳۰-۵-۳-۱۰- انجمن رهایی زن ۲۳۰
- ۲۳۶-۵-۳-۱۱- جمعیت زنان ایران ۲۳۶
- ۲۳۸-۵-۳-۱۲- زنان دموکرات ۲۳۸
- ۲۳۹-۵-۳-۱۳- تشکیلات دموکراتیک زنان ۲۳۹
- ۲۴۴-۵-۳-۱۴- کمیته زنان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه‌ی کارگر ۲۴۴
- ۲۴۵-۳-۶- خواست‌های عمومی و سیاسی تشکل‌های مستقل زنان ۲۴۵

۲۴۴.....	۷-۳- ضرورت وجود تشکل‌های مستقل و جداگانه‌ی زنان
۲۵۰.....	۸-۳- تلاش برای ایجاد همبستگی و اتحاد میان تشکل‌های زنان
۲۶۳.....	۹-۳- شیوه‌های اعتراضی سازمان‌های زنان چپ
۲۶۳.....	۱-۹-۳- تنظیم درخواست و طومار و جمع‌آوری امضا
۲۶۳.....	۲-۹-۳- تظاهرات، راهپیمایی، تحصن
۲۶۷.....	۳-۹-۳- بزرگداشت ۸ مارس ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰
۲۷۴.....	۱۰-۳- نقد مواضع و فعالیت‌های سازمان‌های سیاسی چپ در مورد مساله زنان
۲۷۵.....	۱-۱۰-۳- نقدهای درونی جنبش چپ نسبت به مواضع سازمان‌های چپ
۲۸۷.....	۲-۱۰-۳- جمع‌بندی از عملکرد سه ساله اتحاد ملی زنان
۲۸۸.....	۳-۱۰-۳- نقدهای کنونی
۲۹۵.....	۴-۱۰-۳- مصاحبه‌های شفاهی و کتبی
۳۰۷.....	بخش چهارم: ملاحظات چند
۳۴۰.....	ضمایم
۳۴۱.....	لیست تعدادی از کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰
	عکس‌ها..... ۳۴۶
	اعلامیه‌ها..... ۳۵۶
	بریده جراید..... ۳۵۹
۴۰۳.....	بازتاب مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی
۴۰۷.....	بازتاب مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ
۴۱۹.....	بازتاب مسایل زنان در نشریات عمومی مانند زن روز، اطلاعات بانوان، اطلاعات و کیهان
	منابع:..... ۴۳۹

پیش درآمد

نقش زنان ایرانی در تولید اجتماعی^۱ به خصوص بعد از گسترش روابط تولید سرمایه‌داری، آن طور که باید و شاید دیده نشده و مورد بررسی قرار نگرفته است و با آنکه نقشی بس مهم در تولید اجتماعی داشته‌اند، از ارزش‌هایی که بوجود آورده‌اند، سهمی نداشته و با انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها زندگی کرده‌اند. اما همواره زنانی این شرایط را برنتافته و بر آن شوریده و به سهم خود گامی در جهت بهبود شرایط زندگی خود و همه‌ی زنان و جامعه خود برداشته‌اند.

تاریخ مبارزات زنان در ایران فراز و نشیب‌های بسیاری را از سرگذرانده است، مبارزاتی که پس از انقلاب مشروطه آشکارتر و مشهودتر شد. در این دوره از تاریخ ایران، زنانی را می‌بینیم که با از خودگذشتگی برای تغییر شرایط زندگی مردم ایران و به خصوص زنان پا به میدان گذاشته بودند و در عرصه‌های بسیار از جمله آموزش، فرهنگ، مسایل اجتماعی و سیاسی فعالیت می‌کردند: زنان مسلحی که در مجلس اول خواستار مقاومت مجلس در برابر اولتیماتوم روسیه شدند، آنان که در تبریز با لباس مردانه از شهر دفاع کردند؛ زنانی که زیورآلات خود را فروختند تا اولین بانک ایرانی تشکیل شود؛ کسانی که برای آموزش زنان و دختران پا به میدان گذاشتند و مدارس دخترانه را تشکیل دادند؛ زنانی که خواهان کشف حجاب بودند (البته قبل از کشف حجاب اجباری رضاخان و طرفه این که به دستور خود رضاخان سرکوب شدند)؛ زنانی که سازمان‌های مخفی یا علنی خود را تشکیل داده و اولین نشریات زنان را در ایران منتشر کردند؛ زنانی که در سازمان‌های سیاسی علیه دیکتاتوری مبارزه کردند، زنان کارگری که در دهه بیست شمسی و پس از آن، در صف اول برخی از اعتصابات و تظاهرات بودند، زنانی که در دهه پنجاه شمسی اسلحه به دست گرفتند و مسلحانه رژیم شاهنشاهی را به مبارزه طلبیدند و ...

دهه ۵۰ شمسی، نیز یکی دیگر از دوره‌های درخشان مبارزات زنان ایران است؛ دوره‌ای که تاثیر عمیقی بر شرایط زندگی آنان داشت. حضور چشمگیر "زنان چپ" در عرصه مبارزات سیاسی این دهه، به یکی از شاخصه‌های مبارزات سیاسی این دوره بدل شد. در این سال‌ها "جنبش زنان" به معنای جنبشی با خواست‌های صرفاً جنسیتی و رفع انواع تبعیض‌های جنسیتی در ایران وجود

^۱ - در تحقیقی دیگر به این موضوع پرداخته خواهد شد.

نداشت؛ اما زنان و مردان آگاه بسیاری که خواهان تغییر شرایط موجود بودند، با مبارزه پیگیر و بی‌امان علیه رژیم پهلوی، در کنار سایر مسایل اجتماعی و سیاسی به مساله زنان و تبعیض علیه آنان نیز توجه داشتند و در کنار اینها، همواره مبارزات خودانگیزه و غیرسازماندهی شده‌ی زنان برای خواسته‌هایی مثل آب آشامیدنی و همچنین اعتصابات و اعتراضات کارگران زن نیز کم و بیش وجود داشته است.

در مورد حضور زنان در مبارزات این دوره و مواضع سازمان‌های چپ در مورد مسایل و نقش زنان در سازمان‌های سیاسی چپ، مطالب زیادی منتشر شده که بسیاری از آنها ارزشمند هستند و برخی نیز مغرضانه. در این نوشته‌ها ضمن بازخوانی تاریخی این دوره، نقدهایی نیز بر سیاست‌ها و مواضع سازمان‌های چپ نسبت به مسایل زنان انجام شده است. بسیاری از این نقدها توسط زنانی انجام شده که خود در این سازمان‌ها فعال بوده‌اند. مطالبی نیز با عناوینی چون "چرا جنبش چپ در مورد مطالبات زنان شکست خورد" تحت عنوان پایان‌نامه و مقالات تحقیقی منتشر شده است.

برخی از این نوشته‌ها جنبش چریکی در اوایل دهه پنجاه را فاقد "نگاه جنسیتی" می‌داند که "نابرابری جنسیتی در جامعه" را نادیده می‌گرفت جنبشی که در آن "انقلابیون مرد به رفقای زن خود به عنوان انقلابیون فاقد جنسیت می‌نگریستند نه به عنوان فعالین سیاسی"؛ در برخی دیگر از این نوشته‌ها، "جنبش چپ"، (زنان و مردان چپ) متهم شده‌اند که عاملی برای عدم رشد "جنبش زنان" بوده‌اند: "سازمان‌های سیاسی چپ در آن سال‌ها نگذاشتند که سازمان‌های مستقل زنان تشکیل شوند"، "سازمان‌های سیاسی چپ کورجنس بودند و فرهنگ مردسالارانه‌ی آن سازمان‌ها اجازه رشد به زنان را نمی‌داد"،

به "مسایل خاص زنان بی‌اعتنا بودند"،

"از مبارزات زنان برای آزادی‌هایی مانند آزادی پوشش و امثالهم حمایت نکردند"،

"فقط به مسایل زنان کارگر، آن هم در بخش صنعت توجه داشتند"،

"مردسالاری و نمودهای آن را مورد توجه قرار ندادند"،

"اگر ما (زنان) از مسایل فمینیستی آگاهی نداشتیم به این دلیل بوده که سازمان‌های سیاسی چپ متون فمینیستی را ترجمه نمی‌کردند" (به نقل از مصاحبه شفاهی)،

و...

با خواندن این گونه مطالب و نظرات، پرسش‌هایی از این دست مطرح می‌شود:

• آیا واقعا نیروهای چپ در آن سال‌ها به مسایل زنان، بی‌توجه بوده‌اند؟

- آیا فعالان جنبش چپ به تبعیض‌ها و محدودیت‌هایی که علیه زنان اعمال می‌شده "بی‌اعتنا بوده و از آن خبر نداشته‌اند؟
- این سازمان‌ها و تشکل‌ها که به عنوان چپ شناخته می‌شدند در رابطه با مسائل زنان، چه موضعی داشتند؟
- عملکرد سازمان‌های چپ زنان که در این سال‌ها تشکیل شدند تا چه اندازه در پیشبرد مبارزات زنان تاثیرگذار بوده است؟
- ...

بررسی تاریخی مبارزات اجتماعی در ایران در این سال‌ها و تاثیر آن در پیشرفت جنبش زنان و دست‌آوردهای آن برای ارتقای سطح مبارزات زنان ایران بسیار ضروری است. هر چند که برای داشتن نقدی واقع‌بینانه و دقیق‌تر، باید کل عملکرد این سازمان‌ها مورد بررسی قرار گیرد که امکانش در این مجموعه وجود ندارد. بسیاری از اعضا و هواداران این سازمان‌ها در دوره‌ی سرکوب دهه شصت در زندان‌ها اعدام شده‌اند. بسیاری از این سازمان‌ها به دلیل اشتباهات و خطاهایی که در نظریه و عمل داشتند و صد البته به دلیل سرکوب بی‌رحمانه، اکنون دیگر حتا وجود خارجی ندارند و برخی از آنان نیز فقط در خارج از کشور فعالیت دارند. در این مجموعه سعی شده است با مطالعه و بررسی اسناد و مدارک باقی مانده از آن دوران، عملکرد این سازمان‌ها در رابطه با مسایل زنان و دستاورد مبارزات زنان چپ مورد توجه قرار گیرد و از این رهگذر مشخص شود که چه‌اندازه این نقدها واقع‌بینانه و منطقی‌اند.

برای پاسخ به این سوالات، در گام اول، باید تعریفی از "چپ" مشخص می‌شد؛ اما عملاً دست یافتن به تعریف روشن و دقیقی از چپ در چنین مجموعه‌ای بسیار دشوار است و از آنجا که بسیاری از کسانی که نقدهای بالا را به جنبش چپ کرده‌اند، نیز تعاریف‌شان از "چپ" یک‌سان نیست، لذا تعریفی بسیار عام در نظر گرفته شد:

در این مجموعه منظور از "چپ"، سازمان‌ها و گروه‌هایی هستند که بنا به گفته‌ی خودشان، معتقد به مارکسیسم لنینیسم، مائوئیسم یا تروتسکیسم بودند که طیف گسترده‌ای از راست‌ترین تا چپ‌ترین گرایش‌ها را در بر می‌گیرد.

در گام بعدی و با این تعریف، چپ به عنوان یک کل در نظر گرفته شد، کلی که اجزای بسیار دارد. از آن رو که شناخت یک پدیده، بدون شناخت اجزایش ممکن، دقیق و علمی نخواهد بود، این کل (چپ) به اجزایش (سازمان‌های فعال چپ در این برهه تاریخی) تقسیم شد و مواضع این اجزا در مورد مسایل زنان مورد بازبینی قرار گرفت و بعد در نهایت، در بخش آخر، دوباره چپ به عنوان یک کل در نظر گرفته و این گزاره‌های نقادانه و سیاست‌های چپ در مورد مسایل زنان بررسی و نقد شد. و اما در ابتدای کار، باید به چند واقعیت موجود توجه داشت:

پس از سرکوب مبارزات متشکل زنان برای دستیابی به حقوق برابر، در دوره‌ی مشروطیت و دهه‌ی بیست شمسی، آزادی‌هایی مانند آزادی پوشش و حق رای به عنوان هدیه‌ای برای زنان، از سوی رژیم حاکم و به شکل رفرم و از بالا در جامعه اعمال می‌شد که کشف حجاب در دوره‌ی رضاشاه سرآغاز آن بود. اعطای حق رای به زنان^۱ در سال ۴۱ و همین‌طور اصلاح برخی قوانین مانند قانون حمایت از خانواده، فراهم آمدن امکانات برای آموزش زنان از جمله این اقدامات است، اقداماتی که در واقع در راستای ترویج مناسبات سرمایه‌داری در ایران بود. فرهنگ لیبرالی غرب به شدت در کشور تبلیغ می‌شد، فرهنگی که زنان را کالایی جنسی محسوب می‌کرد. برای رژیم سلطنتی، مسایل زنان ویتربینی بود تا بتواند تجددخواهی خود را به رخ غرب بکشد. اما برای زنان اقشار تهی‌دست جامعه و به خصوص کارگران مسایلی همانند استثمار مضاعف، دستمزدهای پایین‌تر از مردان، شرایط نامناسب کار و برای کل زنان تبعیضات قانونی و مواردی زیادی از این دست همچنان وجود داشت. محمدرضا شاه پهلوی خود اعتقادی به برابری واقعی زنان نداشت. در مصاحبه اورینا فالاجی با او، این مساله به خوبی نمایان است.^۲

۱ - مبارزات زنان برای کسب حق رای در دهه بیست و سی شمسی به نتیجه نرسیده بود. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، که سازمانی چپ بود، سردمدار این مبارزه بود. پیش از آن هم در جمهوری جنگل، و جمهوری آذربایجان، حق رای زنان به رسمیت شناخته شده بود.

۲ - در این مصاحبه فالاجی در مورد ازدواج مجدد از او سوال می‌کند: شما مسلمان هستید و مذهب به شما اجازه می‌دهد بدون این که شهبانو فرح را نفی کنید همسر دیگری بگیرید؟ شاه پاسخ می‌دهد:

"بله. مذهب به من اجازه داده به شرطی که ملکه به من اجازه بدهد. ولی راستش را بگویم حالت‌هایی وجود دارد که ... مثلاً وقتی زن مریض است یا این که نمی‌خواهد به وظایف همسری احترام بگذارد، آدم باید بی‌شعور باشد که باور کند شوهر چنین زنی را تحمل کند. آیا زمانی که در اجتماع شما چنین اتفاقی می‌افتد یک مرد معشوقه یا معشوقه‌هایی انتخاب نمی‌کند؟ خوب در عوض در اجتماع ما یک مرد می‌تواند به شرط توافق همسر اول و اجازه‌ی دادگاه، همسر دیگری انتخاب کند و لازم است بدانید بدون این دو اجازه که قانون من بر پایه‌ی آنها بنا شده، ازدواج مجدد امکان‌پذیر نخواهد بود."

در سال‌های ابتدای دهه ۵۰ و سه سال بعد از سرنگونی رژیم شاه، سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون، به خصوص سازمان‌های چپ و مارکسیستی که با رژیم شاهنشاهی مبارزه می‌کردند، به مسایل زنان به عنوان یکی از ستم‌های موجود در جامعه پرداخته و حل مسایل و تبعیضات علیه زنان را تنها با نابودی نظام اقتصادی و سیاسی موجود کشور ممکن می‌دانستند. فضای سنگین خفقان در کشور حاکم بود و هر گونه اندیشه آزادی‌خواهی و برابری‌طلبانه، به خصوص اگر چپ بود، به شدت سرکوب می‌شد. گاه نوشتن یک انشا در دبیرستان به زندان و رویارویی با ساواک منجر می‌شد و دختران و پسران زندانی به یک سان مورد شکنجه قرار گرفته و اعدام می‌شدند. مطالبات زنان از سوی زنانی مورد توجه و بررسی قرار می‌گرفت که در اپوزیسیون و سازمان‌های سیاسی مبارز آن سال‌ها فعال بودند که عموماً چپ بودند؛ هرچند این مطالبات به شیوه‌های کنونی پیگیری نمی‌شد.^۱

در دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ شمسی به جز سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰، هیچ تشکل مستقلی (به معنی غیرحکومتی و مستقل از دولت) وجود نداشت که برای تغییر شرایط زنان مبارزه کند یا بهتر بگوییم سندی از فعالیت چنین تشکلهایی موجود نیست، اما تشکل‌های دولتی، شبه‌دولتی، رسمی و قانونی زنان وجود داشت و حتی زنانی نظیر اشرف پهلوی توانستند تا مقام مشاور مسایل زنان در سازمان ملل نیز ارتقا بیابند. نظریات فمینیستی در سال‌های آخر دهه ۵۰ بیشتر توسط برخی از زنانی وارد

در ادامه و پس از مدتی گفتگو در مورد مسائل همسران شاه و... فالاچی می‌پرسد: حالا مرا شک برداشته که نکند در زندگی شما زن‌ها هیچ به حساب نمی‌آیند؟

"فکر می‌کنم این مطلب را خوب درک کرده‌اید. برای این که در زندگی من چیزهای دیگری ارزش دارد... زنان برای زیبایی و زن بودنشان به حساب می‌آیند و نمی‌خواهم بی‌ادب معرفی شوم، اما قانوناً مساوی هستند در حالی که از نظر توانایی چنین نیست. مثلاً هرگز از بین زنان یک میکلا انژ یا باخ برنخاسته حتی یک آشپز بزرگ در بین زنان ندیده‌ام. مثلاً خود شما در تمام گفت و شنودهایتان با چند زن آشنا شده‌اید که قادر به حکومت کردن باشند؟"

فالاچی از گلدامیر و ایندیرا گاندی می‌گوید. شاه می‌گوید:

"نمی‌دانم، فقط می‌توانم بگویم وقتی زنان حکومت می‌کنند از مردان سرسخت‌تر هستند خیلی بیرحم‌تر و خیلی به خون تشنه تر هستند. وقتی قدرت دارند دیگر ترحم ندارند."

وقتی خبرنگار می‌پرسد پس چرا شهبانو را به عنوان نایب‌السلطنه انتخاب کردید، می‌گوید:

"...اما یک شورای مشاوران نیز خواهد بود که شهبانو با آنها مشورت نماید اما من هیچ احتیاجی به مشورت با کسی ندارم. تفاوت را ببینید..."

۱- از میان سازمان‌های غیر چپ، به دلیل گستردگی فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق، مواضع این سازمان در رابطه با مسایل زنان، بررسی شده است.

ایران شد که در اروپا تحصیل می‌کردند و بعضا در گروه‌های اپوزیسیون رژیم سلطنت فعال بودند.^۱ این زنان آغازگر و مؤسس تشکل‌های زنانی بودند که در سال‌های ۱۳۵۷ به بعد تشکیل شد. این سازمان‌ها دوام چندانی نیافتند و بسیاری از آنان تا قبل از آغاز سرکوب بزرگ دهه‌ی شصت از بین رفتند؛ برخی از این زنان نیز به اروپا بازگشتند. با آنکه سازمان‌های سیاسی که بر ضد نظام دیکتاتوری مبارزه می‌کردند، داعیه‌ی مبارزه برای حقوق زنان را در سر نداشتند اما با این وجود، نقش این مبارزات در ارتقا و دستیابی به مطالبات زنان در دهه‌های بعد اهمیت بسیار دارد.

برای بررسی علمی یک دوره تاریخی باید شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره مورد نظر بر مبنای منابع و اسناد مورد کنکاش قرار گیرد. ضروری است که این بررسی بدون پیش‌داوری و تعصب باشد تا بتوان تحلیل درست و واقع‌بینانه‌ای از آن دوره تاریخی به دست آورد؛ امری که در بسیاری از تحلیل‌هایی که از آن دو دهه شده، نادیده گرفته شده است. به منظور دست یافتن به این مهم، به نکات زیر توجه شده است:

• ما از امروز و اکنون و در جایگاه فعلی به تاریخ نگاه می‌کنیم. پس مروری کلی بر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آن دوره ضروری خواهد بود.

• در این مجموعه سعی شده است تا منابع و اسناد موجود بازبینی شوند و در تحلیل و در پاسخ‌نهایی به پرسش‌های طرح شده، مورد استفاده قرار گیرند؛ یعنی اسناد، نشریات و کتاب‌هایی که توسط تشکل‌های زنان چپ یا اپوزیسیون سیاسی چپ در آن دوره چاپ و منتشر شده بود. منبع دیگری که به آن استناد شده است مصاحبه شفاهی با افرادی است که در آن دوره زندگی کرده و فعالیت اجتماعی و سیاسی در حوزه چپ داشته‌اند.

^۱ - می‌توان به شهره بدیعی، نسرين بصیری، مسعوده آزاد، زهره خیام، شهین نوایی بکری تمیز از موسسان اتحاد ملی زنان، شهلا شوعسانی از اعضای اتحادیه کمونیست‌ها، هایدو درآگاهی هسته کمونیستی سهند، اشاره کرد. ژاله بهروزی اعلام می‌کند که "اکثریت موسسین جمعیت بیداری زنان" مدت کوتاهی بود که به ایران آمده بودند، ... خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷، مهناز متین، ص ۳۴۹

سعی شده در بخش اسناد از تحلیل و نقد مطالب خودداری شود که دلیل آن رعایت اصل بی‌طرفی بوده تا خواننده خود بتواند با مقایسه آنها به درک واقع بینانه‌ای برسد. نقل قول‌هایی از این منابع آورده شده است که گاه بسیار طولانی‌اند. پس باید توجه داشت که آوردن این نقل قول‌ها به معنی تایید این نظرات نیست و طولانی بودن بعضی از این بخش‌ها به دلیل بیشتر بودن اسناد در دسترس از آن سازمان‌هاست.

● بسیاری از اسناد و نشریات مربوط به این سال‌ها، به خصوص سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ از بین رفته‌اند. پس می‌توان گفت که تحقیق حاضر تنها بر مبنای منابعی است که نگارنده توانسته به آن دسترسی داشته باشد. بی‌تردید با دسترسی به اسناد جدید، تحقیق و تحلیل می‌تواند تغییر کند یا کامل شود.

● به دلیل متفاوت بودن فضای سیاسی- اجتماعی در سال‌های مختلف این دهه و برای تسهیل بررسی، این دوره را به دو بخش تقسیم شده است: دوره اول از سال ۵۰ تا ۵۷، دوره دوم فاصله سال‌های ۵۷ تا ۶۰.

ابتدا شرایط کلی زنان در هر دوره تاریخی را مورد بررسی کوتاهی قرار داده می‌شود تا مشکلات و مسایل زنان در آن دوره مشخص شود. با بررسی این مشکلات می‌توان دریافت که مطالبات زنان در این دوره چه می‌توانسته باشد. ارائه گزارشی کوتاه از وضعیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی زنان در این دوره که شامل آماری از وضعیت اشتغال و بیکاری زنان، مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی آنان و قوانین و محدودیت‌هایی که در این سال‌ها به تدریج ایجاد شد و بررسی تاثیر این روند بر روی جنبش زنان. سعی شده است برای این بخش نیز از اسناد موجود و در دسترس سازمان‌های سیاسی فعال و نشریات چاپ استفاده شود تا نوع نگاه آنان به مسایل زنان بیشتر روشن شود. بررسی مواضع سازمان‌ها و گروه‌های چپ^۱ و مقایسه‌ی آن با مشکلات، نیازها و مطالبات واقعی زنان در آن دوره‌ی تاریخی، می‌تواند راهنمای خوبی باشد تا دریابیم آیا این سازمان‌ها حساسیت‌های جنسیتی متناسب

۱ - سال‌های دهه ۶۰ ادامه این تحقیق می‌تواند باشد که در مجموعه دیگری منتشر خواهد شد.

۲- بررسی مواضع و فعالیت‌های دیگر انجمن‌ها و تشکل‌های زنان، مانند تشکل‌های زنان مذهبی، ملی، پان ایرانیست و ... در این مجموعه انجام نشده است.

با شرایط زندگی و کار زنان را در دوره خود داشته‌اند یا نه...؟ برای دستیابی به این هدف باید شاخص‌هایی تعیین شود:

- ۱- اهمیت جایگاه ستم بر زنان در تفکر و خط مشی ایدئولوژیک این سازمان‌ها تا چه اندازه بوده یا به بیان دیگر تعریف آنها از آزادی و رهایی زنان چه بوده است؟
- ۲- ارزیابی آنان از این ستم چه بوده و چه راه‌حلهایی (تاکتیکی و استراتژیکی) برای آن پیشنهاد می‌کردند؟
- ۳- آیا پیگیری مطالبات خاص زنان در آن مقطع زمانی جزو اهداف آنها بوده است یا به چه میزان به آن می‌پرداخته‌اند؟
- ۴- آیا به خواسته‌های عام زنان توجه داشته‌اند؟
- ۵- چه گام‌های عملی برای احقاق حقوق زنان برداشته‌اند؟
- ۶- موقعیت و وضعیت زنان فعال در این سازمان‌ها چگونه بوده است؟

در این مسیر با مرور بر نشریات و کتب منتشر شده با دیدگاه چپ در مورد مسایل زنان و همچنین مرور بر مقالات منتشر شده در رابطه با مسایل زنان در نشریات چپ، با توجه به این شاخص‌ها نگاهی خواهیم داشت به نوع فعالیت‌ها و مبارزات زنان فعال و حساس به مسایل زنان، و سازمان‌ها و تشکل‌های فعال در زمینه حقوق زنان معرفی خواهند شد و موضع و عملکرد سازمان‌ها سیاسی چپ در مورد مسایل زنان و سازمان دادن اعتراضات زنان بررسی خواهد شد.

تا دست آخر، در پی این بررسی تاریخی، امید است که بتوان به این پرسش پاسخ داد که آیا در این سال‌ها "جنبش زنان" (به خصوص طیف چپ) وجود داشته است؟ اگر چنین بوده، چشم‌انداز این جنبش چیست؟

برای یافتن پاسخ کامل‌تر، ضروری است شرایط اقتصادی سیاسی اجتماعی جهان در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی را که مقارن با دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی است و همچنین مبارزات زنان جهان و جنبش فمینیستی در آن سال‌ها را با استفاده از منابع موجود مرور کرد؛ چرا که سطح و شیوه مبارزات سیاسی اجتماعی در ایران در این سال‌ها، در کنار ویژگی‌های منحصر به فردش، متأثر از سطح و نوع مبارزات اجتماعی در سراسر جهان نیز بوده است.

در واقع، این مجموعه شامل دو بخش اصلی است: اسناد و مدارک، تحلیل که در بخش آخر کتاب تحت عنوان "ملاحظات چند" آمده است. بخش اسناد و مدارک بسیاری طولانی است و ممکن است

برای برخی از خوانندگان خسته‌کننده باشد. می‌توان این مجموعه را به دو شکل مورد مطالعه قرار داد:

- ۱- مانند تمام کتاب‌های دیگر از ابتدا تا انتها آن را مطالعه کرد.
- ۲- ابتدا بخش آخر (ملاحظات چند) را مورد مطالعه قرار داد و بخش اسناد را بنا به سلیقه و ضرورت مورد مطالعه قرار داد.

اما پیش از آن و در ابتدا، جا دارد از همه دوستانی که در این مسیر چند ساله، یاری کردند تا این مجموعه فراهم شود، صمیمانه تشکر کنم.

هاله صفرزاده

فروردین ۱۳۹۸

بخش اول

کلیات

۱-۱- شرایط جهان در دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی

جنگ‌های جهانی بر سر رقابت برای دستیابی به بازارهای بین‌المللی و برتری طلبی انحصارهای ملی کشورهای سرمایه‌داری رخ داد که یکی از نتایج آن تقسیم مجدد جهان میان قدرت‌های سرمایه‌داری بود. ادغام سرمایه‌ها در سطح بین‌المللی با این جنگ‌ها آغاز شد. با پایان یافتن جنگ جهانی دوم شرکت‌های چندملیتی رشد و گسترش بیشتری یافتند. در این دوره انحصارات بر همه‌ی زمینه‌های سیاسی و اقتصادی جهان مسلط شدند و تمام جنبه‌های زندگی جوامع سرمایه‌داری و تحت‌سلطه و حتا دولت‌های حاکم را در استیلای خود گرفتند.

در این سال‌ها برای غارت هر چه بیشتر کشورهای دیگر، بنگاه‌های سرمایه‌داری نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، باشگاه پاریس، کنفرانس هفت کشور صنعتی و از همه مهم‌تر کمیسیون سه جانبه امریکا، اروپا و ژاپن و بازار مشترک اروپا شکل گرفتند. شرکت‌های بین‌المللی بسیار بزرگی تشکیل شدند که بودجه سالانه بسیاری از آنان بیشتر از بودجه کشورهای سرمایه‌داری بود و در بیشتر موارد مدیران این شرکت‌ها، سیاستمداران کشورهای اروپایی و امریکایی بودند.

پس از پایان جنگ جهانی در طول سه دهه سرمایه‌داری توانست جراحات ناشی از جنگ و بحران‌های اقتصادی را درمان کند. طرح‌هایی برای بازسازی بازارهای جدیدی در دستور کار قرار گرفت از جمله این طرح‌ها می‌توان به طرح مارشال و اصل چهار ترومن اشاره کرد. امریکا با کمک اقتصادی به کشورهای سرمایه‌داری ضربه‌دیده از جنگ و کمک‌های بلاعوض به کشورهای امریکای لاتین، آسیا و آفریقا تلاش داشت این کشورها قادر به خرید کالا، تربیت دانشجوی و نیروی متخصص و غیره برای زمینه‌سازی سرمایه‌گذاری جدید شوند. در سال‌های "جنگ سرد" در کشورهای سرمایه‌داری دولت‌های رفاه شکل گرفتند. در دهه ۱۹۳۰ به دلیل بحران‌های سیستم سرمایه‌داری فقر گسترده، گرسنگی و بیماری‌های همه‌گیر، میلیون‌ها انسان را در کشورهای سرمایه‌داری درگیر کرده بود. برای گذر از این بحران‌ها، در هراس از شورش‌ها و انقلاب‌های سوسیالیستی و در رقابت با کشورهای بلوک شرق و سوسیالیستی، دولت‌های سرمایه‌داری برنامه‌های تامین اجتماعی را برای کارگران و اقشار کم درآمد اجرا کردند. پروژه‌ای که چهار دهه به طول انجامید. در دهه ۱۹۷۰

مساله بحران سوخت و نفت اروپا را فرا گرفت. بحران اقتصادی این دهه، در واقع پایان دوره دولت‌های رفاه و آغاز نئولیبرالیسم بود.

پس از جنگ جهانی دوم و رواج سوسیالیسم در اروپای شرقی، دنیا شاهد رویدادهای شگرفی بود: پیروزی انقلاب چین در سال ۱۹۴۹، رشد و گسترش مشی چریکی در امریکای لاتین و پیروزی انقلاب کوبا در ژانویه ۱۹۵۹، تأسیس جمهوری دموکراتیک کنگو در افریقا در ۱۹۶۰، اعتراضات دانشجویی و کارگری پاریس در ماه مه ۱۹۶۸، جنگ آزادی بخش ظفار، جنگ ویتنام و جنبش ضد جنگ در امریکا و اروپا، انقلاب نیکاراگوئه و ...

صدای انقلاب و شورش از هر گوشه‌ی جهان به گوش می‌رسید. در واکنش به این موج انقلاب و اعتراض و مقاومت، ناتو تشکیل شد و سرکوب آزادی‌خواهان از سوی حکومت‌های فاشیستی و دیکتاتوری در برخی کشورهای اروپایی مانند اسپانیا، شیلی، آرژانتین و یونان تشدید شد. ایجاد کشور اسرائیل در خاورمیانه و مسلح کردن آن به انواع و اقسام سلاح‌های پیشرفته، رشد و گسترش بینادگرایی مذهبی و ایجاد کمربند سبز در خاورمیانه، سرکوب جنبش‌های اجتماعی در جنوب شرقی آسیا و امریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ میلادی ادامه این روند سرکوب بود. این دست‌اندازی‌های خونبار، فرصتی برای سرمایه‌داری فراهم آورد تا بحران دهه‌ی ۷۰ را از سر بگذراند و بدین ترتیب نئولیبرالیسم از میان خاکستر و خون، سر بر آورد. سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالیستی و اجرای سیاست‌های خصوصی‌سازی در آمریکا با اصلاحات اقتصادی از سال ۱۹۷۷ در زمان ریاست جمهوری کارتر آغاز شد و در دوران ریگان به سرعت و شدت رشد کرد. در انگلستان نیز اجرای سیاست‌های جدید اقتصادی از سال ۱۹۷۶ شروع شد و در دوران نخست‌وزیری مارگارت تاچر کاملاً بسط یافت.

۱-۲- نگاهی اجمالی به مبارزات زنان جهان دهه‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ میلادی

در چنین شرایطی، زندگی زنان نیز در حال تغییر بود. اما چنین تغییری در مناطق مختلف جهان سمت و سوهایی متفاوت داشت. سیر و روند این تغییرات در غرب به گونه‌ای متفاوت از کشورهای سوسیالیستی و انقلابی طی می‌شد و دگرگونی وضعیت زنان در کشورهای جهان سوم و تحت سلطه نیز متفاوت از این کشورها بود. وضعیت آموزش، بهداشت، اشتغال و دستمزد برای اکثریت زنان در سراسر جهان نسبت به دهه‌های اول قرن بیستم بسیار بهبود یافته و همچنان در حال تغییر بود. سرمایه‌داری در حال رشد به نیروی کار زنان نیاز داشت زنان به مثابه نیروی کار ارزان منبع سود سرشاری بود. سرمایه‌داری مانند همه‌ی نظام‌های طبقاتی، از ابتدای بوجود آمدن، با مردسالاری در هم تنیده شده بود و در بسیاری از نقاط جهان ساختارهای فرهنگی و اجتماعی نظام‌های قبل (فئودالی و...) را حفظ کرد، مناسباتی که فرودستی زنان را تداوم می‌بخشید و از سوی دیگر فرهنگ خاص سرمایه‌داری را رواج داد و بدن زنان در صنعت زیبایی، مد و صنعت سکس، منبع دیگری از سود شد به گونه‌ای که میزان سود حاصل از این بخش، پس از فروش اسلحه، قاچاق مواد مخدر در جایگاه سوم قرار گرفت.

در این دوران زنان بسیاری در سراسر جهان علیه این نابرابری‌ها به مبارزه برخاستند. بخشی از این مبارزات در کشورهای غرب در مبارزات ضدجنگ ویتنام، مه ۱۹۶۸ و... برخی دیگر خود را در اوج مجدد جنبش زنان بروز یافت و در جهان سوم نیز بی‌عدالتی، تبعیض و نابرابری‌ها، زنان زیادی را به میدان مبارزه با سرمایه‌داری و دیکتاتوری کشاند. گروه‌هایی از زنان بر خواست‌های کلی اجتماعی تاکید داشتند و گروه دیگر فقط بر خواست‌های زنانه. از جمله این مبارزات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فلسطین: گروه‌های زنان بر تعهد به مبارزه کلی تاکید می‌ورزیدند نه بر ستم‌کشیدگی خاص زنان. زنان عرب در ۱۹۶۸ در بیت‌المقدس علیه مصادره سرزمین خود تظاهرات می‌کردند.

ترکیه: گروه‌های زنان از به هم پیوستن زنانی تشکیل شد که در میانه‌ی دهه ۸۰ در برابر رژیم دست راستی این کشور مقاومت می‌کردند. مقاومت آنان هنگامی آغاز شد که در جلوی زندان‌ها برای ملاقات زندانیان‌شان صف کشیده بودند.

هند: در این کشور نیز به مدت یک دهه نخستین گروه‌ها به ابتکار مائوئیست‌هایی تشکیل شده بود که در ۱۹۷۵ با تاثیرپذیری از چین مبارزه را آغاز کرده بودند. کمی پس از آن، تلاش برای آزادی زنان در شهرهای بزرگ شروع شد و زنان سازمان‌های مستقل خود را بنیان گذاشتند. این سازمان‌ها از نظر جهت‌گیری، به فمینیسم سوسیالیستی گرایش داشتند و ستم‌دگی زنان را در ارتباط با ستمی گسترده‌تر می‌دیدند. نشریه فمینیستی "منوشی"^۱ مطالبی در باره ناآمین بودن محیط‌های کار، خشک‌سالی، تجاوز به عنف و احیای آیین سوزاندن زنان بیوه مطرح می‌کرد.

پاکستان: "تریون آزاد عمل زنان" در ۱۹۸۱ تشکیل شد. سال بعد ۳۰۰ زن در لاهور بر ضد سیاست اسلامی کردن تظاهرات کردند، تحت لوای چنین سیاست‌هایی زنان متهم به زنا در ملاءعام شلاق می‌خوردند. عمل این زنان به منزله بخشی از جنبش عمومی برای دموکراسی نقش مهمی داشت.

الجزایر: در این کشور برخی زنان با بنیادگرایی اسلامی درگیر شدند. سری لانکا: "ندای زنان" معتقد بود که مبارزه با حصول تساوی مردان و زنان در جامعه‌ای نابرابر به انجام نمی‌رسد و چنین عنوان می‌کرد: "ما برای تغییری بنیادی در چنین جامعه‌ای و برای اصل مشارکت در جامعه‌ی خود و خود اتکایی زنان فقیر مبارزه می‌کنیم." این سازمان به مشکلات جامعه‌ی زنان کارگر در مناطق روستایی و در کشتزارها و در مناطق آزاد تجاری می‌پرداخت.

تایوان: تلاش‌های اولیه برای به راه‌انداختن گروه‌های زنان با شکست روبرو شد. در سال ۷۲ در کنار مبارزه برای سقط جنین، خدماتی با نام "تلفن برای محافظت از شما" برای کمک به زنان فقیر و قربانیان خشونت آغاز شد. اما لوه‌سویی لین^۲، بنیانگذار این حرکت به سبب شرکت در تظاهراتی که جنبش دموکراسی و استقلال تایوان به راه انداخته بود به ۱۲ سال زندان محکوم شد.

^۱ -Monushi

^۲ -Lu Hsui - lien

فیلیپین: در سال ۱۹۸۴ در میان گروه‌های زنان کارگر و روستایی و زنان طبقه‌ی متوسط ائتلافی شکل گرفت که نهضت "گابریلا" را به وجود آورد. آنها استدلال می‌کردند که زنان آسیایی از آن حیث که به جهان سوم تعلق دارند، به واسطه سلطه‌ی خارجی ستم می‌بینند. آنهایی که جزء طبقه کارگر هستند از نخبگان حاکم خود ستم می‌کشند و از آن حیث که زن هستند، تحت سلطه مردانند.

کره جنوبی: گروه "زنان در پی برابری و صلح" در سال ۸۳ شروع به فعالیت کرد و اعتقاد داشتند: "تا زنان آزاد نشوند، آزادی انسان غیرممکن است".^۱

امریکای لاتین: در این سال‌ها زنان بسیاری نیز در امریکای لاتین در جنبش‌های چریکی فعال بودند. گروه‌های زنانی که خواستار ایجاد تشکل‌های مستقل بودند عمدتاً توسط زنان تحصیل‌کرده طبقه‌ی متوسط تشکیل می‌شد، اما در عین حال پیوندی تنگاتنگ با زنان حلی‌آبادها و اتحادیه‌های کارگری داشتند. مانند آشپزخانه‌های مردمی در پرو. در پرو، فمینیست‌هایی مانند وارگاس بر این باور بودند که مناسبات جنسیتی بر اساس مناسبات اجتماعی دیگری مانند بردگی و طبقه شکل می‌گیرند، با این همه به ضرورت استقلال برای جنبش زنان معتقد بودند.

اروپا: تا اواخر دهه ۷۰ جنبش‌های مستقل زنان در یونان و اسپانیا پدید آمده بود، دو کشوری که تا چندی پیش از آن تحت تسلط فاشیست‌ها و دست‌راستی‌ها بودند. در اسپانیای پس از فرانکو هم مبارزات فمینیستی وجود داشت و هم سازمانی سرسخت در میان زنان محله‌های کارگری حول نیاز به مسکن و دیگر نیازهای اجتماعی ...^۲ شرایط و مبارزات زنان ایران در این سال‌ها موضوع این مجموعه است و در پی خواهد آمد. با وجود همه‌ی این تلاش‌ها، تبعیض علیه زنان از میان نرفت و بسیاری از خواسته‌ها و مطالبات زنان همچنان دست نیافتنی باقی ماند. چه در کشورهایی که مبارزات فمینیستی شدت داشت و چه در کشورهایی که انقلابیون چپ‌گرا و کمونیست با انقلاب‌های سوسیالیستی در پی تغییر شرایط زنان بودند.

۱- روباتام، شیدا، زنان در تکاپو، حشمت اله صباغی، نشر شیرازه، ص ۴۰۴

۲- اشاره به همه‌ی مبارزات زنان به طور خاص و حضور فعال آنان در جنبش‌های دیگر در این مختصر امکان‌پذیر نیست، هر چند جای دارد که به آن پرداخته شود.

۱-۳- جنبش فمینیستی زنان جهان در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ میلادی^۱

از اواخر دهه ۶۰ بسیاری از کشورها شاهد احیای فمینیسم بودند. حرکتی که به جنبش تبدیل شد. در اواخر دهه ۶۰ میلادی گروه‌هایی از زنان تشکیل شده بود که به فمینیسم موج دوم مشهورند. گرایش‌های مختلف فمینیستی در جنبش زنان حضور داشتند. فمینیست لیبرال‌ها، فمینیست سوسیالیست‌ها و فمینیسم رادیکال‌ها...

فمینیسم لیبرال از نیمه دهه ۶۰ تا ۷۰ توانست قوانینی را که تبعیض علیه زنان را غیرقانونی اعلام می‌کرد، به تصویب برساند و برای اجرای آنها فشار آورد...^۲ فمینیسم لیبرال در این دوره هر چه بیشتر در چارچوب کثرت‌گرایی مدنی و سیاسی حاکم بر نظام اجتماعی سیاسی ایالات متحده فعالیت می‌کرد ... و در درون انجمن‌های مدنی مجامع عمومی و موسسات حکومتی اهداف جمعی زنان را پیگیری می‌کرد.

فمینیسم رادیکال، به ویژه شاخه دوم آن، در طول مبارزات خود در دهه هفتاد به موفقیت‌های محدودی در زمینه فرهنگی در جهت مبارزه با کلیشه‌های جنسیتی و فرهنگ پدرسالارانه دست یافت. از جمله دستاوردهای آن، می‌توان به حرکت تدریجی به سمت استفاده از زبانی که کمتر مبتنی بر جنسیت باشد و نیز دگرگونی‌هایی بسیار محدود در محتوای کلیشه‌ای برنامه‌های رسانه‌های گروهی یا کتاب‌های درسی اشاره کرد.

فمینیست سوسیالیست‌ها و مارکسیست‌ها، مبارزه جنسیتی را جدا از مبارزه طبقاتی نمی‌دانستند و نظام سرمایه‌داری را مورد حمله قرار می‌دادند.

نمونه‌هایی از مبارزات فمینیست‌ها در این سال‌ها در اروپا و آمریکا:

در اوت ۱۹۶۸ گروهی از زنان جوان امریکایی با گذاشتن تاج بر سر یک گوسفند و با ریختن گن‌ها و بیگودی‌ها و نسخه‌هایی از نشریه "خانه بانوان" در سطل آشغال به مسابقه ملکه زیبایی آمریکا اعتراض کردند. در همان سال جنبش حقوق رفاه ملی، راهپیمایی مردم فقیر را سازمان دادند این جنبش شامل خیل کثیری از زنان فقیر سفیدپوست و سیاه

۱ - مشیرزاده، حمیرا، از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم، روباتام، شیلا، زنان در تکاپو فمینیسم و کنش اجتماعی، میشل، آندره، جنبش‌های اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی‌زاده

۲- این دوره در ایران مصادف است با فرم‌هایی که رژیم شاه در مورد بهبود شرایط زنان در زمینه بهداشت، اشتغال، حق رای، تحصیل و... انجام داد.

پوست بود که در امریکا خواهان دسترسی به منابع بودند. در سال ۱۹۷۰ زنان عضو گروه "پلنگان سیاه" معضلات زنان را تنها ناشی از برتری مردان نمی‌دیدند و اعلام کرده بودند که مبارزه‌ی آنها علیه نظامی نژادپرست و سرمایه‌داری است.

جو آن گیسون "شورای سیاسی زنان" را برای مقابله با خشونت‌ی تشکیل داد که از سوی سفیدپوستان به مسافران سیاه پوست در سیستم حمل و نقل رخ می‌داد.

در سال ۱۹۶۶ در امریکا بتی فریدمن به منظور دسترسی به آموزش و حق کار، برابری دستمزد زنان و مردان، تساوی حقوق در خانواده و حذف تبلیغات جنسی "سازمان ملی زنان" را بنیان نهاد. تعداد اعضای این سازمان در سال ۱۹۷۱ به ده هزار نفر رسید. در سال ۱۹۶۷ تعدادی از اعضای این سازمان از آن جدا شده و "جنبش آزادی زنان" را بنیان نهادند. آنان خود را به عنوان یک جنبش و نه یک سازمان تعریف کردند. اعضای این جنبش فعالیت‌هایی در برابر عوامل قدرت عمومی دولت‌های فدرال، رسانه‌ها، مجلات و تلویزیون و دانشگاه‌ها انجام دادند تا با نشان دادن تبعیض علیه زنان، این تبعیض‌ها را از میان برده و حق سقط جنین، دستمزد برابر و سایر حقوق را به دست آورند.

در می‌۱۹۶۸ آن تریستا و همراهانش "جنبش دموکراتیک زنان" را در فرانسه به وجود آوردند که وابسته به فدارسیون چپ دموکراتیک و سوسیالیست بود. آنان هم و غم خود را بر افشای کار نامرئی خانگی و تحلیل نظام مردسالار گذاشتند. برای طرح مساله حق سقط جنین، حرکات نمایشی چون گذاشتن تاج گلی بر سر قبر سرباز گمنام با عنوان تقدیم به "زن سرباز گمنام" همراه با توزیع اعلامیه و تظاهرات انجام می‌دادند.

در فرانسه دانشجویان در ژوئیه ۱۹۶۹ با اشغال اتاقی در سوربن "پروزشگاه وحشی‌ها" را سازمان دادند اعلام کردند که این محل برای استفاده خانواده‌های طبقه کارگر محلی آماده است. در آلمان جنبش دانشجویی روابط اقتدارگرایانه را همکاری با فاشیسم تلقی می‌کرد. آنان فروشگاه‌های خالی را تصرف می‌کردند و به صورت "فروشگاه بچه‌ها" در می‌آوردند تا در حالی که والدین در باره مارکس و فروید بحث می‌کردند، بچه‌ها بدون فشار بازی کنند.

در این سال‌ها و در جنبش می‌۱۹۶۸ تمایل جنسی موضوعی سیاسی شده بود و طرح مسایل مربوط به قلمرو خصوصی در جامعه تبلیغ می‌شد. "جوراب قرمزها"ی دانمارک نیز معتقد بودند که هیچ یک از مبارزات زنان بدون مبارزه‌ی طبقاتی و هیچ مبارزه طبقاتی

بدون مبارزه زنان محقق نمی‌شود. آنان برای حق سقط جنین و دستمزد برابر مبارزه می‌کردند. آنان در یک اتوبوس تحصن کردند و خواست آنان این بود که زنان باید هشتاد درصد کرایه مردان را بپردازند زیرا دستمزدشان هشتاد درصد مردان است. در بریتانیا در سال ۱۹۶۹ زنان با برچسب‌هایی به سوی قطارهای زیرزمینی حرکت کردند و با هجوم به آگهی‌های تجاری مایوهای شهوت‌انگیز فریاد بر می‌آوردند: "این عامل استثمار زنان است". فمینیست‌ها مسابقه دختر شایسته را یک بار در سال ۱۹۶۹ و بار دیگر در سال ۱۹۷۰ مختل کردند و فریاد زدند "ما زیبا نیستیم ما خشمگین هستیم" ^۱ در سال ۱۹۷۴ بنیاد "اتحاد زنان" توسط سیمون دوبوار تشکیل شد. در سایر کشورهای اروپایی نیز اقداماتی شبیه این انجام می‌شد.

مبارزه علیه تجاوز در کنار مبارزه برای حق سقط جنین قرار داشت. فمینیست‌ها با کمک زنان وکیل طرح‌های قانونی برای تلقی شدن تجاوز به عنوان یک جرم بزرگ ارائه می‌دادند. فعالیت‌هایی نیز علیه خشونت‌های فیزیکی و ضرب و شتم زنان توسط همسرانشان انجام می‌شد که در فرانسه به تاسیس "خانه زنان کتک‌خورده" منجر شد. ^۲

در برخی از کشورها مانند ایرلند، مبارزات زنان سمت و سوی مبارزه علیه حضور نیروهای بریتانیایی را یافت و در اسرائیل گروه‌های زنان در میانه دهه ۷۰ میلادی به مساله فلسطین نیز می‌پرداختند. در کانادا "تعاونی لیلا خالد" تشکیل شد. حمایت از مقاومت مردم ویتنام سبب پیوند بخشی‌هایی از جنبش زنان و جنبش ضدجنگ در سراسر جهان شد. در سال ۱۹۷۱، در تورین ایتالیا تعاونی‌های زنان تشکیل شد. جنبش‌های خودمختار زنان در یونان و اسپانیا هم تشکیل شدند.

این گروه‌های زنان مرز میان زندگی عمومی و خصوصی را به رسمیت نمی‌شناختند و علوم مختلف از جمله تاریخ، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی را مورد نقد قرار دادند و مطرح کردند که این علوم مردانه است.

در حوزه فرهنگ زنان به شدت با تبعیض در سیما و تصویر زن در ادبیات، رسانه‌های گروهی و تبلیغات مخالفت می‌ورزیدند. در فرانسه خواهان قانون ضدتبعیض جنسی شدند.

۱- روباتام، شیلا، زنان در تکاپو، فمینیسم و کنش اجتماعی، ص ۳۹۶

۲- جنبش‌های اجتماعی زنان، آندره میشل، ص ۱۲۸

در همه کشورهای اروپایی سازمان ملی زنان انتشاراتی برای ترویج آراء فمینیستی تاسیس کردند. در زمینه مشارکت سیاسی، حزب فمینیست در بلژیک و حزب زنان ژاپن تاسیس شد. زنان فرانسوی عضو انجمن انتخابات در انتخابات ۱۹۷۸ کاندیداهای زن معرفی کردند. اما این دوره اعتلا چندی دوام نیافت:

"برای فمینیسم موج دوم پس از یک دوره چند ساله از اوج فعالیت (۱۹۶۸ تا ۱۹۷۳) دوره تعلیق نسبی همراه با تداوم جنبش بود... از نیمه دوم دهه هفتاد و شاید حتی پیش از آن به تدریج از قدرت بسیج فمینیسم موج دوم کاسته شد بدون اینکه این جنبش کاملاً به اهداف خود رسیده باشد. در این موج بر خلاف موج اول اهداف جنبش به شکلی وسیع تعریف شده بود و این طیف گسترده از اهداف، پیوسته مورد تاکید قرار می‌گرفت در نتیجه نیل به یک هدف خاص به عنوان محور بسیج علت افول فعالیت‌های جنبش نبود.

فمینیست رادیکال‌ها نیز مانند گرایش لیبرالی و شاید کمتر از آن با اقبال افکار عمومی و رسانه‌ها برخوردار بود. این جناح از رادیکال فمینیست‌ها نیز از آغاز نتوانسته بود همدلی افکار عمومی را حتی در میان زنان به دست آورد و از منظر اجتماعی به شدت افراطی می‌نمود. در نتیجه از آغاز توان بسیج آن بسیار محدود بود و در گذر زمان، پایگاه محدود آن محدودتر نیز می‌شد... به تدریج فمینیسم در کل با انتقاداتی از درون جنبش و از میان کسانی که خود را طرفدار رهایی و برابری زنان می‌دانستند اما عملکردها و شیوه‌های مورد استفاده فمینیست‌ها را نامناسب می‌دانستند، نیز روبرو شد. بسیاری از کسانی که اهدافی چون دستمزد برابر، ایجاد مراکز نگهداری از کودکان و حقوق برابر قانونی را می‌پذیرفتند، "پرخاشجویی مصالحه‌ناپذیر کسانی را که خود را جنگجویان آزادی می‌دانند، خوش نمی‌داشتند."

"به علاوه فضای گفتاری و فکری نیمه دوم دهه ۷۰ م با فضای سال‌های دهه ۶۰ متفاوت شده بود. جنبش فمینیسم در دهه ۶۰ و ۷۰ م در شرایطی رشد کرده که سایر جنبش‌های اجتماعی نیز فعال بودند و فضای گفتاری و سیاسی مناسبی برای

رشد جنبش‌های اجتماعی وجود داشت. در این فضا طرح خواسته‌های زنان تا حد زیادی مشروعیت یافت.^۱

یکی از ویژگی‌های موج دوم فمینیسم موضع انتقادی آن نسبت به سازمان‌های چپ موجود در مورد مسایل زنان بود. آنان مبارزات زنان در این دو دهه را بر مبنای مفهوم جنسیت مورد نقد قرار می‌دادند و زنان فعال چپ و سازمان‌های سیاسی چپ در این سال‌ها به این متهم می‌شدند که حساسیت جنسیتی لازم را نداشته‌اند.

"مفهوم جنسیت^۲ را فمینیست‌ها در دهه ۷۰ م ابداع کردند تا وسیله‌ای برای تشخیص این مساله باشد که نسبت زنان با مردان در همه‌ی فرهنگ‌ها یکسان نیست و جایگاه زنان در جامعه در گذر زمان تغییر کرده است. بنابراین نظریه جنسیت هم برای زنان و هم برای مردان جایگاهی اجتماعی قائل است نه زیست‌شناختی. مرز بین قلمروهای عمومی و خصوصی و اهمیت فضای باز برای طرح مفاهیم و درخواست‌های فمینیستی و کم و کیف تحول دموکراتیک جامعه موضوع مناظراتی بی‌وقفه بوده است. تجدید سازمان زنان و تصورات سیاسی مستلزم بحث‌هایی با جناح چپ بود. موضوعات مشکل ساز عبارت بود از دل‌مشغولی‌های زنان طبقات مختلف، مسایل نژادی و کاست، همجنس‌خواهی و غیره."^۳

به نظر روباتام هیچ رویکرد جهان‌سومی یگانه و ویژه‌ای به فمینیسم وجود نداشت. در این کشورها، گروه‌هایی بنا بر شرایط و تجارب زنان تشکیل می‌شد، سوسیالیسم و جنبش‌های

۱- همان منبع، ص ۳۴۲

۲- جنسیت شامل رفتارها، نقش‌های اجتماعی و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم بر هر جامعه به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد. در ارتباط با نقش‌های جنسیتی افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس طرح ریخته و تعیین می‌کند. واژه جنسیت (Gender) یک مفهوم اجتماعی است و با واژه جنس (sex) که به طور معمول برای بیان همان موضوع ولی از دیدگاه زیست‌شناسی به کار می‌رود متفاوت است.

۳- روباتام، شیلا، زنان در تکاپو

آزادی ملی هر دو ترغیب‌کنندگان مهمی بودند. جنبش‌های خواستار دموکراسی نیز در سطحی کلی‌تر این نقش را بر عهده داشتند.

برای مقابله با گسترش ایده‌های چپ در جنبش زنان، سرمایه‌داری ترفندهای تازه‌ای را در دستور کار قرار داد، از جمله: حمایت‌های مالی زیاد از بخش لیبرال جنبش زنان، برای کنترل آن. در دهه هفتاد بنیاد فورد سرمایه‌گذاری خود را روی تحقیقات دانشگاهی در مورد مسایل زنان آغاز کرد و حوزه کاملاً جدید "مطالعات زنان" در دانشگاه‌ها شکل گرفت. "در سال ۱۹۷۲، فورد اعلام کرد که اولین یک میلیون دلار بر روی "تحقیقات اعضای هیات علمی و پایان‌نامه‌های دکترها با موضوع "پژوهش بر نقش زنان در جامعه و مطالعات زنان" پرداخت. هدر مک دونالد در مقاله‌ای در سال ۱۹۹۶ گزارش داد که برنامه مطالعات زنان ۳۶ میلیون دلار بین سال‌های ۱۹۷۲-۱۹۹۲ از فورد و دیگر بنیادها دریافت کرده است. در دهه ۱۹۸۰ در تمام کمک‌های مالی فورد، توجه به مسایل جنسیتی مورد توجه قرار گرفت و مسوولان بنیاد آموزش دیدند تا بتوانند برنامه‌ها و پیشنهادات را با توجه به مسایل جنسیتی بررسی کنند. این کمک‌های مالی برای مطالعات زنان و دیگر فعالیت‌های فمینیستی که به یک دسته خاص زنان داده می‌شد به همه بخش‌های دیگر نیز داده شد. در سال ۱۹۸۵، فورد برنامه فروم زنان را پایه‌گذاری کرد ... برنامه مطالعات زنان دانشگاه هاروارد در اصل توسط فورد ساخته شده است ... برای گسترش نفوذ این برنامه به دانشگاه مناطق دیگر، بنیاد فورد از سال ۱۹۹۸ به مدت سه سال، مبلغ ۵۰۰ هزار دلار برای حمایت از مطالعات زنان در دین، به دانشکده الهیات دانشگاه هاروارد پرداخت."^۱

این حمایت‌های مالی در کنار عوامل دیگر، سبب شد که جنبش زنان در اروپا و امریکا از کف خیابان و اعتراضات گسترده خیابانی به فضای آکادمیک دانشگاه‌ها کشانده شود.

1 - FrontPageMagazine.com, How the Ford Foundation Created Women's StudiesBy: Kimberly Schuld, Friday, February 20, 2004

۱-۴- شرایط اقتصادی-سیاسی جامعه ایران در دهه‌ی ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰

شمسی

پس از روی کار آمدن حکومت رضاشاه تا کودتای امریکایی ۲۸ مرداد، ساختار اقتصادی ایران بر مبنای صدور نفت و واردات مایحتاج ایران از کشورهای سرمایه‌داری بود. شاه و دربار بزرگ‌ترین مالکان زمین در ایران بودند و روابط فئودالی همچنان حاکم بود. اما ادامه‌ی این وضع ممکن نبود. این ساختار مناسب جذب سرمایه‌های خارجی نبود پس می‌بایست تغییر می‌کرد. به خصوص پس از مقاومت‌ها و اعتراضات مردمی که در دهه‌ی بیست و سی افزایش یافته و به ملی شدن صنعت نفت انجامیده بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد تغییرات اساسی در جهت جذب سرمایه‌های خارجی انجام شد. در سال ۱۳۴۰ طی رفرم‌هایی که تحت نام انقلاب سفید انجام شد، املاک سلطنتی به فروش گذاشته و زمین‌ها به اقساط ۵ ساله و هر هکتار ۲۵ الی ۳۱ هزار ریال به دهقانان فروخته شد. جالب آن که شاه حتا حاضر نشد املاکی را که پدرش به زور تصاحب کرده بود، رایگان تقسیم کند. کارخانه‌های بزرگ مانند ایران ناسیونال و پارس خودرو با مشارکت تالبوت و جنرال موتورز و با سرمایه‌های خارجی در ایران شروع به کار کردند. در این دوره دیگر انگلستان و روسیه تنها کشورهای خارجی حاکم بر اقتصاد ایران نبودند بلکه دیگر کشورهای امپریالیستی به خصوص امریکا در این سفره‌ی غنی اقتصاد ایران شریک بودند. مهم‌ترین صنایع، چیزی جز صنایع مونتاژ نبودند.

اصلاحات ارضی خالی شدن روستاها و مهاجرت روستاییان به شهرها را دامن زد تا نیروی کار ارزان برای این صنایع مونتاژ فراهم شود. بدین ترتیب بازارهای ایران با انبوه کالاهای صنعتی پر شد و زندگی شهرنشینی رونق یافت. این دگرگونی‌ها با افزایش درآمد نفت سرعت بیشتری یافت. به تدریج از کالاهای سنتی و بومی خبری نبود. بازرگانان و تجار به سمت خرید و فروش کالاهای لوکس و تجملی و کالاهای وارداتی متمایل شدند. در تمام این سال‌ها میزان واردات چندین برابر صادرات غیرنفتی بود.

این تغییرات اقتصادی سبب تغییرات مهمی در ساختار اجتماعی و فرهنگی کشور نیز شد. در کشورهایی که سرمایه‌داری با انقلاب و مبارزه طولانی علیه فئودالیسم روی کار آمد،

ساختار اجتماعی و فرهنگی در جامعه به تدریج تغییر کرده و مناسبات جدید نهادینه می شود، اما در کشورهای تحت سلطه، روند استقرار سرمایه‌داری به جای فئودالیسم با سرکوب و اختناق و نابودی نهادهای مردمی و بومی و تولید داخلی و سرنوشتی حکومت‌های ملی و جایگزینی حکومت‌های دست‌نشانده صورت می‌گیرد. آزادی‌های سیاسی، اجتماعی سرمایه‌داری که در روند جابه‌جایی نظام سرمایه‌داری و فئودالیسم در جوامع سرمایه‌داری کلاسیک بوجود می‌آیند، در کشورهایی مانند ایران شکل نمی‌گیرند. دولت‌های دیکتاتور با ارگان‌های سرکوب‌شان مسیر را برای استقرار سرمایه‌داری و نهادهای آن هموار می‌کنند. تشکلهای مردمی مستقل مانند اتحادیه‌های کارگری، زنان و سایر تشکلهای بوجود نمی‌آیند.

این گونه بود که مناسبات و روابط سرمایه‌داری در ایران، کشوری با ساختار فئودالی، گسترش یافت بدون آنکه مناسبات اجتماعی و فرهنگی خاص آن به وجود آمده باشد. پس نمای کلی کشور در آن سال‌ها ملغمه‌ای بود از روابط سرمایه‌دارانه و فرهنگ فئودالی. این ملغمه در مورد مسایل زنان به خوبی نمایان است. آزادی‌های فردی و اجتماعی برای زنان توسط رفرم‌هایی از بالا فراهم شد اما ساختار حاکم بر خانواده و جامعه و فرهنگ همچنان ساختارهای ماقبل سرمایه‌داری باقی ماند و سرعت تغییرش بسیار کندتر بود.^۱

۱- ثقفی، علیرضا، سیر تحولات استعمار در ایران

۱-۵- مروری کوتاه از وضعیت زنان در دهه‌ی ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰

در ابتدای دهه‌ی ۵۰ شمسی جمعیت ایران ۲۵ تا ۳۰ میلیون نفر بود. بین سال‌های ۴۵-۱۳۳۵ نرخ متوسط رشد جمعیت معادل ۳/۱ درصد بود که به میزان ۲/۷ درصد در سال ۵۰ کاهش یافت. پس از آن نرخ سالانه جمعیت برای دوره ۶۵-۱۳۵۵ به طور متوسط به رقم ۳/۹ درصد در سال رسید.

جدول شماره (۱) مشخصات اصلی جمعیت کشور بین سال‌های ۷۰-۱۳۴۵ (هزار نفر)

سال	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰
جمعیت	۲۵,۷۸۹	۳۳,۷۰۹	۴۹,۴۴۶	۵۵/۸۰
نرخ رشد متوسط	۳/۱	۲/۷	۳/۹	۲/۵

مطابق آمار سرشماری عمومی ۱۳۵۰ تعداد باسوادان زن به ۲۵,۵ درصد رسیده بود در حالی که برای مردان این میزان ۴۱,۷ درصد بود. در سال ۵۵ این میزان برای زنان ۳۵,۶ و برای مردان ۵۸,۸ بود. این آمار برای روستاها حدود ۱۷ درصد برای زنان و برای مردان ۴۳ درصد بوده است. در شهرها بیش از ۵۶ درصد زنان شاغل بی‌سواد بودند و فقط ۷ درصد از زنان شاغل آموزش عالی داشتند. در سطوح عالی تفاوت بسیاری میان زنان و مردان دیده می‌شد. به طوری که نسبت دانشجویان دختر به پسر در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴ بین ۴ تا ۱۰ درصد در دانشگاه‌های پلی‌تکنیک، علم و صنعت و صنعتی آریامهر (شریف) متغیر بود. حکومت شاه که به ژاندارم منطقه معروف بود، فقط ۷ درصد بودجه را به آموزش اختصاص داده بود، در حالی که در سال ۵۷ بودجه نظامی آن بیش از ۱۸ درصد بود.

با مراجعه به سالنامه آمار مرکز ایران در سال‌های ۵۱، ۵۶، ۶۱ و ۶۴ مشخص می‌شود که طی این سال‌ها تعداد دانش‌آموزان دختر در مقاطع کودکستان و آمادگی از ۴۵ به ۴۷ درصد در سال ۶۱ و برای مقاطع ابتدایی از ۳۸ به ۴۴ درصد در سال‌های ۶۵ و ۶۶ افزایش یافته است. در حالی که میزان دختران در حال تحصیل در مقطع راهنمایی تحصیلی تقریباً ثابت بوده است (۳۸ درصد). در مقطع دبستان میزان دختران در حال تحصیل از ۳۳ درصد در سال‌های ۵۰ تا ۵۱ به ۴۳ درصد در سال‌های ابتدایی دهه‌ی شصت

می‌رسد. اما در مدارس فنی و حرفه‌ای این میزان از ۱۹ درصد در سال‌های ابتدای دهه‌ی ۵۰ به ۱۴ درصد در سال‌های ابتدای دهه ۶۰ کاهش یافته است. در سالنامه‌ی آماری ۶۵ - ۱۳۶۶ این میزان ۲۴ درصد قید شده است. میزان حضور دختران در دانشسراها و مراکز تربیت معلم نیز از ۶۴ درصد به ۲۶ درصد در آمار سال‌های ۶۱-۶۰ کاهش می‌یابد.^۱

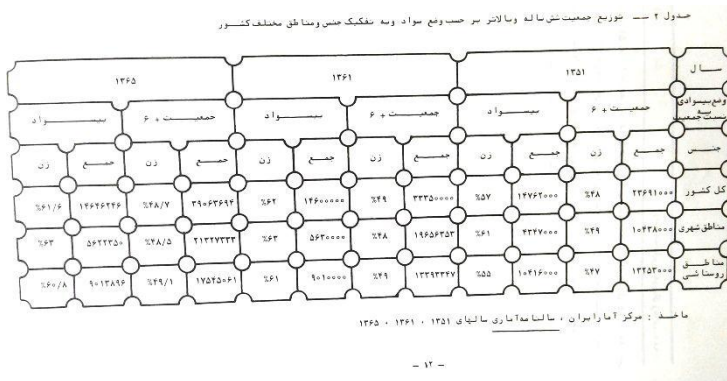
جدول ۱ - ب- تعداد دانش‌آموزان در دوره‌های مختلف آموزشی بعد از دبستان به تفکیک جنس و سال تحصیلی

شرح ستون‌ها	مدارس راهنمایی تحصیلی		دبیرستان‌های عمومی		مدارس فنی و حرفه‌ای		دانشسراها تربیت معلم
	دختر	جمع	دختر	جمع	دختر	جمع	
سال تحصیلی	۱۳۵۰ - ۵۱	۲۵۹۲۱۸	۳۸%	۱۱۴۱۰۳۵	۳۳%	۴۷۴۵۱	۱۹%
	۱۳۵۵ - ۵۶	۱۳۶۸۹۱۰	۳۶%	۷۴۰۴۷۱	۴۰%	۲۰۱۱۱۸	۲۰%
	۱۳۶۰ - ۶۱	۱۷۴۹۸۷۷	۳۸%	۹۲۷۷۵۷	۴۲%	۱۵۸۶۷۳	۱۴%
	۱۳۶۵ - ۶۶	۲۴۱۰۰۰۰	۳۸%	۱۰۲۰۰۰۰	۲۳%	۲۸۵۰۰۰	۲۴%

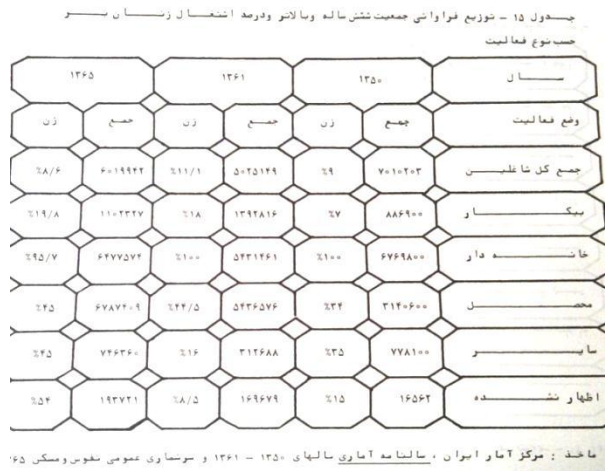
* تعداد کل طلبه‌های حوزه‌های علمیه و علوم دینی در سال تحصیلی ۶۶ - ۱۳۶۵ ، ۴۱۶۶۶ نفر بوده است که شامل ۳۸۱۸۵ پسر و ۳۴۸۱ دختر است .
 مأخذ : مرکز آمار ایران ، سالنامه آماری ، سالهای ۵۱ - ۱۳۵۰ ، ۵۶ - ۱۳۵۵ ، ۶۱ - ۱۳۶۰ ، ۶۶ - ۱۳۶۵ .

در طی این دوره جمعیت زنان باسواد کشور روندی رو به رشد داشت و از ۴۸ درصد در سال‌های ابتدای دهه‌ی ۵۰ به ۶۱ درصد در دهه‌ی ۶۰ ششمی می‌رسد. در ابتدای دهه‌ی ۵۰، میزان بی‌سوادی در کشور ۶۲ درصد بود که برای زنان ۷۳ درصد ثبت شده است. در حالی که در دهه‌ی شصت میزان بی‌سوادی در کل کشور ۳۷٫۴ درصد گزارش شده و برای زنان ۵۱٫۶ درصد.

۱- گروه بررسی مسایل زنان، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، "وضعیت اجتماعی زنان قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی"، تهیه و تنظیم تهران ۱۳۶۹



در سال ۱۳۵۵ زنان ۱۴,۸ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دادند. پس از شروع جنگ عراق میزان اشتغال زنان افزایش یافت که با خاتمه‌ی جنگ و بازگشت مردان جوان از جبهه‌ها، برای استخدام آنان در اولویت قرار گرفتند و از ۱۱,۱ درصد در سال ۶۱ به ۸,۹ درصد در سال ۱۳۶۵ کاهش یافت. در سال ۶۵ تنها ۵/۴ درصد زنان ایران از نظر اقتصادی فعال بوده‌اند.



در این سال‌ها با توجه به رشد جمعیت و پایین بودن میزان اشتغال، هر فرد شاغل در ایران وظیفه تأمین زندگی ۳/۵ نفر را به عهده داشته است. مشکل بیکاری با در نظر گرفتن ترکیب سنی جمعیت فعال و جمعیت کم شمار زنان شاغل (که در سال ۱۳۶۵ تنها ۱۰ درصد شاغلین را تشکیل می‌داده‌اند) ابعاد جدیدی یافت. در سال‌های دهه ۱۳۶۰ محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی حاکم بر فعالیت اقتصادی زنان کشور و اولویت دادن

به مردان در کسب فرصت‌های شغلی، سبب شد که پتانسیل بالقوه زنان کشور به فعل در نیاید. بین سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ سالانه تنها حدود ۲۲۰ هزار شغل جدید ایجاد شد که بیشتر آن در بخش خدمات بود. سهم بخش خدمات در اشتغال از ۳۲ درصد در سال‌های ۱۳۵۵ به ۴۲/۲ در سال ۱۳۶۵ افزایش یافت.

در طول سال‌های ۶۵-۱۳۵۵، حتی هنگامی که هنوز کشاورزی به عنوان محور توسعه تلقی می‌شد، به طور متوسط سالیانه تنها ۲/۷ هزار شغل جدید در این بخش ایجاد گردیده است. این میزان فقط جوابگوی اشتغال ۷ درصد نیروی انسانی تازه وارد به بازار کار در طی این دوره بوده است که زنان در این میان سهم کمتری را از مردان داشتند.

جدول ۱۴ - توزیع فراوانی شاغلین و درصد زنان بر حسب وضع سواد و میزان تحصیلات به تفکیک جنسی

سال	۱۳۵۰	۱۳۶۱	۱۳۶۵
وضعیت تحصیلی شاغلین	زن	جمع	زن
جمع کل شاغلین	۷۰۱۰۳۰۳	۵۰۲۵۱۴۹	۶۰۱۹۹۴۲
سواد	۱۰۰٪	۷۷/۵٪	۵۳/۹٪
ابتدایی	۱۷۲۵۲۸۳	۱۵۵۲۷۷۱	۱۴۸۶۳۳۳
متوسط	۲۷۲۳۸۲	۱۵۱۲۵۶۹	۱۵۳۲۷۸۷
عالی	۱۱۰۴۹۱	۳۶۱۸۱۲	۴۲۲۷۶۱
اظهار نشده	۲۰۶۱۱	۳۵۱۷۶	۵۹۱۴

ماخذ: مرکز آمار ایران - سالنامه آماری سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۶۱ و سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵

سهم شاغلان در بخش صنعت بر حسب جنس، الگوهای متفاوتی را نشان می‌دهد. برای مردان، این سهم از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ افزایش و پس از کاهش در سال ۱۳۶۵ دوباره از سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است.

به طور کلی، بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که درصد زنان و مردان شاغل در بخش خدمات، به صورت توأمان افزایش یافته و این افزایش برای زنان در مقایسه با مردان، دارای شدت بیشتری است. در ده سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ میزان اشتغال زنان از ۲۰ درصد به ۱۰ درصد کاهش یافت و در بخش صنعت از ۳۵ درصد به ۱۵ درصد رسید اما در همین سال‌ها اشتغال زنان در حوزه آموزش، به دلیل تفکیک جنسیتی و نیاز بیشتر به معلمان زن، دو برابر شد.

جدول زیر نیز میزان طلاق و ازدواج را در این سال‌ها نشان می‌دهد. نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۴ بین ۸ تا ۱۰ درصد در نوسان بوده و تفاوت فاحشی نداشته است.

جدول ۱۷ - آمار ثبت‌شده ازدواج و طلاق بر حسب مناطق شهری و روستایی

درجه‌بندی به ازدواج	خلی			ازدواج			
	کل کشور	مناطق روستایی	مناطق شهری	مناطق روستایی	مناطق شهری	کل کشور	سال
%۹	%۱۹	%۸۱	۱۶۰۰۰	%۵۱	%۴۹	۱۶۶۰۰۰	۱۳۵۰
%۱۰	%۱۷	%۸۳	۱۸۰۰۰	%۳۸	%۶۲	۱۶۸۰۰۰	۱۳۵۵
%۸	%۱۶	%۸۴	۲۴۴۲۳	%۳۸	%۶۲	۲۹۴۴۹۹	۱۳۶۰
%۹	%۱۸	%۸۲	۳۹۰۰۰	%۳۵	%۶۵	۳۰۸۰۰۰	۱۳۶۴

منبع: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای ۱۳۵۰، ۱۳۵۵، ۱۳۶۰، ۱۳۶۴.

حال که با شمای کلی از شرایط جهان و ایران در دهه ۵۰ شمسی، مبارزات زنان در جهان و همچنین مبارزات فمینیست‌ها در این سال‌ها آشنا شدیم، به مبارزات زنان ایران در این دهه می‌پردازیم.

بخش دوم

سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷

بررسی وضعیت زنان و مبارزات آنان در این دوره را با استفاده از منابعی پی گرفته می شود که در پی خواهد آمد.

ابتدا وضعیت آموزش، اشتغال، دستمزد، بیکاری و وضعیت زنان از نظر فرهنگی و موقعیت شان در خانواده، جامعه و قوانین موجود را با اتکا به این اسناد طرح خواهد شد و سپس به طور خاص به مبارزات زنان پرداخته خواهد شد. مقالات مندرج در این منابع بر مبنای آمار و گزارش های رسمی و مشاهدات نویسندگان است.

در انتهای این بخش به راهکارهایی اشاره خواهد شد که سازمان های سیاسی چپ در آن سال ها برای رفع این نابرابری ها ارائه می دادند.

آشنایی با منابع:

کتاب، نشریات و مقالات چپ در سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ در این سال ها، نشریات زنان، محدود به زن روز و اطلاعات بانوان و نشریاتی نظیر اینها بود؛ نشریات زردی که فرهنگ سرمایه داری غربی را تبلیغ می کردند. به جز منابع رسمی و دولتی، مانند سالنامه ی آمار یا نشریاتی رسمی مثل کیهان و ...، منابعی که برای بررسی این دوره در دسترس بوده و مورد استفاده قرار گرفته اند، چند کتاب و مجموعه مقاله از سازمان های چپ در این سال ها منتشر شده است که بر مبنای تاریخ چاپ شان، عبارتند از:

۱- **ستم کشیدگی زن در ایران، به انضمام ترجمه مقاله ی زن و خانواده، یک بررسی تاریخی** " که توسط انتشارات فانوس در نیویورک که در تیر ۵۱ منتشر شده است. این مقاله به قلم فروغ راد و آذر عاصی است و دیدگاهی فمینیستی نسبت به مسایل زنان دارد. عناوین مطالب این جزوه عبارتند از:

زن در قانون ایران / چند نکته در مورد کتبی که پیرامون حقوق زن در ایران نوشته شده است / زن از نظر سنت ها و رسوم اجتماعی / مسایل زنان دهقان، کارگر، فرهنگیان و روسپی ها / ریشه بردگی زن چیست / زن و خانواده یک بررسی تاریخی / چند کلمه هم در باره ی برخورد اپوزیسیون انقلابی ایران با مسایل ستم کشیدگی زن در ایران".
نویسندگان این کتاب در آستانه سرنگونی رژیم سلطنت به ایران آمده و در تاسیس تشکل های چپ زنان در آن سال ها فعال بوده اند.

۲- "بیا ای رنج‌دیده زن/ بزدا غبار قرن‌ها ستم" به زنان رزمنده‌ای تقدیم شده که خون پاکشان را در راه حاکمیت رنجبران و زحمتکشان میهن ایثار نموده‌اند. "سرانجام تقدیم به رفیق فاطمه سعیدی شایگان، رفیق مادر که نه تنها مادر به حق همه‌ی پویندگان راه انقلاب که بزرگترین رفیق آنهاست."

این کتاب از جمله فعالیت‌های "کمیته تحقیق در باره‌ی مساله استثمار زن" سازمان دانشجویان ایرانی در واشنگتن بالتیمور است که توسط دبیرخانه فرهنگی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در امریکا منتشر شده است. به نظر می‌رسد که این کتاب نیز توسط طرفداران گرایش مشی مسلحانه نگاشته شده باشد. عناوین مطالب این کتاب عبارتند از: بررسی تاریخی استثمار زن/ نگاهی اجمالی به زن در تاریخ ایران/ شوونیزم و استثمار زنان در عرصه تولید اجتماعی در ایران، زنان کارگر/ زنان روستا، زنان خرده‌بورژوا، بورژوا و فواحش/ تاثیر فرهنگ حاکم و گوشه‌ای از تلبورات شوونیزم/ زنان در قانون ایران/ زنان در ادبیات ایران/ تاریخچه مبارزات زنان ایران/ زنان در جنبش نوین انقلابی ایران (از سیاهکل تا به امروز)/ سوسیالیسم یگانه راه رهایی/ نقش زنان در کشورهای سوسیالیستی و جنبش‌های رهایی‌بخش زنان (چین، آلبانی، ویتنام، افریقا، عمان، شوروی)

۳- در باره‌ی مساله زن نوشته وفا جاسمی و شکوه طوافچیان که در سال‌های ۵۴ و ۵۵ نوشته و در اسفند ۱۳۵۵ به شکل کتاب‌های جلد سفید منتشر شده است. وفا جاسمی و طوافچیان از کادرهای سازمان انقلابی^۱ بودند که در سال‌های ۴۷ و ۴۸ به ایران اعزام شدند و قریب ۸ سال به کار مخفی در ایران پرداختند و نهایتاً شناسایی و دستگیر و پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه به قتل رسیدند. گفته شد که به حوض اسید انداخته یا از هلی‌کوپتر به دریاچه نمک پرتاب شده‌اند؛ اما در روزنامه‌های عصر تهران یک شنبه ۸ اسفند ۵۵ نوشته شد: "دو زن تروریست در زد و خورد با ماموران کشته شدند".

۱- سازمان انقلابی باقی‌مانده اعضای حزب توده بودند که با رهبری حزب مشکل داشته و شیوه و سازمان جدیدی را برای مبارزه انتخاب کرده بودند.

کتاب با شعار "انقلاب آزادی‌بخش تنها راه رهایی زنان میهن ماست" شروع شده و سپس مقدمه‌ی کوتاهی در مورد ۸ مارس روز بین‌المللی زنان آمده است و در ادامه در چند فصل، این مباحث مطرح شده است:

بینش مارکسیستی نسبت به مساله زن/مراحل مختلف تکامل جامعه و موقعیت اجتماعی زنان/سوسیالیسم و رهایی زن/وضع زنان در ایران از نظر اقتصادی، (میزان مزد و حقوق زنان، ساعات کار، بیمه‌های اجتماعی و امکانات رفاهی) وضع زنان از نظر فرهنگی سواد/آداب و رسوم و تفکر غالب/سطح آگاهی زنان/وضع زنان از نظر حقوق (قانون انتخابات، اصلاح قانون خانواده، حق تعدد زوجات و حق طلاق) موقعیت زن در خانواده/زنان ایران برای رهایی خویش مبارزه می‌کنند/تاریخچه و مبارزات اخیر زنان ایران و اقدامات رژیم. ۴- از چریک‌های فدایی خلق، جزوه‌ای که به طور مشخص به مسایل زنان مربوط باشد منتشر نشده یا در دسترس نیست. در این سال‌ها، کتاب **منشا خانواده و مالکیت خصوصی** انگلس توسط مسعود احمدزاده، از تئوریسین‌های این سازمان ترجمه شد. در نشریات "نبرد خلق" (ارگان این سازمان) که در سال‌های ابتدای دهه ۵۰ منتشر شده، نیز مطالب ویژه‌ای به طور مشخص در مورد مسایل زنان وجود ندارد. تنها گزارش‌هایی از اعتصاب کارگران قرقره‌ی زیبا و کفش ملی است که زنان کارگر در آن نقش برجسته‌ای داشته‌اند و همین طور تحقیقی در مورد روستاهای کرمان که به زنان روستایی نیز پرداخته شده است. گزارش‌هایی نیز در مورد زنان مبارز و چریک وجود دارد.

در کتاب **کندوکاو در مسایل تربیتی** نوشته صمد بهرنگی (که به این گرایش فکری نزدیک بوده) به طور مختصر به وضعیت زنان در روستاها پرداخته شده است. کتاب **حماسه مقاومت**، ماجرای زندان، شکنجه و فرار اشرف دهقانی (از اعضای چ ف خ) نیز در این سال‌ها منتشر شد. کتاب **دالغا** نوشته مرضیه احمدی اسکویی شامل مجموعه گزارش‌هایی است که به مسایل زنان زحمتکش ایران پرداخته و با دید جامعه‌شناسانه و البته طبقاتی به زبانی ساده شرایط زندگی و ستم چندگانه‌ای را بیان کرده است که به زنان می‌رود.

۵- **ارتش عظیم زنان به میدان می‌آیند** توسط حزب توده و به مناسبت روز جهانی زن در سال ۵۵ یا ۵۶ منتشر شده است. این مجموعه نیز حاوی مقالاتی در مورد مسایل

زنان است: زنان ایران و پنجاه سال حکومت خاندان پهلوی/ رژیم برای تامین برابری زن و مرد چه کرده است؟! جنبش مترقی زنان ایران در راه احراز حقوق اجتماعی خود/ سخنانی چند در باره زنان/ زن و سوسیالیسم از دیدگاه لنین/ حزب توده ایران و نهضت زن در ایران/ موقعیت و نقش زنان در اتحاد جماهیر شوروی.

کتاب **نقش زن در اجتماع** نوشته لنین، توسط مریم فیروز در این سال‌ها ترجمه و منتشر شده بود.

با آن که شمار این گونه جزوات اندک است، مندرجات آن می‌تواند نشان از میزان نوع نگاه نویسندگان آن به مسایل زنان در سازمان‌های چپ و سیاسی باشد که در این سال‌ها فعال بوده‌اند. در همه این منابع، آمارها و گزارش‌هایی از وضعیت زنان، تبعیض‌های جنسیتی در حوزه‌های آموزش، اشتغال، بیکاری و دستمزد و همچنین تبعیض در حقوق مدنی و فرهنگی و خانواده وجود دارد که شمایی از وضعیت زنان در آن دوران ارائه می‌دهد. مبارزات زنان ایران و جهان نیز بخشی از تحقیقات آنان است و در برخی از این کتاب‌ها نیز چشم‌انداز رهایی زنان آمده است.

۲-۱- سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی زنان

در سال‌های ابتدایی دهه ۵۰، تنها تشکل دولتی موجود در حوزه زنان، سازمان زنان بود که در سال ۱۳۴۵ به ریاست اشرف پهلوی تشکیل و جانشین "شورای عالی جمعیت‌های زنان"^۱ شده بود. تا سال ۵۷ این سازمان ۱۱۳ مرکز داشت و ۵۵ سازمان دیگر را که مربوط به زنان بود تحت پوشش داشت. از جمله می‌توان به این تشکل‌ها اشاره کرد: جمعیت راه نو، جمعیت بیداری زنان، جمعیت بانوان تهران پارس، جمعیت زنان صاحب شغل و حرفه، جمعیت صلح نو، جمعیت شورای زنان، جمعیت بانوان هاتف، جمعیت بانوان و دوشیزگان، جمعیت زنان زرتشتی، جمعیت بانوان ارت، جمعیت ماماها‌های ایران، جمعیت زنان آشوری و کلدانی، انجمن معاونت زنان شهر تهران، انجمن زنان و دختران نارمک، جمعیت حمایت از زنان بی‌پناه، جمعیت حمایت از مستمندان و کهنسالان، جمعیت پرستاران ایران، جمعیت کل خیریه ارامنه، انجمن فارغ‌التحصیلان مدرسه آمریکایی، جمعیت بانوان پزشک، جمعیت حرفه و فن، جمعیت بانوان فرهنگی، سازمان بانوان یهود، جمعیت زنان خانه‌دار، جمعیت زنان مهندس و پژوهشگر، کلوپ زونتای تهران، انجمن بهداشت کاران دهان و دندان، سازمان زنان طرفدار اعلامیه حقوق بشر، جمعیت راه نو و... این جمعیت‌ها که غالباً همان جمعیت‌های عضو شورای عالی زنان بودند و بعدها به عضویت سازمان زنان در آمدند.

اتحادیه زنان حقوق‌دان در اوایل دهه ۴۰ تاسیس شد و وابسته به اتحادیه‌ی بین‌المللی زنان حقوق‌دان ایران بود. این اتحادیه یک تشکل صنفی بود و به گفته رییس اتحادیه، بر طبقه خاصی از زنان تکیه نداشت. دبیر این اتحادیه پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی اعلام کرد:

۱- شورای عالی جمعیت زنان ایران نیز در اسفند ۱۳۲۷ به ریاست اشرف پهلوی تشکیل شده بود. این شورا با اتحاد جمعیت زنان موجود در کشور و با شرکت ۵۰ عضو مؤسس به فعالیت پرداخت. پس از مدتی این شورا به عضویت شورای بین‌المللی زنان درآمد و به تطبیق فعالیت‌های جمعیت‌های زنان در نقاط مختلف پرداخت. این شورا پس از هشت سال فعالیت، به دلیل عدم موفقیت منحل شد. (سازمان زنان ایران؛ ابزار فرهنگی-اجتماعی حکومت شاه و نقش اشرف پهلوی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی)

"اشرف پهلوی می‌خواست همه‌ی جمعیت‌های زنان در یک سازمان سراسری تحت ریاست خود او قرار گیرند که این اتحادیه قبول نکرد و به وابستگی خود به یک اتحادیه بین‌المللی استناد کرد."

وجه اشتراک فعالیت اغلب جمعیت‌های زنان در این سال‌ها، تأسیس کلاس‌های اکابر (سوادآموزی بزرگسالان) همراه با کلاس‌های آموزش خیاطی، آرایش، قلاب‌بافی و... بود. سازماندهی و نحوه اداره این جمعیت‌ها، با اقتباس از الگوهای مشابه در کشورهای غربی بود. زنانی که در رأس هیات‌مدیره قرار داشتند، با سفرهای مختلف و ارتباط با جمعیت‌های زنان کشورهای مختلف، اهداف و عملکرد خود را تدوین می‌کردند.

یکی از واحدهای خدماتی سازمان زنان، مراکز رفاه خانواده بود که مباحثی مانند بهداشت و تنظیم خانواده، مشاوره خانواده و امور حقوقی، مهدکودک و آموزش را در دستور کار خود قرار داده بود. بودجه این مراکز بسیار کم بود. به دلیل ضعف مالی و کمبود نیروهای متخصص در مراکز رفاه خانواده و با توجه به نرخ رشد سه درصدی جمعیت در ایران، خدمات این مراکز بسیار محدود بود. سازمان زنان ایران در زمینه مبارزه با بی‌سوادی نیز فعالیت‌هایی داشت. این سازمان همکاری‌هایی نیز با کمیته ملی پیکار جهانی با بی‌سوادی داشت. گروه پژوهشی سازمان زنان با همکاری یونسکو، مأمور اجرای طرح سوادآموزی زنان روستایی در ایران شد^۱ و کارهای پژوهشی بسیاری نیز انجام داده بود که در جریان انقلاب بهمن ۵۷ از بین رفت.^۲

بیشتر اقدامات این سازمان جنبه نمایشی داشت که با تهیه گزارش‌هایی از پیشرفت در زمینه‌های مختلف آموزش و بهداشت و ... زنان همراه بود. در این راستا صندوق سرمایه‌گذاری سازمان خدمات اجتماعی تشکیل شد؛ به یاری دوستان اشرف پهلوی، چون هژیر، درصدی از پول بنزین و گمرکات به این سازمان تعلق می‌گرفت. تشکیل چنین

1-<http://rasekhoon.net/article/show/۷۲۹۰۳۲>

۲- پس از انقلاب، امکانات و دفاتر این سازمان در اختیار اعظم طالقانی قرار گرفت و جامعه زنان مسلمان را تشکیل داد، این پژوهش‌ها در آن زمان از بین رفت. شهین نوایی در سخنرانی‌ای اعلام کرد که بخشی از این تحقیقات را زنان عضو اتحاد ملی زنان به طور اتفاقی از کنار خیابان جمع کرده و به دفتر اتحاد ملی منتقل کرده بودند.

سازمان‌هایی در راستای تحقق اهداف اصلاحات ارضی و انقلاب سفید محمد رضا شاه پهلوی بود.^۱

تصویب قوانین حمایت از خانواده از جمله اقدامات این سازمان بود. این قانون یکی از رفرم‌هایی بود که در دوران شاه و از بالا در جهت تغییر شرایط زندگی زنان انجام شد. با وجودی که در اساسنامه به صراحت قید شده بود که سازمان زنان ایران جنبه سیاسی ندارد اما در انتخابات نیز فعال بود.

"در سال‌های آخر، هنگامی که سازمان به قریب یک میلیون عضو، ۴۰۰ شاخه سازمانی، و ۷۰ هزار داوطلب فعال رسیده بود، ما به فعالیت‌های سیاسی مستقیم‌تری مانند پشتیبانی و تایید کاندیداهای انتخابات نیز دست زدیم." (اشرف پهلوی)

از جمله اقدامات این سازمان، ایجاد ارتباط با کمیسیون "مقام زن" در سازمان ملل بود. به دنبال اولین ارتباط، اشرف پهلوی در سال ۱۳۴۱ برای ایراد سخنرانی در کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد و دو کنگره بین‌المللی زنان به آمریکا سفر نمود و در همان سال به دعوت رسمی دولت هندوستان برای سخنرانی در کنگره بین‌المللی زنان به هند و سپس برای سخنرانی در سازمان زنان به تایلند عزیمت کرد. او در سال ۱۳۴۴ به ریاست اجلاس کمیسیون جایگاه زن سازمان ملل انتخاب شد. این اجلاس در تهران برگزار گردید. وی همچنین ریاست هیأت نمایندگی ایران را در نوزدهمین اجلاس کمیسیون جایگاه زن (مارس ۱۹۶۶) برعهده داشت. این اجلاس در ژنو برگزار شد.^۲

۱- رنجبر عمرانی، حمیرا، سازمان زنان ایران؛ ابزار فرهنگی - اجتماعی حکومت شاه و نقش اشرف پهلوی

۲ - <http://www.tebyan.net/newmobile.aspx/index.aspx?pid=۱۷۳۵۴۱>

۲-۲- سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون و مسایل زنان

در این سال‌ها سازمان‌های سیاسی که علیه رژیم سلطنت مبارزه می‌کردند نیز با توجه به دیدگاه‌های خود به مسایل زنان توجه داشتند. برخی از این سازمان‌ها مبارزه مسلحانه را به عنوان شیوهی اصلی مبارزاتشان انتخاب کرده بودند. بیشتر این سازمان‌ها چپ و مارکسیست بودند و برخی هم مذهبی. از سازمان‌هایی که مشی مسلحانه را انتخاب کرده بودند می‌توان به سازمان چریک‌های فدایی خلق و مجاهدین خلق اشاره کرد که زنان نیز در این سازمان‌ها فعال بودند. زنان فعال در این سازمان‌ها در سطوح مختلف هوادار، عضو، کادر مرکزی و مسوول خانه‌های تیمی فعالیت داشتند. تعدادی از زندانیان سیاسی در این دوره نیز زن بودند. طبق آمارهای موجود حدود ده درصد از کسانی که اعدام شده یا در درگیری‌های مسلحانه کشته شده یا هنگام دستگیری با سیانور خودکشی کرده‌اند، زن بودند.^۱

در این دوره حزب توده رهنمود داده بود که هوادارانش با عضویت در نهادهای دولتی زنان از فضای موجود در این سازمان‌ها، برای ارتباط با زنان و طرح خواسته‌های مترقی زنان استفاده کنند؛ هر چند بیشتر اعضای "تشکیلات دموکراتیک زنان" پس از کودتای ۲۸ مرداد کشور را ترک کرده و در کشورهای اروپای شرقی زندگی می‌کردند.

کنفدراسیون دانشجویان ایران نیز یکی دیگر از نهادهایی بود که در خارج از ایران به مبارزه با رژیم شاه می‌پرداخت و زنان در آن عضویت و فعالیت داشتند. در این سال‌ها سازمان‌های ملی و مذهبی مانند جبهه ملی و ... نیز فعالیت‌هایی داشتند. از حضور فعال زنان در این سازمان‌ها سندی در دست نیست و به نظر می‌رسد همسران، مادران و خواهران اعضای این سازمان‌ها در آن سازمان‌ها و حواشی آن فعال بوده‌اند. از فعال‌ترین

۱- از آبان ۱۳۴۳ که فعالیت‌های چریکی شروع شد تا مهر ماه ۱۳۵۶ که راهپیمایی‌های عمومی آغاز گردید جمعا ۳۴۶ تن در تمام دوره مبارزات چریکی جنبش مسلحانه اعم از مسلمان و مارکسیست، در جریان مبارزه، اعدام یا در درگیری‌های مسلحانه کشته شدند یا خودکشی کردند که طبق آمارها بیش از ده درصد آنان زن بودند. ۳۲ زن از ۲۴۳ فدایی کشته شده. طبق مطالعات آبراهامیان از ۳۴۱ چریک کشته شده در فاصله سال‌های ۷۱ تا ۱۹۷۷ سی و نه نفر زن بودند که ۱۴ نفر شان خانه دار، ۱۳ نفر دانشجو، ۹ نفر معلم، دو پزشک و یک نفر کارمند بودند.

این زنان می‌توان به پروانه اسکندری (فروهر) اشاره کرد. جنبش دانشجویی در دهه ۴۰ و ۵۰ شمسی بسیار فعال بود و دختران دانشجو همواره در این مبارزات حضوری فعال داشتند. اقداماتی از جمله اعتراض به گران شدن بلیط اتوبوس‌ها، مسایل صنفی مانند بد بودن غذا در سلف سرویس‌ها و برگزاری تظاهرات اعتراضی در ۱۶ آذر هر سال از بارزترین این فعالیت‌ها بود.

تلاش‌هایی نیز از سوی زنان هوادار جنبش مسلحانه برای پرداختن به مسایل زنان به طور خاص وجود داشته است. مهناز متین در مصاحبه‌ای با یکی از این زنان چنین نقل می‌کند:

"دو سالی پیش از انقلاب بهمن، در میان هواداران مشی چریکی معدودی زن که به مساله زنان حساسیت داشتند، کوشش‌هایی در جهت مبارزه متشکل انجام دادند. برای نمونه می‌توان از "کمیته زنان هوادار جنبش نوین انقلابی" نام برد. این کمیته را سه تن از هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق در سال ۱۳۵۴ تشکیل داده بود و اعضایش از ده نفر تجاوز نکرد. هدف بینانگذاران این کمیته پرداختن به مسایل زنان بود، البته در چارچوب یک سازمان چپ طرفدار مشی چریکی. از جمله فعالیت‌های این کمیته انتشار چند اعلامیه در مورد وضعیت زنان بود."^۱

اطلاعات بیشتری از این کمیته در دسترس نیست. شاید کمیته‌های دیگری شبیه آن در دیگر نقاط ایران، توسط زنان آگاهی که حساسیت بیشتری نسبت به مسایل زنان داشتند، تشکیل شده باشند، کمیته‌هایی که اثری از آنها باقی نمانده است.

۱. نیروهای چپ و مبارزات زنان، مهناز متین، به نقل از مصاحبه مهناز متین با زهره احمدی یکی از سه بنیانگذار این کمیته، نشر نقطه

۲-۳- بازنمایی وضعیت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی زنان در سال‌های ابتدایی دهه ۵۰ شمسی در منابع سازمان‌های چپ

۲-۳-۱- وضعیت آموزش برای زنان و دختران

در کتاب "در باره مساله زن"^۱ وضعیت زنان از نظر فرهنگی چنین آمده است:

"بنا به آمار دولتی تعداد کل بی‌سوادان کشور در سال ۵۱ حدود ۶۰ درصد و بی‌سوادان زن ۷۵ درصد اعلام شده است. در این آمار زنانی که دو یا سه کلاس ابتدایی درس خوانده‌اند را جزو باسوادان به حساب آورده است... مطابق معمول همه‌ی جوامع استثنائی، این محرومیت نیز بیش از همه گریبانگیر زنان زحمتکش ماست. چنان که از ۶ میلیون زن روستایی ۵,۵ میلیون نفر آنها بی‌سوادند و سه میلیون زن بی‌سواد شهری هم اغلب از زحمتکشان هستند. مطابق آمار وزارت کار از ۱۸۱۴۱ زن کارگر بیمه شده در سال ۵۱، ۹۵ هزار نفر بی‌سواد و فقط ۸ هزار نفر تحصیلاتی تا پنجم ابتدایی داشته‌اند. رژیم ایران هم‌زمان با انقلاب مشعشانه خویش (!) پرچم مبارزه با بی‌سوادی را نیز بلند کرد و تبلیغات وسیعی هم در مورد اقدامات خود یعنی تشکیل سپاه دانش و ایجاد مدارس در موقع جشن‌های ۲۵۰۰ ساله و غیره به راه انداخت ولی بعد از گذشت ده سال ارقام ذکر شده در بالا کارنامه‌ی رژیم را نشان می‌دهد. وقتی به جست‌وجوی علت سطح بالای بی‌سوادی در کشورمان می‌رویم، می‌بینیم که در آمارهای سال ۵۱ آمده است که ۱۱ میلیون نفر از ۱۵ میلیون نفر بی‌سوادان کشور به علت نبودن مدرسه و فقر مالی موفق به سوآدموزی نشده‌اند ... رژیم ایران برای منحرف کردن نظرات از مسببین اصلی این درجه از بی‌سوادی در ایران، از این واقعیت می‌نالد و به اصطلاح می‌خواهد در نظر افکار عمومی داخلی و بین‌المللی خود را متاثر از این وضع نشان دهد."

در ادامه به خبر باخت اشرف پهلوی در کازینوهای مونت کارلو (یک میلیون فرانک، بیش از یک ونیم میلیون تومان) پرداخته و سپس چنین می‌نویسد:

۱- جاسمیان، وفا، طوافچیان، معصومه از کادریهای سازمان انقلابی، ۱۳۵۴

"در حالی که اکثریت افراد کشور ما به علت فقر و نبودن مدرسه بی‌سواد می‌مانند، این پست‌فطرتان برای ارضای خواست‌های عظمت‌طلبانه خود ۷۰۰ هزار دلار (تقریباً ۵ میلیون تومان) برای پیکار با بی‌سوادی جهانی به یونسکو می‌دهند (کیهان ۵۴/۹/۱۱) و یا برای پیکار با بی‌سوادی جایزه اعطا می‌کنند. این حکومت بنا به ماهیت خود نه می‌خواهد و نه می‌تواند واقعا با بی‌سوادی مبارزه کند. اگر فقر از دلایل اساسی بی‌سوادی کشور ماست، رژیمی که خود موجد فقر است، طبعا نمی‌تواند با بی‌سوادی مبارزه کند. عدم استقبال روستاییان از کوچک و بزرگ از کلاس‌های سپاهیان دانش، به علت احتیاج به کار در مزارع و کشتزارها و عدم استقبال زحمت‌کشان شهری از این کلاس‌ها خستگی مفرط و وقت کم، موید شکست اقدامات رژیم در این باره است. بگذریم از این که این اقدامات در واقع امر خیلی ناچیزتر از آنند که در بلندگوهای رژیم اعلام می‌شود ..."

در کتاب "ارتش زنان به میدان می‌آیند" در زمینه وضعیت آموزش زنان چنین آمده است: "در دهه ۵۰ نیز به رغم سرو صدای بسیاری که در زمینه پیکار با بی‌سوادی به راه انداختند نرخ بی‌سوادی در کشور را معاون وزیر آموزش و پرورش ۷۲ درصد اعلام کرده بود و پیش‌بینی کرده که اگر اقدام فوق‌العاده‌ای صورت نگیرد تا پایان برنامه پنجم درصد زنان باسواد از ۲۷ به ۲۲ درصد کاهش خواهد یافت. فرصت برابر در زمینه آموزش نه تنها در نقطه‌ی آغاز بلکه در جریان تحصیل هم برای دختران وجود ندارد. آمارهای دولتی می‌گویند که از هر ۱۰۰ دختری که در سال ۴۷ و ۴۸ در دبستان ثبت نام کرده‌اند ۴۲ نفر به علل مختلف قبل از رسیدن به کلاس پنجم مدرسه را ترک کرده‌اند. در سال ۵۱ و ۵۲ نیز ۶۵ درصد دخترانی که ۶ سال قبل در سال اول دبیرستان نام‌نویسی کرده بودند، ترک تحصیل کرده‌اند. در سال ۵۴ در برابر هر ۱۰۰ دانشجوی پسر فقط ۲۵ دانشجوی دختر وجود داشت. در رشته‌های مهندسی تا ۹۲ درصد دانشجویان پسر بوده‌اند."

۲-۳-۲- اشتغال دختران و زنان

در ابتدای دهه ۵۰ حدود ۷۷ درصد زنان شاغل در روستا ساکن بودند و در سال ۱۳۵۱ حدود ۷۵ درصد زنان شاغل در روستا، قالبیاف بودند و اکثر زنان شاغل در روستا به همین دلیل جزء کارکنان فامیلی بدون مزد به حساب می‌آمدند. دستمزد کارگران کشاورزی زن در روز به طور متوسط نصف دستمزد کارگران کشاورزی مرد بود. اغلب زنان کارگر در کارهایی نظیر چایکاری، برنجکاری، وچین، پسته خندان کردن؛ قوزه پنبه جمع کردن و غیره با دستمزدی بین ده تا ۸۰ ریال در روز کار می‌کردند.

در شهرها ۳۷ درصد زنان در صنایع نساجی؛ ۲۴ درصد در خدمات اجتماعی، ۱۹ درصد در خدمات شخصی به کار اشتغال داشتند. در سال ۱۳۴۵، نرخ بیکاری زنان ۸/۷ درصد بود. در سال ۵۵ نرخ بیکاری زنان ۱۶,۴ و نرخ بیکاری مردان ۹,۱ درصد بوده است.

در بخشی از کتاب "ستم‌کشیدگی زن در ایران" ^۱ شرایط زندگی زنان روستایی و کارگر مورد بررسی قرار گرفته و به دستمزد زنان، کار بدون مزد در روستاها، تصاحب دستمزد زنان به وسیله‌ی مردان و... اشاره شده است:

" مطابق آمار دولتی درصد زنان فعال از نظر اقتصادی در سال ۱۳۵۰ حدود ۳۰۲ هزار نفر بود که ۷,۵ درصد در شهرها ساکن بودند و بقیه در روستاها زندگی می‌کردند. در صنایعی مانند غذایی؛ تولید کفش و لباس، شیمیایی؛ الکتریکی مجموعاً حدود ۱۱ هزار زن؛ یعنی کمتر از ۴ درصد کل زنان مزدبگیر به کار اشتغال داشتند. بسیاری از این زنان به عنوان کارگر ساده مشغول به کار بودند ... مطابق قانون، دستمزد کارگر زن و کارگر مرد برای کار مساوی باید یکسان می‌بود ولی حتی بنا به گزارش منابع دولتی نیز در عمل چنین نبود. کار در خانه، قطعه‌کاری در تولید پوشاک بسیار شایع بود."

قوانین حمایتی وجود داشت از جمله مرخصی زایمان و تاسیس مهد کودک در کارخانه‌هایی که حداقل ده کودک شیرخوار داشت اما، به خصوص در شهرستان‌ها، به ندرت اجرا می‌شد. کار نیمه وقت با دریافت نصف حقوق و مزایا در این دهه برای زنان کارمند وجود داشت.

۱- راد، فروغ عاصمی، آذر، ۱۳۵۱، انتشارات فانوس

در کتاب "در باره مساله زن" جاسمی و طوافچیان به وضعیت زنان کارگر به طور مفصل و دقیق پرداخته و به این مساله اشاره کرده‌اند که ساعات کار برای زنان مفهومی ندارد، به خصوص برای زنان روستایی. طول مدت کار روزانه برای کارگران در کارخانه ۹ ساعت و در کارگاه‌ها ۱۲ ساعت است. کارگران عملاً از تامین اجتماعی و بیمه بی‌بهره‌اند. آمارها و خبرهای دولتی نیز همین تحلیل را تایید و مستدل می‌کنند که برای نمونه به خبری اشاره شده که از سوی یکی از زنان درباری در مورد آمار مهدکودک‌ها منتشر شده است که برای ۴۹۰ هزار زن کارگر و ۲۰۱ هزار زن کارمند در سال ۵۴، فقط ۹۷ مهدکودک و ۲۵ شیرخوارگاه وجود داشته که بیشتر این مراکز در تهران بوده‌اند.

در بخش دیگر کتاب به نقد عملکرد بخش‌های بهداشت مادر و کودک پرداخته شده است که در برخی ادارات تاسیس شده بود و اشاره کرده که فقط به کار تنظیم خانواده و دادن قرص و سایر وسایل جلوگیری از بارداری می‌پردازند و کاری به تغذیه و بهداشت کودکان و امراض گوناگون تناسلی ندارند که زنان زحمتکش به دلیل زایمان‌های غیربهداشتی و کم‌غذایی و کم‌خونی و... به آن متبلا بوده‌اند. در کتاب "در باره‌ی مساله زن"، تحت عنوان وضع زنان از نظر اقتصادی چنین آمده است:

"همزمان با رشد سرمایه‌داری وابسته در ایران، احتیاج سرمایه‌داری به نیروی کار فزونی یافت و در این میان، استفاده از نیروی کار زنان، مخصوصاً به علت ارزان بودن آن و کم‌توقعی زنان مورد توجه خاص قرار گرفت به طوری که هم اکنون در تعداد زیادی از کارخانه‌ها مانند بیسکویت‌سازی مینو، قرقره زیبا، باطری ری او واک، لامپ سازی رشت، پارس الکتریک، شاب لورنس و... و در بسیاری از قسمت‌های کارخانه‌هایی مانند کفش‌سازی جم، ملی، بلا و تولید لوازم الکتریکی، نساجی و مواد غذایی یا منحصرأ یا به طور عمده زنان را استخدام می‌کنند. از طرف دیگر با بالا رفتن هزینه‌ی زندگی در اغلب خانواده‌های پایین و متوسط، گذران زندگی با تکیه فقط به درآمد مرد دیگر امکان نداشته و زنان نیز ناگزیر از کار کردن در خارج از خانه می‌باشند. به علت دو عامل فوق یکی ایجاد امکانات برای استفاده از نیروی کار زنان و دیگری احتیاج مادی زنان به کار کردن است که می‌بینیم روزبه‌روز بر تعداد زنانی

که در خارج از خانه کار می‌کنند، افزوده می‌شود. چنانچه تعداد زنان کارگر از ۸۹ هزار نفر در سال ۵۱ به ۴۹۰ هزار نفر در سال ۵۴ و تعداد زنان کارمند به ۲۰۱ هزار نفر رسیده است. البته این ارقام از منابع دولتی گرفته شده‌اند و عده زیادی از زنان زحمتکش را که در منازل یا کارگاه‌های کوچک مشغول به کارند، شامل نمی‌شود...^۱ و در ادامه کار زنان روستایی و میزان مزد و حقوق، ساعات کار، بیمه‌های اجتماعی را به دقت بررسی می‌کند.

در تحلیلی که در "نبرد خلق"^۳ در مورد اعتصاب کارگران کفش ملی آمده به شرایط کار کارگران و تبعیض‌های جنسیتی در زمینه مزد و شرایط کار اشاره شده است. این اعتصاب در تابستان ۵۵ به مدت ۴۵ روز ادامه داشته که در ادامه شرح دقیقی از نحوه تولید در این واحد جدید داده شده است.

"کارگران مجبورند در هنگام دوخت روی کار خم بشوند و اغلب به کمر درد و پشت درد مبتلا هستند البته برای تکمیل دکوراسیون چهارپایه‌های پشتی‌داری هم در کارگاه‌ها تعبیه کرده‌اند که فورمن‌ها (سرکارگر) به طور جدی از تکیه دادن کارگران به آنها جلوگیری می‌کنند. سردرد مداوم نیز از بیماری‌های رایج در کارخانه است..."^۱ بعد تاکتیک‌هایی را آورده که کارفرما از آن برای جلوگیری از پیوستگی و اتحاد کارگران استفاده می‌کند مانند جریمه همگانی، اگر کفشی خراب شود همه‌ی کارگران جریمه می‌شوند و به این ترتیب کارگران برای مدتی با کارگر خاطی بد می‌شوند. به خدمت درآوردن کارگران مستعد جاسوسی از طریق دادن اضافه حقوق، استقلال کارخانه‌ها، پراکنده ساختن کارگران قدیمی از جمله این تاکتیک‌هاست.

"کارخانه دارای کارگران زن و مرد است سن مردان بین ۲۰ تا ۴۰ و سن زنان بین ۱۴ تا ۴۰ می‌باشد. مزد کارگران ساده زن و مرد به هنگام استخدام ده ریال با هم تفاوت دارد. زنان ۱۱۰ ریال و مردان ۱۲۰ ریال که ده ریال آن هم برای نهار کسر می‌شود. مزد کارگران بی‌سواد ده ریال کمتر از مزد کارگران باسواد است. در ضمن هر ۱۵ روز کار بدون غیبت ۱۵ تومان پاداش دارد از [مجموع ساعات کار] ، ۴۵ دقیقه برای صرف نهار و یک ربع برای صرف صبحانه. ۸ ساعت باقی مانده مدت زمان

۱- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، نبرد خلق ۳

تولید روزانه است که کارگر حق ندارد حتا یک دقیقه آن را تلف کند ... اضافه کاری مطابق حقوق روزانه است با ۳ یا ۴ ریال بیشتر. در ضمن در مواقعی که کارگری برنامه‌ی کاریش را در مدت مقرر تمام نکرده باشد او را مجبور به اضافه کاری مجانی می‌کنند..."

در بررسی وضعیت زنان در عرصه تولید اجتماعی در ایران، کتاب "به پاخیز..."^۱ در زیر عنوان "زنان کارگر" به بررسی قانون کار پرداخته است:

"قانون کار در مورد حداقل دستمزد بیمه کارگران، مرخصی دوران بارداری، وضع حمل و ایجاد شیرخوارگاه‌ها در محیط کار مطالبی بر روی کاغذ آورده است که هیچ کدام انجام نمی‌شود... با ورود زنان و کودکان به عرصه‌ی تولید، درآمد خانواده بالا نمی‌رود بلکه تنها سود بیشتری عاید سرمایه‌دار می‌شود. سرمایه‌داری علاوه بر آنکه از مجموع ارزش اضافی که از نیروی کار مرد و زن و کودک به دست می‌آورد سود فراوانی انباشت می‌کند و از پرداخت دستمزد بیشتر به مرد امتناع می‌ورزد در واقع با تقسیم همان دستمزد سابق مرد بین کلیه اعضای خانواده از نیروی کار مضاعف کار تولیدکنندگان جدید نیز سود می‌جوید."

سپس به نقل از نشریه دانشجو چنین می‌نویسد:

"در کارخانه پارچه‌بافی دولتی یک کارگر مرد دستمزدش ۶۰ ریال و کارگر زن ۳۰ ریال است. دستمزد ۳۰ هزار کارگر دستباف که اکثر زن هستند از ۱۵ تا ۲۰ ریال است ... کارگران صنایع غذایی که ۹۵ درصد کارگران آن را زنان تشکیل می‌دهد نیز به طور فصلی استخدام می‌شوند و عمده کارشان از اواسط بهار تا اواخر تابستان صورت می‌گیرد. ... به شیوه کارمزدی اداره می‌شود. می‌توان در قسمتی از آن زنان دهاتی را دید که در محلی انبارمانند نشسته‌اند و به پاک کردن سبزی مشغولند. اینان دارای سنین متفاوتی هستند و بسته به مهارتی که دارند حقوق می‌گیرند... ۶۵ درصد زنان کارگر که در کارخانه‌های چای کار می‌کنند، کار فصلی دارند و سن آنها بین ۱۲ تا ۱۸ سال است و حقوق روزانه‌شان فقط ۴۰ ریال است در قبال ۱۵ ساعت کار طاقت فرسا ... در کارخانه کنسروسازی شیلات جنوب دو نوع کار فصلی

۱- کمیته تحقیق در باره مساله استثمار زن، سازمان دانشجویان ایرانی در واشنگتن

و دائمی وجود دارد که در قبال ۸ ساعت کار فقط ۷۰ ریال مزد می‌گیرند و فقط چند ماه در سال کار می‌کنند."

در اسناد سازمان چریک‌های فدایی خلق گزارشی در مورد روستاهای کرمان وجود دارد که در آن به وضعیت اشتغال و دستمزد زنان روستاهای کرمان اشاره شده است:

"قالی‌بافی اربابی است و مزد کار برای هر گز قالی^۱ ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان است. حتا بچه‌های ۵ یا ۶ ساله نیز به کار واداشته می‌شوند. برخی از زنان پشم‌ریسی می‌کنند و برای رشتن هر من پشم ۵۵ ریال مزد می‌گیرند که یک هفته طول می‌کشد. من تاجران یک من و چارک یا بیشتر است که زنان حق اعتراض ندارند... مزد قالی‌بافان مرد ۴۰ تا ۶۰ ریال، مزد قالی‌باف زن ۱۵ تا ۴۰ ریال و مزد قالی‌باف بچه ۵ تا ۱۵ ریال... هر قالی‌باف هم معمولاً ۳ الی ۴ ماه بیکاری دارد..."

در کتاب "به پای زن رنج دیده" نیز به دستمزد زنان در روستاها اشاره شده است:

"دستمزد زنان چای‌چین ۲۵ ریال در روز و ساعات کار برای این زنان زحمتکش ۱۲ ساعت است ... زنان خوش‌نشین هم در پنبه‌چینی و درو و سایر کارهای کشاورزی شرکت دارند، مزد آنان از ۲۵ ریال در روز تجاوز نمی‌کند. مزد پنبه‌چینی منی ۲ ریال است ...

در شرکت‌های سهامی زراعی نیز مزد زنان و کودکان بین ۱ تا ۳ تومان است و مزد مردان ۶ الی ۱۰ تومان. مزد آنان به صورت کارمزدی است و برای هر ردیف گره به آنها ۵ تا ۸ ریال بر حسب مرغوبیت قالی می‌پردازند. یکی از دختران استادکار می‌گفت که در مدت سه ماه به او فقط ۱۰۰ تومان مزد داده‌اند. او می‌گفت که در این مدت از ساعت ۹ صبح تا ده شب کار می‌کرده است..."

۱- گز از واحدهای قدیمی طول که تقریباً برابر با ۹۴ تا ۱۰۴ سانتی متر بود. گز استاندارد یکسانی نداشت و از شهری به شهر دیگر متفاوت بود. سایر واحدها مثل من هم استاندارد یکسانی نداشتند.

۲-۳-۳- زن در خانواده و کار خانگی

کار خانگی زنان یکی از مسائلی است که نویسندگان این کتاب‌ها به عنوان یکی از مسایل خاص زنان به آن پرداخته‌اند.

زن کارگر ایران علاوه بر کار طاقت‌فرسا و استثمار بی‌رحمانه از طرف سرمایه‌داران از ستم مردان جامعه نیز در امان نبوده و در محیط خانواده نیز از فشار ستم شوهران، پدران و برادران خود رنج می‌برند...^۱

در کتاب "ارتش زنان به میدان می‌آیند"^۲ به مساله بی‌توجهی "سازمان زنان" به مساله دستمزد زنان و کار سنگین قالبیافی و پارچه‌بافی در کنار کار خانه اشاره می‌کند و این نکته را به نقد می‌کشد که زن بعد از کار در بیرون، در خانه نیز باید کار کند:

"بدون این که این مسایل روشن شود: آیا خانه و زندگی او آن گونه ساخته و پرداخته شده که او بتواند از وسایل امروزی در امر خانه‌داری استفاده کند یا گفته نشده که برای خرید و تهیه خوراک این زن چند ساعت پس از کار سنگین باید در صف بایستد تا شاید نان و گوشتی به دست آورد. طی روز بچه‌های این خانواده کجا خواهد بود..."
وفا جاسمی و طوافچیان در مورد کار خانگی چنین نوشته‌اند:

"هنوز در حدود ۸ میلیون نفر از زنان فقط به کارخانه‌داری اشتغال دارند. این زنان با وجود فعالیت شبانه‌روزی خود در منزل نه تنها به خاطر این کار دائمی از هیچ گونه حقوق و مزایایی بهره‌مند نیستند بلکه از آنجا که از نظر اقتصادی به طور مستقیم نقشی در پیشبرد امور خانواده و تهیه مایحتاج آن ندارند، اغلب به عنوان افراد بی‌فایده و مفت‌خور تلقی می‌شوند. وجود این تعداد از زنان خانه‌دار به این معنی است که اکثریت زنان کشور ما به دور از تولید اجتماعی به کار شاق و یکنواخت خانگی مشغول بوده و از لحاظ مادی متکی به مردان و فاقد استقلال اقتصادی می‌باشند. زنانی که در خارج از خانه نیز کار می‌کنند از نظر مزد و حقوق نوع شغل و ساعات کار و غیره در شرایط بدتر از مردان قرار داشته و به شدت تحت ستم قرار دارند. در این میان زنان و دختران خانواده‌های روستایی وضع به خصوصی دارند آنها

۱- کمیته تحقیق در باره مساله استثمار زن، سازمان دانشجویان ایرانی در واشنگتن

۲- حزب توده

گو این که از نظر شرکت در تولید اجتماعی مانند زنان شاغل هستند ولی از نظر وضع درآمد و سایر حقوق همانند زنان خانه‌دار هستند...^۱

در کتاب "به پا خیز..." از تحقیقات کنفدراسیون دانشجویان نیز چنین آمده:

"روبنای فرهنگی جامعه‌ی ما آمیزه‌ای از عقاید سنتی کهن فرهنگ فئودالی با کلیه تیلورات اخلاقی و مذهبی حاصل حاکمیت طولانی فئودالیسم در ایران و ارزش‌های نوین بورژوازی است که با رشد سرمایه‌داری در ایران و اعانت دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی و طبقه‌ی حاکمه کمپرادور ایران رشد می‌یابد. در طبقات زحمتکش ایران دختران در اجتماع در بسته خانواده تحت کنترل شدید پدران و برادران خود هستند و والدین هر لحظه مترصد یافتن شوهری برای آنان بوده‌اند."

و در ادامه نمونه‌هایی از فجایعی را می‌آورد که بر سر زنان و دختران ایرانی می‌آید: "پدری دختر خود را کیلویی شوهر داد" یا "دختر پانزده ساله‌ای که به علت مخالفت با ازدواج با یک مرد پیر، توسط پدرش به قتل رسید"، "پیرمرد هفتاد ساله‌ای همسر ۱۸ ساله‌اش را به دلیل اینکه زیر سرش بلند شده با تبر قطعه قطعه کرده" و یا "شوهری که از ترس این که چشمان زیبای همسرش بر روی مرد دیگری بیافتد، نیمه شب این چشمان را از کاسه به در آورده است" و اینها را نمونه‌هایی از هزاران مورد زنده تزییع حقوق زن دانسته است. وضعیت زنان در طبقات مرفه را نیز مورد بررسی قرار داده است:

"پرداختن به زیبایی و آراستگی ظاهری، در جریان آخرین محصولات سالن‌های مد بودن و تجویز نسخه‌های گوناگون برای زنان جهت دلربایی تا به این کالای ظریف و شکننده بیاموزد که چگونه هر چه بیشتر خود را در خدمت ارضای خواسته‌های مردان درآورد..."

مرضیه احمدی اسکویی کتاب دالغا را با این عبارات شروع می‌کند:

"این نوشته شرح پاره‌ای از مشاهدات من از زندگی محنت‌بار خلق است که نه تازگی دارد و نه منحصر به فرد است..."

او بیشتر از زنان می‌نویسد:

"آخر در خانواده فقیر دختر بودن خودش جرمی است. دختر که بودی، به خصوص اگر چندمین دختر باشی، خودبه‌خود باران کتک و توسری سرت می‌بارد و کافی است تو را مثل بچه‌گره مطرود ولگرد کتک‌خور بار آورد. بی‌حالی ناشی از بدی تغذیه هم که به آن می‌افزاید، خود قوز بالای قوز می‌شود..."

داستان زن مرده شوری را نقل می‌کند که دو فرزند مریضش در سرمای شب زیر کرسی یخ زده‌اند و بعد می‌نویسد:

"به یک نتیجه می‌رسم، در تکامل انسان یک نکته مهم شروانه ناقص مانده است. و از این رو اعضای انسان به طرز دردانگیزی دچار کمبود است: آن عضوی که بتواند دردهای دیگران را بفهمد، لمس کند و دریابد، آن چنان که درد خود را... مگر ممکن است؟ و بعد به خود می‌گوییم آیا اختلاف طبقاتی، درست به علت همین نقص عضو دوام نیاورده است؟ اگر آنکه تحقیر می‌کند، ستم روا می‌دارد، شکنجه می‌دهد، تحقیر و ستم و درد زبردست کم قدرتش را لمس می‌کرد و از هر تازیانهای که می‌زد جان خودش هم به درد می‌آمد، هرگز دست به سوی تازیان می‌برد...؟ هنگامی که قوانین تغییر نظام‌ها و جوامع را می‌آموزم می‌فهمم که این احساس جامانده در زندگی انسان‌ها نقشی ندارد و روزی بی‌همین احساس و عضو جامانده می‌توان دنیایی ساخت که در آن دل‌ها از درد دیگران به درد آید، جامعه‌ای که در آن انسان‌ها تنها به خود نمی‌اندیشند و ...

به وضعیت و جایگاه زنان روستایی در خانواده نیز در نوشته‌های آن دوران توجه شده است. صمد بهرنگی در مورد وضعیت زنان روستایی در این سال‌ها چنین می‌نویسد:

"روستاییان در مورد مساله ناموس و بچه سخت متعصب هستند. روی این حساب رابطه‌ی زن و مرد خیلی محدود است. در مدرسه اگر معلم اسم مادر و خواهر بچه را بپرسد، سرخ می‌شود و چیزی نمی‌گوید. این را از پدر و روستاییان دیگر اخذ کرده که گفتن اسم خواهر و زن و مادر کار خوبی نیست. داماد عروسش را بار اول در حجله می‌بیند. اتفاق افتاده که به خاطر یک نگاه چپ به زن یکی، دعوا مرافعه در می‌گیرد. اما با وجود این زنان و حتا دختران روستایی پرکارترین مردمند. آنها در مزرعه‌ها کار می‌کنند و حرف در نمی‌آید. دوشیدن گاو گوسفندها جابه‌جا کردن سرگین و تاپاله و قالاخ سازی بر عهده‌ی زنان و دختران است. در دوکلمه خلاصه

کنم همه حرف‌های خوش و شیرین که در باره‌ی عشقبازی‌های عجیب و غریب روستایی در شب‌های مهتاب و کنار جوی‌های روان گفته می‌شود، خیال‌بافی شاعرانه‌ای بیش نیست. رابطه‌ی زن و مرد روستایی بر پایه‌ی احتمال خیانت زن و ناقص‌العقل بودنش، تحقیر شدنش و خدمتگزار بودنش گذاشته شده است... زن روستایی نباید در انتظار مردم به حمام برود که چشم نامحرم بر وی نیفتد. او باید در خانه از مردش بترسد و خود را زیر دست او بداند و به مردش این حق را بدهد که کتکش بزند و از خانه بیرونش کند. اما او حق ندارد برگردد به خانه‌ی پدرش و گلایه کند. باید تحمل کند و ثابت کند که زن خوب و نجیبی است. فحش و کتک شوهر لازم و واجب است زن در خانه بند شود. صاحب نان و زندگی شود و بچه لوس بار نیاورد. دختر هم که پا به سن دو سه سالگی گذاشت باید چادر سر کند و رو بگیرد و از نامحرم پرهیز کند. جلوی پدر و برادرهایش بلند شود. پیش از آنها دست به غذا نبرد و نماز و روزه به جا آورد خلاصه تقلید ننه اش را بکند.^۱

در کتاب بپا ای زن رنج‌دیده...^۲ در مورد وضعیت زنان روستایی چنین آمده است:

ازدواج در روستاهای ایران با زنانی که تجربه کار در مزارع و دامداری و غیره را دارند ترجیح داده شده است. ... به طور کلی زندگی طاقت فرسایی را گذرانده و به علت مفید بودن به عقاید سنتی و متعصبانه مردان خود، زندگی آنها از شادی تهی و مملو از مشقت است ... در شرایط سخت و در فقدان کامل تجهیزات ماشینی در امر تولید کار می‌کنند. از عمر متوسط یا امید به زندگی بسیار کوتاهی برخوردار می‌باشند. از نظر بهداشتی در مزیقه فراوان بوده و تعداد کثیری از آنان به هنگام وضع حمل درمی‌گذرند... دختران و زنان قالیباف در بدترین شرایط از نظر بهداشتی در نور بسیار کم و رطوبت بسیار زیاد در زیر زمین‌های بدون تهویه کار می‌کنند دختران قالیباف در سنین ۱۴ یا ۱۵ سالگی دچار انواع بیماری‌ها مانند سل و تراخم می‌شوند... زنان برنجکار و چایکار گیلان از صبح تا شب در مزارع تا کمر در آب و گل کار می‌کنند و شب هنگام نیز به انجام امور مربوط به دامداری، تهیه لبنیات، خشک کردن میوه و سبزی و پختن نان، آشپزی و رختشویی و بچه‌داری می‌پردازند و اغلب اوقات جهت

۱- بهرنگی، صمد، کندو کاو در مسایل تربیتی ایران

۲- کمیته تحقیق در باره استثمار زن، دبیر خانه فرهنگی کنفدراسیون دانشجویان

فروش محصولات خود به حمل متجاوز از سی کیلوگرم بار مبادرت می‌ورزند... در گزارش‌های که از وضعیت زنان در این شرکت‌های سهامی زراعی آمده "زنان به طور کلی از کار بیکار شده‌اند و مانند زن شهری فقط به خانه‌داری می‌پردازند. تنها دختران کم سن و سال به کار قالبی بافی با دستمزدهای کم می‌پردازند ... بیکاری کامل زنان سهام‌دار، گذشته از تاثیر اقتصادی نامطلوبی که بر زندگی آنان گذاشته، سبب دگرگونی‌هایی در زندگی اجتماعی روستاییان نیز شده است. زنان سهام‌داران از طرفی در قفس‌هایی که در درون روستا برای آنان ساخته‌اند، زندگی می‌کنند و از طرف دیگر خصلت‌های زن شهری به آنها تحمیل شده است و در واقع حتا نمی‌توانند نان هم برای خود بپزند و مجبورند بیکار باشند و خانه‌داری و بچه‌داری کنند. سازمان مجاهدین خلق در گزارشی از شرکت سهامی زراعی آریامهر در خرداد ۱۳۵۳ چنین می‌نویسد:

"کارگاه صنایع دستی این کارگران که از دو اتاق تشکیل شده، ده دستگاه دار قالبی بافی به مساحت ۲ در ۳ وجود دارد. پشت هر دستگاه ۳ تا ۴ دختر جوان که سنشان بین ۸ تا ۱۷ سال است کار می‌کنند. جالب است که طبق دستور شاهنشاه آریامهر دختران ۸ تا ۱۲ ساله حق قالبی بافی ندارند، اما رژیم نتوانسته از به کار گرفتن آنها حتا در این نمایشگاه خودداری نماید. این کارگران جوان همه دارای یک نوع لباس و یک نوع روسری هستند. کارگران قالبی بافی زیر نظارت شرکت سهامی فرش اداره می‌شود و یک نفر زن از طرف شرکت به کار دختران نظارت می‌کند. مهم‌ترین کار این خانم معلم ۵۰ ساله که شلوار به پا دارد و کمی هم توالت کرده این است که در مورد کارگاه‌ها به بازدیدکنندگان توضیح دهد... قالبی‌هایی که به وسیله این دختران بافته می‌شود در بازار توسط شرکت سهامی زراعی آریامهر ۴۳۰۰ تومان فروخته می‌شود در حالی که برای تهیه یک تخته قالبی به دختران ۱۴۹۵ تومان دستمزد پرداخت می‌شود."

۲-۳-۴- زنان در حوزه قوانین

کتاب "ستم‌کشیدگی زن در ایران"^۱ با بحث زن در قانون ایران آغاز می‌شود. منبع نویسندگان این کتاب، مجموعه قوانین حمایت خانواده چاپ موسسه مطبوعاتی فرخی، تهران اسفند ۴۷ است. در کتاب "در باره‌ی مساله زن"^۲ نیز به این تبعیضات در قوانین اشاره شده و نشان می‌دهد که در هر دو برهه‌ی زمانی آغاز دهه ۵۰ و سال‌های میانی این دهه تغییری در این زمینه مشاهده نشده است.

در قوانین سال‌های ابتدایی دهه ۵۰ قبل از سرنگونی رژیم شاه، زنان حق طلاق داشتند و می‌توانستند به دادگاه شکایت کرده و با رای دادگاه طلاق بگیرند. ولی طبق همان قوانین دختران برای ازدواج اول احتیاج به رضایت پدر یا جد پدری داشتند. حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۵ و برای پسران ۱۸ سال بود. ریاست خانواده به مرد متعلق بود و زن برای اشتغال نیاز به رضایت همسر داشت. حق انتخاب مسکن به عهده مرد بود. در صورت عدم تمکین نفقه‌ای به زن پرداخت نمی‌شد. حق سرپرستی اطفال با پدر بود. فقط در صورت مرگ پدر یا اثبات عدم توانائی او، مادر یا جد پدری به سرپرستی طفل تعیین می‌شد. تازه اختیار این تعیین نیز به عهده دادگاه «حمایت خانواده» بود. زن برای دریافت گذرنامه برای مسافرت به خارج باید از شوهر اجازه می‌گرفت. تعدد زوجات غیرقانونی نبود. بنا بر ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده: «هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن همسر دیگری اختیار نماید باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه وقتی اجازه اختیار همسر تازه خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی؛ توانائی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت احراز کرده باشد.»

در کتاب، خبرهای متعددی از روزنامه‌های رسمی آورده شده است که چگونه مردان با شکنجه و تهدید و... زنانشان را وادار به موافقت برای ازدواج مجدد کرده یا با تطمیع و واگذاری ملکی، او را وادار کرده‌اند که به خواستگاری برای شوهرش برود و مواردی از این دست که اجرایی بودن این قوانین را زیر سوال می‌برد.

۱- انتشارات فانوس، فروغ راد و آذر عاصی

۲- جاسمی، وفا، طوافچیان، معصومه

قانون حمایت خانواده به هیچ وجه اشاره‌ای به ازدواج موقت (صیغه) نمی‌کرد و شامل آن نمی‌شد. زن ایرانی برای ازدواج با مرد غیرایرانی باید از دولت اجازه می‌گرفت. بر مبنای قوانین اسلامی سهمیه ارث دختر نصف سهمیه پسر تعیین می‌شد. اما از همه مهم‌تر در قوانین، قتل‌های ناموسی به رسمیت شناخته شده و از مجازات مصون بود. طبق بند الف ماده ۱۷۹ قانون کیفری:

«هرگاه شوهری زن خود را با مرد اجنبی در یک فراش یا درحالی که به منزله وجود یک فراش است مشاهده کند و مرتکب قتل یا جرح و ضرب یکی از آن‌ها یا هردو شود معاف از مجازات است.» و در بند دو نیز آمده بود که: «هرگاه کسی دختر یا خواهر خود را با مردی اجنبی در یک فراش یا درحالی که به منزله وجود در یک فراش است مشاهده نماید و در حقیقت هم علاقه زوجیت بین آن‌ها نباشد و مرتکب قتل شود از یک ماه تا شش ماه به حبس تادیبی محکوم خواهد شد و اگر مرتکب جرح یا ضرب شود به حبس تادیبی از یازده روز تا دو ماه محکوم می‌شود.» در رابطه با قوانین کار نیز فروغ راد و آذر عاصی در کتاب "ستم‌کشیدگی زنان" چنین نوشته‌اند:

"قوانین کار که به ظاهر مترقی است، به گروه‌های زیر مربوط نمی‌شود: کارگاه‌های خانوادگی، کارگران کشاورزی و خدمه و مستخدمین منزل."
و در بخش دیگری از کتاب اشاره شده که بیشتر زنان شاغل در این سه حوزه کار می‌کنند. "عدم استخدام زنان در مشاغل شب کار، سبب شده که زنان از فرصت‌های شغلی کمتری برخوردار باشند. چراکه کارفرماها از زنان برای شیفت صبح هم استفاده نمی‌کنند. کارگران زن بیشتر در کارخانه‌های مونتاژ، نساجی کار می‌کنند. مزد این کارگران ابتدا ۵۶ ریال و بعد به ۶۰ ریال ارتقا داده شد. زنان باردار شش هفته مرخصی قبل از تولد و ۴ هفته پس از بارداری مرخصی بدون حقوق داشته‌اند. زنان شیرده هر سه ساعت یک بار نیم ساعت حق شیردهی داشته‌اند و این نیم ساعت باید جزء ساعات کار او محسوب شود. ولی به دلیل نبود مهد کودک و اجرای این قوانین عملاً کودکان زنان کارگر در خانه و با لعاب برنج و... نگهداری و تغذیه می‌شوند."

در کتاب "ارتش زنان به میدان می‌آیند"^۱ نیز به موارد زیر در قانون حمایت از خانواده اشاره کرده است که مطابق آن زنان از حقوق برابر با مردان محروم مانده‌اند: مرد رییس خانواده است، زن حق تعیین اقامت‌گاه خود را ندارد. دختر در هر سنی برای ازدواج باید اجازه پدر را داشته باشد. نویسندگان این کتاب "حق طلاق" را در قانون حمایت از خانواده به سود زنان می‌دانند ولی معتقدند: "عدم استقلال اقتصادی اکثریت زنان اثرات عملی این ماده از قانون را به نحو فاحشی کاهش داده است."

در این کتاب در مقاله‌ی "رژیم برای تامین برابری مرد و زن چه کرده است؟"، به اقدامات رژیم شاه در این زمینه اشاره کرده است: ممنوعیت کار شب برای زنان در ۲۸ اردیبهشت ۵۵ لغو شد و آن را به زبان زنان و نعل وارونه دانسته است. همین طور به مساله کار نیمه وقت برای مادران کارمند پرداخته است. این قانون که در بهمن ۵۵ تصویب شد و مطابق آن زنان تا وقتی فرزندشان سه ساله می‌شوند از آن می‌توانند استفاده کنند، ساعات کارشان نصف می‌شود و نصف حقوق و مزایا را دریافت می‌کنند و این دوران جزو خدمت آنها به حساب نمی‌آید، مگر آنکه حق بازنشستگی را مطابق با کل حقوق پرداخت کنند و در این رابطه آمار زیر را نقل کرده:

"طبق آمار ۱۲۰ هزار زن کارمند در سراسر کشور وجود دارد که اگر هر زن جوان دو کودک کمتر از ۷ سال داشته باشد می‌شود حدود ۲۰۰ هزار کودک که باید برای آنها مهدکودک ایجاد شود. در صورتی که فقط ۸ مهدکودک وجود دارد..."

در بخش دیگر به مساله مرخصی قبل و بعد از زایمان اشاره کرده که بعد از سرکوب جنبش کارگری دهه سی به ده هفته کاهش یافته، ضمن آنکه پرداخت دستمزد در این مدت هم مسکوت گذاشته شده است. کارفرماها هم با ترفندهایی نظیر استخدام دختران مجرد، کارگران موقت و فصلی از اجرای آن سرباز می‌زنند. در مورد کارمندان هم این قانون فقط شامل کارمندان رسمی می‌شده است و کارمندان پیمانی که تعدادشان بیشتر است فقط حق استفاده از دو ماه مرخصی را دارند که ۲۴ روز آن استعلاجی و ۲۶ روز آن بدون حقوق بوده است.

بخش چهارم کتاب "به پا زن رنج‌دیده.." با عنوان "زن در قانون ایران" عنوان می‌کند که قانون مدنی ایران مملو از نمونه‌های تبعیضات جنسی است و به مواردی مانند تعدد زوجات، نگه داشتن عده پس از وفات همسر، قوانین ارث و شهادت در دستگاه قضایی ... اشاره می‌کند.

مرضیه احمدی اسکویی، در کتاب "دالغا" در قالب قصه‌هایی واقعی از زندگی با بیان مشاهداتش به وضعیت زنان در ادارات سرپرستی و دادگاه‌ها اشاره می‌کند. از اتاق امور سرپرستی دادسرا می‌نویسد:

"روزی نیست هیاهوی بیوه زنی بلند نشود و شاهد فحاشی‌ها و بی‌حرمتی‌هایی که در حق بیوه‌های جوان می‌شد، نبود... آنان درمانده و ناگزیر به دلایل مختلف به آنجا مراجعه می‌کردند و در همه حال شکایت از دشواری گذران زندگی بچه‌ها بود... به هر رو یک ساعت در اتاق امور سرپرستی به سر بردن کفایت می‌کند که تو به ژرفای خیانتی که در مورد کلمه "داد" شده است، پی ببری چون آنجا بخشی از دادسراست. آخر از دادسرای جوامع طبقاتی جز این نمی‌توان انتظاری داشت..."

او به مسایل فرهنگی ناشی از مردسالاری اشاره می‌کند؛ از دختر ۹ ساله‌ی ریزه میزه‌ای می‌نویسد که "گیج و حیران و بی‌خیال غرق در دنیای خود بود. او را آورده بودند که اجازه قانونی بگیرند تا به پیرمردی شوهرش دهند" که به راحتی می‌توانست جای پدر بزرگش باشد.

وی با دیدی، وضعیت سنن فرهنگی و عرفی و قانونی را در کتابش ترسیم می‌کند که زنان زحمتکش ایران را به بند کشیده‌اند. از نوع روابط بین زن و مرد در میان کولی‌ها و ... از حلبی‌آبادها و زندگی زنان در آنجاها، از تغییر رفتار و نوع پاسخگویی کارمندان اداری با زنان به واسطه نوع پوشش و برخوردشان و خلاصه از تمامی جنبه‌های زندگی زنان زحمتکش می‌نویسد.

۲-۴- مبارزات زنان در دهه‌ی ۵۰ تا سال ۵۷

زنان کارگر و روستایی نیز در برهه‌هایی وارد مبارزه اجتماعی شده و برای خواسته‌ها و مطالباتی مانند آب، زمین و افزایش دستمزد و... مستقیماً وارد عمل شده و دست به اعتراض و اعتصاب زده‌اند. این اعتراضات خودانگیخته و مقطعی بود و بر مبنای نیازهای خاص آنان در آن مقطع خاص صورت می‌گرفته و هیچ‌گاه سازمان نیافت.

در مقابل حکومتی که با نگاهی ابزاری، زنان را وسیله‌ای برای نمایش تجدد و ترقی‌خواهی قرار داده بود، برخی از زنان آگاه دانشجوی، کارمند، معلم و... که تاب تحمل بی‌عدالتی و شرایط تبعیض‌آمیز را نداشته و علیه آن برتافتند، یا سلاح به دست گرفتند و مبارزه مسلحانه را راهی برای رسیدن به برابری‌ها و عدالت انتخاب کردند یا در سازمان‌های سیاسی مخفی به فعالیت پرداختند که بسیاری از آنان در این راه کشته شدند. برای برخی از آنان به واسطه تجربه شخصی، تبعیض‌های جنسیتی و ستم بر زنان پررنگ بود. محسن رضوانی مطرح می‌کند که برای وفا جاسمی ستم بر زن بسیار مساله مهمی بود. همسر او یک افسر نیروی دریایی بود و در بندرعباس زندگی می‌کردند. همسرش برای گرفتن ارتقاء درجه و مقام، از وفا می‌خواهد که با یکی از بستگان شاه که او هم افسر نیروی دریایی بود، همبستر شود. وفا به شدت ایستادگی می‌کند و سر همین مساله طلاق می‌گیرد.^۱ یکی از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق که مسوول عضوگیری مریم شاهی بود، چنین می‌گوید:

" برخی از زنانی که عضو سازمان فدایی می‌شدند ابتدا از مساله تبعیض‌هایی که علیه زنان در جامعه وجود داشته به سمت مبارزه کشیده می‌شدند. یعنی با دیدی جنسیتی علیه این نابرابری‌ها قدم به راه مبارزه می‌گذاشتند سپس با کسب آگاهی‌های بیشتری سرنگونی رژیم را در دستور کار خود قرار می‌دادند." (مصاحبه شفاهی)

اما برای بیشتر این زنان نه تبعیض‌های جنسیتی که تبعیض‌های طبقاتی، فقر و بدبختی مردم، انگیزه‌ی اصلی برای پیوستن به سازمان‌هایی بود که علیه این شرایط نابرابر مبارزه

۱- حلقه گمشده، سیروس نهاوندی،

می‌کردند، هر چند تعدادی نیز تحت تاثیر برادران و نزدیکان مردشان به سمت مبارزه کشیده شده بودند.

در کتاب‌هایی که به عنوان منبع استفاده شده‌اند، به مبارزات زنان در این سال‌ها نیز اشاره شده که در حوزه‌ها و سطوح مختلف بوده است.

در شماره‌ی اول نبرد خلق (نشریه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران) که در بهمن ۵۲ منتشر شده، گزارشی کوتاه از اعتصاب کارگران قرقه زیبا آمده است بدون اشاره به این که بیشتر کارگران این واحد تولیدی زنان هستند. بعد از آن اعتصاب قرار شد هر ساله حقوق دو ماه را بابت سود ویژه به کارگران بپردازند. در شماره دیگر به اعتصاب کارگران کفش ملی از زبان یک زن کارگر پرداخته است. شرح اعتصاب از زبان کارگر جوانی به نام زهراست. ابتدا شرایط زندگی او و مادرش ترسیم شده: کارگر جوانی که فکر می‌کرد: ایروانی انسان نیکوکاری است که لطف کرده و کارخانه‌ای به راه‌انداخته تا عده‌ای بتوانند از برکت وجود او نان بخورند... اما شرکت در اعتصاب موجب تغییرات فاحشی در آگاهی او شد:

"ما اعتصاب کردیم که حق مونو بگیریم ولی ما رو زدن، ژاندارم اومد کارگرا رو بردن سازما... اسمشو نمی‌دونم. یادم نیست. .. ایروانی به ژاندارم‌ها پول داده، می‌دونی که، هر چی بگی پول داره و معلومه که می‌تونه همه رو با پول بخره. او حق ما رو می‌خوره از کار ما استفاده می‌کنه و ثروتمند می‌شه. اگر بخوایم حرف بزیم به ژاندارم‌ها پول می‌ده که ما رو بزنی. همون پول‌هایی رو که از خودمون گرفته. من اول خیال می‌کردم پتویی رو که سال به سال به ما می‌ده از جیبش می‌خره، حالا می‌فهمم که از خودمون می‌گیره، از پول ما می‌خره... کارخونه مال ما شده بود. همه با هم مثل خواهر برادر یکی شده بودیم. وقتی هم ژاندارم‌ها حمله کردن، ما هم همه‌ی شیشه‌ها و پنجره‌ها رو خرد کردیم. من هم می‌شکستم. یکی از ژاندارم‌ها با ته تفنگ زد توی سرم که هنوز سرم گیج می‌خورده... آخه ۲۴۰ تومان هم شده پول..."

اعتصاب کارگران گونی‌بافی شاهی (قائم‌شهر) ۲۰ مهر ۵۳ رخ داد. هر چند گزارش کاملی از این اعتصاب در دست نیست. اما گونی‌بافی از آن دسته صنایعی است که تعداد زیادی از کارگران آن زن بوده‌اند و می‌توان تصور کرد که در این اعتصاب زنان کارگر نیز نقش داشته‌اند، اما حرفی از آنان به طور خاص در میان نیست. در این اعتصاب ۲۵۰۰ کارگر

شرکت داشتند و طی آن ۶ کارگر کشته شدند. زنان کارگر همراه شوهرانشان در این اعتصاب شرکت داشتند و اعتصاب به حدی گسترده شده بود که در شاهی (فائز شهر) حکومت نظامی برقرار شد.^۱

از مبارزات زنان در جهان نیز نمونه‌هایی در این کتاب‌ها و اسناد موجود است. مثلاً در کتاب به پا خیز...^۲ گزارش‌هایی از وضعیت زنان در ویتنام، شوروی، چین، آلبانی و... آمده است و در نبرد خلق شماره ۲ که در فروردین ۵۳ منتشر شده در مقاله‌ای در مورد انقلاب عمان به این مساله اشاره شده است:

"در مناطق آزاد شده ظفار زنان به آزادی واقعی دست یافته و دوش به دوش مردان در مبارزه انقلابی شرکت جسته و در ساختمان بنای جامعه نوین فعالانه شرکت می‌کنند. زنان در ارتش آزادیبخش ظفار نیز نقش مهمی ایفا کرده و دوشادوش مردان در عملیات نظامی شرکت می‌کنند."

در صفحه‌ی آخر هم خبر دستگیری مادر شایگان آمده که تحت شکنجه قرار دارد. در شماره‌ی ۳ که تاریخ ۱۳۵۶ را دارد، نحوه دستگیری و مقاومت زندانیان و مختصری از زندگی مرضیه احمدی اسکویی و شیرین معاضد، مسوول یک بخش از انتشارات سازمان، آمده است.

در انتهای جزوه‌ی "در باره‌ی مساله زن"، وفا جاسمی و طوافچیان بخشی را به مبارزات زنان اختصاص داده‌اند تحت عنوان: "زنان ایران برای رهایی خویش مبارزه می‌کنند". در ابتدای این بخش، تاریخچه مختصر مبارزات زنان ایران آمده است و به نقش زنان و دختران در رویدادهایی مانند ۳۰ تیر ۳۱ و یا تظاهرات سال ۱۳۴۱ معلمان در مقابل مجلس و کشته شدن دکتر خانعلی اشاره شده است. همچنین به تشکلهایی مانند جمعیت پیک سعادت نسوان، جمعیت بیداری زنان در رشت و تهران اشاره شده و این سازمان‌ها را سازمان‌های زنان مترقی طبقات مرفه و متوسط دانسته است. همین‌طور به تشکیلات دموکراتیک زنان وابسته به حزب توده که بعد از غیرقانونی شدن تحت نام سازمان زنان ایران فعالیت می‌کند، سپس اشاره شده که بعد از کودتای ۲۸ مرداد همه‌ی این سازمان‌های زنان از هم پاشیده‌اند. در ادامه آمده است:

۱، حزب توده، نشریه نوید شماره ۱، دی ۱۳۵۴

"در سال‌های اخیر همراه با رشد جنبش انقلابی خلق‌های ایران و تشدید فشار رژیم فاشیستی روز به روز تعداد بیشتری از زنان افشار و طبقات مختلف کشور به طرف مبارزه کشیده می‌شوند و رژیم ضدخلفی وابسته شاه برای سرکوب این مبارزات و جلوگیری از رشد آن به انواع وسایل و حيله‌ها متوسل می‌شود. گو این که حربه اصلی او در این مورد سیاست ترور و اختناق است ولی فرهنگ منحط غرب و اشاعه فساد انجام اقدامات رفرمیستی و تبلیغات شدید روی آن، از جمله فعالیت‌های او برای پایین نگه داشتن سطح آگاهی زنان و منحرف کردن نظرات آنان از مسایل اصلی اجتماع ماست. هراس از بیداری زنان و گردهمایی آنان به حدی است که چند سال پیش، کلیه تشکیلات زنان را، که اکثراً سازمان‌های خیریه و مرکب از زنان طبقات مرفه بودند، منحل و همگی را منضم به سازمان زنان دست‌ساخت خود نمود. حتا سازمان‌های صنفی نظیر انجمن پرستاران نیز از این مرحمت (!) بی‌نصیب نماندند. هدف ... جلوگیری از ایجاد هر گونه تشکیلات زنان و کنترل همه نوع فعالیت‌های آنان است. این سازمان علی‌رغم تمهیدات گوناگون برای کشاندن زنان به درون آن کماکان محل تجمع عده‌ای از زنان جاه‌طلب درباری و دولتی است که کاری جز تبلیغ اقدامات رژیم و مصرف بودجه هنگفت سازمان به بهانه‌های مختلف ندارد."

در ادامه به مبارزات کارگران و شرکت فعال زنان کارگر در این اعتصابات اشاره شده و بر این نکته تاکید شده که عده بیشتری از زنان کارگر دیگر حاضر به قبول شرایط دو سه سال پیش نیستند. سپس به وضعیت مبارزه زنان روستایی در مقابل بی‌عدالتی‌ها و ظلم پرداخته است:

"کمتر درگیری در روستاهای ایران سراغ داریم که در آن زنان همپای شوهرانشان علیه متجاوزین ستمگر شرکت نداشته باشند. نمونه‌هایی هم وجود دارد که زنان به تنهایی در مقابل زورگویی‌های مامورین و ستمگران قد علم کرده و مانع اقدامات چپاولگرانه آنها شده‌اند. زد و خورد زنان یکی از روستاهای لاهیجان با ماموران حفاظت منابع طبیعی در مقابل ممانعت این مامورین از حمل چوب جنگل برای ترمیم خانه‌هایشان، مقاومت زنان یکی از روستاهای اطراف شوشتر در مقابل ماموران مزارع و جنگل‌بانی که مانع چرای گوسفندان می‌شدند و مقاومت زنان روستای اطراف

سیاهکل در مقابل مامورین راه‌سازی و جلوگیری از تخریب خانه‌هایی روستایی نمونه‌هایی از این مبارزات هستند.^۱

در ادامه به مبارزه زنان کارمند و اقشار متوسط برای درخواست اضافه حقوق و اعتراض به طرح طبقه‌بندی مشاغل و غیره اشاره کرده است. عدم شرکت در اجتماعات و جشن‌های دولتی را نشانه‌ی بالا رفتن سطح آگاهی آنان و به وجود آمدن روحیه مقاومت و ایستادگی در آنها دانسته و اشاره کرده است که بسیاری از آنان به مبارزات سیاسی متشکل پیوسته‌اند. مشخصه‌ی مبارزات این دوران زنان را مبارزات زنان و دختران روشنفکر دانسته است:

"شرکت و نقش فعال زنان و دختران دانشجو، محصل معلم و... نه فقط در کلیه تظاهرات و اعتصابات در محیط‌های تحصیل و کار آنها چشمگیر است بلکه روزبه‌روز تعداد کسانی که از میان پیشروترین آنان به گروه‌های سیاسی و سازمان‌های سیاسی می‌پیوندند، زیادتر می‌شود. جانفشانی‌ها و شهامت و پایداری آنان در مقابل شکنجه‌های غیرانسانی رژیم فصل تازه‌ای را در مبارزات زنان کشور ما گشوده است. وجود زنان قهرمانی امثال مهرنوش ابراهیمی، مرضیه احمدی، منیژه اشرف‌زاده کرمانی و دیگر زنانی که در مبارزه رو در رو با مزدوران رژیم یا زیر شکنجه‌های او شهید شده‌اند، الهام بخش مبارزات زنان است..."

اشرف دهقانی در کتاب حماسه مقاومت... که در سال ۱۳۵۲ پس از فرارش از زندان نوشته و به شکل مخفی و حتا دست‌نویس در ایران منتشر و پخش شد. این کتاب در واقع گزارش‌هایی است که اشرف دهقانی برای سازمان چریک‌های فدایی خلق نوشته است و مرضیه احمدی اسکویی ویراستاری و شیرین معاضد^۲ تایپ این کتاب را برعهده گرفته بودند. مقدمه کتاب به قلم حمید اشرف و پاورقی‌ها هم توسط این سه تن نوشته شده

۱- این نمونه‌ها نشان از آن دارد که مردم نسبت به این مساله که حکومت دیکتاتوری نمی‌خواهد و نمی‌تواند حافظ منافع آنان باشد باور داشتند. تجربه زیسته‌ی آنان سبب می‌شد که اقدامات حکومت برای حفظ محیط زیست را تنها ژست‌هایی بدانند که باید با آن مقابله کرد. چرا که به عینه می‌دیدند که هیچ ممانعتی از تخریب محیط زیست توسط سرمایه‌داران و درباریان صورت نمی‌گیرد.

۲- مرضیه احمدی اسکویی در سال ۱۳۵۲ در درگیری مسلحانه کشته شد؛ همزمان شیرین معاضد نیز دستگیر و پس از شکنجه‌های فراوان در زندان جان باخت.

است. در این کتاب علاوه بر بخش‌هایی از مبارزات زنان چریک فدایی خلق، به شکنجه‌هایی که به عنوان یک زن می‌شده، اشاره کرده است:

کاملاً لختم کرده بودند و باتوم برقی را همراه با رکیک‌ترین فحش‌ها و متلک‌ها با نقاط حساس تنم ... تماس می‌دادند. "نیک طبع" این جانور کثیف و متخصص در امور بی‌ناموسی وارد اتاق شد. ... آخر در جامعه طبقاتی انسان بدون جایگاه طبقاتی‌اش چه مفهومی می‌تواند داشته باشد... مرا دَمَر به یک نیمکت بست و بیشرمانه جلو همکارانش شلوارش را پایین کشید و روی من خوابید. به اصطلاح تجاوز ناقص بود و به خاطر تحقیر و خُرد کردن اعصاب من صورت می‌گرفت. من از این رفتار کراهت‌بار او خشمگین بودم ولی تلاش می‌کردم آن چنان خودم را بی‌تفاوت و خونسرد نشان بدهم که عوض من آنها احساس حقارت و شرم نکنند... مگر این کار با شلاق خوردن برای من چه تفاوتی داشت؟ هر دو شکنجه بودند، هر دو به یک قصد و هدف انجام می‌گرفتند. بعد از آن دوباره مرا به تخت بستند و شلاق زدن را از سر گرفتند ... چوب را به دست گرفته بود و می‌گفت: "این حالت را جا می‌آورد یا نه؟ حالا منتظر باش ببین چه شکنجه‌هایی در انتظارت است!" کلمات رکیک به کار می‌بردند و تهدید می‌کردند که این چوب را ... (استعمال می‌کنیم)... ماری را گرفت و پیش من آورد. سر آن را به گردنم نزدیک کرد. مار دور گردنم پیچید. ... آنها بی‌شک حساب کرده بودند که زن‌ها از جانوران می‌ترسند. زیرا زن را موجود ترسو و ضعیفی می‌پنداشتند. جز این چه تصویری می‌توانستند از زن داشته باشند. هیچ! ... زنی که در طول قرن‌ها در جوامع طبقاتی و در روابط تولیدی طبقاتی دوبار ستم دیده است: یک بار دوش به دوش مرد و همانند او استثمار شده، تحقیر گشته، نیروهایش به هدر رفته، آلت دست بوده، وسیله تفریح و خوشگذرانی هم به شمار آمده. بار دیگر در رابطه با فرهنگ و وابسته به روابط تولیدی، به وسیله مرد تمام ستم‌های یاد شده را در سطحی گسترده‌تر تحمل کرده است. اما هنگامی که زن آگاهی طبقاتی خود را بازمی‌یابد و همراه مردی که آگاهی طبقاتی خود را باز یافته است، آن چنان آگاهی و شناختی که او را به درهم کوبیدن نظام فاسد طبقاتی وامی‌دارد، دیگر او یک "زن" با معیارهای ارتجاعی نیست. بلکه "انسانی" است آگاه و به ساختن نظامی می‌پردازد که در آن "انسان" مقام راستین و شکوه شایسته خود را باز یابد. او با آگاهی از تمام مشکلات،

قدم به راه می‌نهد و در راه آرمان والای خود از هیچ دشواری هراس ندارد. زن انقلابی و مرد انقلابی هنگامی که در سنگر مبارزه قرار می‌گیرند انسان‌هایی هستند که به رستاخیز خود رسیده‌اند. آنها برای ایجاد جامعه‌ای مبارزه می‌کنند که در آن این مساله که به زن چقدر باید آزادی داد - آزادی زن خوب است یا نه - اصولاً مطرح نیست. بلکه همه انسان‌ها، زن و مرد یکسان از مزایای زندگی استفاده می‌کنند و برای پیشبرد آن در کنار هم تلاش و کار می‌کنند."

در کتاب به زنان نگهبان و رفتارهای آنان نیز اشاره شده است. زنانی که همدست سایر شکنجه‌گران برای درهم شکستن روحیه مقاومت او تلاش می‌کردند. از زنان زندانی عادی نیز می‌نویسد:

"سیمائی از جامعه طبقاتی نمونه‌های بسیار زیادی از محرومیت‌ها و زندگی پُر از درد و رنج زن‌های زندانی می‌دیدیم که در تحلیل نهایی چیزی جز ثمره اجتناب‌ناپذیر جامعه طبقاتی نیست. این بدبختی‌ها و بی‌عدالتی‌ها، سیمایی از انبوه تیره‌بختی‌های حاکم بر جامعه ما بود که ما شاهد بودیم."

مرضیه احمدی اسکویی در کتاب دالغا از اعتصاب دانشجویی که در سال ۵۰ در اعتراض به دستگیری دو تن از همکلاسی‌ها به راه انداخته بودند، صحبت می‌کند. اعتصاب غذایی که با اعتصاب وسیع رانندگان شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و کارگران کارخانه قند ورامین همزمان شده بود. اعتصابی موفقیت‌آمیز که به آزادی این دو تن منجر شد. وی به شرح روز دوم اعتصاب غذا می‌پردازد که برای مذاکره با ماموران ساواک به دفتر دانشگاه خوانده می‌شود و این که یکی از دختران اعتصابی خود را جلوی ماشینی می‌اندازد که تصور می‌کرده او را برای انتقال به زندان از دانشگاه بیرون می‌برند و از سه روز بازجویی در زندان قزل قلعه...^۱

زندانیان سیاسی زن در زندان نیز مبارزات خود را پی می‌گرفتند که می‌توان به اعتصاب غذای زندانیان سیاسی در اسفند ۵۶ اشاره کرد با خواست‌های صنفی مانند بهبود غذا، نظارت بر آشپزخانه، رفع محدودیت داشتن کتاب و ... این اعتصاب از زندان قصر شروع شده بود که زنان زندانی اوین هم برای همبستگی با آنان دست به اعتصاب غذا زدند.

۱- احمدی اسکویی، مرضیه، دالغا، ص ۹۶

اعتصاب دیگری در مهر ۵۷ به دنبال اعتصاب غذای سایر زندانیان در شهریور ماه در بند زنان صورت گرفت که هفت روز به طول انجامید.

۲-۵- راه‌حل چپ برای رهایی زنان

در انتهای کتاب " در باره‌ی مساله زن"^۱ در مقاله "انقلاب آزادی‌بخش تنها راه رهایی زنان میهن ماست" به تشریح موقعیت فعلی زنان از جوانب مختلف پرداخته شده است. وفا جاسمی و طوافچیان ستم عمده بر زنان را ستم طبقاتی می‌دانستند و هیچ راهی به جز شرکت در انقلاب آزادی‌بخش و مبارزه علیه امپریالیسم برای آن متصور نبودند:

"... شرکت زنان در انقلاب مسلحانه توده‌ای و نقش خلاق و سازنده‌ی آنها در آن همچون سیلی اعتقادات و آداب و سنن کهنه را در مورد وضع زنان شسته و آنان را در موقعیتی برابر با مردان قرار خواهد داد. تجربه انقلاب‌های خلق‌ها در چین ویتنام و سایر کشورها نشان داد که چگونه نظرات سنتی عقب‌مانده در باره نقش و توان و پوشش زن و سایر مسایل نظیر آن به دور ریخته می‌شود."

در ادامه به آگاهی کم و پایین زنان به دلیل نقش ناچیزشان در تولید اجتماعی و فرهنگ غالب فئودالی اشاره می‌کند و بالا بردن سطح آگاهی زنان را جزو اهداف مبارزان می‌داند. "ما نمی‌توانیم تمام معتقدات خود را در مورد نقش و توان زنان، گرچه درست و ناشی از تجربیات خلق‌های پیروز هستند، یک باره پیاده کنیم. بلکه شعارها و برنامه‌های ما باید به گونه‌ای مطرح شود که برای توده زنان و مردان قابل درک و فهم بوده و افکار و نظرات پیشرو به معتقدات آنان تبدیل شود. مثلا اگر حجاب زن و ماندن او در خانه وسیله‌ای برای حفظ او در مقابل بی‌بندوباری‌های اجتماع تلقی می‌شود و توجه به شوهر و فرزندان، یگانه هدف زن در زندگی است، کار ما برداشتن اجباری چادر از سر زنان و دور کردن زنان و دختران از خانواده‌ها نیست. وظیفه‌ی ما این است که علت اصلی بی‌بندوباری‌ها و بدبختی‌های اجتماع را به آنها نشان دهیم و برایشان روشن گردانیم که هیچ کدام از مسایل آنان، نه آزادی، نه تربیت فرزندان و نه چگونگی رابطه با شوهر، فردی نیست و به طور فردی نیز حل نخواهد شد. چون همه ریشه‌ی اجتماعی دارند و مقصود از آزادی زنان نه آزادی بی‌بند و بار جوامع سرمایه‌داری است و نه با قوانین اعطایی تامین می‌شود. بلکه آزادی زنان رهایی از قید ستم استثمارگرانه

۱- جاسمی، وفا، طوافچیان معصومه

است. اگر زنان ما می‌خواهند سربلند و آزاد باشند و... باید با رژیم مبارزه کنند. ... سنت‌ها و آداب عقب‌افتاده یک جامعه را نمی‌توان یک شبه با دستور و شعار از بین برد، بلکه کلیه آنها درحین شرکت در عمل از بین می‌روند.

زنان ما تا موقعی که در انقلاب شرکت نکنند و نبینند که شرکت آنها چه تاثیری در پیروزی‌های خرد و بزرگ دارند، نمی‌توانند به قدرت خود ایمان داشته باشند و نظرات سنتی مردان ما در این زمینه نیز فقط با مشاهده عینی نقش فعال و موثر زن در انقلاب از بین خواهد رفت. در تاریخ انقلاب الجزیره دیدیم که مردان مسلمان و متعصب که قبلاً اجازه نمی‌دادند زنانشان روبند از چهره برگرفته و از منزل خارج شوند، درحین انقلاب به راحتی می‌پذیرفتند که زنانشان برای انجام دستورات جبهه آزادیبخش حجاب را به کنار انداخته و یا شب را در خارج از خانه بمانند ... می‌توان گفت که هیچ سازمان و گروه مبارزی، چه مارکسیستی و چه غیرمارکسیستی وجود ندارد که تعدادی از زنان در آن فعالیت نداشته باشند این نشانه‌ی آن است که جامعه‌ی ما تکان خورده است که زنان ما تکان خورده‌اند. ... ما باید تکان‌های موجود در جامعه‌مان را به آن چنان زلزله سهمگینی تبدیل کنیم که رژیم خودکامه شاه را در خود ببلعد. این زلزله را فقط با کشاندن توده‌های وسیع زن و مرد به مبارزه و متشکل کردن آنان و انجام جنگ توده‌ای می‌توان ایجاد کرد."

در کتاب "ارتش زنان به میدان می‌آیند" (از انتشارات حزب توده) زیر عنوان "وظایف نوین در برابر زنان ایرانی" مبارزه مسلحانه را چپ‌روانه دانسته و عنوان کرده است که:

"شعارهای جنبش زنان، چنان عام و همه‌گیر است که هر زنی را که از ستمی خانوادگی، بی‌سوادی و نابرابری در اجتماع رنج می‌برد، باید به دور خود گرد آورد، بسیج کند و به صحنه مبارزه گسیل دارد. بنابراین در برابر نیروهای مترقی کشور از جمله زنان مترقی، این وظیفه قرار دارد که در شرایط دشوار زندگی مردم، گرانی، کمیابی، فقدان دموکراسی و وابستگی روزافزون رژیم به امپریالیسم، در لحظه‌ی مناسب آن چنان شعارهایی را برگزینند که قابلیت جلب عده هر چه بیشتری از زنان را به مبارزه داشته باشد.

در شرایط مشخص کنونی که سازمان‌های واقعی زنان امکان فعالیت علنی ندارند می‌توان از تریبون سازمان‌ها و اتحادیه‌های موجود استفاده کرد و با استناد به مصوبات

سازمان ملل متحد، کنگره‌های سال جهانی زن و حتا قطع‌نامه‌های سمینارهای فرمایشی سازمان درباری زنان، برای رفع تبعیض و برابری مبارزه نمود." در کتاب "به پاخیز..." کمیته تحقیق درمورد مساله استثمار زن در واشنگتن شرکت وسیع زنان پیشرو و انقلابی را در سازمان‌های پیشاهنگ انقلاب ایران، نمودار تعالی سطح جنبش انقلابی و آغاز مرحله نوینی در مبارزات زنان ایران می‌داند:

"رهایی زن از استثمار زمانی امکان‌پذیر است که مالکیت خصوصی و استثمار انسان از انسان از میان برود. جنبش میهن ما که در جهت جامه عمل پوشاندن به این آرمان بزرگ به پیش می‌رود، نمی‌تواند به پیروزی قطعی برسد مگر این که رهایی زنان که نیمی از خلق استثمارزده ما را تشکیل می‌دهند در دستور کار خود بگذارد... وظیفه‌ی ماست که با درگیر ساختن زنان در مبارزات رهایی‌بخش توده‌های ستم‌دیده (که خود بخشی از آن است) دیوارهای دنیای کوچک و حقیر آنان را درهم شکنیم و با ایجاد تعهد و وابستگی آنان به مبارزات توده‌های زحمتکش، افق فکری آنان را وسعت داده و با روشن کردن اهداف انقلاب رهایی‌بخش خلق، آرمان‌هایشان را با آرمان‌های اکثریت جامعه پیوند دهیم و بگذاریم به روشنی درک نمایند که خلاقیت و سازندگی خود را در چارچوب دیواری کوچک و محدود خانواده به کار گرفتن، تباهی نیروی با ارزش انسانی است."

نویسندگان این کتاب، سوسیالیسم را یگانه راه رهایی زنان می‌دانند.

۲-۶- موقعیت و نقش زنان در سازمان‌های سیاسی مبارز چپ

در دهه‌ی ۵۰ تعداد دختران و زنانی که به جنبش ضددیکتاتوری شاه پیوستند بیشتر و بیشتر می‌شد. بسیاری از این زنان به زندان افتادند و شکنجه شدند و برخی نیز یا در درگیری یا زیر شکنجه جان باختند یا اعدام شدند. زندگی و مبارزات این زنان مورد توجه بسیار بوده و از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. محسن رضوانی در این باره چنین می‌گوید:

"رفقای ما در ایران نقش مهمی در کار و فعالیت سازمان انقلابی داشتند. رفیق‌مان شکوه (وفا جاسمی) تنها پزشک زن بود که در ذوب‌آهن کار می‌کرد. بعدها که به اصفهان رفتم با جمعی برخوردیم که او را می‌شناختند. متوجه شدم این رفیق تأثیر بسیار زیادی در جمع‌های زنان و مردان مترقی آن شهر گذاشته است... کمیته‌ی رهبری سازمان انقلابی در داخل سه نفر بود که دو زن و یک مرد اعضای آن بودند. پرویز واعظزاده، وفا و معصومه طوافچیان. این دو رفیق زن، معلمان تعلیمی سازمان بودند. در مناطق شیراز و مناطق جنوبی ایران. زنان زیادی به خصوص در شیراز جذب سازمان‌های بخش شده بودند. تعداد زنان حتی مساوی با مردان بود. این دو رفیق مردها را تعلیم می‌دادند. خیلی از زنان آن دوره تحت تأثیر رفتار این دو زن به مبارزه می‌پیوستند.^۱

در سازمان چریک‌های فدایی خلق نیز زنان در سطوح مختلف حتی در سطوح بالای تشکیلات فعال بودند. نسترن آل‌آقا، مرضیه احمدی اسکویی، شیرین معاضد و... از جمله زنانی هستند که مسوولیت‌های بالایی در سازمان چریک‌های فدایی خلق داشتند. در کتاب ستم کشیدگی در ایران، مطلبی وجود دارد با عنوان "چند کلمه هم در باره‌ی برخورد اپوزیسیون انقلابی ایران به مسایل ستم‌کشیدگی زن در ایران"^۲. نویسندگان این مطلب معتقد بودند که "مساله ستم‌کشیدگی زن حتی توسط انقلابیون ایرانی به بوته‌ی فراموشی سپرده شده است" و دلایل این مساله را مورد بررسی قرار داده‌اند. آنان به طور

۱- متین، مهناز، مهاجر ناصر، خیزش زنان ایران در اسفند ۱۳۵۷، ص ۳۲۱ تا ۳۲۳

۲- دانشجویانی (دختر و پسر) که خارج از ایران درس می‌خواندند و علیه شاه مبارزه می‌کردند و عمدتاً در کنفدراسیون فعال بودند.

مشخص روابط موجود در کنفدراسیون دانشجویان خارج از کشور را از زاویه نوع نگاه مردان عضو به زنان، تقسیم کار، نگاه ابزاری به زنان و... مورد موشکافی و کنکاش قرار داده‌اند.

۲-۶-۱- روابط بین زن و مرد و تقسیم کارهای خانه میان انقلابیون

عاطفه‌ی جعفری که تحت تاثیر برادرش به مبارزه مسلحانه جلب شده بود در کتاب داد و بیداد چنین می‌گوید:

"با این که در آن خانه نقش استتار داشتیم، اما از جنبه‌های دیگر پا به پای رفقای مرد در کارها شرکت می‌کردم. مسلح بودم و اگر زدوخوردی پیش می‌آمد من هم باید درگیر می‌شدم. مثل بسیاری از زن‌ها که در زد و خوردها کشته شدند. در شناسایی برای عملیات شرکت داشتیم. بعد از مدتی در مهرسازی و تهیه‌ی اسناد جعلی تبحر پیدا کردم. به طور کلی وقت ما به کارهای عملی می‌گذشت. با این همه در برنامه‌ی مطالعاتی اجباری هم شرکت می‌کردم... به جز جلسات تصمیم‌گیری در مورد عملیات و برنامه‌های کلی که من در آن شرکت نداشتم، در بقیه کارهای مربوط به خانه تیمی فعالانه شرکت داشتم و من هم مثل بقیه باید دائم پیش خودم تمرین می‌کردم که در کشتن و کشته شدن هیچ تردیدی به خود راه ندهم...

در خانه تیمی همان قدر که به من احترام می‌گذاشتند، این که رفیق صدایم می‌کردند، همان قدر که کارهای مربوط به زندگی روزمره (از آشپزی گرفته تا نظافت و...) به طور مساوی بین من و رفقای مرد تقسیم می‌شد، همانقدر که تصور می‌کردم برای جامعه‌ای بهتر مبارزه می‌کنم، برایم کافی بود. احساس مفید بودن و غرور می‌کردم و رضایت‌خاطر. می‌دانستم که اگر پیش خانواده‌ام در شهرستان می‌ماندم چاره‌ای نداشتم جز آنکه شوهر کنم و بچه‌دار شوم... در خانه تیمی اما به عنوان یک انسان مختار ارزش داشتم. از نظر اجتماعی هم موقعیتم فرق کرده بود. دیگر یک دختر کنج خانه‌نشین شهرستانی نبودم. چریک فدایی خلق بودم که با "خونم جامعه‌ی آزاد آینده را آبیاری می‌کردم" ... زن بودن در خانه‌ی تیمی اما گرفتاری‌های خاص خودش را داشت به خصوص عادت ماهانه برای من عذابی بود. انگار عیب است... شرمندهم می‌کردم... رفقای مرد هم گویی اصلا از قضیه عادت ماهانه زن‌ها

بی‌خبر بودند. شاید هم به روی خودشان نمی‌آوردند هر چه بود اگر وقت ورزش می‌گفتم امروز نمی‌توانم ورزش کنم بی‌معطلی اعتراض می‌کردند که یعنی چه، ورزش جز دیسپلین زندگی ماست و..."

زهرآقایی قلهکی در خانواده‌ای مذهبی زندگی می‌کرد و "اجازه انجام هیچ کاری جز خانه‌داری" را نداشت. مطالعات او به کتب مذهبی محدود مانده بود و حتا به دستور پدرش از رفتن به دبیرستان در کلاس نهم باز ماند و به جای آن به کلاس خیاطی فرستاده شد. او برای برگشتن به مدرسه یک سال تمام جنگید تا نهایتاً اجازه‌ی ثبت‌نام مجدد در مدرسه را یافت. او مدت کوتاهی پس از پایان تحصیل با یکی از هم‌زمان خود ازدواج می‌کند و به جنبش چریکی می‌پیوندد. و در مدت کوتاهی به یکی از جسورترین افراد جنبش تبدیل می‌شود.^۱ یکی از اعضا و یا هواداران سازمان رهایی‌بخش در باره‌ی زندگی در خانه‌ی تیمی و روابط بین زنان و مردان در سازمان‌شان در مصاحبه شفاهی، در پاسخ به این سوال که آیا در آن سال‌ها در تشکیلات برابری جنسیتی بود چنین می‌گوید:^۲

"آن موقع بیشتر بچه‌های تشکیلاتی سعی می‌کردند آن طور که فکر می‌کردند، زندگی کنند. یعنی نمود افکارشان در زندگی‌شان خود را نشان می‌داد. اگر تقسیم کار در خانه بود رعایت می‌کردیم. بحث عدالت اگر بود، رعایت می‌کردیم. اگر تشکیلات به من می‌گفت این قسمت کار را انجام بده و به آن آقا هم گفته بود، هیچ تفاوتی بین مرد و زن نبود. برای من فرقی نداشت که رفیق من مرد است یا زن و یا این که کاری که او دارد می‌کند به کاری که من می‌کنم ارجح است...

در تشکیلاتی که من بودم هیچ‌گاه این احساس نبود که بین من و مردی که با هم در یک قسمت تشکیلات کار می‌کردیم، فرقی وجود دارد. تشکیلات آن موقع مانند ادارات دولتی نبود که کارتعریف شده‌ای برای زنان و مردان از قبل وجود داشته باشد

۱- اسدپور، زهره، مقاله فراروی از "ضعیفه" به "عامل تغییر" / نگاهی به حضور زنان در جنبش چریکی علیه رژیم شاه ۱۸ بهمن ۱۳۹۲

۲- سازمانی که در داخل کشور توسط سیروس نهاوندی و تعدادی از هواداران سازمان انقلابی تشکیل شد. سیروس نهاوندی عضو نفوذی ساواک بود و عده‌ی بسیاری از اعضای این سازمان در تله ساواک افتاده، دستگیر، زندانی، شکنجه و کشته شدند.

که تو باید بروی و آن را انجام دهی. تشکیلات و کارهای مبارزاتی را آنقدر ارجح می‌دانستی که حتی درس خواندن را که آن موقع آن قدر مهم بود، می‌توانستی کنار بگذاری. اولویت تو کار مبارزاتی بود... چیزی که مبارزات دهه‌ی ۵۰ یا قبل‌ترش را با اکنون متفاوت می‌کند، همان فداکاری‌ها و اولویت دادن به مبارزه بود، از جان گذشتگی. در واقع برای بسیاری از ما زنان، شروع مبارزه، مبارزه با تبعیض علیه زنان بود.

برای کارها ارزش‌گذاری جنسیتی نمی‌کردیم. اولویت با کار بود و هر کس هر کاری را که از دستش برمی‌آمد و در راستای فعالیت و مبارزه می‌دانست انجام می‌داد. بارها پیش می‌آمد که من مسوول انجام بخشی از کارِ خانه بودم اما مسوولیت دیگری هم در زمینه مطالعه یا تهیه مطلبی داشتم، رفقای مرد حاضر می‌شدند مسوولیت کار خانه‌ی مرا انجام دهند تا من به مطالعه‌ام برسم... حتی در سازمان ما بحث رابطه جنسی و توجه به نیازهای زنان نیز صحبت می‌شد. اگر بچه‌ها همدیگر را دوست داشتند می‌توانستند با هم ازدواج کنند. این مساله شخصی آن آدم‌ها بود نه دستور سازمانی. اگر علاقه‌ای ایجاد می‌شد با مسوولان‌شان صحبت می‌کردند ولی این نکته مورد نظر قرار می‌گرفت که آن زن تحت تاثیر قدرت یا جایگاه آن مرد قرار نگیرد.

اما به نظر می‌رسد وضعیت در خانه‌های تیمی سازمان‌های شبه‌نظامی مانند چریک‌های فدایی خلق و مجاهدین خلق متفاوت بود. در مقاطعی، در خانه‌های تیمی چریک‌های فدایی مقرر بود که میان زن و مرد هیچ‌گونه رابطه‌ی عاطفی و جنسی وجود نداشته باشد. در خانه‌های تیمی معیارهای اخلاقی به شدت رعایت می‌شد. در آیین‌نامه‌ی زندگی در خانه‌های تیمی به نوع لباس و پوشش توجه شده بود:

به موجب آن دختران باید در خانه، لباس تیره و گشاد و شلوار بیوشند. پوشیدن لباس رنگ روشن و آستین کوتاه ممنوع بود. دختران در خانه‌ها نباید آرایش کنند؛ مگر مواقعی که می‌خواهند از خانه بیرون بروند و بعد از مراجعت به خانه باید قبل از مواجهه با پسران آن را پاک کنند. لباس‌های زیر هیچ کدام پس از شستن نباید در انظار قرار گیرد. بلکه همیشه باید آن را با پیراهن یا چادر پوشاند. پسران هیچگاه نباید حتی هنگام ورزش در منزل با زیرپیراهن باشند. دختران و پسران باید همیشه در خانه جوراب به پا داشته باشند."

شهین توکلی در باره روابط بین زنان و مردان و تقسیم کار در خانه‌های تیمی بود چنین می‌گوید:

"تا آنجا که من به خاطر می‌آورم هرگز نشنیدم که به تفکیک از زنان و مردان صحبت شده باشد یا ضابطه و قانونی برای فاصله‌گذاری وجود داشته باشد. به گمان من رابطه‌ی بین افرادی که در یک خانه زندگی می‌کردند با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و فردی آنها شکل می‌گرفت نه بر مبنای قانونی تعریف شده براساس جنسیت آنها. تا جایی که به من مربوط می‌شود همه با محبت و احترام با من برخورد می‌کردند و اگر برای مراقبت از بچه نیازی به کمک داشتم، حتما می‌پذیرفتند. در مورد تقسیم کار باز هم نمی‌توانم برنامه مدونی را به خاطر بیاورم. قطعاً همه جا بر مبنای مهارت‌ها تقسیم کاری به وجود می‌آید. مثلاً شما راننده بهتری هستید و دیگری تعمیر کار ماهریست. من مهارت خاصی نداشتم ولی مانعی هم برای فراگیری، اگر مایل بودم، وجود نداشت. در واقع زن بودن مانعی برای آموزش، یادگیری و قبول مسوولیت‌های متفاوت نبود... شاید تجربه من از دوره کوتاه حضور در شرایطی که بعدها "خانه تیمی" نام گرفت بسیار متفاوت باشد. زیرا من در مقام خواهر حمید، همسر سعید و مادر کودک شیرخوار در خانه خودم که علناً محمل رفت و آمد دوستان و بستگانمان بود، زندگی می‌کردم.

اواسط فروردین ۵۰ (ظاهراً بعد از وقایع سیاهکل) همسرم به من اطلاع داد که میزبان چهار تن از مبارزینی خواهم بود که نام و عکس آنها در جراید اعلام شده و برای دستگیری آنها جایزه تعیین شده است. من پذیرفتم. با این که از عواقب چنین امری آگاه بودم ولی از اینکه می‌توانستم خدمتی انجام دهم خوشحال بودم.

وظیفه‌ای که همسرم برای من تعریف کرده بود، نگه داشتن شرایط عادی زندگی بود به نحوی که همسایگان و بستگانمان متوجه حضور کسی در خانه نشوند. کار سختی نبود. اطافی در طبقه دوم در اختیار آنها گذاشته شد و جز تهیه غذای ساده و مختصر کار دیگری برای من وجود نداشت. برنامه مشترکی مثل مطالعه، ورزش و... در میان نبود. چیزی به نام آیین‌نامه یا ضوابط و تقسیم کار نیز وجود نداشت. هیچ کدام از این افراد را نمی‌شناختم ولی با این وجود، احساس صمیمیت و یگانگی داشتم. رفتار آنها با من بر مبنای اعتماد، محبت، احترام و شاید قدردانی بود.

اگر بخواهیم واقع‌بین باشیم به طور کلی، زندگی در این شرایط در درازمدت باید مشکل باشد. گویی شما همیشه در محل کار یا تحصیل یا کلا در اجتماعی غیر از خانه حضور دارید. رعایت آداب معاشرت و دیگر موازین اخلاقی، سنتی و فرهنگی، آن هم به طور تمام وقت طبیعتاً انرژی بیشتری طلب می‌کند. افرادی که با شما زندگی می‌کنند با شما و با یکدیگر متفاوت هستند. از خانواده‌ها، شهرستان‌ها، اقشار و طبقات مختلف اجتماعی هستند. با عادات مختلف، سطوح تحصیلی متفاوت و هر چند ظاهراً از نظر فلسفی به تفاهم رسیده‌اند، باز هم این تفاهم در سطحی نیست که جا افتاده و نهادینه شده باشد. به نظر من وقتی شما از خانه‌های تیمی صحبت می‌کنید با اشکال قالب‌های یکنواختی روبرو نیستید. مثل هر اجتماع کوچک یا بزرگ دیگر. صدها پارامتر مختلف عمل می‌کنند و طبیعتاً نتایج متفاوتی به بار می‌آورند. برای من شخصاً جز احساس احترامی عمیق و خلابی عظیم در گوشه‌ای از قلبم چیزی به بار نیامده است. (شاید اگر این انسان‌های شریف و بزرگوار را ندیده بودم، تحمل دیگران برایم آسان‌تر بود.)"

۲-۶-۲- آیا در خانه‌های تیمی از زنان به عنوان استتار استفاده می‌شد؟

زنانی که وارد زندگی مخفی می‌شدند، آگاهانه مسیر مبارزه را انتخاب کرده بودند هر چند تجربیات فردی و زندگی گذشته‌شان سبب می‌شد برخورد‌ها و نگرش‌های شخصی متفاوتی داشته باشند. برای آنان و مردان هم‌رزمشان زندگی در خانه‌های تیمی یک انتخاب نبود؛ گریزی ناگزیر بود. هنگامی که زندگی علنی و عادی غیرممکن می‌شد، زندگی در خانه‌های تیمی تنها راه ادامه مبارزه و فعالیت بود. زندگی مخفی به معنی داشتن هویت غیرواقعی بود. این که زنان یا مردان مبارز بسته به محله و منطقه زندگی‌شان، از پوشش مرسوم جامعه استفاده کنند، مثلاً زنان از چادر استفاده کنند، یا تظاهر کنند که زن و شوهر هستند، دانشجو هستند و از شهرستان برای تحصیل آمده‌اند و ... همه شگردهایی برای ادامه زندگی مخفی بوده و زن و مرد نداشته است. هیچ نمونه‌ای وجود ندارد که دختر، همسر یا خواهری با وجود عدم تمایل خودش و فقط برای استتار به خانه‌های تیمی برده شده باشد. بحث انتخاب بسیار مهم بود. یکی از زنانی که از نزدیکان دکتر هوشنگ اعظمی بود، می‌گفت:

"من نسبت به دکتر ارادت خاصی داشتم و تحت تاثیر او به مبارزه گرایش پیدا کرده بودم. روزی آمد با من صحبت کرد که آماده شو برویم کوه... من به او گفتم که من این شیوه‌ی مبارزه را نمی‌پذیرم. من باید اینجا بمانم و... و این گونه بود که با او به کوه نرفتم و زندگی مخفی را شروع نکردم من به عنوان یک زن در مقابل دکتر اعظمی که یلی بود در مبارزه، ایستادم و راه خودم را انتخاب کردم بدون آنکه مقهور شهرت و اقتدار او شوم و او هم این را پذیرفت به راحتی." (مصاحبه‌های شفاهی)

یکی از نزدیکان مریم شاهی در سازمان چریک‌های فدایی خلق از سال‌های ۵۲ تا ۵۶، چنین می‌گوید:

"زنانی که نسبت به مسایل اجتماعی حساس بودند، به مبارزه جلب می‌شدند. مریم شاهی ابتدا طرفدار شریعتی و زینب بود. جمیله بوپاشا قهرمانش بود. نسبت به بی‌عدالتی در حق زنان بسیار حساس بود. حتا با پرخاشگری و عصبی با تبعیض‌ها علیه زنان برخورد می‌کرد. گرایش عاطفی شدیدی نسبت به مسایل زنان داشت. خانم‌هایی که من می‌شناختم چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن، از راه مواضع فمینیستی و بی‌عدالتی در حق زن در اسلام و در جامعه به مبارزه کشیده می‌شدند و جنبش زنان را بخشی از جنبش اجتماعی محسوب می‌کردند. برای عضوی‌گیری جنسیت فاکتوری نبود که به آن توجه شود. زنان در استتار و پنهان کردن استاد بودند. اما نمی‌شود گفت که از آنها در این زمینه استفاده ابزاری می‌شد.. زنان دارای امکاناتی بودند که مردان نداشتند. جزوه یا پلی‌کپی‌ها را به راحتی زیر چادر می‌توانستند جابه‌جا کنند. اما آنان با این انگیزه دعوت به مبارزه نمی‌شدند که از این امکانشان استفاده شود. مادرها در خانواده بیشتر به بچه‌ها کمک می‌کردند. برای گرفتن خانه تیمی، اگر خانمی همراهت بود و شکل خانواده داشتی، بهتر به تو خانه می‌دادند. هیچ نمونه‌ای را سراغ ندارم که خود زنان و رفقای سازمانی اعلام کرده باشند که از آنها استفاده ابزاری شده است.

ساختار تشکیلات این گونه بود. به مسولان خانه‌های تیمی از بالا گفته می‌شد که این کار را بکنید و آن کار را نکنید. بر حسب استعدادشان مشخص می‌شد چه کسی چه کاری انجام دهد. خانم‌هایی بودند که از لحاظ تئوریک بالا بودند، کار تئوریک

انجام می‌دادند و آنهایی که عملی بودند کار عملی می‌کردند. در این تقسیم کار، جنسیت نقشی نداشت.

حدود یک سوم اعضا زن بودند اما درصد زنانی که در کادر رهبری و مرکزی بودند کم بود. می‌دانم مرضیه احمدی اسکویی مسوول شاخه بود و رفقای پسر زیر دست او کار می‌کردند. نسترن آل آقا در سطح بالای تشکیلات فعال بود. اما آمار دقیقی وجود ندارد. این سازمان‌ها هم برآیند کل جامعه بودند. در سطح دانشگاه‌ها واحدهای تولیدی و سایر عرصه‌های اجتماعی نیز تعداد خانم‌ها کمتر بود."

امکان رشد زنان در سازمان‌ها وجود داشت، خاطرات و تجربیات موید این مساله است: "دوره کوتاه فعالیت مبارزه چریکی مانع از این قضیه بود. زمستان ۵۳ مریم شاهی به سازمان پیوست و اردیبهشت ۵۵ بمبی در اداره کار مشهد کار گذاشت و شش ماه بعد کشته شد. تازه ایشان در این مدت تقریباً علنی بود و نمی‌شناختنش که عضویتش در سازمان دو سال طول کشید. اگر بعد از شش ماه از بین نمی‌رفتیم، از خودمان ناراحت بودیم که چرا این طور شده است ... برخورد رفقای زن و مرد در مبارزه بسیار دوستانه، ریفقانه و زاهدانه بود. خیلی حریم روابط عاطفی را رعایت می‌کردند. روابط باید رسمی می‌بود. رابطه زن و مرد یک تابو بود. یک خودسانسوری شدید حاکم بود. حتی خنده‌هایمان را کنترل می‌کردیم. این شیوه برخورد هر چند در کل کار جمعی را راحت‌تر می‌کرد اما برخی موارد نیز، کار را سخت‌تر می‌کرد. در کل تجربه شخصی من این بود که رفقای دختر احساس مسوولیت بیشتری می‌کردند و کمتر سهل‌انگاری."

شهین توکلی در مورد پیوستنش به سازمان چنین می‌گوید:

"مثل هر زن ایرانی دیگر کاری را کردم که برای مرد خانواده‌ام انجام می‌دادم. به نظرم حرکت خودم در همان راستاست. یعنی در بسیاری از برنامه‌ها من نبودم. حضور داشتم ولی من واقعی‌ام نبود. برای من سخت نیست گفتنش ولی برای شماها شنیدنش سخت است. واقعیت این است که اگر برادرم یا همسر من می‌گفتند این خوبه، من می‌گفتم این خوبه. اگر می‌گفت این بدیه من می‌گفتم این بدیه. منی که رشد کرده بود و برای خودم به هر حال یک افکاری می‌بایست داشته باشم، وجود نداشت. من همان زن ایرانی قبل از دهه‌ی ۵۰ بودم. اگر شوهر من پلیس می‌شد من هم پلیس

می‌شدم. اما اگر ساواکی می‌شد، دیگر ساواکی نمی‌شدم. یک سری مسایل اخلاقی داشتیم که نمی‌توانستیم از آن عدول کنیم. ببینید من هیچ وقت مایل نبودم که کارهایی که آنها می‌کنند را انجام دهم. (ترور و سرقت مسلحانه از بانک و...) مثلاً یکی دو تا برنامه انجام دادند که من دوست نداشتم در آن مشارکت داشته باشم. الان که فکر می‌کنم، می‌بینیم که خوشحال بودم که من توی آن برنامه‌ها نبودم. برای من تعریف شده بود که می‌آیی تهران. یک خانه اجاره می‌شود شما به عنوان پوشش خواهید بود. شما نقش یک زن خانه‌دار را بازی می‌کنید که همسایه‌ها فکر کنند اینجا یک خانواده زندگی می‌کند و آن را یک خانه معمولی ببیند. این تعریف شده بود. بنابراین من فکر نمی‌کردم که چی خوبه چی بده، اصلاً آنها چی بودند که من بخواهم مثل آنها بشوم و ... مثلاً بگویم من هم باید تفنگ به دست بگیرم؟! ... اما بودند کسانی که مبارزه را آگاهانه انتخاب کرده بودند. مثل اشرف دهقانی... البته آن موقع این احساس را نداشتم که من می‌خواهم همراه مردم باشم. اون موقع فکر می‌کردم که درست فهمیده‌ام. آنها می‌گفتند درسته، من هم فکر می‌کردم درست فهمیده‌ام..."

آگاهی آن موقع با آگاهی الان فرق می‌کرد. تعریفش متفاوت است. من آنجا آگاهانه رفتم. گفتم شغلم را می‌گذارم کنار. بچه‌ام را می‌سپارم به پدر و مادرم و با شما می‌آیم چون این کار درست است ... اینها الان معنی پیدا می‌کند ... نمی‌توانیم قضاوت کنیم و خودمان را بگذاریم در آن دوره.

بالاترین آدم‌های ما آن موقع احمدزاده و پویان بودند. آنها چی می‌دانستند؟ حالا وقتی می‌گوییم "آگاهانه" یک پاورقی می‌خواهد تا آن را معنی کند. کسی منو به زور نبرد خانه تیمی. به من گفتند ما داریم می‌ریم. تو هم اگر بخواهی می‌تونی بیایی، می‌تونی نیای. معلمی، بچه‌ات را داری، حقوقت را داری... آگاهی من چی بود؟ آگاهی آنها چی بود؟"

وی در پاسخ به این سوال که گفته می‌شود در سازمان فدایی زن‌ها فقط وسیله‌ای بودند برای استتار و پوشش. آیا یک جوری از شما استفاده ابزاری شد؟ یعنی این که گفتند بیا پوشش باش و... چنین می‌گوید:

"نه اصلاً. من ناراحت می‌شوم از این چنین حرفی. این شاید بهترین کاری بود که می‌توانستند انجام دهند. نه! اصلاً فکر می‌کنم این یک تهمت است ... بچه‌ها الان

دارند اینطوری می‌گویند. در حالی که آن موقع در داخل زندان به هیچ وجه، شما چنین جوی نمی‌دیدید که کسی ناراضی باشه یا شاکی باشه یا احساس حقارت و تبعیض بکنه. این اصلا آن موقع نبوده ... آن موقع چنین احساسی نداشتند و نبوده و آنقدر آن بچه‌های آن دوره، آدم‌های والایی بودند از نظر اخلاقی. من نمی‌گویم سیاست‌مدار بودند. هیچی نمی‌دانستند از سیاست (الان می‌فهمم که هیچ نمی‌دانستند) ولی انسان‌های والایی بودند با آن سن کمشان. امکان نداشت چنین احساسی را آنجا و آن موقع داشته باشید. اما حالا شده‌اید پنجاه ساله، شصت ساله، بیست سال است که دارید توی اروپا زندگی می‌کنید، یادتان رفته که آنجا، آن موقع این طوری فکر نمی‌کردید ... من اصلا قبول نمی‌کنم که به عنوان ابزار از یک زن استفاده می‌کردند. به هیچ وجه."

شهین توکلی در مورد این که آیا در خود سازمان فدایی در سال ۵۰ پرداختن به مساله زن، جایگاه ویژه و خاصی داشته یا نه، می‌گوید:

"نه من. اصلا ندیدم که این مساله باشه. آخه آنقدر کوتاه بود این دوره. من حداکثر یک ماه یا دو ماه بیشتر با این بچه‌ها نبودم. من اصلا یک زن مطالعه کرده و آشنا به این بحث‌ها نیستم. فقط دارم حسم را می‌گویم. حمید برادر من قبل از اینکه به این بچه‌ها ببیند یک آدم دیگه بود. بعد سعی کرد به یک آدم دیگه تبدیل بشه. این را باید دید. حرکت را باید دید. آن دوره اول که بچه‌ها درگیر مساله روزمره، مبارزه ۲۴ ساعته مسلحانه نبودند. وقت برای این کارها بود. بعدش که دیگه من نبودم و دور بودم که از این بچه‌هایی که درگیر می‌شدند خیلی دور ماندم... اگر فدایی‌ها منو قبول کردند و از من کمک خواستند، یعنی اول من را قبول کردند چرا؟ چون من آزاداندیش بودم تا حدودی که آنها می‌خواستند، نه این که آنها به من یاد داده باشند. سازمان سراغ این جور زنان می‌رفت..."

بخش سوم

سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰

در سه سال پس از سرنگونی رژیم سلطنت، سیل سهمگین حوادث جاری بود و یکی پس از دیگری، لحظه لحظه زندگی تمام مردم ایران را تحت تاثیر قرار می‌داد. ۲۵۰۰ سال سلطنت از هم پاشیده بود و در فاصله از هم پاشیدگی دستگاه حکومتی شاهنشاهی و استقرار حکومت اسلامی، فضای باز سیاسی ایجاد شده، درنگی شد تا مردم ایران بعد از سال‌ها خفقان و سرکوب، نفس تازه کنند؛ هرچند با تحکیم حکومت جدید، خیلی سریع این روزنه کوچک آزادی و رهایی، با سرکوبی دهشتناک بسته شد. مبارزات زنان ایران در این سال‌ها ابعاد تازه‌ای یافت. ابعادی که به دلیل از بین رفتن اسناد و مدارک و کشته شدن بسیاری از فعالان آن دوره، ناشناخته مانده است.

به رغم تعداد تشکله‌ها و سازمان‌هایی که در آن سال‌ها تشکیل شده بود و حجم بالای نشریات، کتب و جزوات منتشره، متأسفانه منابع اندکی از این دوره باقی مانده است. در فضای سرکوب و خفقان شدید و نیز کتاب‌سوزان سال ۶۰، بسیاری از اسناد و مدارک این سازمان‌ها و انجمن‌ها نابود شدند. برای بیش از یک دهه داشتن حتی یک کتاب، اعلامیه و نشریه از این گونه سازمان‌ها زندان، شکنجه و حتا اعدام به دنبال داشت. بسیاری از فعالان سیاسی این دوره در سال‌های خونین دهه‌ی شصت کشته یا اعدام شدند. برای بررسی مبارزات زنان و ترسیم بهتر فضای آن سال‌ها، ابتدا باید به وضعیت عمومی جامعه نظری داشت. محدودیت‌های روزمره‌ای را که بر زنان اعمال می‌شد، از لایه لای مقالات و گزارش‌های منتشره در نشریات سازمان‌های چپ در باره‌ی مسائل زنان و همچنین مواضع این سازمان‌ها در باره این مسایل، مرور و بررسی خواهد شد تا از این رهگذر محرومیت‌های روزافزونی بازنمایی شود که در حیطه‌های مختلف به سرعت بر سر راه زنان ایجاد می‌شد و میزان حساسیت‌های این سازمان‌ها به مسایل زنان روشن شود.

برگزاری اولین مراسم ۸ مارس اسفند ۵۷ را شاید بتوان نقطه‌ی شروع مجدد و شکل‌گیری جنبش زنان محسوب کرد. به خصوص که با اعتراضات گسترده‌ی زنان علیه حجاب همزمان شده بود و ضروری است که به آن پرداخته شود.

در ادامه، با معرفی تشکله‌های زنان با توجه به منابع اندکی که در دست است و همچنین، از طریق مصاحبه‌های شفاهی، تلاش می‌شود وابستگی‌های سیاسی، اهداف و مواضع آنان در قبال مسایل خاص زنان و مسایل روز و اقدامات مشترک این سازمان‌ها و تلاش برای ایجاد همگرایی و وحدت در میان این گروه‌ها، مورد بررسی و ملاحظه قرار گیرد.

در همان سال‌ها، نقدهایی از سوی سازمان‌های مختلف نسبت به مواضع سایر سازمان‌ها و گروه‌ها در مورد مسایل زنان طرح شده است که می‌تواند یکی از منابع مهم برای شناخت نقاط ضعف و قوت نگاه سازمان‌های چپ به مسایل زنان تلقی شود. اهمیت نقدهای بازمانده از آن دوران به دلیل نزدیکی به شرایط آن مقطع با نقدهای کنونی متفاوت است. در ادامه، بخشی از این نقدها بازخوانی می‌شود به همراه با نقدهایی که از سوی زنان فعال در جنبش چپ در آن سال‌ها که به شکل خاطرات و مجموعه‌هایی منتشر یا در مصاحبه‌های شفاهی طرح شده است و بیشتر، نگاه زنان فعال در این سازمان‌ها و تشکله‌های زنان را به تلاش‌هایشان در آن سال‌ها، از زمان حاضر و بعد از گذشت سی و چند سال، نشان می‌دهد.

آشنایی با منابع :

منابع این بخش، کتب، مقالات و نوشته‌های منتشر شده در نشریات مختلف است؛ از نشریات عمومی مانند کیهان، اطلاعات و آیندگان، پیغام امروز، آهنگر، زن‌روز، بانوان، گرفته تا کتاب جمعه و فصلی برای گل سرخ و همچنین نشریات سازمان‌های سیاسی فعال در آن دوره مانند کار، پیکار، رهایی، رزمندگان، راه کارگر و ...^۱ برخی از این اسناد در سایت‌های مختلف منتشر شده است.

نشریات رسمی مانند کیهان، اطلاعات و ... تا زمانی خبرهای مربوط به اعتراضات و محدودیت‌های اعمال شده برای زنان را پوشش می‌دادند که به تیغ سانسور یا توقیف دچار نشده بودند. به تدریج و بعد از اسفند ۵۷، فشارهای حکومتی و اعمال سانسور، رویه روزنامه‌های کیهان و اطلاعات را تغییر داد. این دو روزنامه که خبرهایی از اعتراضات علیه حجاب اجباری را منتشر می‌کردند، شروع به انتشار مقالاتی در تایید حجاب منتشر کردند. نشریات سازمان‌های چپ و همچنین نشریات رسمی مستقل چپ مثل روزنامه‌ی آیندگان و هفته‌نامه‌های پیغام امروز و آهنگر، خبرهای مربوط به اعتراضات زنان علیه حجاب و مقالاتی در باره محدودیت‌های ایجاد شده برای زنان را به طور مرتب منتشر می‌کردند، از آن جمله اخبار تظاهرات علیه حجاب اجباری و تعرضاتی که به زنان در طی آن شد. آیندگان در دو شماره پیاپی صفحه‌ای را به معرفی تفصیلی تشکل‌های زنان اختصاص داده بود. نمونه‌هایی از بریده‌های نشریات پیغام امروز، آیندگان، نشریات سازمان‌های سیاسی و سازمان‌های زنان، همین‌طور کاریکاتورها و طنزهای نشریه آهنگر و هم چنین نشریات دولتی مانند کیهان، اطلاعات، زن‌روز و بانوان در مورد مسایل زنان در بخش ضمایم این مجموعه آورده شده است.

کتاب‌های منتشر شده با موضوع مسایل زنان

در فاصله‌ی سال‌های ۵۷ تا ۶۰ کتاب‌ها بسیاری نیز در باره‌ی مسایل زنان منتشر شد که بسیاری از آنان در دسترس نیستند. تیراژ کتاب در این دوره به صدهزار نسخه رسیده بود.

۱- کتاب جمعه به سردبیری احمد شاملو، شماره ۳۰ آن ویژه ۸ مارس ۵۸ بود.

تقریباً تمام تشکل‌های فعال در آن سال‌ها افزون بر نشریات خاص خود، کتاب‌هایی را نیز منتشر می‌کردند و حتی یکی از منابع تامین هزینه‌های مالی خود را انتشار و فروش این کتاب‌ها برمی‌شمردند. (اتحاد ملی زنان).

برخی از این کتاب‌ها، نگرش‌های فکری و سیاسی خاصی را نمایندگی می‌کنند و با دیدگاه‌های خاص مسأله‌ی زنان را مورد توجه قرار داده‌اند. در کنار کتاب‌های تئوریک که نظرات مارکس و انگلس، لنین، لوگزامبورگ، تجربیات زنان انقلابی در کشورهای دیگر مانند ویتنام، چین، آلبانی و... را تبیین می‌کرد، مسایل زنان در خانواده، ازدواج، رابطه‌ی دو جنس، تبعیض در قوانین، موضوع کتاب‌های دیگر بود. موضوع دسته‌ی دیگری از این کتاب‌ها، نقد نظرات گروه‌های مختلف نسبت به مسایل زنان بود. برخی از کتاب‌هایی که در سال‌های اولیه دهه ۵۰ در خارج از کشور یا به صورت غیرقانونی در داخل منتشر شده بود، در این دوره تجدید چاپ شدند.

گروه تحقیق اتحاد ملی زنان^۱ فهرستی از کتاب‌هایی تهیه کرده بودند. در ابتدای این فهرست آمده است که مطالعه این کتاب‌ها را مفید می‌دانند ولی تمامی محتوای مطرح شده لزوماً مورد تایید اتحاد ملی نیست.^۲ لیست برخی از این کتاب‌ها در ضمیمه آمده است.

نشریات زنان

نشریات زنان در این دوره را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد:

- ۱- نشریات رسمی و دولتی و نشریاتی که از طرف زنان مسلمان و مذهبی منتشر می‌شد و در راستای حمایت از سیاست‌های دولت بود.
- ۲- دسته‌ی دیگر نشریات سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی فعال (به خصوص سازمان‌های چپ) بود.

از دسته‌ی اول می‌توان به پیام‌هاجر، مجله نهضت زنان مسلمان، فتح، نرجس، مجله زن مسلمان، مجله الثوره، پویندگان راه زینب اشاره کرد. نشریاتی مانند زن روز و اطلاعات

۱- اتحاد ملی زنان یکی از تشکل‌های مستقل زنان در این سال‌ها بود که در ادامه به آن بیشتر پرداخته خواهد شد.

۲- متین، مهناز، بازبینی تجربه اتحاد ملی زنان

بانوان نیز که از نشریات زرد دوران پهلوی بودند، در ماه‌های اول پس از بهمن ۵۷ مواضعی نسبتاً آزاد داشتند اما با تشدید فشار سانسور و تغییر کادر تحریریه، تبدیل به ارگان تبلیغ سیاست‌های حاکمیت در مورد مسایل زنان شدند. مسئولیت نشریه زن‌روز به عهده‌ی شهلا انصاری و مجله بانوان به عهده‌ی زهرا رهنورد بود. در این دو مجله به طور مستمر مقالاتی از شریعتی، زهرا رهنورد، مطهری و ... منتشر می‌شد که الگوی زن مسلمان و باحجاب را تبلیغ و ترویج می‌کرد.

از نشریات سازمان‌های مستقل و غیردولتی زنان می‌توان به پیکار زن، برابری، زن در مبارزه، رهایی زن، ۱۷ شهریور، رزم زن، زن مبارز اشاره کرد. این نشریات نه فقط در تهران، بلکه در شهرستان‌ها هم منتشر می‌شده است که امکان دسترسی به تعداد اندکی از این نشریات وجود دارد.

کمیته "زنان مبارز"، نشریه **پیکار زن** را به صورت ماهانه در شیراز و تهران منتشر می‌کرد. "جمعیت زنان ایران" اولین شماره نشریه‌ی خود را به نام **۱۷ شهریور**، در بهمن ۵۷ به چاپ رساند و از آن پس به صورت ماهانه منتشر می‌شد. نشریه **زن مبارز** ارگان تبلیغاتی و آموزشی "جمعیت زنان مبارز"، که به طور هفتگی و گاه ماهانه منتشر می‌شد. قیمت آن نیز ده ریال بوده است.

سپیده سرخ ارگان "اتحادیه انقلابی زنان مبارز" بود که در قطع متوسط منتشر می‌شد و قیمت آن ده ریال بود. در این نشریه مقالاتی در مورد مرحله کنونی انقلاب، شعر و داستان و گزارش‌هایی از وضعیت زندگی زنان و ... منتشر می‌شد. پس از چند بار توقیف بالاخره در تاریخ ۳۰ مرداد ۵۸ توقیف شد.

بولتن همبستگی زنان در سال ۱۳۵۸ در تهران با قیمت سی ریال منتشر می‌شد. در فهرست مطالب شماره اول این نشریه این عناوین به چشم می‌خورد: تحلیل از قانون اساسی خبرگان، نگرشی به حقوق زنان در قوانین مدنی، ستم فرهنگی به زنان، پیام‌های ارائه شده در کنفرانس از سوی جمعیت‌ها و گروه‌ها.^۱

"جمعیت بیداری زنان" نشریه‌ای به نام **بیداری زن** منتشر می‌کرد. هفته‌نامه بیداری زنان در ۷ شماره با تیراژ ۵۰۰۰ نسخه منتشر شد و در شهرستان‌ها هم به شکل گسترده‌ای

۱- بیران، صدیقه، سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر، نشریات ویژه زنان، ص ۱۵۳

پخش می‌شد. **رزم زن** نشریه "اتحادیه زنان" بود که هر ۱۵ روز یک بار منتشر می‌شد. اولین شماره‌ی آن در نیمه اردیبهشت ۵۹ منتشر شده است. "انجمن رهایی زن" نشریه‌ای به نام **رهايي زن** منتشر می‌کرد. شعارهایی در صفحات مختلف نسخه‌های باقیمانده‌ی این نشریه به چشم می‌خورد. شعار اصلی این نشریه این بوده است: "آزادی زنان معیار آزادی جامعه است." در این نشریه علاوه بر خبرهای مربوط به مسایل زنان، مقالاتی تئوریک و گزارش‌هایی منتشر می‌شد. نقد نظرات کولنتای (مقاله‌ای با عنوان کولنتای و تاریخ ستم‌کنشی زنان، کولنتای و جنبش زنان مارکسیست)، تقسیم کار بر اساس جنسیت در انگلستان، ترجمه‌ی مقالاتی از نشریه لغت ریویو است که به شکل ادامه‌دار در چند شماره نشریه به چاپ رسیده‌اند. نقد نظرات گروه‌های دیگر در مورد مسایل زنان، "اتحاد ملی و فرقه‌گرایی" تحلیل از شرایط موجود جامعه، قانون و حقوق پایمال شده زنان، حجاب و مساله زنان ایران، نظری بر حقوق دموکراتیک در قانون اساسی، با تحریم انتخابات به حقوق پایمال شده مردم اعتراض و... از جمله عناوین مقالات مختلف این نشریه است.

برابری نشریه ارگان "اتحاد ملی زنان" بود. از گفته‌ی دست‌اندرکاران این نشریه چنین به نظر می‌رسد که قصد آنان انتشار مجله به جای روزنامه بوده است که شامل بخش‌هایی از قبیل سرمقاله، معرفی کتاب و شعر و ادبیات کودکان، بهداشت خانواده، آشپزی، خیاطی، بررسی مسایل حقوق زنان، گزارش‌هایی مربوط به مسایل روز از قبیل مسکن، گرانی، ... مقاله‌ای ترویجی در باره‌ی مساله زنان، ترجمه مقاله‌ای در مورد جنبش‌های جهانی زنان، تعلیم و تربیت کودکان، اخبار ایران و جهان و بخش‌های متفرقه مانند مصاحبه بوده است. تهیه مقالات به عهده‌ی کمیته‌های مختلف اتحاد بود و در چاپخانه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران چاپ می‌شد. شش شماره این مجله هر دو هفته یک بار منتشر شد. اولین شماره این نشریه با شعری از ابوالقاسم لاهوتی آغاز می‌شود:

باید همه جا قرین شود زن با مرد/ دیگر در این جهان نماند یک فرد

آن سان که به هر کسی بگویی: بیکار/ دعوی شرف کند، بگرید از درد.

عنوان مقالات مختلف این نشریه عبارتند از: ارائه اجمالی ریشه‌های تاریخی ستم بر زنان، اخبار، گزارش و مقالات تحلیلی و... بود.

پس از چند شماره، یک نظرخواهی جمعی در مورد مضمون کیفیت نشریه، درون اتحاد شکل گرفت. در این نظرخواهی اعضای کمیته‌ها مطرح کرده بودند که معلوم نیست مخاطب نشریه کیست، زیرا زنان کارمند معلم و پرستار و به طور کلی زنان طبقه‌ی متوسط که به نشریاتی مانند زن‌روز گرایش بیشتری دارند و زنان طبقات پایین هم اصلاً نشریه نمی‌خوانند. سرانجام پذیرفته شد که مخاطب نشریه زنان آگاه جامعه‌اند که دارای حساسیت‌هایی در مورد مساوی زنان هستند.

پس از قطع انتشار برابری، **زنان در مبارزه**، نشریه‌ی دیگری بود که اتحاد ملی زنان منتشر کرد. از این نشریه نیز شش شماره و یک ویژه‌نامه قیام منتشر شد. سه شماره‌ی بعدی آن به چاپخانه رفت ولی به دلیل یورش چماق‌داران به چاپخانه‌ها منتشر نشد و فقط به شکل درون گروهی بر دیوارهای دفتر اتحاد ملی برای اطلاع اعضا نصب شد.^۱ شعار "آزادی زنان فقط زمانی تامین می‌گردد که تمام زحمتکشان از قید ستم و استثمار رها شوند." در این نشریه به چشم می‌خورد. در تمام شماره‌های این مجله، اتحاد ملی زنان معرفی می‌شود. در شماره‌ی اول آن این مطالب آمده است: مصاحبه با تنها نماینده زن در مجلس خبرگان، مبارزه با فساد، تنها از طریق نابود ساختن عوامل ایجاد آن میسر است و نه اعدام روسپیان، پیام به دانش آموزان، گزارش‌هایی از محله‌های جنوب شهر، مبارزات زنان در شیلی.

جهان زنان: دوره‌ی جدید این مجله از شهریور ۱۳۵۸ تا اسفند ۱۳۶۱ منتشر شد. تیراژ آن ۳۵ هزار نسخه اعلام شده است. این نشریه ارگان تشکیلات دموکراتیک زنان ایران (بخش زنان حزب توده) بود. مطالب شماره‌ی اول آن عبارت است از: سخنان امام خمینی در اجتماع زنان، سخنی با شما، حقوق زنان در قانون اساسی، نقش زنان در انقلاب اسلامی ایران، مصاحبه با مادر پرویز حکمت جو، زن فلسطینی حماسه عشق و مبارزه، نقش زنان در جنبش تنباکو، داستانی از درویشیان، خاطرات یک دختر زندانی، دانستی‌های مربوط به خانه‌داری و آشپزی. در شماره‌های بعدی الگوی لباس از ژورنال‌های خارجی خیاطی نیز به آن اضافه شد. در بقیه شماره‌های آن نیز مطالبی از همین دست مشاهده می‌شود.

۱- فصلی در گل سرخ، میزگرد اتحاد ملی زنان و انجمن‌رهای

فصلی در گلسرخ فصلنامه‌ای بود که توسط عاطفه گرگین منتشر می‌شد و دو ویژه‌نامه برای ۸ مارس در سال ۵۸ و ۵۹ منتشر کرد. در ویژه‌نامه سال ۵۹ میزگرد اتحاد ملی زنان و انجمن رهایی زن منتشر شده است. هما ناطق برگزاری این میزگرد را بر عهده داشت.

۳-۱- شرایط اجتماعی و سیاسی ایران در ماه‌های قبل و پس از سرنگونی رژیم سلطنت

فضای ملت‌هت‌ب سال ۵۷، اوج گرفتن جنبش مردم علیه حکومت شاهنشاهی، عرصه را برای فعالیت سیاسی همه‌ی اقشار جامعه باز کرد. در این سال، مردم روز به روز بیشتر به مسایل سیاست توجه می‌کردند. خواسته‌ها و اعتراضاتی که در آغاز صنفی بود، به مطالباتی سیاسی و به سوی ضدیت با رژیم سلطنت بدل و معطوف می‌شدند. تظاهرات خیابانی افزایش می‌یافت. این شرایط، تغییراتی کیفی را در حضور زنان در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران ایجاد کرد. فضای سیاسی جامعه، زنان بسیاری را از کنج خانه‌ها و آشپزخانه‌ها به عرصه‌ی مبارزه‌ی اجتماعی کشاند. زنان در تمام اعتراضات حضور فعال و موثر داشتند. در اعتصاب کارگران، معلمان، پرستاران، کارمندان و حتا در جنگ و گریزهای خیابانی با حکومت نظامی، ساختن کوکتل مولوتف و ... این زنان از تمام اقشار و طبقات اجتماعی بودند: زنانی از پایین‌ترین اقشار و حتا بسیار سنتی و مذهبی تا زنان تحصیل‌کرده‌ی اقشار متوسط و حتا مرفه و زنان آگاه، مبارز و کمونیست.

پس از سقوط رژیم سلطنتی در بهمن ۵۷ ساختار اقتصادی کشور در هم ریخته بود. بسیاری از سرمایه‌داران بزرگ از کشور گریخته و مستشاران نظامی و اقتصادی امریکایی و اروپایی ایران را ترک کرده بودند. دولت موقت تشکیل شده اما هنوز قدرت کافی را برای سامان‌دهی بی‌نظمی‌های سیاسی و اقتصادی به دست نیاورده بود. مردم پس از سال‌ها سرکوب و خفقان، به میدان آمده و خواستار به دست‌گیری قدرت و تصمیم‌گیری در مورد سرنوشته خود بودند.

در دو سال و نیم بعد از سرنگونی شاه، از ۲۲ بهمن ۵۷ تا خرداد ۶۰، میزان آزادی بیان، اندیشه، ایجاد تشکل و چاپ انواع و اقسام نشریات و کتاب‌ها، در طول تاریخ ایران بی‌سابقه بود. کتاب‌های بسیاری در تیراژ صد هزار نسخه منتشر می‌شد و به فروش می‌رسید. مردمی که قدرت خود را تجربه کرده بودند، برای ایجاد تشکل یا چاپ کتاب و نشریه نیازی به گرفتن مجوز از هیچ نهادی حس نمی‌کردند.

در شش ماه اول پس از سرنگونی رژیم پهلوی شوراهای، سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل در بسیاری از واحدهای تولیدی، ادارات و سازمان‌های دولتی و خصوصی شکل گرفتند. مدیریت و کنترل مردمی در این شوراهای تجلی یافت و در نبود انسجام قدرت دولتی، این شوراهای به خوبی از عهده‌ی اداره کارها برآمدند. بسیاری از اعضای سازمان‌های سیاسی چپ در این تشکلهای حضوری فعال بر عهده داشتند. هرچند که عمر این شوراهای بسیار کوتاه بود و با قدرت گرفتن دولت جدید به تدریج در کمتر از یک سال کنار گذاشته شدند، اما دست‌آوردهای عظیمی داشتند.

سازمان‌های سیاسی که در رژیم پیشین به صورت مخفی برای سرنگونی رژیم مبارزه می‌کردند به طور علنی به فعالیت پرداختند. در این دوره، زنان در این شوراهای بسیار فعال بودند، به خصوص در شوراهای کارمندان ادارات و موسسات، بانک‌ها و... بسیاری از زنان نیز در سازمان‌های سیاسی گرد آمدند یا تشکلهای خود را ایجاد کردند؛ از آن جمله می‌توان به جمعیت زنان مبارز، انجمن‌های زن، اتحادیه زنان انقلابی، جمعیت بیداری زن، اتحاد ملی زنان و... اشاره کرد. (در بخش بعدی این سازمان‌ها معرفی خواهند شد) تمام سازمان‌های سیاسی که در این سال‌ها فعالیت می‌کردند، بخش زنان داشتند یا سازمان جداگانه‌ای را در رابطه با مسایل زنان در کنار خود تاسیس کرده بودند. بسیاری از این سازمان‌ها و تشکلهای زنان به تدریج تغییراتی را از سرگذراندند و در اواخر سال ۵۹ دیگر از بسیاری از این سازمان‌ها اثری نمانده بود و معدودی از آنها که همچنان به کار خود ادامه دادند، نیز در سرکوب دهه شصت از بین رفتند.

فضای سیاسی خاص آن دوره سبب شده بود که وجه سیاسی سازمان‌های صنفی و زنان که در این سال‌ها تشکیل شدند، غالب باشد، حتا سازمان‌های صنفی مانند سازمان صنفی پرستاران، کانون مستقل معلمان. در واقع می‌توان گفت شرایط عینی جامعه نشان داد که مبارزات صنفی از سیاسی نمی‌تواند جدا باشد. درنمای کلی، تشکلهای زنان آن دوره با تشکلهای فمینیستی که فقط مبتنی بر خواسته‌های جنسیتی تشکیل می‌شوند، بسیار متفاوت بودند. چنین به نظر می‌رسد که اندیشه‌های فمینیستی در فضای ملتهب و انقلابی آن روزها حتا از سوی زنان مبارز و فعال نیز چندان مورد استقبال قرار نگرفت.

۳-۲- شرایط زنان و مبارزات آنان در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰

پس از سرنگونی رژیم سلطنت و در زمانی که دولت موقت تلاش داشت که بر اوضاع مسلط شود، به موازات مشارکت روزافزون زنان در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی، اعمال محدودیت‌ها و تبعیض‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی برای اقشار خاصی از زنان نیز افزایش می‌یافت. این محدودیت‌ها در زمینه‌های مختلف اعمال می‌شد، از محدودیت در زمینه پوشش و حجاب گرفته تا ممنوعیت از اشتغال در بعضی حوزه‌ها مانند قضاوت، کار در معدن و...، تفریحات، تغییر قوانین بر ضد منافع زنان و ... افزایش این محدودیت، به گسترش مبارزات و مقاومت زنان منجر شد. این مقاومت‌ها اشکال متفاوتی به خود می‌گرفت: فردی، جمعی و غیرسازمان‌یافته یا گروهی و سازمان‌یافته.

این شرایط انقلابی برای بخشی از زنان مذهبی و سنتی فرصتی بی‌نظیر برای بیرون آمدن از آشپزخانه‌ها و چهاردیواری خانه‌ها و حضور در عرصه‌های اجتماعی ایجاد کرد هر چند برخی از این زنان به ابزاری برای ایجاد این محدودیت‌ها برای سایر زنان تبدیل شدند.^۱ پس از روی کار آمدن رژیم جدید این زنان هیچ‌گاه به خانه‌ها بازنگشتند و برخی از آنان سرمنشاء به اصطلاح فمینیست‌های اسلامی یا دولتی در دهه‌های بعد شدند.

نشانه‌های ایجاد محدودیت‌های جنسیتی برای زنان که در روزهای قبل از انقلاب و در جریان اعتراضات علیه رژیم شاه شروع شده بود، (حمله به زنان "بی‌حجاب") بلافاصله پس از ۲۲ بهمن ۵۷ تشدید شد. ۷ اسفند ۵۷ بر اساس نامه‌ای از دفتر آیت‌اله خمینی قانون حمایت از خانواده متوقف شد و حق طلاق به مراجع شرعی سپرده شد. زنان عملاً از شرکت در مسابقات بین‌المللی ورزشی محروم شدند. بحث حجاب در ورزش و زنانه مردانه کردن ورزش، تعطیلی مدارس مختلط، ممنوعیت اشتغال زنان در مشاغلی همچون قضاوت و ... از بحث‌های داغ آن روزها بود.

۱۶ اسفند نطق تاریخی آیت‌اله خمینی در مورد زنان بی‌حجاب، نقطه عطفی آشکار در این زمینه بود. در ۱۷ اسفند دکتر سامی، وزیر بهداشت اعلام کرد: در جمهوری اسلامی

۱- زهرا خانم نمونه بارز زنان چماقداری است که در سرکوب تظاهرات نیروهای چپ و انقلابی نقش برجسته‌ای داشت.

جایی برای سقط جنین وجود ندارد و ممنوع خواهد بود. (کیهان) سن ازدواج برای دختران از ۱۸ سال به ۱۳ سال تقلیل یافت. توزیع قرص‌های ضدبارداری در مراکز رفاه خانواده و تنظیم خانواده کاملاً محدود شد و تنها در اختیار زنان بالاتر از ۴۰ سال قرار گرفت. تحصیل دختران ازدواج کرده در دبیرستان‌ها ممنوع شد. مهدکودک برخی موسسات و کارخانه‌ها و ادارات (بانک مرکزی، وزارت آب، سازمان برنامه و بودجه، کارخانجات استارلایت و مینو) تعطیل شد و...

۳-۲-۱- تصویب یا لغو قوانین

لغو قانون حمایت از خانواده، عکس‌العمل‌هایی را به دنبال داشت که انعکاس آن در برخی نشریات هم به چشم می‌خورد. کانون وکلا نسبت به این امر اعتراض و بیانیه‌ای منتشر کرد. در این بیانیه آمده است:

"آیا این نشانه آن نیست که در دفتر امام و کمیته انقلاب حتا یک زن برای آنکه مدافع حقوق زنان باشد و به خصوصیت‌های حقوقی، اجتماعی و اقتصادی نیمی از جامعه که حتا در جامعه توحیدی ایده‌ال نیز نقش خاصی دارند توجه نماید وجود ندارد؟"^۱

در کیهان ۱۳ اسفند خبر این اعتراضات منتشر شده است:

"زنان و انجمن‌های حمایت از زنان با نوشته‌ها و گفتارهای خود از لغو این قانون انتقاد نمودند. از جمله خانمی طی درج مطلبی در روزنامه، از لغو قانون حمایت از خانواده انتقاد کرده و گفته است قبل از هر چیز این سؤال پیش می‌آید که آیا در میان تمام این قوانین نادرست و غیرعادلانه، تنها می‌بایست قانون حمایت از خانواده لغو شود؟ تردیدی نیست که قانون حمایت از خانواده نواقص بسیاری دارد که باید اصلاح شود اما نه آنکه جدا از دیگر قوانین بیرون کشیده لغو شود. زن‌هایی که با وجود تمام نواقص و معایب قانون حمایت از خانواده در حالی که ساعت‌ها پشت درهای دادگاه انتظار می‌کشیدند و سال‌ها از پله‌های آن بالا و پایین می‌رفتند، حداقل این امید را داشتند که شوهرانشان نمی‌توانند آنها را غیابا طلاق دهند و یا همسر تازه‌ای به خانه بیاورند. قانون حمایت از خانواده ظاهراً به دلیل مغایر بودن با نص

صریح قران لغو شده است در حالی که این دو آیه از قران مفاد آن را تایید می‌کند: "گر بیم آن دارید که نمی‌توانید در باره آنها عادل باشید فقط با یک تن ازدواج کنید." و "هرگز قادر نیستید نسبت به زنان خویش به طور مساوی عدالت را رعایت کنید حتی در صورتی که چنین خواسته باشید."

در ۱۲ شهریور ۵۸ اصلاحیه قانون حمایت از خانواده به تصویب هیات دولت و در اوایل مهر به تصویب شورای انقلاب رسید و در ۱۹ مهر ۵۸ در روزنامه‌های رسمی منتشر شد. این قانون دادگاه حمایت خانواده را با دادگاه‌های مدنی خاص جایگزین کرد. بر حسب تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۳ این لایحه، موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده ولی در مواردی که شوهر به استناد ماده‌ی ۱۱۲۳ قانون مدنی تقاضای طلاق کند، دادگاه بدوا موضوع را به داور ارجاع می‌کند.

۳-۲-۲- محدودیت و ممنوعیت شغلی

یکی دیگر از اولین ممنوعیت‌ها و تبعیض‌هایی که در زمینه اشتغال برای زنان ایجاد شد، ممانعت از ادامه‌ی کار زنان قاضی بود. در ۲۱ فروردین ۵۸ احکام قضایی کار آموزان زن صادر نشد. در ۲۵ فروردین اتحادیه حقوق دانان از زنان کارآموز قضایی اعلام حمایت کردند. در بیانیه آنها آمده بود:

"ضمن تایید بیانیه آقای لاهیجی سخنگوی جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر، از درخواست به حق زنان کارآموز قضایی وزارت دادگستری پشتیبانی می‌نماید و از آن جناب با آن پشتوانه‌ی حق‌طلبی و آزادمنشی انتظار دارند حکم قضایی آنان صادر شود و اجازه ندهند حق مسلم خانم‌ها در زمانی که انقلاب برابری انسان‌ها را تضمین کرده، ضایع گردد." در ۲۷ فروردین کارآموزان قضایی برای رهایی از بلا تکلیفی و روشن شدن وضعیت اجازه‌ی قضاوت خود نامه‌ای نوشتند. ۵ اردیبهشت اعلام شد که هفته‌ی آینده گردهمایی برای بررسی مساله قضاوت زنان برگزار خواهد شد. در متن بیانیه آمده بود:

"نظر به این که آزادی و مساوات در انتخاب شغل یکی از حقوق اولیه انسان به شمار می‌رود، در تایید قطع‌نامه ۲۷ فروردین کارآموزان قضایی که مورد توجه مسوولین قرار نگرفت، از تمام سازمان‌ها و گروه‌ها و کسانی که با قضاوت زن از این موضع برخورد می‌کنند،

دعوت می‌شود که در روز دوشنبه ده اردیبهشت از ساعت ۲ الی ۴ در آمفی‌تاتر دانشکده حقوق دانشگاه تهران حضور به هم رسانند."

۱۰ اردیبهشت "شورای هماهنگی زنان"^۱ طی اطلاعیه‌ای اطلاع داد که به زودی "زنان حقوق‌دان در حضور امام خمینی مشکلات مربوط به زنان را مطرح می‌کنند". سازمان‌ها و تشکل‌های بسیاری با زنان قاضی اعلام همبستگی کردند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به گروه زنان مبارز هوادار جنبش نوین انقلابی، اتحاد ملی زنان، سازمان زنان پیشرو برای اتحاد نهضت ملی، سازمان زنان جبهه ملی، گروهی از زنان وزارت بازرگانی و... اشاره کرد.

در ۱۹ خرداد مراسم تحلیف قضایی بدون شرکت زنان قاضی برگزار شد و زنان کارآموز به شدت به این مساله اعتراض و در دادگستری تحصن کردند. اعلام همبستگی‌ها ابعاد بیشتری یافت. بنا به اخبار منتشره بیش از ۵۰ گروه و سازمان، از جمله گروه‌های سیاسی چپ همبستگی خود را با آنان اعلام کردند. این تحصن در ۲۶ خرداد پایان یافت. این زنان نتوانستند قاضی شوند. زنانی که در رشته حقوق درس خوانده بودند یا به سایر ادارات مثل آموزش و پرورش و ... منتقل شدند یا در بخش‌های اداری و سایر قسمت‌های دادگستری مشغول به کار شدند.

۳-۲-۳- ممنوعیت و محدودیت دخالت در سیاست

دخالت زنان در سیاست به حضور چند نماینده زن در مجلس محدود شد. تنها یک زن در مجلس خبرگان انتخاب شد. مصاحبه نشریه "زنان مبارز" با این تنها زن نماینده که در کتاب جمعه شماره ۳۰ منتشر شده خواندنی است. محدودیت در زمینه فعالیت سیاسی رسمی برای اکثریت زنان به تدریج افزایش می‌یافت. نمونه‌ای از این محدودیت‌های ایجاد شده، در مقاله‌ای که ۱۰ تیر ۵۸ در آیندگان به چاپ رسید، آمده است با عنوان "سیاست بدون روزنامه‌نگاران و زنان". در این مقاله آمده بود:

"در ابتدای هفته گذشته (هفت تیر ماه) اعلام شد که وزیر امور خارجه، نمایندگان همه‌ی گروه‌های سیاسی را به جلسه‌ای برای تبادل نظر در مورد مسایل سیاست خارجی، به آن وزارت‌خانه دعوت کرده است. چند روز بعد، جلسه را به معارفه تبدیل کردند، اما در ممنوعیت‌های آن تجدیدنظری نشد: خبرنگاران و زنان داخل نشوند!"

۱- مراجعه شود به بخش معرفی تشکل‌های زنان، شورای هماهنگی زنان

دلیل ممنوعیت حضور خبرنگاران، اطلاع‌رسانی آنان عنوان شده بود، در مورد ممنوعیت ورود نمایندگان سازمان‌های زنان به جلسه‌ی وزارت امور خارجه، در آن مقاله این سوال مطرح شده بود:

"آقای وزیر امور خارجه و دیپلمات‌های وزارت‌خانه‌اش، با استناد به چه آیه، ماده‌ی قانونی و بخش‌نامه‌ای، اعتقاد دارند که زنان نباید با سیاست، کاری داشته باشند؟ ... شمار زنانی که اکنون در سیاست‌اند، کم نیستند... سازمان‌های سیاسی مردمی، باید به خود حق بدهند که جلسه‌های اسرارآمیز و مردانه را به رسمیت نشناسند و به احتمال زیاد، توضیح دهند که چگونه در نخستین معارفه با حکومت، پذیرفتند که زنان را پشت در بگذارند."

دختران و زنان جوان بسیاری با فعالیت در سازمان‌های سیاسی، حق خود را برای مشارکت سیاسی عملی کردند. بسیاری از این زنان و دختران در سال‌های ابتدای دهه ۶۰ دستگیر، شکنجه و اعدام شدند.

در میان کاندیداهای سازمان‌های مختلف اپوزیسیون برای انتخابات مجلس شورای ملی^۱ نیز اسامی تعدادی زن به چشم می‌خورد. از ۴۶۰ کاندیدای مجلس از تهران، تنها ۲۴ نفر زن هستند، از جمله می‌توان به رقیه دانشگری و مستوره احمدزاده از سازمان چریک‌های فدایی خلق، مریم علایی طالقانی، عذرا علایی طالقانی، اشرف ربیعی، مریم قجرعضدانلو و معصومه شادمانی از سازمان مجاهدین خلق، مه‌ری حیدرزاده از سازمان پیکار در راه رهایی طبقه‌ی کارگر و فاطمه ایزدی، مریم فرمانفرمایان (فیروز) از حزب توده، اشاره کرد. از دیگر کاندیدهای زن، طاهره صفارزاده، گوهرالشریعه دستغیب را می‌توان نام برد. در شهرستان‌ها نیز کاندیداهای زن در لیست سازمان‌های سیاسی چپ وجود داشت. از جمله شهین قادری‌دوست از سنندج، صدیقه صرافت از شیراز کاندیدای سازمان چریک‌های فدایی خلق و فاطمه شریعت در شهرکرد، شهناز قنبری کاندیدای سازمان رزمندگان طبقه‌ی کارگر از مسجدسلیمان بودند. در این انتخابات هیچ یک از کاندیداهای

۱- عنوان رسمی پارلمان در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، "مجلس شورای ملی" بود که در اولین جلسات تشکیل مجلس اول (هشتم خرداد ۱۳۵۹) با پیشنهاد شیخ صادق خلخالی، عنوان پارلمان- بدون تغییر در قانون اساسی- به مجلس شورای اسلامی تغییر یافت. در بازنگری قانون اساسی سال ۱۳۶۸، تغییر عنوان مجلس رسماً مورد تأکید و تأیید قرار گرفت.

سازمان‌های چپ و مستقل به مجلس راه نیافتند. بعد از انتخابات خبرهای بسیاری از تقلب در انتخابات منتشر شد و افرادی مانند داریوش فروهر (اولین وزیر کار دولت بازرگان) به دلیل اعتراض به این تقلب‌ها از شرکت در انتخابات خودداری کردند. در تبلیغات انتخاباتی این زنان، حمایت از خواسته‌های زنان طرح شده بود.

۳-۲-۴- تعطیلی مدارس مختلط

تعداد کمی از مدارس دولتی شهری و مدارس موسوم به ملی و خصوصی در آن زمان، مختلط بود و دختران و پسران در کنار هم مشغول به تحصیل بودند. ۱۵ اسفند مدیر کل آموزش و پرورش اعلام کرد: "مدارس مختلط تهران از اول سال تحصیلی آینده منحل خواهد شد." در بهار ۵۸، اعلام شد هنرستان‌های مختلط باید تعطیل شوند و آنان که در این میان سرگردان شدند، دختران مشغول به تحصیل در این هنرستان‌ها بودند. مدارس تیزهوشان از جمله مدارس مختلط دولتی بودند که این قانون سبب شد دختران از این مدارس حذف شده و به مدارس عادی منتقل شوند. این جابه‌جایی برای آنان صدمات جبران‌ناپذیری را از نظر روحی و آموزشی بوجود آورد. با تعطیل شدن مدارس مختلط، ثبت‌نام این دانش‌آموزان برای سال تحصیلی آینده دشوار شده بود و همین مساله سبب شد والدین این دانش‌آموزان به اعتراضات زیادی دست بزنند. از جمله در ۲۶ تیر ۵۸ نمایندگان انجمن‌های خانه و مدرسه بیانیه‌ای با عنوان "جدا کردن دختران و پسران در مدارس مختلط، صلاح نیست" صادر کردند.

در اجتماع روز بعد، این اولیا با نمایندگانی از اداره فرهنگ (اداره آموزش و پرورش) صحبت کردند اما با توضیحات آنان قانع نشدند. آنها عنوان کردند که تا به حال موفق نشده‌اند دانش‌آموزان‌شان را در جای دیگر ثبت‌نام کنند. در پی انحلال مدارس مختلط، اولیای این دانش‌آموزان، نمایندگانی به منزل آیت‌الله طالقانی فرستادند تا نظر وی را در این مورد بپرسند که آیا "تحصیل دختران و پسران کوچکتر از ۱۱ سال، در کنار هم منع شرعی دارد یا خیر؟" از نتیجه این ملاقات اطلاعی در دست نیست.

در آیندگان ۸ مرداد ۵۸، مقاله‌ای با عنوان "فرهنگ آتش و پنبه را تزریق می‌کنید" به طرح تفکیک دانش‌آموزان دختر و پسر در مدارس مختلط اشاره و پیش‌بینی شده بود که این طرح، کمبود امکانات آموزشی را افزایش خواهد داد. در بخشی از مقاله آمده است:

”در حالی که در جوامع امروز، زنان و مردان به طور اجتناب‌ناپذیری در فعالیت‌های اجتماعی با یکدیگر سهیم هستند، آیا جدا کردن‌شان در کودکی، چند سال بعد آنان را با موجود عجیب‌الخلقه‌ای به نام جنس مخالف روبرو نخواهد کرد؟“

۳-۲-۵- تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها

تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها از مهر ۵۸ به شکل جدی در دستور کار حاکمان جدید قرار گرفت. با توجه به فعال بودن گروه‌های سیاسی در دانشگاه‌ها و فعال بودن دانشجویان، مقاومت‌های زیادی در مقابل آن صورت گرفت. مقاومت‌هایی که سبب شد این مساله آن طور که باید و شاید در دانشگاه‌ها اجرا نشود. یکی از دانشجویان دختر دانشگاه تهران از آن روزها چنین نقل می‌کند:

”همان روزهای اول که در برخی از کلاس‌ها پارتیشن گذاشته شد، دانشجویان به محض ورود، با لگد پارتیشن‌ها را شکستند. در آن سال‌ها، به طور مرسوم و معمول در کلاس‌ها دخترها در صندلی‌های جلو می‌نشستند و دانشجویان پسر در صندلی‌های عقب. وقتی این بحث طرح شد، به شکلی کاملاً خودانگیخته، نحوه نشستن دانشجویان تغییر کرد. یک پسر، یک دختر به صورت یک در میان در کنار هم می‌نشستیم و در زمانی که با صحبت‌های استادی مخالف بودیم (به خصوص استادهایی که موافق این گونه جداسازی‌های بودند) دست‌های هم را گرفته و با صدای بلند اعتراض می‌کردیم. این گونه بود که در دانشگاه تهران این طرح اجرایی نشد.“

در تمام دانشگاه‌ها و شهرها مخالفت با این مساله به صورت گسترده‌ای از سوی دانشجویان صورت گرفت اما نشریات رسمی آن را پوشش ندادند. خبری در نشریه شماره ۹ رهایی زن در رابطه با تحصن دانشجویان دانشگاه مشهد در مخالفت با این مساله منتشر شده است. در دانشگاه مشهد دو دانشکده الهیات، یکی برای دختران و دیگری برای پسران ایجاد شد. گروه‌های موافق و مخالف تفکیک جنسیتی در کلاس‌ها و دانشگاه‌ها طی بیانیه‌ها، سمینارها و ... نظرات خود را در سطح دانشگاه‌ها مطرح می‌کردند. در این زمان در بیشتر دانشگاه‌ها شورای دانشجویان تشکیل شده و بسیار فعال بود. بسیاری از این شوراها با این طرح مخالف بودند. بسیاری از استادان دانشگاه‌ها نیز به طرق مختلف مخالفت خود را مطرح می‌کردند. نحوه اجرایی شدن این طرح در دانشگاه‌های مختلف

متفاوت بود. بیشتر مخالفت‌ها به صورت اعلامیه‌های دست‌نویسی بر در و دیوار دانشگاه‌ها به اطلاع عموم دانشجویان می‌رسید. شورای نمایندگان دانشسرای راهنمایی مشهد با تفکیک جنسیتی مخالفت کرده و طی اطلاعیه شماره ۲ خود اعلام کردند:

"فعلا تصمیم بر این است که کلاس‌ها طبق برنامه سابق برقرار گردد و از برخورد مدرسینی که شرایط فعلی دانشسرا را در نظر گرفته‌اند و با طرح تفکیک مخالفند، حمایت می‌کنیم."

در جریان انقلاب فرهنگی با سرکوب تشکل‌های دانشجویی، اسناد این مقاومت‌های دانشجویان و اعتراضات آنان از بین رفته است.^۱ اما آنچه در تاریخ‌نگاری دولتی از این ماجرا باقی مانده، به این شرح است:

"دکتر محمدعلی نجفی در خاطرات خود می‌گوید: ... این جریان در ادامه سال ۶۱ تا جایی پیش رفت که در دانشگاه تهران در یکی از کلاس‌ها از آنجایی که امکان تبدیل آن کلاس به دو کلاس مستقل خانم‌ها و آقایان نبود، آمدند و بدون اطلاع مقامات وزارت علوم آن روز و همینطور مقامات دانشگاه یک دیواری بین کلاس کشیدند و اطلاعیه‌ای دادند که دختر خانم‌ها سمت چپ پرده بنشینند و پسرها سمت راست... خوشبختانه این مساله حتی قبل از اینکه به وزارت علوم اعلام شود که آن موقع من مسوولیت داشتم از طریق یکی از منسوبین حضرت امام، یعنی عروس ایشان، سرکار خانم فاطمه طباطبایی به عنوان یک نارضایی که در دانشگاه تهران در حال شکل‌گیری است به حضرت امام منتقل شد و حضرت امام به مجرد اینکه از این موضوع مطلع شدند برای جمع‌آوری آن دیوار و جمع کردن بساط این نوع تفکرات سطحی و ظاهرگرایانه دستور دادند و فرمودند ما با دیوارکشی در دانشگاه‌ها مخالفیم. این عوامل باعث می‌شود که اسلام تضعیف و مسلمانان عقب‌افتاده در جهان نام برده شوند."

از همین زمان، بحث سهمیه‌بندی جنسی برای رشته‌های مختلف نیز مطرح بود که به محرومیت زنان و دختران دانشجویان از تحصیل در بسیاری از رشته‌ها منجر می‌شد. دخترانی که در رشته‌هایی مانند کشاورزی و معدن، مهندسی مکانیک مشغول به تحصیل بودند، رشته‌هایی که به اصطلاح مردانه تشخیص داده می‌شد، مجبور به تغییر رشته شدند.

^۱ - چند اعلامیه در این باره از دانشجویان دانشگاه مشهد در بخش ضمیمه آمده است.

۳-۲-۶- ورزش زنان

ورزش یکی از حوزه‌هایی بود که محرومیت‌های اجتماعی از آن برای زنان، در آن زودتر از سایر حوزه‌ها آغاز شد. این تبعیض در حدی بود که مقالات متعددی در این باره در نشریات به چاپ می‌رسید. ۱۷ فروردین ۵۸ در مقاله‌ای با عنوان "در ورزش هم چنان خبری نیست دو راه داریم: تعطیل ورزش بانوان یا استفاده از مرد در ورزش بانوان" به مسایل ورزش زنان، از جمله شنا و کمبود نجات غریق زن اشاره شده بود. در مقاله‌ی دیگری در ۲۰ فروردین، تحت عنوان "با کنار گذاشتن زنان در ورزش، نیمی از نیروی‌مان به هدر می‌رود"، بار دیگر به این مساله پرداخته شده بود.

۳۰ خرداد ۵۸، در گزارشی در آیندگان با عنوان "به این می‌گویند فکر بکر، عیال فراش مدرسه در نقش نجات غریق بانوان"، به استخری تازه تاسیس اشاره شده که به دلیل اینکه نجات غریق زن نداشت، از پاسخ‌گویی به زنان ناتوان بوده و در نتیجه برای جلوگیری از اعتراض زنانی که برای شنا در پشت درهای استخر گرد آمده بودند، از همسران سرایداران استخر خواسته بودند که نقش نجات غریق را بازی کنند. در این گزارش، به خطر غرق شدن برای زنانی که در چنین استخرهایی شنا می‌کردند، اشاره شده بود.

۳-۲-۷- تفکیک جنسیتی در سایر حوزه‌ها

زنانه مردانه شدن ساحل دریا یکی از تفکیک‌هایی بود که بین زنان و مردان اعمال شد. این بحث از ماه‌های اول سال ۱۳۵۸ مطرح شد و هر چه به تابستان نزدیک‌تر می‌شد، این بحث حادث‌تر می‌شد. در هشتم تیر ماه، فرماندار بندر انزلی طی مصاحبه‌ای با مجله اطلاعات هفتگی اعلام کرد: «دریا باید زنانه - مردانه باشد، خواهران و برادران ما باید جدا از هم به آب بروند...». بر سر در فرمانداری هم شعار بزرگی نصب کردند: «فرماندار مسلمان تشویق باید گردد. طرح جداسازی‌اش اجرا باید گردد.» او دریا را به قطعات دویست متری تقسیم کرد که با ۳ نوع تابلو با این عناوین جدا می‌شد: "مخصوص شنای خواهران"، "مخصوص شنای برادران" و "شنا ممنوع". پلاژداران، صاحبان مغازه‌ها، جوانان و گروه‌های سیاسی، با صدور اعلامیه و تشکیل میتینگ و راهپیمایی علیه این تصمیم به اعتراض برخاستند. بندر انزلی، در تمامی آن سه ماه، هر هفته و هر روز شاهد یک راهپیمایی تازه در مورد این طرح بود. طرفداران طرح شعار می‌دادند: "از ساحل دریای

خزر به سوی ساحل خدا گام برمی‌داریم" و مخالفان طرح که این کار را ارتجاعی می‌دانستند، شعار "فرماندار انزلی، اصلاح باید گردد" را سر می‌دادند. هفته‌نامه «امید ایران»، چهارم تیر ۱۳۵۸ گزارشی درباره طرح جداسازی ساحل دریا منتشر کرد. در این گزارش آمده است:

"اعلامیه حزب کارگران سوسیالیست (بخش گیلان) نیز بر در و دیوار شهر نصب است: «در طول انقلاب، زنان ایران ثابت نمودند که از مردان هیچ کمی نداشته و باید از تمام حقوق متساوی با مردان برخوردار باشند.» و در کنار همه این‌ها اعلامیه بلند هواداران سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در انزلی که با خط ماژیک بر تابلوی اعلانات در کنار مقر فرمانداری نصب شده، بیش از همه جلب توجه می‌کند: «طرح جداسازی و تقسیم ساحل به مناطق زنانه و مردانه از نظر اقتصادی و ایمنی نادرست بوده و لطمات اقتصادی شدیدی به زندگی اقشار زحمتکش ساحل انزلی وارد خواهد آورد.»"

اتحادیه پلاژداران خواستار لغو این طرح بودند. فرماندار انزلی در باره نحوه اجرایی کردن این طرح در مصاحبه ای چنین گفت:

"اساس کار این است که در خود پلاژها تمامی خانواده‌ها می‌توانند وارد پلاژ بشوند، ولی موقع شنا، باید جدا از هم باشند. ما سفارش تابلو دادیم که به زودی آن‌ها را به فاصله ۲۰۰ متری از هم نصب می‌کنیم؛ یعنی ۲۰۰ متر از دریا اختصاص به شنای مردها دارد، ۲۰۰ متر بعدی خالی است و ۲۰۰ متر بعدی زنانه است و همین‌طور الی آخر! ایشان در پاسخ به این سوال که خانم‌ها موقع رفت‌وآمد از پلاژها تا دریا چه بکنند؟، پاسخ دادند: "خواهران باید همت بکنند و خودشان را در این فاصله با حوله یا چادر ببوشانند. برادران هم بهتر است مایوی مناسب‌تری بپوشند."

فرماندار در این مصاحبه اعلام کرد که از این طرح به هیچ عنوان عقب نخواهند نشست. در مورد نجات غریق هم عنوان کردند که در حال تربیت نجات غریق زن هستند و پاسخ فرماندار به این سوال که آیا آنان زیر نظر نجات غریقان مرد آموزش می‌بینند؟ فقط سکوت بود. ماجرای بندر انزلی در سایر سواحل دریا کم و بیش تکرار شد.

ممنوعیت آواز خواندن زنان، یکی دیگر از این محدودیت‌ها بود. پخش ترانه‌ها و آوازهای زنان از تلویزیون بعد از بهمن ۱۳۵۷ ممنوع شد. تفکیک در سایر حوزه‌ها نیز در دستور کار بود. سوم تیر ۵۹ آیت‌اله محمدی گیلانی حاکم شرع و رییس دادگاه‌های انقلاب اسلامی مرکز به آرایشگران هشدار داد که واحد صنفی خود را با موازین شرعی تطبیق دهند و به کار خلاف شرع آرایش بانوان توسط آقایان و آرایش آقایان توسط بانوان پایان بخشند. ۳ تیر ۵۹، زنان حزب‌اللهی در اعتراض به فروشندگان لباس‌های زیر زنانه که به اصطلاح بدون رعایت عفت عمومی این البسه را داخل ویتترین قرار می‌دادند به راهپیمایی پرداختند.

۳-۲-۸- حجاب

مساله برخورد با زنان بی‌حجاب از روزهای قبل از انقلاب و در همان تظاهرات ضد رژیم پهلوی شروع شده بود. و خشونت‌بارترین نمود آن اسیدپاشی به زنان بی‌حجاب بود. این مساله را می‌توان از اولین نشانه‌های رشد بنیادگرایی در ایران، در راستای ایجاد کمر بند سبز دانست. در نشریه نوید ۱۲ فروردین ۵۷ مطلبی است با عنوان: "ساواک جنگ سردی را علیه مبارزان آغاز کرده است/ چه کسی بر روی زنان اسید می‌پاشد".

این مقاله حمله به زنان و دختران و پاره کردن لباس آنان، ضرب و شتم و اسیدپاشی به بهانه پوشش نامناسب را به ساواک منتسب می‌کند و معتقد است که ساواک به این طریق می‌خواهد بین مردان و زنان مبارز و مبارزان چپ و مذهبی تفرقه ایجاد کند.

"ساواک برای طبیعی جلوه دادن نمایش دسیسه‌آمیز خود در گوشه و کنار شهر با حمله به زنان، چاقو کشیدن بر روی آنها و اسیدپاشی و تهدید و عربده‌جویی وحشت عمومی را برانگیخت و آنگاه کوشید خشم ناشی از این وحشت را به سوی مبارزان مذهبی سرازیر کند. در شرایطی که زنان ایران دوش به دوش مردان، پدران و همسران خود در کوچه و خیابان به خاک و خون می‌افتند و در شکنجه‌گاه‌ها و زندان‌ها سلاخی می‌شوند و می‌پوسند و بدترین و سخت‌ترین تبعیض و استثمار و ستم و تحقیر و محرومیت را تحمل می‌کنند، ... در باغ‌های چای و مزارع شالی و مرکبات و... عرق می‌ریزند، پشت ماشین کارخانه‌ها قطره قطره هستی ظریف‌شان را وام می‌گذارند، سخن گفتن از فاصله زن و مرد تقاضای بازگشت زن به کنج خانه،

بستن دانشگاه به روی هزاران استعداد پربار زنانه و محرومیت از نیروی مادی و معنوی نیمی از پیکر خود صدایی است که تنها می‌تواند از حلقوم ارتجاع خارج شود و ساواک هم این را می‌داند. ساواک با این تیر زهرآلود دو هدف را نشانه رفته است: از یک سو می‌خواهد بگوید که این مدعیان آزادی چه کسانی هستند آنان می‌خواهند چرخ زمان را به عقب برگردانند و زنان را به حرمسراها و آشپزخانه‌های عهد بوق پس برانند و از سوی دیگر با این حيله که به دست خود پخته و پرداخته نه تنها خیل زنان بلکه به زعم خود مردان را نیز نسبت به عناصر مذهبی بدبین کنند...

ادامه‌ی تعرض به زنان بی‌حجاب و بدون چادر و تشدید برخوردها با آنان در سال‌های بعد نشان از روندی مشخص دارد. در آيندگان ۲۶ دی ماه ۵۷ بیانیه "زنان مجاهد" در مورد تهدید زنان و دختران بی‌چادر منتشر شده است. البته روشن نیست این "زنان مجاهد" چه کسانی هستند زیرا دیگر خبری از آنان در مطبوعات به چشم نمی‌خورد. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است:

"اخیرا در برخی از شهرهای میهن ما مانند تبریز، همدان، کرمان، و... دیده شده که گروهی ناآگاه زنان و دختران بی‌چادر را تهدید به آتش زدن، چاقوکشی و اسیدپاشی می‌کنند و حتا تا آنجا از جریان انقلاب بزرگ ملت ایران به دور مانده‌اند که علت و ریشه‌ی این انقلاب را مساله آزادی زنان و راه به ثمر رسیدن آن را در چادر به سر کردن زنان می‌دانند... در شهر همدان اعلامیه‌هایی به دیوارها چسبانیده‌اند که در آن تاکید شده است که از رفت و آمد زنان بی‌چادر جلوگیری خواهد شد..."

در کیهان ۲۷ دی ماه ۵۷، در خبر دیگری می‌خوانیم که "دانشگاهیان دانشگاه آزاد" تهدید زنان بی‌چادر را محکوم کردند:

"انتشار بیانیه افشاگرانه زنان مجاهد در رابطه با برخی حرکات ناآگاهانه گروه‌های پراکنده همانند تهدید زنان و دختران بی‌چادر و آتش زدن و چاقوکشی و اسیدپاشی که در حقیقت ناشی از عدم آگاهی آنها و تاثیر تبلیغات خائنانه عناصر مزدور می‌باشد زنگ خطر تازه‌ای را به صدا درآورد."

سپس به نقش زنان ایران در مبارزات ملی علیه استبداد و استعمار از آغاز مشروطه تا کنون اشاره کرده و چنین ادامه داده است:

"جمع بیشماری از زنان ایران با شکل و لباس و دیدگاه‌های متفاوت همگام با برادران خود در سال‌های سیاه اخیر دلیرانه شهید شده و یا رنج زندان و شکنجه را به جان خریدند. بنابراین سعی در دور نگه داشتن این نیروی عظیم از صحنه‌ی مبارزات ملت ایران به بهانه‌های تعصب‌آمیز قشری، عملی نادرست و در جهت منافع استبداد و استعمار است. در ادامه نیز ضمن تقبیح چنین حرکات ارتجاعی و تایید بیانیه‌ی زنان مجاهد از تمام گروه‌های مبارز ملی، احزاب و سازمان‌های مترقی به ویژه روحانیون آزادیخواه و پیشرو و متعهد انتظار دارد با محکوم کردن این گونه انحرافات به ارشاد عناصر ناآگاه پرداخته و از ایجاد هر گونه تفرقه در صفوف مبارزان راستین ملت جلوگیری نمایند."

در تظاهرات این روزها از حضور زنان چادری گزارش شده است که عینک سیاه به چشم و دستکش به دست داشتند و از کیف‌شان روسری در می‌آوردند و به زنان بی‌حجاب می‌دادند و می‌گفتند: "خواهر باحجاب در تظاهرات شرکت کن".^۱ در روزنامه‌ی آیندگان ۲۸ دی ماه ۱۳۵۷ اطلاعیه‌ی زنان پیشرو مبنی بر حضور در راهپیمایی اربعین منتشر شده است. اما مشخص نیست این "زنان پیشرو" چه کسانی بودند و چه گرایشی داشتند. در این بیانیه آمده است:

"... از کلیه زنان مبارز و خانه‌دار، پزشک و مهندس و دانشجو و دانش‌آموز ... تقاضا می‌کنیم که روز جمعه به طرز شایسته‌ای در این تظاهرات شرکت کرده و آزادانه در راه تحقق کامل انسانی و ساختن ایرانی آزاد و مستقل نهضت باشکوه آزادمردان و آزادزنان را تحکیم بخشند."

شرکت زنان در تظاهرات اربعین با تظاهرات پیش از آن بسیار متفاوت بود. به طور مشخص حضور زنان با چادر به نحو چشمگیری افزایش یافته بود و در بسیاری از شهرها به صفوف زنان بی‌حجاب و گروه‌های چپ حمله شد. به خبر کیهان که در ۳۰ دی ماه منتشر شد دقت کنیم:

"... برخی افراد مشکوک در دسته‌های کوچک سعی کردند تظاهرات را به آشوب بکشانند. این افراد در ونک عکس دکتر مصدق را پایین کشیدند و در مقابل دانشگاه

۱- متین، مهناز، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷، ص ۱۴۳ به نقل از محبوبه امیری

درگیری خطرناکی ایجاد کردند ... وقتی متوجه صف آموزگاران شدند که با در دست داشتن عکس‌های آیت‌اله خمینی، شریعتمداری، صمد بهرنگی و خسرو گل‌سروخی و خسرو روزبه حرکت می‌کردند، کوشیدند صف آنها را متفرق کنند. گروه‌های کوچکی که در پناه شعار "حزب فقط حزب‌اله / رهبر فقط روح‌اله" حرکت می‌کردند به صف معلمان حمله کردند. در نتیجه چند نفر مجروح شدند ... افراد مشکوک به زنان بی چادر رنگ پاشیدند و سعی کردند با وانت، صف معلمان را زیر بگیرند. چند زن و مرد ... که خطر را متوجه گروهی از هم‌وطنان دیدند، جلوی وانت دراز کشیدند...."

در این روزها مساله زنان و موقعیت آنان در حکومت آینده یکی از مسایلی بود که خبرنگاران خارجی در مصاحبه با روحانیون و مسوولان مطرح می‌کردند. آیت‌اله منتظری در این مورد به خبرنگار فرانسوی گفته بود:

"اصولا حجاب اسلامی به معنی پوشیده شدن در چادر نیست و هدف آن است که زن در جامعه لخت نباشد که وسیله شهوت‌رانی قرار گیرد و گرنه با مراعات حجاب اسلامی و عدم اختلاط دختر و پسر از نظر اسلامی آزادی‌های مورد نیاز زنان و دختران تامین می‌شود و آنها از تمام مزایا و حقوق اجتماعی مشروع بهره‌مند هستند."^۱

در اول بهمن ماه، در روزنامه آیندگان مصاحبه آیت‌اله خمینی با روزنامه‌ی السفیر منتشر شد. در این مصاحبه گفته شده بود:

"زن مسلمان چادر سر کردن را انتخاب کرده است و این به علت آموزش اسلامی است که دیده است. در آینده زنان آزاد خواهند بود که در این باره تصمیم بگیرند ما تنها پوشیدن لباس‌های خلاف عفت را ممنوع خواهیم کرد."

در بهمن ۵۷ آیت‌اله خمینی در پاسخ به سوال نوشابه امیری که پرسید فکر می‌کنید آیا زنان ما حتما باید حجاب داشته باشند و مثلا روسری رو سر داشته باشند؟ چنین گفت:

۱- کیهان ۲۶ دی ۵۷ و کیهان، اول بهمن ۵۷ شماره ۱۰۶۱۸، صفحه ۳، شهرک نوفل لوشاتو در حومه پاریس: "ما فقط لباس‌های جلف را ممنوع خواهیم کرد." (به نقل از مصاحبه السفیر با آقای خمینی)

"ترقی به کمالات انسانی و با اثر بودن یک زن در مملکت است نه به این که سینما برویم که "دانس" برویم و اینها ترقیاتی است که محمدرضا برای شما درست کرد که شما را به عقب رانده که ما باید بعدها جبران کنیم."^۱

دیگر سران آینده‌ی حکومت اسلامی نیز در مصاحبه‌هایی به مسایل زنان پرداخته‌اند و در این مصاحبه‌ها به بیان‌های متفاوت گفته شده بود که در اسلام زن و مرد برابر هستند اما اسلام جلوی هر نوع فساد را خواهد گرفت و قوانین اسلام از جمله ارث دو برابر مردان و... اجرا خواهد شد.^۲ ابراهیم یزدی در گفت و گو با حمیده امیری، خبرنگار کیهان، اعلام کرد:

"آنچه در نظام اسلامی باید رعایت شود عفت و عصمت است ولو اینکه کسی معتقد به حجاب نباشد باید یک اصولی را رعایت کند این مختص به زنان نیست."^۳

آیت‌اله ربانی شیرازی اعلام کرد که زنان در انتخاب چادر یا پوشش اسلامی آزادند. آیت‌اله شریعتمداری در مورد تساوی زن و مرد چنین گفت:

"اسلام با تحصیل زن و دختر مخالفتی ندارد. منتهی امتزاج زن و مرد و مدارس مختلط و بی‌عفتی و این کار البته از نظر اسلام درست نیست. اسلام درس و معلم می‌خواهد، مدرسه‌ای که مجلس معاشقه باشد را تجویز نمی‌کند ... اسلام زن را از نظر حفاظتی و شهوتی نگاه نمی‌کند بلکه برای زن ارزش قائل است، احترام قائل است. برنامه‌هایی دارد چنانچه روی آن برنامه‌ها کار کند، تحصیل هم می‌کنند به مقامات عالی هم برسند. ولی خوب مطابق قوانینی که در اسلام است عفت و شخصیت او و احترام و مقام خود را باید حفظ کنند که اگر یک حکومت اسلامی باشد هیچ کدام از اینها ترسی ندارد."

پس از ۲۲ بهمن مساله حجاب زنان جدی‌تر شد. نمونه‌ی مشهود این محدودیت، حذف زنان بی‌حجاب از تلویزیون و اخراج کسانی بود که تن به این حجاب اجباری ندادند. روز ۱۶ اسفند آیت‌اله خمینی در نطقی در جمع طلاب قم ضمن انتقاد از دولت بازرگان اعلام کرد:

۱- کیهان سوم بهمن ۱۳۵۷

۲- کیهان ۲، ۵ و ۱۷ بهمن

۳- کیهان ۵ بهمن ۵۷ شماره ۱۰۶۲۲ صفحه ۱

" شنیده‌ام وزارتخانه‌ها همان است که در زمان طاغوت بود ... وزارتخانه‌های فعلی غیراسلامی است... در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند ... زن‌ها بروند اما باحجاب باشند. مانعی ندارد بروند کار بکنند لیکن با حجاب شرعی باشد."

انتشار این مطلب، عکس‌العمل‌های بسیاری را به دنبال داشت، هم از جانب موافقان و هم مخالفان حجاب اجباری. لحن توهین‌آمیز این گفته و تشدید برخوردهای وحشیانه مرتجعان به زنان به گونه‌ای حساسیت ایجاد کرد که در ۱۷ اسفند، اشراقی داماد آیت‌الله خمینی طی مصاحبه‌ای نظرات ایشان را در مورد حجاب این گونه اصلاح کرد:

"سوال: امروز پیرو پیام امام که فرموده بودند که از فردا باید بانوان با حجاب اسلامی در وزارتخانه‌ها حاضر شوند، متأسفانه عده‌ای تندرو با شدت عمل از بانوان بی‌حجاب و اقلیت‌های مذهبی خواسته‌اند که از فردا حتماً باید چادر سرشان کنند والا با شدت عمل مردم مواجه می‌شوند. خواهشمند است بفرمایید نظر امام به این شدیدی بوده و یا اینکه اصولاً ایشان نظر دیگری داشتند.

جواب: من امیدوارم که این حرف درست نباشد که با شدت عمل، مردم بخواهند نهی از منکر کنند. اما آنچه خواست امام است، این است: خلاصه باید حجاب اسلامی رواج پیدا کند. البته در سطح مقداری از وزارت‌خانه‌ها، ادارات، حتا دانشگاه‌ها و مدارس و دبیرستان‌ها، بایستی توجیه بشود که خانم‌ها رعایت حجاب اسلامی را بکنند و معنای حجاب اسلامی هم چادر نیست... چه بهتر که مردم حتی‌المقدور سعی کنند که رعایت موازین اسلامی را بکنند و خانم‌ها را نصیحت کنند و تشویق کنند و تذکر دهند به حجاب اسلامی و از طرف دیگر خانم‌ها هم باید این حکم اسلامی را خودشان اجرا کنند. انشاءالله حجاب اسلامی در سطح مملکت پیاده شود و این شرافت خانم‌هاست، کرامت خانم‌هاست. در مورد اقلیت‌های مذهبی هم البته آنها هم اگر رعایت حجاب اسلامی را بکنند، برای اینکه معلوم نیست که این خانم مسلمان است یا غیرمسلمان، البته بهتر است. بنابراین خواست امام خمینی این است که حجاب اسلامی باید در مملکت رعایت شود و..."

این خبر اعتراضات بسیار و همچنین تشدید حملات به زنان بی‌حجاب را به دنبال داشت. واکنش‌های مقامات و مصاحبه‌های آنان و اطلاعیه‌ی دادستانی نشان می‌دهد که این گونه

حملات مساله‌ساز بوده است. زنان نیز با تمام قوا در مقابل حجاب اجباری مقاومت کرده و بارها و بارها به اشکال مختلف مورد تعدی و آزار قرار گرفتند.

اولین بزرگداشت روز جهانی زن، ۱۷ اسفند ۵۷ همزمان شد با اعتراض هماهنگ، وسیع و خودانگیخته زنان علیه حجاب اجباری، گو اینکه برگزارکنندگان این مراسم فراخوانی برای این اعتراضات نداده بودند. در برخی از این مراسم به شرکت‌کنندگان در تظاهرات مجال سخنرانی داده نشد، اما برخی دیگر از برگزارکنندگان، برای پیوستن به تظاهرات مراسم را زودتر از موعد مقرر به پایان رساندند.^۱

این اعتراضات خودانگیخته بود و بسیاری از زنان کارمند، پرستار، معلم، دختران دانش‌آموز و دانشجو در آن شرکت فعال داشتند. بخشی از زنان طبقات مرفه نیز در تظاهرات شرکت داشتند. حضور آنان بهانه‌ای شد تا به تظاهرکنندگان انگ "ضدانقلاب" زده شود. این اعتراضات که چهار روز طول کشید، در روزنامه آیندگان (تنها روزنامه رسمی با مواضع چپ) انعکاس بیشتری یافت. در نشریات رسمی مانند کیهان و اطلاعات از این اعتراضات خبر کمتری منتشر شد و صدا و سیما نیز کلاً آن را سانسور کرد. زنان در روز ۲۱ اسفند در اعتراض به عملکرد صدا و سیما در پوشش ندادن این اخبار جلوی این سازمان تجمع کردند.

برخی از سازمان‌ها و نیروهای چپ نیز این تظاهرات را اعتراضی خودانگیخته علیه اولین تهاجم به آزادی‌های فردی، به شمار نیاوردند و حضور "زنان بورژوا" را نشانه‌ای از اقدامات امپریالیسم برای به انحراف کشاندن مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران دانستند. آنان معتقد بودند که هواداران بختیار از این گونه اعتراضات بیشترین بهره‌برداری را خواهند کرد، در نتیجه به شکل سازمانی و مشخص از این اعتراضات حمایت نکردند. هر چند بسیاری از این سازمان‌ها علیه حجاب اجباری بیانیه دادند و آزادی انتخاب پوشش را حق زنان دانستند و تعداد زیادی از اعضای این سازمان‌ها به طور فردی در این اعتراضات شرکت کردند.

۱- در قسمت بعد به این اعتراضات به طور مفصل پرداخته خواهد شد.

اما حکومت تازه تاسیس، این اعتراضات را به درستی تحلیل کرد. آنها قدرت اعتراضات زنان را دریافته بودند و به روشنی پیش‌بینی می‌کردند که اگر این اعتراضات مهار نشود، چه نیروی اجتماعی را به دنبال خود خواهد کشاند و دریافتند که نمی‌توان شتابزده محدودیت‌هایی برای زنان ایجاد کرد. به این دلیل به سرعت عقب نشستند و سعی کردند به شیوه‌های گوناگون اعتراضات زنان را کنترل کرده و کاهش دهند. هر چند اندکی هم از موضع خود کوتاه نیامدند، اما با احتیاط بیشتر و گام به گام پیش رفتند. شخصیت‌های محبوب مذهبی در این میان دست به کار شدند و با ادبیات دیگری، مساله را توجیه کردند. آیت‌الله طالقانی در مصاحبه‌ای، نظر خود را در مورد حجاب این گونه بیان کرد:

”حجاب به معنای عامش و نه مخصوص به چادر و وضع خاص، یعنی حفظ عفاف و حفظ وقار و شخصیت زن ... اشتباه می‌کنند خانم‌های ما، که (می‌پندارند) اگر یک روسری روی سرشان بگذارند این از حیثیت آنها کم خواهد شد و از شخصیت‌شان کاسته خواهد شد... این حجاب ساخته من و فقیه و اینها نیست، نص صریح قرآن است... آیا این مانع از آن است که کار اداری داشته باشند؟ نه. مانع از این است که کار فرهنگی داشته باشند؟ نه. به شرطی که در راه خدمت باشد. ما، اسلام، قرآن و مراجع دینی می‌خواهند زنان ما شخصیت‌شان حفظ شود و اصل مساله این است که هیچ اجباری در کار نیست و مساله چادر هم نیست.“

در بخش دیگری از صحبت چنین ادامه دادند:

”هو و جنجال راه نیاندازند و همانطور که بارها گفتیم همه حقوق حقه زنان در اسلام و در محیط جمهوری اسلامی محفوظ خواهد ماند و از آنها خواهش می‌کنیم که با لباس ساده با وقار، روسری هم روی سرشان بیاندازد به جایی بر نمی‌خورد. آنهايي هم که می‌خواهند مویشان خراب نشود اگر روی مویشان روسری بیاندازند بهتر است و بیشتر محفوظ می‌ماند... چه جنگ‌ها، چه قتل‌ها چه فجایع که تا یک سال قبل... دائما هر روز یک قسمت از اخبار روزنامه‌ها همین فجایع بود. منشا اینها کی بود؟ منشا اینها از کجا بود؟ غیر از همین تحریکات بی‌جا بود؟ واقعا یک عده زن‌ها، این جوان‌ها را اذیت می‌کردند. یک عده‌ای شکایت داشتند جوان‌های ما را اذیت می‌کنند. یک جوانی که وسیله زن گرفتن ندارد، وسیله کار ندارد، زندگی با سر و سامان ندارد، وقتی این زن را با این صورت می‌بیند که گاهی یک پیرزن پنجاه شصت ساله خودش

را مثل یک دختر ۱۴ ساله نمایش می‌دهد توی خیابان یا سرکوپه، این بیچاره اذیتش می‌کند. ناراحتاش می‌کند و این یک جور آزار جوان‌ها است و امیدواریم که بعد از این جوان‌های ما هم سر و سامان پیدا کنند ... اجباری حتا برای زن‌های مسلمان هم نیست. چه اجباری؟ حضرت آیت‌اله خمینی نصیحتی کردند مانند پدری که به فرزندش نصیحت می‌کند راهنمائیش می‌کند که شما این جور باشید به این سبک باشید.^۱

در صحبت دیگری آیت اله طالقانی مطرح کرد:

"در اسلام به قدری حق به زنان داده شده که مردها باید قیام کنند."^۲
اعتراضات به حدی شدید بود که وزیر کشور، به زنان معترض گفته بود "شلوغ نکنید از آقا می‌خواهیم که فتوایش را پس بگیرد چیز زیاد مهمی نیست. نگران نباشید کسی نمی‌خواهد چادر سر شما کند."^۳

"معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت طی مصاحبه‌ای نظر دولت را در باره حجاب اعلام کرد. وی گفت بدیهی است نخست‌وزیر و خانواده‌اش از قدیم طرفدار و مشوق و معتقد به حجاب در حد معقول و عملی و صحیح اسلامی آن بوده‌اند ولی ایشان و همه آقایان وزرا معتقد و عامل به آیه کریمه "لاکراه فی الدین" می‌باشند و دستور اجبار حجاب برای خانم‌ها صادر نمی‌نمایند. اعلام صریح دو روز قبل آیت‌اله العظمی خمینی که احدی حق تعرض و مزاحمت خانم‌ها را ندارد مؤید عمل دولت بر عدم الزام خانم‌های کارمند و مراجعین به ادارات می‌باشد، البته نمایشگری و عریانی و جلفی مسأله دیگری است که مسلما در ایران بعد از انقلاب اسلامی و در دولت‌های اسلامی نمی‌تواند جواز و پذیرش داشته باشد."^۴

۱- کیهان ۲۰ اسفند ۵۷ شماره ۱۰۶۵۸

۲- پیغام امروز ۱۷ اسفند ۵۷

۳- یکی از اعضای سازمان زنان مبارز از اعتراض زنان در وزارت کشور چنین نقل می‌کند: "یکی از رفقای ما آن‌ها را تعریف می‌کرد که همراه عده‌ای به وزارت کشور می‌رود گویا عده‌ای در آنجا جمع شده بودند می‌گفت مردی بلندگو به دست شعار می‌داد. آن‌ها را بلندگوی او را می‌گیرد و شعار می‌دهد. هیاتی از جمعیت که شامل آن‌ها و یک زن پرستار و یک نفر دیگر بود به داخل می‌روند و صباغیان این جملات را می‌گویند (خیزش زنان ایران)

۴- کیهان ۲۰ اسفند ۱۳۵۷ ص ۲

طرح این نکته که حجاب نص صریح قرآن است، نشان از آن داشت که جایی برای مماشات در این زمینه وجود ندارد و افراطیون بیکار نخواهند نشست. آنان که قبل از پیروزی ۲۲ بهمن دست به کار شده بودند، اقدامات خود را ادامه دادند. دیگر ساواکی هم در کار نبود که این برخوردها را بتوان به آن نسبت داد. حمله به زنان بی حجاب، آنقدر گسترده و وحشیانه صورت می‌گرفت که دادستانی تهران مجبور شد اطلاعیه‌ای در این مورد بدهد و اعلام کند:

”هرکس به هر عنوان و بهانه، اعم از نحوه لباس پوشیدن و غیر آن، متعرض یا مزاحم بانوان شود یا با الفاظ و حرکات مخالف شئون، به حیثیت آنان توهین کنند، طبق قانون مصوب ۱۳۳۶ تعقیب و مجازات می‌شود.“
اطلاعیه‌ای نیز از جانب دفتر آیت‌الله خمینی صادر شد:

”بر اساس خبرهای رسیده، گروهی جنایت‌کار و خیانت‌پیشه، تحت عنوان کمیته، مزاحم بانوان محترم شده و به ایشان توهین می‌کنند. ماموران کمیته‌های انقلاب موظفند با کمال دقت، مراقب باشند چنین اعمالی را با نهایت شدت جلوگیری کنند.“

مختصری از اعتراضات زنان علیه حجاب اجباری در روزهای ۱۷ تا ۲۱ اسفند ۵۷ به نقل از نشریات آیندگان، کیهان و اطلاعات

پنج شنبه ۱۷ اسفند بسیاری از زنان کارمند در محل کار خود حاضر نشدند و به صورت گروهی یا انفرادی به سوی دانشگاه تهران حرکت کردند. دختران دانش‌آموز مدارس را تعطیل کرده و از دبیرستان‌ها به سمت دانشگاه به راه افتادند. دانشگاه در آن روزها به میعادگاه معترضان تبدیل شده بود. برخی از زنان کارمند بدون حجاب هم که با در بسته‌ی محل‌های کار خود مواجه شده بودند، به سوی دانشگاه تهران روان شدند. نماینده کارکنان زن هواپیمایی ملی ایران به خبرنگار اطلاعات می‌گوید: ”عده‌ای ما را متهم کرده‌اند که نیمه‌لخت به سر کار می‌رویم در حالی که یونیفورم ما کاملاً پوشیده است.“ کارکنان بیمارستان به‌آورد اعلام کردند اگر در این مورد تصمیم قاطعی اتخاذ نشود، نمی‌توانند سرکار بروند... شعارهای زنان در این روز عبارت بودند از: ”حجاب ما صداقت و پاکی ما“، ”زن آزاده حجاب فطری داره“، ”نه روسری نه توسری“، ”استقلال آزادی“، ”می‌جنگیم می‌جنگیم برای آزادی“، ”مرگ بر استبداد، درود بر آزادی“...

در صف مقابل مردانی بودند که شعار می‌دادند: "حزب فقط حزب‌اله" در برخی خبرها آمده که برخی از آنان عورت خود را نشان زنان می‌دادند و فریاد می‌زدند: "شماها چادر نمی‌خواهید این را می‌خواهید". یورش به زنان راهپیمایا، پاره کردن چترهایشان، پرتاب گلوله‌های برفی که درون آن سنگ بود از جمله برخوردهای طرفداران حجاب با زنان بود؛ اما این توهین و آزارها از شدت و میزان اعتراضات نکاست. زنان معترض توانستند اینان را از میدان انقلاب تا دانشگاه تهران عقب برانند و خود را به صحن دانشگاه برسانند. در جای دیگر وقتی حزبالله‌ی‌ها راه را بر گروهی از زنان و دختران بستند، دختر دانش‌آموزی از صف بیرون آمد و شعار داد: "در بهار آزادی جای آزادی خالی". این مساله سبب ایجاد درگیری شد.

جمعیت زیادی در دانشگاه به هم رسیدند. بحث و گفت و گو در مورد حجاب فضا را ملتهب کرده بود. در دانشکده هنرهای زیبا برنامه‌ی ۸ مارس اتحادیه انقلابی زنان مبارز^۱ به پایان رسید و صدها تن به جمع زنان معترض پیوستند. اتحادیه بیداری زنان^۲ طی یک تصمیم‌گیری برنامه را ناتمام گذاشته و به راهپیمایی پیوست. جمعیت به سمت کاخ نخست‌وزیری حرکت کرد. هیاتی از سوی زنان به داخل نخست‌وزیری رفت تا با امیرانظام صحبت کنند. گروهی از زنان با حجاب کامل نیز وارد شده و خواستار حجاب شده بودند. هر چند ایشان هیچ گروهی را نپذیرفتند.

۱۸ اسفند باز هم زنان به دانشگاه تهران می‌روند. تعدادی سخنرانی انجام می‌شود. یکی از زنان عضو اتحادیه انقلابی زنان مبارز پیشنهاد تحصن در دانشگاه را می‌دهد که پذیرفته نمی‌شود. رای بر راهپیمایی است. شعارهای این روز: "استبداد را در هر لباسی محکوم می‌کنیم"، "مرگ بر ارتجاع"، "در طلوع آزادی جای حق خالی‌ست"... این روز هم زنان از حمله حزبالله‌ی‌ها در امان نبودند. در خیابان شاه یک اتومبیل پژو که شماره‌ی آن نیز منتشر شد، قصد داشت به میان جمعیت براند که مردم جلوی آن را گرفتند. کمیته هیچ اقدامی برای محافظت از زنان نمی‌کرد. صدا و سیما هم از این راهپیمایی و چوب و چماق‌ها هیچ نگفت.

۱- به بخش معرفی تشکل‌های زنان مراجعه کنید.

۲- به بخش معرفی تشکل‌های زنان مراجعه کنید.

در ۱۹ اسفند عده‌ی زیادی که اکثریت آنان را زنان تشکیل می‌دادند، به منظور اعلام نظر خود در مورد حجاب در محوطه دادگستری اجتماع کردند. این گروه‌ها عبارت بودند از: تعدادی از زنان وکیل، جمعیت حقوق‌دانان، کارمندان شرکت هواپیمایی ایران، دانش‌جویان، دانش‌آموزان، هنرجویان موسیقی، کارکنان وزارت دادگستری، عده‌ای از دبیران دبیرستان‌های تهران و گروه‌های دیگر. عده‌ای از دانش‌آموزانی که قصد پیوستن به این گروه را داشتند، در خیابان تخت‌جمشید (طالقانی) روبروی شرکت نفت، توسط گروهی از مخالفان متفرق شدند. تعدادی از دانش‌آموزان در مدارس‌شان متحصن شدند. شعارهایی که توسط جمعیت داده می‌شد:

”حجاب باید در فطرت زن باشد، “می‌جنگیم می‌جنگیم/ بر ضد استبداد، “استقلال، مساوات، آزادی، “زن و مرد کشته شدند/ هر دو باید آزاد باشند.“ ”وقتی جنگ حجاب میان من و توست/ پیروزی نخواهد بود“، ”برابری برادری/ نه چادر نه روسری“، ”ما را به گلوله بستند/ مردم قضاوت کنید“، ”گلوله راه‌حل شاه بود“، ”توپ تانک، استبداد/ دیگر اثر ندارد“

در این تظاهرات دسته‌ای از پسران جوان دور زنان معترض زنجیر درست کردند و مانع از حمله به آنان شدند. گزارش دیگری حاکی است که گروهی از میهمان‌داران زن و کادر زن هواپیمایی ملی ایران نیز، آن روز صبح به سوی دانشگاه تهران حرکت نموده و در آنجا به عنوان اعلام همبستگی با سایر گروه‌های تظاهرکننده زنان، تجمع کردند و خواستار رسیدگی به خواسته‌های خود شدند. همچنین جمعی از کارمندان زن رادیو و تلویزیون، در محل سازمان واقع در خیابان جام‌جم، گرد آمدند تا به سوی کاخ دادگستری حرکت کنند. در تجمع دادگستری، قطعنامه‌ای خوانده شد و زنان تجمع‌کننده، خواسته‌های خود را به شرح زیر اعلام کردند:

۱- پوشش متعارف زنان، باید با توجه به عرف و عادت و اقتضای محیط، به تشخیص خود آنان واگذار شود.

۲- حق برخورداری از حقوق مساوی با مردان، از حقوق مدنی برای زنان کشور شناخته شده و هرگونه تبعیضی در این قانون و قوانین مربوط به حقوق خانواده، از میان برداشته شود.

۳- حقوق سیاسی و اجتماعی و اقتصادی زنان، بدون هیچ تبعیضی حفظ و تامین گردد.

۴- امنیت کامل زنان در استفاده از حقوق و آزادی‌های قانونی تضمین شود.

۵- برخورداری واقعی از آزادی‌های سیاسی، آزادی قلم و بیان و عقیده و آزادی شغل و اجتماعات، برای زنان و مردان کشور تضمین گردد.

۶- هر نوع نابرابری بین زن و مرد در قوانین موضوعه، مرتفع شود.

روزنامه‌ی آیندگان ۲۰ اسفند، خبرهایی از زنانی منتشر کرد که در تظاهرات زخمی شده بودند. چهار زن در تظاهرات روز قبل چاقو خورده بودند.

۲۱ اسفند اطلاعیه دادستانی و نظر مهندس بازرگان مبنی بر عدم تحمیل حجاب منتشر شد. از صبح آن روز، گروه‌های مختلف زنان که مخالف تحمیل حجاب بودند، به منظور راهپیمایی در دانشگاه تهران اجتماع کردند. بر خلاف آنچه گفته می‌شود، مردان هم در این اعتراضات علیه حجاب اجباری به حمایت از زنان شرکت داشتند.^۱

زنان به خیابان می‌آیند. بر خلاف روزهای قبل به زنان یورش نمی‌آورند بلکه می‌کوشند از حرکت آنان جلوگیری کنند. کمی بعد حزب‌اله با مشت و لگد به جان مردانی می‌افتد که حفاظت از زنان را بر عهده گرفته‌اند:

" بچه کو..ها، ساواکی‌ها، نوکرهای امپریالیست، عامل سیا و... "

مردان خم به ابرو نمی‌آورند صف زنان به پیش می‌رود هفت کیلومتر درازا دارد. در مقابل بیمارستان‌ها و مدارس می‌ایستند ... پرشمارتر می‌شوند، مردان زیادی نیز به آنان پیوسته‌اند... ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر، در پس راهپیمایان حدود ۶۰۰ حزب‌اللهی روانند و پیشاپیش هم ۵۰ زن چادری که شعار می‌دهند: "ساواکی منافق پیوندتان ننگین باد"، "بی‌حجاب کمونیست/ طرفدار کارگر نمی‌شه" و زنان پاسخ می‌دادند "آزادی، فرهنگ ما/ خاموش بودن، ننگ ما" ...^۲

۱- متین، مهناز، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷، به نقل از کیت میلث ص ۱۹۴ و ۱۹۵

۲- آیندگان، دلی تلگراف، واشنگتن پست، کیت میلث، لوس آنجلس تایمز، لوموند

میدان آزادی محاصره شده است. حزب‌اله و ماموران "ژ.ث" به دست به تظاهرکنندگان حمله می‌کنند. تظاهرکنندگان و ضدتظاهرکنندگان در هم می‌آمیزند. آتش و دود، دو هزار زن به میدان می‌رسند اما به آنان اجازه داده نمی‌شود قطعنامه‌ی خود را بخوانند. راه‌بندان ایجاد می‌شود در صفوف زنان شکاف می‌افتد و صفوف زنان نمی‌توانند منسجم باقی بمانند. ساعت ۵ بعد از ظهر تعدادی از این زنان خود را به تلویزیون می‌رسانند. در حالی که شعار می‌دادند "مرگ بر سانسورچی"، "آزادی زنانه حق مسلم ماست"، "ای زن آزاده از حقت دفاع کن"، "اتحاد برابری پیروزی"، "مساله حجاب نیست. حقوق مساوی است". "آزادی باید نباید نداره" و...

در آیندگان اخبار این روز این گونه گزارش شده است:

«در پی تظاهرات چند روزه اخیر زنان کشور، گروه‌های دیگری از زنان در تظاهرات و راه‌پیمایی‌هایی شرکت کردند. تظاهرات زنان در محوطه دانشگاه تهران، تا حدود ظهر ادامه داشت و طی آن، سخنانی در باره نقش اجتماعی زنان، مسایل و مشکلاتی که در آن روزها با آن درگیر بودند و نیز مساله حجاب، از سوی نمایندگان گروه‌های مختلف زنان ایراد شد.

در آن گردهمایی، عده بسیاری از مردان موافق و مخالف با حجاب، حضور داشتند که عده‌ای از آنها شعار می‌دادند: "مساله حجاب نیست / توطئه امریکاست". از سوی دیگر، گروهی از دختران دانش‌آموز دبیرستان‌ها، در حال راه‌پیمایی شعار می‌دادند: "مساله حجاب نیست / مساله اعدام است". "چریک مبارز آزاد باید گردد". (اشاره به صدور حکم اعدام برای حشمت‌اله ریسی از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق است) "جمعیت زنان" و "اتحادیه انقلابی زنان مبارز"، که در جهت هماهنگی این دو سازمان و تاکید بر از بین رفتن استثمار طبقاتی می‌کوشیدند، در دانشگاه صنعتی، هم زمان با تظاهرات بانوان، با انتشار پرسش‌نامه‌هایی، به عضوگیری پرداختند. هم چنین صبح آن روز، هزاران نفر از زنان، به سوی میدان آزادی راه‌پیمایی کردند که تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه داشت. آنها در حالی که توسط حلقه‌ای از مردان محافظت می‌شدند، شعار می‌دادند: "آزادی فرهنگ / خاموش بودن ننگ"، "مرگ بر ساواکی"،

”مرگ بر سانسورچی“. به دنبال تظاهرکنندگان زن، عده‌ی بسیاری از مردان حرکت می‌کردند که شعار می‌دادند: ”ساواکی، منافق/ پیوندتان ننگ باد“، ”بی‌حجاب، کمونیست/ طرفدار کارگر نمی‌شه“.

زنان در میدان آزادی، به علت تهاجم این عده نتوانستند سخنرانی کنند، از این رو به سوی میدان ۲۴ اسفند (انقلاب) به راه افتادند و به تدریج پراکنده شدند. همچنین عده‌ای از زنان تظاهرکننده، پس از خارج شدن از دانشگاه، به سوی ساختمان تلویزیون در جام جم حرکت کردند. این عده ۵۰ نفری، در حالی که کفش‌هایشان را به عنوان اعتراض در آورده بودند،^۱ در مقابل ساختمان تلویزیون، با محافظین تلویزیون روبرو شدند و بر زمین نشستند، در حالی که شعار می‌دادند: ”آزادی، استقلال، جمهوری مردمی“، ”مرگ بر سانسور“، ”اتحاد، برابری، پیروزی“، ”مرگ بر سانسورچی“

خبر دروغی نیز مبنی بر شلیک گلوله به قطب‌زاده از طرف یکی از زنان تظاهرکننده در کیهان منتشر شد. در روزنامه اطلاعات ۲۱ اسفند خبری با این عنوان به چاپ رسید: ”راهپیمایی زنان منتفی شد“ در متن خبر آمده که از صبح امروز گروه‌های زنان مخالف تحمیل حجاب به دانشگاه رفته بودند به منظور راهپیمایی، اما پس از چند سخنرانی اعلام شد که چون به نکات مورد نظر خود در مورد لغو تحمیل حجاب دست یافته‌ایم، دلیلی برای راه‌پیمایی وجود ندارد.“

خبررسانی روزنامه کیهان و اطلاعات با روزنامه‌ی آیندگان متفاوت بود. بی‌دلیل نیست که در ۲۱ اسفند گروهی از حزب‌اله از صبح زود در برابر دفتر این روزنامه تظاهرات برپا کرده بودند با شعار: ”آیندگان آیندگان روزنامه‌ی بیگانگان“. بنا به شنیده‌ها، دو هزار نفر در این تحصن شرکت داشتند. آنان قطعنامه‌ی هشت ماده‌ای به مدیریت روزنامه می‌دهند که در ماده‌ی اول آن چنین است: ”روزنامه‌ی آیندگان موضع و خط مشی کلی سیاسی خود را تعیین کند.“^۲ در روز ۲۲ اسفند آیندگان در سرمقاله‌اش خشونت و مشت و تفنگ را نشانه‌ی توطئه اعلام کرد.

۱- صادق قطب زاده، رییس سازمان صدا و سیما بود، اعلام کرده بود که مدافع پابره‌نه‌هاست. درحالی که کت و شلوار و لباس‌های بسیار شیک خارجی می‌پوشید و این مساله به موضوعی برای طنزپردازان تبدیل شده بود.

۲- آیندگان ۲۲ اسفند

این اعتراضات فقط در تهران نبود بلکه شهرستان‌ها را هم در بر گرفت. از جمله در تبریز نیز دختران دانش‌آموز، دانشجوی و زنان شاغل در ادارات و کارخانجات، به منظور اعتراض به حجاب اجباری، در مقابل ساختمان دبیرستان پروین تبریز اجتماع کرده بودند و قصد راه‌پیمایی داشتند که عده‌ای از راه‌پیمایی آنان جلوگیری کرده و چند تیر هوایی هم شلیک شد. در بندرعباس نیز، گروه کثیری از بانوان شاغل، در مخالفت با حجاب اجباری، در خیابان‌های این شهر راه‌پیمایی و تظاهرات کردند. در شهرهای خرمشهر و آبادان نیز افراد بی‌حجاب مورد حمله و آزار قرار گرفتند و فریاد "یا حجاب یا تیزاب" را شنیدند. در اصفهان و سنندج نیز اعتراضاتی علیه حجاب اجباری صورت گرفت. زنان در سنندج شعار می‌دادند: "نه روسری نه توسری، مرگ بر این دیکتاتوری" این اعتراض در بیستم اسفند برگزار شد. این برنامه توسط زنانی سازماندهی شده بود که بعدها با کومه فعالیت کردند و اقشار مختلف زنان مانند دانش‌آموزان، کارمندان، آموزگاران، کارگران و پرستاران در آن شرکت داشتند. ۲۱ اسفند دختران دانش‌آموز مه‌آباد علیه حجاب اجباری اعتراض کردند. در حالی که چریک‌های فدایی خلق مه‌آباد از آنان محافظت می‌کردند.^۱ در کرمانشاه نیز ۵ هزار تن از زنان و دختران در دبستان شاهدخت سابق تجمع کردند و حمایت خود را از زنان تهران اعلام کردند.^۲

این اعتراضات در صدر خبر رسانه‌های خارجی قرار گرفت و تظاهراتی از سوی فمینیست‌های امریکایی در واشنگتن برگزار شد. بر مبنای خبر آسوشیتدپرس، حدود هزار نفر در این اعتراض مقابل کنسولگری ایران شرکت داشتند از جمله بتی فریدمن و گلوریا استیمن. در همین زمان در پاریس نیز کمیته بین‌المللی حمایت از حقوق زن در ایران با حضور یک صد زن برجسته از پانزده کشور دنیا تشکیل شده بود. کیت میلر عضو کمیته‌ی بین‌المللی زنان آمریکا نیز که به دعوت کمیته‌ی دفاع از حقوق زن به ایران آمده بود در اعتراضات زنان در تهران شرکت داشت. ۲۶ اسفند خبر اخراج وی از ایران توسط دولت موقت اعلام شد. گزارش‌هایی که کیت میلر از این اعتراضات تهیه کرده بود در نشریات خارج منتشر شد.

۱- اطلاعات ۲۱ اسفند ۵۷

۲- کیهان ۲۳ اسفند ۱۳۵۷

همزمان با این اعتراضات، زنان طرفدار حکومت نیز به حمایت از حجاب تظاهرات و راهپیمایی داشتند. "عصر روز ۱۸ اسفند گروهی در محوطه روزنامه آیندگان به طرفداری از حجاب جمع شده و شعار دادند: "ما پیرو قرآنیم، بی حجاب نمی‌خواهیم" "مرگ بر این ارثیه پهلوی"، "رهبر ما خمینی، حجاب ما زینبی" و..."

۲۳ اسفند زنان طرفدار حجاب اسلامی طی اطلاعیه‌ای، زنان مسلمان تهران را به شرکت در یک گردهمایی در روز جمعه دعوت کردند. متن این اطلاعیه به این شرح است:

«هم‌وطن متعهد و مسلمان؛ به منظور دفاع از حجاب اسلامی و همچنین به خاطر تایید و تقدیر از تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آقای صادق قطب‌زاده منتخب امام در برابر عناصر ناآگاه و عوامل ضد انقلاب در روز جمعه ۲۵ اسفند از ساعت دو بعد از ظهر در خیابان جام جم با شرکت خود در این گردهمایی رشد اخلاقی، مذهبی و تداوم روحیه‌ی انقلابی خود را نشان می‌دهیم. زنان مسلمان تهران»

صادق قطب‌زاده سرپرست رادیو تلویزیون روز ۲۵ اسفند ۱۳۵۷ در اجتماع بزرگی حضور یافت و پس از سخنرانی خانم گوهرالشریعه دستغیب در تحسین از حجاب، با طرح این مساله که انقلاب ایران ۱۶۰ هزار کشته و مجروح داشته، ضدانقلاب و ضدحجاب را محکوم کرد. در این تجمع قطعنامه صادر شد که در بند ۱۲ آن چنین آمده بود:

"خواهران مسلمان ما حجاب را به مثابه سنگر پیکار و حصار تقوی، به تمامی زنان مبارز و انقلابی ابلاغ و پیشنهاد می‌نمایند."

مواضع و اقدامات سران رژیم جدید و عقب‌نشینی ظاهری و موقت آنان، عدم همراهی و حمایت مشخص و رسمی سازمان‌های سیاسی چپ و اختلاف‌نظرهای موجود در تحلیل این مساله، از جمله عواملی بود که سبب شد جنبش اعتراضی زنان پس از ۴ روز آرام بگیرد. مهدی بازرگان در پیامی تلویزیونی گفت:

«می‌روند دایما پشت گوش آقا می‌خوانند که این‌ها در ظروف طلا و نقره غذا می‌خورند، در وزارت‌خانه‌ها زن‌های لخت هستند و در کاخ‌های فرعون‌ی زندگی می‌کنند. این گرفتاری همیشه بوده، در این گیرودار گرفتاری‌ها و مسائل و مصائب، چه موضوعات فرعی را پیش می‌کشند.»

گروه‌های زنان موجود از جمله جمعیت زنان مبارز به این نتیجه رسیدند که تظاهرات در لحظه کنونی بسیار مخاطره‌آمیز شده و بهتر است برای مدتی از تظاهرات صرف‌نظر شود تا امکان و توان سازماندهی بهتری ایجاد شود و این گونه بود که این اعتراض بزرگ و خودانگیخته به خاموشی گرایید.

همزمان با این رویدادها و پس از آن شخصیت‌ها، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی موضع خود را نسبت به مساله حجاب علنی و ابراز کردند. سازمان ملی دانشگاهیان انتخاب نوع پوشش را ابتدایی‌ترین حقوق هر فرد دانست و به مناسبت ۱۷ اسفند بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده بود که:

”... زنان باید موضوع هیچ گونه تبعیضی قرار نگیرند و از آزادی واقعی و حقوق اجتماعی و امکان رشد و شکوفایی همه‌ی استعدادهای خود برخوردار شوند. انتخاب نوع پوشاک، از ابتدایی‌ترین حقوق فرد است و هم چنان که شیوه‌ی تحمیلی کشف حجاب، نتایج زیان‌باری به همراه داشت، تحمیل حجاب نیز در جهت نفی آزادی‌های فردی و تهدیدی بر ایمنی اجتماعی است.“

زنان حقوقدان از آیات عظام و مهندس بازرگان سپاس‌گزاری کردند و مسأله اجبار حجاب را پایان یافته تلقی کرد.^۱ از سوی قضات و وکلای زن دادگستری، بیانیه‌ای در مورد حجاب زنان و لزوم پرداختن به سایر مسایل مملکتی انتشار یافت. در این بیانیه گفته شده بود: ”زنان حقوقدان در کنار کلیه خواهران هموطن، که در گردهمایی روز شنبه ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ در وزارت دادگستری، صدای حق‌طلبانه خود را بلند نمودند و طی قطعنامه‌ی صادره، خواسته‌های خود را اعلام داشته‌اند، از حضرات آیات عظام و دولت موقت جناب آقای بازرگان، که با درایت سیاسی و انقلابی خود، عدم اجباری بودن حجاب را اعلام نمودند، سپاس‌گذاری می‌نماید. همگان امیدواریم در سایه‌ی انقلاب شکوهمند ملت، (کمبودهای ناشی از) نابرابری‌های مدنی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی زنان ایران، به بهترین نحو ممکن تامین شود.“

نویسندگان اساتید دانشگاه و... نسبت به این مساله موضع گرفتند. دکتر علی اصغر حاج سید جوادی در مقاله‌ای با عنوان «نه استالین، نه سلطان سعید بن تیمور» در روزنامه‌ی اطلاعات نوشت:

«این دستور که زن‌ها باید حجاب اسلامی بپوشند [به] نتیجه‌ای جز افزایش ناراضی‌تی و سرخوردگی از انقلاب از طرف مردم و افزایش درگیری بین مردم و مأموران کمیته‌ها نمی‌رسد... این که اصول و فروع دین اسلام را کسی جز روحانیون و عالمان دین نمی‌تواند و نباید بفهمد و تفسیر کند و با شرایط زمان و مکان محیط زندگی خود توجیه نماید هیچ گونه پایه‌ی عقلی و منطقی ندارد و هدف اساسی آن چیزی جز تمرکز قدرت مذهبی در دست گروهی خاص و ایجاد فاصله‌های مصنوعی بین مردم و مذهب و قرار گرفتن بین مردم و مذهب به عنوان واسطه نیست... اگر منظور از حجاب اجتناب و پرهیز زن‌ها از افراط در خودآرایی و برهنگی و جلفی است در این صورت لازمه‌ی حضور زن در یک فضای انقلاب اجتماعی حفظ حرمت و حیثیت خود از طریق مراعات در ایجاد تعادل اساسی در شکل و وضع و حرکت خود می‌باشد. اما اگر منظور از حجاب اجبار در پوشیدن چادر و استعمال روسری است در این صورت به افراد غیرمسئول و یا کسانی که اکنون خود را در شهرهای ایران مسئول تأمین نظم می‌دانند اجازه می‌دهد که به بهانه‌ی این دستور دست به اعمال خشونت نسبت به زن‌ها بزنند.»

هما ناطق، استاد دانشگاه نیز بیانیه‌ی سازمان ملی دانشگاهیان را خواند که در آن آمده بود:

«ما مخالف حجاب نیستیم، بلکه مخالف تحمیل آن هستیم... زنان بی‌حجاب هرگز به زنان باحجاب توهین نکرده‌اند، بنابر این ما خواستار احترام متقابل هستیم.»

وی در مقاله‌ای در کیهان نوشت:

«من عضو هیچ یک از گروه‌های جمعیت‌های زنان نیستم... من فرد مستقلی هستم... مبارزه زن و مرد نمی‌شناسد... به ما گفتند: ما نیروهای ضدانقلابی... ضدحجاب... طرفداران قانون اساسی... تفرقه‌انداز هستیم. ما هیچ یک از این‌ها نیستیم... انتخاب نوع پوشاک از ابتدایی‌ترین حقوق هر فرد است. تحمیل نوع پوشاک در جهت نفی آزادی و در تحریف ایمنی اجتماعی است. در دوران پهلوی کدام مرد از آزادی

برخوردار بود که زن از آزادی برخوردار شده باشد... عنوان کردن مساله‌ی زن، در این برهه از مبارزه و در این مرحله از جنبش یک مساله‌ی انحرافی است. ما نباید در این شرایط مساله‌ای به نام مساله‌ی زن داشته باشیم... خطر انحصارطلبی و تبدیل شدن به گروه فشار در تک تک ما نهفته و باید هشیار باشیم.»

قدسی قاضی نور چنین عنوان کردند:

«برای زنان عروسکی که تمام فکرشان، خواسته‌شان و وقتشان صرف زیباتر شدن بوده، روسری کار نهایی است؟... با بستن یک روسری فکر نکنیم که زنان و دختران ما از حالت عروسکی به در می‌شوند، نه... آیا وجود ندارند زنانی که با زنانه‌ترین و بدن‌ناترین لباس‌ها یک روسری روی سر دارند؟... بیایید کاری کنیم که مساله‌ای به نام زن وجود نداشته باشد.»

سیمین دانشور هم در مقاله‌ای با عنوان «بیایید ایران ویران را آباد کنیم.» نوشت:

«رضاخان به زور و خشم حجاب را از سر زنان برداشت و پسرش قانون حمایت خانواده را پیش آورد. هیچ کدام اساس درستی نداشت... من به انقلاب مردم ایران عشق می‌ورزم. در انقلاب اسلامی ایران با ابعاد وسیع و حیرت‌انگیزش، زنان همگام مردان بودند... من حضرت خمینی رهبر انقلاب مردم ایران را کلمه الحق می‌دانم... چنین مردی بارها و بارها گفته است که مسئول نسل آینده است و آرزویش نظام حکومتی است اسلامی و ایرانی که حافظ استقلال و دموکراسی باشد... متأسفانه دست‌های مرئی و نامرئی در کار و در راه است و می‌داند که آسان‌ترین راه مخدوش کردن چهره‌ی پاک انقلاب مردم ایران، تفرقه‌اندازی... است... خوشبختانه هوشیاری حضرت خمینی و دل‌آگاهیش به این بحث خاتمه داد و حق زن را در اسلام حتا برتر از مرد شمرد. اینک مساله‌ی حجاب مطرح شده است، به وسیله‌ی تلفن و از طریق رادیو و آن هم نه به زبان حق خود حضرت خمینی... خیال همه را راحت کنم که حجاب به صورت چادر یک مساله‌ی اسلامی نیست، یک مساله‌ی سنتی است... سرانداز و چادر بیش‌تر پوشش خاص زنان دربارهای یغمانش و عیلام... بوده است. اما چه مساله‌ی چادر و چه حجاب شرعی اسلامی... از مسائل فرعی و فقهی و ظاهری است در حالی که فعلا کوهی از مشکلات در برابر ما برپا ایستاده است... درد زن‌ها را می‌دانم. مساله

بر سر این نیست که حجاب به سر بکنند یا نکنند. مساله در ترس از لچک به سر شدن است. مساله بر سر ترس از دور ماندن از مسئولیت عظیم است.»

پس از آن دیگر اعتراضاتی به این گستردگی علیه حجاب صورت نگرفت. سیر حوادث آنقدر سریع بود که مساله حجاب در میان آنها گم شد، هر چند تحمیل حجاب روند خود را طی می‌کرد و تنها در روزنامه‌های رسمی گاه و بی‌گاه مقالاتی در مورد مساله حجاب و فشارهای وارده بر زنان منتشر می‌شد. از جمله، منصوره کفایی، ۱۸ اردیبهشت ۵۸ نامه‌ای به آیندگان نوشت با عنوان "مساله زنان و آنان که کاسه‌ی گرمتر از آش هستند" و به فشارهایی اشاره کرد که برای تحمیل حجاب به زنان وارد می‌شد. در بخشی از این نامه چنین آمده است :

"با وجودی که قبلا نوید داده می‌شد حقوق اجتماعی زنان در دوران جمهوری اسلامی به مراتب بیشتر از دوران آریامه‌ری خواهد بود، حالیه که به لطف الهی، حکومت مردم بر مردم جایگزین حکومت فرد بر مردم شده، عملا گروهی از مردان مبارز، چنان جبهه‌ی خود را از جامعه نسوان مبارز جدا نموده‌اند که پنداری زنان ایرانی در کوران مبارزات، نه دست به اعتصاب زده، نه راه‌پیمایی کرده و نه اینکه دوشادوش مردان، شهید داده‌اند و نه در زندان‌های مخوف رژیم گذشته، مورد وقیحانه‌ترین شکنجه‌ها قرار گرفته‌اند.

صرف نظر از هیاهوی حجاب، که مسلما دلیل نجابت یک زن، پارچه اضافی نمی‌تواند باشد، این روزها ما زنان اداری، که شغل خارج از چارچوب منزل را، صرفا به خاطر مدد معاش انتخاب کرده‌ایم، شاهد عکس‌العمل‌های نوظهوری هستیم که کم‌کم جنبه‌ی مخالف‌خوانی و جبهه‌گیری را از دست داده و صورت توهین به خود گرفته است ..."

برخورد با زنان بی‌حجاب تا سال‌های دهه‌ی شصت همچنان با شدت ادامه یافت. کتک زدن زنان در انظار عمومی، تیغ کشیدن به صورت و لب‌های زنان به جرم داشتن آرایش، اسید پاشیدن به روی آنها، شلاق زدن، اخراج از کار، از جمله برخوردهایی بود که با زنان به اصطلاح بدحجاب می‌شد.

در تیر ۵۹ از سوی آیت‌اله خمینی "انقلاب اداری" اعلام شد. پس از آن مسوولین وزارتخانه‌ها و ادارات یکی پس از دیگری زنان کارمند را به رعایت پوشش اسلامی ملزم کردند. در ۱۶ تیر ماه ۵۹ شورای انقلاب ورود زنان بدون پوشش اسلامی را به ادارات ممنوع کرد. آیت‌اله قدوسی دادستان کل انقلاب با صدور اطلاعیه‌ای به تمام وزارتخانه‌ها و موسسات و ادارات هشدار داد که از ساعت ۸ صبح ۱۷ تیر ماه حقوق و مزایای زنان کارمندی که بدون پوشش اسلامی در محل کار حاضر شوند قطع خواهد شد. شورای خلیفه‌گری ارامنه نیز اعلام کرد که زنان ارمنی با پوشش اسلامی در ادارات حضور می‌یابند. این بار نیز زنان به خیابان آمدند تا علیه حجاب اجباری در ادارات اعتراض کنند. هر چند این اعتراضات به شدت اعتراضات اسفند ۵۷ نبود اما با دستگیری و سرکوب شدید روبرو شد. در حرکتی اعتراضی، برخی از زنان با لباس سیاه در خیابان و محل کار حاضر شدند که این مساله به دستگیری برخی از آنها منجر شد. موج پاکسازی‌ها و اخراج‌ها شدت گرفت. (اطلاعات ۹ تیر)، در روزنامه اطلاعات ۱۸ تیر خبر دستگیری ۵ زن و ۳ مرد آمده است. در ۲۳ تیر روزنامه اطلاعات خبر اخراج ۱۳۹ زن سیاه‌پوش از ارتش و سازمان صنایع دفاع ملی اعلام شد. برخی از این اخراج‌ها به صورت دسته‌جمعی بود. در روزنامه کیهان ۱۹ تیر ماه ۵۹ خبری منتشر شد به شرح زیر:

"بنا به فرمان امام و طبق بخشنامه صادره از سوی مقامات مسوول ملی نفت منطقه مسجد سلیمان مبنی بر پوشش اسلامی بانوان از روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۴ نظر به این که ۴۳ تن از پرستاران بیمارستان مسجد سلیمان از این دستور سرپیچی نموده و از گرفتن روسری‌های مخصوص امتناع ورزیدند و با توجه به این که در جلسات ارشادی قانع نشدند به دستور دادستان انقلاب اسلامی مسجد سلیمان از کار برکنار شدند."

جای این زنان در ادارات خالی نماند و زنانی که موافق دیدگاه‌های رژیم جدید بودند و حجاب را با جان و دل پذیرفته بودند، جای آنان را پر کردند. این قشر از زنان که اکنون به دلیل حکومت اسلامی، احساس امنیت می‌کردند، پا به عرصه فعالیت‌های اجتماعی گذاشتند.

یکی از دستگیرشدگان تیر ۵۹ علیه حجاب اجباری شهزاد از هنرپیشه‌هایی بود که در فیلم‌های فارسی در نقش رفاصه‌های کاباره بازی می‌کرده است. وی شاعر نیز بود و چند کتاب منتشر کرده و در دوران انقلاب نیز مقاله‌ای تحت این عنوان "چرا دیگر در فیلم‌های

فارسی برهنه نمی‌شویم" نوشته و عضو کانون نویسندگان ایران شده بود. در خبرها منتشر شد: "رقاصه مشهور کاباره‌های تهران" دستگیر شد. عکس ایشان در روزنامه اطلاعات منتشر شد. شهین نوایی در سخنرانی‌ای^۱ به این دستگیری و ماجرای آزادی وی، این گونه اشاره می‌کند:

"در کانون نویسندگان سر حمایت از این عضو دستگیر شده بحث در گرفت و اگر حمایت‌های موثر سعید سلطان‌پور^۲ و دوستان همفکرش نبود، بسیار ساده می‌توانست شهرزاد اعدام شود. در دوران بازداشت برخوردهای بسیار بدی با وی انجام شده بود به حدی که پس از آزادی مشکلاتی برای ایشان بوجود آمد."

در آن دوران در ادارات اطلاعیه‌هایی با عناوینی چون زنان مسلمان و... مرتب بر در و دیوار و تابلوهای اعلانات ادارات نصب و چسبانده می‌شد که در آن زنان بی‌حجاب را فاحشه می‌نامیدند.

شدت حملات علیه زنان بسیار زیاد و فراتر از بحث اخراج و بیکارسازی بود:

"زنانی که به جرم بی‌حجابی دستگیر می‌شدند وادار می‌شدند که ورقه‌ای را امضا کنند که روی آن نوشته شده است: "قول می‌دهم که دیگر دست به عمل منافی عفت نزنم". و یا روسری او را باز می‌کنند و روسری دیگری به سرش می‌بندند که روی آن نوشته شده: "من یک زن فاحشه هستم" و او را وادار می‌کنند با همین روسری به خانه برود. زنانی به جرم دیده شدن قسمتی از مو یا گردنشان از زیر روسری دستگیر و روانه زندان می‌شوند. موهای سر آنان را به شکل توهین‌آمیز و زنده‌ای می‌تراشند و می‌گویند: "تا زمانی که موهای سرت بلند شود مجبور می‌شود روسری سرکنی و آن وقت به حجاب عادت خواهی کرد". سر زنان متهم را به داخل کیسه‌ای پر از حشره و موش می‌کنند که سبب بیماری روانی این زنان می‌شد... عظمت غفاری پرستار قائم‌شهر و یک زن ارمنی به علت تجاوز هنگام دستگیری به بهانه نداشتن حجاب، خودکشی کردند.^۳

۱- شهین نوایی، کنفرانس کمیته ضد سنگسار در پاریس در ۱۲ مارس ۲۰۱۵.

۲- شاعر و از اعضای سازمان چریک‌های فدایی خلق که در ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ اعدام شد.

۳- سازمان چریک‌های فدایی خلق اکثریت، از رنج و رزم زنان، سال ۶۳/ سایت اسناد اپوزیسیون. اکثریت تا قبل از سال ۶۲ از حکومت دفاع می‌کرد.

۳-۳- موضع سازمان‌ها و تشکل‌های چپ در رابطه با مسایل زنان، نقش و جایگاه زنان در این سازمان‌ها / ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰

موضع سازمان‌ها و تشکل‌های چپ در رابطه با مسایل زنان را می‌توان از مطالب، مقالات و بیانیه‌هایی دریافت که در نشریات این سازمان‌ها منعکس می‌شد. هر چند که دسترسی به همه این نشریات ممکن نیست اما در همین حد محدود نیز می‌تواند نمایانگر این مواضع باشد. تمام این سازمان و گروه‌ها، بخش زنان داشتند، حتا در کادر مرکزی بیشتر این سازمان‌ها زنان نیز حضور داشتند هرچند تعدادشان کمتر از مردان بود. با این حال آماری در دسترس نیست که میزان مشارکت زنان در فعالیت‌ها، ارتقاء و تاثیرگذاری، رده‌های تشکیلاتی و تعداد اعضای این سازمان‌ها را به تفکیک زن و مرد نشان دهد. شوربختانه شاید تنها فهرستی که نشان از میزان مشارکت زنان در این برهه از فعالیت‌های اجتماعی سیاسی داشته باشد، شمار اعدام شدگان زن است. یکی از این لیست‌ها مربوط به اعدام‌های شصت تا پیش از اعدام دسته‌جمعی سال ۶۷ است. این فهرست در سوئد و در ارتباط با حقوق بشر در ایران منتشر شده است. این فهرست اعدامیان را بیش از ده هزار و ۷۸۷ اعدامی اعلام کرده است که از این تعداد ۱۳۵۵ نفرشان زن بوده‌اند. (حدود ۱۲,۵ درصد)^۱ البته به نظر می‌رسد برخی اسامی در این فهرست وجود ندارد. آمارهای دیگری نیز در رابطه با شمار اعدامیان زن منتشر شده است: "تا امروز به طور تقریبی بیش از ۱۵۰۰ زن انقلابی اعدام شده‌اند. در میان اعدام‌شدگان بیش از ۲۶ دختر خردسال ۱۳ تا ۱۵ ساله، ۲۰ زن باردار، ۱۱ مادر و مادر بزرگ ۵۰ تا ۷۰ ساله وجود داشته‌اند. از این اعدام‌شدگان بیش از ۸۰۰ نفر تیرباران، ۱۸ نفر حلق آویز، ۵۰ زن شجاع در زیر شکنجه به شهادت رسیده‌اند."^۲

شمار اعدامی‌های سال ۶۷ نیز زنان بسیاری هستند، بیشتر این اعدام‌شدگان زنان هوادار سازمان مجاهدین خلق بودند. زنان چپ در این سال از اعدام‌ها جان به در بردند، زیرا در قوانین اسلام، حکم زن مرتد، اعدام نیست.

۱- دو و نیم درصد رشد زنان اعدامی در دهه شصت نسبت به زنان اعدامی در سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷، مشاهده می‌شود.

۲- از رنج و رزم زنان ایران، رقیه دانشگری، ۱۳۶۳.

مروری کوتاه و نگاهی اجمالی به نشریات آن دوره نشان می‌دهد که در طرح‌ها و عکس‌های این نشریات همه جا عکس زن و مرد دیده می‌شود. در لابه‌لای صفحات این نشریه‌ها می‌توان گزارش‌هایی در باره‌ی زنان کارگر، بیکاری زنان، برخورد با زندانیان زن، مراسم بزرگداشت روز زن و... مشاهده کرد؛ گو این که نسبت مقالات و گزارش‌های مربوط به مسایل زنان کمتر از سایر مطالب است.

سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی چپ آن دوره را از زاویه مواضع‌شان نسبت به حکومت جمهوری اسلامی، می‌توان در دو دسته مشخص جای داد. گروه‌هایی که جمهوری اسلامی را ضدخلق ارزیابی می‌کردند و گروه‌هایی که آن را خلقی و ضدامپریالیست می‌دانستند. این موضع کلی در نوع سیاست‌ها و مواضع آن سازمان‌ها نسبت به مسایل زنان نیز بسیار تاثیرگذار بوده و چه بسا با تغییر افراد کادر مرکزی یا قدرت‌گیری جناح‌های راست یا چپ در سازمان‌ها، این مواضع تغییر فاحش می‌کرده است.

در اسفند ۵۷ تنها سازمان‌های به واقع متشکل‌تر عبارت بودند از سازمان چریک‌های فدایی خلق، سازمان مجاهدین خلق. سایر گروه‌ها هنوز به طور رسمی شکل سازمان و تشکل را به خود نگرفته و نشریه‌ای از سوی آنها منتشر نشده بود یا اکنون این نشریات در دسترس نیستند؛ در نتیجه از مواضع آنها در قبال اعتراضات گسترده زنان علیه حجاب اجباری در اسفند ۵۷ سندی در دست (نگارنده) نیست. در این دوره بسیاری از سازمان‌ها مواضع خود را در اعلامیه‌هایی منتشر می‌کردند که بر در و دیوار مناطق پرتردد مانند دانشگاه‌ها چسبانده می‌شد. بسیاری از این سازمان‌ها در تیر ۵۹، یعنی همزمان با اجباری شدن حجاب در ادارات، در این باره واکنش نشان دادند.

۳-۱-۳- سازمان چریک‌های فدایی خلق به نقل از نشریه کار: (تا پیش از انشعاب^۱)
 ۵ اسفند ۵۷ قطعنامه‌ای در اجتماع سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران خوانده شد که در بند ۸ قطعنامه شرکت‌کنندگان آمده است:

۱- سازمان چریک‌های فدایی خلق در سال‌های ابتدای دهه ۵۰ شکل گرفت و مشی مسلحانه را به عنوان شیوه‌ی مبارزه انتخاب کرده بود. در ماه‌های اعتراضات خیابانی، اعضای این سازمان (آنها که از زندان آزاد شده بودند به همراه سایر هوادارانش، در جنگ و گریزهای خیابانی فعال بودند و پس از سرنگونی رژیم سلطنت با موج گسترده‌ی هواداران روبرو

"رژیم‌های ارتجاعی گذشته، زنان را که نیمی از نیروی جامعه هستند، در وضعی بسیار نامناسب قرار داده است. باید زنان و مردان در همه‌ی زمینه‌ها و شئون اجتماعی برابر باشند و هر نوع قانون و مقررات خلاف این اصل، بی‌درنگ باید ملغی شود."

این اولین قطعنامه‌ی سازمان چریک‌های فدایی خلق است که در آن به مساله تبعیض علیه زنان اشاره شده است. مضمون مقاله‌ی اصلی نشریه کار شماره ۲ که در ۲۴ اسفند ۵۷ منتشر شده است، به خبر حمله به تظاهرات زنانی اختصاص دارد که علیه حجاب اجباری به خیابان آمده بودند. این مقاله به همراه عکسی از این تظاهرات در صفحه‌ی اول منتشر شده است. در ۲۰ اسفند سازمان چریک‌های فدایی خلق، اعلامیه‌ای در باره عکس‌العمل عناصر مرتجع و ضدانقلاب در برابر خواست‌های زنان صادر کرد. در این اعلامیه گفته شده بود:

"خواهران ما دوشادوش برادران‌شان برای استقلال میهن و گسستن بندهای اسارت جنگیدند و امروز نیز باید سرنگونی رژیم را با شرکت هر چه فعال‌تر خود جشن بگیرند. هیچ کس به هیچ بهانه‌ای نباید و نمی‌تواند از شرکت فعال زنان در همه‌ی شئون اجتماعی جلوگیری کند. زنان نیمی از نیروی جامعه‌اند و بدون شرکت فعال زنان در انقلاب و در مبارزات اجتماعی، محو کامل سلطه‌ی امپریالیسم و نابودی استثمار غیرممکن است. از همین روست که ارتجاع داخلی، در گذشته کوشیده است به هر بهانه‌ای زنان را از شرکت در مبارزات اجتماعی دور نگهدارد و با بندهای پوسیده‌ی سنتی، آنان را در چارچوب افکار قرون وسطایی محبوس کند و میدان فعالیت آنان را در اندرونی‌ها و چهاردیواری خانه‌ها محدود نماید. ما توجه همه کسانی را که زن را ضعیف‌تر از مرد می‌پندارند، به مبارزات ده ساله جنبش‌های انقلابی ایران جلب می‌کنیم. خواهران ما دوشادوش برادران

شدند و می‌توان گفت به بزرگترین سازمان چپ در آن سال‌ها تبدیل شدند. در همان ابتدا، اشرف دهقانی به همراه گروهی از اعضای سازمان انشعاب کرده و تحت عنوان چریک‌های فدایی خلق ادامه فعالیت دادند. در سال ۵۹ انشعابی دیگر از این سازمان روی داد و بخشی از سازمان که جمهوری اسلامی را خلقی ارزیابی می‌کردند و موضعی نزدیک به حزب توده داشتند، تحت عنوان اکثریت فعالیت خود را ادامه دادند و بخش دیگر که جمهوری اسلامی را ضدخلق ارزیابی می‌کردند تحت عنوان اقلیت.

خود، چه در میدان نبرد با دشمن، چه در شکنجه‌گاه‌های دژخیمان و چه در کنار چوبه‌های اعدام، همه جا حماسه آفریدند...

زنان نه برتر از مردان و نه کمتر از آنها، بلکه کاملاً برابر با مردانند. رفتار ضدانقلابی مرتجعانی که امروز، به هتک حرمت زنان پرداخته‌اند و روز دیگر، به نمایشگاه عکس شهدای خلق حمله می‌کنند، تنها به سود دشمنان ایران تمام می‌شود. آنکه به بهانه چادر و روسری، در کوچه و خیابان به خواهران بی‌دفاع ما حمله می‌کند، آنکه در پناه مذهب، به رکیک‌ترین دشنام‌ها، خواهران ما را در کوچه و خیابان شکنجه می‌کند، آنکه می‌خواهد هر گونه فعالیت سیاسی را با دیدگاه قشری خود بسنجد و به ستادها و دفاتر کار سازمان‌های سیاسی هجوم می‌برد و آنکه در خیابان با شعار (یا روسری یا توسری) به زنان توهین می‌کند، جز مرتجع ضدانقلابی چه نام دارد؟

چنین کسانی دانسته یا ندانسته، آلت دست امپریالیسم و ارتجاع داخلی هستند و باید به شدیدترین وجه مجازات شوند. اعلام می‌داریم که اگر از جانب دولت، برخوردی جدی و توأم با مسوولیت نسبت به این گونه تحریکات ضدانقلابی نشود، اگر برای دستگیری و مجازات فوری عناصر ضدمردمی، اقدام قاطع به عمل نیاید، بیم آن می‌رود که این بار، عناصر مزدور دشمن در پناه دفاع از مذهب، در چهره این گونه عناصر مرتجع ظاهر شوند و زمینه را برای تدارک ضدانقلاب فراهم کنند.

این سازمان طی نامه سرگشاده‌ای به مهندس بازرگان نیز ضمن اشاره به وقایع آن روزها، مثل حمله به زنان، حمله به کارگران و حمله به اجتماعات و مراکز سازمان‌های سیاسی، خواهان دستگیری و مجازات مسببین و محرکان اصلی آن وقایع اخیر شد. هم چنین از دولت سوال کرده بودند که برای جلوگیری از تکرار این اعمال ضدمردمی و تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی، چه اقداماتی به عمل خواهد آورد.

در این شماره مقالات دیگری هم در مورد مسایل زنان منتشر شده است: مصاحبه با یک زن کارگر/ پیام سازمان چریک‌های فدایی خلق به مناسبت ۸ مارس و مقاله "آزادی زنان جدا از آزادی جامعه نیست". در این مقاله چنین آمده است:

"... آزادی هدفی انسانی است که به جنسیت ارتباطی ندارد، مختص به زن یا مرد نیست... آزادی واقعی برای زن و مرد یک جا به دست می‌آید. روزی که انسان‌ها به آزادی

واقعی دست یابند نیروی عظیم زنان که در اثر ستم تاریخی منزلت اجتماعی خود را از دست داده، دوباره شایستگی و منزلت خود را به دست می‌آورند." سپس به نقش زنان در انقلاب‌ها اشاره کرده و می‌پرسد:

"با این همه، چرا منزلت اجتماعی این نیروی عظیم در حکومت‌های ارتجاعی انکار شده است؟ چرا زنان علاوه بر استثمار، ستم فرهنگی را نیز همیشه بر دوش کشیده‌اند و زنان زحمتکش از همان حداقل حقوق مردان نیز برخوردار نبوده‌اند؟ می‌گوییم زنان زحمتکش زیرا زنان در جامعه به یک سان تحت ستم اجتماعی - اقتصادی نیستند. زنان طبقه‌ی حاکم همانند مردان طبقه خود، دیگر طبقات را استثمار می‌کنند و با اینکه خود از ستم فرهنگی در امان نیستند، در عین حال مروج پر و پا قرص فرهنگ منحط طبقه‌ی حاکم نیز هستند... علل این ستم دوگانه (بر زنان زحمتکش) را باید در ریشه‌های تاریخی جستجو کرد. از دورانی که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید پیدا شد، از دورانی که یک طبقه بر طبقه‌ی دیگر حاکم شد، نقش زنان در تولید کاهش یافت و به علل اقتصادی و اجتماعی نقش زنان... کاهش می‌یابد. این تنزل مقام در طول تاریخ هر چه بیشتر گسترش یافت و فرهنگی را به دنبال آورد که باعث شد حقوق زن و آزادی فردی زن تا حدود زیادی نفی شود. تا زمانی که سرمایه‌داری دوباره نیاز پیدا کرد از نیروی زن در تولید استفاده کند ولی برای بهره‌کشی بیشتر زنان زحمتکش را با دستمزد کم و بدون حداقل حقوق به کار گرفت. سرمایه‌داری با سوءاستفاده از شرایط فرهنگی گذشته اجتماع توانست با پایین نگه داشتن دستمزد زنان، دستمزد کل کارگران را تنزل دهد... آزادی زن فقط با آزادی طبقاتی امکان‌پذیر است. شرکت زنان در مبارزات همیشه جنبه طبقاتی داشته. بدون شرکت فعال زنان زحمتکش هیچ انقلابی نمی‌تواند پیروز شود... جدا کردن زنان از مردان و یا پیشگیری از فعالیت اجتماعی آنها ضربه مهلکی است به مبارزات ضدامپریالیستی خلق ما. تقسیم جامعه به دو بخش زن و مرد و عمده کردن مبارزه فرهنگی و یا زنان را در مقابل مردان قرار دادن راهی انحرافی است. هر چند که مبارزه برای احقاق حقوق پایمال شده زنان خلق ما ضروری است از طرفی ایجاد نفاق مصنوعی بین زنان و یا بین زنان و مردان توطئه و راهی است که ارتجاع و امپریالیسم برای پراکنده کردن نیروی مبارزاتی خلق به کار می‌گیرد. جامعه به دو بخش زن و مرد و یا زن باحجاب

و بی‌حجاب تقسیم نمی‌شود بلکه به دو طبقه استثمارگر و استثمارشونده تقسیم می‌شود. رهایی و آزادی زن نیز مانند کلیه‌ی زحمتکشان در رهایی از طبقه‌ی استثمارگر است، در مبارزه طبقاتی است ... از این رو برای ارتقا مبارزات ضدامپریالیستی خلق برای ساختن ایرانی آزاد و دموکراتیک لازم است با فروریختن دیوارهای ارتجاع، سنت‌های ارتجاعی و ضدخلقی فرو ریزد. حقوق و آزادی‌های فردی زن و حرمت زن آن طور که شایسته‌ی انسان‌هاست تامین شود. کلیه قوانین ارتجاعی که طی سال‌ها زنان را به اسارت کشیده لغو شود. برابری و تساوی حقوق زن و مرد در امور اقتصادی اجتماعی و سیاسی تضمین بشود."

پیام سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران در پیامی به مناسبت ۱۷ اسفند، روز جهانی زن، گرامی داشت یاد مبارزان زن مبارز قهرمانی بود که علیه امپریالیسم و اختناق جنگیده بودند. در این پیام به استثمار زنان و کسب آزادی آنان در رژیم گذشته اشاره شد:

" ما همگام با زنان زحمتکش و مبارز ایمان داریم که تنها مبارزه پیگیر علیه فرهنگ پوسیده ارتجاعی و تمام سنت‌های دست و پاگیر آن می‌تواند زنان را از بند آزاد کند. ما خواهان لغو کلیه قوانین ارتجاعی علیه زنان و تامین برابری کامل زنان و مردان در کلیه امور اقتصادی اجتماعی و سیاسی هستیم. حقوق دموکراتیک زنان باید تامین شود از هر گونه بی‌حرمتی به آزادی‌های فردی و اجتماعی آنها ممانعت به عمل آید. همچنین ایجاد امکانات رفاهی برای زنان کارگر و زحمتکش کاهش ساعات کار آنان از خواست‌های ماست."

در کار شماره ۳ خبری مبنی بر حمله عناصر مرتجع به زنان آزادیخواه کرد آمده است. ظاهراً این حملات عکس‌العملی در مقابل تظاهرات زنان در مخالفت با سانسور و اختناق و نابرابری حقوق زن و مرد بوده است. عده‌ای مسلح به کارخانه پوشاک سنندج حمله کردند که اکثر کارگران آن زن بودند و عده‌ای هم به خوابگاه بهیاران سنندج حمله کردند. در بیانیه طرفداران چریک‌های فدایی خلق در سنندج که تاریخ ۲۱ اسفند ۵۷ را دارد، آمده است:

"... مرتجعین می‌پندارند که اگر به خوابگاه دختران و یا به محل کار زنان حمله نماید، دیگر زن جرات فکر کردن و مبارزه کردن را نخواهد داشت. این برداشتی احمقانه است. این دسیسه‌ها و یورش‌ها را مخالفت با مبارزات آزادی‌خواهانه زنان دانسته و معتقدیم

عوامل ارتجاع با دامن زدن به نامنی و تفرقه‌افکنی می‌خواهند زمینه را برای فعالیت مجدد امپریالیسم و ارتجاع هموار سازند."

۴ مرداد ۵۸، رقیه دانشگری، کاندیدای سازمان چریک‌های فدایی خلق در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در سخنرانی خود به اصل ۲۲ قانون اساسی و تساوی زنان و مردان در برابر قانون اشاره کرد. وی در کنار خواسته‌های مردم زحمتکش که حق برخورداری از کار، بهداشت و حق اعتصاب و ... است و در بخشی‌هایی از صحبت‌هایش چنین گفت:

"زنان ما نیمی از جمعیت میهن را تشکیل می‌دهند زنان زحمتکش در شهر و روستا ... همپای مردان زحمتکش در گرداندن چرخ‌های صنعت و کشاورزی ... سهم قابل ملاحظه‌ای دارند و علاوه بر آن وظیفه‌ی دشوار نگهداری از خانه و فرزندان را نیز به دوش می‌کشند ... علاوه بر تحمل ستم و استثمار زمین‌داران و سرمایه‌داران ... زیر فشار سنت‌های ظالمانه گذشته به جرم زن بودن بار خفت و تحقیرهای بی‌شماری را به دوش می‌کشند و جامعه آنان را به جرم زن بودن از بسیاری حقوق محروم کرده است ... زنان ما باید از حقوق اجتماعی مساوی با مردان برخوردار باشد." از بین بردن تبعیض در محیط کار و دستمزد مساوی، ممنوعیت چند همسری، ایجاد مهدکودک و شیرخوارگاه و استفاده از سه ماه مرخصی زایمان با پرداخت حقوق را از خواسته‌های سازمان اعلام کرد. "ما هر گونه تبعیض و نابرابری را محکوم می‌دانیم و معتقدیم بدون از بین بردن بهره‌کشی انسان از انسان برابری زن و مرد بوجود نمی‌آید. هیچ قانونی نباید زنان را به جرم مادر بودن و زن بودن، از شرکت در زندگی اجتماعی محروم نماید و محکوم به خانه‌نشینی نماید.

"برابری در برابر کدام قانون؟" قانونی که شرکت فعالانه زنان را در پاره‌ای از فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی منع می‌کند؟ قانونی که اصل تعدد زوجات برای مرد را محترم می‌شمارد؟ قانونی که حق گزینش همسر و یا طلاق را یک جانبه و به نفع مرد، حل می‌کند؟ قانونی که حق بهره‌برداری از ارث را برای مردان دو برابر زنان قایل می‌شود و در حقیقت دو زن را برابر یک مرد می‌داند؟ قانونی که از زن فقط یک موجود خانه نشین می‌سازد و این را احترام به حق زن تلقی می‌کند؟ پس برابری در مقابل چنین قانون نابرابری چه معنایی دارد؟ رعایت برابری زن و مرد در قانون اساسی یک کشور، بر پایه برابری حقوق اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آنان باید پایه‌ریزی شود. هر

نوع تقسیم‌بندی افراد یک جامعه بر اساس جنسیت و یا نژاد، تقسیمی تفرقه‌افکنانه در جهت حفظ منافع سرمایه‌داری و برای سرپوش گذاشتن روی تقسیمات طبقاتی جامعه است. افراد در یک جامعه طبقاتی، چه زن و چه مرد، به دو قطب بهره‌کش و بهره‌مند تقسیم می‌شوند و حفظ حقوق اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، جز از طریق نابودی نظام استثماری در کشور ما و به ویژه محو کامل، امپریالیسم ناممکن است.

وی با برشمردن فعالیت‌های زنان در عرصه‌های مختلف اجتماع می‌گوید :

"پس این حق طبیعی ماست که از حقوق کاملاً مساوی با مردان، در زمینه‌های گوناگون فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برخوردار باشیم. کنار گذاشتن زن از فعالیت‌های اقتصادی یعنی نابودی حقوق و ارزش اجتماعی او"

او با اشاره به پایان اصل ۱۲ پیش‌نویس قانون اساسی در مورد تربیت فرزندان توسط مادران می‌گوید:

"این اصل، به وضوح جدا کردن زن و مرد بر مبنای جنسیت و سوق دادن زنان به کارهای خانگی و تبدیل آنان به موجوداتی جدا از فعالیت اجتماعی را نشان می‌دهد."

در نشریه "کار" شماره ۵۰ چنین آمده است:

"وظیفه‌ی ارتقا و آگاهی زنان کارگر و زحمتکش شهر و روستا و سازماندهی مبارزات

آنان بر عهده‌ی تمام نیروهای انقلابی و مبارز به خصوص زنان آگاه هم میهن است."

۸مارس ۵۸ این سازمان بیانیه‌ای منتشر کرد و در آن پس از اشاره به تاریخچه این روز و زنان

کارگر شیکاگو، در مورد مراسم ۸ مارس سال قبل چنین آمده است:

"روز ۱۸ اسفند سال گذشته، روز جهانی زن با سکوت دولت موقت جمهوری اسلامی و

به علت سنت خواهی بخش اعظم روحانیت ناشناخته ماند. هر چند برای اولین بار زنان

مبارز و انقلابی و ترقی خواه به منظور بزرگداشت این روز آزادانه مراسمی برپا داشتند، با

این همه آن چنان که درخور این روز بود، مراسمی برگزار نشد. صدا و سیما اسلامی از

پخش مراسمی که به بزرگداشت این روز اختصاص یافته بود، خودداری کرد و آن را یک

پدیده غربی خواند... به دنبال اظهارات آیت‌اله خمینی مبنی بر این که زنان باید با حجاب

شرعی به وزارتخانه‌ها بروند، زنان وابسته به طبقه سرمایه‌دار ایران فرصت یافتند تا

تظاهرات سیاسی و اعتراض زنان ترقی‌خواه و انقلابی ایران را به انحراف کشانند و مضمون انقلابی و ترقی‌خواهانه جشن‌های روز بین‌المللی زنان را مخدوش کنند..." سپس اشاره می‌کند که این روز برای زنان زحمتکش ما ناشناخته است و این را وظیفه‌ی تمام نیروهای آگاه میهن مان می‌داند که در این راه گام بردارند. در انتها نیز اعلام کرده که سازمان چریک‌های فدایی خلق "کوشش دارد که نقش فعال‌تری در تشکل و سازماندهی مبارزات زنان زحمتکش و انقلابی ایران برعهده گیرد" و همه‌ی زنان مبارز و آگاه را به تحقق این امر فرا می‌خواند.

۳-۲-۳- چریک‌های فدایی خلق (شاخه اشرف دهقانی)

این گروه اولین بخشی بود که از سازمان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران جدا شد. یکی از دلایل اصلی این انشعاب این بود که انشعابون حاکمیت تازه‌استقرار یافته را ضد خلقی تلقی می‌کردند. از موضع این گروه در قبال مسایل زنان در اسناد قبل از سال ۱۳۶۰ سندی در دست نیست. اما در نشریه پیام فدایی، ارگان "چریک‌های فدایی خلق" سال اول شماره ۳ خرداد ۶۵، در مقاله "جمهوری اسلامی و امر رهایی زن" پس از یک مقدمه‌ی طولانی در مورد شرایط ایران در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، چنین نوشته شده است:

"حمایت از مبارزه زنان برای رهایی وظیفه‌ی تخطی‌ناپذیر پرولتاریاست و زنان نیز پیشوای واقعی رهایی خویش را در کارگران می‌بینند که از تساوی کامل حقوق زن و مرد دفاع می‌نمایند.

بورژوازی وابسته برای سرکوب زنان مبارز ایران از همان ابتدا با برنامه‌ریزی حساب شده‌ای توجیهات مذهبی را به خدمت گرفت و زیر لفافه‌ی اعتقادات مذهبی شروع به محدود ساختن حقوق زنان ستم‌دیده ما کرد و تا آنجا پیش رفت که حتا به همان حداقل حقوقی هم که زنان در رژیم گذشته به دست آورده بودند، یورش برد و با محروم کردن آنان از حقوق بدیهی‌شان قید و بندهای بیشتری به دست و پای زنان زد. ... عملاً اخراج زنان از کار با لفافه‌های مذهبی توجیه خوبی به دست آنها می‌داد و باعث می‌شد که عامل اخراج زنان نه سیستم سرمایه‌داری وابسته بحران‌زده بلکه اعتقادات مذهبی سردمداران حاکم تلقی شود.

بورژوازی وابسته و رژیم در سال‌های اخیر برای سرکوب زنان مبارز ایران آنچه از وقاحت و سب‌یت در چنته داشتند، به کار بردند و به هر نیرنگی متوسل شدند تا نیروی انقلابی زنان زحمتکش را که در ۱۷ شهریور خونین قهرمانانه در مقابل گلوله‌های مرگبار امپریالیسم و سگ زنجیریش شاه سینه سپر نموده و هم‌پا و همدوش برادرانشان در قیام بهمن شرکت نموده بودند را تضعیف، سرکوب و نابود سازد. پس کوشیدند با تحمیل به اصطلاح حجاب اسلامی و با محبوس کردن آنان در کیسه‌های بی‌قواره و ترفندهای ارتجاعی دیگر از قبیل تدوین قوانین ارتجاعی به جای آن، از شرکت زنان در امور اجتماعی جلوگیری نمایند. یک روز حق قضاوت را از زنان سلب کردند و روز دیگر آنها را هم‌ردیف دیوانگان و ناقص‌العقل‌ها قرار دادند. یک روز زنان به بهانه‌ی فحشا مورد کثیف‌ترین توهین‌ها و تحقیرها قرار گرفتند و روز دیگر با توجیه کشف ریبیس جمهور ۱۱ میلیونی، یعنی همان بنی‌صدر ... به بهانه‌ی اشاعه امواج مخصوص از موی سرشان، مجبور به استفاده از روسری گشتند و عمال امپریالیسم وقاحت را در این زمینه به آنجا رساندند که علنا در خیابان‌ها شعار می‌دادند "یا روسری یا توسری" و باز هم در مقابل مقاومت قهرمانانه‌ی زنان وحشیانه در خیابان‌ها به آنها یورش بردند و فجیع‌ترین صحنه‌های ممکن را به نمایش گذاشتند. از اسید پاشیدن به روی زنان تا حمله به آنها در مجامع مختلف، از سنگسار کردنشان تا شنیع‌ترین رفتار در ملا عام و سرانجام طرح ایجاد اردوگاه‌های مخصوص برای زنان بدحجاب ... این که چرا رژیم تا به این حد به سرکوب زنان جامعه اهمیت می‌دهد و این چنین وحشیانه به سفت کردن زنجیرهای دست و پای آنان مشغول است، از ماهیت ضدخلفی و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و از الزاماتی ناشی می‌شود که همانطور که گفته شد پایمال کردن دست‌آوردهای مبارزات توده‌ها و خرد کردن روحیه انقلابی آنان در صدر برنامه‌ی ضدانقلاب قرار داده است. باید به این واقعیت توجه کرد که زنان نیمی از جمعیت جامعه‌ی ما را تشکیل می‌دهند و هر قانون و مقررات ارتجاعی که در مورد آنان اتخاذ شود، مشتمل بر نیمی از جمعیت ما خواهد بود یا به عبارت دیگر نیمی از زحمتکشان جامعه را در اسارت خود خواهد گرفت. بنابراین سرکوب زنان به مفهوم سرکوب نیمی از جمعیت خلق‌های تحت ستم ماست. این یک طرف مساله می‌باشد که سرکوب زنان را در شرایط بحرانی کنونی برای رژیم از اهمیت خاصی

برخوردار کرده است. از طرف دیگر باید بدانیم که رژیم با این سرکوب‌ها در اتحاد مبارزاتی مردان و زنان جامعه شکاف می‌اندازد و می‌کوشد نیروی پرتوان این اتحاد را مهار سازد... " آنان معتقد بودند که:

" ... ستم بر زنان در یک جامعه طبقاتی همواره وجود داشته و تا زمانی هم که مالکیت خصوصی همچنان حفظ شود، وجود خواهد داشت... تحت روابط سرمایه‌داری زنان هرگز نمی‌توانند از حقوق واقعا مساوی با مردان برخوردار شوند. برای تامین حقوق مساوی با مردان و به عبارت دیگر برای آزادی زنان باید زمینه‌ی مادی آن که همانا وجود اقتصاد بزرگ سوسیالیستی است بوجود آید.

در ایران ... جدا از همه‌ی ستم‌هایی که به همه‌ی اقشار و طبقات جامعه وارد می‌شود به زنان ستمی بیشتر و گران‌تر یعنی ستم مضاعف اعمال می‌گردد. زنان زحمتکش جامعه‌ی ما از طرفی تحت استثمار بورژوازی قرار دارند و در نتیجه بخشی از نیروی کارشان به این ترتیب غارت می‌شود و از طرف دیگر در چارچوب فرهنگ حاکم و قیودات فئودالی و فرهنگ عقب مانده موجود در جامعه وسیعا اسیر روابط خانوادگی موجود همچون بردگان خانگی، مجبور به کار مستمر و خسته‌کننده در محیط خانه و آشپزخانه می‌باشند. اساسا در نظام سرمایه‌داری علی‌رغم آن که نیاز استثمار نیروی کار برای سرمایه‌داران باعث آن می‌شود که زنان از کنج آشپزخانه بیرون بیایند ولی ماهیت استثمارگرانه و غارت‌گرانه این نظام اولا امکان اشتغال همه‌ی زنان را در کارهای بزرگ نمی‌دهد و ثانيا برای بورژوازی تا آنجایی که منافعش ایجاب می‌کند برای به بند کشیدن هر چه بیشتر جامعه در حفظ قیودات فئودالی می‌کوشد.

رهایی زنان بدون رهایی کارگران از قید سرمایه ممکن نیست. در عین حال مبارزه زنان برای تامین حقوق دموکراتیک خود در جامعه سرمایه‌داری علاوه بر مبارزه‌ای که زنان کارگر به عنوان بخشی از طبقه‌ی کارگر علیه سرمایه‌داری انجام می‌دهند در خدمت سوسیالیسم قرار دارد، بنابراین پرولتاریا وظیفه دارد هر چه وسیع‌تر به دفاع از زنان برخیزد. به این ترتیب پیوندی عمیق بین مبارزه دموکراتیک زنان برای کسب حقوق مساوی با مردان و رسیدن به آزادی با مبارزه کارگران برای نابودی سرمایه‌داری و استقرار سوسیالیسم بوجود می‌آید. حمایت از مبارزات زنان برای رهایی وظیفه‌ی تخطی‌ناپذیر

پرولتاریاست و زنان نیز پیشوای واقعی رهایی خویش را در کارگران می‌بینند که از تساوی کامل حقوق زن و مرد دفاع می‌نمایند...".

با این تفکر، چریک‌های فدایی خلق ضمن حمایت قاطع از تساوی کامل حقوق زن و مرد و ضمن این که رهایی زنان را در رهایی کارگران و استقرار سوسیالیسم می‌بینند همه‌ی زنان زحمتکش میهن‌مان را به متشکل شدن حول پرچم سازمان برای مبارزه بر علیه سلطه‌ی امپریالیسم و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق به رهبری طبقه‌ی کارگر و گذار به سوسیالیسم فرا می‌خوانند.

در مقاله‌ی دیگری که در شماره‌ی ۳۱ مورخ اسفند ۶۸ منتشر شده است با عنوان "جمهوری اسلامی و تشدید سرکوب زنان" به صحبت‌های موسوی اردبیلی در نماز جمعه در مورد رعایت حجاب پرداخته است.

"... آیت‌اله یزدی نیز در جلسه پرسش و پاسخ روحانیون حوزه علمیه قم در مورد بدحجابی و مبارزه با منکرات رسیدگی به این موارد را از وظایف دادگاه‌های انقلاب دانسته که با روش‌های مختلف طبق قوانین موجود با کسانی که ظواهر و شعار اسلامی را رعایت نمی‌کنند شدیداً برخورد می‌کنند."

در اطلاعیه‌ای به مناسبت ۱۷ اسفند روز جهانی زن، خطاب به زنان چنین نوشته است:
 "در شرایطی که رکود اقتصادی حاکم بر سیستم سرمایه‌داری وابسته ایران باعث اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران، افزایش فقر و فلاکت و ستم و اجحاف در جامعه‌ی ما شده، زنان با توجیه اسلام‌خواهی جمهوری اسلامی پیش از همه آماج حمله قرار گرفتند. پس توجیهات جمهوری اسلامی برای تحقیر و توهین زنان و تحمیل قیدوبندهای فئودالی بر دست و پای آنان در خدمت امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته قرار دارد."

۳-۳-۳- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت)

در نشریه کار شماره ۶۷ به تاریخ تیر ۵۹ مقاله‌ای با عنوان "حجاب اجباری، تحت عنوان مبارزه با فرهنگ امپریالیستی" در صفحه ۱۲ منتشر شده که در آن چنین آمده است:

"مبارزه با فرهنگ امپریالیستی زمانی می‌تواند تحقق یابد که با یک دگرگونی ژرف در ساخت اقتصادی اجتماعی جامعه و در هم کوبیدن مناسبات سرمایه‌داری وابسته همراه باشد. در غیر این صورت از انقلاب فرهنگی، کشتار دانشجویان دانشگاه‌ها و از پاکسازی اداری عمدتاً اخراج نیروهای مترقی و انقلابی و از مبارزه با فرهنگ امپریالیستی حجاب اجباری نتیجه می‌شود... جامعه سرمایه‌داری زن را به یک برده و کالا تبدیل می‌کند، زمینه‌های رشد و شکوفایی اجتماعی آنها را از بین می‌برد و شخصیت زنان را لگدمال می‌کند... زنان زحمتکش نه خواستار بی‌بندوباری به نام آزادی و برابری بلکه خواهان برابری واقعی زن و مرد و تحقق حقوق اجتماعی و سیاسی خود و شرکت هر چه فعال‌تر در تمام امور و شئون زندگی اقتصادی اجتماعی و سیاسی جامعه بودند... اما جمهوری اسلامی نه تنها به این خواست‌های زنان زحمتکش پاسخ نگفت بلکه گام‌های تازه‌ای در جهت نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی میان زن و مرد برداشت. امروز نیز با طرح مساله حجاب اجباری که جزئی از سیاست ضددموکراتیک آن محسوب می‌شود، نه تنها بیش از پیش زنان را از زندگی اجتماعی و سیاسی دور می‌کند، بلکه جهت و سمت و سوی مبارزه آنها را نیز منحرف می‌سازد... حقوق اجتماعی زنان را نادیده گرفته و حتا در پاره‌ای موارد این سیاست منجر به اخراج زنان کارگر و کارمند جزء شده است... حزب جمهوری اسلامی که می‌کوشد زنان را از عرصه تولید و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی دور کند با اتکا بر احساسات مذهبی توده‌ها سعی دارد که حجاب اجباری را قدمی در جهت مبارزه با فرهنگ امپریالیستی جلوه دهد که گویا یکی از علل نابسامانی‌های موجود بی‌حجابی زنان است... اما توده‌های زحمتکش ما به خوبی می‌دانند که چه بسیار زنانی که حجاب اسلامی بر سر دارند اما در تمام رفتار و حرکات زندگی روزمره خود در جهت اشاعه فساد و فرهنگ امپریالیستی، مصرف کالاهای تجملی و زینتی گام برمی‌دارند و نیز انبوهی از زنان که حجاب اجباری را تحمل نمی‌کنند اما پیگیرانه با فرهنگ امپریالیستی و مناسباتی که زن را به کالا تبدیل کرده است، مبارزه کرده و می‌کند. در این میان جناح دیگر هیات حاکمه یعنی به اصطلاح لیبرال‌ها تلاش می‌کنند که خود را مخالف با شیوه‌های ضددموکراتیک حزب جمهوری اسلامی معرفی کنند تا خود را حامی زنان نشان داده و بدین طریق این نیروی عظیم در جهت تثبیت و تقویت موقعیت خویش به

کار گیرند. ... بالاخره نمایندگان وابسته به سرمایه‌های بزرگ و انحصارات امپریالیستی سلطنت‌طلب‌ها و بختیاری‌ها و ... نیز از این موقعیت سود می‌جویند و می‌کوشند تا با مخالفت با مساله حجاب اجباری خود را طرفدار آزادی (بخوان بی‌بند و باری) زنان قلمداد کنند... ما ضمن محکوم کردن مساله حجاب اجباری به عنوان سیاستی ضددموکراتیک که هدفی جز طرد زنان از فعالیتهای اجتماعی ندارد، آن را تنها جزیی از تضییع حقوق دموکراتیک زنان می‌دانیم و از زنان زحمتکش و مبارز می‌خواهیم که پایه‌های مبارزه علیه سیاست‌های ضددموکراتیک هیات حاکمه علیه کسانی نظیر بختیاری‌ها و سلطنت‌طلبان و لیبرال‌ها ... نیز مبارزه کنند.

در اسفند ۵۹ از سوی این سازمان ویژه نامه ۸ مارس منتشر شده است که در دسترس نیست. کار شماره ۱۶۵، ۲۶ اسفند ۶۱ در صفحه ۲۳ به مساله زنان پرداخته است:

"دولت جدید" با طرح حجاب تحمیلی اولین یورش را به حقوق دموکراتیک زنان آغاز نمود و اگرچه مخالفت با اجباری شدن و هرگونه تحمیلی بر پوشش، عمدتاً زنان متوسط جامعه را به اعتراض برانگیخت و زنان زحمتکش عکس‌العمل مهمی در این باره از خود نشان ندادند ولیکن معلوم بود که این حرکت رژیم به همین جا ختم نخواهد شد. سپس حق قضاوت از زنان سلب شد و قدم به قدم تهاجم به حقوق زنان به پیش رفت. دادگاه‌های خانواده که در زمان شاه به زیر فشار زنان و لاقل در ظاهر تا حدی حقوق آنان در خانواده را ملاحظه می‌کرد، لغو گردید. حق طلاق به طور یک جانبه به مردان داده شد و همینطور حق حضانت فرزندان، تعدد زوجات و حق صیغه که این آخری که در حقیقت رسمیت بخشیدن به فحشا و قانونی نمودن خرید و فروش زنان به عنوان کالایی جهت ارضای شهوات حیوانی بود. رژیم سن ازدواج دختران را به ۱۳ سال کاهش داد به ایجاد دادگاه‌های مدنی خاص برای اجرای این قوانین غیرانسانی اقدام نمود. همزمان با این روند تضییقات و شرایط سخت‌تری برای زنان شاغل ایجاد نمود. مهدکودک‌ها را به خصوص در ادارات و کارخانجات محدود نمود و بسیاری از آنها را منحل کرد و به بهانه‌های گوناگون - حتا در این حد که چون شوهرتان شاغل است شما لزومی ندارد که کار کنید- به اخراج و پاکسازی وسیع زنان پرداخت. بدین ترتیب رژیم در قوانین خود

نابرابری زن و مرد، بردگی خانگی زن را تثبیت نمود و حتا کار را به جایی رسانید که زنان را در رده مهجورین، جانپان و مطرودین از جامعه قرارداد و رژیم در قانون اساسی‌اش نیز با قرار دادن فرزندداری و پرورش کودک به عنوان مهم‌ترین وظیفه زن در حقیقت به خانه‌نشینی زن شکل قانونی داده و با عدم امکان انتخاب زن به عنوان رییس جمهور و دیگر مقامات نابرابری مرد و زن را رسمیت بخشید و با طرح لایحه قصاص مشخصا زن را نصف مرد قرار داد و در مواردی چون قتل، کلا حق شهادت را از زنان گرفت و اخیرا نیز با پیش کشیدن طرح نیمه وقت کردن بانوان بار دیگر نشان داد که رژیم‌های سرمایه‌داری همواره در شرایط بحران اقتصادی زنان را در ردیف اول صف اخراج قرار می‌دهند ... جمهوری اسلامی که خود به فحشا؛ به فروش زنان و استفاده کالایی از زن رسمیت بخشیده است؛ آنگاه فروشانه و ریاکارانه، اماکن عمومی را زنانه مردانه می‌کند و حتا در جهت زنانه مردانه کردن اتوبوس‌ها نیز می‌کوشد و از سوی دیگر حجاب اجباری و اعمال وسیعترین فشارها برای تحمیل آن چون اسیدپاشی، تیغ‌کشی، فحاشی و شعارنویسی تعرض به خصوصی‌ترین حریم حقوق انسانی، اجبار در پوشاک و... اخراج به جرم پیدا بودن مو، راه ندادن به مغازه و تاکسی و... به علت نداشتن روسری و... وقیحانه‌ترین و وحشیانه‌تر از همه تجاوز به دختران و زنان مبارز در زندان‌ها تحت عنوان "اسیران حربی" ... و در واقع در چنین شرایطی به واقع سخن گفتن از نابرابری دستمزد زنان با مردان در ازای کارمساوی یا به کار گماردن زن در کارهای سخت و شب‌کاری و... عبث می‌نماید..."

در ادامه مقاله آمده که زنان ستم و تحقیر مضاعفی را نسبت به مردان تحمل می‌کنند و رژیم بردگی زن را رسمیت و تداوم بخشیده و او را در تمامی عرصه‌های اجتماعی به عنوان موجودی پست و درجه دوم محسوب می‌دارد:

"این شرایط، وظیفه‌ی سنگینی را بر دوش زنان می‌گذارد. تا کنون مبارزات زنان شکلی خودانگیخته و بی‌سازمان داشته است و زنان هنوز نتوانسته‌اند برای مقابله با پیمان شدن حقوق‌شان تشکل‌های لازم را تشکیل دهند و به همین دلیل است در مقابل تمامی اعمال وحشیانه و سرکوب‌هایی که علیه‌شان می‌شود مبارزه چندانی را شاهد نیستیم که تاکیدشان بر زنان نه به معنی جداسازی زنان از مبارزه طبقاتی و مبارزه برای سرنگونی

رژیم بلکه تاکیدی بر لزوم سازماندهی زنان حول ستم مشترکی باشد که جهت زن بودن به آنان اعمال می‌شود. باید زنان را برای پیشبرد وجه دیگر مبارزه، جهت احقاق حقوق زنان نیز سازمان داد. زنان باید در هر کجا با تشکیل هسته‌هایی از مبارزترین و آگاه‌ترین افراد، تبلیغ وسیع بر ضد سیاست‌های ارتجاعی رژیم را سازمان دهند این عمل به خصوص در کارخانجاتی که تمام یا اکثر کارگران را زنان تشکیل می‌دهند و در مشاغلی چون بهیاری و پرستاری و... اهمیت ویژه‌ای می‌یابد."

"وظیفه‌های سنگین بر دوش ماست تا با کار در میان توده‌های زن آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی‌شان را ارتقا بخشیم. عقب‌ماندگی فرهنگی و سیاسی توده‌های زن سابقه تاریخی دارد و این بار مسولیت ما را افزون‌تر می‌کند. فراموش نکنیم جنبش انقلابی میهن‌مان نیازمند کشانده شدن زنان به عرصه مبارزه است. البته وجود هزاران زن مبارزی که در زندان‌ها هستند و یا به جوخه مرگ سپرده شدند، نشان از مبارزه است ولیکن ما باید توده‌های وسیع زنان زحمتکش را به مبارزه برکشیم. برای اینکار بایستی که به کار تبلیغی وسیعی در میان زنان کارگر و دهقان همت گماشت و آگاهی‌های سیاسی‌شان را ارتقا بخشید. ولی رفقا، کشاندن هر چه گسترده‌تر زنان به عرصه مبارزه انقلابی تنها با کار در میان زنان به انجام نمی‌رسد. به قول لنین: کار کمونیستی و سیاسی ما در میان توده‌های زن مستلزم بخش عمده کار تربیتی در میان مردان می‌باشد. باید نقطه نظر گذشته را که مربوط به دوران بردگی است در توده‌ها و حزب ریشه‌کن سازیم. اهمیتی که ما به جنبش زنان زحمتکش می‌دهیم، جنبشی که تنها در پیوند تنگاتنگ با جنبش انقلابی تمامی کارگران و زحمتکشان معنی و مفهوم انقلابی خواهد یافت، صرفاً با پذیرش لفظی این مساله به جایی نخواهد رسید و هنوز به معنای پذیرش واقعی و عمیق این ضرورت نیست ... برنامه عمل سازمان گذشته از خواست‌ها و اقدامات عمومی انقلابی در جمهوری دمکراتیک خلق به عنوان رژیم و آلترناتیو مورد نظر خود خواست‌های ویژه زیر را برای زنان مطرح کرده است :

- حقوق اجتماعی برابر با مردان، لغو هرگونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت
- شرکت آزادانه زنان در تمام فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی

- لغو قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده، نظیر حق طلاق یک جانبه، تعدد زوجات و صیغه و...
 - لغو مقررات حجاب اجباری که ابزار فشار و ستم بر زنان است
 - بر خورداری از حقوق و مزایای کامل (و مساوی با مردان در ازای کار مساوی و سایر تسهیلات چون شیرخوارگاه، مهد کودک و حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در محل کار و...
- بایستی ضمن سازماندهی و پیشبرد مبارزات زنان زحمتکش علیه ستمی که بر آنان اعمال می‌شود و حول خواست‌های کنونی آنها، مبارزات آنان را به مبارزه حول خواست‌های مطروحه در برنامه عمل سازمان، ارتقا داد و به پیش راند. البته برای زنان جهت خلاصی از ستم وحشیانه‌ای که بر آنان اعمال می‌گردد راهی جز قطعیت بخشیدن به انقلاب جز به پیروزی رسانیدن انقلاب پیش‌رو نیست. زنان تنها آنگاه رها می‌گردند که انسان‌ها رها گردند پایان بخشیدن به ستم دوگانه اعمال شده بر زنان تنها آن گاه میسر است که استثمار قانونیت خود را از دست بدهد و چپاول انسان‌ها از رسمیت بیفتند و از این روست که زنان باید در عین مبارزه بر حول خواست‌های دمکراتیک خود بر گرد محور طبقاتی مبارزه و به دور پرچم سرخ پرولتاریا متشکل گردند و مبارزه را تا سرنگونی انقلابی رژیم و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق و حرکت در راستای استقرار سوسیالیسم و کمونیزم تداوم بخشند ... "هیچ جنبش انقلابی بدون شرکت زنان به پیروزی نخواهد رسید."

۳-۳-۴- سازمان چریک‌های فدایی خلق (اکثریت)

سرمقاله کار اکثریت شماره ۶۶ به مساله حقوق زن و حجاب اسلامی اختصاص یافته است. در این سرمقاله چنین آمده است:

"... طرح مساله حجاب و مجبور ساختن زنان به استفاده از حجاب اسلامی آن هم در شرایطی که جبهه سرمایه‌داران لیبرال با حمایت فعال امپریالیسم امریکا تلاش دارد همه ی دستاوردهای انقلاب را بر باد داده و جنبش ضدامپریالیستی دموکراتیک مردم ایران را با شکست روبرو سازد، عملاً وحدت مردم را بیش از پیش دچار مخاطره ساخته است و بیشتر از هر زمانی آب به آسیاب امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن ریخته است. ..."

حقیقت آن است که اقدامات جمهوری اسلامی در تعطیل مراکز فساد به شیوه‌ای که همگان از آن اطلاع دارند، امروز این نتیجه را داده است که فساد اخلاقی اتفاقاً در پوشش حجاب چند برابر شود. فساد و فحشا در طول ۱۷ ماهی که از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران می‌گذرد، علی‌رغم نیت و اقدامات منزه‌طلبانه مقامات و مبلغان اخلاق اسلامی گسترش چشم‌گیری داشته است. مبارزات حماسه‌آفرین زنان میهن ما نشان می‌دهد که آنان به مبارزه پیگیر برای نابودی علل و ریشه‌های فساد اجتماعی وقوف و آگاهی دارند، زنان زحمتکش و روشنفکر ... امروز علیه آن روابطی که زن را به مثابه یک کالا عرضه می‌دارد، به مبارزه برخاسته‌اند. جلوه دادن این مبارزه عظیم و تاریخی به تلاش برای تامین و تثبیت حجاب اسلامی در حقیقت تنها ناشی از اذهانی است که به گونه‌ای دیگر با زن به مثابه یک کالا مواجه می‌شود.

بدون تردید آنچه که امروز زیر پوشش حجاب اسلامی تبلیغ می‌شود نمی‌تواند بدون ارتباط با عدم اعتقاد جمهوری اسلامی ایران به اصل برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد مورد ارزیابی و قضاوت قرار گیرد. ... کارنامه جمهوری اسلامی ایران در این زمینه هیچ چیز امیدوارکننده‌ای در بر ندارد» تفویض حق تعدد زوجات به مردان، سلب حق قضاوت زنان، به رسمیت شناختن صیغه، تضیقات فراوان برای زنان کارمند و متخصص و ... از جمله اقداماتی است که زنان زحمتکش و مبارزه و آگاه میهن ما را پیش از پیش نسبت به جمهوری اسلامی بدبین ساخته است. سیر وقایع با بهره‌گیری امپریالیسم امریکا و به ویژه دار و دسته بختیار از اجرای طرح اجباری کردن حجاب اسلامی همراه بوده است، یک بار دیگر آشکار کرده است که چگونه در پس هر مبارزه به ظاهر فرهنگی نیز می‌باید منافع و علایق طبقاتی را که با یکدیگر در مبارزه و ستیزند، بازشناخت و با توجه به مواضع جهت‌گیری‌هایی را اتخاذ کرد که به سود زحمتکشان و در جهت پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی عملکرد بیابد.

"س چ ف خ" ضمن محکوم ساختن هر گونه اقدامی که به محدودیت اجتماعی حقوق زنان بیانجامد، معتقد است که باید قاطعانه علیه روابط و باورهای پوسیده‌ای که شخصت

اجتماعی زن را لگدمال کرده و زن را تا حد یک "عروسک" تنزل می‌دهد مبارزه شود، ما معتقدیم که مبارزه برای کسب حقوق اجتماعی زنان را می‌باید در راستای پیشرفت مبارزه ضدامپریالیستی دموکراتیک خلق‌های ایران سازمان داد. ما از همه‌ی زنان و مردان آگاه و مبارز ایران مصرا می‌خواهیم که با فعالیت‌های پیگیر آگاه‌گرانه میان مردم اجازه ندهند که جبهه سرمایه‌داری وابسته و ایادی امپریالیسم امریکا به سود خود از طرح اجباری کردن حجاب اسلامی بهره‌برداری کند.

ما ضمن حمایت کامل از حقوق دموکراتیک توده‌ها از جمله حق برابری کامل زن و مرد در همه شئون اجتماعی، از همه‌ی زنان آگاه و مبارز می‌خواهیم نیروی خود را در راه مبارزه با امپریالیسم و امریکا و متحدان داخلی آن بسیج کنند، فقط با نابودی کامل سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن است که زنان و مردان مبارز و زحمتکش ایران حقوق دموکراتیک خود را باز می‌یابند.^۱

کتابچه‌ای به مناسبت ۸ مارس سال ۱۳۶۲ از طرف این سازمان منتشر شد به نام "از رنج و رزم زنان ایران" که نوشته رقیه دانشگری بود. این جزوه شامل چندین مقاله است: "وضعیت زنان در رژیم شاه، نقش زنان در مبارزه علیه شاه، زنان در زندان‌های رژیم شاه، نقش زنان در انقلاب، تاثیر انقلاب بر زنان، عملکرد جمهوری اسلامی پیرامون حقوق زنان، مبارزات کنونی زنان و رئوس مطالبات زنان و وظایف زنان انقلابی.

در برنامه‌ی فدائیان اکثریت برای زنان چنین آمده است:

"اعلام و تضمین برابری کامل حقوق زن با مرد در جامعه و خانواده، تضمین حق مشارکت کامل زنان در تولید اجتماعی و در اداره‌ی کشور و تلاش در جهت تامین شرایط آن، تضمین حق زنان در تشکیل سازمان‌های توده‌ای و مستقل و دفاع متشکل از حقوق خود."

در ادامه در بخش‌های مختلف به مسایل زیر پرداخته است:

"آثار شوم جنگ بر زندگی زنان ایران که آمار زیر را داده است تلفات جبهه‌ها به ۴۵۰ هزار نفر رسیده است حداقل از هر ۳۰ زن ایرانی یک نفر عزیزی را در جبهه‌ها از دست

۱- نشریه کار اکثریت شماره ۶۶ سرمقاله حقوق زن و حجاب اسلامی

داده است. از هر ۱۶ زن ایرانی یکی باید حداقل از یک معلول و مجروح پرستاری کند. از هر ۵ زن ایرانی حداقل یک نفر جز آوارگان جنگی است و ده‌ها هزار کودک و نوجوان دانش‌آموز در جبهه‌ها به شهادت رسیدند و ۴,۵ میلیون دانش‌آموز تحت تعلیمات نظامی هستند."

مطالبات زنان را قطع جنگ، برقراری صلح، پایان دادن به شکنجه و اعدام و ترور و خفقان و سرکوب سازمان‌های سیاسی، آزادی ایجاد سازمان‌ها و تشکل‌های صنفی، رفع ستم بر پایه جنسیت، احقاق آزادی و برابری کامل با مردان، فراهم آمدن امکاناتی مانند مهدکودک و شیرخوارگاه در محل کار، تدوین قانون کار مترقی که دستمزد مساوی در کار مساوی، ممنوعیت کار شاق بدنی و شیفت شبانه برای زنان، مرخصی با حقوق دوران زایمان و مراقبت‌های پزشکی لازم، رسیدگی به امور نابه‌سامان آوارگان، عنوان کرده است.

۳-۳-۵- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر^۱

نشریه پیکار ۴۲ (۱۸ بهمن ۵۸ ویژه قیام) گزارش و مقاله‌ای دارد با عنوان "آیا در طی یک سال گذشته وضع زنان تغییر کرده است؟ آیا در آینده قانون دست‌پخت خبرگان آزادی واقعی

۱- در سال ۱۳۵۴، بخش بزرگی از سازمان مجاهدین خلق ایران به این نتیجه رسیدند که باید ایدئولوژی سازمان از اسلام به مارکسیسم تغییر یابد. در سال‌های ۵۵ تا ۵۷ بخش مارکسیست مجاهدین در بین کارگران و دانشجویان فعالیت و نشریه قیام کارگر را منتشر می‌کردند. در سال ۵۸ بخشی از آنها با چند گروه دیگر که طرفدار اندیشه‌های مانو بودند متحد شده و تحت نام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، به فعالیت پرداختند. پس از قیام ۱۳۵۷ این سازمان بعد از سازمان چریک‌های فدایی خلق بزرگترین سازمان چپ بود. این سازمان معتقد به ایجاد ارتش توده‌ای و انحلال ارتش بودند. دولت بازرگان را یک دولت بورژوازی می‌خواند و برای ایجاد انقلاب سوسیالیستی دهقانان و کارگران تبلیغ می‌کرد.

این سازمان آمریکا را دشمن اصلی جنبش انقلابی ایران می‌دانست، اتحاد شوروی را یک قدرت سوسیال امپریالیستی می‌نامید. از سازمان‌های جانبی این سازمان پس از انقلاب می‌توان سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان هوادار پیکار را نام برد که به آن اصطلاحاً دال‌دال می‌گفتند. سازمان پیکار نشریه‌ای منتشر می‌کرد به نام پیکار. در جریان وقایع سال ۶۰ و مشخصاً دستگیری بخشی از کمیته مرکزی و کادرهای بالای این سازمان، تعداد زیادی از اعضا و هواداران این سازمان اعدام شدند.

زنان را تضمین می‌کند؟" در این مقاله اشاره‌ای به تظاهرات زنان علیه حجاب اجباری در اسفند ۵۷ نمی‌شود. حرکت زنان در سال ۵۷ را به مبارزات و فداکاری زنان در دوران مشروطیت و مبارزان ستارخانی تشبیه می‌کند.

"...بعد از قیام بهمن ماه تا چند ماه توده‌های زحمتکش خلق را با شیوه صبر و انتظار ساکت نگهداشتند اما دعوت به صبر و انتظار کارگران چندان دوامی نیاورد و ما شاهد مبارزه در کارخانجاتی که زنان نقش مهمی را در تولید دارند بودیم. مانند کارخانه دکتر عبیدی که به پیروزی‌هایی نیز دست یافت. نخ زرین، استارلایت (که تجربه درس‌آموزی برای همه کارگران داشت، دوزندگی ناظمی، کفش ملی بخش گابور، کفش وین، شادان‌پور و قرقره زیبا. نمونه‌های بالا نشان‌دهنده اوج‌گیری مبارزه در میان زنان کارگر است ... در اسفند ۵۷ امکان کار را از زنان قاضی گرفته و به آنها گفتند که حق کار در این رشته را ندارند بهتر است به کار آموزش و پرورش کودکانشان پردازند. ... از نظر فرهنگی شعار آموزش بی‌سوادان این روزها گوش را کر می‌کند. ببینیم آیا زنان جامعه از این شعارهایی که تغییر زیربنایی در وضعیت بفرنج آنان نمی‌دهد چه بهره‌ای می‌برند؟ کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی تشکیل می‌شود. اما زنان کمترین افرادی هستند که در آن شرکت می‌کنند، چرا که اصلی‌ترین اشتغالات آنان، یعنی کار در بیرون خانه (برای زنان کارگر) و به دوش کشیدن مسولیت‌های خانه از یک طرف و فرهنگ عقب‌مانده از طرف دیگر اجازه یک حرکت بنیانی را به آنها نمی‌دهد."

این نوشته در ادامه به بررسی نقش قوانین خبرگان می‌پردازد، قوانینی که در عقب‌نگه داشتن زنان سهم به‌سزایی دارد:

در اصل ۲۰ قانون اساسی نوشته شده: "همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی - سیاسی - اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند.

در این اصل مساوی بودن در برابر قانون تصریح نشده است. یعنی بیان نکرده که زنان و مردان در مقابل موارد فوق مساوی هستند و استفاده از این حقوق را با شرط موازین اسلامی در نظر گرفته است ...

از دیدگاه ما (پیکار) شکی نیست نهضت آزادی‌خواهی زنان که در یک دوره در ممالک غربی اوج گرفت دقیقاً برای زیر استثمار گرفتن نیروی کار ارزان زنان بود، بدون اینکه زمینه‌ای فرهنگی و اجتماعی را برای رشد او فراهم کند. بدون اینکه اجازه رشد و رسیدن به مقامات مهم را در دستگاه‌های دولتی و ... به وی بدهد. فقط و فقط استفاده از نیروی کار ارزان وی نسبت به مردان مورد نظر بوده و نه رشد قوه ابتکار و استعداد موجود در یک انسان. در مقابل، موازین اسلامی نیز به نوعی از رشد زنان جلوگیری می‌کند.

مطهری در همان کتاب (نظام حقوق زن در اسلام) می‌گوید: "لذا نه تنها مصلحت زنان، بلکه مصلحت مرد و کانون خانوادگی نیز در این است که زن از تلاش‌های اجباری خردکننده معاش معاف باشد. مرد هم می‌خواهد کانون خانوادگی برای او کانون آسایش و رفع خستگی و فراموش‌خانه گرفتاری‌های بیرونی باشد. زنی قادر است کانون خانوادگی را محل آسایش و فراموش‌خانه گرفتاری‌ها قرار دهد که خود به اندازه مرد خسته و کوفته کار بیرون نباشد. وای به حال مردی که خسته و کوفته پا به خانه بگذارد و با همسری خسته‌تر و کوفته‌تر از خود روبرو شود."

در حقیقت این فیلسوف اسلامی - علت خستگی و کوفتگی هر یک از زن و مرد را جویا نمی‌شود و بر سیستم سرمایه‌داری و بر اینکه تمام توان زحمتکشان را در طول روز می‌گیرد و به ارزش اضافی تبدیل می‌کنند، سرپوش می‌گذارد. مساله همین جاست که چنانچه سیستم حاکم بر جامعه منافع و خواست توده‌های مردم را در نظر داشته باشد، هیچ یک، چه زن و چه مرد از کار روزانه خسته نخواهند شد ... تمام مطالب بالا نشان می‌دهد که چگونه اصل ۲۰ قانون اساسی زن را به واسطه اختلافات از نظر جسمی به تدریج در کسب حقوق و مزایا در اجتماع از مردان عقب نگاه می‌دارد ... ما معتقدیم که فقط در صورت استقرار جمهوری دموکراتیک خلق، زنان همچون بقیه اقشار ستمکش جامعه از قید استثمار رها خواهند شد و ما معتقدیم فقط جمهوری دموکراتیک خلق قادر خواهد بود حقوق پایمال شده زنان را احیا کند و برنامه موقت ما در مورد زنان چنین است:

✓ تساوی حقوق کامل همه اتباع، صرفنظر از جنس - دین یا نژاد.

✓ تامین آزادی زنان و تامین شرایطی که استعداد آنان شکفته شده و به طور مساوی همراه با مردان به ترمیم و جبران عقب‌ماندگی اجتماعی خود اقدام کند."

کمیته زنان این سازمان به مناسبت روز جهانی زن متینگی در ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ در دانشگاه پلی‌تکنیک و همزمان نمایشگاه نقاشی و عکس شهدای سازمان را برگزار کرد. در این برنامه علاوه بر یک زن کارگر، یک زن خانه‌دار و یک زن معلم و نیز کاندیدای سازمان سخنرانی کردند. در فهرست کاندیداهای مورد تایید سازمان به جز مهری حیدرزاده از اعضای سازمان، نام زنانی از سایر سازمان‌ها مانند رقیه دانشگری، مستوره احمدزاده، مریم طالقانی، مریم قجرعضانلو در تهران و شهین قادری در سنندج به چشم می‌خورد.

در شماره‌ی ۳ نشریه "کارگر به پیش" که از نشریات این سازمان بوده است، مقاله‌ای تحت عنوان "نقش زنان مبارز در پیروزی انقلاب" منتشر شد است. به بخش‌هایی از این مقاله توجه کنیم:

"نباید فراموش کنیم که زنان از لحاظ فکری در اجتماع عقب ننگه داشته شده‌اند. بنابراین همیشه از درک مسایل عاجز بوده‌اند و دیرتر از مردان متوجه مسایل می‌شوند و به همین جهت حتا برای گرفتن حقوق از دست رفته خود نیز دیرتر به حرکت در می‌آیند و تازه در زمان حرکت آنان، اکثریت زنان هنوز در چارچوب کارهای خانگی (پخت و پز، شست و شو نگهداری از اطفال و...) گرفتارند و عقب می‌مانند. پس می‌بینیم که حتا در شرایط انقلابی که عقب‌مانده‌ترین اقشار مردان نیز به پا می‌خیزند و فریاد حق‌طلبانه می‌کشند، عده‌ی بسیار کمی از زنان پایه‌پای آنان گام بر می‌دارند و پیش می‌روند ... پس برای این که این عقب‌ماندگی جبران شود و ما پیوسته شاهد یک گام یا چندین گام عقب‌تر بودن زنان زحمتکش نباشیم، باید آنان را در سازمان‌های مخصوص به خودشان جمع نموده و زنان آگاه برای هر چه روشن‌تر نمودن و آگاهی دادن به آنان بکوشند و تلاش نمایند که هر چه سریع‌تر پایه آگاهی زنان را به پای مردان برسانند و در عین حال که زنان در سازمان‌های مربوط به خود آگاهی کسب می‌کنند در مبارزه انقلابی همپای شوهران و برادران مبارز خود نیز شرکت می‌کنند به خصوص که در این حالت به بهترین وجهی می‌توانند به برادران مبارز خود کمک نمایند. چرا که یک زن عقب‌مانده هیچ وقت قادر به درک عقاید انقلابی شوهر، پدر و برادر مبارز خود نمی‌تواند باشد و نه تنها کمکی به

قوی شدن و جزم شدن عزم آنها نمی‌کند بلکه از قدرت و تصمیم‌گیری آنان هم کم می‌کند. نمی‌تواند هم‌فکر همسر خود باشد، نمی‌تواند برای حل مسایل و گرفتن حقوق پایمال شده خود به عنوان یار و همراه به آنها کمک کند

در پیکار شماره ۶۶ در مقاله‌ای تحت عنوان "مساله حجاب: ادامه اقدامات ضددموکراتیک رژیم، سوگواری زنان بورژوا" به مساله حجاب پرداخته شده است. در این مقاله ابتدا از تعرض رژیم جمهوری اسلامی علیه دستاوردهای قیام و حقوق دموکراتیک توده‌ها صحبت شده و حمله به حقوق دموکراتیک زنان مبارز را یکی از این تعرض‌ها ارزیابی کرده است:

"ترویج انتشار افکار پوسیده و فئودالی علیه زن، پایمال نمودن حق طلاق برای زن، کوشش در کنار گذاشتن زنان از موسسات اداری و سیاسی و امروز طرح دوباره "حجاب اسلامی" تحت این عنوان که فحشا و فساد ناشی از عدم وجود حجاب می‌باشد. ... حجاب (چادر و ...) جزو عادات و رسوم کهنه فئودالی بوده و بخش بسیار مهمی از زنان متعلق به طبقه و اقشار خلقی به سبب فرهنگ عقب‌مانده جامعه عادات و رسوم کهنه را با خود حمل می‌کنند ... حال بخشی از هیات حاکمه ایران (به خصوص نمایندگان خرده‌بورژوازی مرفه سنتی) به سبب فرهنگ شدیداً ارتجاعی و فئودالی خود می‌کوشند تا روینای کهن و آثار متعلق به آن را حفظ کنند ... فحشا هیچ رابطه‌ای با مساله حجاب ندارد و به فقر و فلاکت، بیکاری و محرومیت و عدم فرهنگ انقلابی و پویا و در یک کلام به جامعه‌ای برمی‌گردد که طبقات در آن وجود دارد ... جمهوری اسلامی که خود بی‌حجابی را عامل فحشا می‌داند، نه تنها در پی به انحراف کشاندن مبارزه مردان و اذهان آنان از اساسی‌ترین مسایل جامعه است، بلکه همچنین حمله توهین‌آمیزی به زنان مترقی و مبارز متوجه می‌سازد ... زنانی که دارای حجاب اسلام و چادر نیستند اما مترقی و مبارز و انقلابی می‌باشند و دارای پاکترین نجابت‌ها و صداقت‌ها و راستی‌ها می‌باشند ... کمونیست‌ها بر خلاف تبلیغات امپریالیست‌ها و ارتجاع نه تنها خواهان هرزگی نیستند بلکه با آن شدیداً مبارزه می‌کنند و آن را از اساس نابود می‌نمایند، طرفدار حقوق دموکراتیک تمام اقشار مردمی و نیز همه‌ی زنانی هستند که متعلق به خلق می‌باشند. کمونیست‌ها مخالف سرسخت تجاوز به حقوق مردمی و آزادی‌های دموکراتیک می‌باشند ... این موج مخالفت از سوی دو دسته از زنان صورت گرفت. از یک طرف زنان مترقی و

مردمی و مبارز و طرف دیگر زنان متعلق به طبقات مرفه و استثمارگر. دسته اول حق داشتند و دارند علیه حکومت اسلامی و فرهنگ ارتجاعی و عقب‌مانده آن اعتراض نمایند. اما دسته دوم از زنان که شدیداً تحت تأثیر فرهنگ امپریالیستی و کمپرادوری هستند نیز دست به اعتراض و حتا تظاهرات زدند. آنان در حالی که لباس سیاه پوشیده بودند جلوی نخست‌وزیری جمع شدند ... به نظر ما اینان نه در دفاع از حقوق خلق بلکه در دفاع از فرهنگ امپریالیستی خود به مقابله با رژیم بلند شدند ... اینان زمانی که رژیم تبهکار اسلامی به خلق دلاور کرد حمله کرد و فرزندان آن را قتل عام می‌کند سیاه نمی‌پوشند، ولی هنگامی که منافع حقیر خود را به خطر افتاده می‌بینند و فرهنگ ارتجاعی ویژه خود را در محدودیت می‌بینند، سیاه می‌پوشند و تظاهرات می‌کنند. ناگفته نماند که برخی از زنان متعلق به اقشار مردمی نیز ناآگاهانه به دنبال این دسته از زنان به راه می‌افتند. کمونیست‌ها نه تنها از اینان دفاع نکرده و نمی‌کنند بلکه آنان را محکوم می‌کنند. اعتراض زنان مرفه ربطی به فعالیت‌های کمونیست‌های راستین ندارد ... کمونیست‌ها نه مدافع فرهنگ امپریالیستی و ارتجاعی هستند و نه مدافع فرهنگ منحط و عقب‌مانده هیات حاکمه ارتجاعی ایرانی می‌باشند. کمونیست‌ها مدافع فرهنگ راستین و پویایی می‌باشند که پاسدار منافع طبقه‌ی کارگر و سایر توده‌های زحمتکش می‌باشد ما ... اقدامات ضددمکراتیک و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی را افشا می‌کنیم و با کار آگاه‌گرانه وسیع توده‌ای مانع از آن می‌شویم که قدرتمندان حاکم نیروهای انقلابی و دموکرات و در اینجا زنان مبارز را در کنار ضدانقلابیون بگذارد."

در شماره‌ی ۹۱ و ۹۳ نشریه پیکار که در بهمن ۵۹ منتشر شده است مقاله‌ای در دو بخش با عنوان "پیرامون جنبش زنان زحمتکش، مواضع سازمان را در قبال مساله زنان" این گونه توضیح داده شده است:

"با توجه به این که سازمان ما به عنوان یک سازمان مارکسیستی لنینیستی وظیفه‌ی خود می‌داند که در سازماندهی و ارتقای جنبش زنان زحمتکش به عنوان نیمی از نیروی انقلاب در جامعه قدم بردارد و سهم خود را در حد توان نسبت به توده‌های زحمتکش ادا نماید از این رو رفقای کمیته زنان تصمیم گرفتند تا به جمع‌بندی و تئوریزه کردن مجموعه فعالیت‌های چند ماهه اخیر خویش پرداخته و با ارائه‌ی آن به سطح جنبش،

این زمینه را فراهم آورد که این بحث اساسی در میان سازمان‌ها و گروه‌های دیگر پا بگیرد.

با وجود این که کار کمیته زنان به طور ویژه بر روی زنان خانه‌دار و محلات انجام شده ... به واسطه‌ی در هم آمیختن تجارب حاصل از کار سازمانی و تئوری‌های م.ل ... حداقل قانون‌مندی از فعالیت در میان زنان برسیم. بحث ما دارای دو محور اساسی است: چرا باید در میان زنان زحمتکش کار کرد؟ دوم با چه ابزار و تشکیلاتی باید زنان زحمتکش را متشکل نمود؟

پس از شرحی از وضعیت زنان تا به امروز چنین نوشته است:

"به طور کلی زنان در جوامع طبقاتی حکم کالا را دارند چرا که به صورت محترمانه اما در حقیقت در مقابل پول (مهریه و شیربها) خرید و فروش می‌شوند. این امر به نوعی هم در طبقات مرفه و هم به طور مشخص در طبقات زحمتکش وجود دارد ... سرمایه‌داری از طریق قانونی نمودن بهره‌کشی از طبقات زحمتکش اختلاف طبقاتی را به صورت امری بدیهی جلوه‌گر نموده به همان شکل نیز این ستم آشکار به زنان را که مربوط به دوران های ماقبل سرمایه‌داری می‌باشند به صورت قوانین گوناگون و تثبیت شده در آورده در همین رابطه فرهنگ این ستمگری را در اندیشه و تفکر کلیه افراد جامعه (حتا خود زنان) تبلیغ و ترویج نموده و آن را گریزناپذیر جلوه‌گر ساخته‌اند. ... از بین بردن چنین تفکر و اندیشه‌ای از ذهن توده‌های مردم وابسته به دو عامل ذهنی و عینی است. عامل ذهنی عبارت است از نقش و کوشش پیگیر کمونیست‌ها در جهت توضیح ماهیت این نابرابری‌ها و ... عامل عینی عبارت است از نابودی مناسبات سرمایه‌داری و نفی مالکیت خصوصی. مبارزات زنان زحمتکش می‌بایست حول هدف‌های اساسی طبقه‌ی کارگر شکل گیرد که پرچمدار انقلاب تا استقرار جامعه کمونیستی می‌باشد. بدون شک کار آموزشی و آگاه‌گرانه در باره‌ی زنان در جامعه سوسیالیستی هم چنان ادامه می‌یابد و از اینجاست که پرولتاریا موظف است برای پیروزی جامعه سوسیالیستی و ... توده‌های زنان محروم جامعه را که به مثابه نیمی از ارتش آزادی‌بخش می‌باشد تحت آموزش و سازماندهی خود قرار دهد تا پیروزی انقلاب قطعیت یابد ... مبارزه زنان برای رهایی واقعی مستلزم مبارزه‌ای مستقیم علیه سرمایه است. وجود کار خصوصی و منفرد در خانه همراه با موقعیت پایین‌تر

زن در تولید اجتماعی پایه ستم مادی زن را تحت نظام سرمایه‌داری بنا می‌کند. رهایی و برابری حقوق زن با مرد تنها در جامعه‌ای سوسیالیستی که در آن تولید برنامه‌ریزی شده هر نوع جدایی بین تولید و ثروت در کل جامعه و بازتولید نوع بشر را از میان می‌برد قابل حصول است ... بدین جهت دیدگاه‌هایی که بدون شکافتن این مساله اساسی یعنی جنبه‌ی سوسیالیستی مبارزات زنان، فقط مبارزات زنان را در چارچوب هدف‌های دموکراتیک محدود می‌کنند در حقیقت دچار یک جنبه‌نگری می‌شوند ... ما نمی‌توانیم جنبه‌ی دموکراتیک مبارزات زنان در این مرحله از انقلاب را نادیده گرفته و مبارزات زنان حول اهداف دموکراتیکی چون حق طلاق به طور مساوی، حق قضاوت، حق ارث مساوی با پسران را نفی کنیم. ... مبارزات زنان زحمتکش در این دوره دارای مضمونی دموکراتیک ضدامپریالیستی می‌باشد.

سپس این سوال مطرح می‌شود که "آیا کار بر روی زنان زحمتکش و متشکل نمودن آنان مستلزم مرحله‌ای معین در انقلاب است؟ در پاسخ نقل‌قولی از نلین از کتاب کاریکاتوری از مارکسیسم در مورد حق طلاق آورده و ضرورت متشکل نمودن توده‌ی زنان زحمتکش را برای حل چنین خواسته‌ای دموکراتیکی مطرح می‌کند.

پیکار شماره ۹۷ به تاریخ اسفند ۵۹ خبری از زنان زحمتکش منطقه‌ی سلسبیل تهران منتشر می‌کند که ماهی‌های فروشگاه شیلات را مصادره کرده‌اند، علاوه بر این گزارشی را با عنوان تفتیش عقاید و توطئه پایمال کردن حقوق زنان منتشر می‌کند که در آن به پخش سوالاتی میان کارمندان زن مخابرات و نقد این پرسشنامه پرداخته است. سوالات این بوده: "حجاب چه مفهومی دارد؟/ تا چه حد آزادی‌های جنسی را جایز می‌دانید؟/ آیا زن نقش یک انسان را بازی می‌کند؟/ آیا به تساوی زن و مرد اعتقاد دارید؟/ فعالیت زن در اجتماع به کانون زناشویی صدمه می‌زند؟/ به چه دلیل زن را کالا می‌دانید؟"

در پیکار شماره ۱۰۳ که در هفت اردیبهشت ۶۰ منتشر شده، در صفحه ۲۶، در مقاله‌ای تحت عنوان "زن در جمهوری اسلامی و سوسیالیسم" چنین آمده است:

"... در عصر انقلاب‌های رهایی بخش و انقلاب‌های سوسیالیستی جمهوری اسلامی قوانین نظام‌های برده‌داری و فئودالیسم را از قعر زباله‌دان تاریخ بیرون می‌کشد و بر کارگران و زحمتکشان خلق‌های قهرمان ایران تحت عنوان "قوانین مترقی و فرامین الهی" تحمیل

می‌کند ... و در همین راستا است که تلاش برای مجبور ساختن زنان به حجاب و فرستادن زنان به کنج خانه‌ها دیده می‌شود ...

مواد ۵ و ۶ ماده ۲۳ لایحه پیشنهادی شورای عالی قضایی به مجلس شورای اسلامی را که خود جلوه دیگری از قوانین دوره برده‌داری و فئودالیسم است، آورده و نقد کرده است:

"ماده ۵- هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد.

ماده ۶- هرگاه زن مسلمانی عمداً مرد مسلمانی را به قتل برساند فقط محکوم به قصاص است و نباید چیزی به اولیای دم بپردازد."

۳-۳-۶- اتحاد چپ^۱

در ۱۸ تیر ۵۸ در نشریه "اتحاد چپ" در مقاله‌ای با عنوان "زنها انسان‌های درجه دو نیستند"^۲ می‌خوانیم:

"نداشتن استقلال مادی زن، تنها حاکمیت بلامنازع مرد را تامین می‌کند ... روزی نمی‌گذرد که ما شاهد نقض ابتدایی‌ترین حقوق زنان و در نتیجه اعتراضات آنها نباشیم زیرا "محور جمهوری اسلامی ما، اعتلای مقام زن است" (دکتر یداله سحابی وزیر مشاور در امور طرح‌های انقلاب) و هم از این رو بود که دولت انقلابی تصویب لایحه الغای حقوق زنان را، از ابتدایی‌ترین وظایف خود دانسته و آن را بلاواسطه جزو اولین برنامه‌های خود قرار داد و یک باره در روز شنبه ۱۲ اسفند، از صدور حکم قضاوت و وکالت برای زنان جلوگیری کرد و برای برابری زنان و مردان، فاتحه الحمد خواند و اینها همه به این بهانه که قضاوت و وکالت به عنوان فعالیت‌های پست اجتماعی، فقط برای مردان پیش‌بینی شده و برای زنان، وظایف متعالی‌تری در نظر گرفته شده است ما معتقدیم که به رسمیت نشناختن حقوق زنان به عنوان اعضای متساوی‌الحقوق جامعه، زنان را به اعضای

۱- اتحاد چپ یک گروه دمکرات بودند که غالباً از سران کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور، مانند مهدی خان بابا تهرانی، حسن ماسالی و کلانتری تشکیل می‌شدند و هدف آنان ایجاد کنفدراسیون گروه‌های چپ در آن وضعیت پر تشمت زمان انقلاب بود. تلاشی که موفق نبود.

۲- بخش‌هایی از این مقاله در روزنامه آیندگان به چاپ رسیده است.

درجه دوم تنزل داده و جامعه را متکی بر امتیازات مردان و مردسالاری و پدرشاهی می‌کند و مقام زن را به سطح برده‌ای بلادفاع تنزل می‌دهد. حال سوال ما این است که چه فرق است بین حکومت آفریقای جنوبی نژادپرست با حکومتی که با اتکا بر امتیازات جنسی بنا شده است؟ آیا اختلاف قایل شدن بین فرزند یک نفر سیاه‌پوست با فرزند یک نفر سفیدپوست احمقانه‌تر و مضحک‌تر است یا قایل شدن اختلاف بین یک خواهر و برادر؟ و اصولاً چه اختلافی بین تبعیض نژادی و تبعیض جنسی وجود دارد؟

سیاست دولت انقلابی در این خلاصه می‌شود که زنان را به تدریج از کلیه مشاغل و فعالیت‌های اجتماعی طرد کرده و آنها را در محدوده‌ی تنگ خانه و سنت‌های پوسیده به بند کشیده و آنان را بدون اینکه از کوچک‌ترین حقی برخوردار باشند به ماشین تولیدمثل و کنیز مرد تبدیل نماید که البته زمینه مادی این وابستگی نیز، در سطوح مختلف تدارک دیده شده است.

حق طلاق یک‌طرفه، پایین آوردن سن ازدواج به ۱۳ سال، ممنوع شدن تحصیل زنان متأهل در مدارس روزانه زمینه‌های مادی وابستگی زن به مرد را فراهم آورده است. از ماهیت قانون قصاص که ارتجاعی است و اینکه چه طبقاتی آن را در راه تحکیم منافع طبقاتی خود وضع کرده‌اند صحبت کردیم اکنون مساله این است که اگر همین قانون را که ظاهراً عموم افراد جامعه را شامل می‌شود، بخواهند اجرا کنند مسلماً جز پای زحمتکشان را نخواهد گرفت و این از همان قوانینی است که می‌گویند: "باید تار عنکبوت تنها پشه‌های لاغر را گرفتار کند" طبقات استثمارگر که موجبات قتل هزاران نفر را فراهم می‌آورند طبق این قوانین از مجازات و قصاص معافند و اصلاً از مجازات آنها سخنی نمی‌تواند در میان باشد ولی اگر دهقانی مفلوک و به جان آمده از سر ناآگاهی و عدم شناخت دشمن خود، دهقان دیگری را کشت، آن وقت است که "عدالت طبقاتی" خواستار قصاص می‌شود."

در این دو "ماده" دو مساله به وضوح و در اولین لحظات توجه هر خواننده‌ای را که با فرهنگ مارکسی‌آشنایی داشته باشد، جلب می‌کند. اول نوع برخورد با قاتل و راه مقابله با مساله قتل در اجتماع. دوم: فرقی که در همین مورد بین زن و مرد به رسمیت شناخته شده است."

۳-۳-۷- سازمان وحدت کمونیستی^۱

در هفته‌نامه رهایی شماره ۲۴ که در ۱۴ اسفند ۵۸ منتشر شده است به مناسبت هشت مارس، بیانیه "شورای همبستگی زنان"^۲ منتشر شده است. در رهایی ۳۹ که در تیر ۵۹ منتشر شده به بحث حجاب اجباری پرداخته و بیانیه سازمان رهایی زن منتشر شده است. عنوان بیانیه "حجاب اجباری، گامی دیگر در به انقیاد کشیدن زنان و سلب حقوق انسانی آنان" است و در آن چنین آمده:

"... خلق‌های ایران را سرکوب می‌کنند و به نام انقلاب در مقابل انقلاب می‌ایستند. زنانی را که به کار اجتماعی مشغولند، فاحشه می‌نامند و دستور حجاب اجباری صادر می‌کنند و عمال خود را در جهت چماق زدن و یا اسید پاشیدن به آنان به خیابان‌ها گسیل می‌دارند و اعلام می‌کنند که هر زنی که حجاب نداشته باشد ضدانقلاب است. این یورش جدید که در آن حجاب اجباری نقش حائز اهمیتی را ایفا می‌کند کوششی است در جهت احیای توطئه برملا گشته‌ی مرتجعین که با حمله وحشیانه چماقداران به دانشگاه‌ها و ضرب و شتم شهادت و بازداشت و دستگیری توأم با خشونت بی‌نظیر عده ای از دانشگاهیان آغاز گشت و به خاطر مقاومت قهرمانانه مبارزین و تشدید تضادهای درونی هیات حاکمه با شکست مواجه گشت. این بار قدرتمندان تمامی توان خود را به کار می‌برند که بلکه بتوانند با یورش ضربتی کلیه‌ی حقوق دموکراتیک مردم را سلب نموده و...از طرفی در شرایط بحرانی کنونی بیرون راندن زنان از کار اجتماعی که نتیجه منطقی حجاب اجباری است، تلاشی است در جهت حل بحران بیکاری یعنی جایگزین کردن مردان به جای زنان در کار اجتماعی. البته این جایگزین‌سازی هدفی دیگر را نیز به دنبال دارد و آن تحمیل نهادهای وابسته به خود در سیستم تولیدی موجود از طریق انتصاب عناصر وابسته به جناح حاکم.

۱- پس از انقلاب ۱۳۵۷ سازمان وحدت کمونیستی یکی از معدود گروه‌های مارکسیستی بود که اعتقاد داشت که انقلاب اجتماعی در ایران باید ماهیت سوسیالیستی داشته باشد. بین سال‌های ۱۳۵۸ و ۱۳۶۰ «رهایی» را به عنوان نشریه رسمی خود منتشر می‌کرد، با هر دو جناح جمهوری اسلامی (مکتبی‌ها و لیبرال‌ها) به مخالفت برخاست.

۲- در بخش همکاری‌های میان تشکل‌های زنان، این شورا معرفی می‌شود.

در چنین شرایطی مبارزه برای کسب حقوق دموکراتیک و تشدید مبارزه ضدامپریالیستی در سربلوه وظایف همه مبارزین قرار می‌گیرد. مبارزه علیه حجاب اجباری مبارزه‌ای است متعلق به توده‌های زنان زحمتکش. از آنجا که عناصر ارتجاعی مبارزه علیه حجاب را از دیدگاه مبارزه علیه امپریالیسم طرح نمی‌کنند و از این مبارزه تنها خواست تثبیت روبنای بورژوازی را دارند، تاکید بر تلفیق مبارزه علیه حجاب اجباری و مبارزه علیه امپریالیسم ضروری است. گرایش‌های انحرافی که مبارزه علیه حجاب اجباری را به بهانه یکی شدن با زنان بورژوازی می‌کنند در واقع به یکی از حقوق دموکراتیک قابل‌لمس توده زنان کم بها داده و در نهایت خواست‌های ارتجاعی هیات حاکمه کنونی را تایید می‌کنند.

در رهایی ۶۱ در بخش چهارم مقاله‌ی "بررسی قانون قصاص" تحت عنوان "نفی بی‌شرمانه‌ی حقوق انسانی زنان" آمده است که به رغم ادعاها و دروغ پردازی‌ها:

"زنان در زندگی روزمره خود دریافتند که در رژیم جمهوری اسلامی از بدوی‌ترین حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی محرومند... زن یک وسیله و یک شی است در دست مرد و مرد هر وقت که اراده کرد می‌تواند او را مانند یک شی مستعمل به دور بریزد. چه نمونه‌ای رساتر از ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی که مرد هر وقت خواست زن خود را طلاق دهد. ده‌ها نمونه از این گونه را می‌توان در مباحث نکاح (دائم و موقت)، طلاق، ارث، اقامتگاه، شهادت، ولایت قهری و غیره و غیره به دست داد تا مشاهده شود که زن چگونه مقام انسانی خود را در جامعه از دست خواهد داد..."

سپس به بررسی لایحه قصاص پرداخته است.

"اینکه می‌گوییم زن در حقوق اسلام و در جمهوری اسلامی در بهترین حالت در صورت مسلمان بودن نصف انسان است، شعار نیست، تهمت و افترا و توطئه کمونیست‌ها هم نیست. مستندش را در قسمت سوم مقاله از علامه محقق حلی و شهید اسلام شیخ فضل‌اله نوری به دست داده ... در اینجا به لایحه شورای عالی قضایی استناد می‌کنیم."

و بعد ماده ۵ و ۶ لایحه قصاص را آورده که می‌گوید هر گاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه را به او بپردازد. در ادامه مواد دیگر این لایحه را نیز بررسی و مقاله این گونه پایان یافته است:

"مساله اساسی برای زنان و مردان آگاه و نیروهای انقلابی هم اکنون این است که اجازه ندهند که به ستم مضاعف نسبت به زنان ایرانی ابعاد جدید و هولناکی ببخشند و جسارت این را در خود بیابند که ارزش انسانی نیمی از مردم کشور ما را این چنین وقیحانه مورد تحقیر قرار دهند."

در رهایی ۶۶ بیانیه‌ی سازمان وحدت کمونیستی به مناسبت ۸ مارس منتشر شده است. در این بیانیه ابتدا به تاریخچه روز زن اشاره شده است و بعد به این مساله که روز کشف حجاب رضاخان به عنوان روز زن انتخاب شده است. سپس به نقش زنان در سرنگونی رژیم شاه اشاره کرده و محدودیت‌های اعمال شده علیه زنان را از جمله توقف قانون حمایت خانواده و کاهش سن ازدواج به ۱۳ سال را برای دختران، بیکارسازی زنان، حجاب اجباری برای زنان شاغل، منع قضاوت برای زنان و تصویب لایحه قصاص را برشمرده است.

"آنچه که در این دو سال اتفاق افتاده در ماهیت و مضمون با آنچه که در دوران حاکمیت آریامهری انجام شده، تفاوت اساسی ندارد. هر دو رژیم می‌کوشیدند و می‌کوشند از زنان عروسک‌بازند که فقط در ظاهر با یکدیگر تفاوت دارند: یکی بزک کرده و آلامد و دیگری باحجاب و پوشش اسلامی. ولی هر دو به دور از فعالیت اجتماعی و رانده شده به کنج خانه. به علاوه رژیم جمهوری اسلامی نیز مانند سلف آریامهری، از اعلام روز ۸ مارس به عنوان روز جهانی زن ابا داشته و برای مقابله با مبارزات زنان روز دیگری را به عنوان روز زن اعلام نموده است. آیا این امر اتفاقی است؟ آیا اتفاقی است که دو رژیم ستمگر، زن را به عنوان موجودی درجه دوم پنداشته و تمام سعی و کوششان برای خارج کردن از صحنه‌ی فعالیت‌های اجتماعی است؟ آیا این امر خود نشان از وحشت آنان از رشد آگاهی زنان و شرکت آنها در مبارزه اجتماعی ندارد؟ آیا تا کنون زحمتکشان جهان تاثیر مبارزات زنان در جنبش‌های انقلابی را کم تجربه کرده‌اند؟ بدون شرکت زنان، هیچ جنبش انقلابی به پیروزی نخواهد رسید. ... با دفاع فعال از حقوق اجتماعی زنان، با کوشش برای بالا رفتن آگاهی زنان زحمتکش و محروم اجتماع و با شرکت فعال در مبارزات آنها یاد زنان انقلابی تاریخ را پاس داریم و ادامه‌دهندگان راستین راهشان باشیم."

بیانیه با شعار "آزادی زنان معیار آزادی جامعه است" خاتمه یافته است.

۳-۳-۸- سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر^۱

مقاله‌ای که به مناسبت ۸ مارس و با عنوان "روز جهانی زنان زحمتکش خجسته باد" در نشریه رزمندگان اسفند ۵۸ منتشر شده، مروری بر "اصول کلی مساله زن و کمونیست‌ها و برخوردی که با برخی از این تشکل‌های زنان و عملکردشان در یک سال گذشته" شده است. در واقع می‌توان این مقاله را اعلام موضع این سازمان نسبت به مسایل زنان در آن مقطع ارزیابی کرد. در بخش‌هایی از مقاله چنین آمده است:

"در جامعه سرمایه‌داری، مساله آزادی زن به عنوان یک جنبه از مساله آزادی طبقه‌ی کارگر مطرح است. زیرا سرمایه‌داری برای استفاده از نیروی کار ارزان، زنان را به سازمان تولید اجتماعی می‌کشاند و با آزاد کردن نیروی کار آنها به استثمارشان می‌پردازد ... زنان زحمتکش به طور مستقیم از ستم سرمایه‌داری رنج می‌برند و زنان خرده‌بورژوا به طور غیرمستقیم تحت ستم سرمایه هستند. دسته دوم در عین حال که روی کاغذ دارای پاره‌ای حقوق بورژوایی مثل حق شرکت در انتخابات و ... می‌باشند، به خاطر عدم توانایی نظام سرمایه‌داری در حل مساله آزادی زنان عملاً حتا در استفاده از همان حقوق بورژوایی نیز محدود هستند ... پیروزی پرولتاریا نه تنها پیروزی طبقه‌ی کارگر بر بورژوازی است و برای زنان کارگر و دهقان آزادی به بار می‌آورد بلکه پیروزی انسانیت بر ظلم و استبداد و استثمار فرد از فرد و از جمله جنس از جنس می‌باشد و در نتیجه آزادی و برابری را برای زنان اقشار بینابینی و متوسط نیز به راستی به بار خواهد آورد."

۱- سازمان رزمندگان در زمستان ۵۷ شکل گرفت، ایجاد حزب طبقه‌ی کارگر را وظیفه اصلی مارکسیست‌ها می‌دانست و برقراری جبهه دموکراتیک خلق را تبلیغ می‌کرد. این سازمان متشکل از تعدادی از روشنفکران مارکسیست ایرانی بود که از اواسط دهه ۵۰ در تشکلی مخفی فعالیت تئوریک و سیاسی در رابطه با کارگران و دانشجویان می‌کرد، با خط چریکی مسلحانه مخالف بود و از شوروی شدیداً انتقاد می‌کرد. نشریه رزمندگان، ارگان این سازمان، جمهوری اسلامی را ارتجاعی ارزیابی می‌کرد و از اقلیت‌های ملی به ویژه کردها حمایت می‌کرد. در آذر ۱۳۵۸ رزمندگان با سازمان پیکار و ۵ سازمان مارکسیستی دیگر ائتلافی در انتخابات نمایندگان خود برای مجلس خبرگان تشکیل داد و سپس کنفرانس وحدت را برگزار کردند. بعد از انحلال کنفرانس وحدت برخی از سازمان‌های درون آن مانند پیکار خلق، کمیته نبرد و بخشی از مبارزین آزادی خلق به سازمان رزمندگان پیوستند. این سازمان جنگ ایران و عراق را غیرعادلانه می‌دانست و شعار جنگ را به جنگ داخلی تبدیل کنید، سرلوحه تبلیغاتی بود. این امر همراه با مسایل دیگر، موجب انشعاب و متلاشی شدن این سازمان در تابستان ۶۰ گردید.

سپس به بررسی موقعیت کلی زنان ایران پرداخته و وضعیت زنان کارگر و کشاورز را بررسی کرده است:

"از طرفی بخش مهمی از زنان شهری (عمدتاً خرده بورژوا) به کلی از عرصه فعالیت‌های تولید اجتماعی به دور هستند و نیروی کارشان صرف کارهای عاطل و غیرمولد خانه می شود و هویت اجتماعی آنان معمولاً تابع هویت طبقاتی و اجتماعی همسران و پدرانشان می‌باشد. بخش کوچکی از زنان بورژوا و خرده‌بورژوا با راه یافتن به محیط‌های آموزشی و سپس کار در بخش‌های خدماتی (دفتری، معلمی، فروشنده‌گی و...) به اجتماع راه می یابند ... این دسته از زنان ایران در عین حال که از یک سلسله حقوق بورژوایی برخوردار هستند به خاطر ماهیت رفرمیستی این حقوق و پایه نداشتن آنها در عمق روابط اقتصادی و اجتماعی جامعه در عمل حتا از همین حقوق هم نمی‌توانند استفاده‌ای در حد هم طبقه‌ای‌های مرد خود ببرند.

طبیعی است که خواسته‌ها و برداشت‌های هرکدام از طبقات و اقشار بالا از مساله آزادی زن به خاطر ماهیت طبقاتی‌شان با یکدیگر فرق می‌کند. اگر از دید یک زن بورژوا یا خرده‌بورژوا، آزادی زن یعنی وارد شدن به مشاغل مختلف یا استقلال در مسافرت به خارجه و ... است، از دید یک زن کارگر ایرانی پایان گرفتن قلداری‌های کارفرما، ارزاق ارزان، مهدکودک و سرویس رفت و آمد به کارخانه و خلاصه آزادی از قید سرمایه و شرکت آزاد در سرنوشت خود هم‌دوش و همپای مردان به معنای آزادی زن است."

سپس با طرح این مساله که اشکال مبارزاتی زنان نیز با هم تفاوت دارد، به بررسی سیاست انقلابیون کمونیست در رابطه با زنان طبقه‌ی کارگر، زنان خانه‌دار کارگران و زنان زحمتکش شهری و دهقانان فقیر پرداخته و معتقد است که زنان طبقه‌ی کارگر آموزش تئوریک و عملی انقلابی و کار تشکیلاتی با آگاه‌ترین و پرشورترین کارگران زن را از وظایف سازمان‌یابی سیاسی طبقه کارگر می‌دانند. در مورد کار میان زنان خانه‌دار کارگران، کار آگاه‌گرانه را از وظایفی می داند که این زنان دست کم قادر به درک افکار و وظایف انقلابی شوهر، فرزند، پدر و برادر خود بشوند و دست کم مانعی برای رشد و فعالیت‌های انقلابی او نباشند، کار در میان زنان زحمتکش

شهری و دهقانان فقیر را یکی از وظایف سازمان سیاسی طبقه‌ی کارگر در مبارزات دموکراتیک ضدامپریالیستی می‌داند تا به آنها نشان دهند که فلاکت زندگی روزمره آنان شوهران و فرزندان و پدران‌شان در رابطه کامل با سیاست است. در ادامه به این نکته اشاره کرده است:

"غیراجتماعی و غیرمولد بودن کار خانه‌داری همراه با سنت هزاران سال محدودیت و تحقیر و استثمار مضاعف آن چنان زمینه عقب‌ماندگی در میان توده‌های زنان زحمتکش بوجود آورده است ... از همین رو است که برخورد به مساله زنان مهم است که با توجه به موقعیت توانایی و کل وضعیت جنبش کمونیستی زمانی باید به فعالیت در میان توده‌های عقب مانده زنان پرداخته شود که گردان زنان زحمتکش پیشه‌ور انقلابی تشکیل شده باشد. در غیر این صورت فعالیت کمونیست‌ها جز صرف وقت در امور حزبی و خرده کاری و در نهایت خدمت به بورژوازی و خرده‌بورژوازی مرفه و ضدانقلابی نخواهد بود."

در ادامه نیز اشکال تشکیلاتی فعالیت کمونیست‌ها برای کار در میان زنان زحمتکش را این موارد اعلام کرده است:

"سازمان سیاسی طبقه‌ی کارگر، در این بخش از وظایف خود شکل تشکیلاتی معینی پدید می‌آورد، این شکل معمولاً به صورت هسته، کمیته، ... در داخل تشکیلات اصلی است و کادرهای ورزیده تئوریک و عملی مناسب را در آن به کار می‌گمارد ... که در درجه‌ی اول ایجاد گردان زنان کارگر انقلابی است.

در شماره‌ی ۱۹ رزمندگان که مقارن با تیر ۵۹ منتشر شده است مقاله‌ای تحت عنوان "پوشش اسلامی، پرده‌ای بر روی مشکلات رژیم" به بحث حجاب اجباری پرداخته است. معتقد است که طرح این مساله ایجاد جو تهییج و بسیج توده‌هاست تا برای مدتی هم که شده مسایل و مشکلات خویش را از دید توده‌ها دور کند. در این مقاله چنین آمده است:

"در رژیم کنونی مساله زن، علاوه بر جنبه طبقاتی خویش، از یک خصوصیت فوق ارتجاعی و واپسگرایانه برخوردار است. اینها حقوق را که حتا بورژوازی نیز به زنان می‌دهد از قبیل امکان قضاوت، امکان رییس جمهور شدن، استفاده از حقوق یکسان در

مورد ازدواج و طلاق با مردان را از زنان بازپس گرفته‌اند و صدها حقوق دیگر را که در جامعه سرمایه‌داری هم به رسمیت شناخته شده است، زیر پا گذاشته شده‌اند. آنها با هر چیزی که بویی از آزادی زن به مشام می‌رسد مخالف‌اند. آنها بر مظاهر فساد جامعه سرمایه‌دارانه انگشت می‌گذارند اما راه‌حلشان پیچاندن زنان، میان پارچه و پوشیدن لباس‌های آستین بلند است. ... اینان نه قصدشان از بین بردن فسادهای جوامع سرمایه‌داری بلکه برگرداندن زنان به قرون وسطی و دور کردن نیمی از جمعیت ایران از عرصه‌ی اجتماعی است. آنها می‌دانند که زنان زیر بار این زورگویی نرفته و از دست دادن شغل خود را به گردن نهادن به چنین اجبار قرون وسطایی ترجیح می‌دهند. ... مرتجعین به این مساله کاری ندارند که اخراج تعداد وسیعی از زنان از ادارات که نان‌آور خانواده خویش‌اند و با توجه به بیکاری وحشتناکی که در جامعه وجود دارد در واقع خود می‌توانند زمینه اشاعه فساد و فحشا باشد ... زنان آگاه و مبارز میهن ما مدتهاست که نشان داده‌اند که جامعه به دو دسته زن و مرد تقسیم نشده است. جامعه به طبقات متخاصم تقسیم شده است و زنان علاوه بر ستم طبقاتی از ستم دیگری هم که ناشی از موقعیت نابرابریشان در جامعه است رنج می‌برند.

ما معتقدیم برای رواج فرهنگ انقلابی خود با تمامی مظاهر منحط گذشته به مبارزه برخاسته از قید تمامی جلوه‌های کثیف سرمایه‌داری رهایی یابند. زنان انقلابی و مبارز: با مقاومت در مقابل این زورگویی و مبارزه با فضای تهدید و اربابی که حکومت بوجود آورده است، و در عین حال با مرزبندی کامل و جدا کردن صفوف خود از صف آنان که در این مقاومت ادامه فساد و بقا فرهنگ منحط سرمایه‌دارانه را جست و جو می‌کنند، حقوق دموکراتیک خود را کسب کنید."

۳-۳-۹- کوموله، اتحاد مبارزان کمونیست و حزب کمونیست ایران^۱

اسناد و منابع این دوره از فعالیت این گروه‌ها در دسترس (نگارنده) نیست. در برنامه‌ی حزب کمونیست ایران و اتحاد مبارزان کمونیست، در فروردین ۶۰، یک بند به زنان اختصاص داده شده است:

" تساوی کامل حقوق قانونی کلیه افراد کشور صرف نظر از جنسیت مذهب و مرام و عقیده سیاسی: برابری کامل زن و مرد در کلیه حقوق قانونی رفع هرگونه تبعیض و محدودیت قانونی از اقلیت‌های مذهبی و رفع هرگونه محدودیت در قانون بر حسب مرام و عقیده‌ی سیاسی "

در زمینه کار زنان نیز چنین آمده است:

ممنوعیت کار زنان در رشته‌هایی که از نظر جسمانی برای زنان زیان‌بخش است و ممنوعیت سپردن کار سنگین به زنان باردار/ ۱۶ هفته مرخصی دوران بارداری و زایمان برای زنان کارگر بدون کسر حقوق و مزایا/ کاهش روزکار مادران شیرده به ۵ ساعت و دادن حداقل نیم ساعت تنفس و استراحت به زنان شیرده در فواصل حداکثر سه ساعته

یکی از فعالیت‌های کوموله^۲ در این دوره، بسیج و سازماندهی زنان کردستان بود. کوموله در برنامه‌ی سیاسی خود به روشنی مخالفت خود را با ازدواج‌های مصلحتی و تنظیم شده، اعلام

۱- اتحاد مبارزان کمونیست در اسفند ۵۸ توسط بخشی از روشنفکرانی که در سازمان سهند فعالیت داشتند، تشکیل شد. سهند تا گردهمایی اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر به رهبری تقی شهرام و ۱۱ سازمان چپ مارکسیستی دیگر که به تشکیل کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر انجامید، هوادار اتحاد مبارزه بود ولی به کنفرانس وحدت نپیوست و در اسفند ۵۸ نام خود را به اتحاد مبارزان کمونیست تغییر داد. این سازمان اشاعه اندیشه سوسیالیسم علمی و مبارزه با تمایلات ریویزونیستی از نوع خروشچفی و سه جهانی و پوپولیستی را در صدر وظایف خود قرار داد. در سال ۶۰ این سازمان توانست بخش قابل توجهی از اعضای سازمان رزمندگان را به سوی خود جلب کند. ایران کشوری سرمایه‌داری و تحت سلطه امریکا ارزیابی می‌کرد. در سال ۶۱ با سازمان کوموله و بخش‌هایی از پیکار، وحدت انقلابی و رزمندگان و اتحادیه کمونیست‌ها، حزب کمونیست ایران را تشکیل دادند.

۲- در شهریور ۱۹۴۲ در مه‌یاد سازمانی به نام کوموله شکل گرفت. در سال ۱۳۲۴ و تشکیل جمهوری دموکراتیک کردستان در مه‌یاد، سازمان کوموله به حزب دموکرات کردستان تغییر نام داد. پس از شکست جمهوری دموکراتیک در دی ۲۵ و اعدام قاضی، حزب دموکرات دو بخش شد. در ساله ۴۶ یک جنبش نسبتاً چشمگیر توده‌ای در روستاهای کردستان ایران توسط کمیته انقلابی حزب دموکرات کردستان سازماندهی شد و نزدیک به یک سال در مقابل یورش شاه مقابله کرد. بعد از شکست جنبش کردستان، دانشجویان کرد مارکسیست در دانشگاه‌های تهران، تبریز و مه‌یاد و ارومیه،

کرد و حق زنان کردستان در انتخاب شوهر را تبلیغ می‌کرد. در شهرهای مریوان و سنندج، سازمان‌های زنان برای حق کار، تجمع و فعالیت‌های سیاسی تشکیل شد. در این سال‌ها زنان در کردستان حق پیدا کردند که مانند مردان اسلحه حمل کنند. تا زمانی که دولت جمهوری اسلامی یورش خود را به کردستان شروع نکرد، کوموله درخواست مبارزه مسلحانه و استفاده از قهر را تبلیغ نمی‌کرد. به خاطر بازگشایی مدارس در روستاها و ایجاد کلینیک‌های متعدد، واحدهای تعاونی و مواضعش در قبال مسایل زنان از محبوبیت و اعتبار زیادی برخوردار بود.

۳-۳-۱۰- سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر)^۱

در مدت سه سال انتشار هفته نامه راه کارگر، مطالب اندکی در مورد مسایل زنان می‌یابیم. در راه کارگر شماره ۷ که در تاریخ ۲۴ دی ۵۸ منتشر شده، طنزی به نقل از اطلاعات هشتم دی ماه در مورد زنان منتشر شده بود.^۲

سرمقاله شماره ۳۱ این نشریه (۱۶ تیر ۵۹) عنوان "از آزادی‌های دموکراتیک در برابر تهاجم ارتجاع دفاع کنیم" به مساله پاکسازی ادارات پرداخته است و در مورد اخراج زنان از ادارات چنین نوشته است:

"ژنرال‌ها و ساواکی‌ها را لازم دارند، بنابراین پاکسازی را از زنانی شروع می‌کنند که حجاب اسلامی ندارند. ... پاکسازی در غالب موارد در دست جمهوری اسلامی بهانه‌ای

کوموله، سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان را در اواخر سال ۴۸ تشکیل دادند. این سازمان از حق تعیین سرنوشت ملت کرد حمایت می‌کرد و استقرار جامعه دموکراتیک و سوسیالیستی را تبلیغ می‌کرد. پس از بهمن ۵۷ به سرعت در سراسر کردستان بسط و گسترش یافت. در فاصله سال‌های ۱۳۵۸ تا ۶۰ در حیطه آموزش و پرورش و مبارزه علیه بی‌سوادی نقش بزرگی داشت و به کمک اتحادیه معلمان کردستان موفق شد برای اولین بار به زبان کردی به تعلیم و تربیت مردم بپردازد. (تاریخ صد ساله احزاب سیاسی در ایران، یوسف پارسا بناب، ص ۵۷۰)

۱- سازمان راه کارگر نماینده اصلی "خط چهار" در جنبش چپ مارکسیستی ایران در دوره بعد از انقلاب بود. بانیان این سازمان در اوایل سال ۵۸ با انتشار جزواتی چون "تئوری پیشاهنگ"، "رد رویونیستم خروشچف؟" و "رد تز سوسیال امبریالیسم" فعالیت خود را آغاز کرد و در پاییز همان سال در کنفرانس بزرگی در دانشکده پلی‌تکنیک تهران اعلام موجودیت کرد. این سازمان جنگ را عادلانه ارزیابی و در آن شرکت کرد. در اواخر سال ۵۸ احتمال رشد و ظهور فاشیسم مذهبی را پیش بینی کرده بود و حاکمیت را متشکل از دو جناح می‌دانست. این سازمان حکومت جدید را وابسته و امریکایی نمی‌دانست اما آن را ضدانقلابی ارزیابی می‌کرد. (تاریخ صد ساله احزاب سیاسی در ایران، یوسف بناب)

است برای بیرون ریختن کارمندان و کارگران انقلابی و ترقی‌خواه، بهانه‌ای است برای پایمال کردن حقوق زنان زحمتکش و ایجاد مانع بر سر فعالیت آنها... کمونیست‌ها و نیروهای ترقی‌خواه نمی‌توانند در برابر پایمال شدن حقوق مردم ساکت بمانند. تحمیل حجاب اسلامی به زنان همان اندازه تجاوز به آزادی‌های دموکراتیک مردم است که کشف حجاب تحمیلی. کمونیست‌ها نمی‌توانند مدافع بی‌بند و باری‌ها و هرزگی‌هایی باشند که بورژوازی بر زنان تحمیل می‌کند و همه می‌دانند که زنان زحمتکش و انقلابی بیشترین نفرت را از هرزگی جامعه بورژوایی دارند. اما کمونیست‌ها نمی‌توانند به آزادی‌های دموکراتیک زنان نیز بی‌اعتنا بمانند. زیرا بدون چنین آزادی‌هایی مبارزه انقلابی زحمتکشان و ستم‌دیدگان بازوی توانای خود را از دست خواهد داد ... مبارزه‌ی ضدامپریالیستی را نمی‌توان از مبارزه برای آزادی‌های دموکراتیک جدا کرد و هر نوع بی‌توجهی به سازمان دادن مبارزات مردم برای دفاع از آزادی‌های دموکراتیک عملاً به نفی مبارزه ضدامپریالیستی و بی‌تفاوتی سیاسی منتهی خواهد شد و بی‌تفاوتی سیاسی برای عمال امریکا مانند بختیار، اویسی، نزیه و دیگران نعمت است."

در شماره ۳۲ راه کارگر، در مقاله‌ی انقلاب اداری، بهانه‌ای دیگر برای سرکوب و اختناق " به این اشاره کرده است که جمهوری اسلامی انقلاب اداری را فقط در زدودن آثار رژیم شاهی از سربرگ نامه‌ها و عکس‌ها و نحوه‌ی پوشش لباس زنان خلاصه کرده است فقط و فقط به خاطر این است که توجه مردم را از واقعیت مساله و ریشه‌های اساسی آن منحرف سازد. در همین شماره مقاله‌ی تحت عنوان " تحقیر زن در جمهوری اسلامی " منتشر شده است در این مقاله اجباری شدن پوشش را مورد بررسی قرار داده است.

"در شرایطی که گرانی بیکاری و مشکل مسکن بیداد می‌کند و در شرایطی که هزینه‌ی زندگی کمرشکن است، تهدید به اخراج متخلفین تجاوز تازه‌ایست به حقوق به خصوص آن بخش از زنان میهن ما که بار تامین هزینه‌ی زندگی یک خانواده یا لاقل بخشی از این هزینه را بر دوش دارند. دستگاه‌های تبلیغاتی می‌کوشند با بزرگ کردن تظاهرات معدودی مانکن‌های آخرین مد و عروسک‌های رنگ و روغن زده، پامال کردن حقوق صدها هزار زن شرافتمند را در چشم مردم حق جلوه دهند..."

در ادامه‌ی مقاله به این مساله پرداخته که رژیم دچار مشکلات عدیده‌ای است و می‌خواهد ظاهر اسلامی به هر چیز بدهد چرا که "جنبه‌های اقتصادی و رفاهی انقلاب مهم نیست و جنبه ایدئولوژیک آن مهم است" (به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی)

"در سال‌های خفقان و ستم سلطنت ننگین شاه و دربار کثیفش همه‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی خود از روزنامه و مجله گرفته تا رادیو و تلویزیون را بسیج کرده بود تا از زنان ما، عروسک‌هایی بسازند برده و بنده‌ی لوازم آرایش و آخرین مدهای اروپا و امریکا و خدمتگزار فرهنگ منحط امپریالیستی..."

و اینکه شاه می‌خواست به جای زن زحمتکش ایرانی و مبارزان زن، چهره‌ی مترسک‌هایی که به نام نماینده‌ی زن آزاد شده به وسیله شاه بر کرسی وکالت مجلس نشسته بودند یا چهره عروسک‌های بزک کرده درباری را به نام زن ایران عرضه کند. رژیم شاه می‌کوشید به زن ایرانی بقبولاند که آزادی یعنی تسلیم در برابر فرهنگ منحط امپریالیستی، آزادی یعنی بی‌بندوباری و فساد... هجوم تبلیغاتی آن چنان وسیع و همه جانبه بود که حتا بخشی از زنان ما را در ادارات تحت تاثیر قرار داده بود... قیام پرشکوه بهمن ماه به خوبی نشان داد که زنان ما آن زمان از بندهای آشکار و پنهان فرهنگ مبتذل وابستگی آزاد می‌شوند که در عرصه مبارزه با مظاهر ستم امپریالیستی شرکت فعال داشته باشند.

حکومت اسلامی از ابتدای استقرار خود، نه تنها بار ستمی را که نظام سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و پاسدار جنایتکار آن شاه بر آنان روا می‌داشت از دوش زنان برداشته بلکه هر روز پیش از پیش به نام اجرای احکام اسلام و به نام مبارزه با فساد و بی‌بندوباری، ابتدایی‌ترین حقوق آنان را مورد تجاوز قرار داد. حق نگهداری فرزند از مادر سلب و به ولی قهری او سپرده شد، تعدد زوجات آزاد شد و حق طلاق به طور یک جانبه در دست مردان قرار گرفت. صیغه یا عقد منقطع رسماً مورد تایید قرار گرفت و سن ازدواج برای دختران پایین آورده شد و به این ترتیب کوچک‌ترین موانع برای تجاوز به حقوق زنان و دختران از میان برداشته شد. ولی مقامات حکومتی نمی‌خواهند هنوز زنان به خانه‌هایشان برگردند و به آنها برای مهر تایید زدن بر برنامه‌های خود احتیاج دارند...

مقاله با این جمله خاتمه داده شده است:

"زنان ما می‌دانند که تا ستم سرمایه و سرمایه‌داری پابرجاست، رنج و محرومیت آنان دو چندان است و تا نابودی نظام سرمایه‌داری در ایران از پای نخواهند نشست." در اسفند ۵۹ و در شماره ۶۶ نشریه راه کارگر صفحاتی به ۸ مارس اختصاص داده شده است. در این بخش از نشریه مطالب زیر درج شده است: تاریخچه هشت مارس / گفته‌هایی از رهبران سوسیالیسم در باره زن / رهبران جمهوری اسلامی در مورد زن چه می‌گویند / در جمهوری اسلامی زن از کمترین حقوق اجتماعی محروم است / زنان در پهنه‌ی مبارزات انقلابی خلق‌ها / گوشه‌هایی از دستاوردهای سوسیالیسم برای زنان.

در این مقالات به تعدد زوجات، صیغه، حجاب اجباری، محروم کردن مادر از حق قیمومیت فرزند، پایین آوردن سن ازدواج، اشاره کرده است و وضعیت زنان کارگر و روستایی را بررسی کرده و الگوی زن انقلابی و مبارز را در سراسر دنیا نشان داده است. نقش زنان در انقلاب ویتنام، اقدامات دولت شوراها پس از انقلاب ۱۹۱۷ و دولت چین پس از انقلاب برای زنان و وضعیت زنان پس از انقلاب کوبا را روشن کرده و از جمله به قوانینی مربوط به مرخصی‌های زایمان، کارهای سخت، زمان شیردهی، حق طلاق مساوی برای زن و مرد، سبک‌تر کردن کار خانگی، فراهم آوردن امکانات مشارکت اجتماعی زنان و... اشاره کرده است. شعارهایی نیز در ذیل این مقالات به چاپ رسیده است:

"آزادی زن در گرو حاکمیت طبقه کارگر است / زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، اگر آنها آزاد نباشند، آن جامعه آزاد نیست. (هوشی مین) / نقش موثر زنان در مبارزات ضدامپریالیستی خلق‌ها یک حقیقت انکارناپذیر است / آزادی واقعی زنان، با رهایی زحمتکشان از قید ستم و استثمار تامین می‌گردد / جمهوری اسلامی ابتدایی‌ترین حقوق زنان را پایمال می‌کند.

در راه کارگر شماره ۷۹ (تیر ۶۰) به مساله کنار گذاشتن زنان مهمان‌دار از کار اشاره شده و در ادامه نقل قولی از وزیر کار آورده که وظیفه تربیت اطفال را برای زنان مهمتر از شرکت در بازار کار دانسته و آن را نقد کرده است. و در ادامه به سال‌ها مبارزه زنان کارگر برای استفاده از حق مهدکودک‌های عمومی و حقوق برابر با مردان اشاره می‌کند و مطرح می‌کند که رژیم اسلامی نه تنها گامی در جهت احیای حقوق از دست‌رفته‌ی زنان در سرمایه‌داری وابسته

برنداشته بلکه با ارتجاع قرون وسطایی خود آنها را از شرکت در حیات سیاسی اجتماعی جامعه باز داشته است. سپس به قانون قصاص و ده‌ها قانون ارتجاعی دیگر اشاره کرده است:

"زنان را تا حد نیم انسان‌هایی پایین می‌آورد که تنها وظیفه‌شان پرستاری از شوهر و فرزند و آشپزی و کهنه‌شویی در چهاردیواری خانه است. آنها به زن همچون شی می‌نگرند که مالک آن باید آن را در پس صندوقخانه‌ها از انظار پنهان کند."

و این لوایح را تقلاهای رژیم برای احیای مردسالاری دانسته است. در تیر ۶۰ با اشاره به مصاحبه محمدی گیلانی حاکم شرع که به محاکمه و تیرباران دختر ۹ ساله اعتراف کرده بود، اعدام زن حامله و کودکان ۹ ساله و مجروحین را شیوه‌ای برای از میان برداشتن زحمتکشان انقلابی دانسته است.

۳-۱۱- رنجبران^۱

حزب رنجبران ایران نیز از آن دسته احزابی است که به دلیل موضعی که در مقابل حکومت گرفت، دچار انشعاب شد. در سال ۵۸ این حزب، دولت و جمهوری اسلامی را خلقی ارزیابی

۱- سازمان انقلابی حزب توده ایران پس از اختلافات بین حزب کمونیست چین و حزب کمونیست شوروی، به طرفداری از سوی حزب کمونیست چین از حزب توده ایران جدا شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ این سازمان به همراه «سازمان کمونرها» و سازمان اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر ایران و چند تشکل کوچکتر حزب رنجبران ایران تشکیل دادند. سازمان انقلابی و بعدها کمیته تشکیل دهنده حزب رنجبران ایران از انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی (دولت مهندس مهدی بازرگان) به عنوان یک انقلاب ضدامپریالیستی و یک دولت ملی دفاع کرده و به انتخابات جمهوری اسلامی پاسخ مثبت دادند. به مرور زمان حزب رنجبران با جناح «بهشتی-فسنجانی-خامنه‌ای» فاصله گرفت و از جناح «بنی‌صدر» به دفاع برخاست. در جنگ ایران و عراق این حزب «دفاع از میهن در برابر تجاوز امپریالیستی» را شعار خود قرار داد و فعالانه در جنگ شرکت کرد. تعدادی از اعضای این حزب در جنگ کشته یا توسط رژیم اسلامی شناسائی و تیرباران شدند. با آغاز سرکوب‌ها و فرار بنی‌صدر، حزب رنجبران ایران به مخالفت با «جمهوری اسلامی» پرداخت. حزب رنجبران در مناطق شمال (گرگان و گلستان) و جنوب ایران (فارس) دست به مبارزه مسلحانه علیه جمهوری اسلامی زده و تعداد زیادی از اعضای خود را از دست داد. بخشی از رهبری این حزب برای ادامه فعالیت مسلحانه و تدارک کنگره به کردستان ایران نقل مکان کرده و بخش دیگری معروف به «کمیته تهران» با مخالفت با مشی مسلحانه و تأکید بر مبارزه توده‌ای علیه رژیم اسلامی، به انشعاب دست می‌زند. حزب رنجبران با برگزاری کنگره‌ای در کردستان از گذشته خود انتقاد تندی کرد (نقد سیاست‌های مامشات با نظام اسلامی و تئوری سه جهان) و بخشی از رهبری را که مسئول همکاری با «جمهوری اسلامی» می‌دانست از این حزب اخراج نمود.

کرده بود. در روزنامه رنجبر ۱۶ اسفند ۵۸، مطلبی تحت عنوان "روز همبستگی بین‌المللی زنان، سدهای شرکت زنان در انقلاب را درهم بشکنیم" همراه با عکسی از زنی با چادر در حال ساخت یا پخش کوکتل مولوتف منتشر شده است. در این مطلب به شرکت زنان در مبارزات ضدامپریالیستی از انقلاب مشروطه تا کنون اشاره شده است:

"مضمون اساسی آزادی زن در جامعه‌ی ما به معنای آزادی زنان برای شرکت وسیع در ادامه انقلاب است و مساله مرکزی ادامه انقلاب نیز مبارزه علیه امپریالیسم، به ویژه دو ابرقدرت برای ریشه‌کن نمودن وابستگی‌ها و کسب استقلال کامل در تمام زمینه‌ها می‌باشد. از این رو برای آزادی زن در میهن ما باید مبارزه کرد تا کلیه قیدوبندها و موانعی که در راه شرکت زنان در زندگی اجتماعی و جنبش ضدامپریالیستی و انقلابی میهن ما قرار دارد، برداشته شود. ... اما به علل تاریخی و اجتماعی، زنان علاوه بر همه‌ی مشکلات مشترک با مردان، مسایل و مشکلات خاص خود را نیز دارند که بار ستم بر آنها را دو چندان می‌کند. مسایلی که زنان را در موقعیتی ستم‌دیده قرار می‌دهد از یک سو به علت وجود میراث تاریخی طبقات ارتجاعی، برده‌داری و فئودالیسم و کهنه‌پرستی ناشی از آن و از سوی دیگر به علت نفوذ و سلطه استعمار و امپریالیسم و فرهنگ سرمایه‌داری ناشی از آن است؛ از این دو عامل در دوران ما سلطه امپریالیسم عمده است. این دو عامل دست به دست هم کوشش کردند زن را به صورتی پست‌تر از مرد معرفی نمود یا او را خدمتکار خانه‌نشین کنند. با دستمزد کم به کار گیرند و به صورت کالا برای استفاده مرد در آورد. باتوجه به این واقعیات زنان مشکلات بیشتری دارند و به خصوص زنان زحمتکش و کارگر ستم مضاعف سنگینی را تحمل می‌کنند. در ادامه انقلاب به این مشکلات و مسایل باید توجه شود در غیر این صورت یعنی توجه نکردن به مسایل زنان به معنی محروم کردن نیمی از جامعه از شرکت در جنبش انقلابی و استقلال طلبانه خواهد بود ...

سپس با اشاره به بخشی از برنامه‌ی حزب رنجبران که مبارزه برای تحکیم دموکراسی است به حقوق زنان نیز اشاره شده است:

"باید حقوق مساوی زن و مرد در کلیه زمینه‌های اقتصادی، سیاسی فرهنگی حقوقی اجتماعی و زندگی خانوادگی تامین گردد/ زن و مرد باید در برابر کار مساوی حقوق

مساوی دریافت نمایند/ ازدواج و طلاق باید با میل طرفین صورت گیرد./ زنان همانند مردان باید حق انتخاب شغل برای خود را داشته باشند."

و در بخش مبارزه به خاطر تحکیم عدالت اجتماعی علاوه بر اصل مهم دریافت حقوق مساوی در برابر کار مساوی، چند مورد دیگر نیز مطرح می‌شود از جمله:

"بیمه اجتماعی باید یک ماه قبل و دو ماه پس از زایمان، حقوق زنان آبستن را بدون کار تامین نماید. به وجود آوردن شیرخوارگاه‌ها و مهد کودک‌ها در نزدیکی محل کار والدین در شهرها و ایجاد مراکز مشابه در روستاها با قیمت ارزان.

با آنکه این خواسته‌ها بسیار طبیعی و عادلانه به نظر می‌رسد اما در قوانین تصویب شده تقریباً هیچ کدام از اینها رعایت نشده است. به عنوان مثال در زمینه حقوق خانوادگی طبق قوانین موجود در درجه اول مرد ولی فرزند است و تنها در صورت نبودن مردهایی که بتوانند ولی بشوند، در درجه آخر مادر حق ولایت فرزند را دارد. این قانون در مورد مادران که باید سرپرست شایسته فرزندانشان باشند و در صورت طلاق یا فوت پدر نیز بتوانند فرزندشان را پرورش دهند، ظلم بی‌حدی روا می‌دارد و بسیار قوانین ... در مورد زنان زحمتکش و کارگر هنوز نابرابری دستمزد و مزایای دیگر بسیار زیاد است و مهم ترین مسایلی است که باید برای اصلاح آن مبارزه نمود."

سپس به دو گرایش انحرافی در برخورد به مسایل زنان اشاره شده است چپ‌نمایان و انحصارطلبان. به نظر رنجبران چپ‌نمایان می‌خواهند:

"از هر خواست محقانه‌ای برای مقاصد گروهی و قدرت‌طلبی خود سوءاستفاده و بهره برداری نمایند و با تکیه به خواسته‌های دموکراتیک از قبیل حق طلاق جریانی علیه دولت ملی به راه اندازند و نهایتاً همین مبارزه زنان را به صورت جریانی انحرافی زن در مقابل مرد تبدیل می‌کنند. سیاست آنها سوءاستفاده از مشکلات زنان برای ایجاد حرکتی سیاسی علیه دولت و نه از میان برداشتن سدهای جلو راه زنان برای شرکت وسیع‌تر در انقلاب و دفاع از استقلال کشور در برابر ابرقدرتهاست. از طرف دیگر کهنه‌پرستان و انحصارطلبان که بقایای افکار برده‌داری و فئودالی در آنها ریشه دارد، به زنان با دیده حقارت می‌نگرند و حقوق مساوی اجتماعی و اقتصادی آنان را نمی‌پذیرند و یا حداکثر به شکلی ناقص می‌پذیرند ... کهنه‌پرستان به نادرستی افکار و سنت‌های نظام فئودالی را

مربوط به دین اسلام تصور می‌کنند و کنار گذاشتن آن را نیز لزوماً پذیرفتن افکار منحط تجددطلبی و معیارهای امپریالیستی می‌انگارند. در حالی که هر دوی این تصاویر نادرست است. اسلام مبارز مخالف رفع ستم از زنان و حقوق برابر آنان نیست و خواست‌های دموکراتیک زنان هم غربی و ضداسلامی نیست. زنان مبارز جامعه‌ی ما می‌خواهند از قید و بندهای فئودالی رهایی یابند و حقوق برابر اجتماعی - اقتصادی خود را به دست آورند تا در انقلاب و مبارزه ضدامپریالیست شرکت جویند و در شرایطی کاملاً آزاد قادرند با مظاهر فرهنگ امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی به خوبی مبارزه کنند."

نشریه‌ی رنجبر در ۱۹ اسفند ۵۸ گزارشی از مراسم "جمعیت زنان ایران" در تالار فرهنگ و هنر دارد و در این برنامه نواقص قانون اساسی در مورد حقوق زنان و لزوم وحدت و مبارزه برای احقاق این حقوق مطرح شده است.

در رنجبر ۱۷ تیر ۵۹ سرمقاله عنوان "زنان باید وحدت خود را حفظ کنند" به مساله حجاب و حواشی آن پرداخته است. این مقاله با اشاره به سخنرانی آیت‌اله خمینی برای حضور زنان کارمند باحجاب منتشر شده است. در بخشی از این چنین آمده است:

"... مساله حجاب زن در ادارات به یکی از معیارهای طاغوتی و غیرطاغوتی بودن تبدیل گشت. طرح نادرست این مساله و به کار بردن شیوه‌ای نادرست در اجرای آن وقایع گوناگون و مسایلی را به دنبال داشت..."

سپس به عدم توافق مسوولین در تعریف حجاب اشاره کرد و نوشته:

"این مساله نیز بدون برنامه قبلی و ضابطه‌ی مشخص شروع شده تا کنون یک معیار برای حجاب یا پوشش اسلامی معرفی نشده و هر کدام از مسوولین ادارات ... طبق میل و سلیقه خود معیارهایی برای پوشش اسلامی انتخاب کرده و به اجرا گذاشته‌اند." و بعد عنوان کرده که برخی مدیران این مساله را "به مثابه چماقی برای اخراج به کار می‌برند." این عده را یا انحصارطلبانی می‌داند که مدت‌ها "منتظر فرصتی بودند تا زنان را از ادارات و... به گوشه‌ی خانه‌ها برانند و از صحنه اجتماع خارج کنند یا بوروکرات‌هایی که با مبارزه واقعی با بوروکراسی تصفیه خواهند شد و برای حفظ موقعیت خود به تصفیه دیگران از جمله زنان به بهانه نداشتن حجاب اسلامی می‌پردازند. در ادامه به نقل از وزیر بهداشتی نقل می‌کند:

"ما پرونده‌ی اقلیتی از زنان را که موافق حجاب نبودند در آوردیم تا آنها را اخراج کنیم ولی آنها آمدند و معذرت خواستند و..."

نویسندگان مطلب معتقدند که با زور و تحمیل نمی‌توان چیزی را به توده‌ها قبولاند و این عمل را "در خدمت عوامل ضدانقلاب داخلی و خارجی" می‌دانند و معتقدند که تمایز نگذاشتن بین زنان زمینه‌ای را ایجاد کرده که عمال امپریالیسم و هواداران بختیار و ... شدیداً فعال شده و با دامن زدن به اختلافات و ناراضی‌ها به وحدت خلق در مبارزه ضدامپریالیستی ضربه وارد آوردند و زنان ناراضی از شیوه برخورد با حجاب، نتوانند حساب خود را از هواداران بختیار جدا کرده و آنها را از میان خود طرد کنند. سپس به اعتراض زنان به اخراج‌ها و تظاهرات‌هایی که در این زمینه برپا شده بود، اشاره کرده و نمونه‌ای از دو روزنامه صبح تهران می‌آورد که ظاهراً عکس‌های زنان شرکت‌کننده در تظاهرات را منتشر کرده و خواهان شناسایی زنان شده بودند: "این روزنامه‌ها با چاپ عکس چند زن بزک‌کرده، تمام زنان شرکت‌کننده در تظاهرات و معترض را به لجن کشیده‌اند و با نوشتن توضیحات و سخنان مخالفین و شعارهای تحریک‌کننده آنان، تمامی زنان را همکار اشرف و غیره قلمداد می‌کنند تا بدین وسیله بر روی خواسته‌های به حق زنان سرپوش گذرند."

رنجبر این کار روزنامه‌ها را خلاف عرف و قوانین مطبوعات و توهین به تمامی زنان می‌داند که فقط بی‌اعتمادی و بدبینی توده‌ها را نسبت به دولت و انقلاب تشدید می‌کند. نویسنده مقاله وحدت زنان بر سر مساله حجاب را اصلی نمی‌داند:

"مساله وحدت زنان وحدت سیاسی و وحدت برای ادامه انقلاب، خدمت به خلق و اجتماع و به دست آوردن استقلال ایران است. زنان باحجاب یا بی‌حجاب هوادار و پشتیبان انقلاب اسلامی باید دست در دست روحانیت مبارز و روشن‌بین و مسوولین دلسوز و کاردار مملکتی از طریق تفاهم و مشورت به راه‌حل درست و مناسبی در مورد مساله حجاب برسند و یک لحظه فراموش نکنند که صحنه اصلی جنگ ملت ما جنگ با ابرقدرت‌هاست. هر گونه مبارزه‌ای باید نه تنها بر این جنگ اصلی صدمه نزند بلکه باید به تحکیم صفوف خلق در خدمت پیشبرد آن کمک نماید.

در مقاله‌ی دیگری که تحت عنوان "مارکسیست‌ها و مساله حجاب" که در صفحه ۶ این نشریه چاپ شده است، مقاله خانم زهرا رهنورد را با عنوان "تحلیل مارکسیست‌ها و غرب‌زده‌ها از کشف حجاب" (اطلاعات ۱۵ تیر)، نقد کرده است:

"البته روشن نیست که مقصود خانم رهنورد از مارکسیست‌ها کیست زیرا در جامعه کنونی ما به شکرانه فعالیت‌های دار و دسته مزدور کیانوری از سوپی و گروه‌های چپ نمای مدعی مارکسیسم، به آسانی می‌تواند مسلمانان مبارز را در تشخیص سره از ناسره سر درگم سازد. آنچه در مقاله خانم رهنورد تحت عنوان توضیح تحلیل مارکسیست‌ها ارائه می‌شود هیچ ارتباطی با نظرات مارکسیست‌ها ندارد.

اگر هر آینه فراموش نکنیم که مساله حجاب در ارتباط با مبارزه با فحشا و شی‌ءزدگی زن در جامعه سرمایه‌داری و امپریالیستی از جانب مسلمانان جامعه ما مطرح می‌شود آن وقت درک مواضع مارکسیست‌ها آسان می‌شود ... مارکسیست‌ها در کشورهایی که قدرت را به دست گرفته‌اند مبارزه با فحشا را همچون مبارزه با اعتیاد در کنار مبارزه با فقر و استثمار و در بطن مبارزه با ستم‌دیدگی زن در سرلوحه کار خود قرار داده و موفقیت‌های بی‌ظییری نیز به دست آورده‌اند. در این ارتباط نیز مساله پوشش زنان به مثابه یک امر ثانوی نسبت به مساله اصلی که همان مبارزه ریشه‌ای با امپریالیسم و مظاهر آن است به شکل پوشش‌های ساده روستایی و کارگری یا لباس متحدالشکل و غیره به آسانی قابل حل شده است. این موفقیت مرهون موفقیت در مبارزه با نظام‌های استثماراری و استعماری حاکم بر این جوامع قبل از انقلاب است. درست به همین دلیل می‌بینیم که همراه با امحا سوسیالیسم و رجعت سرمایه‌داری در شوروی مظاهر منفور نظام سرمایه‌داری از جمله فحشا، سکس و مد لباس و آرایش زنانه و غیره دوباره در جامعه شوروی پدیدار شده است. از نظر ایدئولوژیک نیز کمونیست‌ها علیه انواع ایده‌های فئودالی و بورژوازی که توجیه‌گر اسارت زن و ستم‌دیدگی و تحقیر شدن او در جامعه است از جمله با زناشویی بدون ازدواج و به اصطلاح کمونیسم جنسی مبارزه کرده‌اند. ... ما مارکسیست‌ها در همه حال اعتقادات مذهبی مردم را محترم می‌شماریم. ما معتقد نیستیم که رعایت حجاب به معنی فئودالیسم است. همان طور که معتقد نیستیم کشف حجاب به معنی رفع فئودالیسم یا آمدن سرمایه‌داری است. فئودالیسم و سرمایه‌داری

نظام‌های اجتماعی هستند که با گذاشتن و برداشتن حجاب عوض نمی‌شوند. آنچه مهم است ایجاد دگرگونی بنیادی در نظام اقتصادی اجتماعی فرهنگی است. بدون چنین دگرگونی، آزادی همچنان در قلمرو جبر به حصر می‌ماند، حال می‌خواهد آزادی حجاب باشد یا آزادی بی‌حجابی. بنابراین مبارزان و متفکرین ما باید بیش از آنچه به فکر حجاب و پوشش اسلامی باشند در فکر دگرگون کردن بنیاد اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نظام منفوری باشند که از گذشته برای ما به ارث مانده است. مساله حجاب تنها در این چارچوب قابل درک و قابل حل است."

در مقاله دیگری که در رنجبر ۱۹ منتشر شده به مساله زن و قانون کار پرداخته است و مساله مزد برابر در برابر کار برابر را تنها صوری می‌داند و اعلام می‌کند که عملاً میزان است شمار و بهره‌کشی از زنان کارگر در جامعه ما به شدت بیشتر از مردان است و در بسیاری از کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی کارفرمایان ترجیح می‌دهند کارگر زن استخدام کنند تا کارگر مرد؛ تازه این مربوط به کارخانه‌هایی است که مشمول قانون کار هستند. اکثریت زنان شاغل کشور در کارگاه‌های کوچک و به اصطلاح فامیلی کار می‌کنند که قانون کار آنها را مستثنا کرده است. سپس به عدم حمایت قانون از زنان کشاورز و قالی‌باف، قانون مرخصی زایمان زنان کارگر و تضمین بازگشت مجدد به کار آنان دارد و به این مساله اشاره می‌کند که زنان کارگر همچون سایر زنان زحمتکش کشور زیر ستم چند لایه‌ای قرار دارند که ناشی از شرایط پدرسالاری حاکم در جامعه است. پس از آن به جریان ناسالم انحصارطلبان در مورد حقوق زنان اشاره می‌کند که بازتاب آن را ممانعت از استخدام زنان داوطلب مشاغل قضایی، حذف خدمت سربازی در مورد زنان، محرومیت زنان از انتصاب به مقامات اداری، ایجاد تزییقات و محدودیت‌های متعدد برای زنان در زمینه‌های استخدامی کنار گذاشتن و اخراج تدریجی زنان از ادارات و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می‌داند و در انتها اشاره می‌کند که لازم است:

۱- دولت موضع خود را در برخورد به حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و اشتغال زنان به طور صریح اعلام کند و هم در قانون اساسی و هم در قانون کار موادی جداگانه به حقوق تخطی‌ناپذیر زنان برابر با حقوق مردان در زمینه‌های شغلی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اختصاص داده شود. ۲- زنان کارگر در جهت به دست آوردن حقوق

پایمال شده خود و حفظ و تحکیم حقوق خود باید: از یک طرف حمله انحصارطلبان را که زیر شعار دفاع از اسلام قایم شده و سعی در پایمال کردن حقوق زنان و محدود کردن آنها به کنج خانه‌ها هستند، را دفع نمایند ... و زنان کارگر باید هوشیار باشند که به دام شعارهای فریبنده گروه‌های به اصطلاح چپ و دموکرات که قصد دارند از خواسته‌ی به حق زنان در جهت تخطئه انقلاب سواستفاده نمایند، نیفتند."

در انتها نیز به زنان کارگر چنین رهنمود داده است:

"در کنار برادران کارگر خود در صحنه‌های زندگی اقتصادی سیاسی و اجتماعی شرکت کنند و در عین حال همراه با سایر زنان زحمتکش سازمان‌های خاص خود را تشکیل دهند و به امر برابری واقعی خود با مردان را در همه‌ی زمینه‌ها در پیوند فشرده با کلیه نیروهای انقلابی در جامعه به پیش برند."

۳-۳-۱۲- حزب کارگران سوسیالیست^۱

در مصاحبه‌ی مطبوعاتی موسسان حزب کارگران سوسیالیست، آزادی زنان و حقوق کامل و مساوی برای آنها در کنار سایر خواسته‌ها مانند مجلس موسسان، آزادی زبان برای ملیت‌ها و

۱- این حزب در ۳۰ دی ۱۳۵۷ تشکیل شد. ریشه این حزب در گروه‌های تروتسکیستی ایرانی است که در دهه ۱۹۶۰ میلادی در اروپا و آمریکا فعالیت می‌کردند. (گروه چه باید کرد همراه با انجمن ستار و سایر تروتسکیست‌ها). اولین شماره نشریه کارگر، ارگان حزب، در فروردین ۵۸ منتشر شد. به دلیل موضع این حزب در قبال حکومت اسلامی، تعدادی از اعضای آن دستگیر و تحت فشار قرار گرفتند. به تدریج اختلاف بین دو جناح فکری در حزب افزایش یافت. اختلافات این دو جناح بر سر تغییر تاکتیک‌ها در مورد برخورد با مساله زنان و ملی، شرکت یا عدم شرکت در رفراندوم مجلس خبرگان بود که به انشعاب در این حزب در اواخر بهار ۵۸ منجر شد. در دی ۵۸ یکی از این بخش‌ها حزب جدید "حزب کارگران انقلابی" را تاسیس کردند. این حزب از اقدام دانشجویان پیروخط امام در گروگانگیری دفاع کرد و رهبری آیت‌اله خمینی را در انقلاب ایران و جنگ ایران و عراق پذیرفت. بعد از جریانات خرداد ۶۰ و برکناری بنی صدر، این حزب به حمایت خود از جمهوری اسلامی ادامه داد و مانند حزب توده و فداییان اکثریت، هر نیروی اپوزیونی را که با رژیم مخالفت می‌کرد، ضد انقلاب نامید. در بهار ۱۳۶۳ رهبران و اعضای این حزب نیز دستگیر و عملاً فعالیت این حزب خاتمه یافت. جناح دیگر این حزب تحت نام حزب کارگران سوسیالیست به فعالیت خود ادامه داد و مواضع ضد رژیم اسلامی داشت. این بخش با شروع جنگ و انقلاب فرهنگی نیز دچار انشعابات شد. با شروع سرکوب‌ها بخش‌های فعال باقیمانده این حزب به خارج از کشور رفتند.

... مطرح شد. در نخستین شماره‌ی "کارگر"، ارگان حزب کارگران سوسیالیست، در باره مساله حجاب چنین آمده است:

"زنان ایرانی انتظار داشتند که پس از پیروزی انقلاب یک باره به تمام تحقیرات و توهین‌ها علیه زنان خاتمه داده شود. ... به زنان امکان داده شود که انسانی کامل باشند با تمام ابعاد انسانی ... اما متأسفانه از همان روزهای اول پیروزی رهبران مذهبی و دولت بازرگان به تمام آمال و خواسته‌های زنان پشت پا زدند به جای این که در جهت تامین تساوی حقوقی زن و مرد قدم بردارند قانون حمایت خانواده را اگر چه به هیچ وجه تساوی حق زن و مرد را رعایت نمی‌کرد، ولی امکانات بسیار محدودی به زنان می‌داد، به خاطر مخالفت با شرع اسلام لغو کرد. دولت آقای مهدی بازرگان علاوه بر همه‌ی اینها در ۱۶ اسفند کوشش وسیعی برای تحمیل حجاب اجباری به زنان آغاز کرد ... در پشت این یورش دولت به آزادی‌های فردی زنان، دسته‌جات اوباش و اراذل که برای ماه‌ها در پرتو آتش‌افروزان انقلاب هراسان از خیابان‌ها گریخته بودند دوباره جان گرفتند دولت به جنایات این اشرار به دیده‌ی اغماض نگریست و با وجود اینکه ده‌ها و صدها زن مورد تعرض قرار گرفته بودند حتی یکی از این جانیان دستگیر نشدند ... برای دفع این حملات به حقوق زنان برای کسب آزادی و حقوق مساوی لازم است که مبارزه ادامه یابد. نیاز به تبلیغ و تهییج و بسیج عمومی است. باید همگی خواهران دبیرستانی و دانشگاهی، همگی زنان کارمند و کارگر و خانه‌دار را به اجتماعات، جلسات و متینگ‌ها و تظاهرات برای کسب حقوق حقه‌ی زنان جلب کنیم باید همگی به برادران خود تفهیم کنیم که حمله به حقوق زنان سرآغاز حمله به آزادی در جامعه است. ما باید کلیه کارگران را از این حقایق مطلع کنیم ... امروز به کفایت روشن است که هیچ حکومت از بالا تعیین شده‌ای برای ما زنان آزادی نخواهد آورد. ما باید نمایندگان خود را در محیطی کاملاً دموکراتیک در حالی که حق آزادی بیان تمام گروه‌ها و احزاب محترم شمرده می‌شود انتخاب کرده و به مجلس موسسان بفرستیم. واقعیت این است که کوشش برای تحمیل حجاب اجباری به هیچ وجه خاتمه نیافته است. هنوز تظاهرات آرام زنان برای احقاق حقوق مسلم خود با دسته‌جات اوباش و چاقوکشان حرفه‌ای روبه‌رو می‌شود. هنوز توهین نسبت به زنان خاتمه نیافته است. یک نمونه آن سخنان آقای مهندس بازرگان نخست وزیر در

شب ۲۳ اسفند است که تظاهرات باشکوه زنان آزادیخواه را "جیغ بنفش خانم‌ها" می‌خواند. هنوز خواهان به جرم بی‌حجاب بودن مضروب و مجروح می‌شوند. فشارهای دولت برای درهم‌شکستن اعتراض و مقاومت زنان در مقابل حملات اخیر به قدری وسیع است که حتا برخی از سازمان‌هایی نیز که در دوران سلطنت علیه رژیم مجدانه می‌جنگیدند زیر این فشار خم شده و اعلام کرده‌اند که ادامه‌ی بسیج عمومی زنان علیه حجاب اجباری و پافشاری زنان برای احقاق حقوق مساوی امری است فرعی و باعث ایجاد تفرقه و به بیراهه کشاندن انقلاب می‌شود هیچ چیز نمی‌تواند بیش از این از حقیقت دور باشد.^۱

در هفته‌ها و ماه‌های بعد باز هم در ارگان این حزب، مطالبی در اعتراض به قوانین تبعیض‌آمیز قانون کار درمورد زنان کارگر مطالبی می‌خوانیم. در آستانه‌ی اول ماه مه، حزب کارگران سوسیالیست برنامه‌ی خود را منتشر کرد که در آن به لزوم دفاع "بی‌قید و شرط" کارگران از مبارزات زنان اشاره کرد و درخواست‌های شش‌گانه‌ای مطرح نمود که در آن آمده است:

"بدون آزادی زنان آزادی جامعه ممکن نخواهد بود. میزان واقعی آزادی جامعه را باید با میزان آزادی زنان آن سنجید ... در مبارزه علیه استثمار سرمایه‌داری و ریشه‌کن ساختن هر گونه ظلم و محرومیتی در جامعه، کارگران و زحمتکشان ایران، زنان ستم‌دیده را متحدین نیرومند خود خواهند یافت. دفاع از کلیه مبارزات زنان برای کسب تساوی کامل و رفع هر گونه تبعیض دفاع از منافع زحمتکشان است. کارگران و زحمتکشان ایران باید پیگیرانه و بدون قید و شرط از مبارزات زنان برای کسب حقوق زیر دفاع کنند:

۱- تساوی کامل حقوقی، سیاسی و اجتماعی برای زنان باید تامین گردد. هر گونه تبعیض علیه زنان چه به اتکای قانون و چه به اتکا مذهب یا سنت باید به طور صریح غیرقانونی اعلام شود ... کلیه قوانین شرعی و مدنی که به نحوی مجازات‌های ویژه‌ای برای زنان در نظر گرفته‌اند ملغی گردد ...

۲- زنان باید حق کنترل بر بدن خود را داشته باشند. حق تصمیم‌گیری در مورد بارداری و یا خاتمه‌ی به بارداری منحصرأ به خود زنان تعلق دارد.

۳- کلیه قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده که به نحوی علیه زنان تبعیض و تحقیر قائل می‌شود باید لغو شوند. ازدواج امری است داوطلبانه که با یک ثبت مدنی رسمیت می‌

۱- تجمعات و راهپیمایی ما زنان ایرانی، ما در بند نمی‌مانیم / کارگر سال اول شماره‌ی ۱ اول فروردین ۵۸

یابد ... حق طلاق فوری و بدون قید و شرط باید به طور مساوی برای زوجین وجود داشته باشد ...

۴- استقلال کامل اقتصادی برای زنان باید وجود داشته باشد.

۵- امکانات آموزشی باید به طور مساوی برای زنان و مردان فراهم شود.

۶- جامعه باید از نو سازمان یابد تا بردگی خانگی زنان خاتمه یابد ...^۱

در مورد تعطیل شدن مدارس مختلط نیز حزب کارگران سوسیالیست این موضع را گرفت: "تمام کوشش بر این است که دانش‌آموزان دختر برای انجام کارهایی که سنتا "زنانه" محسوب می‌شود مهیا شوند. در دبیرستان‌های دخترانه رشته‌های خانه‌داری، منشی‌گری و ادبی به مراتب بیشتر از رشته‌ای طبیعی و ریاضی است ... تنها طریق رفع نابرابری‌ها و تبعیض‌ها علیه زنان در نظام آموزشی کشور و تضمین برابری و امکانات مساوی چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمی، مختلط کردن مدارس در سراسر کشور و در کلیه سطوح است. کلاس‌های آشپزی، خیاطی و خانه‌داری از لیست دروس اجباری برای زنان باید لغو گردد"

این حمله را مانند سایر حملات علیه زنان از اقدامات دولت بازرگان ارزیابی کرده است: "برای زنان ترانامه‌ی سه ماهه‌ی دولت آقای بازرگان در حملات پیاپی و گسترده به حقوق زنان خلاصه می‌شود، حملاتی که با کوشش ناموفق برای تحمیل حجاب اجباری آغاز شد ... تهاجم اخیر هیات حاکمه به حقوق زنان یک بار دیگر نشان می‌دهد که سرمایه‌داران و زمین‌داران که امروز خود را با مفاهیم اسلامی پوشانده‌اند، تهاجم خود را در هیچ سطحی متوقف نخواهند کرد..."^۲

در کارگر شماره‌ی ۶ نیز مطلب دیگری تحت عنوان "افسانه‌ی ضعیف بودن جنس زن" منتشر شده است. این حزب از تحصن کارآموزان قضایی نیز حمایت کرد. زنانه مردانه شدن دریا نیز مورد توجه اعضای این حزب بوده و آن را نیز حمله‌ی جدیدی به حقوق زحمتکشان و زنان می‌نامد.

۱- برنامه عمل زحمتکشان برای رفع بحران کنونی، انتشارات حزب کارگران سوسیالیست، جزوه‌ی مسایل و وظایف جنبش زنان در ایران ۱۳۵۷ تا ۶۰

۲- "پروین نجفی، تعطیل آموزشگاه‌های مختلف، حمله‌ای جدی علیه حقوق زنان، کارگر شماره ۵، ۱۳ خرداد ۵۸ ص ۷

در شماره‌ی ۷ نشریه‌ی این حزب مقاله‌ای تحت عنوان حمله‌ی حکومت سرمایه‌داران به حقوق زنان منتشر شد در این مقاله درمورد شیوه رهایی زنان آمده است:

"تنها راه رهایی زنان از یوغ این موقعیت مادون انسانی، تشکل و مبارزات مداوم خود آنان است. زنان نباید حملات دولت سرمایه‌داران به حقوق حقه و دموکراتیک خود را بدون پاسخ بگذارند و به امید این یا آن شخص بنشینند که از خواست‌های آنان دفاع کند. زنان باید حقایق مبارزات خود و ستمی را که به آنها می‌شود برای کلیه کارگران و زحمتکشان ایران روشن سازند. زیرا مسلم است که کارگران و ستم‌دیدگان جامعه ... می‌دانند که اگر زنان در مبارزه علیه رژیم جبار پهلوی شرکت نمی‌کردند امکان پیروزی بر این دستگاه کمتر بود. زحمتکشان هیچ گاه از مبارزات وسیع زنان برای دستیابی به خواست‌هایشان ترسی ندارند و می‌توانند بهترین و پیگیرترین حامیان زنان باشند ... زنان طی مبارزات خود علیه "حجاب اجباری پی بردند که تنها اتحاد و همبستگی خود آنان است که می‌تواند مانند سدی عظیم در مقابل دست‌اندازی‌های دولت به حقوق آنان باشد."

در شماره‌ی ۱۱ نشریه کارگر (۲۵ مرداد ۵۸) نیز چنین آمده است:

"تعصبات نژادی و جنسی و مذهبی دقیقا چیزهایی هستند که نیروهای ارتجاعی دست راستی سعی در برانگیختن آنان و ایجاد نفاق در صفوف زحمتکشان دارند. در رابطه با واقعیت مبارزه‌ی طبقاتی در ایران، همبستگی طبقاتی یعنی دفاع طبقه‌ی کارگر از مبارزات خلق‌های ستم‌دیده کرد و عرب و ترکمن، یعنی دفاع از مبارزه‌ی زنان برای حقوق مساوی و آزادی، یعنی دفاع از آزادی‌اندیشه و بیان برای همه. (چون که باید با نیروهای دست راستی مبارزه کرد.)"

این حزب در مقاله‌ای در شماره‌ی ۸ نشریه‌ی خود با عنوان "قانون اساسی جدید جواز دفع آزادی زنان" چنین نوشت:

"انتشار پیش‌نویس قانون اساسی نه تنها دلهره و نگرانی زنان آزادیخواه ایرانی را برطرف نکرد، بلکه بر عکس نشان داد که این قانون اساسی اصولا بر پایه صحه گذاشتن بر نابرابری مرد و زن در اجتماع و برای مسدود کردن راه زنان در مبارزه برای آزادی نوشته شده است..."

و در ادامه، بندهند قانون اساسی را در رابطه با حقوق زنان بررسی کرده است. حقوق متساوی و کامل برای زنان و آزادی زنان از جمله خواسته‌های این حزب برای انتخابات مجلس بود و از میان ۱۸ کاندیدای این حزب ۵ نفر زن بودند.

شرکت در انتخابات یا تحریم آن، سبب انشعاب در این حزب شد. بخشی از آنان به حمایت از مبارزات ضدامپریالیستی حکومت، دانشجویان پیرو خط امام گرایش پیدا کردند. این گرایش به راست، در مواضع آنها نسبت به مسایل زنان نیز نمود پیدا کرد و مبارزه برای آزادی خلق‌ها و مبارزه برای رفع تبعیض‌های جنسی جای خود را به حمایت از شخص آیت‌اله خمینی داد. در تیر ۵۹ در مقاله‌ای با عنوان "برای پیشبرد مبارزه علیه امپریالیسم، سمینار زنان در کانون توحید" چنین آمده است:

"احقاق حقوق زنان مانند سایر اقشار ستم‌دیده تنها در گرو پیشبرد و پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی است از این رو نیاز به یک رهبری ضدامپریالیستی در جنبش زنان است که بتواند از طریق درگیر کردن هر چه بیشتر خواهران مسلمان و مبارز در بحث مسایل خود و دستیابی به راه‌حل‌های مناسب عمل کند به شدت از جانب زنان ایران احساس می‌شود."

این حزب پس از آن دیگر چندان به تبعیض‌های جنسیتی واکنش نشان نداد و تنها خواستار آزادی دو تن از اعضای زن خود شد که در زندان بودند. حتا عکس‌هایی که از زنان کارگر در شماره‌های نشریه کارگر به چاپ می‌رسید، نیز با پوشش اسلامی بود. در اسفند ۵۸ در مورد مسایل زنان چنین نوشت:

"یکی از جنبه‌های اصلی تبلیغات زهرآگین امپریالیست‌ها علیه انقلاب ما پخش و تبلیغ این دروغ بوده است که گویا انقلاب اسلامی ایران بزرگترین صدمه‌ها را به زنان ما زده است. مطابق این تبلیغات زنان ایران به قعر قرون تاریک گذشته رانده شده و از همه‌ی مواهب انسانی محروم شده‌اند."

و در ادامه به مشارکت زنان در ارتش بیست میلیون‌ی و تظاهرات تاسوعا و عاشورا اشاره می‌کند... و در سال ۵۹ اردیبهشت گزارشی از مراسم روز زن به مناسبت تولد حضرت فاطمه منتشر می‌کند. در ۱۷ تیر ۵۹ یکی از زنان عضو این حزب در مصاحبه با ارگان این حزب در مورد اعتراضاتی که در مقابل حجاب اجباری در ادارات صورت می‌گیرد چنین گفته است:

"این اعتراضات کوچک مقابل نخست وزیری از طرف کل جمعیت زنان و جمعیت‌هایی که در میان خواهران مسلمان و مبارز ریشه دارند متشکل نشده است... بسیاری از این نیروهایی که دشمن انقلاب هستند بختیار نیست‌ها و غیره پشت این راهپیمایی‌های خیلی کوچک قرار دارند در نتیجه حزب کارگران انقلابی با این راهپیمایی‌ها که فقط به تحریکات می‌تواند دامن بزند موافق نیست... خواست اساسی زنان که اکثریت آنها در این مملکت حجاب دارند مستقیماً اعلام نشده است... حزب کارگران انقلابی معتقد است که در چنان شرایطی که به زودی روشن خواهد شد که مساله داشتن یا نداشتن حجاب نیست، بلکه مساله‌ی حقوق زنان و مبارزه کل جامعه با امپریالیسم امریکاست..."

به رغم این مواضع نماینده حزب کارگران انقلابی، مهسا هاشمی از میزگرد حجاب در صدا و سیما جمهوری اسلام کنار گذاشته شد.

نشریه "چه باید کرد" که نظرات منشعبین را منعکس می‌کرد، موضعی کاملاً متفاوت با این جناح داشت و می‌توان آن را ادامه‌ی رویکرد پیشین این حزب دانست. در شماره‌ی ۵ این نشریه که در آبان ۵۸ منتشر شد در رابطه با تهاجم دارو دسته‌های حزب‌الهی به تظاهرات زنان در اعتراض به قوانین اسلامی خانواده اشاره کرده است. این تظاهرات به دعوت اتحادیه‌ی انقلابی زنان مبارز برگزار شده بود:

"تحقیر زن روز به‌روز ابعاد وسیع‌تر و وقیحانه‌تری به خود می‌گیرد... زمان آن رسیده که نیروی‌های مختلف سیاسی اهمیت مساله زن را درک کرده و سدهای فرقه‌ای و ایدئولوژیک خود را کنار گذاشته و جبهه واحدی برای مبارزه علیه ستم بر زن تشکیل دهند. سکوت در مقابل حملاتی که علیه زنان تشدید می‌شوند تنها به نفع ارتجاع است. جنبش کارگری ایران از نبود مبارزه‌ی زنان برای احقاق حقوق خویش لطمه شدیدی خواهد خورد. تنها سعی در ایجاد جنبش زنان در برگیرنده‌ی کلیه اقشار صرف‌نظر از ایدئولوژی و عقاید است که این مبارزه را پیش خواهد برد."

در مقاله‌ی دیگری با عنوان "تحمیل حجاب پوششی برای یورش به حقوق زنان" که در تاریخ ۲۰ تیر ۵۹ منتشر شد در "چه باید کرد"، چنین نوشت:

"به دنبال... صدور فرمان به اصطلاح "انقلاب اداری" که در واقع پوششی است برای مخفی کردن ناتوانی حاکمین جدید در حل کوچک‌ترین مسایل اجتماعی از یک سو و

تلاش همه جانبه برای تصفیه و حذف کلیه مخالفین به ویژه نیروهای مبارز و چپ، از سوی دیگر حمله به زنان و تحمیل حجاب آغاز شد...

سپس به دشواری سازماندهی اعتراضات گسترده مانند سال ۵۷ اشاره می‌کند و می‌گوید:
 "هر گونه جلسه و تظاهرات احتیاج به دفاع و انتظام محکمی دارد که در قدرت تظاهرات کمابیش خودانگیخته‌ی زنان نامتشکل نیست ..."

در "چه باید کرد" شماره ۲۱ مقاله‌ی دیگری با عنوان "بوته‌ی آزمایش: مبارزه علیه حجاب اجباری" منتشر شد که در آن مواضع گروه‌های سیاسی را در قبال این مساله به نقد می‌کشد و مواضع سازمان وحدت کمونیستی و سازمان رهایی زن را مورد تایید قرار می‌دهد که می‌گویند:

"گرایش‌های انحرافی که مبارزه علیه حجاب اجباری را به بهانه‌ی یکی شدن با زنان بورژوا نفی می‌کند، در واقع به یکی از حقوق دموکراتیک قابل لمس توده‌ی زنان کم بها داده و در نهایت خواست‌های ارتجاعی هیات حاکم کنونی را تایید می‌کنند."

مقاله این گونه پایان می‌یابد:

"به عقیده‌ی ما گسترش مبارزات زنان برای کسب حقوق دموکراتیک خود در جهت تحکیم کلیه‌ی آزادی‌های دموکراتیک و گسترش انقلاب کارگران و زحمتکشان است. هر گونه تسلیم‌طلبی در برابر حملات هیات حاکم که تحت پوشش "حجاب اسلامی" صورت می‌گیرد راه را برای شکست انقلاب کنونی فراهم می‌نماید. پیشنهاد ما به ۴ گروه سیاسی فوق‌الذکر (حزب توده، فدائیان خلق (اکثریت) سازمان پیکار، حزب کارگران انقلابی) که خود را مدعی دفاع از زحمتکشان می‌دانند، این است که صف ارادل و اوباش جمهوری اسلامی را که روز شنبه ۱۴ تیر ماه در مقابل نخست‌وزیری اجتماع نموده و با بطری‌های پر از اسید تظاهرات به حق زنان مخالف حجاب تحمیلی را تهدید می‌نمودند و شعار می‌دادند که "خلخال مفسدش کن، گیس شو ببر ولش کن" تقویت ننمایند. منافع دموکراسی و سوسیالیسم، اتخاذ موضع سیاسی روشن و صریحی در دفاع قاطع پیگیر و عملی از حقوق زنان را ایجاب می‌کند."

این گروه انتخاب تولد حضرت فاطمه به عنوان روز زن، را ترفندی برای ایجاد تفرقه میان مردم تلقی می‌کرد و معتقد بود:

"مهم‌ترین قدم در راه پیشبرد مبارزات زنان اقدام به تشکیل سازمان‌های مستقل زنان می‌باشد."^۱

در تابستان ۵۹ در نشریه کندو کاو شماره ۲، در مقاله "زن اسلام و انقلاب"، به فروکش کردن جنبش زنان علیه این تحمیل‌ها و تبعیض‌ها اشاره می‌کند و می‌نویسد:

"... شکل‌گیری تشکلات اولیه‌ی زنان عمدتاً تشکل سازمان‌های زنان این یا آن گروه سیاسی و به دور برنامه‌ی سیاسی این گروه‌ها و بدون یک برنامه‌ی عمل مشخص که بتواند همه‌ی زنان آزادی‌خواه را به دور خواست‌های مبارزاتی روشن و مشخص متشکل کند، به پراکندگی و فروکش کردن این مبارزات کمک کرد. ... ولی فروکش کنونی نیز ابدی نخواهد بود. تضاد عمیقی که بین مبارزه برای آزادی زن و کسب حقوق مساوی با متقضیات حکومت اسلام وجود دارد، دوباره بروز خواهد کرد ... روشن است که این مبارزات حول خواست‌های مبارزاتی مشخص شکل خواهد گرفت ولی به دلیل ماهیت موازین اسلامی و ماهیت حاکمیت روحانیت از همان نخستین گام‌ها خود را در رویارویی هیات حاکمه خواهد یافت ... آشتی‌ناپذیری راسخ با حاکمیت روحانیت و ارائه‌ی یک برنامه‌ی انقلابی در مقابل برنامه‌ی حکومت اسلامی لازمه‌ی مبارزه برای آزادی زن شده است."

۳-۳-۱۳- حزب توده

در نشریه نوید (وابسته به حزب توده) شماره ۷۲ که در ۲۱ اسفند ۵۷ منتشر شده است در مقاله‌ای تحت عنوان "همه‌ی بندها از دست و پای زنان باید فرو ریزد" پس از شرح مشارکت زنان در انقلاب چنین آمده است:

"دشمن حيله‌گر و غدار هنوز خطرناک و قوی است. او روی هر غفلت و حتا خرده اشتباه ما حساب می‌کند. راهی دراز و پرستگلاخ در پیش است. در چنین شرایطی است که پیش کشیدن مسایل فرعی و غیرضروری، جلب انظار و نیروها به موضوعاتی که به هیچ وجه در درجه‌ی اول اهمیت و در دستور روز نیستند، به وظیفه‌ی اصلی و عمده زیان می

۱- "ضرورت تشکل و اتحاد زنان، ویژه روز جهانی زن، کارگران سوسیالیست، شماره ۱۸، ۱۶ اسفند

رساند. جر و بحث‌هایی که این روزها در باره‌ی لغو قانون حمایت خانواده که با همه‌ی نقایص و عیب‌های اساسی‌اش دستاورد مبارزات طولانی زنان جامعه ماست، جریان دارد و جنجال و اعتراض‌هایی که برای اعمال نوعی اجبار در حجاب و پوشش زنان برانگیخته شده و مظاهر آن به یک پارچگی صفوف مبارزات دموکراتیک و ضدامپریالیستی جامعه‌ی ما به شکل‌های گوناگون لطمه می‌زند و شناخت دقیق هدف‌های عمده این مرحله از انقلاب را در قیل و قال و هیجانات و مناظره بر سر امور بی‌موقع و غیرعمده می‌پوشاند. در قانون حمایت خانواده و مساله پوشش زنان و موضوعات دیگری در رده‌ی آن مشکل حاد و مبرمی وجود ندارد، برعکس خطر اینجاست که جنبش انقلابی برای به انجام رساندن وظیفه‌ی بنیادی خود در لحظه‌ی حاضر نتواند همه نیروها را بسیج و تجهیز کند و با درگیر شدن با مسایل کم‌اهمیت و غیر ضرور و حتا زیان‌بخش در کار اساسی خود که نبرد ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی است دشواری ایجاد کند.

زنان ایران به عنوان یکی از موثرترین نیروهای انقلاب ایران حق دارند که سهم خود را از این انقلاب مطالبه کنند. امام خمینی در روزهای سخت مبارزه گفته بود: خواهید دید چقدر آزادی و احترام برای زنان قائل خواهیم شد... هیچ‌کس نمی‌تواند به زنان بیشتر از آن آزادی که اسلام به آنها داده، بدهد... در این پیام به طور ضمنی حقوق و آزادی پایمال شده‌ی زن ایرانی مورد توجه قرار گرفته و لزوم جبران این نقیصه تایید شده است و زنان اینک که نخستین جوانه‌ها بر درخت انقلاب می‌روید خواستار اجرای این وعده، حرکت به سوی رفع بی‌عدالتی و نابرابری هستند. آنها می‌خواهند همان طور که انقلاب رنج و مرگ و رزمیدن نقش مناسب خود را داشتند، به این پیروزی نسبی به دست آمده، در ساختن جامعه‌ای که به قول آیت‌اله خمینی به مخروبه بدل شده و ده‌ها سال طول می‌کشد تا این ویرانی‌ها آباد شود، سهم و نقشی به مراتب بیشتر داشته باشند و چنین ضرورتی است که می‌گوید: همه‌ی بندها از دست و پای زنان باید فرو ریزد...

در نشریه "نامه مردم" شماره ۱۸۴ اطلاعیه تشکیلات دموکراتیک زنان در مورد برگزاری مراسم ۸ مارس در دانشگاه شریف به همراه نمایشگاه کتاب منتشر شده است. در شماره‌ی ۱۸۶ در مقاله‌ای تحت عنوان "همبستگی و پیوند زنان سراسر ایران" پس از بررسی وضعیت زنان در دوره پهلوی و نقش زنان در جریان انقلاب... چنین آمده است:

"اکنون در جریان انقلاب دوم که نبرد علیه امپریالیسم امریکا این دشمن شماره‌ی یک خلق‌هاست، زنان همچنان از خودگذشته، ولی خویشان‌دار، در صفوف مقدم جبهه ایستاده‌اند. آنها همه گونه محرومیت از بی‌حقوقی کامل گرفته تا تبعیض، بی‌عدالتی، فقر، گرانی، کمبود کالا و بی‌مسکنی را به جان خریده‌اند تا صفوف انقلاب علیه این امپریالیسم غدار فشرده و متحد باقی بماند. زنان به یقین می‌دانند تا زمانی که ریشه‌های سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی امپریالیسم باقی است محال است مردم ایران آزاد و مستقل باشند و ملتی که خود برده و تحت ستم است، نمی‌توان زن آزاد داشته باشد. زنان ایران که با مشارکت فعال خود مرحله نخستین انقلاب ایران را به پیروزی رسانده‌اند بی‌تردید در مبارزه برای تامین استقلال ملی و بیرون راندن کامل امپریالیسم نیز پیروز خواهند بود. توقع زنان مبارز ایران از انقلاب آن است که بار ستم مضاعفی که رژیم طاغوت بر زنان تحمیل کرده، از دوش آنان برداشته شود، تمام قوانین دوران طاغوت ملغی اعلام گردد. در متمم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برابری حقوق زن و مرد، در تمام عرصه‌های زندگی جامعه به صراحت تاکید شود و مجموعه‌ی قوانینی که حقوق سیاسی، اقتصادی اجتماعی و خانوادگی زنان را تضمین کند، به تصویب برسد، همه‌ی موانع از سر راه اجرای این قوانین برداشته شود و به زنان این امکان داده شود که در تمام عرصه های حیات اجتماعی حضور فعال داشته باشند."

در همین شماره سخنرانی احسان طبری در مراسم هشت مارس آمده است. در این سخنرانی وی عنوان کرده بود:

"احتمالا ایرانیان در مساله حجاب و تعدد زوجات دخالت داشته‌اند. زیرا چنان که گفتیم حجاب و تعدد زوجات خاص اشرافیت ایران بود و تحقیر شخصیتی زن متاسفانه یک سنت اشرافی ایرانی است. ... برخلاف دعاوی جریان‌ات به اصطلاح زن‌گرایانه (فمینیست) بورژوازی در امریکا و اروپا مساله بر سر روابط زن و مرد و یا مردانه بودن تاریخ و ضرورت شکاندن حکومت مردان در جهان نیست. خود مردسالاری نتیجه وجود بهره‌کشی و ستم طبقاتی است... سخن بر سر رهایی اجتماعی انسان و در عین حال رهایی صنفی زن است. این دو جهت را از هم نمی‌توان و نباید تفکیک کرد. ... باید از قبول نظریات زن‌گرای و دروغ و مضر بورژوازی غرب که به جای آنکه دشمن اصلی (امپریالیسم و طبقات

ممتاز جامعه) را معرفی کند، مرد را به عنوان دشمن اصلی زن معرفی می‌کند، احتراز ورزند و مبارزه در جای اصلی در صحنه جامعه انجام دهند ... اکنون جشن جهانی زن از جشن‌های بزرگ عصر ماست. ما در عین حال به جشنی که برای بزرگداشت زنان نامدار اسلامی مانند فاطمه بنت محمد و زینب بنت علی، برپا می‌شود احترام می‌گذاریم ... در انقلاب اخیر ایران نقش بسیار مهم و سراسر فداکارانه زنان ایران، به عنوان مادر و همسر و مبارز مستقیم داخل صحنه انکارناپذیر است. درست است که رهبران انقلاب ما بر اساس بینش اسلامی در برخی مسایل مربوط به حقوق زن نظر ویژه خود را دارند ولی در مجموع این رهبران ... نسبت به دوران پهلوی از جهت عمقی و مضمونی به حقوق زنان ایرانی توجه کرده‌اند و آن را در قانون اساسی آورده‌اند. مانند حق کار و تحصیل، برابری اجتماعی حقوق‌ها با مردان و غیره و غیره. زیرا در قانون اساسی همه‌ی این حقوق برای همه افراد ایرانی بدون استثنا در نظر گرفته شده است."

شماره ۱۸۸ منتشره در ۲۰ اسفند ۵۸ سخنرانی مریم فیروز به مناسبت ۸ مارس منتشر شده است. در این مراسم که در ورزشگاه دانشگاه صنعتی برگزار شد مریم فیروز با شالی روی سر حاضر بود. وی گفت:

"ما می‌دانیم که دولت انقلابی ما با دشواری‌های زیادی روبروست. همه چیز در هم ریخته، پایه‌های یک نظام پوسیده فروریخته و برای بازسازی آن وقت لازم است. برای پایه‌ریزی نظام وقت لازم است. این زنان با همه‌ی سختی‌ها از خود بی‌تابی نشان نداده‌اند. این حقیقت را پذیرفته‌اند به ضدانقلاب نه تنها نمی‌پیوندند بلکه در همه جا تحریکات آنها را خنثی کرده‌اند... زنان امروز در خیلی از شئون همپای مرد شده‌اند. در امر انتخابات بدون تبعیض شرکت کرده‌اند یعنی نظر آنها و شهادت آنها مساوی با مرد به شمار آمده است. هنگام فراخوانی برای مبارزه برای تظاهرات زن و مرد را با هم دعوت می‌کنند پس شرکت او را لازم می‌دانند ... چندی پیش که ضدانقلاب سخت به دست و پا افتاده بود و از هر سو آتشی زبانه می‌کشید به راستی مردم آزاده و علاقه مند به انقلاب نگران شده بودند. امام خمینی رهبر انقلاب از همه‌ی مردم خواست که دست به یک راهپیمایی بزرگی بزنند. امام با فروتنی که مخصوص خود ایشان است، گفتند استعدای عاجزانه از همه‌ی شما دارم که در این تظاهرات شرکت کنید. مردم میلیون میلیون این دعوت را

اجابت کردند. زنی که دیگر سنین جوانی را پشت سر گذاشته بود، با حالی نزار کشان‌کشان در میان جمعیت پرخروش می‌رفت از او پرسیدم چرا با این حال آمده‌ای، با شگفتی نگاهی به من کرد و گفت امام با آن صدا و آن گفتار از ما استعفا کرد مگر می‌شود که روی او را به زمین بیاندازیم. پاسخ این زن پاسخ میلیون‌ها زن در سراسر ایران است. امام دست خود را رو به مردم دراز کرده، زنان بی‌شمار از بیغوله‌ها و زاغه‌ها دست او را گرفته‌اند و او را در این معرکه تنها نگذاشته‌اند...

"نامه مردم" ارگان رسمی حزب توده در شماره ۲۷۴ به تاریخ ۱۴ تیرماه ۵۹ (بعد از اعلام قطعی شدن حجاب اجباری) با تیتیری درشت چنین می‌نویسد: "چه دست‌هائی در کار ایجاد تشنج‌اند؟" "ضدانقلاب می‌کوشد با عمده کردن مسله "حجاب اسلامی" خود را از زیر ضربه خارج سازد و با ایجاد تشنج و نارضائی، انقلاب و رهبری انقلاب را آماج حمله کند". در متن مقاله چنین آمده است:

"آنها سخنان امام را به رفع آثار ظاهری رژیم منفور پهلوی که به کوشش خود آنها تا به حال ابقا شده بود، محدود می‌سازند و به جای تاکید بر تصفیه قاطع و انقلابی عوامل رژیم پیشین، مساله فرعی حجاب اسلامی را عمده می‌کنند. آنان با این کار محتوای اصلی سخنان امام را مسخ می‌کنند و بی‌اثر می‌سازند ... عوامل رژیم سابق و امپریالیسم امریکا به ویژه می‌کوشند تا سخنان امام را به مساله حجاب اسلامی محدود کنند. رادیوهای ضدانقلاب نیز هم آوا با عمال داخلی امپریالیسم سخنان امام را در این امر خلاصه می‌کنند و متاسفانه برخی عناصر ناآگاه نیز با عمده کردن این مساله خود را در تار و پود این دام گرفتار می‌سازند. ضدانقلاب امیدوار است که با تاکید بر روی مساله فرعی حجاب اسلامی و ایجاد نارضایی در میان زنان از طریق فعالیت دیگر عوامل خویش آماج اصلی را که علیه او متمرکز است منحرف ساخته و علیه رهبری انقلاب و جمهوری اسلامی ایران متوجه کند. هم اکنون فعالیت‌های گسترده‌ای توسط خیل ساواکی‌ها، طرف‌داران بختیار و عوامل امریالیسم امریکا به عمل می‌آید تا گروه‌هایی از زنان را به اعتراض بکشانند و صحنه جامعه را متشنج سازند و مبارزه علیه عوامل ضدانقلاب را به درگیری میان نیروهای مردم بدل کنند ... ما به زنان متعهد و انقلابی نسبت به توطئه‌ی ضدانقلاب هشدار می‌دهیم."

۳-۱۴- سازمان توفان (حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران)^۱

در نشریه شماره ۶۹ سازمان توفان (حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران) معتقد بود که مبارزات صنفی و سیاسی باید با هم پیوند بخورند. چنین آمده است:

"پرولتاریای متشکل در یک تشکل سیاسی هیچ گاه مسایل صنفی کارگران را از نظر دور نمی‌کند و همواره می‌کوشد کارگران را در اتحادیه‌های مختلف صنفی متشکل کند و با هدایت مبارزات صنفی آنها، اهداف اقتصادی مبارزات صنفی کارگران را به خدمت اهداف سیاسی پرولتاریا در آورد."

و سپس عنوان می‌کند که این مساله برای زنان میهن ما نیز صادق است. به این صورت که زنان مسایل اجتماعی خاص خود را دارند که با موقعیت اجتماعی آنها در جامعه طبقاتی مرتبط است:

"زنان برای مقابله با فشار و اختناق جامعه سرمایه‌داری و دفاع از منافع خود نظیر مزد برابر با مردان در برابر کار برابر، ایجاد مهدکودک برای فرزندان زنان زحمتکش، استفاده از مرخصی زایمان، استفاده از حق طلاق، آزادی انتخاب شغل، آزادی مسافرت، مبارزه با تعدد زوجات و ... در اتحادیه خاص خود (که حل مشکلات اجتماعی زنان را در دستور کار، فعالیت و مبارزه خود قرار می‌دهد متشکل می‌شوند. ولی اگر زنان خواهان حل قطعی مشکلات اجتماعی خود هستند نمی‌توانند مبارزات خود را در چارچوب مبارزات اجتماعی زن محدود کنند. زیرا که اسارت زن در زندان استثمار مضاعف ریشه در تقسیم جامعه به طبقات دارد و زنان جامعه ما ضمن متشکل شدن در سازمان‌های خاص خود و مبارزه برای حل مشکلات خود باید به مبارزات پرولتاریا برای آزادی بشریت از یوغ هر گونه ستم و استثمار بپیوندند و همدوش تمام اقشار و طبقات ستم‌دیده در ریشه‌کن ساختن استثمار انسان از انسان بکوشند ... می‌توانیم بگوییم که جدایی مبارزات سیاسی از

۱- سازمان توفان در سال‌های ۱۳۴۳ تا ۴۵ به وجود آمد. از سال ۴۹ تا ۵۶ با انتشار نشریه توفان در خارج کشور فعالیت می‌کرد. در سال ۵۶ بر مسایلی مانند سیاست خارجی چین و انتقاد حزب کمونیست آلبانی از آن انشعابی در آن رخ داد. حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران در سال‌های ۵۸ تا ۶۰ مواضع حزب کار آلبانی و انورخوجه را پذیرا بود و چین را سوسیال امپریالیست می‌خواند. این سازمان در جریان حوادث سال ۶۰ اکثر کادرهای خود را از دست داد و انتشار روزنامه توفان متوقف شد.

مبارزات صنفی جدایی تئوری از عمل است که در تحلیل نهایی اولی را به گرداب انواع تئوری‌های اپورتونیستی و دومی را به منجلاب دنباله روی و اکونومیسم می‌کشاند." سازمان توفان در کتابچه‌ای به نقد نظرات سازمان پیکار در مورد مسایل زنان پرداخته است و نظرات پیکار را با اصطلاح "فتودالی" ارزیابی کرده است.

۳-۳-۱۵- سازمان مجاهدین خلق ایران

۲۱ اسفند ۱۳۵۸، سازمان مجاهدین خلق ایران، در ارتباط با مساله حجاب، بیانیه‌ای صادر کرد. در ابتدای بیانیه، در مورد انقلاب و آزادی که کسب گردیده، صحبت و تاکید شده که: "اگر آزادی به تمامی حاصل نشود، مخدوش و قابل بازگشت است و اگر آزادی را پاس نداریم و بر آن ارج ننهیم، آن را از ما خواهند ربود." در ادامه، بحث اصلی و فرعی کردن مشکلات و اجتناب از خرده‌کاری و فشرده کردن همه‌ی نیروهای مردمی و از میان برداشتن پایگاه داخلی امپریالیسم، عنوان شده بود. آنگاه در این بیانیه آمده بود:

"درگیری‌هایی که تمام این روزها، در مورد مساله حجاب ایجاد شده... حجاب به عنوان یک نهاد انقلابی اسلام، فی‌الواقع چیزی نیست جز کوششی اجتماعی به خاطر رعایت و حفظ سلامت اخلاقی جامعه که خود بدون شک از ضروریات رشد همه جانبه‌ی معنوی و مادی اجتماع است..."

حجاب برای زنان این میهن، آن هم در جامعه‌ای که تازه می‌خواهد نظم فاسد و منحط آریامهری را، که در آن هیچ مرزی بین آزادی و بی‌بند و باری وجود نداشت، پشت سر بگذارد، نامعقول و نامقبول است، چرا که بار گران فرهنگ امپریالیستی را هرگز نمی‌توان به یک باره و جدا از جریان درازمدت تدریجی، از دوش مردم این میهن، چه زن و چه مرد، فرونهاد.

خوشبختانه تا آنجا که ما می‌دانیم و مواضع اعلام شده‌ی کلیه‌ی مسوولین کشور و مقامات دولت آقای مهندس بازرگان موید آن است، هیچ مقام و نیروی مسئولی نیز، قصد ندارد برای جامعه‌ی زنان ما، کمترین اجبار و اشکالی در این رابطه ایجاد کند و اگر هم برخی

برخوردهای غیراصولی دیده شده باشد، از طرف عناصر ناآگاه و یا احیاناً افراد مشکوک و عناصر ضدانقلاب اعمال شده و توطئه چینی شده است.“

و در انتهای بیانیه آمده بود:

”این تاکید از آن جهت ضروری است که مبدا پیرامون مساله‌ای که اکنون کاملاً حل شده به نظر می‌رسد، جنجالی بی‌جهت برانگیخته شده و با دنبال‌گیری یک مساله‌ی فرعی، از مساله اصلی غافل بمانیم...“^۱

این سازمان در رابطه با مسایل زنان موضع‌گیری‌های خاص خود را داشت. مجموعه مقاله‌هایی به نام ”زن در مسیر رهایی“ در نشریه مجاهد به چاپ می‌رسید که در کتاب جداگانه‌ای نیز منتشر شده بود. در جلد اول این کتاب به بررسی ریشه‌های تاریخی تبعیضات جنسی پرداخته شده؛ در فصل اول در ص ۵ چنین آمده بود:

”با نگاهی گذرا به صحنه‌ی جامعه‌ی خودمان بدون شک متوجه خواهیم شد که زنان و مردان در موقعیت مساوی قرار ندارند. در یک کلام علی‌رغم به دوش گرفتن بارها و مسوولیت‌های سنگین از طرف زنان چه در خانه و چه در مزرعه و چه در کارخانه و اداره و محیط‌های آموزشی و درمانی هرگز در ازای این کار و تلاش حتا در موارد مشابه زنان از حقوق یکسان با مردان برخوردار نیستند. در کارخانه‌ها هنوز در ازای کار مساوی و مشابه دستمزد مردان بیشتر است. در روستاها هرچند گاهی زنان حتا بیش از مادران در امر تولید شرکت دارند ولی درآمدها در اختیار مرد خانواده است و اوست که در مورد خرج کردن تصمیم می‌گیرد. این تفاوت‌ها وقتی نوبت مشاغل و مناصب سیاسی می‌رسد کاملاً بارز می‌شود. به شکلی که به خوبی می‌توان گفت زنان در اداره‌ی سیاسی جامعه‌ی ما نقش بسیار کمی دارند و سر نخ جریان‌ات سیاسی تقریباً به طور دربست در اختیار مردان است.

در ادامه می‌نویسد که ”در سراسر جهان نیز زنان عملاً به صورت انسان‌های درجه دو در نظر گرفته می‌شوند و راه بسیار طولانی تا احراز موقعیت برابر با مردان در پیش دارند... با واقعیت

تبعیض بین زن و مرد می‌توان به شکل واقع‌گرایانه و توحیدی برخورد کرد." به نظر آنان توحید ناب مخالف هر نوع تبعیض طبقاتی، نژادی، ملی و جنسی است. برای رفع این تبعیضات و برداشتن زنجیر از دست و پای زنان و ایجاد زمینه‌های مناسب برای شکوفایی آنان اولین گام را شناخت ریشه‌های این جبرهای بازدارنده می‌داند و معتقد است که پس از دستیابی به یک شناخت همه‌جانبه می‌توان شیوه‌های صحیح مبارزه‌ی همه‌جانبه با این تبعیضات را ارائه کرد و با اتکای به این شیوه‌ها در صحنه‌ی اجتماعی صفوف زنان را در جریان مبارزات اجتماعی متشکل نمود و به اصطلاح آنان را سازمان داد تا بتوانند با شرکت پیگیر در جریان نفی استثمار، یعنی عامل اصلی تبعیض‌ها، تبعیض جنسی را نیز نفی نمود و به تساوی حقوق زن و مرد دست یافت.

در انتهای مقدمه‌ی کتاب چنین آمده است:

"به خصوص امروز یعنی در قرن بیستم و پس از ظهور طبقه‌ی انقلابی کارگر در صحنه‌ی جامعه‌ی انسانی یعنی طبقه‌ای که تاریخاً مصمم است ضربه‌ی نهایی را به استثمار یعنی ریشه‌ی تمام تبعیضات وارد آورد، بهترین فرصت برای پیکار در زمینه‌های نفی تبعیض جنسی نیز فراهم آمده است."

و توصیه کرده:

"غلط‌ترین برخورد با این سلسله مقالات این است که تصور شود آنها صرفاً مربوط به زنان است. در حالی که مساله بررسی یک تضاد اجتماعی است بنابراین برادران ما نیز باید با دقت این مقالات را مطالعه کنند تا تئوری و عمل خود را در این زمینه ارتقا دهند. در بررسی منشا تبعیضات از دیدگاه تاریخ‌نگری توحیدی آمده که شناخت عمیق علل تاریخی غل و زنجیرهای بازدارنده‌ای که نظام‌های طبقاتی بر دست و پای زن زده‌اند و مانع شکوفایی استعدادهای فطری او شده‌اند و در نتیجه انسانیت را از نیمی از سرمایه‌های تعالی و تکامل یعنی توان و کارایی زنان محروم کرده‌اند اولین گام در مسیر نبرد برای رهایی زن و ارتقا به قله‌های برابری اجتماعی با زنان است."

به نظر آنان:

"اصولاً هر گونه نگرش نسبت به تاریخ که بخواهد نقش انسان‌ها را بر پایه‌ی تفاوت‌های بیولوژیکی تحلیل و تبیین کند در جوهر خود نمی‌تواند دیدگاهی تساوی‌طلبانه،

وحدت‌گرایانه و توحیدی باشد و مثال‌هایی از قرآن می‌آورد که نشان از نفی دیدگاه‌های تبعیض‌گرایانه‌ی جنسی در قرآن است."

سپس در بررسی نقش مناسبات اقتصادی اجتماعی در عقب ماندگی زنان به این مساله اشاره کرده است که "اگر در این بررسی‌ها، عمدتاً بر روابط و مناسبات اقتصادی اجتماعی تکیه خواهیم کرد به این معنی نیست که نقش عامل ایدئولوژی و فرهنگی را نادیده گرفته باشیم." سپس به بررسی جوامع مادرسالار و شکل‌گیری پدرسالاری پرداخته است. تلاشی جامعه‌ی اولیه و شکل‌گیری طبقات در ادامه بررسی شده است. جوامع برده‌دار و فئودالی و سرمایه‌داری نیز تحلیل شده است. در بخش جامعه‌ی فئودالی تحت عنوان حاکمیت ستم فئودالی تحت نام اسلام چنین آمده است:

"بررسی این قسمت حائز اهمیت است چرا که هنوز بسیاری از سنت‌ها و ارزش‌ها و طرز تلقی‌های فئودالی در جامعه‌ی کنونی ما، بر مساله زن سایه افکنده است و بسیاری از موانع رشد زنان را باید در طرز تلقی‌های فئودالی از زن را، که متأسفانه در کشورهای اسلامی غالباً تحت نام اسلام عرضه می‌شود، جست و جو کرد. آنان معتقدند که بخشی از این ارزش‌ها که تحت نام دین و مذهب بر زحمتکشان تحمیل می‌شود مربوط به موقعیت و حقوق زنان بوده که مخالف روح اسلام است."

این نقل‌قول را از گفته‌های یکی از نمایندگان مجلس خبرگان در باره‌ی نقش زن در جامعه آورده:

"ایشان می‌گویند آیا به گوش شما خورده که یک زن در یکی از غزوات شرکت کرده یا یک نفر زن را برای استانداری فرستاده باشند. یکی از رفقا می‌گفت همان طور که زن می‌تواند ولی صغیرش شود پس می‌تواند رییس جمهور هم بشود. حالا این چه حسابی است که چون زن می‌تواند بچه را باز کند و از کثافت پاکش کند و پستان به دهانش بکند، پس می‌تواند رییس جمهور هم بشود... یک روز صبح می‌رویم می‌بینیم که نخست‌وزیری تعطیل است چرا؟ برای این که خانم دیشب زایمان کرده است. اینها برای ما ننگ و عار است."

و سپس در نقد این نظرات نوشته که این اظهارنظرها به خوبی نشان می‌دهد که مساله زن و نقش اجتماعی او چگونه تحت نام اسلام مورد تحقیر قرار گرفته و به کار حقیر و درجه دو

خانه‌داری و بچه‌داری در گوشه‌ی خانه پرت شده است. بعد از بررسی بقایای ستم فئودالی به زن در جوامع امروز، روابط زن و مرد را در فضای خانواده بررسی کرده است. در بخشی از کتاب "زن در مسیر رهایی" سازمان مجاهدین به مساله حجاب پرداخته شده است:

"... بدون شک در فرهنگ اسلام انقلابی بی‌بندوباری در پوشش به هیچ عنوان برای هیچ کس به ویژه زنان مورد تایید نیست و در این زمینه مقررات ویژه‌ای وجود دارد. کما این که در سایه‌ی گسترش مبارزات اجتماعی در جامعه‌ی ما و در سایه‌ی ضرورت‌های ناشی از آن این روزها تعداد زیادی از زنان مبارز مسلمان ایرانی پوشش‌های مناسبی تهیه کرده اند که ضمن حفظ حجاب مانع روابط اجتماعی آنها نیست. در ادامه آمده: "سنتی تحت عنوان حجاب به عنوان یک ضرورت و قانون اسلامی بر زنان تحمیل شده که عملاً معنایی جز نفی هر نوع فعالیت اجتماعی برای زنان نداشته است..."

بخش دیگری از کتاب "زن در مسیر رهایی" در بررسی موقعیت زن در جامعه‌ی سرمایه‌داری چنین آمده است:

"... بنابراین در ایدئولوژی سرمایه‌داری، در یک کلام آزادی زن در جوهر خود چیزی نیست مگر آزادی برای ارائه‌ی کار ارزان در کارخانه و آزادی مصرف هر چه بیشتر و غرق شدن در زندگی مصرفی سرمایه‌داری ... به این ترتیب زنان زحمتکش جامعه‌ی سرمایه‌داری ضمن تحمل تمام مصائب مشترک زنان جوامع طبقاتی مانند تحمل فشار کار در کارخانه و کار در خانه و بچه‌داری و... اندیشه‌شان هم به وسیله‌ی فرهنگ سرمایه‌داری یعنی فرهنگ زندگی برای مصرف آلوده می‌شود.

برخی مشخصه‌های زنان در جامعه‌ی سرمایه‌داری عبارتند از: نقش نازل زنان در امر تولید دستمزد نابرابر/ خانواده کانون مصرف/ زن عامل ترویج مصرف/ آرایش تلاشی برای تحت الشعاع قرار دادن نقش خلاق زنان/ برخورد کاسبکارانه با مساله ازدواج ..."

و در انتهای این بخش نتیجه می‌گیرد:

"... نظام طبقاتی سرمایه‌داری اگر چه از یک بعد نسبت به جامعه‌ی فئودالی قدری آزادی در اختیار زن می‌گذارد و او را به دلیل ضرورت‌های تولیدی به میدان کار می‌کشد ولی از طرف دیگر از آنجا که این آزادی‌ها همه نه به خاطر ارج نهادن به زن بلکه به خاطر برآورده شدن هدف گسترش مصرف و انباشت سرمایه است، در جوهر خود مثل هر نظام طبقاتی

دیگر زنجیرهای نوینی به دست و پای زن می‌زند و او را از حرکت در مسیر رهایی باز می‌دارد. زنان عصر ما به حق دریافته‌اند که برای رهایی گریزی جز نبودن این آخرین مرحله‌ی تحول جامعه‌ی طبقاتی و نفی کامل استثمار ندارند."

سازمان‌ها و تشکل‌های زنان

در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ سازمان‌ها و تشکل‌های زنان بسیاری تشکیل شد که برخی دولتی، شبه‌دولتی بوده و بسیاری نیز مستقل بودند. برخی از آنها، سازمان‌های صنفی و برخی دیگر سازمان‌های سیاسی بودند. سازمان‌های صنفی در بسیاری از ادارات و نهادهای دولتی و مراکز تولیدی تشکیل شده بود مانند سازمان ملی پرستاران و بهیاران ایران، انجمن بهیاران ایران، اتحادیه زنان قاضی ایران، اتحادیه زنان حقوقدان، کانون مستقل معلمان (که زنان بسیاری عضو آن بودند)، سازمان زنان برنامه و بودجه، کانون زنان ترقی‌خواه بانک مرکزی و ... در برخی از کارخانه‌ها هم انجمن‌های زنان تشکیل شده بود از جمله کمیته زنان ماشین‌سازی تبریز.^۱

برخی از این تشکل‌ها مذهبی بودند مانند جمعیت مادران مسلمان که وابسته به سازمان مجاهدین خلق ایران بود و برخی دیگر سکولار، مارکسیست، مائوئیست و تروتسکیست. برخی از آنان مانند جمعیت زنان ایران، جامعه‌ی انقلاب اسلامی زنان، تشکیلات دموکراتیک زنان (وابسته به حزب توده) و... طرفداری از حکومت جدید را در دستور کار خود داشتند و برخی دیگر به عنوان اپوزیسیون حکومت جدید فعالیت می‌کردند. برخی از این تشکل‌ها در شهرستان‌ها هم شعبه داشتند و برخی دیگر نیز فقط محلی بوده و بسیاری از آنها نیز فقط در تهران فعالیت داشتند.

زنان مجاهد مسلمان در ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ مصادف با ۸ مارس اعلام موجودیت کرد. نهضت آزادی سازمان زنان خود را در سال ۱۳۶۰ تاسیس کرد. بخش زنان جبهه ملی نیز تحت نام سازمان زنان جبهه ملی فعالیت می‌کرد.

از جمله سازمان‌های سیاسی چپ زنان می‌توان به جمعیت زنان مبارز (اعلام موجودیت اسفند ۵۷)، جمعیت بیداری زنان، اتحادیه زنان مبارز (بهمن ۵۷)، اتحاد ملی زنان (فروردین ۵۸)، کمیته زنان مبارز (فروردین ۵۸)، جامعه‌ی زنان مبارز سقز، انجمن رهایی زن، اتحادیه دموکراتیک زنان، جمعیت زنان دموکرات، زنان عدالت‌خواه، اتحادیه زنان کردستان، جمعیت

۱ - با توجه به اسناد موجود، تعدادی از این تشکل‌ها در زیر معرفی می‌شوند.

زنان، گروه زنان مبارز هوادار جنبش نوین انقلابی، گروه زنان هوادار جنبش انقلابی، سازمان زنان پیشرو برای اتحاد نهضت ملی، تشکیلات دموکراتیک زنان، جمعیت زنان ایران، اتحادیه زنان، کمیسیون زنان جبهه دموکراتیک، گروه پژوهش و طرح مسایل زنان، کمیته زنان سازمان پیکار و ... اشاره کرد.

سازمان زنان پارس (پاسداران رژیم سلطنت) نیز یکی از سازمان‌هایی بود که در این دوره تشکیل شده بود. ^۱حدا کانون زنان وزارت اطلاعات و تبلیغات که در واقع همان ساواک سابق بود در اردیبهشت ۵۸ اعلام موجودیت کرد. اطلاعاتی در مورد کم و کیف فعالیت‌ها، موسسان و اهداف این دو گروه و بسیاری از گروه‌های دیگر در دست نیست.

برخی از این سازمان‌ها و تشکل‌ها وابسته به گروه‌های خاص سیاسی بودند به این معنا که اعضای این سازمان‌های زنان هم زمان از اعضا و هواداران سازمان‌های سیاسی خاصی بودند. اما تقریباً تمام این سازمان‌ها اعلام کرده بودند که به هیچ سازمان و دسته‌ی سیاسی وابستگی ندارند و مستقل هستند. فعالان زنی که در تاسیس این سازمان‌ها نقش داشته‌اند در مصاحبه‌های خود عنوان کرده‌اند که این تشکل‌ها در واقع سازمان‌های دموکراتیکی بودند که سازمان سیاسی متبوع‌شان، فعالیت در آن را برای ارتباط و نفوذ در میان مردم در دستور کار قرار داده بود ولی به واقع از نظر تشکیلاتی و عملیاتی مستقل بوده‌اند.

این تشکل‌ها، تنها سازمان‌های زنان تشکیل شده در ماه‌های اول پس از ۲۲ بهمن ۵۷ نیستند. در مقاله مفصلی در آیندگان اردیبهشت ۵۸، پس از معرفی برخی از این تشکل‌ها چنین آمده است:

"علاوه بر اینها سازمان‌های دیگری در گوشه و کنار کشور و در شهرهای دور و نزدیک تشکیل شده بودند که به سبب ضعف تشکیلاتی و تبلیغاتی و نداشتن نشریه دسترسی به آنها برای معرفی ممکن نشد. مگر آنکه برای معرفی‌شان خود قدم پیش گذارند."^۲

۱- در دو شماره‌ی ۷ و ۸ اردیبهشت ۵۸ روزنامه‌ی آیندگان گزارشی طولانی به قلم لیلا رستگار در معرف برخی از این انجمن‌ها و تشکل‌های زنان منتشر شده است.

۲- آیندگان، ۷ و ۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

بسیاری از این سازمان‌ها، اهداف خود را آزادی و رهایی زنان و مبارزه علیه ارتجاع و ستم طبقاتی می‌دانستند و در این راه تلاش می‌کردند و در راه تشکیل سازمان سراسری زنان نیز فعالیت می‌کردند.

در آن دوران اخذ مجوز برای ایجاد یک تشکل مرسوم نبود اما به نظر می‌رسد برخی تشکل‌ها خود را به ثبت می‌رساندند:

"یکی از مسئولین اتحادیه انقلابی زنان مبارز، در جلسه‌ای اعلام کرد که هنوز نتوانسته‌اند برای اتحادیه، اجازه‌ی ثبت بگیرند. همچنین برای یافتن محلی به عنوان محل دائمی، دچار مشکل هستند."^۱

۳-۴- سازمان‌های صنفی مستقل از دولت و نهادهای قدرت

اسناد زیادی تشکیل‌ها و سازمان‌های صنفی زنان در دست نیست. در زیر فقط به چند نمونه اشاره می‌شود.

۳-۴-۱- کمیته زنان ماشین‌سازی تبریز

اطلاعات زیادی از این کمیته در دست نیست. بیانیه‌ای از این کمیته، در نشریه پیغام امروز ۵ خرداد ۱۳۵۸، شماره ۶۵، چاپ شده که در حمایت از کارگران زن آذرالکتریک صادر شده است. در این بیانیه از برادران کارگر خواسته شده که "از خواست‌های به حق ۱۵ کارگر زن آذرالکتریک حمایت کنند.

از متن این بیانیه، مشخص می‌شود که کمیته زنان ماشین‌سازی تبریز در ۳۱ اردیبهشت جلسه عمومی در جهت بررسی فعالیت‌های کمیته زنان و جمع‌بندی مسایل خاص زنان کارگر تشکیل داده است. در این جلسه دو تن از کارگران زن کارخانه آذرالکتریک به نمایندگی از کارگران این کارخانه شرکت داشتند و ضمن خواندن قطعنامه خود، خواستار حمایت و پشتیبانی کمیته زنان ماشین‌سازی تبریز شده بودند. ظاهراً این کارگران به شوراهای کارخانه‌های متوژن، صدق، ایدن، پیستون‌سازی و کبریت‌سازی توکلی نیز مراجعه نموده بودند.

در ادامه این خبر، متن قطعنامه کارگران کارخانه آذرالکتریک منتشر شده است. در قطعنامه آمده است که کارخانه آذرالکتریک ۲۳ کارگر داشته که ۱۵ نفرشان زن بوده و با دستمزد روزانه ۲۰ تومان کار می‌کرده‌اند. کارفرما به بهانه نداشتن مواد اولیه اعلام ورشکستگی کرده و ۲ ماه است که کارخانه را تعطیل نموده است. این کارگران که رسمی نبوده خواسته‌های خود را به این شرح اعلام نموده بودند: باز شدن کارخانه، پایان دادن به بیکاری، افزایش دستمزد متناسب با افزایش هزینه‌های زندگی، بیمه کردن تمام کارگران، دادن حق مسکن به کلیه کارگران، پرداخت سود ویژه، دادن نهار بدون گرفتن پول، رسمی شدن کلیه کارگران، کاهش ساعات کار و دادن مرخصی به کارگران بدون کسر مزد مطابق قانون کار.

۳-۴-۲- اتحادیه زنان حقوق‌دان

این اتحادیه ۱۵ سال پیش از انقلاب تاسیس شد و وابسته به اتحادیه‌ی بین‌المللی زنان حقوق‌دان ایران بود که در سال ۵۷ با هدف همراهی با شرایط انقلابی، کار خود را ادامه داد. این اتحادیه یک اتحادیه صنفی بود و به گفته دبیر آن بر طبقه خاصی از زنان تکیه نداشت و هدف آن رفع تبعیض از حقوق زن بود. این اتحادیه در زمان رژیم شاهنشاهی کتابی انتقادی از قانون مدنی نوشته و نیز طرح جدیدی برای قانون مدنی داده بود که هرگز تصویب نشد. اتحادیه زنان حقوق‌دان در جریان اعتراضات علیه ممنوعیت اشتغال به کار زنان در زمینه قضاوت، بسیار فعال بود.

۵ تن از زنان قاضی عضو آن به مصاحبه آیت‌اله شریعتمداری در ۱۲ بهمن مبنی بر عدم توانایی زنان برای قضاوت پاسخی دادند که در نشریات وقت منتشر شد. در این مصاحبه به رقت قلب زنان و بیهوش شدن زنان قاضی هنگام معاینه جسد استناد شده بود که زنان قاضی در پاسخ، به هزاران زن پرستار و پزشک و غسال اشاره کرده بودند که به طور مستقیم با مجروحان و مصدومان و اجساد سر و کار دارند.

"وجود ۷۰ زن قاضی که عده‌ای از آنان بیش از ده سال سابقه کار دارند خود دلیل روشن لیاقت و ثمربخشی بانوان قاضی است."

سپس به مبارزات زنانی مانند اشرف دهقانی و فاطمه امینی و محبوبه متحدین اشاره کرده و اعلام نمودند:

"به عنوان بخشی از زنان آزادیخواه ایران اجازه نخواهیم داد از همین جزئی امتیازی که در اثر شایستگی، حتا از رژیم دیکتاتوری سابق گرفته‌اند در روز طلوع آزادی، آن را از دست بدهیم."

این اتحادیه از معدود تشکل‌هایی بود که با موج اعدام‌ها در سال ۱۳۵۷ مخالفت کرد.

۳-۴-۳- سازمان ملی پرستاران و بهیاران ایران

سازمان ملی پرستاران و بهیاران ایران در دهم خرداد ۵۸ اعلام موجودیت کرد، در مرامنامه‌ی این سازمان چنین آمده است :

"سازمانی است ملی و مستقل و به هیچ گروه و جمعیت سیاسی و غیرسیاسی وابسته نیست. شرکت در مبارزات ضدامپریالیستی مردم ایران برای برقراری حاکمیت ملی و دموکراسی واقعی و کوشش برای ایجاد و توسعه ارتباط منطقی بین پرستار و بیمار بر مبنای انتخابات آزاد و دموکراتیک، از موارد ذکر شده در مرام نامه است."

۳-۵- سازمان‌های سیاسی

۳-۵-۱- سازمان‌ها و تشکل‌های دولتی و شبه دولتی

زنان سنتی و مذهبی که در روند رویدادهای پیش از سرنگونی رژیم شاه و پس از آن، مشارکت در تامین امکانات برای جبهه‌ها و.. به زندگی اجتماعی پا گذاشته بودند، نمی‌توانستند به خانه بازگردند. زنان مذهبی که به گفته‌ی آیت‌اله خمینی انقلاب به آنان مدیون بود، اینک فضایی برای فعالیت به ویژه در حوزه‌ی زنان یافته بودند. ۲۷ شهریور ۵۸، آیت‌اله خمینی در ملاقاتی با اعضای مجتمع آموزشی طیبه پیراسته لنگرود، گفت:

"همه قشرها باید در سیاست دخالت بکنند. سیاست یک ارث نیست که مال دولت باشد یا مال مجلس باشد یا مال افراد خاصی باشد. سیاست معنایش اداره کشور و وضعی است که در کشور می‌گذرد و همه‌ی مردم این کشور در این معنا حق دارند، خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت کنند و تکلیف‌شان است..."

اول مهر ۵۸، در ملاقات با خواهران انجمن اسلامی تربت حیدریه، آیت‌اله خمینی اعلام کرد که خانم‌ها باید در مسایل روز مداخله کنند و در نهم مهر، در دیدار با گروهی از زنان شهرهای مشهد، آمل و آبادان، عنوان کرد که "در انقلاب ایران، زن‌ها پیشقدم بودند". بسیاری از سازمان‌های زنان مذهبی، سازمان‌های خیریه بودند و برخی نیز سازمان‌های شبه نظامی. بسیاری از این سازمان‌ها از امکانات دولتی استفاده بسیار کردند. برای نمونه به برخی از آنها در زیر اشاره می‌شود:

۳-۵-۱-۱- بنیاد زینب کبری

بنیاد زینب کبری در سال ۱۳۵۸ با شماره ثبت ۲۱۵۷ در تهران به نام فاطمه بزرگر (مادر فاطمه ابتکار) به ثبت رسید. در تاریخچه این سازمان که در سایت بنیاد منتشر شده، چنین آمده است:

"وی پس از گذشت یک سال و نیم و همزمان با پیروزی انقلاب، با درخواست اولین شهردار تهران (آقای توسلی)، مسوولیت واحدهای کودکان بی سرپرست سازمان تربیتی شهرداری تهران را پذیرفت ... مشاهده آشفتگی موجود در این مراکز، نظیر عدم تقسیم‌بندی سنی کودکان تحت پوشش، مسایل بهداشتی، وجود مریبان غیرم تخصص و بعضا فاسد و ... او را بر آن داشت تا با همکاری بانوان نیکوکار همراهش، ضمن انتخاب سی نفر از دختر بچه‌های شش تا نه ساله، مرکزی را برای نگهداری اصولی از این کودکان تاسیس نماید."

زمین بزرگی در منطقه شمال تهران در اختیار این خیریه قرار گرفت و از همان زمان تا کنون مشغول فعالیت است.

۳-۵-۱-۲- بسیج خواهران

بسیج خواهران در سال ۵۸ تاسیس شد. زنان عضو بسیج آموزش‌های نظامی و آمادگی دفاعی می‌دیدند و در پشت جبهه برای کمک به پرستاری مجروحان، کمک به خانواده‌ی شهدا و ... مشغول فعالیت بودند. بخش دیگر فعالیت‌های این زنان سرکوب تظاهرات گروه‌های مخالف حکومت و به خصوص زنان چپ بود.

۳-۵-۲- سازمان‌های مذهبی و ملی مستقل از دولت

۳-۵-۲-۱- جمعیت مادران مسلمان

بسیاری از زنان مذهبی، پس از سرنگونی رژیم سلطنت به سازمان مجاهدین خلق پیوستند و در خود این سازمان فعالیت سیاسی می‌کردند. جمعیت مادران مسلمان از جمله تشکل‌های

دموکراتیک سازمان مجاهدین خلق بود که در محلات فعالیت زیادی داشتند. در ۱۳ شهریور ۵۸، «جمعیت مادران مسلمان» طی اطلاعیه‌ای، با اشاره به نطق گلایه‌آمیز مهندس بازرگان، از وی پشتیبانی کرده و از انتخاب وی به عنوان رییس جمهور آینده ایران، صحبت به میان آورده بودند.

انجمن مادران مسلمان را می‌توان بخش زنان سازمان مجاهدین محسوب کرد. سندی از مواضع و فعالیت‌های این انجمن، در دسترس نگارنده نبود. اما یکی از بزرگترین بخش‌های سازمان مجاهدین، از لحاظ تعداد بود. یکی از اقدامات بزرگ این انجمن برپایی راهپیمایی اعتراضی بزرگی در تهران بود که به گفته‌ای بیش از دویست هزار نفر در آن شرکت داشتند. این راهپیمایی در روز ۷ اردیبهشت سال ۶۰ در اعتراض به موج کشتار فرزندان مجاهد آنها در هفته اول اردیبهشت و نیز تعرض دادستانی رژیم علیه رهبری مجاهدین صورت گرفت. در روزهای اول اردیبهشت، حداقل ۸ نفر از همداداران مجاهدین از جمله دو دختر نوجوان به نام‌های سمیه نقره‌خواجا و فاطمه رحیمی در قائمشهر و فاطمه کریمی در کرج کشته شده بودند. به گفته‌ی این سازمان در طول دو سال و نیم که از سرنگونی رژیم شاه می‌گذشت، حدود ۵۰ نفر از اعضا و همداداران این سازمان به طرق مختلف کشته شده بودند.

این تظاهرات از میدان فلسطین به سوی منزل آیت‌اله طالقانی انجام شد. در این تظاهرات، زنان درحالی که فرزندان خردسال خود را نیز به‌همراه آورده بودند، با شعارهای «مازندران و گیلان، خونین‌سرای ایران»، «از خون ما دوباره، رنگین هر کران شد» تظاهرات را آغاز کردند. مسئول وقت انجمن مادران مسلمان چگونگی شکل‌گیری تظاهرات را چنین بازگو می‌کند:

«مادران مجاهد همیشه از این که فرزندانمان در سراسر ایران دست‌وپایشان می‌شکست، چشمانشان از حدقه درآورده می‌شد، مورد شکنجه قرار می‌گرفتند و مظلومانه به شهادت می‌رسیدند، نگران و در رنج بودند و می‌خواستند در قبال این جنایات ... دست به یک‌اقدام اعتراضی جدی بزنند. سرانجام روز ۷ اردیبهشت، زمان این کار فرارسید. در این روز، کلیه مادران از صبح زود در منزل عزیز، مادر رضایی‌های شهید، جمع شدند و وصیتنامه‌های خود را نوشتند. از میان آنها به یاد می‌آورم که مجاهد قهرمان، مادر کبیری (معصومه شادمانی) با روحیه‌ای سرشار می‌گفت: «دوست دارم اگر قرار است خونی ریخته شود من هم یکی از آنها باشم» و وصیتنامه‌ای نوشت و روانه تظاهرات شد.

مادر ذاکری، مادر مصباح و بسیاری از مادران دیگر، که بعدها اعدام شدند، در این تظاهرات شرکت داشتند. این تظاهرات بدون اطلاع قبلی آغاز شد. مادران و خانواده‌های مجاهد خلق دهان‌به‌دهان یکدیگر را خبر کرده بودند."

۳-۵-۲-۲- جمعیت زنان ایران (سازمان زنان جبهه ملی)

جمعیت زنان ایران توسط زنان طرفدار جبهه ملی تشکیل شده بود. از نشریات این جمعیت نسخه‌ای در دست نیست. در نشریات روز مانند کیهان و اطلاعات و نشریات جبهه ملی، مانند خبرنامه ها، هفته نامه آرمان ملت برخی از مقالات و بیانیه‌های آنان منتشر می‌شد. جمعیت زنان جبهه ملی از همان ابتدای سرنگونی رژیم شاه فعالیت خود را آغاز کرد و علیه تبعیضاتی که بر زنان اعمال می‌شد، موضع‌گیری‌های خاص خود را داشت. یکی از اقدامات آنان حمایت از اعتراضات زنان قاضی بود که از کار در شغل قضاوت منع شده بودند. در ده اردیبهشت ۵۸ زنان جبهه ملی با زنان قاضی اعلام همبستگی کردند. زنان جبهه ملی در رابطه با سایر مسایل مربوط به زنان از جمله مساله حجاب نیز موضع‌گیری داشتند. آنان تغییر پوشش را با تحمیل، عملی نمی‌دانستند و عنوان می‌کردند که از راه ارشاد باید در پوشش زنان تغییر بوجود آید و تحمیل حجاب و برخورد‌های ناشایست با زنان بی‌حجاب را ناشی از تفسیرهای نامناسب از فتوای داده شده و دست‌هایی می‌دانستند که در کار ایجاد تفرقه‌اند. سردبیر ارگان جبهه ملی، پروانه فروهر بود. در نشریات جبهه ملی مقالاتی در رابطه با مسایل زنان و تبعیض‌ها به قلم وی منتشر می‌شد از جمله: "نه اجباری، نه تهدیدی" (۱۹ اسفند ۱۳۵۷)، "زن ایرانی در روند انقلاب ملی، زن ایرانی پاسدار مذهب اسلام است. زن را به گونه یک انسان آزاد بنگریم" (۲۱ اسفند ۱۳۵۷) "تزکیه را در چارچوب" وضع ظاهری زندانی نکنید/ هر گونه دگرگونی در پوشش زن را باید از راه ارشاد پدید آورد" (۱۷ تیر ۱۳۵۹)، "مرزهای آزادی" (تیر ۱۳۵۹)، "خطر جای دیگری است/ مساله حجاب چرا به آن نحو در جامعه مطرح شد؟" (مرداد ۱۳۵۸)

نگاهی به محتوای برخی از این مقالات مواضع این سازمان و زنان طرفدار آن را نسبت به تبعیضاتی که علیه زنان اعمال می‌شد، نشان می‌دهد. در مقاله تحت عنوان "نه اجباری، نه تهدیدی" نوشته‌ی پروانه فروهر چنین آمده است:

"با نگاهی گذرا به دور خود می‌بینیم که زن امروز، زن مبارز و آگاه و داغدار امروز که از معرکه نبرد با اهریمن استبداد و استعمار سربلند بیرون آمده هیچ وجه تشابهی با زن عروسک سانی که نظام استبدادی ساقط شده می‌خواست بسازد، ندارد... بی‌گمان توطئه‌ای در کار است توطئه‌ای حساب شده و خطرناک با کدام عقل سالم و منطق درست می‌توان بارو کرد، امام خمینی که بارها و بارها زن را در جایگاه اجتماعی بالاتر از مرد باور داشته، لیاقت و شایستگی او را ستوده و در موضع سیاسی او را توانا در رسیدن به بالاترین مقام‌های اجتماعی اعلام کرده‌اند، اظهارنظرشان پیرامون حجاب اسلامی چنان تعبیر شود که از حضور زن در اجتماع به شکل یک انسان شریف جلوگیری به عمل آید و مردانی در گوشه کنار بتوانند با تکیه بر این فتوا زنان را مورد بی‌حرمتی قرار دهند؟ در اجتماع زنان سراپا در حجاب در قم، مگر امام نبود که اعلام داشت زن در اسلام از حق طلاق برخوردار است و آیا فتوای ایشان پیرامون حجاب اسلامی چرا باید این همه سر و صدا و جنجال به دنبال داشته باشد؟ ... آیا چه کسانی در کمین بودند تا از این فرصت برای صف‌شکنی و آشوب استفاده کنند؟!... معلم ۵۴ ساله محترمی را که بهترین سال‌های عمر خود را صرف تعلیم و تربیت کودکان این سرزمین کرده، چرا باید چند جوان ناآگاه و تحریک شده جلوی صدها چشم ناسزا بگویند. کتک بزنند و دست و پای او را کبود و سیاه کنند و جرمش را نداشتن حجاب اعلام نمایند. چرا باید رفتار مشتی بداندیش با بانوی پزشکی که از جان و مال در شب‌های مرگبار انقلاب یاور زخمیان بوده آنقدر شرم‌آور باشد که گریه‌کنان راهی خانه شود و آیا حالا چرا؟

حالا که وجود اتحاد و همبستگی از هر زمان دیگری حیاتی‌تر است چرا؟ حالا که باید دست‌هایمان را زن و مرد زنجیر کنیم و پاسدار میهن باشیم چرا؟ چرا باید برداشت‌های غلط و تفرقه‌افکنانه خود را از فتوای این مراجع عالیقدر، معیار و میزان قرار دهیم و صفی را که به بهای شهادت هزاران عزیز متحد شده بشکنیم؟ آیا یک یک ما مسوول

لحظات بحرانی زندگی مان نیستیم و برای هر قدمی که برمی‌داریم نمی‌بایستی دقت و موشکافی و حتا وسواس داشته باشیم.

دو صف مختلف از زنان یکی باحجاب و دیگری بی‌حجاب ... همراه با ناسزا و بدگویی و تیراندازی اثبات چیست جز برداشت‌های نفاق‌افکنانه... تحریکات خجالت‌آوری که در طول راه‌پیمایی به چشم می‌خورد، کلمات چندان‌آوری که بر زبان می‌آمد، رفتارهای ناپسندیده چند شبه انقلابی همه و همه ... و آسیب به انقلاب بزرگ و مطهر ماست. ما هرگز ندیدیم و نشدیدیم که امام خمینی در ملاقات‌ها و مصاحبه‌ها و گفت و شنوده‌ها به توسل به اجبار دستور دهند و حالا هم مطلب جز این نیست."

آنان معتقد بودند که فتوایی نه اجباری و نه تهدیدی داده شده و عده‌ای دچار پیشداوری و دچار هیجان شده و خطرهایی را نادیده می‌گیرند که هنوز جامعه را تهدید می‌کند و می‌پرسیدند چرا؟

"از یاد نبریم در میهن سوخته و آشفته‌ای که استبدادیان برای ما برجا نهادند، گروه‌های وابستگان نظام گذشته زخم خورده از انقلاب اسلامی ... در میان ما هستند با ما هم‌کلام می‌شوند، احساسات ما را تحریک می‌کنند، آتش می‌افروزند و سپس شادمانه به تماشای سوختن و فروریختن می‌نشینند زیرا که هدفی جز این ندارند. بیاییم آن سان که بزرگوار و ایثارگر به میدان آمدیم، پرپر شدن عزیزان را نظاره کردیم زخمی شدیم و تسلیم نگردیدیم، ... از ادامه راه سرباز نزنیم. حالا هم پیش از آنکه به خود بیاندیشیم به میهن در خطرمان بیاندیشیم."

تقریباً شش ماه بعد، در مقاله "چرا مساله حجاب این‌گونه مطرح شد" آمده است:

اگر یک جو انصاف و صداقت داشته باشیم یک قدم با انقلاب کنار آمده باشیم و یک لحظه به واقعیت بیندیشیم، خواهیم دید که بسیاری از مشکلات امروزی ما را کسانی به بار آورده‌اند که آگاهانه قصد آسیب رساندن به انقلاب و خدشه‌دار کردن آن را داشته‌اند. جنجال حجاب را به یاد بیاورید و پس از آن را نیز مرور کنید. در همین راه‌پیمایی وحدت آیا شما زن‌های بی‌حجاب و باحجاب را کنار مردها نواساز وحدت ندیدید؟ کی اهانتی کرد خدای ناکرده ناسزایی گفت؟ آن جنجال بر سر چه بود جز فرصت به ضدانقلاب دادن و جامعه را به آشوب کشاندن، روز دیگر مساله دریا مطرح شد و امروز مساله موسیقی. اینها

کدامین هستند؟ این طراحان سوال‌های موزیانه و نابه‌جا چه قصدی دارند که راه طولانی شمال تا مرکز را طی می‌کنند و سپس با جنجالی که دست‌های مشکوک آن را دامن می‌زند و روزنامه‌های آن‌چنانی با تیترهای درشت و سیاه به میان مردم می‌آورد، باز می‌گرداند؟ هدف چیست؟... و در انتها هشدار داده است که: "آقایان و خانم‌های بسیار بسیار آزادی‌خواه، هنردوست چیز بزرگتری در خطر است که گویا دل‌های نازک شما اصلاً بر آن نمی‌تپد!"

در تیر ۱۳۵۹ در مقاله "تزکیه را در چارچوب" وضع ظاهری زندانی نکنید/ هر گونه دگرگونی در پوشش زن را باید از راه ارشاد پدید آورد" به این مساله اشاره می‌شود:

"هنگامی که شکیبایی امام خمینی سرریز می‌شود و با صدایی به رسایی تاریخ همه سهل‌انگاری‌ها و سازش‌ها را به انتقاد می‌گیرد، سخنان این یکتا رهبر را که فضای یخ‌زده‌ی میهن را گرمی می‌بخشد و امید می‌آفریند، از غربال مصلحت‌اندیشی می‌گذرانند و اصل را میان واژه‌ای رنگارنگ فرع گم می‌کنند و سپس موضوع را به بن‌بست می‌کشاند. تاکید و تکیه امام خمینی بر سر تزکیه است آنچه در طول زمانی نزدیک به یک سال و نیم با وجود امکان‌های وسیع انقلابی و ... به جمع‌اندیشیدن، شدنی بود و ناهمگونی و چندگانگی میراث‌خواران انقلاب که سرنوشت کشور را به دست گرفتند، بزرگترین دلیل عملی نشدن و از مرز آرزو فراتر نرفتن آن گردید. اما پس از هشدار امام یک باره رفتارهای به ظاهر انقلابی و بیشتر برخوردار از روحیه هوچی‌گری نمایان شد و شگفتا از آن همه رهنمودهای سازنده تنها پوشش زن آن هم به زننده‌ترین و اهانت‌آمیزترین شکل ممکن مورد توجه آقایان قرار گرفت... بعد از پیروزی انقلاب شعار دادن جای همه‌ی کارها را گرفت... برای نمونه طرح مساله حجاب در همان نخستین ماه پیروزی در جوی که رایحه گل‌های شهادت هنوز در همه جا پراکنده بود و به راستی زنان جز در لباس‌های ساده و بدون آرایش و پیرایش دیده نمی‌شدند و نوعی هم‌نفسی بر اجتماع حاکم بود، چنان واکنش برانگیز شد که هر تماشاگر بی‌خیالی را دچار تاسف می‌کرد. ... هر جا دست اندرکاران حکومت به اشکالی برخوردند، مردم را رودر روی یکدیگر قرار دادند و موضوع را در یک جو احساساتی ساختگی لوٹ نمودند، بی‌آنکه خطر تفرقه افکنی‌ها را برای آینده‌ای دورتر در نظر آورند... ماه‌ها پیش از شروع فصل شنا غوغا بر سر استفاده از آب دریا که

چه آسان می‌شد اگر قصد آشفتن در کار نبود، با توضیحی احترام آمیز و بدون به کار گرفتن سلاح‌های گرم و سرد، پایان یابد که هنوز هم وسیله‌ای است برای بازی‌های چندی او و قدرت و حتا باج‌گیری! و حالا مساله پوشش زنان کارمند، که به راستی چه نیازی به استفاده از زشت‌ترین و اهانت‌آمیزترین کلمه‌ها برای توجیه آن بود؟! با چه معیاری زنان بی‌شماری که با استفاده از تخصص‌ها و کارآرایی‌هایشان چرخ‌های کشور را می‌گردانند و در تنظیم بودجه‌ی سرسام‌آور زندگی سهمی به سزا دارند، آزمایش شدند و رفوزه گردیدند! با چه معیاری مرد کارمند، مسلمان متعهد و پاک است و زن کارمند ضداسلام و تهی از تعهد و ناپاک؟! خیل زنان کارمند آیا از سرزمین دیگرند و آیا آنها مادران، خواهران، همسران و فرزندان همین مردان نجیب و بسیار خوب نیستند؟!.... آیا نظام حکومتی آگاه با پیش گرفتن برنامه‌های ارشادی نمی‌توانست بی‌آوازه‌گری و تشنج‌آفرین، بار دیگر اجتماع را به فاز پاک روزهای پس از انقلاب بازگرداند."

در رابطه با رعایت پوشش اسلامی برای زنان کارمند نیز اعلامیه‌ای از سوی جمعیت زنان ایران در نشریه آرمان ملت شماره ۱۵ (۱۷ تیر ۱۳۵۹) منتشر شد که در آن چنین آمده است:

"ما معتقدیم که مبارزه با فرهنگ وابسته نه تنها در ادارات بلکه در سطح کل جامعه باید وسیعاً گسترش یابد. ولی آیا فکر نمی‌کنید که یک مبارزه سطحی، یعنی دادن یک بخشنامه و بعد هم گذاشتن یک مامور جلوی در اداره برای کنترل، بدترین نوع مبارزه با فرهنگ استعماری است؟ سخن بر سر این است که این مبارزه، مبارزه‌ای طولانی است که باید با آموزش، کار توضیحی و دادن یک راه حل فرهنگ اصیل اسلامی و انقلابی و موازین اخلاقی و اجتماعی جدید همراه باشد. آیا برای دلسوزان ضدبی بند و باری، صرف استفاده از یک روشی در محل کار مساله مبارزه با فرهنگ استعماری را حل خواهد کرد؟"

در مطلبی تحت عنوان قانون اساسی و حقوق زنان، در مورد برابری زن و مرد چنین نوشته شده است:

"بر ما زنان ایرانی روشن است که برای احقاق حقوق خود در جامعه و برابری کامل و نابود ساختن... فرهنگی... و امپریالیستی راه دشواری در پیش داریم و باید پیش از پیش متشکل شویم. از مسایل خود آگاهی یابیم و راه دست یافتن به موقعیت و مقام واقعی و راستین خود در جامعه فعالیت نماییم.... قانون اساسی باید حاوی اساسی‌ترین مسایلی باشد که توده‌های

وسیع مردم ایران از زن و مرد برای آن مبارزه کردند یعنی استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی. این قانون باید حافظ اساسی‌ترین منافع اقشار وسیع ... باشد ... جمعیت زنان ایران به عنوان تشکلی از زنان ایران معتقد است که قانون اساسی جدید باید اساسی‌ترین حقوق زنان ایران را شامل شود.

۳-۵-۲-۳- جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی ایران

جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی ایران به دبیرکلی اعظم علایی طالقانی (فرزند آیت‌اله طالقانی) به همراهی تعدادی از زنان فعال در امور اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۵۷ شروع به فعالیت کرد. در مرامنامه‌ی جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی ایران، اهداف کلی آن حمایت از حقوق مستضعفین و مظلومین جهان و حقوق اسلامی انسان‌ها در سطح ایران و جهان مبارزه با استکبار شرق و غرب و نژادپرستی و صهیونیسم، تبیین و معرفی فرهنگ متعالی اسلام و مبارزه با مبانی ضداسلامی به ویژه مظاهر سرمایه‌داری و کمونیسم و ارزش‌های منحط غرب اعلام شد و اهداف ویژه آن: اعتلای فکری، فرهنگی، علمی و شخصیتی زن در راستای آرمان‌های اسلامی در داخل و خارج ایران، ترسیم دقیق سیاسی الگوی زنان مسلمان در ایران و جهان، تلاش در خنثی‌سازی تبلیغات کذب و مغرضانه امپریالیسم خبری و کمونیسم بین‌المللی علیه زن مسلمان به‌طور اعم- و زن در جمهوری اسلامی ایران به‌طور اخص - تلاش در جهت احقاق حقوق زن بر پایه‌ی بینش قرآنی و سیره‌ی پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) و رهنمودهای جانشینان معصومین، تقویت کیان خانواده و تثبیت جایگاه زن در این نهاد والا بر اساس تعالیم اسلامی، کوشش در ارتقای سطح فرهنگ و بینش موجود در جامعه در رابطه با مقام رفیع زن، ارائه‌ی روش‌های رشد و تعالی فکری و فرهنگی زنان، افزایش مشارکت آنان در فعالیت‌های جامعه و حمایت از حرکت‌های سالم زنان در جهان، ایجاد ارتباط با تشکیلات مربوط به زنان در سطح جهان به منظور شناخت آنان و معرفی فرهنگ اصیل اسلام به آنان در صورت لزوم اعلام شد.

دبیرکل جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی، اعظم علایی طالقانی، چگونگی تشکیل این جامعه را این‌گونه بیان می‌کند:

"زمانی که زندان بودم در اندیشه‌ی تشکیل یک تشکیلات رسمی برای زنان بودم که در آنجا مشکلات آنان مطرح و راه‌کارهای مناسب به‌وسیله‌ی تبادل نظر کارشناسان پیدا شود و بتواند تا حدودی مشکلات مبتلابه زنان را حل کند. در شهریور ۱۳۵۶ از زندان آزاد شدم و پس از مدتی با همکاری برخی دیگر از خواهران، جلسه‌ای با حضور ۳۰ نفر از خواهران فعال و انقلابی تشکیل شد و ضرورت ایجاد یک تشکل بر مبنای نظام شورایی مورد تأکید قرار گرفت پس از آن گروهی از جمله بنده، مشغول نوشتن اساسنامه برای تشکل جدید شدیم. ابتدا به ما یک اتاق در ساختمان سازمان حقوق بشر در خیابان قباد نزدیک مسجد قباد دادند و بودجه‌ای برای این امر اختصاص دادند و ما در آنجا پیگیر نوشتن اساسنامه و مرامنامه شدیم. در همین حین در سال ۱۳۵۷ انقلاب شکل گرفت. با روی کار آمدن دولت موقت بودجه‌ی این تشکل از سوی سازمان برنامه و بودجه قطع شد و دیگر قادر به ادامه کار نبودیم از آنجا استعفا دادیم و به فکر تشکیل یک تشکیلات مستقل برای زنان افتادیم. به زودی مقدمات تشکیل این تشکل که دارای کارکردهای مختلف از جمله سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و... بود، انجام شد و درخواستی نیز برای اخذ پروانه‌ی تأسیس به وزارت کشور داده شد. آن زمان آقای ناطق نوری وزیر کشور بود. آنها تأکید می‌کردند که به موسسه‌ی زنان اجازه تأسیس می‌دهند ولی ما اجازه تأسیس جامعه‌ی زنان را می‌خواستیم به همین دلیل پرونده‌ی تأسیس جامعه‌ی زنان انقلاب اسلامی حدود ۱۲ سال در وزارت کشور ماند و ما نتوانستیم رسماً پروانه‌ی تأسیس بگیریم. بالاخره در تاریخ ۱۳۶۹/۳/۱ مرامنامه و اساسنامه به تصویب مجمع عمومی و سپس کمیسیون احزاب در وزارت کشور رسید و در ۱۳۷۱/۹/۴ رسماً پروانه‌ی تأسیس دریافت کرد."

امکانات "سازمان زنان" حکومت پهلوی در اختیار این سازمان قرار گرفت.

۳-۵-۳- سازمان‌های سیاسی چپ

۳-۵-۳-۱- اتحادیه زنان مریوان

این اتحادیه نیز در اسفند ۵۷ و توسط تعدادی از زنان فعال با گرایش‌های مختلف سیاسی تشکیل شد. فعالیت اصلی این اتحادیه مبارزه با مالکان و زمین‌داران بود. کمیته‌هایی مانند سوادآموزی، روستایی، بهداشتی و ... داشت که به مشکلات مردم روستا و ساکنین فقیر شهرها رسیدگی می‌کرد. در جریان محاصره مریوان، خواربار توسط این اتحادیه و شورای دانش‌آموزان بین مردم شهر توزیع می‌شد.^۱

۳-۵-۳-۲- جامعه‌ی زنان مبارز سقز

"جامعه‌ی زنان مبارز سقز" حدود اردیبهشت ماه ۵۸ تشکیل شد. در اساسنامه این تشکل می‌خوانیم:

"قیام مسلحانه ۲۰ و ۲۲ بهمن ماه اگر چه توانست پیروزی‌هایی نصیب خلق قهرمان ایران نماید ولی به علت عدم سازماندهی مبارزات حق طلبانه نتوانست به پیروزی نهایی دست یابد و کلیه ریشه‌های ارتجاع داخلی را برکند و دست امپریالیسم را به کلی از مناسبات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی ایران قطع گرداند. لذا برای خنثی نمودن کلیه توطئه‌های ارتجاع و ادامه مبارزات و به ثمر رساندن آن تا آزادی کلیه نیروهای زحمتکش و لغو استثمار فرد از فرد، زنان مبارز سقز تشکل خود را در جمعیتی به نام جامعه زنان مبارز سقز اعلام می‌دارد."

اهداف جامعه‌ی زنان مبارز سقز عبارت بود از:

- ۱- تشکیل یک جمهوری دموکراتیک خلق بر اساس آزادی کامل جمعیت‌های سیاسی، مذهبی، صنفی برای همه‌ی طبقات و اقشار مردم و آزادی کامل مطبوعات، بیان، تبلیغات، آزادی اعتصابات و تظاهرات و آزادی آموزش نظامی،
- ۲- تشکیل شوراهای کارگری که ناظر بر امر تولید و توزیع کالاهای کارخانه‌ها باشد.

۱- متین، مهناز، ناصر مهاجر، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷،

- ۳- تشکیل شوراهای دهقانی و تقسیم زمین‌ها به نسبت اعضای خانواده دهقانان.
- ۴- خودمختاری و حق تعیین سرنوشت برای تمام خلق‌های ایران
- ۵- برابری زن و مرد در مسایل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی

برنامه‌های این جامعه شامل این موارد بود:

- ۱- بررسی مشکلات زنان روستایی و زنان کارگر، زنان شاغل و خانه‌دار
 - ۲- آموزش تفویک اعضا در زمینه‌ی فلسفه، تاریخ و اقتصاد
 - ۳- سوادآموزی زنان بی‌سواد
 - ۴- ارتباط با سایر جمعیت‌های زنان
 - ۵- مبارزات صنفی در جهت تامین امکانات رفاهی در دوران بارداری و پس از زایمان و مهد کودک برای زنان شاغل و کارگر و زحمتکش
 - ۶- تشکیل شوراهای محلی زنان
 - ۷- کوشش در راه ایجاد کلاس‌های آموزش نظامی
- شرایط عضویت در این جامعه:
- ”عدم وابستگی به هیچ حزب و سازمانی که وابسته به خارج باشد، قبول اهداف جامعه، سن بالاتر از ۱۶ سال و صلاحیت سیاسی و اجتماعی“

۳-۵-۳- شورای زنان (سنندج)

این شورا نیز در سال ۵۸ تشکیل شد. گلی قبادی یکی از اعضای این شورا در رابطه با نحوه تشکیل آن چنین می‌گوید:

”حیلی زود متوجه شدیم که ما زنان و دختران سیاسی به مقر سازمان‌های سیاسی رفت و آمد می‌کنیم و مردم عادی به این مراکز نمی‌آیند. ... به خاطر جو حاکم بر کردستان ... به خاطر حرف‌های زشت و زنده‌ای که پشت زنان مبارز می‌زدند و ... ما به محیط‌هایی که اساساً مردانه بود و یا آن وقت مردانه تلقی می‌شد کمتر پا می‌گذاشتیم. ... این گونه عوامل ما را وادار کرد که به فکر ایجاد تشکیلات مستقلی برای زنان بیافتیم. می‌خواستیم زنان هم بتوانند جایی برای خودشان داشته باشند، آزادانه به آنجا رفت و آمد کنند ...“

درعین حال می‌خواستیم زنان سنندج را در مبارزه‌ای که جریان داشت بسیج کنیم. در آن مقطع هدف ما ایجاد تشکل زنانه نبود که صرفاً و مشخصاً خواست‌های زنان را مطرح کند. ما فکر می‌کردیم که می‌توان با ایجاد تشکلی زنانه بهتر در مبارزات عمومی شرکت کرد. بعدها که شورای زنان را تشکیل دادیم متوجه شدیم که زنان به جز خواست‌های سیاسی خواست‌های دیگری هم دارند.^۱

این شورا در برگیرنده زنان چپ‌گرا بود و طیف‌های مختلف را در بر می‌گرفت. در جریان درگیری‌های سنندج یکی از کارهای این شورا بسیج کردن مردم برای تحصن بود.^۱

۳-۵-۳-۴- کمیته زنان مبارز

کمیته زنان مبارز حدود فروردین ۱۳۵۷ فعالیت خود را در شیراز آغاز کرد. کمیته زنان مبارز در نشریه شماره ۳ "پیکار زن" در معرفی خود چنین نوشت:

"خواسته‌ها و اهداف کمیته زنان مبارز، از خواست‌های زنان مبارز و زحمتکش ایران و همچنین تمام خلق‌های ایران، اعم از زن و مرد و پیر و جوان جدا نمی‌باشد. کمیته زنان مبارز، باید در راه به وجود آمدن سازمان سراسری زنان که اکثریت قریب به اتفاق زنان زحمت‌کش و مبارز ایران را در خود بسیج کند، گام‌هایی بردارد و به خاطر دست‌یابی به حقوق حقه زنان زحمت‌کش، مبارزه‌ای متشکل و آگاهانه را در محدوده‌ی فعالیت‌های خود، به راه‌اندازد. از آنجایی که این تشکیلات، تشکیلاتی کاملاً دموکراتیک و بدون وابستگی تشکیلاتی به هر جریانی می‌باشد، در کنار تمام اهداف و شعارهایی که پیش روی می‌گذارد به مشی و موازین جنبش دموکراتیک در کل، معتقد است. این موازین در این زمینه‌ها خلاصه می‌شود:

۱- دفاع مشروط از دولت ملی بازرگان و در عین حال روشن کردن این مساله که بازگوکننده خواست‌های بر حق زحمتکشان نمی‌باشد و در نتیجه دست زدن به مبارزه‌ای سیاسی برای احقاق حقوق حقه زحمتکشان و مشخصاً زنان کارگر و دهقان و زحمتکش شهری.

۱-متین، مهناز، ناصر مهاجر، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷، جلد اول

۲- انقلاب واقعی در ایران زمانی صورت واقعیت به خود می‌گیرد که در راس قدرت سیاسی طبقات تحتانی جامعه یعنی زحمتکشان قرارگیرد و با ابعاد یک جمهوری دموکراتیک و ملی که در آن تمام آزادی‌های دموکراتیک چون آزادی قلم، بیان، اجتماعات و اعتصابات و احزاب، ملیت، مذهب و آزادی زنان تضمین گردد. هم چنین به نفوذ کلیه امپریالیست ها و به خصوص امپریالیسم امریکا در تمام زمینه‌ها پایان داده شود و کلیه قراردادهایی که به حفظ نفوذ نیروهای امپریالیستی در ایران کمک می‌نماید لغو گردد و با ایجاد یک ارتش انقلابی و خلقی در صدد حفظ استقلال ایران برآید.

- ۳- ملی کردن بانک‌ها و کلیه صنایع وابسته، معادن و تمام موسسات امپریالیستی؛
- ۴- حل مساله ارضی به دست دهقانان، از طریق تقسیم رایگان زمین بین دهقانان بی‌زمین؛
- ۵- ۸ ساعت کار در روز و ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران و داشتن حق اعتصاب و تشکیل اتحادیه و سندیکا از طریق تصویب یک قانون کار کاملاً انقلابی برای کارگران؛
- ۶- دفاع بدون قید و شرط از تمام جنبش‌های آزادی‌بخش در اقصی نقاط جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلی آنها و به خصوص دفاع از جنبش‌های آزادی‌بخش فلسطین، عمان، اریتره ...؛

برخورد با ارتجاع و سیستم امپریالیسم جهانی و سلطه‌ی آن در کشورهای تحت ستم و استثمار در عین اینکه مبارزه ضد امپریالیست در میهن ما می‌بایست تمام مجموعه امپریالیسم را در نظر گیرد. اما کماکان تضاد عمده‌ی خلق‌های قهرمان ایران با امپریالیسم امریکا می‌باشد و هم چنین مبارزه بر علیه دولت ضد خلقی شوروی به عنوان یکی از دشمنان خلق‌های جهان و از جمله خلق‌های ایران می‌باید در دستور کار قرار گیرد. یکی دیگر از وظایف جنبش دموکراتیک و تشکیلات‌های دموکراتیک زنان محکوم کردن عملکرد و سیاست‌های ضدانقلابی جمهوری توده‌ای چین در عرصه بین‌المللی می‌باشند. که به صورت نفی جنبش‌های آزادی‌بخش در جهان و ضدیت با جنبش‌های خلق‌های دلاور ایران به خاطر دفاع از نیروهای مترجع و دولت‌های متمایل به غرب صورت می‌پذیرد.^۱

۳-۵-۳-۵- اتحادیه انقلابی زنان مبارز

این اتحادیه در سوم بهمن ۵۷ اعلام موجودیت کرد و در واقع بخش زنان حزب توفان بود. ارگان آن سپیده سرخ بود که به صورت ماهانه و حدوداً دو سال منتشر شد. هر چند بارها از سوی دولت ممنوع شد.^۱

در انشعابی که در سال ۵۹ در این حزب پیش آمد، بخش زنان این سازمان گرایش راست پیدا کرد. این اتحادیه خود را چنین معرفی نموده است:

"اتحادیه انقلابی زنان مبارز، سازمانی است در برگیرنده زنان زحمتکش، اعم از کارگر (منظور کارگر کارخانه، کارگاه، خدمه بیمارستان‌ها و مدارس، خدمه منازل و ادارات) دهقان و زنان خانه‌دار محروم، کارمند، دانشجو و کلیه زنان مبارز.

این سازمان ضدامپریالیستی، دموکراتیک و علنی است و وابسته به هیچ سازمان سیاسی نبوده و کاملاً مستقل است و مبارزات صنفی- سیاسی زنان را برای احقاق حقوق از دست رفته و کسب حقوق انسانی‌شان، هدف قرار داده است.

این سازمان بر اساس مرکزیت دموکراتیک استوار است و دارای ایدئولوژی خاصی نیست و هر کس با هر ایدئولوژی، به شرط اینکه برنامه و اساسنامه اتحادیه را بپذیرد، می‌تواند عضو شود. این اتحادیه اساس بردگی زن را در مالکیت خصوصی و استثمار طبقاتی می‌داند و معتقد است که مبارزات بر حق زنان ایران و دیگر کشورها همدوش مردان علیه استثمار و ستم طبقاتی نیز مبین این حقیقت است که حق گرفتنی است و آن هم به زور و نه دادنی و آن هم به میل.^۲

مهری جعفری، تنها زن عضو کمیته مرکزی سازمان توفان حزب کارگران و دهقانان؛ در مورد نحوه تشکیل اتحادیه انقلابی زنان مبارز چنین می‌گوید:^۳

"من در اوایل دی ماه در تظاهرات‌ها حس می‌کردم که می‌خواهند به طریقی زنان را به گذاشتن روسری ترغیب کنند. بعضی از دوستان زن بر این عقیده بودند که بهتر است

۱- در ۳۰ مرداد ۵۸، در پی توقیف ۲۲ نشریه، ۱۱ نشریه دیگر از جمله سپیده سرخ، شنبه سرخ، برابری ارگان

اتحادملی زنان، زحمت و... نیز توقیف شدند.

۲- آیندگان ۷ و ۸ اردیبهشت ۱۳۵۸

۳- متین، مهناز، ناصر مهاجر، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷

برای اتحاد با دیگران و جلوگیری از اختلافات روسری داشته باشیم. به نظر من این شروع بدی بود. نوعی احساس نگرانی و خطر می‌کردم. در حقیقت مساله به وجود آوردن یک سازمان زنان و به طور کلی سازمان‌های توده‌ای فکر همسرم بود. او بر این باور بود که ما باید با ایجاد تشکل زنان، زنان زحمتکش را بسیج کنیم باید زنان را آگاه کنیم تا بتوانند از حقوق خود دفاع کنند. سازمان توفان به مبارزات توده‌ای معتقد بود و با مشی چریکی مرزبندی داشت. در واقع سازمان‌های توده‌ای را حلقه‌ی ارتباطی حزب با توده‌ها می‌دانست. فکر می‌کنم بیشتر در این ارتباط بود که به وجود آوردن تشکل زنان در نظر همسرم اهمیت پیدا کرد.

اوایل دی ماه بود به پیشنهاد همسرم و در یک گفت و گوی دو نفره تصمیم گرفتیم تظاهراتی را سازمان بدهیم. در آن زمان تظاهرات یک حرکت عادی به حساب می‌آمد. ما قطعنامه‌ی نوشتیم. مفاد آن یادام نیست. اما ده ماده آن از مسایل عمومی صحبت می‌کرد مانند: برابری حقوق کارگران زن و مرد، قوانین مربوط به خانواده مهد کودک‌ها و... اما در این ده ماده به مساله خشونت خانوادگی و آزار و اذیت زنان در خانه نپرداختیم. حتا به فکرمان هم نرسیده بود که بپردازیم. سال‌ها بعد در یک سخنرانی مطرح کردم که این مساله به این دلیل بود که من با یک مرد آن را نوشتیم. در آن زمان تعداد اعضای زن سازمان توفان در ایران زیاد نبود. من و چند رفیق دیگر که در شهرستان زندگی می‌کردند و چند سمپات دختر که در تهران زندگی می‌کردند، قطعنامه را نوشتیم. به دختران سمپات سازمان خبر دادیم. آنها با کمک رفقای پسر هفت باندروول درست کردند. مجموعاً ۵ زن در سازماندهی این کار شرکت داشتیم. رفقای مرد با ما همراه نشدند. سرود دانشجوی کنفدراسیون را کمی تغییر دادیم و در آن زن را جانشین دانشجو کردیم. متن سرود را نوشتیم و تکثیر کردیم و بین مردم پخش کردیم. شعارهایمان به شدت مردم را جذب کرد. با دیدن استقبال مردم این حس به من دست داد که شعارهای روی باندروول‌ها مشغولیت فکری خیلی از آنهاست. پس از مدتی که از دانشگاه بیرون آمدیم دیدم جمعیت زیادی زن و مرد همراه ما به راه افتاده‌اند. سراپا خیس سرودخوانان به طرف دانشگاه صنعتی به راه افتادیم. عده‌ای مرد به طرف ما آمدند بچه‌ها گفتند که توده‌ای هستید. مردها سعی داشتند جریان را به دست خودشان بگیرند ما نمی‌گذاشتیم. مذهبی‌ها به

طرز عجیبی به ما نگاه می‌کردند. پسران دانشجو دور ما زنجیر بستند ... به دانشگاه صنعتی رسیدیم. سالن بزرگی بود صندلی نداشت. روی زمین نشستیم. من قطعنامه را به دختر جوانی دادم که به صف ما پیوسته بود و از او پرسیدم آیا حاضر است که آن را بخواند. پذیرفت. پس از قرائت هر ماده جمعیت کف می‌زد و هورا می‌کشید. در ماده‌ی پایانی شعار "مرگ بر سوسیال امپریالیسم شوروی" بود آن را با صدای لرزانی نجوا کرد. تصور می‌کنم آن دختر از هوادارن چریک‌ها بود. غافلگیر شده بود.

پس از این حرکت ما به فکر ایجاد تشکیلاتی افتادیم تا زنان را سازماندهی کنیم. با اینکه سازمان توفان پشت این شکل بود اما اتحادیه انقلابی زنان مبارز مستقل از توفان عمل می‌کرد. ما می‌خواستیم یک شکل توده‌ای زنان را تاسیس کنیم. البته توفان سازمان های توده‌ای دیگری را هم به وجود آورد مثل سازمان دانشجویی که نشریه صدای دانشجو را منتشر می‌کرد و یا سازمان دانش‌آموزی که شنبه سرخ را به چاپ می‌رساند.

ما چند روز بعد از تظاهرات، با نام اتحادیه‌ی انقلابی زنان مبارز اعلام موجودیت کردیم. اولین شماره‌ی نشریه‌مان سپیده سرخ را منتشر ساختیم. ما زنان توفان این نام را برگزیدیم. سپیده را به عنوان نمادی از زن و سرخ را برای نشان دادن کمونیست بودنمان انتخاب کردیم. در آن زمان بین نیروی‌های چپی که سازمان زنان داشتند واژه‌هایی مانند فمینیسم، بورژوازی و خطرناک محسوب می‌شد. خود ما زنان هم کم و بیش در همین چارچوب فکری بودیم. باید ثابت می‌کردیم که با وجودی که به مسایل زنان می‌پردازیم اما هنوز کمونیست هستیم. مردان در اتحادیه نبودند. سرشان گرم کارهای دیگر تشکیلاتی بود. اتحادیه انقلابی زنان مبارز فقط توسط زنان اداره می‌شد، مردها در جریان کارهای ما نبودند. وقتی هم باخبر می‌شدند به عنوان بیننده در برنامه‌ها شرکت می‌کردند ... تمام فعالیت و نیروی من در اتحادیه متمرکز شده بود. تعداد اعضای ما بعد از مدتی خیلی زیاد شد. بسیاری از دختران سمپات سازمان توفان به ما پیوستند. بعضی از زنان و دختران که خارج زندگی می‌کردند و به ایران آمده بودند با ما همکاری می‌کردند. ... شاید حدود ۸۵ تا ۸۹ عضو در تهران و ۳۵ تا ۴۰ عضو در شهرستان‌ها.

یکی از زنان عضو این شکل در باره اهداف این سازمان چنین می‌گوید:

"مسایلی مانند حجاب اجباری، لغو قانون حمایت از خانواده، حق طلاق، قانون قصاص، سنگسار، چند همسری و... از مسایل مورد توجه ما بود. بر سر این مسایل در دانشکده‌های مختلف سخنرانی می‌گذاشتیم. از فعالیتهای دیگرمان کار در محلات فقیرنشین بود. از طریق کمیته‌های خیاطی و سوادآموزی و ... ما به جنبش مستقل زنان اعتقاد داشتیم ولی با دیدی انتقادی یعنی فکر می‌کردیم که گروه‌های چپ باید در آنها نفوذ کنند و ایده‌های سوسیالیستی را ببرند. ... به مسایل خاص زنان حساس بودیم ولی آشنایی زیادی با فمینیسم نداشتیم. به طور کلی نظر خوبی در مورد ایده‌های فمینیستی وجود نداشت. هر نوع برخورد با مساله رابطه‌ی زن و مرد هم به عنوان ایده‌ای فمینیستی محکوم می‌شد.^۱

در بخشی از طرح یا برنامه اتحادیه انقلابی زنان مبارز چنین آمده است:

"ریشه‌های نابرابری و بی‌حقی زنان به طور عمده در نابرابری اقتصادی و مناسبات اجتماعی ناشی از آن جای دارد. لذا یکی از مهم‌ترین اهداف اتحادیه بالا بردن سطح آگاهی زنان و نشان دادن لزوم شرکت آنان در فعالیتهای تولیدی اجتماعی می‌باشد. زیرا با شرکت در فعالیت تولیدی اجتماعی زنان از چارچوب تنگ خانه بیرون آمده و با سهیم شدن در گرداندن چرخ‌های اقتصادی جامعه به نیروی خود و ارزش انسانی و اجتماعی خویش پی می‌برند و لزوم مبارزه برای به دست آوردن حقوق اجتماعی اقتصادی و سیاسی مساوی با مردان را درک می‌کنند. مبارزات اتحادیه انقلابی زنان مبارز در راه کسب برابری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در شکل‌های زیر خلاصه می‌شود:

۱- مبارزه عام سیاسی که از مبارزات توده زحمتکشان علیه امپریالیست‌های رنگارنگ، علیه سلب آزادی‌های بیان، عقیده، اجتماعات و تظاهرات و ... به منظور برپا داشتن شوراها و تشکیلات خلقی و مجازات شدید تمام جنایتکاران دوران پهلوی جدا نیست.

۲- مبارزه برای تقاضاهای صنفی و احقاق حقوق پایمال شده زنان مثلاً حمایت از زنان در کسب حقوق برابر با مردان در مقابل کار مساوی، برخورداری از بیمه، حق اولاد، مبارزه در راه تامین امکانات رفاهی در دوران بارداری و پس از زایمان، ایجاد مهدکودک برای کودکان زنان زحمتکش، حق طلاق، مبارزه بر علیه قوانین از قبیل تعدد زوجات،

صیغه و ... هدف اتحادیه، حل اختلاف بین زنان و مردان طبقه استثمارگر نیست، بلکه مبارزات ما، درست علیه این طبقات، از زن و مرد و اربابان امپریالیست‌شان است. ما معتقدیم که آزادی زنان ایران، جدا از آزادی مردان نیست و این آزادی در گرو قطع دست کلیه امپریالیست‌ها از ایران است. ما خواهان استقلال و آزادی کامل ایران می‌باشیم و معتقدیم که کشورهایی مانند شوروی و چین که ماسک انقلابی و سوسیالیستی بر چهره خویش کشیده‌اند همانند امپریالیست‌های امریکایی، ژاپنی، آلمانی، انگلیسی، فرانسوی و... اهداف غارتگرانه دارند.

از فعالیت‌های این سازمان می‌توان به مراسم ۸ مارس ۵۷ اشاره کرد که در دانشکده هنرهای زیبا برپا شد و این برنامه ۵شنبه ساعت نه صبح برگزار شد و مجموعه‌ای بود از سخنرانی و نمایش فیلم و عکس. به گزارش کیهان در این اجتماع پیامی از زنان کارگر، صنایع نساجی مازندران و پیامی از یک زن کارمند و یک دختر دانش‌آموز از مدرسه‌ی نوربخش خوانده شد. مه‌ری جعفری در مورد تظاهرات ضد حجاب اجباری در اسفند ۵۷ چنین می‌گوید:

"تظاهرات ضدحجاب یک حرکت خودبه‌خودی بود که ما خیلی در جریان آن نبودیم. با این تظاهرات مخالفتی نداشتیم اما از این که در آن حضور نداشتیم خیلی هم ناراحت نبودیم. فکر می‌کردیم که زنان شرکت‌کننده در آن راهپیمایی بیشتر زنان سلطنت‌طلب و طرفداران شاپور بختیار هستند. ... ما فکر می‌کردیم با این که مساله حجاب مساله بسیار مهمی است اما شرکت در آن تظاهرات درست نیست.

او در مورد نحوه و نوع فعالیت‌هایشان چنین می‌گوید:

"عمده‌ی فعالیت ما، به غیر از انتشار ماهنامه‌ی سپیده‌ی سرخ این بود که به جنوب شهر می‌رفتیم با زنان جنوب شهر کار می‌کردیم. در دانشکده و مدارس دخترانه تهران و همچنین شهرستان‌ها سخنرانی می‌گذاشتیم. در حرکات اعتراضی شرکت می‌کردیم در باره مسایل سیاسی روز نظر می‌دادیم. مراسم ۸ مارس را در سال‌های بعد هم برگزار کردیم. دعوت از همه‌ی زنان و مردان مبارز میهن‌پرست در ۲۸ اسفند به منظور پشتیبانی از مبارزات ضدامپریالیستی خلق ایران در ملی کردن صنعت نفت، تحریم رفراندوم ضد دموکراتیک ۱۲ فروردین ... از جمله فعالیت‌های ما بود. به مسایل زنان کارمند در حد توان ذهنی و عملی مان می‌پرداختیم مثلاً مساله ایجاد مهدکودک در محل کار و یا حفظ

مهدکودک‌های قبلی، اکثر زنانی که در اتحادیه فعال بودند کارمند یا معلم بودند یا کسانی بودند که تازه از خارج آمده بودند و شغلی نداشتند.

دو سه نفر از دانشجویانی که از امریکا آمده بودند بر فمینیسم تاکید داشتند. ما فکر می‌کردیم باید اصلاح قوانین را بخواهیم. به خصوص با توجه به این که در مواردی مانند آزادی پوشش، حق طلاق، حضانت فرزندان که جمهوری اسلامی به قوانین محدودی هم که از پیش وجود داشت حمله کرده بود. اما اصولاً بر این عقیده بودیم که رهایی واقعی زن پس از انقلاب سوسیالیستی تحقق خواهد یافت.

با جمعیت بیداری زنان و زنان جبهه دموکراتیک ملی و ... همکاری می‌کردیم. در کمیته همبستگی زنان هم جلسات منظمی داشتیم ... کمیته همبستگی زنان جلسات منظمی داشت. نمایندگان گروه‌های مختلف در آن شرکت می‌کردند. فعالیت عمده‌مان تدارک یک کنفرانس در اعتراض به پیش‌نویس قانون اساسی مصوبه‌ی خبرگان بود. در مورد قانون قصاص اعتراض کردیم. وقتی قانون حمایت از خانواده را لغو کردند یک تظاهرات اعتراضی به راه انداختیم. حدود ده هزار اعلامیه منتشر کردیم^۱.

اتحادیه با سرکوب سال ۶۰ از بین رفت. البته اختلاف میان خود اعضای توفان در این مساله بی‌تاثیر نبود. خانم مه‌ری جعفری از توفان کناره گرفته بود.

۳-۵-۳-۶- جمعیت بیداری زنان

کمیته ایجاد جمعیت بیداری زنان، در اواسط دی ماه ۱۳۵۷ به وسیله‌ی تعدادی از زنان آزادی‌خواه تشکیل شد و در تاریخ ۷ اسفند ۵۷ این کمیته موجودیت خود را اعلام کرد. این جمعیت با جمعیت دیگری به نام جمعیت بیداری زنان متفاوت است که در سال ۱۳۳۹ برای تساوی حقوق زنان کشور تاسیس شده بود.^۱ ژاله بهروزی یکی از بنیان‌گذاران آن چنین می‌گوید:

۱- موسس این جمعیت روزنامه‌نگاری به نام اعظم سپهر خادم است. فعالیت‌های این انجمن بیشتر در زمینه خیریه و رسیدگی به بیمارستان‌ها و پرورشگاه‌ها و شیرخوارگاه‌ها و کمک به خانواده‌های کم‌بضاعت و نجات بیماران معتاد رسیدگی به خانواده‌های آنان، تشکیل کلاس‌های خیاطی، انگلیسی، شمع‌سازی تقویتی برای دانش‌آموزان بی‌بضاعت، توزیع سوخت

در زمان تشکیل "اکثر موسسین جمعیت مدتی کوتاهی بود که به ایران آمده بودند. ما امیدوار بودیم با ایجاد این کمیته‌ی موقت با فعالیت جنبش زنان در داخل و زنان فعالی که از خارج آمده بودند تماس برقرار کرده و مشترکا در راستای ایجاد یک سازمان دموکراتیک زنان اقدام کنیم به این دلیل این نام را انتخاب کردیم.... موضوع جنبش زنان یکی از موضوعاتی بود که در انجمن‌های دانشجویی در خارج از کشور به ویژه از سال ۶۸ میلادی مطرح گردید. من همراه با چند تا از دختران دانشجو یکی از نخستین کمیته‌های زنان را در فدراسیون امریکایی کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایران تشکیل دادیم. این تشکل با اعلامیه‌ای اعلام موجودیت کرد. من عضو گروه زحمت بودم. دو هدف را در دستور کار قرار داده بودیم: یکی مساله زنان بود و دیگری نشریه عمومی و پیشرو به نام ندای آزادی... تعداد زیادی از زنان تقاضای عضویت در آن را داشتند اما شمارشان را به یاد ندارم. در خبر اعلام موجودیت کمیته‌ی ایجاد جمعیت بیداری آمده که این جمعیت به هیچ سازمان و گروهی وابسته نیست ... درست است که پایه‌گذاران جمعیت ما از اعضای گروه زحمت بودند اما ما استقلال داشتیم. در جست‌وجوی چه باید کرد بودیم. اهمیت ایجاد جریان‌های مستقل و دموکراتیک را احساس می‌کردیم. ما بر این باور بودیم که تشکل‌های دموکراتیک این توانایی را خواهند داشت که مردم عادی را جلب و متشکل کنند. جمعیت بیداری زنان تشکیلات دموکراتی بود که به جز زنان عضو زحمت زنان دیگری هم در آن عضویت داشت و فعالیت‌هایش متنوع بود. رهبری زحمت در اداره‌ی ما دخالتی نداشت. در ابتدای کار چند تن از فعالین مرد سیاسی نیز با ما همکاری داشتند این جمعیت توسط ۸ نفر بوجود آمد (ژاله بهروزی، محمد امینی احمد تقوایی شهلا شعشعانی، لطیف، الهه مینا، عباس و... کسانی که عضو جمعیت بیداری زنان شدند فعالیت هایشان را در کارخانه‌ها ادامه دادند. سعی بر این بود که زنان کارگر را بسیج کنیم.

در نشریه شماره‌ی ۲ در مورد اهداف جمعیت بیداری زنان چنین نوشته شده است:

زمستانی در میان مستمندان... این جمعیت یکی از سازمان‌هایی است که شورای عالی جمعیت‌های زنان ایران را به ریاست اشرف پهلوی تشکیل دادند. از اعضای آن می‌توان به سیمین بهبهانی، شهناز شریف‌زاده، ظفر ظفری، ملکه طالقانی و... اشاره کرد. کتاب خیزش، ص ۳۵۰ به نقل از تاریخچه و فعالیت‌های سازمان زنان ایران، مجله بانوان، آرشیو تاریخ شفاهی بنیاد مطالعات ایران، کارنامه‌ی زنان مشهور ایران، فخری قومی

”هدف ایجاد تشکیلات سراسری زنان ایران است. تشکیلاتی که از نظر شکل، دموکراتیک، مستقل از احزاب سیاسی و در برگیرنده‌ی وسیع‌ترین جمع زنان باشد و از نظر محتوای سیاسی، سازمانی ضدامپریالیستی و دموکراتیک و منعکس‌کننده خواست‌های به حق انقلابی اکثریت مردم این سرزمین باشد...“

در ادامه، نکات پیش گفته به اختصار توضیح داده می‌شود:

”از نظر تشکیلاتی، مقصود ما (جمعیت بیداری زنان) از سازمان دموکراتیک مستقل و در برگیرنده وسیع‌ترین زنان، آن چنان سازمانی است که در برگیرنده همه‌ی زنان طبقات مردمی، صرف نظر از عقاید مذهبی و یا ایدئولوژیکشان بوده و هم چنین وابسته به هیچ دسته و یا گروه و یا جریان خاص سیاسی نباشد و اصول کاملاً دموکراتیک در روابط درون آن حکمفرما باشد. واضح است که خود کمیته ایجاد جمعیت بیداری زنان و یا کلیه تشکل‌هایی که هم اکنون به گرد کمیته‌ی اصلی تشکیل شده‌اند از چنین خصوصیتی برخوردارند.“

از نظر سیاسی هم کمیته ایجاد جمعیت بیداری زنان و هم تشکیلات سرتاسری زنان ایران که باید در آینده نزدیک تشکیل گردد به مثابه بخشی متشکل از جنبش ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی مردم ایران، می‌بایست خواست‌های عمومی این انقلاب را که هنوز به انتها نرسیده و تکمیل نشده است به پیش گذارده و همدوش و همراه با سایر تشکل‌های جنبش در راه برآوردن این خواسته‌ها مبارزه کند.

ژاله بهروزی در کیهان ۷ اسفند ۵۷ در گردهمایی دانشگاه تهران اهداف این جمعیت را به صورت زیر اعلام کرد:

”اشاعه‌ی اندیشه‌ی آزادی و برابری در میان زنان و به ویژه قشرهای تنگ‌دست جامعه، بسیاری از زنان دچار استثمار مضاعف هستند و از حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی محروم مانده‌اند“

در نشریه این گروه که در همین گردهمایی پخش شد، آمده است:

”تصویری از شرایط زندگی و کار داده شد و در مقاله‌ای نیز تحت عنوان زن در انقلاب ما از ”ستمی که از طرف مردان به زنان به علت زن بودنشان بر آنها تحمیل می‌شود“ و

استثماری که کارفرمایان و یا سرمایه‌داران وابسته به ایشان روا می‌دارند سخن رفته است.

۱

ژاله در مصاحبه با فیگارو اعلام می‌کند :

" ما فمینیست نیستیم چرا که هدفمان مبارزه با مردان نیست... آنچه برای ما اهمیت دارد برابری دستمزد با مردان نیست. بلکه بیش از هر چیز بیداری سیاسی زنان است... در جریان انقلاب زنان پرشماری در کنار مردان تظاهرات کردند و شماری‌شان کشته شدند اما آنها انگیزه سیاسی نداشتند و این مثبت نیست.

" پس از آنکه در مطبوعات آن زمان مطرح شد که زنان حق قضاوت ندارند و نمی‌توانند قاضی شوند بعد از لغو قانون حمایت خانواده و مساله حجاب اجباری در ادارت دولتی مشخص شد که حکومت مذهبی قصد محدود کردن حقوق زنان را در همه‌ی زمینه‌ها دارد ما متوجه شدیم که فقط مساله زنان کارگر و زحمتکش مطرح نیست. باید فعالیت ما ابعاد وسیع‌تری پیدا کند و عموم زنان را در بر بگیرد. به همین دلیل شعارها و فعالیت های آن زمان دیگر محدود به کارگران و زحمتکشان نبود و ابعاد دموکراتیک وسیع‌تری به خود گرفت.

اطلاعی‌ای برای بزرگداشت مراسم ۸ مارس منتشر شد. در آن از زنان و مردان آزادی‌خواه دعوت شده بود که در مراسم پنج شنبه ساعت ده صبح در دانشکده‌ی فنی شرکت کنند. در آن اعلامیه آمده بود: جمعیت بیداری زنان خواهان مزد برابر در مقابل کار برابر با مردان برای زنان زحمتکش؛ آزادی و برابری کامل برای زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، لغو فوری همه‌ی قوانین اسارت‌باری است که علیه حقوق دموکراتیک زنان است. ایجاد امکانات رفاهی رایگان برای زنان باردار و مادران زحمتکش ... اما اشاره‌ای به مساله روز که حجاب اجباری بود نشده بود.

به یاد دارم حدود ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفر به این جلسه آمده بودند. می‌خواستیم جلسه ۸ مارس تا حد امکان بزرگ باشد به سراغ زنان روشنفکر رفتیم. هما ناطق به ما روی خوش نشان داد. اطلاعی‌مان را وسیعا در رادیو و تلویزیون و مطبوعات پخش کردیم... عده‌ای از

دانشجویان را صبح آن روز به مدارس دور و بر دانشگاه فرستادیم. سخنران اصلی من بودم. متن شعارها و پلاکاردها را باید درست می‌کردیم. حدس می‌زدیم که ۳۰۰ نفر شرکت کنند. شعارهایی که نوشتیم همان بود که در اعلامیه آورده بودیم. شعارهایی هم در مورد حجاب نوشتیم. مثل: "آزادی باید نباید نداره" ... هر کدام از ما مسوولیتی داشتیم. من به تنهایی به دانشگاه رفتم. در طول راه دیدم که عده‌ی زیادی زن در همان جهت من حرکت می‌کنند. برابم خیلی عجیب بود. ما قصد برگزاری یک گردهمایی به مناسبت ۸ مارس داشتیم نه راهپیمایی... اما آن روز سخنرانی من بیش از ۲۰ دقیقه طول نکشید. من اواسط صحبت‌هایم بودم شرکت‌کنندگان پیشنهاد دادند به طرف نخست‌وزیری حرکت کنیم. عده‌ای از زنان که در تظاهرات خیابانی شرکت داشتند یک باره به داخل سالن آمدند و جو را تغییر دادند. کسانی که در داخل سالن بودند گفتند چرا اینجا نشسته‌ایم باید برویم راهپیمایی. وقتی دیدم خواست اکثریت این است، سخنرانی‌ام را کوتاه کردم و همه به سمت نخست‌وزیری راه افتادیم. در خبر کیهان ۱۷ اسفند آمده است: "زنان عضو کمیته بیداری زنان که امروز پس از یک راهپیمایی طولانی در تهران در دانشگاه تهران اجتماع کرده بودند، اعلام داشتند که تنها نجابت و پاک‌ی زن را به عنوان حجاب اجباری می‌پذیرند ... ۱۵ هزار زن در دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران مراسم سخنرانی داشتند به دنبال یک رای‌گیری تصمیم گرفتند دست به راهپیمایی بزنند. آنها در حالی که گروهی از مردان همراه‌شان بودند به طرف نخست‌وزیری حرکت کردند. زن‌ها شعار می‌دادند: "ما با استبداد مخالفیم" "چادر اجباری نمی‌خواهیم"^۱

در تجمع کاخ دادگستری هم شرکت کردیم. همین طور روز ۲۱ اسفند هم در زمین چمن دانشگاه از طرف جمعیت ما خانم شهلا شعشعانی سخنرانی کرد. او حین سخنرانی به عنوان یک حرکت سمبولیک روسری‌اش را از سر برداشت و به زمین انداخت. عده‌ای هم به دنبال او چنین کردند. در روزنامه‌ها نوشته بودند که اینها زنان ساواکی و پالتوپوست‌پوش‌ها هستند...

۱- متین، مهناز، مهاجر ناصر، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷

با تشکل‌های زنان موجود مانند جمعیت زنان مبارز و اتحادیه انقلابی زنان مبارزه و غیره تماس گرفتیم.

این جمعیت اطلاعیه‌ای در ۲۴ اسفند منتشر کرد که در آن آمده است:

"کسانی حجاب برای‌شان موضوع عمده‌ای است که در سایر زمینه‌ها خواست چندانی ندارند و هشدار ما به نیروهای مترقی و مبارز زنان همین است که شما اگر موضوع حجاب را بی‌جهت به موضوع عمده بدل کنید راه را برای نفوذ زنان هوادار قانون اساسی و هوراکشان ششم بهمن‌ها باز خواهید کرد... زنان آزادند که چادر یا روسری سر بکنند یا نکنند. ما مخالف حجاب اجباری هستیم و با انتخاب حجاب از طرف زنان به هیچ وجه مخالفتی نداریم. طبیعی است که ولنگاری فرهنگ امپریالیستی و رفتار و لباس‌های خلاف عفت را که رژیم شاه و طبقات ممتاز جامعه متداول می‌کنند قاطعانه محکوم می‌کنیم. و در بخشی از اطلاعیه تاکید شده بود: "کمیته ایجاد جمعیت بیداری زنان به هیچ وجه به طور متشکل در تظاهرات و راه پیمایی‌های بعد از ۱۷ اسفند که عمدتاً در اعتراض به اجباری بودن حجاب ترتیب داده شد، شرکت نکرد و نماینده‌ی ما در سخنرانی روز دوشنبه دانشگاه نظر ما را مبنی بر ناصحیح بودن راهپیمایی بیان نمود و اعلام کرد از آنجا که دولت و مقامات مذهبی و سیاسی در مورد حجاب اجباری موضع خود را بخشا اصلاح کرده‌اند، ادامه‌ی راهپیمایی در این زمینه مشخص را کاری نادرست و غیرضروری می‌دانیم ... در آن زمان اسفند ۵۷ ما گمان می‌کردیم که با دوره‌ای از فضای باز سیاسی روبرو خواهیم بود و به همین دلیل اعتقاد داشتیم که ایجاد نهادهای دموکراتیک و تشکل‌های زنان، به ویژه تشکل‌های زنان زحمتکش یکی از مهم‌ترین وظایف نیروهای سیاسی است. ... در عرض چند هفته از یک جمع ۷-۸ نفره تبدیل شدیم به جمعی ۳۰۰ یا ۴۰۰ نفره. آنقدر سریع که به سختی می‌توانستیم آنها را سازمان بدهیم. علت موفقیت همان برنامه ۸ مارس بود و ارزیابی ما از شرایط و آنچه می‌بایست انجام دهیم... همان زمان آگاه بودیم که مساله اصلی وسعت بخشیدن به تشکیلات زحمت نیست بلکه به وجود آوردن یک تشکیلات دموکراتیک و فراگیر است که بتواند در سطح وسیع مردم را جذب کند... در شماره‌ی ۶ نشریه "بیداری زن"، ارگان جمعیت بیداری زنان، از دولت خواسته شده بود که در موضع نادرست و سست خود در قبال حقوق زنان، تجدیدنظر کند و خواست‌های زنان

زحمتکش را فوراً به مرحله اجرا در آورد. همچنین این جمعیت در مورد مساله کردستان، دولت را مقصر می‌دانست.

۳-۵-۳-۷- کمیته دفاع از حقوق زنان

این کمیته وابسته به حزب کارگران سوسیالیست بود. این حزب با تفکرات تروتسکیستی بعد از بهمن ۵۷ تشکیل شد. بیشتر اعضای آن قبل از برگشت به ایران در اروپا و امریکا به تحصیل و فعالیت سیاسی مشغول بودند. در اسفند ۵۷ برای برگزاری اولین ۸ مارس، کمیته موقت تدارکات روز جهانی زن در ایران تشکیل شد و بعدها به کمیته دفاع از حقوق زنان تغییر نام داد.

از جمله فعالیت‌های این کمیته می‌توان به تلاش‌های اعضای آن در سازماندهی و شرکت در تظاهرات زنان علیه حجاب اجباری در اسفند ۵۷ اشاره کرد. کمیته دفاع از حقوق زن برای تظاهرات بزرگ ۲۱ اسفند بیانیه‌ای صادر کرد که در آن آمده بود:

"آیا زنان حق دارند که خود تصمیم بگیرند چگونه می‌خواهند لباس بپوشند؟ آیا زنان حق دارند خود تصمیم بگیرند می‌خواهند با حجاب باشند یا بدون حجاب؟... مستی از رهبران دولتی و مذهبی، کسانی که بر اریکه‌ی قدرت تکیه زده‌اند، سعی می‌کنند به این حق مسلم زنان تجاوز کنند... در چند روز گذشته زنان بسیاری به جرم این که بی‌حجاب بوده‌اند به وسیله چاقو، زنجیر، پاره سنگ، و اسید مجروح شده‌اند... امروز مساله آزادی زنان به نقطه‌ی کانونی آزادی همه‌ی محرومان، آزادی میلیون‌ها مردم زحمتکش مبدل شده است... برای دفع این حملات به حقوق دموکراتیک زنان، احتیاج به بسیج و مبارزه‌ی عمومی است. لازم است که تمام طرفداران آزادی علیه این اجحاف صدای اعتراض خود را رسا و بلند به گوش همگان برسانند... بدین منظور راهپیمایی و تظاهراتی برای روز شنبه ۲۱ اسفند برگزار خواهد شد."

۳-۵-۳-۸- جمعیت زنان مبارز

این جمعیت در اوایل اسفندماه ۱۳۵۷ تشکیل شد. جمعی پنج نفره هدایت جمعیت زنان مبارز را بر عهده داشت. اطلاعیه اعلام وجود آن در کیهان یکشنبه ۶ اسفند و پیغام امروز ۹ اسفند درج شد. از اعضای موسس آن می‌توان به گلنار بدخشان و مریم جزایری اشاره کرد که در کنفدراسیون دانشجویان ایران در امریکا فعال بودند. آنان عضو سازمان انقلابیون کمونیست و سپس اتحادیه کمونیست‌های ایران بودند و قبل از بهمن ۵۷ به ایران بازگشتند و برای تشکیل جمعیت زنان مبارز با جریان‌های مختلف از جمله پیکار تماس گرفتند.^۱ در اطلاعیه‌ی این سازمان اعلام شده بود که "جمعیت زنان مبارز تشکلی مستقل است و وابسته به هیچ حزب و دسته و گروهی نیست" گلنار در این باره چنین توضیح می‌دهد:

"جمعیت تنها از اعضای اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران تشکیل نشده بود. افراد مستقل چه هم در جمعیت زنان مبارز بودند. عناصری از سازمان‌های موسوم به خط سه ... درضمن ما تلاش داشتیم که در یک چارچوب دموکراتیک کار کنیم. و چشم‌اندازمان تشکیل یک سازمان فراگیر و فراگرایشی برای زنان بود. اما این واقعیتی است که خط جمعیت، خط اتحادیه بود."

در بیانیه اعلام موجودیت، اهداف این سازمان این گونه طرح شده است:

- ۱- مبارزه پیگیر و بی‌امان علیه امپریالیست‌ها و بقایای ارتجاع داخلی تا ریشه‌کن کردن قطعی استثمار و استبداد و به دست آوردن استقلال و آزادی واقعی؛
- ۲- پشتیبانی بی‌دریغ و فعال از خواسته‌های مردم، به خصوص خواسته‌های ضروری و به حق کارگران و زحمتکشان؛
- ۳- آشنا و آگاه نمودن زنان به حقوق دموکراتیک خویش و وظایفشان در قبال خلق و میهن؛
- ۴- مبارزه برای احقاق حقوق دموکراتیک زنان که از جانب دولت، کارفرما و یا دیگر موسسات و نهادهای اجتماعی ضایع شده باشد؛

۱- متین، مهناز، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷، جمعیت زنان مبارز، ص ۴۳۲

اعلام موجودیت در روزنامه کیهان ۶ اسفند و پیغام امروز ۹ اسفند ۵۷ منتشر شد.

۵- مبارزه علیه فرهنگ پوسیده و مبتذل استعماری و ارتجاعی رژیم فاسد و سرسپرده گذشته که از طرق مختلف به زنان ستمدیده ایران تحمیل گردیده است و جانشین کردن آن به وسیله فرهنگی پویا، ملی و مترقی؛

به اعتقاد این جمعیت زنان بدون رهایی جامعه آزاد نمی‌شوند و جامعه بدون رهایی زنان. به نظر این جمعیت جنبش زنان به مثابه بخش لاینفکی از جنبش کبیر خلق‌های ایران خواست‌هایی عمومی دارد. نظر جمعیت زنان مبارز در مورد دولت در اولین شماره نشریه زن مبارز در مقاله‌ای به طور صریح اعلام شده است. این جمعیت دشمنان انقلاب دموکراتیک و ضدامپریالیستی ایران را دشمنان جنبش زنان و دوستان انقلاب ایران را دوستان جنبش زنان می‌داند و بیان می‌کند که جنبش زنان بایستی با دشمنان انقلاب ایران یعنی تمامی امپریالیست‌ها و ارتجاع جهانی و در راس آن دو ابرقدرت امپریالیستی امریکا و شوروی، مرزبندی و با تمامی دوستان انقلاب ایران و در راس آن خلق‌های ستمدیده جهان صف‌بندی مشترک داشته باشد. هم چنین به نظر این جمعیت در عرصه‌ی جامعه‌ی ایران دشمنان اصلی جنبش زنان همانا نیروهای نظام کمپرادور فئودالی حاکم یعنی سرمایه‌داران وابسته به جهان‌خواران امپریالیست و ملاکین بزرگ و کوشش‌های این نظام برای پس گرفتن مواضع از دست‌رفته‌اش بوده و دوستان و هم‌پیمانان جنبش زنان در درجه‌ی اول طبقه‌ی کارگر قهرمان و دهقانان و سایر زحمتکشان و نیز مجموعه نیروهای خلقی هستند.

در شماره‌ی دوم نشریه "زن مبارز" ارگان تبلیغاتی و آموزشی جمعیت زنان مبارز، چنین آمده بود:

"جمعیت زنان مبارز تشکیلاتی است در خدمت زنان زحمتکش و مبارز ایرانی، این تشکیلات به هیچ گروه و حزب داخلی یا خارجی وابستگی ندارد. این تشکیلات دموکراتیک، ضدامپریالیستی و مردمی می‌باشد. هر زن ایرانی از هر ملت ایرانی، مذهب و یا هر ایدئولوژی مترقی و مردمی که با اهداف ضدارتجاعی و ضدامپریالیستی و مردمی جمعیت و اساسنامه‌ی آن موافق باشد، می‌تواند به عضویت آن در آمده و در برنامه‌ها و کمیته‌های جمعیت شرکت ورزد. جمعیت از نظر مادی و مالی متکی به حق عضویت اعضای خود و برنامه‌های مالی از قبیل فروش جزوات و نشریات ... می‌باشد. برادران

همرزم ما می‌توانند به عنوان همکار جمعیت در ارتباط با فعالیت‌های جمعیت قرار گیرند. اساس فعالیت‌های جمعیت در آموزش و مددکاری به زنان زحمتکش ایرانی برای ارتقای سطح آگاهی خود و درگیر شدنشان در مبارزات ضدامپریالیستی و متشکل شدن برای احقاق حقوق حقه‌ی توده‌های زحمتکش و ستمدیده زنان و همپایی با مبارزات سایر قشرها و طبقات مترقی جامعه می‌باشد.^۱

بدخشان در مورد فعالیت‌های این جمعیت چنین عنوان می‌کند:

"بعدها وقتی جمعیت زنان مبارز در میان اقشار مختلف زنان کشور خودمان به خصوص زنان جوان پایه‌ای پیدا کرد، ما فیلم‌های مختلفی را برای نمایش به ایران آوردیم ... هسته‌های متعددی در شهرستان‌ها ایجاد کرده بودیم و برای آنها نشریه می‌فرستادیم. به شهرهایی مانند سنندج، ارومیه، سقز، اهواز، آبادان و شیراز و... نشریه می‌فرستادیم."

جمعیت زنان مبارز اولین گروهی است که برای برگزاری مراسم ۸ مارس فراخوان داد. در دو ماهه‌ی پس از انقلاب این سازمان فعالیت‌های تبلیغی بسیاری داشت و در روزنامه‌های آن دوره اخبار و بیانیه‌های آنان منتشر می‌شد. به گفته بدخشان برای برگزاری مراسم هشت مارس با گروه‌هایی مانند پیکار، توفان، سهند و... تماس گرفته بودند. بدخشان عنوان می‌کند که در مراسم ۸ مارس ۵۷ بیش از هزار نفر به میز آنها مراجعه کرده و برای عضویت در جمعیت آمادگی کردند. اما به گفته بدخشان، آنها نتوانستند جز تعداد معدودی را متشکل کنند. دلیل آن را هم نداشتن کادر کافی و سیاست اتحادیه‌ی کمونیست‌ها عنوان می‌کرد. چون بسیاری از کادرهای زن را به محلات پایین شهر و کارخانه‌ها فرستاده بودند.

اولین شماره‌ی زن مبارز در ۱۵ اسفند ۵۷ منتشر شد. در این نشریه تاکید بر زنان زحمتکش و کارگر است. ۸ مارس را روز جهانی زنان زحمتکش می‌خواند. بعد از جنگ ایران و عراق کار جمعیت و انتشار نشریه زن مبارز متوقف شد. اختلاف در میان تشکیلات اتحادیه و گرایش به راست در این سازمان که بخشی از حکومت را مترقی می‌دانست، یکی از دلایل اصلی توقف کار جمعیت بود.

^۱ - آیندگان ۷ و ۸ اردیبهشت ۵۸

۳-۵-۳-۹- اتحاد ملی زنان

یکی از اولین، بزرگ‌ترین و پردوام‌ترین تشکلهای زنان که در این سال‌ها تشکیل شد، اتحاد ملی زنان^۱ بود. بیشتر اعضای این سازمان، طرفدار سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بودند. البته زنانی از سایر گرایش‌های فکری دیگر مانند راه کارگر، اتحاد چپ و ... نیز در آن فعال بودند. مکان فعالیت اتحاد زنان مناطق جنوب شهر تهران مانند ۹ آبان، جاده بهشت زهرا و ... بود. ابتدا نشریه "برابری" و سپس نشریه "زن در مبارزه" را منتشر کردند. شروع شکل‌گیری این سازمان به اسفند ۱۳۵۷ برمی‌گردد. در این زمان اطلاعیه‌ای در دانشگاه تهران پخش شد. متن اطلاعیه به این شرح بود:

"بدون شرکت آگاهانه و فعال زنان هیچ جنبش انقلابی به پیروزی نخواهد رسید. در هر اجتماعی میزان واقعی آزادی بستگی به میزان آزادی زنان در آن اجتماع دارد ... حقوق انسانی زن به عنوان یک فرد جامعه در اعصار متمدنی پایمال گشته و به زن همواره نقش جانبی در اجتماع داده است ... حال لازم است همگی با هم برای رسیدن به اهداف انقلاب در جهت نابودی کامل امپریالیسم، تساوی حقوق دموکراتیک، تحقق تمام خواسته‌ها و احتیاجات زحمتکشان به خصوص زنان زحمتکش و تحقق تساوی کامل حقوق اجتماعی و سیاسی برای زن و مرد، تساوی کامل زن و مرد در آموزش و پرورش، مزد مساوی برای کار مساوی، ایجاد وسیع مهدکودک در سراسر کشور به خصوص برای مادران زحمتکش، تسهیلات رفاهی برای دوران بارداری و زایمان با استفاده از مرخصی کافی با حقوق، ایجاد امکانات عمومی برای تسهیلات در کارخانه‌ها و ... بکوشیم که بدین وسیله زمینه شرکت فعال و موثر زنان در تمام سطوح اجتماعی و سیاسی فراهم گردد."

در انتهای بیانیه نیز خطاب به زنان مبارز و زحمتکش ایران، خواسته شده تا با بسیج هرچه بیشتر زنان، کار آگاه‌گرانه بین زنان و با برگزاری جلسات بحث روشنگرانه در راه تشکل واحد و مبارز زنان و از درون بحث و تبادل نظر همگانی زمینه‌ی ایجاد سازمان واقعی زنان را فراهم نمایند و نیز زمان و مکان برگزاری جلسه را مطرح کرده است.

۱- متین، مهناز، مهاجر ناصر، بازبینی تجربه اتحاد ملی زنان

در جزوه‌ای که تعدادی از دست‌اندرکاران و موسسان اتحاد ملی زنان از سال ۶۰ تا ۶۴ تدوین کرده‌اند، تاریخچه و نقد عملکرد این سازمان درج شده و در باره‌ی تاسیس این سازمان توضیحاتی به شرح زیر آمده است:

"اکثر موسسان اولیه‌ی این سازمان، روشنفکرانی بودند که در خارج از کشور به مبارزه‌ی سیاسی علیه رژیم شاه اشتغال داشتند و پس از قیام به ایران بازگشتند. این افراد ابتدا تلاش زیادی را برای جلب حمایت فدائیان و مجاهدین از تشکیل یک سازمان دموکراتیک زنان کردند ... سازمان مجاهدین تنها به قول ظاهری حمایت اکتفا کرد و سازمان فدائیان پس از تلاش‌های بسیار موسسان اتحاد بدون پذیرش هیچ گونه مسوولیتی، یک رابط معین کرد تا فعالیت‌های اتحاد را مورد بررسی قرار دهد و پس از آن در مورد این سازمان تصمیم گرفته شود ... قبل از اعلام موجودیت اتحاد، موسسان اولیه تشکیل جلساتی را از طریق روزنامه‌ها اعلام کردند و هدف آنها بحث آزاد در باره‌ی مساله زنان و جلب هر چه بیشتر زنان علاقه‌مند بود که سبب شد تعدادی از هواداران گروه‌های دیگر از جمله "اتحاد چپ" و برخی از گروه‌های خط سه و عده‌ای از زنان منفرد غیرسیاسی در این جلسات شرکت کرده و این سازمان زنان را پایه‌ریزی کردند.

بحث آزاد در مدرسه عالی شمیران به دعوت این گروه از زنان تشکیل شد. محور بحث آزاد، مساله زن و تشکل مستقل زنان بود. بحث آزاد بعدی در دانشگاه تهران برگزار شد و بیش از سه هزار نفر در آن شرکت کردند. بعد از این دو بحث آزاد تعدادی جلسه خصوصی‌تر با افراد پیگیرتر گذاشته شد و به این نتیجه رسیدیم که ضرورت تشکل مستقل زنان و مبارزه مستقل زنان هست.^۱

در این جلسات مشکلات زنان ایرانی و لزوم تشکیل سازمان‌های مستقل زنان به طور خلاصه مورد بحث قرار می‌گرفت. ۸ فروردین ۵۸ هیات موسس "اتحاد ملی زنان" با انتشار بیانیه‌ای اعلام موجودیت کرد. در ابتدای بیانیه، به مبارزات زنانی مانند محبوبه متحدین، مرضیه احمدی اسکویی، فاطمه امینی، مهرنوش ابراهیمی، زهرا قلهکی، اعظم روحی‌آهنگران و همین

۱- میزگرد اتحاد ملی زنان و سازمان رهایی زن، فصل گلسرخ

طور زنانی که در ۱۷ شهریور کشته شدند، مانند کبری صفا، نسرین امین و میترا دقیق، اشاره شده و در ادامه، خط مشی گروه اتحاد ملی زنان، این گونه برشمرده شده است:

”۱- با هیچ یک از نیروهای سیاسی و گروه‌های وابسته به چین و شوروی همکاری نمی‌کنیم. ۲- در رابطه با جمعیت‌های زنان با هیچ یک از گروه‌هایی که زنان را در مقابل نیروهای مبارز قرار می‌دهند و یا با گروه‌های ارتجاعی، که در مواقع حساس زنان را در جهت مسایل انحرافی و فرعی بسیج می‌کنند، همکاری نمی‌کنیم. ۳- در رابطه با نیروهای دموکراتیک، آمادگی خود را برای همکاری با نیروهای دموکراتیک ملی و مستقل، صرف نظر از اعتقادات ایدئولوژیکی و دینی اعلام می‌کنیم. ۴- در رابطه با دولت منتخب مردم آمادگی خود را برای مشارکت در کلیه شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در جهت سازندگی جامعه ایران و مبارزه با نهادهای نظام سابق اعلام می‌داریم و خواهان سهیم شدن در تدوین کلیه قوانین مملکتی، خاصه مقررات مربوط به خانواده و کار هستیم. ۵- در رابطه با حرکت‌های ملی، ما مبارزه با امپریالیسم را از اساسی‌ترین اهداف خود می‌دانیم. زیرا جامعه سرمایه‌داران و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است که زنان زحمتکش را استثمار می‌کند، برابری حقوق زن و مرد را سلب و از زنان موجوداتی تجملی و مصرف‌کنندگان کالاها را تجملی می‌سازد و از این طریق اقتصاد وابسته و جامعه مصرفی را تحکیم می‌بخشد و زنان را از مشارکت و مبارزه دوشادوش مردان باز می‌دارد و به مسیر انحرافی می‌کشانند. ۶- در رابطه با مردم، ما رهایی خود را جدا از رهایی طبقات زحمتکش نمی‌دانیم. از این رو برقراری ارتباط مستقیم با طبقات محروم، رسیدگی به شرایط کار، وضع رفاهی و بهداشتی زنان زحمتکش را جزو وظایف و مسوولیت‌های عمده‌ی خود می‌دانیم. هم چنین ارتقای سطح فرهنگی و سیاسی آنان را از برنامه‌های اساسی برمی‌شماریم. ما از کلیه زنان آزاداندیش و آزادی‌خواه می‌خواهیم که با ما در راه سازندگی ایرانی آزاد و دموکراتیک همگام شوند.“

در انتها آمده که این منشور، حاصل بحث آزادی است که در تاریخ ۱۲ و ۲۱ اسفند ۱۳۵۷، در مدرسه عالی شمیران و تالار فردوسی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، برگزار شد. یک شماره تلفن هم برای تماس علاقه‌مندان ذکر شده است.

پس از اعلام تاسیس اتحاد ملی زنان در تهران، زنانی از شهرستان‌های مختلف برای ایجاد ارتباط با این سازمان اظهار تمایل کردند که از سوی اتحاد بی‌پاسخ نماند و در برخی شهرستان‌ها فعالیت‌هایی برای ایجاد ارتباط و نشر این افکار انجام شد. برای نمونه در سوم آذر ۵۸ در رشت، این سازمان ضمن برگزاری یک برنامه سخنرانی و نمایش فیلم موجودیت خود را اعلام کرد. در این مراسم عاطفه گرگین، همسر خسرو گل‌سرخ، در باره زنان و نقش تعیین‌کننده‌ی آنها در تولید اجتماعی و مبارزات خلق‌های قهرمان ایران، مطالبی بیان کرد.

۱۸ دی ماه ۵۹ اتحاد ملی زنان بیانیه‌ای تحت عنوان هشدار به زنان مبارز ایران منتشر کرد که در آن به لایحه قصاص پرداخته است و مواد ۴، ۵، ۱۶، ۱۸، ۲۳ و ۲۶ را مورد بررسی قرار داده است. در انتها نیز هشدار داده بود:

"ما به حکم وظیفه‌ای که در قبال تمامی نسل‌های حال و آینده این سرزمین برای خود می‌شناسیم به کلیه زنان آگاه و رزمنده هشدار می‌دهیم که نگذارند شرایط فوق‌العاده و تحمیلی زمان جنگ و عدم وجود فضای باز سیاسی برای برخورد فعالانه آنان نسبت به لایحه تدوین شده که به هر حال سرنوشت زندگی اجتماعی آنان را تعیین می‌کند و باید در خدمت احقاق حقوق آنان و در جهت منافع توده‌های ستمدیده باشد، در جو انفعال و بی‌تفاوتی تصویب و اجرا شود. ما به تمام مردم این سرزمین به خصوص زنان هشدار می‌دهیم که لایحه جدید "جزا" (قصاص و مقررات آن) غیرانسانی است و با تبعیضات شدید جنسی پایمال کردن حقوق طبقات فرودست و کم‌درآمد همراه است. باید با آن به مقابله برخاست و مانع تصویب آن در شکل کنونی گردید."

در ۱۵ آبان ۵۹ اتحاد ملی زنان موضع خود را نسبت به نظرات سازمان چریک‌های فدایی خلق (اکثریت) منتشر و به این اشاره کرد:

"برخی از افراد و اعضا با تغییر نظرات گذشته خود برای نیروهای سرکوبگر آزادی‌ها و حقوق دموکراتیک بر حسب ذهنیات و فرمول‌های خود ساخته خصوصیات دمکراتیک قائل شده و آنها را در چارچوب سازمان‌های دموکراتیک جای داده‌اند و به این ترتیب یکی از پایه‌های اساسی سازمان ما را زیر سوال کشیده‌اند ... بالاخره آنکه دوستان ما با تایید و حمایت از نیروهای سرکوبگر آزادی‌های دموکراتیک و مبارزات ضدامپریالیستی که برحسب اتفاق، سرکوبگر حقوق و آزادی‌های زنان نیز می‌باشند و ارتجاعی‌ترین ایده

ها را در مورد زنان طی دو سال گذشته داشته و به اجرا درآورده‌اند، دومین پایه اساسی سازمان ما یعنی دفاع از حقوق زنان را نقض کرده‌اند ..."

پس از این ماجرا، اعضای طرفدار "اکثریت" اتحاد ملی زنان از اتحاد خارج شدند. در جمع‌بندی از فعالیت‌های اتحاد ملی زنان دوره‌ی فعالیت این سازمان به چهار دوره تقسیم شده است:^۱

۱- دوره‌ی اول: از ابتدای تشکیل اتحاد تا مهر ۵۸

در انتهای این دوره درگیری‌هایی در خوزستان، بندرانزلی، حمله به زنان بی‌حجاب، لغو حق قضاوت زنان قاضی، ممنوعیت تحصیل زنان در رشته‌های فنی، لغو قانون حمایت خانواده، تشکیل مجلس خبرگان به جای موسسان، تصفیه‌ی روزنامه‌های کیهان و اطلاعات، و ... فضای دموکراتیک حاصل از قیام مردم در سال ۵۷ به سرعت با فشار و سرکوب شدید از بین رفت. مبارزات علنی نیروهای سیاسی به تدریج متوقف شد و دستگیری‌های وسیع خیابانی و خانه گردی‌ها جو وحشت را بر جامعه حاکم کرد. به تبع آن نیز فعالیت سازمان‌هایی مانند اتحاد زنان و سایر سازمان‌های دموکراتیک نیز با محدودیت روبرو شدند.

در ابتدای این دوره دفتر اتحاد تعطیل شد و نیروهای آن بدون برنامه‌ریزی برای ادامه‌ی کار، پراکنده شدند. جلساتی در خانه‌ی بعضی اعضا تشکیل می‌شد. روشن نبودن دورنمای فضای سیاسی کشور سبب می‌شد که این جلسات بدون هر گونه تصمیم‌گیری برای ادامه‌ی فعالیت، خاتمه یابد.

"تنها نظری که در آن زمان مطرح شد این بود که اگر اتحاد توده‌ای بود یا به یک جریان قوی سیاسی متکی بود، می‌توانست مانند سازمان‌های زنان احزاب کمونیست مثلاً فرانسه یا سازمان‌های آزادیبخش در ویتنام، عمان و اریتره به حیات مخفی خود ادامه دهد.

۲ - دوره‌ی دوم از مهر ۵۸ تا مهر ۵۹

۱- جزوه بررسی شرایط و نحوه کار اتحاد ملی زنان تا سال ۶۴ و توسط تعدادی از زنان عضو اتحاد تهیه شد که در واقع نقد و بررسی عملکرد این سازمان است که به همت مهناز متین در کتاب بازبینی یک تجربه، منتشر شده است. بسیاری از دست‌اندرکاران اتحاد به رغم اختلاف نظر با نویسندگان این گزارش، در کل اعلام کردند که بیشتر مطالب آن درست است.

پس از ایجاد فضای نیمه‌دموکراتیک، از مهر ۵۸ فعالیت اتحاد در محل جدید دوباره آغاز شد. در اولین جلسه تصمیم گرفته شد که امکانات فعالیت علنی با به ثبت رسانیدن نشریه و سازمان با نام جدید حفظ شود. هر چند تا خرداد ۶۰ وزارت ارشاد هیچ کاری در این زمینه انجام نداد.

در ابتدای این دوره تصمیم گرفته شد ابتدا شورای مرکزی و اجرایی انتخاب شود و پس از پا گرفتن تشکیلات انتخابات برگزار شود. رابطین سازمان فدایی از قبول عضویت در هیات اجرایی سرباز زدند و سایر اعضا نیز به دلیل تجربه‌ی فضای خفقان چند ماهه تمایلی به شرکت در هیات اجرایی نداشتند. در کشاکش گروهی بالاخره ۵ نفر عضو هیات اجرایی شدند که ۴ نفر هوادار سازمان (فدایی) و یک نفر منفرد بود و از اوایل آبان ماه فعالیت مجدد آن آغاز شد. شورای مرکزی هر دو هفته یک بار جلسه تشکیل می‌داد. کمیته‌هایی که در این دوره تشکیل شدند عبارت بودند از کمیته امداد، سوادآموزی؛ در بخش زحمتکشان، کمیته‌های کارمندی و معلمین، ترجمه، تحقیق، هنری، توزیع و انتشارات، ارتباطات، آرشیو، کتابخانه و تدارکات و مالی؛ کمیته‌های مهد کودک، خیاطی، کارگری و پرستاری نیز پیش‌بینی شده بود.

هر یک از کمیته‌ها یک جلسه‌ی ۴ ساعته در هفته داشتند که دو ساعت از وقت جلسه به آموزش سیاسی، (یک ساعت آموزش اقتصاد و یک ساعت به بحث پیرامون مسایل روز) اختصاص داشت. که پس از مدتی بحث در باره مسایل زنان جایگزین بحث اقتصاد شد. اعضای کمیته امداد در شش منطقه‌ی شهر تهران به کار درمانی و تزییقات مشغول شدند و برنامه‌ی مرحله‌ی دوم این بود که هر تیم پزشکی با تهیه جزوه‌های مصور ساده مربوط به بیماری‌ها و مشکلات درمانی و بهداشتی در محل و با ارائه خدمات جنبی از قبیل معرفی پزشکان متخصص و ... رابطه نزدیک‌تری را با مردم برقرار کنند. فرم‌هایی نیز تهیه شده بود که اعضای هر گروه ملزم به پرکردن آن بودند.

۳- دوره‌ی سوم از آذر ۵۹ تا خرداد ۶۰

پس از خروج نیروهای اکثریت از اتحاد ملی زنان، در اواخر آبان تدارک انتخابات سالانه چیده شد. معیار عضویت سه ماه فعالیت مستمر و پرداخت حق عضویت بود. در این مقطع فعالان اتحاد بیشتر از هواداران اقلیت، راه کارگر، جناح چپ و تعدادی نیروی منفرد بودند. ۵ دبیرخانه

برای اتحاد در نظر گرفته شد که عبارت بودند از دبیرخانه محلی (شامل کمیته‌های محلات و کارگری)، دبیرخانه شاغلین (کمیته‌های کارمندی، معلمی، پرستاری)، دبیرخانه تبلیغات (کمیته‌های هنری و تبلیغی)، دبیرخانه انتشارات (کمیته‌های تحقیق، ترجمه، حقوقی و تحریریه)، دبیرخانه تشکیلات (مالی، ارتباطات، تدارکات)

در کمیته سوادآموزی لزوم استفاده از روش فریره^۱ مطرح شد و سوادآموزی زنان با این شیوه و با استفاده از تکه‌های بریده روزنامه صورت می‌گرفت. از کلماتی مانند فقر، ثروت، کاخ و کلبه و حتی تصاویر جهت‌دار، قصه‌های کوتاه و ... که این شیوه سبب علاقه‌مندی زنان به این کلاس‌ها شد. این شیوه از سوی دیگر برای آموزش سیاسی زنان نیز بسیار مفید بود.^۲ در حدود

۱- پائولو فریره ۱۹ سپتامبر ۱۹۲۱-۲ می ۱۹۹۵)، نظریه پرداز تعلیم و تربیت انتقادی، فیلسوف تربیتی و آموزگار برزیلی که در زمینه آموزش به بزرگسالان تجربیات گرانمایی دارد. کتاب آموزش ستم‌دیدگان وی یکی از متون پایه در تعلیم و تربیت انتقادی است.

۲- "تشکیل کلاس‌های سوادآموزی در کارخانه‌ها به علت محدودتر بودن کارخانه و کنترل بیشتر انجمن اسلامی مشکل تر بود. کلاس‌های خیاطی نیز در چند محل تشکیل شد. زنان از این کلاس‌ها استقبال بیشتری می‌کردند زیرا برخلاف سوادآموزی منافع فراوانی را در یادگیری خیاطی می‌دیدند و به همین جهت شرکت‌کنندگان در کلاس‌های خیاطی به مراتب بیشتر از کلاس‌های سوادآموزی بود. در کلاس‌های سوادآموزی مسایلی در مورد مشکلات مسکن، گرانی، بیکاری و اعتیاد از طرف زنان مطرح می‌شد که اعضای کمیته سوادآموزی با آنکه از سیاسی‌ترین اعضای اتحاد بودند از علل بحران مسکن، تورم، بیکاری و غیره یعنی از ابتدایی‌ترین اصول اقتصادی بی‌اطلاع بودند و در نتیجه جلساتی آموزشی برای اعضای اتحاد گذاشته می‌شد تا این مسایل را به زبان عامه فهم و با ذکر مثال‌های ملموس برای زنان به اعضای کمیته آموزش داده شود. در طول فعالیت کمیته سوادآموزی مساله تعدد زوجات و هوو و طلاق یک جانبه، سلب حق سرپرستی و حضانت کودکان از مادر به کرات در کلاس‌ها مطرح می‌شد. این مساله برای زنان زحمتکش مهم بود در واقع خود مسوولین کلاس‌ها بودند که به این گونه مسایل اهمیتی نمی‌دادند.

برنامه‌ی مرحله‌ی بعد از تشکیل کلاس‌ها ایجاد رابطه‌ی وسیع با زنان از طریق مراجعه به خانه‌هایشان، گفت‌وگو با آنها و تلاش در جهت رفع مشکلات مالی، حقوقی و درمانی‌شان بود. معلمان کلاس‌ها باید در ضمن آموزش، رفت و آمد به خانه‌ها و ایجاد رابطه‌ی نزدیکتر سعی می‌کردند از مشکلات زنان سر در آورند و این مشکلات را به تربیتی در ارتباط با اتحاد رفع کنند. مثلاً زنان را نزد پزشک متخصص بفرستند به وکیل معرفی کنند و بکوشند تا نام اتحاد را به عنوان سازمان ارائه‌دهنده‌ی این خدمات به تدریج مطرح کنند. به علاوه آنها نیز مانند مسوولین کمیته امداد باید فرم‌های گزارش و گزارش سیاسی هفتگی تهیه می‌کردند و در رابطه با مشکلات محل به تشکیل نمایشگاه عکس، سخنرانی، فیلم و انتشار اعلامیه در مورد این مشکلات می‌پرداختند. مرحله‌ی سوم نیز بررسی امکان فعالیت جمعی زنان محل برای رفع مشکلاتی از قبیل آب و برق و مساله مسکن و تشکیل تعاونی و غیره با تکیه بر نیروهای فعال خود آنان بود تا زمینه‌های تشکل در

یک سال، مجموعاً در ۱۶ محل کلاس‌های سوادآموزی تشکیل شد. در بعضی از این محلات گروه‌ها توانستند با زنان محل رابطه‌ی نزدیک ایجاد کنند حتا در روز جهانی زن نیز ترتیب برگزاری نمایشگاه و نمایش فیلم را بدهند. در بعضی محلات حرکات دسته‌جمعی زنان برای آب و مسکن نیز سازمان داده شد.

در پایان این دوره از فعالیت‌های اتحاد، کمیته خانه‌داری نیز با حضور تعدادی از زنان خانه‌دار تشکیل شد که مادران بعضی هواداران سازمان‌های سیاسی بودند. بحث‌هایی کلی پیرامون وظایف و ماهیت سازمان‌های زنان و مساله زنان و چند کتاب در مورد مسایل زنان مطالعه شد. همه‌ی آنها در کلاس‌های خیاطی مشغول به کار شدند. نتایج کار آنها در این کلاس‌ها بسیار خوب بود. آنان به سرعت می‌توانستند با زنان محلات پایین ارتباط برقرار کنند فعالیت این بخش بیش از چندماه دوام نیافت.

۴- دوره‌ی چهارم سی خرداد تا پایان سال ۶۰

پس از شدت گرفتن سرکوب کامل آزادی‌های فردی و سیاسی، امکان فعالیت علنی سازمان‌های دموکراتیک از میان رفت. هر چند به دفتر اتحاد حمله‌ای نشد اما چون اعضای آن در سازمان‌های سیاسی فعال بودند، عملاً فعالیت‌های علنی اتحاد تعلیق شد. در این دوره پس از برگزاری چند جلسه تصمیم گرفته شد که در هر دبیرخانه هسته‌های کوچکی با توجه به مسایل امنیتی شکل بگیرند و به فعالیت‌های گذشته بپردازند. اما به تدریج تا پایان سال از فعالیت اتحاد فقط چند دیدارهای گاه به گاه مسوولین و رد و بدل کردن اخبار باقی ماند. تهیه گزارشی از فعالیت‌های اتحاد به منظور نقد این فعالیت‌ها در دستور کار قرار گرفت که ماحصل آن گزارشی مفصل و کامل است.

پس از سی خرداد اتحاد تا آبان ماه هم به کارش ادامه داد. اما به همه گفته شده بود که هر کس مشکل امنیتی دارد به اتحاد نیاید. شورای مرکزی نیز بر حسب ضرورت جلسه می‌گذاشت. در مهر ۶۰ پس از تشکیل شورای ملی مقاومت، این بحث در اتحاد هم مطرح شد و

محل برای زنان به تدریج فراهم گردد. علاوه بر این اعضای کمیته‌ی سوادآموزی باید امکان تشکیل مراکز درمانی یا کلاس‌های خیاطی را در محل سنجیده و به کمیته‌ی امداد اطلاع می‌دادند.

بنا شد از شورا حمایت مشروط شود. هر چند اقلیت نظرش معلوم نبود. جناح چپ موافق پیوستن به شورا بود و منفردین هم به شدت موافق دفاع از شورای ملی مقاومت بودند ... اعلامیه‌ای نوشته شد و در نشریات خارج چاپ شد این آخرین اعلامیه اتحاد ملی زنان بود.^۱ برای آشنایی بیشتر با نظرات و مواضع سازمان اتحاد ملی زنان، به برخی مقالات منتشره در نشریات این سازمان اشاره می‌شود. در شماره‌ی دوم نشریه "زن در مبارزه" در سرمقاله چنین آمده است:

"مساله زنان و نقش آنان در مبارزات آزادی‌بخش ملی یا بهتر بگوییم چگونگی شرکت شان در این مبارزات پیوسته از دیدگاه‌های مختلف مورد بحث و گفت و گو قرار داشته است. اهمیت مساله از آن روست که زنان نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و با آنکه میهن‌پرستی و مبارزه هرگز خاص مردان و در انحصار آنان نبوده و زنان در تمام جنبش‌های رهایی‌بخش جهان از آن جمله مبارزات ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی ایران در کنار مردان مبارزه کرده‌اند، شاید بتوان گفت میزان شرکت زنان و روی‌آوری‌شان به مبارزات اجتماعی و سیاسی معمولاً کندتر از مردان بوده است..."

در مقاله‌ی دیگری که در این نشریه چاپ شد با عنوان "رابطه میان مبارزه زنان و جنبش آزادی‌بخش ملی در ایران" که در آن چنین آمده است:

"برخوردها و نظریات گوناگون و گاه انحرافی در مورد مساله زنان چنان تشتت فکری و پراکنده‌کاری را پدید آورده که نه راهگشای مساله زنان است و نه در خدمت پیشبرد مبارزات استقلال‌طلبانه‌ی خلق ایران قرار دارد. از سویی برخورد نادرست و انحرافی گروه‌هایی قرار دارد که کسب برابری در زمینه حقوق مدنی و اجتماعی با مردان را هدف غایی مبارزات آزادی‌طلبانه زنان قرار داده‌اند ... برخورد نادرست دیگر را بعضی نیروی‌های مترقی دارند که به مبارزات دموکراتیک زنان در چارچوب مبارزات ضد امپریالیستی و آزادی‌طلبانه میهن‌بهای لازم را نمی‌دهند و معتقدند با آزاد شدن جامعه زنان نیز خود به خود آزاد خواهند شد. آنان مبارزه‌ی زنان جهت کسب حقوق مدنی و اجتماعی و سیاسی برابر با مردان را جدا کردن صف زنان و مردان می‌دانند."

۱- متین، مهناز، بازبینی تجربه اتحاد ملی زنان، شهین نوایی، ص ۱۱۰

در بخش دیگر این مقاله چنین آمده است:

"زنان آگاه ایران می‌دانند سنن و معتقدات اجتماعی و مذهبی و مقررات و قوانین ارتجاعی عامل نابرابری وابستگی و عقب‌ماندگی آنان نیستند، بلکه خود بازتاب نفوذ امپریالیستی، فرهنگ پدرسالاری و نابرابری اقتصادی و اجتماعی می‌باشند. از همین رو مبارزه علیه این سنن و قوانین را که می‌تواند مانع مبارزه‌ی واحد و مشترک زنان و مردان علیه استعمار و استثمار باشد، دقیقاً در خدمت گسترش مبارزات ضد امپریالیستی خلق ایران می‌دانند."^۱

۳-۵-۳-۱۰- انجمن رهایی زن

اعضای این انجمن، عضو سازمان وحدت کمونیستی بودند. به اعتقاد این انجمن:

"امروز در جهان سرمایه‌داری نیمی از ارتش عظیم کارگران و نیروهای تولید جوامع بشری را زنان تشکیل می‌دهند که حتا در شرایط بدتر و پایین‌تری نسبت به مردان هم طبقه‌ی خویش استثمار می‌شوند. از آنجا که رهایی زنان در گرو آزادی مردان و آزادی مردان وابسته به رهایی زنان و مجموعه‌ی آزادی‌های جامعه‌ی بشری می‌باشد، از این رو زنان و مردان سهم مساوی در مبارزات و آزادسازی جوامع بشری به عهده دارند. آزادی که تنها به دست توانای زحمتکشان و درگرو پیروزی آنان است و در رهگذر این مبارزات تاریخ‌ساز است که زنان توانایی‌های جسمانی و فکری خود را به شکوفایی و کمال می‌رسانند. انجمن رهایی زن به گفته اعضایش جهت هر چه بیشتر سهیم کردن زنان ایران در براندازی ستم مضاعفی که هنوز هم در جامعه ما بیداد می‌کند و رها شدن از قیود پوسیده قرون وسطایی موجود سعی در متشکل ساختن صفوف نهضت زنان و تاختن بر مناسبات ظالمانه‌ای دارد که توده‌های زحمتکش جامعه و به ویژه زنان را تحت انقیاد و استثمار قرار می‌دهد.

در منشور انجمن رهایی زن می‌خوانیم:

”چون نهادهای عقب‌گرایی که آزادی‌های زنان و حق شرکت آنان را در ساختن فردای جامعه محدود می‌کند، خود ناشی از نهادهای استثماری در جوامع طبقاتی است، مبارزات زنان میهن ما در راه برقراری آزادی و حقوق متساوی، نباید و نمی‌تواند از مبارزات کلی ما برای استقرار جامعه‌ای خالی از استثمار انسان از انسان، جدا باشد و به ثمر رسیدن این مبارزات جز از طریق سازمانی متشکل نمی‌تواند تحقق یابد.“

اصول انجمن: ۱- تساوی حقوق زن و مرد در تمام شئون جامعه و همکاری با تمام سازمان ها و گروه‌های انقلابی است. ۲- سازمان ما با حفظ استقلال و نظرات خود با سازمان‌ها و گروه‌های مترقی و انقلابی و نیروهایی که در جهت منافع زحمتکشان و جدا از وابستگی به قدرت‌های جهانی فعالیت می‌کنند، همکاری خواهد کرد.

اهداف انجمن رهایی زن شامل موارد زیر می‌باشد:

مبارزه برای در هم شکستن کلیه پایه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ارتجاع داخلی و امپریالیسم، که نخستین شرط برای رسیدن به آزادی واقعی زنان می‌باشد؛ اشاعه فرهنگ انقلابی، دفاع از حقانیت شوراها و اتحادیه‌های زنان جهت مشارکت در قدرت سیاسی به منظور تامین کلیه حقوق زنان؛ شرکت فعالانه و همه جانبه در مبارزات توده‌ای (صنفي و سیاسی) زحمتکشان در جهت احقاق حقوق دموکراتیک کلیه زنان

این سازمان در ۱۱ تیر ماه ۵۸ طی بیانیه‌ای اعلام کرد که با جبهه دموکراتیک ملی همکاری می‌کند. ۱۶ مرداد، انجمن رهایی زن به عنوان اعتراض به شرایط غیردموکراتیک، در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی شرکت نکرد. انجمن طی بیانیه‌ای، عدم مخالفت دولت با شرکت کاندیداهای مترقی در انتخابات را، تنها سرپوشی بر اقدامات غیراصولی دولت در نحوه برگزاری انتخابات مجلس خبرگان می‌دانست. این انجمن در مقاله‌ای بی‌اعتنایی دولت را نسبت به آزادی‌های فردی و اجتماعی در مناطق مختلف را گوشزد کرد و معتقد بود که در این میان ”دولت هم با نقش غیرفعال و نظاره‌گر خود نگرانی‌ها را افزایش می‌دهد و به جای موضع‌گیری قاطع و روشن در برابر حرکاتی که کل جامعه را تهدید می‌کند، فقط به گله‌گزاری می‌پردازد و معلوم نمی‌کند که به هر حال نقش دولت چیست.“ انجمن رهایی زن در مقاله‌ای به تبیین مبارزات دموکراتیک زنان پرداخته بود:

"مبارزات توده‌ای چه با مضمون طبقاتی و چه با مضمون به ظاهر دموکراتیک نتیجه‌ی مستقیم تضادهای درونی جوامع طبقاتی بوده و ناگزیر در مرحله‌ای از تکامل این جوامع در زمینه اجتماعی مطرح می‌شود ... اگر مبارزین آگاه و متشکل به موقع جوانه‌های تاریخ‌ساز این مبارزات توده‌ای را دریافته و برای جهت دادن به آن بکوشند، می‌توانند با ارتقا سطح مبارزه و تبدیل آن به جریانی آگاه، پیروزی نهایی مبارزه‌ی زحمتکش‌شان را تسریع کنند، والا این جنبش‌های توده‌ای جدا از پیشتازان و پیشگامان به راه خود می‌رود و چه بسا به بستری برای تحقق خواسته‌های ارتجاعی طبقات و اقشار واپسگرا تبدیل می‌گردد.

مبارزه اقشار وسیعی از زنان تحت ستم در کشورهای سرمایه‌داری از جمله این مبارزات است. چه بسیارند مواردی که مبارزات برحق زنان به کج‌راه کشیده شده و از دامان فمینیست‌های (زن‌گرایان) بورژوا سر به در آورده است. اگر تجربیات زنان مبارز کشورهای دیگر شناخته نشود و در تحلیل و جهت‌گیری مبارزات زنان ایران این شناخت به کار گرفته نشود، خطر به انحراف کشیده شدن جنبش زنان ایران نیز بسیار است.

با تسلط روابط سرمایه‌داری در ایران خواه در جست‌وجوی نیروی کار ارزان، زنان جامعه را از روابط بردگی در خانوارهای فرماسیون‌های ماقبل سرمایه‌داری رها کرده و در سطح کل جامعه آنان را به بردگان سرمایه تبدیل کرد. رشد روز افزون تعداد زنان در بازار کار و ورود آنان به اکثر رشته‌های تولید و خدمات نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر رشد روابط سرمایه‌داری در ایران بود.

اگر سرمایه‌داری زنان را از روابط بردگی خانواده جدا می‌کند، نه برای آزاد کردن آنان که برای استثمار هر چه بیشتر آنان است ... ولی همانطور که سرمایه‌داری در پروسه‌ی تکوین خود تضادهای درونی خویش را رشد می‌دهد و ناگزیر با دست خود گورکنان طبقاتیش را بوجود می‌آورد در مورد زنان نیز دچار چنین تضاد اجتناب‌ناپذیری شده، زن آزاد شده از روابط بردگی در خانه برای مدتی طولانی برده‌ی سر به زیر سرمایه باقی نمی‌ماند و هر لحظه به تلاشش برای رهایی بیشتر از بندهای بردگی گذشته خود و نیز تلاشی روابط بردگی سایر زنان و مردان زحمتکش می‌افزاید...

زن زحمتکش نه به عنوان رقیب بلکه به عنوان متحد مرد زحمتکش وارد صحنه‌ی روابط تولیدی و مبارزات اقتصادی اجتماعی و سیاسی می‌گردد. از اینجاست که عناصر آگاه زحمتکشان، به خصوص سازمان‌های پیشتاز پرولتری، همواره مدافع سرسخت آزادی زنان و برابری حقوق زنان و مردان در جامعه هستند. زیرا که از ورود متحدان جدید و پرشور در صحنه مبارزات طبقاتی استقبال می‌کنند.

عدم درک رابطه‌ی دیالکتیکی بین مبارزه زنان زحمتکش و مبارزه‌ی طبقاتی پرولتاریا و نفی مبارزات دموکراتیک زنان زحمتکش که در مقطعی از تاریخ، به خاطر داشتن اهداف حداقل مشترک با زنان، در یک بستر واحد انجام می‌یابد، در واقع منجر به شانه خالی کردن نیروهای مترقی از شرکت در این مبارزات و کوشش برای ارتقای خواسته‌های آن به خواسته‌های حداکثر زنان زحمتکش، جلوگیری از هرز رفتن این نیروی مبارزاتی به انحراف کشاندن آن از طرف بورژوازی است.

زنده‌ترین و نزدیک‌ترین مثال این مساله را می‌توان در مبارزات توده‌ای و خودبه‌خودی زنان ایران در اسفند ماه گذشته دید. این مبارزات که به طور خود به خودی در مقابل تصمیمات ارتجاعی قشر حاکم جدید شکل گرفت چون از سازماندهی نیروها و عناصر مترقی محروم ماند پس از مدت کوتاهی مورد سوءاستفاده مرتجعین و بعضی عناصر طرفدار رژیم منفور قبل قرار گرفت و می‌رفت که به کج‌راه کشیده شود. این تجربه ضعف تحلیل‌ها و عملکردهای بسیاری از سازمان‌های مترقی و چپ را نشان می‌داد ولی خوشبختانه این تجربه تلخ زمینه‌ای برای عمل بعضی عناصر آگاه اجتماعی قرار گرفت و سازمان‌های مترقی برای سازماندهی مبارزات دموکراتیک زنان ایجاد شد.

محتوای آزادی و برابری برای زن و مرد در واقع شکستن قیودی است که از نظر اجتماعی بر دست و پای زن قرار گرفته و از ورود آزادانه‌اش به پروسه‌ی تولید جلوگیری می‌کند. هدف مبارزات دموکراتیک زنان، نابودی سنت‌ها و ضوابطی است که زن را در محیط آشپزخانه و در روابطی که هیچ‌گونه امکان رشد شخصیت اجتماعی زن را به او نمی‌دهد به بردگی کشانده است. زنان می‌خواهند همپای مردان آزاد باشند تا در تولید اجتماعی شرکت کرده و همواره با کارشان و همگام با مردان به مبارزه با روابطی که همه‌ی زحمتکشان را استثمار می‌کند برخیزند.

زنان زحمتکش ما راه رهایی از چنگال استثمار سرمایه را نه در بازگشت به دوران بردگی در خانه و آشپزخانه آن چنان که خرده‌بورژوازی ارتجاعی توصیه می‌کند که در مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری و ایجاد روابط تولیدی سوسیالیستی که تنها ضامن رهایی واقعی زنان زحمتکش است می‌جویند. تنها راه رهایی از استثمار دوگانه زنان نابودی زمینه‌های اقتصادی اجتماعی استثمار مضاعف است. استثمار سرمایه را با نابودی سرمایه‌داری ریشه کن می‌کند و استثمار در خانواده را با اجتماعی کردن کار خانگی و ایجاد امکانات اشتراکی. برای انجام وظایف خانه‌داری خصوصی باید مهدکودک‌ها و آموزشگاه‌ها برای تربیت کودکان، در هر سطحی از اجتماع تشکیل گردد. باید سالن‌ها غذاخوری همگانی در هر بخش از اجتماع ایجاد گردد و باید مابقی کار خانه با ایجاد فرهنگی پرولتری بین زن و مرد به طور مساوی تقسیم شود. روابط زن و مرد در خانواده نه به صورت ارباب و بنده آن چنان که هم اکنون هست، بلکه به صورت دو رفیق، دو همکار و دو متحد در آید. میزان وقتی که زن به کار خسته‌کننده و برده‌وار در چارچوب خانه می‌گذراند باید به حداقل کاهش داده شود تا زن بتواند به عنوان عضوی از اجتماع با شرکت در کار تولیدی با آزادی کامل در کنار مردان جامعه خود خلاقیت فردیش را رشد داده و تاریخ اجتماعی‌اش را بسازد. از آن جا که تحقق کامل این وضع تنها با ریشه‌کن شدن نظام سرمایه‌داری و پیروزی انقلاب سوسیالیستی میسر است، پس هر گام در مبارزه جهت کسب آن‌ها گامی است در راستای تسهیل شرایط این انقلاب. نه انقلاب سوسیالیستی به دست بردگان میسر است و نه بدون رسیدن به سوسیالیسم الغا بردگی کهن. این هر دو در یک مسیرند و رابطه ارگانیک با هم دارند."

در میزگرد فصل گلسرخ، نماینده‌ی رهایی زن، در باره‌ی وظایف و فعالیت‌هایی که رهایی زن معتقد است باید انجام شود یا انجام می‌دهد، چنین می‌گوید:

"وظیفه‌ی عمده‌ی ما به عنوان بخشی از زنان آگاه، طرح مسایل ویژه زنان و رابطه‌ی آن با کل نظام اجتماعی است و از طرفی تفهیم این مساله که رهایی زنان در گروهی رهایی اجتماعی است ... اصولاً رخنه کردن بین توده‌ها را مساله‌ای لحظه‌ای نمی‌بینیم یعنی با تمام تلاش و کوشش‌مان در بسیج زنان زحمتکش این توهم را که بتوانیم این زنان را در عرض امروز و فردا متشکل کنیم، کنار می‌گذاریم. به این دلیل که معتقدیم زنان ایران

امروزه حول مسایل صنفی خود بسیج نمی‌گردند ... بنابراین کار مداوم و پیگیری لازم است... وظیفه ما هر چه بیشتر مسلح کردن زنان به آگاهی اجتماعی است که ما این مهم را از طریق نشریه و جزوات انجام می‌دهیم که البته باید بگوییم که در این زمینه تا کنون زیاد هم موفق نبوده‌ایم.

... ما بعد از افشای کلیه سیستم موجود با دو مساله روبرو هستیم: یکی طرح مسایل کلی زنان در جوامع سرمایه‌داری، دوم طرح مسایل ویژه زنان ایران. در مورد مساله اول، ما لزوم شرکت زنان در کارهای تولیدی و اجتماعی شدن کار خانگی، حقوق مساوی برای کار مساوی، بهبود شرایط کار زنان کارگر و... مسایلی از این قبیل را مطرح کردیم. در مورد مسایل ویژه زنان ایران، ما مساله کسب حقوق اجتماعی، اقتصادی و فردی زنان را که رژیم جمهوری اسلامی به هزاران شیوه نفی می‌کند مطرح می‌کنیم. در این زمینه افشای قانون اساسی، قوانین مدنی، قوانین شغلی و غیره را جزو وظایف خود می‌دانیم ولی باز معتقدیم که طرح مسایل اقتصادی از ویژگی خاصی برخوردار است مسایلی مانند اخراج دسته‌جمعی زنان به دلایل مبهم، مساله نبود مهدکودک‌ها، شیرخوارگاه‌ها، عدم وجود حقوق برابر زن و مرد در محیط کار، عدم برخورداری زنان کارمند و کارگر از مرخصی استعلاجی برای دوران بارداری... از دیگر مسایلی که به نظر ما طرح آن لازم است، مسایلی مانند عدم وجود وسایل جلوگیری از بارداری به طور رایگان است... یکی دیگر از مسایلی که ما باید با آن برخورد کنیم مبارزه با فحشا توسط رژیم جمهوری اسلامی است. مساله دیگر که به نظر ما طرح آن و مبارزه با آن بسیار لازم می‌آید، مساله حجاب اجباری است، چرا که به نظر ما این مساله کلید ایدئولوژی حاکم در مورد زنان است. ... به نظر ما کم بها دادن به مساله حجاب از طرف سازمان‌های انقلابی و سازمان‌های مترقی زنان در واقع عدم برخورداری از درک کالایی بودن زن در جامعه سرمایه‌داری است و از آنجا نیز سکوت در مقابل این مساله را تمکین در مقابل شرایط موجود می‌دانیم. ما معتقدیم که باید در حرکات خود به خودی که از طرف زنان در این مورد انجام می‌شود، شرکت کنیم. اعتراضات را تشدید کنیم و بدان جهت بدهیم. این واقعیت که مبارزه علیه حجاب اجباری از طرف زنان مرفه انجام می‌گیرد به مفهوم بورژوازی بودن خود خواسته نیست... بخش عظیمی از زنان ایران حجاب را بخشی از موجودیت خود می‌دانند در

نتیجه حرکتی علیه لغو حجاب اجباری نمی‌کنند. از اینجاست که ما معتقدیم حرکت ما در این مورد، نه سکوت نه تایید مساله حجاب اجباری، بلکه مشخصا مساله کردن آن است...مقایسه کردن حرکت خودبه خودی زنان در مورد حجاب با مساله تظاهرات زنان بورژوازی شیلی از طرف برخی از این نیروها و از جمله برخی از سازمان‌های زنان و وجود وحشت از بختیارسیم نمودار این کمبود تئوریک می‌باشد. ما همانقدر که می‌گوییم آن تظاهرات به دلایل مشخص و ماهوی بورژوازی بود که این دلایل در مورد مساله تظاهرات علیه حجاب اجباری به هیچ وجه صادق نبود. اتفاقا در آن تظاهرات ارتجاعی و بورژوازی شیلی زنان کارگر هم شرکت می‌کردند ولی با این حال مساله ارتجاعی بود ولی تظاهرات علیه حجاب در ایران را نه به دلیل شرکت‌کنندگان بلکه به دلیل خواست واقعی آن خواستی مترقی می‌دانیم و بنابراین معتقدیم شرکت متحد و متشکل سازمان‌های مترقی زنان با پشتیبانی سازمان‌های انقلابی می‌توانست به این حرکات جهت‌یابی بهتری بدهد. رهنمود ما به زنان ایران ایجاد تشکل‌های صنفی در محیط کار می‌باشد. زیرا معتقدیم که حرکات پراکنده و انفرادی ما نمی‌تواند به تنهایی کافی باشد. در این زمینه تلاش در جهت حفظ شورای همبستگی زنان در گذشته و بازسازی آن در آینده از عمده اهداف ماست.

این انجمن از آخرین انجمن‌ها و تشکل‌های زنان است که در دوران سرکوب دهه ۶۰ از بین رفت.

۳-۵-۱۱- جمعیت زنان ایران

این جمعیت به حزب رنجبران ایران وابسته بود. یکی از اعضای این جمعیت در مورد این تشکل چنین می‌گوید:

" جمعیت زنان ایران اسما مستقل ولی در حقیقت بخش زنان "حزب رنجبران" بود... فعالیت‌های ما بیشتر کار در میان توده‌ها بود و کار ویژه‌ی زنان. کمیته پزشکی داشتیم با پزشک و پرستار و مددکار اجتماعی. به کوره‌پزخانه‌ها می‌رفتیم. کار درمانی می‌کردیم شیرخشک پخش می‌کردیم و ... در این میان البته با زنان رابطه برقرار می‌کردیم... به

محلات فقیرنشین هم می‌رفتیم. هدف این بود که پایه‌ی توده‌ای برای سازمان بوجود آوریم ... درمود حجاب اجباری بین‌مان اختلاف وجود داشت. اما خیلی‌ها در تظاهرات شرکت کردند ... با شروع دوران سرکوب شدید جمعیت زنان ایران از هم پاشید." این جمعیت نیز، آزادی زن را در گرو آزادی کل جامعه می‌دانست. مدعی بود برای متشکل کردن زنان زحمت‌کش ایجاد شده و اهداف زیر را دنبال می‌کرد:

"مبارزه برای حفظ استقلال کامل کشور، قطع نفوذ و مداخلات کلیه‌ی امپریالیست‌ها به ویژه امریکا و شوروی از ایران، پشتیبانی از دستاوردهای انقلاب تحت رهبری امام خمینی، تشویق و بسیج زنان برای شرکت در امر نوسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ایجاد شرایط مناسب برای شرکت زنان در این امر و مبارزه علیه افکار و قید و بندهایی که مانع شرکت زنان در امور جامعه می‌شود، وضع قوانین عادلانه و برابر برای تامین حقوق اجتماعی و سیاسی زنان، تحکیم خانواده و مبارزه با فرهنگ استعماری و دیگر ریشه‌های اقتصادی و اجتماعی فساد و فحشا، کمک به باسواد نمودن زنان، حمایت از کودکان به خصوص در میان زحمتکشان."

این جمعیت مدافع دولت بازرگان بود با این حال معتقد بود باید انتقادهای به جا و قاطعانه مطرح شوند. جمعیت زنان ایران نتوانست اجازه ثبت برای خود بگیرد. نشریه این گروه ۱۷ شهریور نام داشت. در مورد علت نام گذاری نشریه چنین نوشته‌اند:

"چون روز ۸ مارس به عنوان روز زن از جانب روحانیون ملغی اعلام شد... ۱۷ شهریور را که رابطه‌ی مشخصی با مساله زنان ندارد... روز زن نامیدند و روزنامه‌ی خود را به این اسم انتشار دادند."

جمعیت زنان ایرانی اطلاعیه‌ای با عنوان "طاغوت‌زدایی یا راندن زنان به خانه‌ها؟" به مساله پاکسازی در ادارات و وزارتخانه‌ها به بهانه حجاب پرداخت. این جمعیت انگیزه این طرح را مبارزه با فرهنگ منحط امپریالیستی و طاغوتی در ادارات و اخراج زنان و راندن آنها به خانه‌ها دانسته است.

"ما معتقدیم که مبارزه با فرهنگ وابسته نه تنها در ادارات بلکه در سطح کل جامعه وسیعا باید گسترش یابد. ولی آیا فکر نمی‌کنید که یک مبارزه سطحی یعنی دادن یک بخشنامه و بعد هم گذاشتن یک مامور جلوی در اداره برای کنترل و یا ایجاد جو ارباب

و اتخاذ شیوه‌ی پلیسی مبتذل‌ترین نوع مبارزه با فرهنگ استعماری است؟ محتویات آن مغزهایی که بر رویشان پوشش مناسب قرار گرفت تکلیف‌شان چیست؟ ... آیا کسانی که به این کارها دست می‌زنند هیچ به مغزشان خطور نکرده که در زنان ادارات نیز می‌شود شور و شوق به وجود آورد تا در یک مدت زمان با کار آموزشی و توضیحی در بین خود، آن معدود عروسکان بی‌بندوبار را قانع کنند که زمان و زمانه‌ی زن عروسکی بودن نیست. بلکه زمانه‌ی زنان همدوش با مردان انقلابی و سازنده است.^۱

جمعیت زنان ایران در این اعلامیه ضمن انتقاد به شیوه‌های برخورد به حقوق زنان و محکوم نمودن انگیزه‌ی اخراج، خواستار رسیدگی فوری مسولین به اخراج‌های بی‌رویه زنان شده و تاکید کرده که در این شرایط که جمهوری اسلامی تحت هزار و یک نوع فشار و توطئه‌های اجانب شرق و غرب است، بیش از این عصیان اجتماعی در بین بخش‌هایی از زنان را بوجود نیاورند و اجازه ندهند که ضدانقلاب از آن استفاده نمایند. در خاتمه نیز از زنان شاغل خواسته شده که با خونسردی و هوشیاری به مساله برخورد کنند و در جهت تشکل شوراهای زنان در ادارات و حفظ وحدت و یکپارچگی خود در راه حفظ حقوق قدم بردارند.^۱

۳-۵-۱۲- زنان دموکرات

پس از ۲۲ بهمن و پیش از بازگشت کمیته مرکزی حزب توده به ایران، زنان طرفدار حزب توده تحت این عنوان فعالیت می‌کردند.^۲ مریم فیروز در این رابطه چنین می‌گوید:

"فعالیت زنان قبل از پیروزی انقلاب شروع شده بود. عده‌ای از زنان که در گذشته فعالیت می‌کردند در گوشه و کنار با شرکت خود در تظاهرات وظیفه‌ی خود را آغاز کرده بودند. هنگامی که به ایران آمدم (۲۶ فروردین ۱۳۵۸) با دکتر فاطمه ایزدی، خانم تبریزیان، الما همسر ابتهاج تماس گرفتم و خواستم یک سازمان خاص زنان از هر دسته و قشر وعقیده‌ای به وجود آورند که به حزب و گروه مشخصی وابسته نباشد.^۳

۱- روزنامه رنجبر ارگان حزب رنجبران ایران شماره تاریخ تیر ۵۸

۲- کیهان ۹ و ۱۱ فروردین ۱۳۵۸، نامه مردم ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۸

۳- حزب توده ایران از شکل‌گیری تا فروپاشی

زنان دموکرات برنامه‌ای برای روز جهانی زن تدارک دیده بودند که در دانشگاه صنعتی برگزار شد که ماجراهای خاصی داشت. به نظر می‌آید پس از تشکیل تشکیلات دموکراتیک زنان این گروه عملاً ادامه فعالیت نداشته است.

۳-۵-۳-۱۳- تشکیلات دموکراتیک زنان

این تشکیلات را می‌توان سازمان زنان حزب توده به شمار آورد. ابتدا نام این سازمان "تشکیلات زنان ایران" بود و سپس به نام "تشکیلات دموکراتیک زنان" تغییر یافت و در بهمن سال ۱۳۲۱ خورشیدی توسط مریم فیروز و شماری دیگر تاسیس شد^۲ و پس از سرنگونی رژیم پهلوی این تشکیلات فعالیت خود را مجدداً در ۶ خرداد ۵۸ آغاز کرد. همچنان مریم فیروز مسوول این تشکیلات بود و اولین شماره ماهنامه جهان زنان در خرداد ۵۸ منتشر شد. اطلاعیه‌های این تشکل، هماهنگ با سیاست‌های حزب توده و در راستای حمایت از جمهوری اسلامی بود. پس از انشعاب در سازمان چریک‌های فدایی خلق و تشکیل سازمان اکثریت، برخی از زنان این سازمان هم به تشکیلات زنان روی آوردند.

این تشکیلات، در اطلاعیه‌ای در استقبال از دعوت آیت‌اله خمینی، مبنی بر بسیج همگانی علیه امپریالیسم آمریکا و مزدورانش، خاطر نشان کرده بود:

"ما زنان و مادران آماده‌ایم تا در مقابله با هر گونه تجاوز امپریالیسم آمریکا، آموزش نظامی بگیریم و مسلح شویم و تا پای جان، از انقلاب اسلامی خود دفاع کنیم."

۱- در بخش مراسم هشت مارس به آن پرداخته شده است.

۲- این تشکیلات، برنامه خود را «مبارزه علیه فاشیسم، مبارزه در راه کسب حقوق مساوی با مردان، مبارزه در راه حفظ صلح، مبارزه برای دستمزد برابر در مقابل کار برابر با مردان، بیمه‌های اجتماعی و مبارزه علیه فحشا» قرار داد. این سازمان ویژه زنان تا زمان فعالیت علنی خود در بهمن ۱۳۲۷، به اقداماتی مانند تشکیل کلاس‌های مختلف آموزشی و بهداشت و برگزاری کنفرانس‌های هفتگی برای زنان دست زد. تشکیلات دموکراتیک زنان پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، همانند حزب توده ایران و سایر سازمان‌هایی که تعلق تشکیلاتی به آن حزب داشتند، سرکوب شد. تا انقلاب بهمن ۱۳۵۷ تشکیلات زنان در داخل ایران فعالیت متشکلی نداشت. اعضای این سازمان، که به خارج از ایران و بیشتر به کشورهای اردوگاه سابق سوسیالیستی پناهنده شده بودند، در کنفرانس‌های بین‌المللی و عمدتاً در بلوک اردوگاه شرکت می‌کردند و به تشریح وضعیت زنان در ایران می‌پرداختند. از جمله این که در سال ۱۳۵۴ که از جانب سازمان ملل، سال جهانی زن نامگذاری شده بود، فعالان تشکیلات در کنفرانس مکزیکو و کنگره جهانی زنان در برلین شرکت داشتند.

در ۵ آذر، در بیانیه‌ای دیگر، بر موارد زیر تاکید کرده بود:

”کوشش خود را صرف پیروزی انقلاب می‌کنیم ... گروه‌هایی برای دفاع از حقوق زن، قانون اساسی را مورد انتقاد قرار داده‌اند، البته این کار در زمان مناسب درست است. آنها می‌خواهند که موضوع زن را در این موقعیت مطرح کنند. تشکیلات دموکراتیک زنان ایران، با ۳۶ سال سابقه مبارزه در راه احقاق حقوق زنان، به خوبی به نقایص قانون اساسی و به خصوص مواد مربوط به زن واقف است، اما ما برآنیم که امروز مردم ایران، اعم از زن و مرد، بزرگ و کوچک، باید در یک جبهه واحد همگام شوند تا در درجه اول، سلطه دشمن بزرگ ایران، امپریالیسم جهانی، به خصوص آمریکا را، از کشور خود ریشه‌کن سازند تا بتوانند ایرانی آباد و آزاد بسازند.“

در پایان بیانیه آمده بود:

”ما امروز هر حرکت و هر گفتاری را که به انقلاب آسیب برساند، برخلاف مسیر ملت می‌دانیم و کوشش می‌کنیم که هماهنگ و همگام با دیگر خواهران و برادران خویش، قدم برداریم.“

در اساسنامه و برنامه تشکیلات دموکراتیک زنان آمده است که زنانی می‌تواند عضو آن شوند که برنامه و اساسنامه را بپذیرند، بالاتر از ۱۵ سال سن داشته و سوء سابقه نداشته باشند. در برنامه این سازمان چنین آمده است:

”زنان با وجود بندهای خانوادگی و زنجیرهای گران قوانین نادرست که آنها را به حاشیه جامعه رانده و از جریان زندگی برکنار نگهداشته شده قدم به میدان نبرد گذاشتند و در راه آزادی و استقلال کشور عزیزمان از هیچ فداکاری و گذشتی دریغ ننموده‌اند ... و از همین روست که امام خمینی در مورد زنان به حق گفته‌اند: ”زن مربی جامعه است، ما نهضت خود را مرهون زن می‌دانیم (از گفته‌های امام به مناسبت بزرگداشت روز زن و تولد حضرت فاطمه در ایران).“

و در ادامه از زنان خواسته برای پاکسازی کشور از ضدانقلاب و برای پایه‌ریزی جامعه نوین متشکل شوند و در امر انقلاب عظیم ضدامپریالیستی کشور ما و احقاق حقوق حقه خویش مبارزه کنند. خواست‌های تشکیلات دموکراتیک زنان را چنین نوشته است:

"تشکیلات دموکراتیک زنان از همه‌ی زنان ایران از هر ملیت قشر یا طبقه و با هر گونه مذهب و عقیده‌ای دعوت می‌کند تا برای به دست آوردن حقوق حقه خویش و دفاع از آنها دست به دست هم داده و در زیر پرچم این تشکیلات گرد آیند... و با امپریالیسم بجنگند و بر هر زنی است که با حفظ روحیه انقلابی، همکاری، همدردی و دستگیری روحیه‌ای که در سراسر روزهای انقلاب بر جامعه‌ی ما حاکم بود، دست‌آوردهای انقلاب را پاس دارد. تشکیلات دموکراتیک زنان خواستار موارد زیر است:

رعایت کامل حقوق زن در عرصه‌های اجتماع، خانواده و تولید است؛

لغو کلیه قوانین موهن به مقام والای زن و مادر که تا کنون تعیین‌کننده سرنوشت آنها بوده؛

شرکت فعال زنان در انتخابات و فراهم آوردن امکان انتخاب شدن زنان در شوراهای ده و شهر اتحادیه‌ها و مجلس شورای ملی؛

تایید شرکت وسیع زنان در کلیه سازمان‌های دولتی و خصوصی به ویژه در سازمان‌هایی که مستقیماً با بهداشت و آموزش و پرورش ارتباط دارند.

تشکیلات فوق یکی از علل عقب‌ماندگی زن در اجتماع را قوانین سنگین خانوادگی می‌دانست که اسارت زن را تأیید می‌کند و او را صغیر یا مجنون و ناقص‌العقل معرفی می‌کند. سپس به این اشاره شده که اکثریت زنانی که خود از آموزش بی‌بهره‌اند وظیفه‌ی تنظیم بودجه خانواده، اداره‌ی امور خانه، پرستاری از شوهر و کودکان و... را به عهده دارند و خواستار آن است که زنان و مردان ایرانی با حقوق برابر و همدوش یکدیگر در راه سازندگی گام بردارند.

"تشکیلات دموکراتیک زنان بر آن است که هیچ اجتماعی بدون شرکت فعال زن در همه‌ی شئون اقتصادی و تولیدی آن طور که باید پیش نخواهد رفت. نقش زن ایرانی در امر تولید را انکارناپذیر می‌داند و خواستار مزد مساوی برای کار مساوی، حقوق تامین اجتماعی و بیمه در مورد خود و عائله تحت تکفل خود را خواستار است. امکان کسب دانش برای تخصص در کار، بهره‌مندی از حقوق مزایای بیشتر برای زنان و دختران، حقوق بازنشستگی هم سطح با مردان، فراهم آمدن امکان اشتغال همه‌ی زنان بیکار، استفاده زنان و دخترانی که فصلی کار می‌کنند از حقوق کار و بیمه‌های اجتماعی، ایجاد شبکه‌هایی برای رسیدگی به خانوهایی که در واحدهای تولید کارخانه‌ها و مزارع کار می‌کنند، ایجاد زایشگاه و

مراکز درمانی برای مادر و کودک، در نظر گرفتن مرخصی قبل و بعد از زایمان با حقوق و حفظ محل کار برای زنان باردار، ایجاد شیرخوارگاه‌ها و کودکانستان‌ها و مراکز بهداشتی برای کودک و مراکز راهنمایی مادر برای حفظ بهداشت خود و کودک در محیط زندگی و کمک مالی به خانواده‌های کم درآمد. ایجاد محیط‌های تمیز و پارک در محلات پرجمعیت..."

جلوگیری از کار کودکان، ایجاد تسهیلات برای کار زنان، آموزش همگانی و رایگان برای همه، ریشه‌کنی بی‌سوادی، مسایل بهداشت، مبارزه با فساد نیز از مواردی است که به آن پرداخته است و به آتش زدن "شهر نو" اشاره و عنوان کرده که راه‌حل ریشه‌کن کردن این مساله، آتش زدن این محلات نیست.

در انتها نیز آمده که این خواسته‌ها در ظرف یکی دو سال عملی نمی‌شود و دولت انقلابی از آغاز کار باید هم زمان با دیگر وظایف خود اقدامات قاطعی در زمینه چنین برنامه‌هایی آغاز کند. پس از آن به نقش زنان در انقلاب پرداخته و کتابچه با این جملات خاتمه یافته است:

"زنان خود را پاسدار بی‌اجر و مزد انقلاب می‌دانند. این زنان گذشت و فداکاری را به عالی‌ترین حد خود رسانده‌اند و خود را فراموش کرده و جان بر کف و آگاه به راستی، انسان را می‌سازند و در این سازندگی بند و زنجیر را از پای ملتی باز می‌کنند..."

و بعد از نقل گفته‌ای از "امام خمینی، رهبر انقلاب" می‌نویسد:

"نیمی از جمعیت ایران، زنان دعوت امام را از جان و دل پذیرفته‌اند و اینها هستند که با فروتنی و بدون انتظار و توقع و با علم به اینکه حق مسلم‌شان پایمال شده بیدار دل و آگاه در پی این هستند که گردنه‌ها را طی کنند و کشورشان را نجات بخشند."^۱

سخنرانی و کنفرانس‌ها در دفتر مرکزی این تشکیلات در تهران برگزار می‌شد و اعضای تشکیلات در محلات و خانه‌ها نشست‌هایی همراه با سخنرانی و مشاوره زنان برپا می‌کردند و با تشویق زنان به شرکت در شوراها، محله و تعاونی‌های تولید، تلاش می‌کردند به شرکت اجتماعی و استقلال اقتصادی آنان کمک کنند. ایجاد کلاس‌های سوادآموزی، بهداشتی، خیاطی و کاردستی و یا کتابخانه محلی زنان و کودکان، نمایش فیلم و تئاتر عروسکی از دیگر

۱- سایت اسناد اپوزیسیون، برنامه و اساسنامه تشکیلات دموکراتیک زنان

کارکردهای این تشکیلات بود. آذر منصور، موسس و یکی از سه مسئول تشکیلات دموکراتیک زنان در مصاحبه‌ای^۱ در مورد تشکیل و شیوه‌ی کار تشکیلات دموکراتیک زنان در اصفهان چنین می‌گوید:

"اولین شبی که در تشکیلات اصفهان کنار هم نشستیم، هفت نفر بودیم. در آن زمان تصمیم گرفتیم که جلسات را از اولین هفته شروع و تعدادی از زنان و خواهران و برادران رفقای حزبی را به اولین جلسه زنان در اصفهان دعوت کنیم. خوشبختانه به سرعت نه تنها دختران، خواهران، مادران و زنان پیرامون ما بلکه دوستان و خواهران و برادران کسانی که شوهرانشان، برادرشان یا پدرشان حزبی بودند، از این تشکیلات استقبال کردند. به جلسات هفتگی ما آمدند. این جلسات غالبا یا به صورت طرح بحثی کوچک که از طرف ما شروع می‌شد، یا سئوالاتی که خانم‌های شرکت‌کننده عنوان می‌کردند، یا مساله روز خود را مطرح می‌کردند به تدریج این جلسات بزرگ‌تر و به سمینارهای هفتگی تبدیل شد و کار ما وسعت پیدا کرد... دامنه جلسات هفتگی زنان نه تنها در حیطه شهر اصفهان، بلکه به ذوب‌آهن، بروجن، شهرکرد و شهرضا هم کشیده شد و ما جلسات هفتگی زنان را در این شهرها هم تشکیل می‌دادیم.

کار مهمی که می‌کردیم این بود که از این خانم‌ها می‌پرسیدیم که چه حرفه‌ای می‌دانند. کسانی که خیاطی می‌دانستند، کلاس‌های خیاطی برگزار می‌کردند و معلمان هم به کلاس‌های سوادآموزی در مساجد می‌رفتند. زنان قالبیاف را دور هم جمع می‌کردیم تا بلکه بتوانند از لحاظ صنفی از حقوق صنفی خود دفاع کنند. زنان کارگر ذوب‌آهن را جمع می‌کردیم تا از مواضع و منافع صنفی خود حمایت کنند. کارمان آنقدر وسعت گرفت که واقعا در مدت زمان کوتاهی، این جمع هفت نفره، با احتساب زنان شهر یزد در روزهای آخر، به ۴۰۰ نفر رسیده بود که از این نظر بسیار مثبت بود... هر بار هم جای جلسات را تغییر می‌دادیم... از یک سو بدبختانه دفتر مشخصی نداشتیم و از سوی دیگر

۱- کارونی، بهروز، رادیو فردا، تشکیلات دموکراتیک زنان، نقاط مثبت و منفی ۱۲، مهر ۱۳۹۰

خوشبختانه چون دفتر مشخص نداشتیم به ما حمله نمی‌شد و مورد هجوم قرار نمی‌گرفتیم."

به دنبال غیرقانونی شدن حزب توده ایران، در اردیبهشت ۶۱ به دستور دادستانی انقلاب، دفتر مرکزی تشکیلات در تهران مهر و موم و دفتر مجله "جهان زنان" نیز بسته شد.

۳-۵-۳-۱۴- کمیته زنان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه‌ی کارگر

این کمیته در واقع بخش زنان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر بود. یکی از اعضای این کمیته در در مورد فعالیت‌های کمیته چنین می‌گوید:

"کار ما از یکی دو هفته محلی شروع شد که با زنان محلات کار می‌کردند. محله خاک سفید، ولی عصر، شادشهر و... هسته‌های اولیه در زمان انقلاب شکل گرفتند. در تظاهرات مثلا من خودم با چندین دختر جوان آشنا شدم. وقتی در بخش زنان جا گرفتم، اینها هم در این بخش فعال شدند. ... فعالیت‌های ما عمدتاً شرکت در مبارزات روزمره‌ی مردم برای کمبود مایحتاج اولیه زندگی، تظاهرات علیه قطع آب و برق، خانه‌سازی در خارج از محدوده و غیره بود... در محلات تحرک خیلی زیاد بود. وقایع پشت سر هم اتفاق می‌افتاد. نیرو کم بود. اگر کمیته زنان نبود، سازمان نیروی دیگری در محلات نداشت و به خاطر کمی نیرو، مساله زنان خیلی راحت قربانی مبارزه در محلات می‌شد... کمیته در مورد مسایل زنان هم کارهایی انجام می‌داد. ما کوشش می‌کردیم که در نشریات پیکار محلات برخی مسایل زنان را طرح کنیم. مثلا قوانین به زبان ساده، سوادآموزی و... البته تمام این مسایل در بستر مسایل سیاسی و اجتماعی جامعه بود و ویژه زنان نبود... برای زنان محلات مسایلی اهمیت داشت که به طور مستقیم به زندگی‌شان مربوط می‌شد. مثلا نگهداری از فرزندان پس از طلاق، ولی داشتن حق طلاق مساله آنان نبود. در مورد سنگسار اصلا نمی‌شد حرف زد. چون از نظر آنها کسی که زنا کرده باید سنگسار می‌شد. حجاب برای این زنان مساله نبود. البته ما خودمان در تظاهرات ضدحجاب شرکت کردیم. به طور فردی و با روسری. هیچ رهنمودی از طرف سازمان وجود نداشت. به نوعی آن را تحقیر می‌کردند. کار کردن با کمیته برای یکی دو تا از بچه‌ها آزردهنده بود به طوری

که حالت افسردگی پیدا کرده بودند... ما سعی می‌کردیم هر چه زودتر و هر چه بیشتر کار را توده‌ای کنیم تا در چشم سازمان ارزش داشته باشد... عملاً به جایی رسیدیم که دیگر به مساله زنان نمی‌پرداختیم دیگر کمیته زنان وجود نداشت"^۱ یکی از اعضای اولیه‌ی این کمیته در مصاحبه‌ای چنین گفته است:

... پس از ۲۲ بهمن بنا شد یک کمیته زنان تشکیل شود. نظر بر این بود که نیمی از جمعیت زنان هستند و باید میان آنها کار کرد. هیچ خط مشخصی برای کار وجود نداشت. اما کسانی برای کمیته انتخاب شدند که می‌توانستند کار توده‌ای بکنند... یکی از رهنمودهای مسوول کمیته برای نزدیک شدن به زنان محلات این بود: "بنداندازی یاد بگیرید تا بتوانید با این زنان رابطه برقرار کنید؟ ما می‌گفتیم آخر با بنداندازی چه قشری از زنان را می‌توانیم جلب کنیم؟! بهتر است دست کم از طریق کلاس‌های پیکار با بی‌سوادی اقدام کنیم. این زنان از حداقل آگاهی برخوردارند و در ضمن اکثر آموزگاران هم سیاسی و چپی هستند.

سازمان پیکار بعدها، به نقد عملکرد کار کمیته زنان پرداخت.^۲

۳-۶- خواست‌های عمومی و سیاسی تشکل‌های مستقل زنان

دموکراتیک و علنی بودن از مشخصه‌هایی است که این سازمان‌ها خود را با آن معرفی می‌کردند. بسیاری از سازمان‌های مستقل زنان، مساله زنان را جدا از مسایل کلان جامعه نمی‌دانستند و برای خود این حق را قائل بودند که تمام ارکان جامعه را مورد نقد قرار دهند، در مسایل سیاسی روز اظهارنظر کنند و در برنامه‌ها و اهدافشان حل مسایل دهقانان، ملی کردن بانک‌ها، ایجاد جمهوری دموکراتیک، آزادی بیان، قلم، مذهب، مبارزات ضدامپریالیستی و... اشاره شده است. حتا در سازمان‌های صنفی نیز این مساله مشهود بود. این خواست‌های عمومی به نظر آنها، به طور خلاصه عبارت بودند از:

تشکیل یک جمهوری دموکراتیک خلق بر اساس آزادی کامل جمعیت‌های سیاسی مذهبی و صنفی یا تشکیل جمهوری سوسیالیستی/تشکیل شوراهای کارگری/برچیدن تمامی

۱- متین، مهناز، نیروهای چپ و مبارزات زنان، مصاحبه با سارا. س از اعضای اصلی کمیته زنان پیکار، ژانویه ۹۷

۲- نشریه پیکار، شماره های ۹۲ و ۹۳، بهمن ۱۳۵۹مراجعه شود به صفحه ۱۸۸ و ۳۶۶ همین مجموعه

مؤسسات و شرکت‌های غارتگر دولت سابق/ تشکیل انجمن‌های دهقانان/ آزادی و حقوق متساوی برای تمامی خلق‌های ایران/ تشکیل دادگاه علنی و محلی با شرکت نمایندگان مردم جهت به کیفر رسانیدن تمامی جانپان سابق/ اخراج کلیه مزدوران بیگانه و در درجه اول مزدوران یانکی/ دادن کمک‌های مادی و معنوی به تمامی جنبش‌های دموکراتیک و ضدامپریالیستی/ ملی کردن تمام صنایع و معادن و شرکت‌های بزرگ و وابسته به نفع خلق/ بر چیدن دستگاه‌های عریض و طویل اداری و ارتشی و پلیسی که دست پرورده امپریالیسم و ارتجاع داخلی بوده و بنیان گذاردن دستگاه‌های اداری و پلیس و ارتش خلقی و...

این سازمان‌ها رهایی زنان را در گرو آزادی و رهایی مردان و کل جامعه و همه‌ی خلق‌ها می‌دیدند و نظام امپریالیستی سرمایه‌داری را سبب این شرایط می‌دیدند. از جمله اهداف این سازمان‌ها متحد کردن زنان در صفوف خاص و در برخی مواقع نیز تشکیل سازمان سراسری زنان در جهت رفع ستم مضاعف بود. مبارزه برای تقاضاهای صنفی و احقاق حقوق پایمال شده زنان، مثلاً حمایت از زنان در کسب حقوق برابر با مردان در مقابل کار مساوی، برخورداری از بیمه، حق اولاد، مبارزه در راه تامین امکانات رفاهی در دوران بارداری و پس از زایمان، ایجاد مهد کودک برای کودکان زنان زحمتکش، حق طلاق، مبارزه علیه قوانین از قبیل تعدد زوجات و صیغه و... نیز از جمله اهداف آنان بوده است. بسیاری از آنان با تاکید، مرزبندی خود را با شوروی و چین مشخص کرده بودند. مبارزه ضدامپریالیستی و ضدارتجاعی یکی از رؤس و اهداف اصلی این سازمان‌ها بوده است.

۳-۷- ضرورت وجود تشکل‌های مستقل و جداگانه‌ی زنان

ضرورت ایجاد تشکل‌های مستقل زنان، یکی از عمده بحث‌هایی بود که در سال‌های پس از سرنگونی رژیم شاه در میان زنان مبارز و چپ مطرح بود، بسیاری از تشکل‌های زنان در این سال‌ها معتقد به تشکل مستقل زنان بودند. تشکیل این نهادها خود نشان از این دغدغه دارد. جمعیت زنان مبارز در جواب به این سوال که چرا زنان باید تشکیلات جداگانه‌ای داشته باشند، می‌گویند:

"خصوصیات و ویژگی‌هایی که زنان به عنوان یک بخش از جامعه با آن روبرویند، این امر را لازم الاجرا می‌نماید. زنان نه تنها همچون هم‌زنجیران برابر خود، به وسیله‌ی

امپریالیست‌ها، سرمایه‌داران، فئودال‌ها و صاحبان زور و زر استثمار می‌شوند، بلکه هم چنین به خاطر قیود و عقب‌ماندگی‌های سنتی اجتماع و بقایای جامعه پدرسالاری تحت ستم دوگانه از طرف کل نظام اجتماعی موجود می‌باشند. در مقابل کار مساوی زن و مرد، زنان از حقوق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کمتری برخوردارند. برای نمونه در جامعه‌ی ۲۵ میلیونی ایران قریب به ۸ میلیون زن فقط در امور خانه‌داری اشتغال دارند. هیچ‌گونه حقوق و مزایای اجتماعی در این مشغله برای زنان وجود ندارد. اکثریت زنان از امر تولید و شرکت در امور اجتماعی محرومند. به زنان عموماً به عنوان کالا نگرسته می‌شود. قوانین خانواده عموماً بر ضد منافع زنان و ... این محرومان جامعه‌اند. زنان در مقابل کار مساوی تا ۵۰ درصد کمتر از مردان حقوق می‌گیرند و درصد بی‌سوادی در میان زنان به مراتب بیشتر است. (از ۶۰ درصد بی‌سواد در کشور، ۷۵ درصد زنان هستند) و هزاران نمونه‌ی دیگر. محدودیت‌های فرهنگی، اجتماعی، حقوق و اقتصادی جزء لاینفکی از جامعه حامل ستم و استثمارند.

برای از بین بردن تمام این محدودیت‌ها و برای به دست آوردن حقوق کاملاً متساوی با مردان در مقابل فعالیت اجتماعی متساوی، زنان باید با گسترانیدن اتحاد خود با سایر اقشار و طبقات خلقی در نهضت‌های بزرگ اجتماعی میهن‌مان شرکت کنند. برای شرکت در این نهضت‌های اجتماعی نه تنها باید سیاست و اهداف انقلابی داشت، بلکه ابزار پیش برد این سیاست و اهداف یعنی تشکیلات و سازمان باید موجود باشد و بدین جهت زنان زحمتکش و مبارز ایرانی به مثابه نیمی از شرکت‌کنندگان این نهضت‌ها با متشکل شدن در تشکیلات واحد و سراسری خود استمرار و پیروزی انقلاب ایران را تضمین کنند."

"این جمعیت می‌داند و خود نیز می‌گوید که تعدد در تشکیلات که امروز به علت نبود رهبری واحد در میان زنان یکی از معضلات است، تنها نیروی نهضت زنان را تحلیل برده ... جمعیت زنان مبارز در عین پیشبرد نهضت خود برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف عالی خلق‌های ایران به طور عام و حل معضلات زنان به طور خاص می‌کوشد تا اکثریت قریب به اتفاق زنان را در یک سازمان واحد و سراسری متشکل کند. تشکیلات یکی از مه‌ترین سلاح‌های مبارزه اجتماعی ما در شرایط کنونی و وحدت کبیر زنان با یکدیگر و با خلق‌های دلاور خود تضمینی مهم در استمرار و پیروزی انقلاب ماست."

در شماره‌ی ۱۲ نشریه (۲۰ اسفند ۱۳۵۸) "چه باید کرد" که منشعین کارگران سوسیالیست منتشر می‌کردند، در سال‌روز اعتراضات زنان علیه حجاب، در مقاله‌ای تحت عنوان: "ضرورت تشکل مستقل زنان" چنین نوشت:

"چند هفته پس از پیروزی قیام، ضدانقلاب سیاسی با حمله به حقوق زنان، عملاً راه حمله به حقوق دموکراتیک را گشود، صرفاً مقاومت سرسختانه‌ی زنان، درست یک سال پیش در چنین روزهایی باعث شد که ارتجاع نتواند فوراً تمامی برنامه‌های خویش را اجرا نماید. اما در این یک سال حاکمیت نشان داده که نسبت به رژیم گذشته نه تنها نقش بالاتری برای زنان در تولید و حیات اجتماعی و سیاسی قائل نیست بلکه در موارد متعددی دامنه‌ی حمله به آنان را گسترش هم داده است... در روال تداوم انقلاب ایران، تعمیق خواسته‌های زحمتکشان و مبارزه‌ی آنان، پیکار زنان جهت تشکل مستقل ایشان مطرح می‌شود. پایه‌های مادی و واقعی و ضرورت این تشکل را به سادگی می‌توان دید به عهده‌ی انقلابیون است که با یاری به ایجاد این تشکل گامی در جهت پیروزی زنان زحمتکش و انقلاب ایران به پیش بردارند..."

به مناسبت ۸ مارس ۱۳۵۹، میزگردی با عنوان "پیش به سوی تشکل و مبارزه یک‌پارچه زنان" توسط نشریه "گل سرخ" برگزار شد. در این میزگرد که با حضور دو تشکل زنان (اتحاد ملی زنان و انجمن رهایی زن) تشکیل شده بود به مساله "اهمیت مبارزات زنان و تشکل‌های مستقل آنان در شرایط مبارزات امروز" و این که "مسایل مشخص زنان در امر مبارزه چیست" پرداخته شد. نماینده اتحاد ملی زنان بوجود آمدن این سازمان را ناشی از این ضرورت عنوان می‌کند و یادآور می‌شود که در اسفند ۱۳۵۷ در این راستا، دو بحث آزاد در مدرسه عالی شمیران و در دانشگاه تهران سازمان داده شد که در دانشگاه تهران بیش از سه هزار نفر شرکت داشتند. نتیجه این بحث‌ها شکل‌گیری "اتحاد ملی زنان" بود. انجمن رهایی زن ضمن طرح این موضوع که مساله زنان در اساس یک مساله دموکراتیک است، بر این نکته تاکید می‌کند:

"در جوامعی مثل ایران وجود سازمان‌های دموکراتیک خیلی عمدگی پیدا می‌کند، برای این است که هر قشری و هر طبقه‌ای برای خواسته‌های دموکراتیک و طبقاتی خودش باید متشکل باشد و بعد آن خواسته‌ها را مطرح کند. به نظر ما چون این خواسته‌ها در

ایران خیلی وسیع است و اقشار و طبقاتی که درگیر هستند و در زیر این چتر اختناق قرار دارند، باید صفوف مستقل خود را ایجاد نمایند. در نتیجه وجود سازمان‌های دموکراتیک که بر حول مسایل سیاسی خاص فعالیت می‌کنند، الزام‌آور می‌گردد. تشکلات زنان هم به عنوان یکی از عمده‌ترین سازمان‌های دموکراتیک در ایران مطرح می‌شود و به دلیل عمده بودن و جهانی بودن مساله زن و دوم به دلایل خاص ... وجود سازمان‌های دموکراتیک زنان را در این مرحله ضروری می‌کند."

اما در سطح جنبش چپ، دیدگاه‌هایی نیز وجود داشت که مخالف ایجاد تشکل مستقل زنان بود. سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، تشکل مستقل زنان را قبول نداشته و به سازمان‌های زنان موجود این گونه نقد می‌نویسد:

"تشکیلات دموکراتیک زنان پایه‌های اصلی خود را بر روی دوش زنان زحمتکش می‌گذارد و تا زمانی که این پایه مادی فراهم نگشته است پس ایجاد چنین تشکیلاتی فقط یک کوشش بی‌محتوا است و مشخصاً جنبه روشنفکرانه خواهد داشت. بدین سبب با تشکیلات‌هایی چون جمعیت زنان مبارز، جمعیت بیداری زن، اتحادیه انقلابی زنان که پس از قیام بدون هیچ کار متمرکزی بر روی زنان زحمتکش اعلام موجودیت نموده‌اند، مرزبندی نموده و آنها را تشکل‌هایی از بالا، غیرتوده‌ای و روشنفکرانه ارزیابی می‌کنیم.^۱ بقیه سازمان‌ها نیز نظراتی مابین این دو دیدگاه داشتند.

۳-۸- تلاش برای ایجاد همبستگی و اتحاد میان تشکل‌های زنان

مساله وحدت برای تشکل‌های زنان مهم بود و در این راه اقداماتی انجام می‌شد. ضرورت این مساله، با توجه به تعداد زیاد این تشکل‌ها و تنوع‌شان حتا در سطح نشریات عمومی نیز مطرح بود.

در آئندگان سوم و چهارم خرداد ۱۳۵۸، در مقاله‌ای تحت عنوان "زن ایرانی در بند نمی‌ماند" به معرفی تعدادی از این سازمان‌های زنان پرداخته شده است. نویسنده این مقاله افزایش تعداد جمعیت‌های زنان را باعث پراکندگی نیروی عظیم زنان می‌داند و چنین می‌نویسد: "در چند ماه اخیر، چندین جمعیت از سوی زنان اعلام موجودیت کرده است که نخستین هدف همه‌ی این گروه‌ها رهانیدن زن از اسارت است... وجود این همه سازمان‌ها باعث امیدواری است. اما آنچه باعث بروز نگرانی‌هایی می‌شود این است که چرا این همه سازمان‌های متعدد زنان؟ اگر زنان آگاه نیاز بسیج جداگانه‌ی زنان را احساس کرده‌اند، چرا با تعداد بیش از حد جمعیت‌هایی که بعضی از آنها بسیار هم به هم نزدیکند، باعث پراکندگی زنان می‌شوند. چنان‌که از گفته‌ها، نشریات این جمعیت‌ها بر می‌آید زمینه‌های اتحاد برای بسیاری از این جمعیت‌ها وجود دارد، مگر آنکه این جمعیت‌ها، تمام آن چه را که گفتنی است، نگفته باشند."

در این مقاله از تمام تشکل‌هایی که معرفی شده، در مورد وحدت سوال شده است. در مورد وحدت با سایر گروه‌های زنان، یکی از مسوولان اتحادیه انقلابی زنان مبارز در یکی از جلسات خصوصی توضیح داد که وحدت از ابتدا مورد نظر اتحادیه بوده است، ولی شرایط ضروری و شناخت کافی در حال حاضر برای وحدت وجود ندارد. با این حال، ما امیدواریم که در آینده با گروه‌هایی که دقیقاً در مسیر ما حرکت می‌کنند به طور اجمالی به وحدت دست یابیم. در نشریه شماره ۳ اتحادیه چنین می‌خوانیم:

"ما به عنوان اتحادیه زنان مبارز، خواهان برقراری اتحادی اصولی با همه‌ی گروه‌های مبارزی که صادقانه و مصراانه خواهان حرکت دموکراتیک و پیش‌رونده به سوی آزادی‌ها و آگاهی‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشند، هستیم و هر گونه همکاری و کمک را در جهت رهایی زنان و اجتماع از قید زنجیرهای استثمار تایید کرده و پشتیبان آن

می‌باشیم و به خاطر آنکه از نفوذ هر گونه عوامل ناصالح، پلیسی و خائن به داخل اتحادیه جلوگیری نماییم لازم می‌دانیم خط مشی اتحادیه انقلابی زنان مبارز را مصرانه تعقیب نموده و قواعد، اصول و پایه‌ی آن را همواره مد نظر داریم."

نظر جمعیت بیداری زنان در مورد وحدت با سایر گروه‌ها چنین بود:

"آن دسته جریانات و دسته‌هایی که زنان را به متشکل شدن گرد خواسته‌هایی محدود اقتصادی صنفی و پرداختن به امور زنان می‌خوانند، آگاهانه و ناآگاهانه به جنبش انقلابی مردم و جنبش انقلابی زنان زحمتکش ایران ضربه می‌زنند و در واقع به طور غیرمستقیم این فکر ارتجاعی را تبلیغ می‌کنند که ما زنان لایق فهم همان مسایل محدود خود نیستیم و نباید در امروز انقلاب و سازندگی فردا دخالت و شرکت کنیم.

ما را با چنین دسته‌هایی کاری نیست. با دیگر گروه‌ها و جمعیت‌های دموکراتیک و ضدامپریالیستی زنان که اخیراً ایجاد شده‌اند و یا در حال ایجاد هستند و خط و مشی و برنامه‌شان متضاد با خط مشی و برنامه جمعیت بیداری زنان نباشد، حاضر به همکاری و وحدت کامل هستیم و در این راه حد اعلی تلاش خویش را می‌کنیم و از آنها نیز می‌خواهیم تا در این موقعیت حساس که امر بسیج زنان مبدل به یکی از مسایل مهم جنبش و انقلاب ایران شده است، در راه وحدت و یگانگی همگی گروه‌های دموکراتیک و ضدامپریالیسی زنان تلاش کنند و اجازه ندهند که چندین تشکیلات زنان ایجاد شود. پدید آمدن چندین تشکیلات زنان سبب هدر دادن وقت و نیروی رزمنده زنان و دامن زدن به بدبینی درمیان صفوف زنان ستمدیده ایران نسبت به امر تشکل و تشکیلات می‌شود. باید از پدید آمدن چنین وضعی جلوگیری کرد. ما به سهم خود تلاش‌مان را خواهیم کرد."

بنا به توضیح جمعیت بیداری زنان، دعوت این کمیته برای اتحاد زنان، شامل آن دسته از زنانی نمی‌شود که به جای دنبال کردن یک خط مشی انقلابی، دنبال آزادی بی‌بند و بار و عقب‌مانده جوامع سرمایه‌داری اروپا و آمریکا هستند. در ضمن، این جمعیت معتقد است که زنان نمی‌توانند خود را از قید اسارت و بردگی رها کنند، مگر اینکه همراه سایر گروه‌ها برای رهایی جامعه از قید ارتجاع و امپریالیسم کوشش کنند.

برخی از این تشکل‌ها هم با روشن کردن خط و مرز خود با تشکل‌هایی که نمی‌توانند با آنها همکاری کنند، موضع خود را در رابطه با اتحاد و همکاری مشخص کرده بودند. از جمله می‌توان به کمیته زنان مبارز (شیراز) اشاره کرد:

"ضمن خط‌کشی قاطع با مشی و برنامه‌ها و اهداف کمیته مرکزی حزب توده، به عنوان عمده‌ترین خطر برای جنبش دموکراتیک و نیز خط‌کشی با جریان‌های سازش‌کاری که اشاعه‌دهنده‌ی برنامه‌های ضدانقلابی جمهوری توده‌ای چین، در درون جنبش خلق‌های ما می‌باشند، کمیته زنان مبارز، باید در راه به وجود آمدن سازمان سراسری زنان تلاش کند که اکثریت قریب به اتفاق زنان زحمت کش و مبارز ایران را در خود بسیج کند." برای انجمن‌رهایی زن، ایجاد همبستگی در میان تشکل‌های موجود زنان از اهمیت برخوردار بود. شعار "اتحاد جنبش زنان ضرورت‌رهایی زن" در شماره‌های مختلف نشریه این سازمان به چشم می‌خورد. انجمن‌رهایی اعلام کرده بود:

"سازمان ما با حفظ استقلال و نظرات خود با سازمان‌ها و گروه‌های مترقی و انقلابی و نیروهایی که در جهت منافع زحمتکشان و جدا از وابستگی به قدرت‌های جهانی فعالیت می‌کنند، همکاری خواهد کرد."

یکی از جدی‌ترین این تلاش‌ها، تشکیل کمیته یا شورای همبستگی زنان بود. «شورای همبستگی زنان» متشکل از ۵ سازمان بود: انجمن‌رهایی زن، اتحادیه انقلابی زنان مبارز، کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی ایران^۱، جمعیت بیداری زن، جمعیت زنان مبارز. «کمیته همبستگی زنان» در ۴ آذر ۱۳۵۸ کنفرانس مشترک زنان را با همکاری پنج سازمان فوق و اتحاد ملی زنان، به عنوان اولین اقدام مشترک سازمان‌های انقلابی و مبارز زنان پس از انقلاب، تشکیل داد. موفقیت این کنفرانس و تاثیر آن در جنبش مترقی زنان ایران، لزوم همکاری سازمان‌های مترقی و انقلابی را به وضوح مشخص نمود و بدین خاطر کمیته برگزارکننده این

۱- جبهه دموکراتیک ملی ایران یکی از احزاب سیاسی ملی‌گرای ایران است که به رهبری هدایت‌الله متین‌دفتری در اسفند سال ۱۳۵۷ تشکیل شد. شکرالله پاک‌نژاد، یکی دیگر از بنیانگذاران بنام این جبهه است. او از زندانیان سیاسی دوره محمد رضاشاه بود و دفاعیه او در دادگاه شاه بازتاب جهانی یافت و سارتر آن را در نشریه خود منتشر کرد. او پس از انقلاب ۱۳۵۷ ایران آزاد شد و به فعالیت سیاسی ادامه داد و در مرداد سال ۶۰، بار دیگر دستگیر و در اواخر ماه آذر همان سال تیرباران شد.

کنفرانس به شورای همبستگی زنان تبدیل شد. این شورا بزرگداشت روز جهانی زنان را مرکز فعالیت‌های خویش قرار داد و به این منظور به بسیج وسیع نیروهای مبارز دست زد.^۱ در نخستین بیانیه این کمیته که در ۲۶ آبان ۱۳۵۸ منتشر شد چنین آمده است:

"آزادگان و آزادیخواهان ایران بی‌شک شما نیز چون ما خاطره‌ی روزهای پرافتخاری را که مرد و زن و پیر و جوان در خیابان‌ها و کارخانه‌ها در کنار هم با مشت‌های گره کرده علیه خون‌ریزان جبار پهلوی فریاد می‌زدند و برای آزادی و استقلال میهن جان بر کف... بی‌واهمه می‌رزمیدند به یاد می‌آورید. لیکن امروز با کمال تأسف می‌بینیم که نه تنها قدمی در جهت بازگرداندن حقوق و حرمت از دست رفته‌ی زنان برداشته نشده بلکه اقدامات و قوانین و مصوبات حاکم تنها در جهت محدود ساختن هر چه بیشتر زنان، تثبیت نابرابری آنان و حتا بازپس گرفتن حقوق ناچیز گذشته جریان داشته است. ... ما با این امید که زمینه اتحاد و همبستگی گروه‌های مترقی زنان را در جهت هماهنگ ساختن فعالیت‌های آنان به وجود آوریم و از مزایای تلاش دسته‌جمعی به سود مبارزه بهره‌گیریم، تدارک برگزاری کنفرانس مشترکی را در دفاع از حقوق زنان ضروری می‌بینیم و از همه دعوت می‌کنیم در مبارزات زنان ایران علیه ستم و نابرابری استعمار و ارتجاع با ما همگام شوند."^۲

سپس به مساله دادگاه‌های حمایت خانواده، محروم شدن زنان قاضی از قضاوت، تعطیلی مدارس دخترانه به دلیل نبود معلم زن، محدودیت‌های زنان در زمینه ورزش و... اشاره شده است:

"تردید نیست که مساله زنان نمی‌تواند مستقل از ساخت اقتصادی- سیاسی جامعه مورد بررسی قرار گیرد ... مادامی که ساخت جامعه مبتنی بر امتیازات طبقاتی و استثمار فرد از فرد است، برابری کامل زنان با مردان نیز تحقق نخواهد یافت. ما اعتقاد داریم تلاش اصلی نیروهای انقلابی جامعه‌ی ما اعم از زن و مرد باید معطوف مبارزه بر علیه صاحبان زر و سرمایه و علیه نفوذ امپریالیستی باشد، اما فراموش نمی‌کنیم که این مبارزه در راه تامین حقوق اجتماعی و اقتصادی زنان و رفع تبعیضات گوناگون نه با این اهداف انقلابی

۱- نشریه‌ی راهی، ۱۳۵۸، بزرگداشت روز جهانی زن

۲- اطلاعات، ۲۶ آبان ۵۸

جامعه مغایرتی دارد که بسیج نیروی عظیم زنان می‌تواند پیروزی جنبش حق طلبانه ملی را تسهیل کند. شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر تشکل زنان ایران و کوشش در جهت اعتلای آگاهی آنان را ضروری می‌سازد. دفاع از حقوق زنان محروم و زحمتکش این سرزمین مستلزم وحدت عمل و مبارزه کلیه افراد و سازمان‌های مترقی و آزادی‌خواه و تمامی زنان رزمنده و بیدار دل ایران است.

حرکت مشترک ما کوششی است صمیمانه جهت شناخت مسایل فوری زنان و تلاش در جهت آغاز مبارزه هماهنگ و متحد علیه تجاوز به حقوق زنان، دفاع از آزادی‌های دموکراتیک آنان و نیز مبارزه به منظور حفظ تداوم انقلاب و تشکل و مبارزه زنان علیه نفوذ امپریالیستی تا قطع کامل وابستگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ایران و تحقق برابری کامل زنان.

در انتها هم با این امید که زمینه اتحاد و همبستگی گروه‌های مترقی زنان را در جهت هماهنگ ساختن فعالیت‌های آنان بوجود آورده و از مزایای تلاش دسته‌جمعی به سود مبارزه بهره‌گیریم، ضرورت برگزاری کنفرانس مشترک را می‌بینیم و از کلیه سازمان‌ها، گروه‌ها، جمعیت‌ها، کانون‌های دموکراتیک و مترقی و کلیه افرادی که رهایی زنان را تنها با تشکل و مبارزه‌ی بی‌امان علیه هر نوع استثمار و قطع کامل و همه‌جانبه نفوذ امپریالیسم و همبسته با پیکار دلاورانه‌ی کلیه خلق‌های تحت ستم ایران ممکن می‌دانند، دعوت می‌کنیم که در برگزاری این کنفرانس و اعلام پشتیبانی از مبارزات مترقی زنان ایران علیه ستم، نابرابری، استثمار و ارتجاع با ما همکاری کنند".

انجمن‌ها و سازمان‌های صنفی زنان و بسیاری از تشکل‌های زنان در وزارتخانه‌ها و ادارات مختلف که بالغ بر ۲۰ گروه بودند، نیز از این کنفرانس اعلام پشتیبانی کردند. از جمله انجمن کارکنان زن سازمان برنامه و بودجه، کانون ترقی‌خواه بانک مرکزی و... اشاره کرد. شهین نوایی از بنیان‌گذاران آن چنین می‌گوید:

"کمیتة همبستگی زنان، تشکلی از اکثر سازمان‌های سیاسی و گروه‌های صنفی زنان بود. در جلسات هفتگی آن نمایندگان همه‌ی گروه‌ها شرکت می‌کردند. مدتی بعد کلیه تشکل‌های فعال، در آن شرکت کرده و برنامه‌ی مشترکی را در رابطه با یک کنفرانس مشترک در اعتراض به پیش‌نویس قانون اساسی برنامه‌ریزی کردند. این کمیته در فرموله

کردن خواست‌های زنان در قطعنامه‌های کنفرانس مشترک نقش مهمی داشت. این کنفرانس سه هفته پس از اشغال سفارت امریکا برگزار شد. هیچ کدام از سازمان‌های سیاسی مثل پیکار، فدایی، جبهه ملی، مجاهدین، حزب دموکرات، کومله و... با این کنفرانس ابراز همبستگی نکردند. سازمان فدایی در همان روز و همان ساعت برای حمایت از دانشجویان پیرو خط امام راهپیمایی به سمت سفارت برگزار کرد."

در نشریه آزادی (جبهه دموکراتیک ملی ایران)، شماره‌ی ۲۳ که در تاریخ ۳۰ مهر ۱۳۵۸ منتشر شد، کمیته زنان جبهه دموکراتیک از کلیه سازمان‌ها، نیروی‌ها و شخصیت‌های مستقل و ملی زنان ایران دعوت کرد که در این هم‌گرایی شرکت کنند. این نشریه ویژه‌نامه‌ی را در این رابطه انتشار داد که در آن آمده است:

"کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی ایران به دعوت کمیته همبستگی زنان برای کنفرانس مشترک پاسخ مثبت داده و از همه‌ی نیروهای مترقی، مبارز و دموکرات که در راه رفع ستم از خلق‌ها و توده‌ها، و به ویژه زنان که پیوسته از ستم دوگانه رنج برده‌اند مبارزه کرده و دعوت می‌کند که با این کمیته همکاری فعالانه کنند."

"یکی از راه‌های نفوذ امپریالیسم در کشورهای تحت ستم... تقسیم جامعه به دو بخش زن و مرد و سلب مستمر حقوق حقه مدنی و اجتماعی آنان و جلوگیری از رشد فرهنگی این توده‌های به ظاهر جداست. دو بخشی که در حقیقت دو بازوی سازنده اجتماع هستند... اتحاد زنان میهن ما، صرف‌نظر از دیدگاه‌های خاص ایدئولوژیک و صرفاً بر مبنای مضامین مشترک و متحدی چون آزادی‌خواهی، ترقی‌طلبی، استقلال، ایستادگی علیه امپریالیسم و پیکار برای تعالی همه جانبه ملی، ضرورتی محسوس است. از این رو کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی، از کلیه سازمان‌ها، نیروها و شخصیت‌های مترقی مستقل و ملی زنان ایران، دعوت می‌کند به منظور پی‌ریزی و تقویت پهنه‌های وحدت، دست یاری به هم دهند. بدیهی است که برادران هم‌رزم ما، در این کوشش عمومی برای احقاق حقوق سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برابر با ما همکاری خواهند کرد. کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی، این اقدام را وظیفه‌ی خود می‌داند و همه امکانات و قوای خود را در خدمت بی‌قید و شرط برای انجام این هم‌گرایی و گردهم‌آیی خواهد گذارد."

از کم و کیف این بحث‌ها و سخنرانی‌های این کنفرانس اطلاع دقیقی نیست. اما بحث عمده اعتراض به قانون جدید خانواده و قانون اساسی پیشنهادی مجلس خبرگان بود:

"... دو رساله در مورد قانون اساسی و قانون مدنی از طرف کمیته همبستگی و یک مقاله از طرف قانون مستقل معلمان تهران در مورد آموزش و پرورش و زن قرائت گردید. از طرف کمیسیون صنفی کمیته همبستگی متشکل از کانون‌ها و تشکیلات زنان کارمند نیز پیامی خوانده شد. خانم آل آقا (مادر نسترن و لادن آل آقا از شهدای سازمان فدایی) نیز پیامی خواند. در این مراسم زنان ترکمن و کرد نیز به نمایندگی از طرف زنان خلق های تحت ستم ایران پیام‌هایی به کنفرانس آوردند. در این مراسم، پیام‌هایی از طرف جمعیت حقوق‌دانان، گروهی از زنان سندج، جبهه دموکراتیک ملی، کانون زندانیان سیاسی و گروهی از کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی تهران قرائت شد."

در این گردهمایی ظاهراً چند هزار نفر شرکت کرده بودند و نشریه‌های زن این گردهمایی را بسیار موفق ارزیابی کرده است:

"یکی از بهترین افشاگری‌ها علیه قانون اساسی ارتجاعی که علی‌رغم کارشکنی مرتجعینی که برق ساختمان را قطع کردند در زیر نور فندک و شمع، برنامه‌های خود را به بهترین وجهی اجرا کرد و گام موثری در مبارزه دموکراتیک علیه سلطه‌جویی و شوونیسم برداشت."

به جز همکاری و اتحاد عمل با سایر تشکل‌های زنان، چشم‌انداز این زنان تلفیق مبارزات دموکراتیک و سوسیالیستی بود. در انتهای این گزارش پس از تبریک به سازمان‌های برگزارکننده آمده است:

"امیدواریم که دومین کنفرانس در شرایطی که با تعقل و تفاهم بیشتر همگان همراه باشد، برگزار گردد و زنان مترقی میهن ما با تلفیق مبارزات دموکراتیک و سوسیالیستی در مبارزه با رژیم و آموزش به سایر نیروهای مترقی موفق و موید باشند."

قطعنامه‌ی پایان کنفرانس نیز این چنین بود:

"زنان ایران پیوسته همگام با برادران خود پرچم مبارزات حق‌طلبانه و آزادی‌خواهانه‌ی ملی را به دوش کشیده‌اند و به رغم تمامی محرومیت‌ها و محدودیت‌ها در این مبارزات گامی از برادران خود عقب نبوده‌اند. تاریخ خونین مبارزات خلق ایران و نمونه‌های بی‌شمار

زنان رزمنده‌ای که در حکومت سیاه پهلوی در سیاه‌چال‌های قرون وسطایی ایران جان باخته‌اند، گواه ماست... زنان ایران نیک آگاهند که امپریالیسم جهانی و ارتجاع داخلی می‌کوشند خواست‌های بر حق زنان ایران را در جهت تامین منافع خود به انحراف بکشانند. ما این حیل‌های شناخته‌شده و امتحان‌شده را محکوم می‌کنیم و از پیش اعلام می‌داریم اجازه نخواهیم داد مبارزه‌ی ما علیه تبعیضات و نابرابری‌ها، جدای از مبارزات زحمتکشان شناسانده شود، لیکن تجاوزات آشکار و پنهانی را که خواه از طریق تصویب لغو قوانین و مصوبات گوناگون و خواه با ادامه‌ی روش‌های تبعیض‌آمیز نسبت به زنان از هنگام پیروزی قیام در مورد زنان اعمال شده، محکوم می‌سازیم و حق مبارزه برای کسب آزادی و برابری با مردان را برای خود محفوظ می‌داریم. ما اعلام می‌کنیم... مبارزه در جهت برقراری آزادی‌های دموکراتیک در ایران، از مبارزه‌ی ضدامپریالیستی جدا نیست... قوانین عقب افتاده‌ی مجلس خبرگان بیانگر خواست‌های ضدامپریالیستی مردم نبوده و از این رو محکوم است... ما خواهان افشا و الغای کلیه قراردادهای اقتصادی، نظامی و فرهنگی با کشورهای امپریالیستی و در راس آنها امپریالیسم امریکا می‌باشیم، خواهان تصفیه کلیه ارگان‌های حکومت از عوامل امپریالیسم و افشای نام آنها هستیم. ما خواهان تجهیز و آموزش نظامی زنان و مردان برای مقابله با تجاوزات و تهدیدات امپریالیسم هستیم. ما خواهان لغو قوانین مربوط به تعدد زوجات، ازدواج منقطع، حق طلاق یک طرفه هستیم. ما خواهان تضمین حقوق در مورد ولایت فرزندان برای مادران و پدران به طور مساوی هستیم. حق قیمومیت را که با کنایه و استعاره‌های مصوبات مجلس خبرگان محدود به حدود شرعی و اعمال نظر فردی شده کافی نمی‌دانیم. ما خواهان تامین حقوق کامل سیاسی در اداره‌ی امور مملکت از راس تا پایه با برادرانمان هستیم که در هیچ جای آن جنسیت دلیل انتخاب یا عدم انتخاب نباشد. ما خواهان حقوق برابر در خانواده و اجتماع به عنوان نخستین قدم در راه کسب آزادی و برابری اجتماعی زنان، ... امکانات آموزشی رایگان در تمامی رشته‌ها بدون هیچ گونه تبعیض، باز پس دادن حق قضاوت به زنان و رفع تبعیض جنسی در انتخاب آزادانه‌ی شغل و حرفه بر اساس توانایی‌ها و لیاقت‌ها...

برقراری امکانات رفاهی از قبیل مهد کودک و... در محیط کار برای زنان کارگر و کارمند هستیم.^۱

کمیته همبستگی از همان روز اقدام به انتشار بولتنی کرد که به قیمت ۳۰ ریال در تهران انتشار یافت. در اولین شماره، بولتن همبستگی، کمیته همبستگی زنان را چنین تعریف کرده است:

"کمیته همبستگی زنان با تشکلی از سازمان‌های سیاسی و گروه‌های صنفی-سیاسی زنان کار خود را برای برگزاری کنفرانس مشترک آغاز کرد. حاصل این تلاش، گردهمایی در دانشکده‌ی پلی تکنیک تهران بود و مسایل مطرح شده تحلیلی از اصول قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان، تجزیه و تحلیل قوانین مدنی موجود درباره‌ی خانواده و بحثی پیرامون ستم فرهنگی و نتایج آن بر زندگی زن ایرانی بود. اولین شماره بولتن همبستگی مطالب بازگو شده در کنفرانس است. مهم‌ترین دستاورد این کنفرانس تشکل نیروهای مترقی زنان با دیدگاه‌های متفاوت و بینش یکسان در قبال واقعیت مسایل مربوط به زن در سطح جامعه و سپس امکان تداوم این همکاری در جهت سازماندهی مبارزات زنان در همه‌ی سطوح به عنوان یک نیروی بالقوه ضدامپریالیستی و ضد ارتجاعی در حال و آینده می‌باشد."

در فهرست مطالب این شماره این عناوین به چشم می‌خورد: تحلیل از قانون اساسی خبرگان، نگرشی به حقوق زنان در قوانین مدنی، ستم فرهنگی به زنان، پیام‌های ارائه شده در کنفرانس از سوی جمعیت‌ها و گروه‌ها.^۲

حرکت بعدی کمیته همبستگی نشست‌های تدارکاتی برای برگزاری مراسم ۸ مارس ۱۳۵۸ بود. در بیانیه‌ی آن چنین آمده است:

"تاریخ از زمانی که جوامع به طبقات تقسیم شد و روابط استثمار به نفع اقلیتی حاکم و به قیمت ظلم و تعدی و ستم به اکثریتی رنج کشیده بوجود آمد، صحنه خونینی است

۱- زنان در مبارزه، ماهنامه‌ی اتحاد ملی زنان، شماره‌ی ۲، آذر ۵۸

۲- بیران، صدیقه، سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر، نشریات ویژه زنان، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

از جنگ و قیام و خیزش توده‌ها برای کسب حقوق پایمال شده‌شان. توده‌های رنج کشیده و محروم در این مبارزه دائمی علیه ظلم و ستم و استثمار ایام خاص را که یادگار و یادبودی است از شکستی تلخ یا پیروزی عظیم همیشه به یاد سپرده و آن را گرامی می‌دارند. امپریالیست‌ها و تمامی طبقات مرتجع با هر آن چیزی که به توده‌های مردم آگاهی بخشیده و یادگاری باشد از جمله مبارزات و تلاش‌های آنان ضدیت می‌ورزند. روز جهانی زن یکی از این روزهاست، چرا که نشانه‌ی حرکت نیمی از نیروی‌های بشریت (یعنی زنان) برای گسستن زنجیرهای ستم و استثمار دو لایه از دست و پاهای خویش است. اما در عوض، نیروهای مترقی و انقلابی این روز را ارج نهاده و از آن برای آگاهی دادن به توده‌های مردم در مورد نقش پر ارزش زنان در مبارزات رهایی‌بخش بشریت از قید ظلم و استثمار استفاده می‌کنند. انقلابیون این روز را بزرگ می‌دارند زیرا معتقدند پیروزی هر انقلابی بدون شرکت فعال زنان به ویژه زنان زحمتکش در کلیه صحنه‌های نبرد امری غیرممکن است...

سپس به مبدا تاریخی روز ۸ مارس پرداخته است و بعد در مورد زنان ایران چنین نوشته است:

" در ایران زنان و به خصوص زنان زحمتکش قرن‌هاست که تحت ستم و استثمار دولایه قرار داشته‌اند. اثر زخم‌های تازیه این روابط پوسیده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کماکان بر پیکر و افکار آنان باقی است. با وجود این که زنان زحمتکش ایران همواره در کار کشاورزی و صنایع به طور مستمر شرکت داشته و تحت ستم و استثمار وحشیانه اربابان و سرمایه‌داران، حاصل دسترنجشان به غارت می‌رفته، اما تنها نقش اجتماعی که طبقات مرتجع و قوانین آنها برای زنان قائل بوده‌اند زادن بچه و مراقبت از مرد و خانواده بوده است و هرگز از هیچ گونه آزادی و حقوق سیاسی اجتماعی و اقتصادی برخوردار نبوده‌اند.

اگر چه هزاران بند و زنجیری که بر دست و پای زنان ایران بوده آنان را از آزادی محروم می‌کرده است اما در تمامی ادوار، همیشه در پیکارهای خونین بر علیه مرتجعین حاکم و اربابان امپریالیست آنها شرکت داشته‌اند. زنان آگاه و مبارز ایران آزادی خود را در گروهی آزادی کل جامعه دیده و دقیقاً با حرکت از همین اصل بوده است که در قیام و خیزش‌های

اخیر علیه رژیم مزدور شاه همواره در صف اول جبهه نبرد قرار گرفته و سنگفرش خیابان‌ها را با خون خود گلگون ساختند. اما هیات حاکمه که با غضب قدرت سیاسی از جانب میوه‌چینان و مرتجعین نو قدرت‌یافته، زنان ایران همانند دیگر اقشار و طبقات مردم نه تنها به حقوق خود نرسیدند بلکه با تصویب قانون اساسی خبرگان حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌شان محدودتر هم گشته است.

خواهران و برادران مبارز:

منافع انقلاب و طبقات تحت‌ستم جامعه‌مان در قیام و مبارزه علیه ستم و نابرابری اعمال شده بر زنان نهفته است. بزرگداشت روز جهانی زنان در حقیقت یادآوری این مساله و ارج نهادن به جان‌فشانی‌ها و مبارزات زنان ایران در راه کسب آزادی و استقلال نهایی میهن‌مان است. بزرگداشت روز جهانی زنان همچنین تجدید پیمان با زنان آزاده و زحمتکش فلسطین، عمان، اریتره، صحراء نیکاراگوئه و... راه‌رهایی بشریت از چنگ امپریالیست‌ها و نوکران آنها در سراسر جهان است."

این بیانیه به امضای شورای همبستگی (اتحادیه انقلابی زنان، جمعیت بیداری زنان، انجمن‌رهایی زنان، جمعیت زنان مبارز، کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی) رسیده است. اتحاد ملی زنان، به دلیل اختلافات درونی نتوانست با این شورا همکاری کند. به نظر می‌رسد این شورا نتوانست دیگر تشکل‌های صنفی زنان را با خود همراه کند. این مراسم در روز ۱۸ اسفند ساعت ۵ بعد از ظهر در آمفی تاتر دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران برگزار شد. شهین نوایی یکی از اعضای اتحاد ملی زنان چنین نوشته است:

"اختلاف‌نظرهایی در بین اعضا در این رابطه در همکاری با شورای همبستگی زنان بیشتر متجلی می‌شود... یک نظر سعی در یکی دانستن امپریالیسم و ارتجاع داشت و بخش دیگر ارتجاع داخلی را در برخورد با زنان مورد حمله قرار می‌داد... این بحث مدتی بعد تبدیل به مهم‌ترین مساله برخورد نظری شد که پس از شش ماه منجر به بیرون رفتن عده‌ای معروف به طرفداران اکثریت فدایی شد. اما این اختلاف نظر یک سال قبل از رفتن این عده در همکاری با کمیته‌ی همبستگی زنان انعکاس داشت... اتحاد ملی زنان که خود از پیشگامان این همکاری بود و شرکت فعالی داشت، پس از مدتی به دلیل اختلاف نظرهای داخلی و ناروشن بودن این مواضع بدون توضیح قانع‌کننده‌ای از همکاری با

کمیته همبستگی زنان کناره گرفت و بزرگداشت روز جهانی زن را جداگانه برگزار کرد. از زمان و چگونگی از هم گسیختگی کمیته همبستگی اطلاعی در دست نیست."

"شورای هماهنگی زنان در امور مربوط به حقوق زنان" یکی دیگر از تلاش‌ها در زمینه اتحاد عمل بود. این شورا در ۱۲ خرداد ۱۳۵۸ اعلام موجودیت کرد و طی اطلاعیه‌ای از احزاب و جمعیت‌هایی که "خواستار تساوی حقوق زن و مرد هستند" دعوت به عمل آورده است. این شورا زنان را برای اعتراض به محدودیت‌های ایجاد شده برای زنان مانند حمایت از کارآموزان قضایی زن که مانع قضاوت آنان شده بودند، به شرکت فعال فرا خواند و در ۲۳ خرداد از دولت خواست که تصمیم‌های عجولانه و ناهماهنگ در مورد زنان نگیرد، مانند پایین آوردن سن ازدواج دختران و ممنوعیت تحصیل دختران ازدواج کرده در کلاس‌های روزانه و... اطلاعات بیشتری از این گروه در دست نیست.

تدوین قانون اساسی از جمله مواردی بود که تشکل‌های زنان هم به شکل جدا و هم گروهی در مورد آن اعلام موضع کردند. حضور در سمینار خواست‌های ملت از قانون اساسی از جمله این فعالیت‌ها بود. در این سمینار که در دانشگاه تهران و به ریاست عبدالکریم لاهیجی برگزار شد، نماینده‌ای از اتحاد ملی زنان حضور داشت و متن پیشنهادی اتحاد ملی زنان را در رابطه با پیش‌نویس قانون اساسی خواند. دست‌اندرکاران انجمن‌رهایی زن (وابسته به سازمان وحدت کمونیستی) نظر مرتبط با سازمان خود و اتحادیه انقلابی زنان شمه‌ای از مبارزاتشان را ارائه دادند. یک نفر هم از سوی جمعیت زنان حقوقدان هم سخنانی ایراد کرد.

بیانیه مشترک انجمن‌رهایی زن و سه سازمان زنان دیگر در باره‌ی قانون اساسی در مرداد ۵۸ منتشر شده است که در شماره ۵ رهایی، شهریور ۵۸، به آن اشاره شده است. این سه سازمان عبارتند از: گروه پژوهش و طرح مسایل زنان، اتحادیه زنان حقوقدان و اتحاد ملی زنان.

این بیانیه به نقد و بررسی حقوق زنان در پیش‌نویس قانون اساسی پرداخته و اصول پیشنهادی خود را در سه اصل در این رابطه طرح نموده است. در اولین بند به این اشاره شده که در اصل ۱۱ پیش‌نویس با آوردن معیارهای گنگ و قابل تفسیر اخلاقی به جای حقوق مساوی زن و مرد در خانواده به تحکیم پدرسالاری پرداخته است و پیشنهاد شده:

"برای از بین بردن نابرابری‌های موجود در امور مربوط به خانواده از جمله ازدواج، طلاق، ولایت فرزند، ارث و... برابری کامل حقوق زن و مرد در کلیه امور مربوط به خانواده تامین گردد و لذا خانواده باید بر مبنای انتخاب آزادانه و داوطلبانه زن و مرد استوار و تساوی حقوق زن و مرد در خانواده باید در تمام زمینه‌ها تضمین شود"

در مورد اصل ۱۲ که بین نقش پدر و مادر در خانواده و تربیت دختر و پسر تفکیک قائل می‌گردد، این متن را پیشنهاد کرده است:

"از آنجا که نیمی از نیروی تولیدی جامعه را زنان تشکیل می‌دهند تربیت فرزندان به خصوص در دوران کودکی مسوولیت و وظیفه‌ی مشترک پدر و مادر می‌باشد به علاوه باید امکانات اجتماعی لازم از قبیل مهدکودک به طور رایگان در سراسر کشور در اختیار خانواده‌ها قرار گیرد تا پدر و مادر بتوانند به کار تولیدی خارج از محیط خانه بپردازند."

در مورد اصل ۲۳ نیز خواستار ذکر "تساوی زن و مرد در مقابل قانون است و این که در قانون اساسی تصریح شود که "همه‌ی افراد ملت صرف‌نظر از ملیت و جنسیت دارای حقوق مساوی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشند."

۳-۹-۹- شیوه‌های اعتراضی سازمان‌های زنان چپ

۳-۹-۱- تنظیم درخواست و طومار و جمع‌آوری امضا

جمع‌آوری امضا و ارسال آن به مجلس از اقداماتی است که در این دوره توسط تشکل‌های زنان انجام شده است. در اعتراض به تصویب اصلاحیه قانون خانواده، اتحادیه انقلابی زنان مبارز اقدام به جمع‌آوری امضا علیه این قانون کرده بودند، روشن نیست این امضاها آیا به مجلس ارائه شد یا نه. تشکیلات دموکراتیک زنان نیز از این شیوه فعالیت استفاده می‌کردند. تشکیلات دموکراتیک زنان نیز از این شیوه فعالیت استفاده می‌کرد.

"یکی دیگر از فعالیت‌های تشکیلات دموکراتیک زنان در محلات تهران جمع‌آوری امضا و طومار بر علیه قوانین سنتی بود تا مقاومت‌های مسالمت‌آمیزی را سازمان دهند مثلاً در جلوگیری از لایحه تعدد زوجات، تشکیلات به جمع‌آوری امضا در محلات تهران دست زد، طومارهای جمع‌آوری شده در این زمینه به دست گوه‌الشریعه دستگیر شد که در آن زمان نماینده مجلس بود، رسید. در زمینه گرفتن حق قضاوت از زنان هم به جمع‌آوری طومار دست زدند."^۱

۳-۹-۲- تظاهرات، راهپیمایی، تحصن

در این دوره، برگزاری تظاهرات، راهپیمایی، تحصن یکی از روش‌های مرسوم اعتراض بود. زنان و تشکل‌های آنان نیز از این شیوه‌ها بهره می‌بردند. تحصن زنان کارآموز قضاوت در دادگستری، تجمع و راهپیمایی زنان علیه حجاب اجباری در اسفند ۵۷ و تیر ۵۹، تظاهرات علیه تصویب اصلاحیه قانون خانواده از جمله این تجمعات است. در آبان ۱۳۵۸ و در اعتراض به تصویب اصلاحیه قانون خانواده نیز تظاهراتی در تهران مقابل دادگستری به دعوت اتحادیه انقلابی زنان مبارز برگزار شد. این تظاهرات در واقع علیه قانونی بود که در ۱۹ مهر ماه در هیات وزیران و شورای انقلاب تصویب و در نشریات رسمی منتشر شده بود. به موجب این

۱- مصاحبه آذر منصور از مسئولین تشکیلات زنان در اصفهان با رادیو فردا

قانون، دادگاه حمایت خانواده ملغی و دادگاه خاص مدنی به امور مربوط به مسایل خانوادگی رسیدگی می‌کرد. بر حسب تبصره ۲ ماده‌ی ۳ این لایحه، حق طلاق به مرد داده شده بود. در این رابطه در کیهان ۸ آبان می‌خوانیم:

"گروهی از زنان مبارز ایران با تسلیم نامه‌ای به حضور امام خمینی در زمینه حق طلاق زنان سوال نمودند که متن سوال و پاسخ به شرح زیر است: مساله اختیار طلاق به دست مرد موجب ناراحتی و تشویش خاطر گروهی از زنان مبارز ایران شده است و گمان می‌کنند که دیگر به هیچ وجه حق طلاق ندارند... نظر جنابعالی راجع به این مساله چیست؟" برای زنان محترم شارع مقدس راه حل معین فرموده است به این معنی که در ضمن عقد و نکاح اگر شرط کنند که وکیل باشند در طلاق می‌توانند خود را طلاق دهند... آیت اله منتظری اعلام کرد مساله طلاق اصلا در مجلس خبرگان مطرح نخواهد شد... دو روز است که تلفن‌های زیادی می‌شود... از دیروز شایع کرده‌اند که مجلس خبرگان راجع به طلاق اصلی گذرانده‌اند و خانم‌ها بنا دارند تظاهراتی انجام دهند من به همه‌ی خواهران و برادران اطلاع می‌دهم که مساله نکاح و طلاق مربوط به قانون مدنی است و در مجلس خبرگان اصلا مطرح نشده است.

در کیهان ۹ آبان و زن روز ۲۶ آبان گزارش مفصلی از این تظاهرات آمده است. این تظاهرات در پارک دانشجو صورت گرفت و راهپیمایان ضمن حمل پلاکاردهایی شعارهایی مبنی بر تساوی حقوق زن و مرد می‌دادند. زن روز در این باره چنین می‌نویسد:

"خانم‌های تظاهرکننده معترض بودند که اساسا قانون مدنی در موارد طلاق و قیمومیت فرزندان و کلا تمام قوانین مربوط به زن غیرانسانی حکم داده و از حد عدل و انصاف خارج شده و زن را تا حد یک برده پایین آورده است..."

خبرنگار زن روز در این باره با رییس دادگاه شهرستان تهران مصاحبه کرده و از ایشان پرسیده بود که آیا زن نیز می‌تواند مانند مرد درخواست طلاق کند. پاسخ این بود: "خیر اما زن می‌تواند در موقع عقد شرط کند که مرد اگر سوءمعاشرت یا بدرفتاری کند که مناسب شئونات زن نباشد، زن وکیل باشد که بتواند طلاق بگیرد..." در ادامه با تعدادی از وکلا نیز مصاحبه داشته و نظر آنها را نیز درج کرده است. آنها این مساله را کاملا یک طرفه دانسته و معتقد

بودند که "حقوق خانم‌ها با توجه به این ماده قانون درست تامین نمی‌شود... با این قانون به مراتب طلاق گرفتن یک خانم سخت‌تر است..."

در ادامه با چند خانم خانه‌دار نیز صحبت داشته از جمله خانمی که عنوان کرده بود که "هر چی امام بگوید قبول دارم" و تمام این مسایل را شایعه دانسته است. اما در عین حال عنوان کرده که اگر قانون عوض شود درست و عادلانه نیست. خانم دیگری را که عنوان کرده بود "نه ما همه مخالفیم. باید کاری بکنند که از قانون حمایت خانواده بهتر شود نه بدتر. باید حتما یک دادگاه بی‌طرف و صالحی باشد که در هر صورت حتما اگر زن و شوهر موافق هم باشند به آنجا مراجعه کنند." این خانم عنوان کرده بود که از طریق یکی از دوستانش خبردار شده و توی محله آنها همه از این تظاهرات خبر داشته و گفته بودند که حتما برای شرکت در این تظاهرات خواهند رفت.

در مورد ترکیب جمعیت شرکت‌کننده در تظاهرات، خبرنگار زن روز چنین می‌نویسد:

"تعداد به آن اندازه که انتظار می‌رفت نبود، ولی ترکیب جالبی داشت از هر تیپ و سنی، پیر و جوان، باحجاب و بی‌حجاب همه در کنار هم بودند و تعدادی مرد هم در میانشان دیده می‌شد... هنوز چند متری نرفته بودیم که هیاهویی از آن طرف خیابان نظرها را جلب کرد. عده‌ای از آن طرف خیابان پیش می‌آمدند و... انگار با نگاه‌ها و خنده‌هایشان می‌خواستند بگویند: "آبجی شما را چه به این کارها، آدم شُدید، زبون در آوردید." برخوردشان جدی نبود و بیشتر از روی تحقیر و تمسخر متلک می‌گفتند و اعمال ناشایست می‌کردند و در میانشان عده‌ای فریاد می‌زدند: "زن که حق جهاد نداره، حق طلاق نداره" چند نفر از دخترها اعلامیه‌هایی پخش می‌کردند ... مرد و زن نسبتا مسن و چادری اعلامیه‌ها را گرفته و در حالی که ناسزاهای رکیکی نثار دخترها می‌کردند آنها را پاره کردند... پرسیدم آقا چرا پاره کردید... گفت برای اینکه این اعلامیه مال سازمان... بود... پرسیدم اینکه آنها شعار می‌دهند تعدد زوجات محکوم است یا طلاق غیابی محکوم است و حقوق زن باید محترم شمرده شود به نظر شما غلط است؟ ... نه اینها غلط نیست ولی این گروه‌ها اختلاف می‌اندازند والا با هدفشان مخالف نیستیم..."

خبرنگار اعلامیه پاره شد را جمع می‌کند و "محل امضا آن را نشان می‌دهد، مرد در حالی که از خجالت سرافکننده بود گفت: من به این مطالب اعتراضی ندارم اما همه می‌گویند اینها ... هستند. بله حق با شماست حمله و ناسزا درست نیست...

"خانم مسن می‌گوید: من فقط اسلام را قبول دارم. هر چی امام خمینی بگوید قبول دارم اگر بگوید شوهرم چند تا زن هم بگیرد، من باز هم قبول دارم. اگر بدون خبر من را طلاق دهد رسماً قبول دارم... مرد جوان صاحب مغازه بزرگی می‌گوید: اگر من بتوانم آن چهار تا را اداره کنم چه اشکالی دارد... دختر جوانی با اطمینان می‌گوید: اینها همه توطئه است...

خبرنگار می‌پرسد چه چیزی توطئه است: طلاق بدون دادگاه یا این تظاهرات؟ دختر جوان می‌گوید: اصلاً در مجلس خبرگان چنین قانونی گذرانده نشده و اصلاً قانون جدیدی برای طلاق تصویب نشده... چند مرد هم به خانم‌ها اعتراض می‌کنند که چرا راه افتاده‌اید؟ نامه بنویسید. یک یا دو نماینده بفرستید تا حرفتان را بزنند. خانم باحجابی می‌گوید: برو آقا خیال می‌کنی کم کرده‌ایم! کی به حرف ما گوش می‌دهد ... مرد دیگری می‌گوید اگر این قانون تصویب شده باشد، اساس خانواده را به هم می‌زند. دیگر زن و مرد ندارد وقتی مرد راحت زنش را بتواند طلاق دهد یا هر دو به راحتی بروند محضر جدا شوند، پس حق اجتماع چه می‌شود ... زن دیگری می‌گوید: این‌ها شایعه است دروغ است که این دخترها را بریزند بیرون. آخر کدام زن حسابی و باآبرو می‌آید خیابان این طور می‌کند. اینها همه خرابند، بی‌حیاها. زن دیگری می‌گوید: خجالت بکش، مگر آن وقت که این زن‌ها برای تظاهرات کنار مردها جلوی گلوله می‌رفتند، خراب بودند؟ ... "خبرنگار زن روز در ادامه می‌نویسد که بیشتر خانم‌ها و آقایان باور نمی‌کردند که دولت انقلابی اسلامی چنین قانونی را بر دعاوی خانوادگی حاکم گرداند و کمتر کسی برای حمایت از این قانون با تظاهرات مخالفت می‌کرد.

"درگیری بالا می‌گیرد و " ... آقایان به ظاهر مسلمان که به اسم اسلام سعی دارند مردم را به هم بریزد، شروع به حمله کردند و خانم‌ها به دکان‌ها پناه می‌بردند... همکار عکاس من و یکی دیگر از عکاسان به یک مغازه پناه برده و تا ساعت ۷ شب در آنجا مانده بودند... زنی گریه می‌کرد و می‌گفت کجای این اسلامی است آخر؟ دیگر با این سن و سال و با این چادر چرا باید به من بگویند فاحشه... جلوی یکی از این مردان را گرفتم که فریاد

می‌زد: "اگر شوهر می‌خواهید بیاید من همه‌ی شما را می‌گیرم"، و پرسیدم شما واقعا به این چیزی که می‌گوید باور دارید، گفت بله ...، دختر جوان دیگری با تاجر می‌گفت: چرا فکر این را می‌کنند که پسر جوان برای این که منحرف نشود، صیغه کند، هر وقت خواست زن بگیرد و طلاق بدهد، اما فکر آن زن بدبخت صیغه را نمی‌کنند؟ چرا نمی‌گویند که چقدر آن زن باید بدبخت باشد و محتاج که بخواد در قبال گرفتن مبلغی پول هر چند ماه صیغه یکی شود و این چه فرقی با انحراف دارد؟ فقط قانونی است و بس...

اتحادیه انقلابی زنان مبارز در رابطه با تغییر قانون حمایت خانواده بیش از ده هزار اعلامیه چاپ کرده بود که در ادارات و مدارس آن را پخش می‌کردند. مه‌ری جعفری یکی از اعضای این اتحادیه چنین می‌گوید:

" به ادارات می‌رفتیم. به تک تک اتاق‌ها سر می‌زدیم و اعلامیه‌ها را به زنان کارمند می‌دادیم. به مدارس هم رفتیم."^۱

این اعتراضات نیز بی‌نتیجه ماند و قانون حمایت خانواده لغو گردید و تغییرات قانون مدنی تصویب و اجرایی شد.

۳-۹-۳- بزرگداشت ۸ مارس ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰

از اولین اقدامات و نشانه‌های حضور تشکل‌های زنان در فضای ملت‌ه‌ب پس از سرنگونی رژیم سلطنت، برگزاری مراسم روز جهانی زن به صورت علنی و در عرصه اجتماعی بود. از ابتدای اسفند ماه ۱۳۵۷، کمیته‌های متعددی برای برگزاری مراسم روز جهانی زن تشکیل شد. از جمله کمیته موقت تدارک روز جهانی زن در ایران.

این کمیته در بهمن ۵۷ تشکیل شد. بیشتر اعضای آن زنان تروتسکیستی بودند که قبل از این تاریخ در اروپا و امریکا به تحصیل و فعالیت سیاسی مشغول بودند. آنان در آستانه‌ی انقلاب به ایران بازگشته و حزب کارگران سوسیالیست را تاسیس کرده بودند. اولین فراخوان کمیته موقت تدارکات روز جهانی زن در ایران، در نشریه "چه باید کرد" (۲۸ بهمن ۱۳۵۷) منتشر شد. در این فراخوان پس از مروری کوتاه بر تاریخچه ۸ مارس و اهمیت برگزاری این روز در این شرایط، آمده بود:

۱-متین، مه‌ناز، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷

"برای زنان ایرانی امسال روز جهانی زنان از معنی و مفهوم خاصی برخوردار است. پس از یک سال و نیم مبارزه‌ی وسیع و بی‌امان به نیم قرن استبداد و ظلم پهلوی و رژیم شاهنشاهی خاتمه داده شده است. در این مبارزه‌ی سخت و طولانی ... زنان دوشادوش برادران خود برای در هم نوردیدن بساط حکومت سرنیزه و ترور و مفتوح کردن باب آزادی‌های سیاسی و مدنی مبارزه کرده‌اند ... در طی سال گذشته زنان نیز درخواست‌های خود را برای احقاق حقوق پایمال شده‌ی خود عنوان کردند. در نواحی مختلف کشور درخواست‌های زیر از طرف زنان مبارز مطرح شده است:" مزد مساوی در مقابل کار مساوی، مهدکودک رایگان برای همه، لغو قوانین پوسیده و ارتجاعی که حق تصمیم‌گیری در مورد زندگی و سرنوشت زنان را در اختیار دیگران قرار می‌دهد، حق تشکیل سازمان مستقل و مبارز... برای بزرگداشت این روز کمیته موقت تدارکاتی تشکیل شده است. در این کمیته به روی همه‌ی مبارزین علاقه‌مند باز است. ما از کلیه مبارزین تقاضا داریم که با شرکت در این کمیته، آن را در برنامه‌ریزی و برگزاری هر چه وسیع‌تر مبارزتر و پرشکوه‌تر این روز یاری رسانند."

طیف متنوعی از زنان، این فراخوان را امضا کرده بودند. یکی از مسوولین اصلی کمیته موقت، مراحل تدارک روز جهانی زن را چنین شرح می‌دهد:

"تا به ایران رسیدیم خواستیم برای زنان کاری را شروع کنیم. می‌خواستیم با جشن روز جهانی زن شروع کنیم. پنجاه سال بود که روز جهانی زن در اینجا برگزار نشده بود. وقتی این پیشنهاد را با گروهی از زنان در میان گذاشتیم، خیلی شاد شدند... خارج که بودیم می‌شنیدیم تو روزنامه‌ها نوشتن که اینجا زنان می‌خوان به قرن نوزدهم بازگردند و ما می‌دانستیم که این واقعیت ندارد. دوستانم خیلی برآشفته بودند می‌گفتند که ما باید پا پیش بگذاریم. اما من با خود فکر می‌کردم که ما به تنهایی قادر به این کار نیستیم و باید زنان ایران درگیر شوند... به این ترتیب در باره‌ی ۸ مارس متنی نوشتیم، همه‌ی تاریخچه‌اش را و اعلام کردیم به خاطر این که انقلاب شده می‌بایست دست به این کار تازه بزنیم. میدونین، الان فشارهای زیادی روی زن‌هاست. همه جا می‌گن که قیام را مردان و زنان با هم به سرانجام رساندند و واقعیت هم همین است اما ما باید برای خواست‌های خاص خودمان هم فعالیت کنیم... اوایل هر کاری که خود زنان مستقلاً انجام می‌دادند

ضدانقلابی تلقی می‌شد. ما توانستیم خلافت را ثابت کنیم. جلسه‌ای برگزار کردیم تا پیشنهاد بدیم هر کس، هر که می‌تواند باشد که می‌خواهد جنبش را بسازد بیاید. سالی داشتیم در یک کتابخانه ۲۰۰ زن آمدند زیباترین جلسه‌ای بود که به عمرم دیده بودم.

"

آنها نتوانستند برای برگزاری مراسم محل مناسبی پیدا کنند با زنان دموکرات (طرفداران حزب توده) به توافق رسیدند که برنامه را مشترکا برگزار کنند. قرار شده بود که برنامه در دانشکده‌ی صنعتی برگزار شود آنها قول داده بودند که به آنها هم فرصتی بدهند... اما در آستانه‌ی شروع برنامه زنان دست‌اندرکار کمیته موقت دریافتند که برگزارکنندگان آنها را به کلی کنار گذاشته‌اند. در بیانیه‌ی کمیته برگزارکننده مراسم چنین آمده است:

"کمیته تدارکاتی برای برگزاری مراسم روز جهانی زن و جامعه زنان دموکرات که هر دو برای برگزاری این روز جهانی کوشش می‌کردند توافق نمودند که برای هرچه وسیع‌تر ساختن این روز مشترکا در ساعت ۳ بعد از ظهر ۱۶ اسفند در سالن ورزشی دانشگاه صنعتی گرد هم آیند. همچنین توافق شد که سخنگویان کمیته تدارکاتی و جمعیت زنان دموکرات در تربیونی مشترک سخنرانی‌های خود را اعلام کنند با این توافق فعالان هر دو گروه به اتفاق به تبلیغاتی پیرامون برپایی این جلسه دست زدند. شرکت بیش از ۵ هزار نفر در استادیوم دانشگاه صنعتی امکانات عظیم ناشی از اتحاد نیروهای طرفدار جنبش زنان ایرانی را نشان داد. متأسفانه در آخرین ساعات، مسوولان خودکامه جمعیت زنان دموکرات توافق‌های حاصله را زیر پا گذاشتند و از سخنرانی سخنرانان کمیته تدارکاتی جلوگیری کردند.^۱

کمی قبل از اجرای برنامه، مراسم "زنان دموکرات" تبدیل شده بود به مراسم "دانشجویان دموکرات". سخنرانی یک زن خانه‌دار، شعرخوانی سیاوش کسرای، سخنرانی خانم حیدری بیگوند و... از جمله برنامه‌ها بود.

به نظر می‌رسد پس از این ماجرا، اعضای این کمیته با چند سازمان سیاسی تماس گرفتند و در برنامه ورزشگاه استادیوم نصیری شرکت کردند. در این مراسم، مطابق گزارش روزنامه اطلاعات، پیام‌هایی از سازمان مجاهدین خلق ایران و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

۱- بیانیه‌ی کمیته برگزاری روز زن، پافشاری زنان آزادخواه بر آرمان خویش آیندگان ۵ شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۵۷

خوانده شد و در پایان برگزارکنندگان خواسته‌هایشان را مطرح کردند. علاوه بر سخنرانان ایرانی چند فمینیست امریکایی اروپایی و عرب نیز به سخنرانی پرداختند. (۱۲ تن از زنان ایرانی، عرب، فرانسوی و امریکایی به نوبت پیرامون اهمیت روز جهانی زن سخن گفتند) ایده‌ی دعوت از فمینیست‌های خارجی از سوی کمیته موقت مطرح و اجرا شده بود. از جمله هیات فرانسوی کمیته‌ی بین‌المللی حق زنان.^۱ کیت میل (فمینیست امریکایی) نیز از سوی این زنان برای سخنرانی در این مراسم به ایران دعوت شده بود. نقطه نظر اساسی سخنرانان این بود که نباید پوشش خاصی را به زنان تحمیل کرد. شرکت‌کنندگان در این مراسم خواستار اجرای موارد زیر شدند:

- ۱- برابری و تساوی حقوق زن و مرد؛
 - ۲- تامین رفاه زنان کارگر و برابری کارمزد زنان کارگر با مردان کارگر؛
 - ۳- تامین آزادی سیاسی و برخورداری کامل از حقوق رفاهی و اجتماعی و سیاسی زنان؛
- پس از آن کمیته موقت تدارکات روز جهانی زن در ایران به "کمیته دفاع از حقوق زنان" تغییر نام داد و در حرکات اعتراضی زنان تهران علیه حجاب فعالانه شرکت جست. برنامه‌های پنج‌شنبه ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ با شعار مخالفت با حجاب اجباری در مراکز مختلف برگزار شد. در ادامه به برخی از این مراسم‌ها اشاره می‌شود.

✓ بزرگداشت روز زن در دانشگاه تهران: در این مراسم هزارها زن و مرد، در آمفی‌تاتر هنرهای زیبای دانشگاه تهران و محوطه دانشگاه، گرد هم جمع شدند. ابتدا شرکت‌کنندگان سرودی خواندند و سپس با دادن شعارهای "اتحاد، مبارزه، آزادی" با مشت‌های گره کرده، یک صدا با سر دادن شعار "مرگ بر استبداد" خواهان مزد مساوی در برابر کار مساوی شدند. آنگاه یک زن کارگر در مقابل جمعیت انبوهی که در آمفی‌تاتر جمع شده بودند، در مورد آزادی زنان سخنرانی کرد. سپس هزاران نفر از دختران دانشجو و دانش‌آموز و زنانی که پشت درهای دانشگاه جمع شده بودند، به راهپیمایی پرداختند و با هم و یک صدا می‌گفتند: "در این انقلاب زن و مرد شهید شدند بنابراین هر دو باید آزاد باشند".

۱- جلد دوم کتاب خیزش... گزارش روزنامه اطلاعات از مراسم ۸ مارس استادبوم نصیری

در دانشکده فنی نیز گروه زیادی از زنان و مردان و دختران گرد آمده بودند. یکی از خانم‌های عضو کمیته برگزاری روز جهانی زن، سخنرانی کرد و یک زن به نمایندگی از جانب کمیته و یک زن کارگر سخن گفتند. پس از این جلسه نیز راهپیمایی شروع شد. حدود ساعت ۱۱ صبح بر تعداد زنانی که در دانشگاه حضور داشتند، افزوده می‌شد. گروهی از مردان نیز به طرفداری از آنان شعار می‌دادند. شعار زنان این بود: "می‌جنگیم علیه حجاب اجباری"، گروهی از مردان نیز در بیرون از دانشگاه در مخالفت با این زنان شعار می‌دادند: "ای زن به تو این گونه خطاب است/ بهترین زینت زن حفظ حجاب است".

✓ مراسم جمعیت زنان ایران: این مراسم در دبیرستان مرجان برگزار شد. در روزنامه آیدگان خبر برگزاری آن منتشر شد. تعداد شرکت‌کنندگان این مراسم چند هزار نفر عنوان شد. ابتدا یک زن زحمتکش که شوهر و پسرش در جریان انقلاب کشته شده بودند، صحبت کرده و سپس خواهر معصومه طوافچیان و مادر شهید هوشمند خامنه‌ای صحبت کرده بودند و نمایشنامه‌ای بر مبنای نوشته‌های مرضیه احمدی اسکویی اجرا شد و ... از برگزاری مراسم در شهرستان‌ها سندی یافت نشد.

۸ مارس ۱۳۵۸

اسفند ۱۳۵۸ با انتخابات مجلس شورای ملی همزمان شد. بسیاری از سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی در روزهای نزدیک به ۸ مارس، درگیر انتخابات، متینگ‌های انتخاباتی، دفع حمله به متینگ‌های خود و مسایل حاشیه‌ای آن بودند.

در روزنامه‌های رسمی مانند کیهان و اطلاعات، خبری از برگزاری مراسم روز زن نیست. مطابق با خبر کوتاهی در اطلاعات "تشکیلات دموکراتیک زنان" روز ۱۶ اسفند در دانشگاه شریف مراسم بزرگداشت هشت مارس و همزمان نمایشگاه عکسی داشت. اتحاد ملی زنان روز جمعه ۱۷ اسفند مراسمی را در آمفی‌تاتر دانشگاه اقتصاد در امیرآباد شمالی و نمایشگاه عکس و نمایش فیلم در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران در روزهای ۱۵ و ۱۶ برگزار کرد. شورای همبستگی زنان (اتحادیه انقلابی زنان مبارز، جمعیت بیداری زنان، انجمن‌رهایی زن، جمعیت زنان مبارز، کمیته زنان جبهه دموکراتیک ملی) در اسفند ۱۳۵۸ طی بیانیه‌ای اعلام کرد که روز ۱۸ اسفند، ساعت ۵ بعداز ظهر مراسمی در بزرگداشت ۸ مارس در آمفی‌تاتر دانشکده

فنی دانشگاه تهران برگزار خواهند کرد. در این بیانیه ابتدا به مبنای تاریخی ۸ مارس اشاره شده است و در ادامه چنین آمده است:

این مراسم در روز مقرر برگزار شد. با توجه به اهمیت تاریخی این روز این شورا ۱۰ تا ۱۸ اسفند را هفته جهانی زن اعلام کرد. در طول این هفته فیلم‌هایی از مبارزات زنان جهان به نمایش گذاشته شد و نمایش عکس و اسلاید و سخنرانی در مراکز مختلف شهر به این مناسبت برپا بود.

در گزارش نشریه "رهایی زن"^۱ آمده که این برنامه‌ها با استقبال باشکوه زنان و مردان آگاه میهنمان روبرو شده و آن را نشانه لزوم گسترش مبارزات تشکلهای مستقل زنان دانسته است. سازمان‌ها و افراد و تشکلهای مختلف برای این مراسم پیام فرستاده بودند از جمله: شیخ عزالدین حسینی، انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه متحدین، گروهی از زنان سازمان آب، سازمان وحدت کمونیستی، وحدت ضدامپریالیستی دانشجویان، صدای دانشجو، جبهه دموکراتیک ملی ایران، اتحادیه انقلابی دانش‌آموزان ایران، حزب کمونیست کارگران و دهقانان، اتحاد چپ، جنبش مستقل کارگری، شورای موسس اتحادیه‌های سراسری کارگران ایران، کانون مستقل معلمان، انجمن ملی پرستاران و بهیاران، گروهی از کارکنان وزارت کشاورزی، اتحادیه انقلابی برای رهایی کار، کانون نویسندگان ایران، کمیته کارگری جبهه دموکراتیک ملی ایران، جمعیت کردهای مقیم مرکز، جامعه سوسیالیست‌ها، ستاد جمعیت انقلابی زنان کردستان، کانون مستقل کارکنان بانک توسعه کشاورزی، انجمن کارکنان زنان سازمان برنامه و بودجه، زنان آزادیخواه در خارج از کشور، اتحادیه زنان حقوقدان ایران. از سوی سازمان‌های جهانی نیز این پیام‌ها به این شورا رسید: کنفدراسیون دانشجویان ترکیه، ویتنام، آلبانی، حزب کمونیست اسپانیا، حزب کمونیست کارگران فرانسه، اتحادیه زنان چپ سوئد...

در این مراسم سخنرانی‌هایی ارائه شده که بیانگر درک شورا از مبارزه دموکراتیک طبقاتی و پیوند آن با مبارزات دیگر بخش‌های خلقی جامعه، لزوم مبارزه ضدامپریالیستی و ادامه این مبارزات تا نابودی کامل هر گونه ستم و استثمار بود. مساله ستم و استثمار مضاعف زنان

۱- نشریه رهایی زن، ارگان سازمان رهایی زن

کارگر از سوی یک زن کارگر مطرح شد و سرودهایی مرتبط با روز جهانی زن و سرودهای انقلابی خلق‌های میهن که نشان‌دهنده پیوند برگزارکنندگان با خلق‌های ستمدیده ایران است پخش شد. در شهرستان‌ها نیز مراسم مختلفی به مناسبت ۸ مارس برگزار شده بود. به عنوان مثال شورای زنان در سنندج مراسم بزرگی را تدارک دیده بودند.

۸ مارس ۱۳۵۹

گزارش مستندی از برگزاری مراسم این هشت مارس در مناطق و شهرهای مختلف در دست نیست. سازمان چریک‌های فدایی خلق اقلیت ویژه‌نامه‌ای به این مناسبت منتشر کرد و در مقاله‌ای با نام "بررسی کوتاهی از مبارزات دموکراتیک و مساله‌ی زنان" چاپ شده بود. خود این ویژه‌نامه در دسترس نیست و تنها در مقاله‌ای از سازمان رهایی زن، ضمن بررسی مقاله، این نقد مطرح می‌شود که اغلب سازمان‌های زنان بعد از انقلاب بیشتر گروه‌های جنبی سازمان‌های سیاسی بودند و متأسفانه نتوانسته‌اند به وظیفه‌ی بسیج زنان در عرصه مبارزات دموکراتیک بپردازند.

در نشریه خبری انجمن رهایی زن شماره ۷ نیمه اول اردیبهشت ۱۳۶۰ مقاله‌ای با عنوان روز جهانی زن یا روز زن جمهوری اسلامی؟^۱ در مورد انتخاب روز زن از طرف جمهوری اسلامی به تحلیل پرداخته و مناسبت روز جهانی زن را بیان کرده است. در مقاله‌ی دیگری "روز جهانی زن را از دیدگاه نیروهای سیاسی" مورد بررسی و نقد قرار داده است.

در ابتدای این مقاله آمده که روز جهانی زن در غیاب حرکت فعال توده‌ی زنان سپری گشته است و به نقد مطالب دیگر سازمان‌های سیاسی پرداخته است.

سازمان پیکار نیز در نشریه پیکار ۹۶ نیز این روز با نام "روز بین‌المللی زنان کارگر و زحمتکش" گرامی داشت.^۱

۱- گزارشی از مراسم هشت مارس این سال پیدا نکردم (م)

۳-۱۰- نقد مواضع و فعالیت‌های سازمان‌های سیاسی چپ در مورد مساله

زنان

در بحبوحه فعالیت‌های مختلف در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰، نقدهای بسیاری بر عملکرد سازمان‌ها، تشکل‌های و کمیته‌ها و بخش‌های زنان سازمان‌های سیاسی در درون جنبش چپ انجام می‌شد. صرف نظر از محتوای این نقدها، نگاه نقادانه‌ی موجود در آن لحظه‌ی تاریخی نشان از پویایی و زنده بودن مبارزات زنان در آن سال‌ها دارد. در معدود آثار به جا مانده از سازمان‌های سیاسی و در لابه لای مقالات آن‌ها، می‌توان به چنین نقدهایی دست یافت، هر چند رگه‌هایی از فرقه‌گرایی در برخی از آنها مشاهده می‌شود. نقد سازمان طوفان از پیکار، نقد پیکار از عملکرد کمیته زنان پیکار، نقد سازمان رهایی زن از سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت)، پیکار و ...

یکی از این دست نقدها، در میزگرد اتحاد ملی زنان و رهایی زن قابل مشاهده است که در مجله فصل گلسرخ به مناسبت ۸ مارس ۱۳۵۹ منتشر شد. نقد دیگر، جمع‌بندی برخی از اعضای اتحاد ملی زنان از عملکرد اتحاد ملی است که در آخرین تلاش‌هایشان، سنت ارزشمند نگاه به گذشته و بررسی نقادانه عملکرد پیشین را عملی کردند. پس از تشدید فضای سرکوب در سال ۱۳۶۰ و عدم امکان فعالیت علنی، اتحاد ملی زنان بر آن شده بودند که عملکرد خود را مورد نقد و بررسی قرار دهند. این کار تا سال ۱۳۶۳ در منازل شخصی و در محافل خصوصی انجام شده است.^۱ فعالان آن دوره در مصاحبه‌های شفاهی و مقالاتی که منتشر کرده‌اند، نقدهایی را به فعالیت‌های آن دوره خود و سازمان‌های متبوع‌شان مطرح کرده‌اند.

در این بخش، ابتدا به برخی از نقدهایی که در همان زمان نسبت به عملکرد سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی و زنان انجام شده اشاره می‌شود و سپس مصاحبه‌هایی را مرور می‌کنیم که به صورت شفاهی یا کتبی با برخی از فعالان زن در داخل کشور انجام شده است و سپس

۱- این نقد در مجموعه "بازبینی یک تجربه" توسط خانم مهناز متین بازنشر یافته است.

برخی از نقدهایی را می‌خوانیم که از سوی زنانی انجام شده که در آن زمان در ایران فعال بوده‌اند و اکنون در خارج از کشور هستند.

۳-۱۰-۱- نقدهای درونی جنبش چپ نسبت به مواضع سازمان‌های چپ

در همان زمان سازمان‌های موجود چپ مواضع خود و یا سایر گروه‌ها و سازمان‌ها را در مورد مسایل زنان و سازمان‌های زنان به نقد می‌کشیدند. این نقدها از سوی سازمان‌های زنان چپ و یا زنان مستقل نیز انجام شده است.

عدم حمایت عملی سازمان‌های سیاسی چپ از کنفرانس مشترک زنان در اعتراض به عدم توجه به مسایل زنان در قانون اساسی، موردی است که در سندی از سازمان‌های زن، مورد نقد قرار گرفته است. در ابتدای این مقاله این گونه آمده است:

"بسیاری از نیروهای چپ، مبارزات دموکراتیک زنان را نوعی مبارزه بورژوازی تفسیر نموده و از حمایت آن خوداری می‌نمایند."

ماجرای آن را به نقل از مقاله می‌خوانیم. در مقدمه چنین نوشته شده است:

"هنگامی که مساله زنان یک قرن پیش در غرب به صورت جدی مطرح شد، بسیاری از نیروهای بسیار طبقاتی "در ابتدا به آن به دیده‌ی یک انحراف نگریستند و در غالب موارد هم حق داشتند زیرا جنبش‌های زنان مکررا به انحراف می‌گرایید. غافل از این که یکی از عوامل انحراف خود آنان بودند. آنان تشخیص نمی‌دادند که مساله زنان همان قدر مربوط به زنان است که به مردان، آنها غالبا بدین توجیهاات خودفریب متوسل می‌شدند که گویا چون در جامعه سوسیالیستی این مساله حل می‌شود پس دیگر اقدام مشخص در مورد آن ضروری نیست. معلوم نیست چنین مدعیانی چرا زحمت توجه به مسایل دموکراتیک دیگر مانند مساله خلق‌ها را به خود می‌دهند. مطابق این منطق، بهتر است بگذارند اینها هم صرفا در جامعه سوسیالیست حل شود و اکنون بدان عنایتی نکنند."

نمونه مشخص این طرز برخورد در هفته گذشته در میهن ما رخ داد. برای اولین بار در تاریخ ایران کلیه انجمن‌ها و سازمان‌های زنان مجتمعا کنفرانسی تدارک دیدند تا در آن به مساله اجحاف به حقوق زنان در قانون اساسی مجلس خبرگان برخورد و هیات حاکمه و مناسبات موجود افشا شود. در جریان این تدارک با سازمان‌های مترقی و من جمله

دانشجویان پیشگام هم تماس گرفته شد. اما دانشجویان مطابق همان دیدی که ذکر آن رفت، مساله زنان را انحرافی تلقی کرد! به لحاظ عدم همکاری دانشجویان پیشگام و مبارز و نیز کارشکنی عناصر ارتجاعی رژیم "کنفرانس همبستگی زنان" در محصور جدی برای تهیه مکان کنفرانس قرار گرفت به طوری که بیم آن می‌رفت در شهر چند صد کیلومتر مربعی تهران، جایی برای برگزاری کنفرانس به دست نیاید. عاقبت ستاد گروهی از دانشجویان مبارز دانشکده پلی‌تکنیک احساس مسوولیت کردند و کنفرانس همبستگی را از محصور به در آوردند. قرار شد روز یک شنبه ۴ آذر ساعت ۳ بعد از ظهر کنفرانس برقرار گردید. سازمان‌های متشکل در کنفرانس زنان این تاریخ را بلافاصله در روزنامه‌ها اعلام کردند و به سایر سازمان‌های مترقی نیز جداگانه خبر دادند. اما دو روز بعد با کمال تعجب مشاهده شد که سازمان چریک‌های فدایی خلق درست در همان روز و همان ساعت اعلام راهپیمایی کرده است! نگفته پیداست که تماس با این سازمان برای تغییر روز یا ساعت راهپیمایی بی‌حاصل بود. رفقا مخالفت "تئوریک" خود را در عمل نیز به صورت شایسته‌ای نشان دادند! و این آموزشی بود برای کلیه زنان ایران که یاد بگیرند بدون موافقت چریک‌ها و دوستان دانشجویان‌شان حق برگزاری کنفرانس را ندارند... خوشبختانه این انحصارطلبی (که چنان‌که می‌بینید مختص به مذهب‌یون نیست) با عکس العمل بسیار مناسب زنان مترقی روبرو شد..."

سندی از سازمان چریک‌های فدایی خلق یا دانشجویان پیشگام در توضیح این مساله در دسترس نیست. ظاهراً این راهپیمایی با هدف حمایت از دانشجویان خط امام و اشغال سفارت انجام شده بود.

سازمان رزمندگان در مقاله‌ی که به مناسبت ۸ مارس در سال ۵۸ منتشر شده در باره نقد سایر سازمان‌ها نسبت به مساله زنان و تشکل‌های زنان ایجاد شده، چنین می‌نویسد:

"پس از قیام بهمن ۱۳۵۷ با توجه به شرایط نیمه دموکراتیک جامعه برخی از نیروهای کمونیستی به فکر افتادند با ایجاد سازمان‌های زنان از جهتی رسالت خود را در تعمیق و تداوم مبارزات ضدامپریالیست و ضدسرمایه‌داری وابسته در میان زنان زحمتکش انجام دهند و از جهتی دیگر پشت جبهه‌ای برای سازمان خود (و نه ارتش پرولتاریا) فراهم آورند... نسخه‌برداری از تجربیات انقلابیون دیگر کشورها، بدون توجه به ترکیب نقاط

ضعف و وظایف مبهم و مرحله‌ای که در کل جنبش کمونیستی تشکل‌هایی متناقض در خود بوجود می‌آورد که تناقضات تئوریک و تشکیلاتی حاکم بر آنان به از پا افتادن برخی و رکود و بی‌حرکتی و بدتر از آن افتادن به خط تشکیلات زنان بورژوا در برخی دیگر منجر شده است. درحالی که هسته اصلی رهبری‌کننده این تشکل‌های زنان عمدتاً مجری سیاست‌های یک سازمان سیاسی معین بودند، در کمیته‌های کار، عمدتاً زنان و دختران هواداران سازمان در کنار دیگرانی که هنوز به اصطلاح خطی نداشتند، عضوگیری و مشغول به کار می‌شدند. (این امر که عمدتاً در بیرون از این تشکل‌های زنان، آنها را هوادار یک جریان سیاسی معین می‌شناختند ولی چرخانندگان، ادعای استقلال کامل تشکیلاتی و حتا عقیدتی می‌کردند یکی از تناقضات تشکیلاتی بود که هم از درون و هم از بیرون به این تشکل‌ها ضربه زد.)

آنچه که از نشریات، بیانیه‌ها و جلسات آموزش برخی از این تشکل‌ها بر می‌آید سیاست اصلی آنها عبارت از جهت‌گیری به سمت زنان زحمتکش بود. کمی بعد این سیاست در عمل به خوبی ماهیت اغتشاش تئوریک حاکم بر این تشکل‌ها را نشان داد. باز هم جای پای اکونومسیم!- جهت‌گیری به سمت زحمتکشان به منظور پیوند، بسیار عالی است اما بر اساس کدام تحلیل کدام برنامه و با چه کادرهایی...؟

نتیجه این شد که سوراخ دعا را گم کردند و شیفته‌وار ... دختران و زنانی که فاقد تجربه نسبی برخوردهای توده‌ای، دید تئوریک (حتا نسبت به کاری که می‌خواهند انجام دهند) و چشم‌انداز فعالیت آینده بودند. بدون هیچ گونه رهنمود (مخصوصاً این مورد را زنان و دختران صادقی که برای به اصطلاح کار توده‌ای به محلات زحمتکشی گسیل می‌شدند به تلخی ولی به خوبی درک می‌کنند) به محلات زحمتکشی و کارگری فرستاده شدند. اما محتوا و مضمون این کار توده‌ای عبارت از یک مشت کارهای خیرخواهانه مثل خدمات پرستاری و شکل کمیته‌ای امداد و یا ایجاد مهد کودک برای نگهداری رایگان فرزندان زنان زحمتکش، کمیته‌های سوادآموزی و یا کمک‌های حقوقی و از این دست بوده است. (در این رابطه به بی‌اعتمادی زنان زحمتکش به این دختران نیکوکار دانشجو نیز اشاره شده است)... این گونه برخورد از بالا به توده‌ها هدف پیوند با زحمتکشان را به قصدی مضحک و دور از عمل تبدیل می‌ساخت.

... آنچه در این میان نقش اساسی دارد وجود یک سازمان سیاسی قوی و دارای پایه توده‌ای در طبقه‌ی کارگر است تا به اتکای آن چه از نظر پیوند تشکیلاتی با زنان و زحمتکش و چه از نظر قدرت بسیج امکانات مادی فعالیت آگاه‌گرایانه توده‌ای را سامان دهد. پشتوانه‌ی این امر را نیز تجربیات انقلابی سایر کشورها می‌داند... اما طرح عملی کار دموکراتیک در میان زنان و چگونگی برخورد نیروهای کمونیستی میهن‌مان در حال حاضر به مساله زنان زحمتکش و اقشار غیرپرولتر مطلبی است که امیدواریم بتوانیم در آینده مطرح نماییم."

در نشریه خبری انجمن رهایی زن، شماره‌ی ۷ که اول اردیبهشت ۱۳۶۰ منتشر شده است، و شعار "آزادی زن، معیار آزادی جامعه است، در بالای آن به چشم می‌خورد، مقاله‌ای تحت عنوان "روز جهانی زن از دیدگاه نیروهای سیاسی" منتشر شده است. در این مقاله آمده است: "سازمان چریک‌های فدایی خلق (اقلیت) در ویژه‌نامه روز جهانی زن، مقاله‌ای تحت نام "بررسی کوتاهی از مبارزات دموکراتیک دو ساله‌ی زنان" به درستی اشاره می‌کند که اغلب سازمان‌های زنان که بعد از انقلاب تشکیل شدند، بیشتر به عنوان سازمان‌های جنبی سازمان‌های سیاسی بودند و متأسفانه در طی این مدت نتوانستند به وظیفه‌ی بسیج زنان در عرصه مبارزات دموکراتیک بپردازند و بدین ترتیب بر اهمیت و ضرورت مبارزات مستقل و دموکراتیک زنان تأکید می‌گذارد. ولی در همان مقاله واکنش زنان در مقابل صدور فرمان حجاب اجباری در تیر ماه ۵۹ را ناشی از عقب‌ماندگی عمیق فرهنگی و متأثر از ظواهر می‌داند و تلویحاً بر عدم حمایت نیروهای مترقی از حرکت زنان صحه می‌گذارد. بدیهی است که سازمان چ ف خ (اقلیت) این مطلب را درک نمی‌کند که حجاب اجباری به‌اندازه دیگر احجافات به حقوق زنان ... از قبیل سلب حق طلاق، تعدد زوجات و صیغه، پایین آوردن سن ازدواج، سلب حق قضاوت مهم است. اینکه زنان در این مورد واکنش شدیدتری نشان می‌دهند به این علت است که این اجبار مانند زنجیر پای بردگان، این بار حداقل هفته‌ای ۶ روز، روزی ۸ ساعت بر فرق سر آنان سنگینی کرده و معیار سنجش لیاقت آنان برای کار کردن در ادارات و کارخانه‌هاست. یعنی این نه‌نیاز، استعداد، کارایی و لیاقت یک زن بلکه وجود یک تکه پارچه است که حق کار کردن و نان در آوردن

او را تعیین می‌کند. درک نکردن ابعاد این مساله، اقلیت را بر آن می‌دارند که واکنش زنان را نسبت به آن بیانگر عمق عقب‌ماندگی فرهنگی بدانند" در ادامه به نقد نظرات سازمان مجاهدین خلق، بزرگ‌ترین سازمان سیاسی اپوزیسیون پرداخته و می‌نویسد:

"تا به حال در مورد پایمال کردن حقوق زنان و به خصوص لایحه قصاص ... سکوت اختیار کرده است و تا کنون فقط جزوه کوچکی به نام "زن در مسیر رهایی" منتشر نموده که مسایل زن ایران را در مقطع کنونی بدون جواب می‌گذارد... و بدین ترتیب این مساله حاد اجتماعی را مردسالارانه "زیرسیبلی" در می‌کند. سازمان مجاهدین ... کوچک‌ترین اشاره‌ای به "روز جهانی زن" نمی‌کند... ما از سازمان مجاهدین خلق که سال روز پیروزی رفراندوم جمهوری اسلامی را گرامی می‌دارند (مجاهد شماره‌ی ۱۱۵، ۲۰ فروردین ۶۰) می‌خواهیم که نظرات خود را در مورد مسایل زنان و حقوق زنان در قوانین اسلامی به خصوص در مورد زیر پا گذاشتن ابتدایی‌ترین حقوق دموکراتیک زنان در جمهوری اسلامی رسماً اعلام دارند."

سپس به بررسی مواضع سازمان پیکار پرداخته است. و با نقد مقاله‌ای به نام "روز بین‌المللی زنان کارگر و زحمتکش را گرامی می‌داریم" که در پیکار ۹۶ منتشر شده، می‌نویسد:

"ولی مساله ستمی که در طول تاریخ نسبت به زنان اعمال می‌شود از مرز طبقات نیز عبور می‌کند و شامل بخش بسیار عظیمی از اجتماع جهانی زنان می‌گردد. با این تفاوت که زنان زحمتکش از سهم بیشتری از این اجحافات برخوردار می‌باشند. بیانات پیکار به طور کلی این مساله را نفی می‌کند ... کسانی که به بیاناتی چون پیکار معتقدند باید در برخورد با واقعیت‌های تلخ زندگی زنان غیرکارگر (به ویژه در ایران) تعابیر و تفاسیر جدیدی برای زن بیافرینند. برای نمونه محروم کردن قضاات زن از کار کردن و هم چنین اخراج دختران دانشجوی دانشکده حقوق (که محتملاً زحمتکش هم نمی‌باشند)، بیرون راندن بیش از صد هزار زن از ادارات، کارخانجات و موسسات که فقط بخشی از آنان کارگر و زحمتکش هستند، یورش وحشیانه به خوابگاه‌های دخترانه، (قشر دانشجوی) تحمیل حجاب اجباری در ادارات... محروم کردن کلیه زنان از زندگی سیاسی اجتماعی توسط

قانون اساسی، طرح قوانین مردسالارانه در مورد خانواده، ازدواج، طلاق و ... و بالاخره شاهکار بی نظیر قصاص که در آن تفاوتی بین زن کارگر، زن دانشجو، زن کارمند، زن خانه‌دار، زن دهقان و... نمی‌گذارد و بالاخره مشتی دیگر از این نوع اجحافات را چگونه باید پاسخ داد؟ آیا این اجحافات بر سر کسانی نیامده که کلا زن هستند؟ آیا این به خاطر جنسیت آنان نیست؟ اگر پاسخ مثبت است، پس تمام این حق‌کشی‌ها را باید در چارچوب مساله زن بررسی کرد و باید اذعان نمود که تمامی زنانی که شامل این نوع تحمیلات هستند به نوعی تحت ستم قرار دارند و آن وقت طبقات یا اقشاری را که بیشترین سهم از این حق‌کشی‌ها را متحمل می‌گردند به عنوان تحت ستم‌ترین بخش اجتماعی (نه تنها بخش آن) متمایز نمود و به درستی اظهار کنیم این لایه‌ها به حق پرچمدار مبارزات زنان تا نهایت آن می‌باشند ... ابرازاتی چون این بیانات پیکار نهایتاً به آنجا می‌رود که در لحظاتی چون امروز که زنان زحمتکش ما به خودآگاهی نرسیده‌اند و به عمق اسارت خود پی نبرده‌اند، کار مشخص بر روی مساله زنان نفی می‌گردد، زیرا زنان اقشار دیگر (مثلاً روشنفکران) مشمول ستم زنان نمی‌گردند."

در ادامه به این اشاره می‌کند که این مقاله‌ی پیکار به حجاب اجباری توجهی نکرده است. در انتهای مقاله هم به این اشاره می‌کند که این تنها مواضع پیکار نیست. بلکه سایر سازمان‌ها هم در رابطه با مساله زنان موضعی این چنینی دارند که در شماره‌ی بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. شماره‌ی ۸ این نشریه در دسترس نیست.

سازمان پیکار خود به نقد "کمیتة زنان پیکار" پرداخته بود. مقاله‌ای در دو قسمت با عنوان "پیرامون جنبش زنان زحمتکش" که در اسفند ۱۳۵۹ در نشریه پیکار منتشر شد، به مساله کار در میان زنان زحمتکش و تشکل مستقل آنان پرداخته است. ابتدا کار کمیتة زنان پیکار را مورد نقد قرار داده و مواضع خود را عنوان کرده است. سازمان پیکار معتقد است که باید بر روی سه بخش از زنان کار کرد: زنان دارای پراتیک تولیدی مانند زنان کارگر و دهقان و زنان دارای پراتیک اجتماعی مانند زنان کامند و معلم و... و زنان دارای پراتیک مبارزاتی مانند زنان خلق‌های ایران مانند کرد و بلوچ و عرب و... سپس عنوان می‌کند:

"بدین ترتیب زنان خانه‌دار زحمتکش که دارای هیچ گونه پراتیک تولیدی، اجتماعی و مبارزاتی نیستند قادر به درک و سپس جذب شدن حول تشکل‌های سیاسی و دموکراتیک

نخواهند بود. چندین ماه فعالیت ما در میان زنان زحمتکش خانه‌دار در محلات کارگرنشین به خوبی نشان داد که چگونه کار تولیدی پراتیک اجتماعی و یا مبارزاتی موجب آگاه شدن زنان می‌شود."

و سپس دلیل این امر را این گونه تبیین می‌کند:

"چرا که استثمار از طریق غیرمستقیم و از طریق مرد در یک خانواده کارگری انجام می‌گیرد و در حقیقت آنان به طور غیرمستقیم در معرض استثمار سرمایه‌داران حاکم می‌باشند بدین جهت نیز کوششی در جهت یافتن راه حل برای مبارزه و پیکار علیه دشمن طبقاتی خویش نمی‌کنند و بر عکس دشمن تمام چیزهایی هستند که زندگی یکنواخت و بخور نمیر آنها را دچار اختلال می‌کند."

و این گونه عملکرد کمیته زنان را نقد می‌کند:

"سازمان در طول یک سال اخیر کار بر روی مساله زنان را به عهده‌ی یک جمع تشکیلاتی یعنی کمیته زنان نهاد. این جمع بدون اینکه در یک ارتباط ارگانیک با زحمتکشان و از جمله زنان زحمتکش) از طریق تشکیلات باشد، می‌بایست امر تبلیغ و ترویج و سازماندهی را در میان آنان به پیش برد. درحالی که بدون وجود زمینه عینی برای انجام این وظیفه که همانا ارتباط مدام و نزدیک با مسایل مبتلا به زنان زحمتکش کارگر، محلات، افشار پایین خرده‌بورژوا می‌باشد، با تبلیغ زنده و ترویج تئوری‌های م. ل که با مسایل خاص پیوند خرده‌برده باشد، امکان‌پذیر نبود.

ریشه چنین برخورد غلطی دقیقاً از آنجاست که مساله زن، ستم مضاعف، وجود پیوند میان رهایی پرولتاریا و رهایی کامل زنان و نهایتاً پیوند زن و سوسیالیسم درک نشده بود. به واسطه‌ی عدم درک این رابطه هیچ کوششی نیز در راه مرتبط نمودن جنبش‌های مختلف توده‌ای و زنان برقرار نگشت و کمیته زنان به ناچار از زمینه زنده‌ای برای تغذیه محروم گشت... ما نمی‌دانستیم علت اساسی رکود کار در کمیته زنان چیست... با استفاده از رهنمودهای جنبش کمونیستی بین‌المللی به این مساله اساسی دست یافتیم که برخورد به مساله زنان در سطح وسیع توده‌ای که به منظور بسیج و تشکل آنان صورت می‌گیرد نه از طریق یک ارگان جدا از بخش‌های دیگر سازمان بلکه از طریق یک سازماندهی که همچون شبکه‌ای بر سازماندهی اساسی و کلی سازمان منطبق می‌گردید...

و سازماندهی جمع‌های مخصوص کار در میان زنان در کلیه بخش‌های سازمانی ممکن می‌گردد ... وجود این کمیسیون‌های ویژه کار برای زنان به معنای یک تشکیلات مستقل و جداگانه‌ای از سازمان با حقوق و اختیارات جداگانه نبوده بلکه نوعی هماهنگی میان ارگان‌های مختلف در رابطه با کار ویژه‌ای که بر روی زنان به انجام می‌دهد، بوجود می‌آورد..... این کمیسیون‌های کار ویژه به مثابه بخشی از سازمان قادر به پیشبرد یک آموزش همه جانبه در مورد زنان در کل سازمان بوده تا از این طریق به بسیج و متشکل نمودن زنان زحمتکش پردازیم.

به نظر ما دموکراسی یا سازمان دموکراتیک به تنهایی قادر به بیان هدف چشم‌انداز و منظور ما نمی‌باشد. چرا که مفهوم طبقاتی این دموکراسی می‌بایست در کنار این کلمه باشد. دموکراسی پرولتری یا بورژوایی؟ ... بدین ترتیب جنبش‌های بورژوایی زنان تحت عنوان‌های سوخراجت‌ها در روسیه و فمینیست‌ها در آلمان بیانگر سازمان‌هایی است که به خاطر هدف‌های رژیم‌های سرمایه‌داری تشکیل شده‌اند.

در ادامه تعریف خود را از سازمان‌های دموکراتیک زنان این گونه می‌نویسد:

" سازمان دموکراتیک زنان سازمانی است توده‌ای و متشکل از سازمان‌ها، کانون‌ها و انجمن‌های دموکراتیک و توده‌ای مثلا کانون مادران شهدا، انجمن حمایت از زنان بیوه و... که توسط سازمان حزبی هدایت می‌گردد. مرکزیت سازمان دموکراتیک از طریق کمک یک جمع که از جانب سازمان برای انجام این وظیفه ماموریت یافته است ایجاد، هدایت و رهبری می‌شود، بدون شک پس از طی یک مرحله اولیه تعیین رهبری از طریق انتخابات دموکراتیک از پایین تا بالا صورت خواهد گرفت. کلیه رفقای زن عضو سازمان می‌بایست به عضویت سازمان دموکراتیک زنان در آیند...."

آن تشکیلات دموکراتیکی مورد نظر ماست که بر تضادهای طبقاتی سایه نیفکنده بلکه از طریق متشکل نمودن زنان زحمتکش حول اهداف دموکراتیک پرولتاریا ارتش سازش‌ناپذیر زحمتکشان را علیه سرمایه منسجم‌تر نماید. با توجه به این اصل هر تشکلی که بخواهد زنان زحمتکش را حول عناوینی چون مساله عام زنان، درد و رنج مشترک زنان متشکل نموده و بر تضادهای موجود بین طبقات متخاصم پرده بیفکند و بدین وسیله موجبی برای سازش میان طبقات بوجود آورده و با به دست آوردن حقوق پایمال

شده زنان را فقط تحت رهبری پرولتاریا و در جامعه‌ای سوسیالیستی امکان‌پذیر است، تحت جامعه‌ای سرمایه‌داری امکان‌پذیر بداند، تشکلی انحرافی بوده و جز به بیراهه کشاندن نیروهای زنان زحمتکش خیانت به آنان و خدمت به بورژوازی کاری انجام نخواهد داد. از جمله چنین تشکل‌هایی، تشکیلات دموکراتیک زنان ایران است که توسط نشریه جهان زنان تره‌های انحرافی خود را انتشار می‌دهد... (پیکار ۹۵)

سازمان توفان در جزوه‌ی به نام "مارکسیسم یا فئودالیسم در مسایل سازمانی" به نقد نظرات سازمان پیکار در باره‌ی مساله زن "پرداخته است که در نشریه "کارگر به پیش" منتشر شده و معتقد است که نظرات سازمان پیکار بر عقب‌ماندگی فکری زنان نسبت به مردان به طور عام تاکید دارد و متشکل شدن را به منظور کسب آگاهی برای رسیدن به پای مردان می‌داند و معتقد است که "کارگر به پیش" مانند روضه‌خوانی، مبارزات را به زنانه و مردانه تقسیم می‌کند و در آموزش‌های خود مبارزات و آگاهی را نه بر حسب منافع طبقاتی و یا صنفی که بر حسب منافع نوع "جنس" توضیح می‌دهد. از آنها سوال می‌کند که:

"نظرشان در باره جنس دهقان، جنس دانشجو، جنس آموزگار و... چیست و چرا آنها در سازمان‌های خاص خود متشکل می‌شوند... زنانه مردانه کردن آگاهی و در نتیجه مبارزات طبقاتی، نادرست و ضدعلمی است. در طبقه‌ی کارگر می‌توان به کارگران مرد (فولادسازی) برخورد کرد که از سطح آگاهی بالاتری نسبت به کارگران مرد (مثلا نساجی) برخوردارند. به علاوه آیا به این زودی زنان کارخانه قرقره زیبا را از یاد برده‌اید؟ مبارزه طبقاتی زن و مرد نمی‌شناسد... آزادی زنان فقط به دست خودشان میسر است و زنان زحمتکش و مبارز میهن ما که در هر شغل و موقعیتی که باشند، (به صورت کارگر، دهقان، دانشجو، آموزگار، فروشنده و...) همان طور که بارها نشان داده‌اند بدون آنکه منتظر اقدام و صدقه این و آن شوند با شرکت مستقیم و فعال خود در مبارزات اجتماعی، همپای برادران مبارزه خود آزادی خود را از زندان استثمار مضاعف به دست خواهند آورد."

در میزگرد اتحاد ملی زنان و سازمان رهایی زن، در اواخر سال ۵۹، به نقد عملکرد سازمان‌های زنان و سازمان‌های سیاسی چپ پرداخته شده است. در این زمان بسیاری از سازمان‌های زنان تا آن هنگام به تدریج از میان رفته یا غیر فعال شده بودند. در این میزگرد، هما ناطق (گرداننده

میزگرد) از شرکت‌کنندگان علت این امر را می‌پرسد. به نظر نماینده "رهایی زن" عدم برخورداری از آگاهی کافی از مساله زنان، دلیل این امر بوده است:

"به نظر ما، این سازمان‌ها دچار یک نوع از خودبیگانگی هستند و به نظر نمی‌آید در آن حد از آگاهی باشند که بدانند یک تشکل زنان چه اهدافی را باید دنبال کند ... در بسیاری از موارد این سازمان‌ها فعالیت در حول مساله زن را به فعالیت حول مسایل خاص نظری تبدیل می‌کنند و اینجاست که در باره‌ی کار در بین زنان و مساله مشخص زنان کوتاهی می‌کنند. مسایلی که باعث جدایی آن سازمان‌ها از شورای همبستگی شد، مساله زنان نیست بلکه مسایل دیگر است."

نماینده‌ی "اتحاد ملی زنان" دلیل از بین رفتن این سازمان‌ها را این می‌داند که خواست‌های دمکراتیکی که باید حول آن به فعالیت پرداخت، به حاشیه رانده شد و از نظر اهمیت در درجه‌ی دوم قرار گرفت.

"واقعیت این بود که این تشکلات به صورت دنباله‌روهایی درآمدند و در مقاطع مشخصی آنچه که عمدتاً برایشان تعیین‌کننده بود، ق مساله زنان نبود و من معتقدم که به علت عدم دید درست در مورد خواست‌ها و جنبش دموکراتیک در جنبش سیاسی ماست... چون به اعتقاد ما تشکلاتی هم که باقی ماند به هیچ وجه نتوانست در آن حد که ضرورت دارد، مساله زنان را در سطح جامعه مطرح کند و مشخصاً تا زمانی که سازمان‌های انقلابی از چنین خواستی در جامعه ما پشتیبانی فعال نکنند، هر چند که بعضی از آنها پشتیبانی خود را به اشکال مختلف اعلام کرده‌اند، اما تا پشتیبانی فعال نکنند، هرگز مساله زنان از طریق یک یا دو سازمان دموکراتیک قابل حل نخواهد بود. به این دلیل مساله عمده عدم توجه به مساله زن و عملاً برخورد نادرستی است که با تشکلات دموکراتیک در گذشته شده است."

در بخش دیگر این مناظره، هما ناطق با اشاره به این که در دوران شاه به رغم اختناق و فرهنگ حاکم زنان در طی مبارزاتی توانستند به این آگاهی دست یابند که حتا مساله‌ای به نام زن برایشان مطرح نشود و همه‌ی زنجیرها را بگسلند. یعنی همراه با طرد نظام حاکم، فرهنگ حاکم را که نظام در مورد زن اعمال می‌کرد، گسستند، می‌پرسد چه شده که در آن زمان (۱۳۵۹) سازمان‌های زنان دچار مشکل و رکود شده‌اند؟

نماینده رهایی زن این گونه پاسخ می‌دهد :

" نه در آن دوران و نه امروز زنان ایران به عنوان زن، یعنی در راه آزادی زنان مبارزه نمی‌کنند. درکی که ما داریم این است که مبارزاتی که زن مبارز از طریق سازمان‌های سیاسی در دوران رژیم شاه کردند، به عنوان مساله زن نبود، مبارزه طبقاتی بود که بسیار هم با ارزش و ثمربخش بود. اما ما می‌خواهیم در اینجا این نکته را تفکیک کنیم ... شرکت فعال پیگیر زنان در مسایل مبارزاتی جامعه تا آنجایی که بحث از حقوق صنفی زنان نکند، جنبش زنان نیست... اول باید مشخص کنیم که بحث از شرکت زنان در مبارزه است یا از جنبش زنان... سازمان‌های زنان یک رسالت خاص دارند. رسالت مطرح کردن مسایل زنان و تشکل دادن زنان حول مسایل زنان. این که جنبش زنان الان هم وجود ندارد، آن موقع هم وجود نداشت... این رکود دلایل مختلف دارد که جنبه‌ای از آن برمی‌خورد به سازمان‌های سیاسی. ... در ایران هم به دلیل جامعه‌ی بیمار ما، جامعه وابسته ما، اختناق هزاران ساله، الان آن مقطع به نظر ما هنوز هم وجود ندارد که جنبش خودانگیخته زنان زاده شود و همچنین به خاطر وجود دلایل سنتی، نقش خانواده و نقش مذهب که به نظر ما در ایران عمده است، آن انگیزه خودانگیختگی در زنان ایران وجود ندارد ... این رسالت فعلا به عهده‌ی زنان آگاهی است که به این پایه از آگاهی رسیده‌اند یعنی طرح کردن مساله زنان و تبدیل آن به مساله اجتماعی از عمده‌ترین وظایف سازمان‌های مترقی زنان است ... مطرح کردن مساله زنان با خود زنان است و ضامن اجرایی‌اش هم خود زنان هستند. خود جنبش زنان باید پرچمدار مبارزه در راه رهایی زنان باشند و نه سازمان‌های سیاسی. ولی متأسفانه سازمان‌های مترقی زنان هم در این مساله خیلی کوتاهی کردند و برخوردشان بسیار غلط و عقب‌افتاده بود... هر جا که مساله زن مطرح بود، سازمان‌های سیاسی مساله دیگری را در مقابلش گذاشتند و اجازه ندادند که مساله شکوفا شود. حتا ارگان‌های زنان هم درکی از مساله زنان ندارند ... بنابراین این نوع سازمان‌ها خیلی زود تحت شرایط منحل می‌شوند ... سازمان‌های انقلابی چیزی جدای از این جامعه نیستند گرچه نیروهای آگاه این جامعه هستند، ولی تحت تاثیر فرهنگ موجود این جامعه هستند. به هر حال فرهنگ پدرسالاری در مغز همه وجود دارد، زدودن این راحت نیست ... هنوز باید کلیه این سازمان‌های سیاسی با خیلی از

مسایل روبنایی فکری خودشان هم برخورد کنند. خیلی مسایل از جمله مسایل دموکراسی که در ایران به آن برخورد نمی‌شود. به نظر ما اینها برمی‌گردد به عدم آگاهی کافی به شرایط موجود و عدم توانایی در زدودن فرهنگ مسلطی که در این جامعه وجود دارد."

نماینده اتحاد ملی زنان به این نکته اشاره می‌کند که کم‌کاری این سازمان‌ها نه تنها در ربط با مساله زنان، بلکه به طور مشخص در مورد خواست‌های دموکراتیک جامعه و حمایت از سازمان‌های دموکراتیکی است که حول این خواست‌ها خود به خود بعد از انقلاب شکل گرفت و اشاره می‌کند:

"در فروردین ۱۳۵۹، در حدود ۱۹ تشکل دموکراتیک حول جریان دانشگاه جمع شدند... متأسفانه امروز شاید ما در سطح جامعه بیش از ۸ تشکل دموکراتیک نمی‌توانیم نام ببریم. به طور کلی این عدم‌توجه جنبش انقلابی ما به خواست‌های دموکراتیک اقشار مختلف که زنان هم جزوشان می‌شوند، وجود دارد که دلایل این امر، عملاً نبود آزادی خواست‌ها یا به اصطلاح حرکات دموکراتیک در سیستم رژیم گذشته باعث این شد که تعداد زیادی تشکل دموکراتیک برای اعلام خواست‌های خودشان بوجود بیاید و برخورد سازمان‌های انقلابی برخورد فعالی نبود... اعتقاد ندارم که به سازمان‌های دموکراتیک به عنوان یک زائده برخورد شود."

در ادامه اشاره می‌کند که تنها در یکی از ارگان‌های سازمان‌های انقلابی، سلسله مقالاتی در راه شناساندن مساله زن منتشر می‌کند... حمایت فعال بخش انقلابی ما از این مسایل چگونه بوده است، در مواردی به هیچ وجه حمایت نشده، در مواردی فقط در حد یک موضع‌گیری خیلی کلی به مساله برخورد شده... برخی از سازمان‌های سیاسی که از زاویه انقلابی با مساله برخورد نمی‌کنند، طرح حقوق و آزادی‌های دموکراتیک زنان و مبارزه برای به دست آوردن آنها را نادرست دانسته و در حقیقت کل حقوق و آزادی‌های دموکراتیک در جامعه را نفی می‌کنند.

۳-۱۰-۲- جمع‌بندی از عملکرد سه ساله اتحاد ملی زنان

جمع‌بندی از عملکرد سه ساله اتحاد ملی زنان، شاید منحصر به فردترین جمع‌بندی در دسترس، پس از خاتمه‌ی کار یک تشکل زنان باشد، مجموعه‌ای که در فضای سیاه و سنگین سرکوب انجام شد، فضایی که امکان فعالیت عملی را نه فقط از اتحاد ملی زنان که از کل سازمان‌های سیاسی و انقلابی گرفته بود. هر چند این گزارش بازتاب آرای افرادی است که در تهیه آن نقش داشته‌اند، ولی سایر اعضای اتحاد ملی زنان، درستی تاریخچه‌ی اتحاد و رویدادها را تایید کرده‌اند. در این گزارش چنین آمده است:

"مشکل ما تنها عدم درک اعضا از مساله زنان نبود، بلکه درک نادرست آنان از کار دموکراتیک توده‌ای نیز مشکلات فراوانی ایجاد می‌کرد. نقطه نظرات انحرافی در مورد کار دموکراتیک خود در سکتاریسم پیگیر جریانات سیاسی، عدم شناخت‌شان از جامعه به علت فقدان ارتباط توده‌ای و فقدان درک صحیح از مکانیسم کار سیاسی و تبلیغی در میان توده‌ها ریشه داشت."

با مروری بر عملکرد کمیته‌های مختلف اتحاد مشخص می‌شود که اختلاف نظر شدید بین اعضای سازمان فدایی و بحران انشعاب در این سازمان، یکی از بزرگ‌ترین عوامل ناموفق بودن اتحاد بوده است. نداشتن تجربه و دید همه جانبه اعضا نسبت به مسایل زنان، نبود آگاهی‌های لازم در مورد مسایل خاص زنان، ضرورت ارتباط با توده زنان و این واقعیت که این ارتباط برقرار نشد از دیگر عواملی بود که به منجر به ناموفق بودن این تجربه شد.

بخش عمده‌ی فعالیت کمیته‌های اتحاد ملی زنان جذب نیرو برای اتحاد از طریق پخش و فروش نشریات بود. توجه به مسایل صنفی قشرهای زنان در مرتبه‌ی بعدی قرار می‌گرفت. یکی از نقاط قوت کار اتحاد، تهیه پرسشنامه‌هایی جهت کسب اطلاعات لازم از قشرهای مختلف زنان بود که نشان می‌داد به مساله تحقیق و پژوهش در مورد مسایل زنان و آگاهی از نیازهای آنان توجه می‌شده است. هرچند که از این اطلاعات کسب شده استفاده نشد. در این جمع‌بندی به برخی از دلایل ناموفق بودن فعالیت‌های اتحاد اشاره شده است. از جمله:

- در این سال‌ها فرصت‌های مناسبی برای برقراری ارتباط تنگاتنگ با توده زنان ایجاد شد مانند تحمیل حجاب اجباری، که در جریان آن بسیاری از زنان کارمند، پرستار و معلم ضمن مراجعه به اتحاد تاکید می‌کردند که باید مرکزی برای تجمع زنان و

- تصمیم‌گیری کلی وجود داشته باشد، اما اتحاد به دلیل نداشتن امکانات این فرصت‌ها را از دست داد.
- سیاست‌های اتحاد در بخش‌ها و کمیته‌های مختلف بیشتر به فرد و یا افراد مسوول در آن برمی‌گشت نه سیاست کلی
 - خط مشی اتحاد در باره ارتباط با شهرستان‌های شمال از جمله مواردی بود که اختلاف و درگیری میان جناح اکثریت و اقلیت سازمان چریک‌های فدایی خلق به فعالیت‌های اتحاد ضربه زد.

۳-۱۰-۳- نقدهای کنونی

نقدهای بسیاری از سوی سازمان‌ها و افراد فعال در آن سازمان‌های چپ از زمان حال به عملکرد این سازمان‌ها انجام و منتشر شده است. این نقدها یا به صورت کتبی توسط خود افراد و سازمان‌ها به شکل مصاحبه منتشر شده است. چند نمونه از این دست نقدها در ادامه آمده است. سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در اطلاعیه خود به مناسبت ۸ مارس در سال ۱۳۸۳ چنین می‌نویسد:

"عدم حساسیت نیروهای چپ، مترقی و دمکرات به مسئله زنان و حاکم بودن فرهنگ مردسالارانه بر بینش سیاسی این نیروها از جمله عواملی بودند که این تظاهرات را از پشتیبانی لازم برخوردار نکرد. ما در اولین کنگره خود در سال ۷۰ به نقش خود در این رابطه، به عنوان یک نیروی تازه شکل گرفته در آن زمان که در رابطه با حقوق زنان به پاره‌ای انتقادات بسنده کرده و عملاً از اعتراضات زنان در سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۵۸ پشتیبانی نکردیم، انتقاد کردیم."

جمشید طاهری پور از کادر مرکزی سازمان چریک‌های فدایی خلق (اکثریت) در برگ‌هایی از زندگی خود چنین می‌نویسد:

"در سال‌های تأمل؛ وقتی به فکر نگاه به خود و گفتگو با خود افتادم؛ دیدم سیاه‌ترین برگ در دفتر زندگی‌م؛ در مقام دبیر شعبه زنان در سازمان اکثریت، سکوت پر از تمکین من در برابر اجبار حجاب ... بوده است!"

رقیه دانشگری نیز در مقاله‌ی مسوولیت فردی که در بهمن ۱۳۹۲ منتشر شد این چنین نوشته است:

"اندوهگین‌ام از اینکه بر تجربه خونبار ملت‌ها در درازای تاریخ دیده فرو بستم. دین سالاری، تمامیت‌خواهی، استبداد فقهاتی، چنگ‌اندازی انگلی‌ترین بخش سرمایه‌داری به ثروت‌های ملی ایران را در هاله‌ی کژفهمی از مبارزات ضدامپریالیستی پوشاندم. حتا فریاد آزادی‌خواهی زنان کشورم را در نفی حجاب اجباری، از حافظه تاریخی‌ام ستردم. در ردیف اول مسولیت شعبه زنان سازمان اکثریت، تحکیم بیش از پیش مردسالاری را نادیده گرفتم، فریاد حق‌خواهی زنان را در برابر انواع تبعیض جنسیتی، چنان که باید و شاید، نشنیدم و از کنار آن گذشتم. بدین‌سان در تحکیم پایه‌های نظامی واپس‌گرا سهم گرفتم.

کتاب "بازبینی تجربه اتحاد ملی زنان" و "خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷" از مجموعه‌هایی هستند که نقدهای بسیاری از زنان فعال در آن دوره را در خود جای داده است. این نقدها که حاوی نکات قابل توجهی هستند، تاثیر نوع نگرش، شخصیت، شیوه کار، دیدگاه و تجربیات فردی را نیز کاملاً نمایان می‌کند.

گلنار بدخشان از موسسان جمعیت زنان مبارز، می‌گوید:

"ما به این مسایل که به کل زنان جامعه مربوط می‌شد، نپرداختیم: مساله حجاب، قصاص، حضانت کودکان، کار زن، اخراج از ادارات و این که قصد داشتند تا می‌توانند زنان مدرن را بازنشسته کنند... ما کلی‌گویی می‌کردیم..."

مریم جزایری یکی دیگر از اعضای این سازمان می‌گوید:

"ما به‌اندازه‌ی کافی دانش فمینیستی نداشتیم، افشاگری از ستم‌های اجتماعی و فرهنگی که بر زنان اعمال می‌شد در نوشته‌ها و بحث‌های ما وجود نداشت حداکثر برای این افشاگری می‌کردیم که برای کار برابر به زنان مزد برابر با مردان داده نمی‌شود..."

نسرین بصیری یکی از بنیانگذاران اتحاد ملی زنان جو درون اتحاد را دموکراتیک ارزیابی می‌کند در حالی که مسعوده آزاد با توجه به تجربیات خود در اتحاد آن را غیردموکراتیک ارزیابی می‌کند. مسعوده چنین می‌نویسد:

" با تقسیم کار بین هیات موسس و شروع کار عملی، ... جو حاکم در اتحاد ملی زنان ضد خارج از کشوری‌ها بود... در جلسه‌ای که با هیات موسس داشتیم به یک باره دیدم کسانی شرکت کرده‌اند که جزء هیات موسس نبوده ولی از سمپات‌های پر و پاقرص سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بودند. جو جلسه گواهی می‌داد که قبل از آن در جلسه‌ای مخفی تصمیم‌ها گرفته شده و حالا ما دو نفر من و نسرین (مخالفین حمایت از کاندیداتوری طالقانی) باید قانع می‌شدیم. دو نفر از شرکت‌کنندگان که در جلسه فرهنگی عمومی بودند برخورد من را در آن جلسه کنفدراسیونی خواندند... به دنبال استدلالات من، هما ناطق که خود را رییس کل می‌دید عملکرد من را با عملکرد چماق به دستان مقایسه کرد. من دریافتم که مساله دیگر فعالیت دموکراتیک در رابطه با زنان نیست، بلکه ترور محض است و زورچپانی مواضع فدایی به هر قیمتی که باشد. دیگر جایی برای ادامه‌ی فعالیت خود در آن سازمان ندیدم ... و با این جمله که تاریخ درستی حرف مرا نشان خواهد داد جلسه و نیز اتحاد را برای همیشه ترک کردم"

نسرین بصیری که خود از اعضای کنفدراسیون بوده است، یکی از خاطرات تلخ خود را درگیری لفظی هما ناطق و مسعوده عنوان می‌کند و در مورد نقش سازمان فدایی و دموکراتیک بودن فضای اتحاد چنین می‌نویسد:

"رفته رفته شاید چند ماهی از ایجاد اتحاد نگذشته بود که سازمان بیشتر شکل گرفت. گروه‌های کاری‌اش پا و جان گرفتند و نهادهای تصمیم‌گیری به شکل دموکراتیک در آن جا افتادند و نهادینه شدند. تاثیر فرد از بین رفت. هنوز هم اکثریتی وجود داشت طرفدار سازمان چ ف خ و اقلیتی که از نظر عددی چندان بزرگ نبود. اقلیتی یا بی‌سازمان یا به یکی از نیروهای گوناگون چپ جامعه وابستگی داشت. اقلیتی که من از ابتدا به نوعی نماینده‌ی آن در شورای اجرایی اتحاد ملی بودم، تا به آخر در آن حضور داشتم، به بحث‌ها دامن می‌زد و به لحاظ کیفی برای تعیین جهت فکری سازمان سرنوشت‌ساز بود. ... ما بعد از دوره یا فعالیت فراکسیونی تشکیل دادیم در جوی آرام نظرات و حرکات و تاکتیک‌ها را همگون می‌کردیم ... می‌توانم به جرات بگویم که هرگز نه پیش از اتحاد و نه بعد از آن، آزادی‌خواهی در عمل، ایجاد فضا برای دگراندیشان و احترام گذاشتن به نظر فرد را این چنین نبوییده و تجربه نکرده‌ام. البته من به طور کلی و نسبی سخن می‌گویم. باید

اعتراف کنم که زمان‌هایی بود که در اتحاد ملی عرصه آن چنان به من تنگ می‌شد که دلم می‌خواست ... دن کیشوت‌وار شمشیری بردارم و تنها بجنگم... در اینجا می‌خواهم از کسانی نام ببرم که جو و زمینه را برای همکاری در محیطی دموکراتیک آماده می‌کردند. دموکراسی نه از آن نوع که در بهترین حالت و بدون تقلب رای می‌گیرد و حکومت ۵۱ درصد بر ۴۹ درصد را برحق می‌داند. دموکرات‌های واقعی که برای اقلیتی کوچک نیز احترام و حق حیات قائل بودند... می‌خواهم دلایل این همه شیفتگی را برای اتحاد ملی زنان بگویم. انسان‌ها نه واقعا خوبند و نه واقعا بد. در هر شرایط بخشی از جنبه‌های خوب و یا ناخوشایند خود را به نمایش می‌گذارند. در سال‌های پس از انقلاب که مردم از جمله زنان، پر از امید و نیرو و شور بودند، بهترین‌هایشان را به نمایش می‌گذاشتند و خوش بویدند. سوسیالیسم را نه در شعار بلکه به طور روزمره در اتحاد ملی زنان تجربه می‌کردیم. از کوچکترین نیازهای آدمی شروع می‌شد. خوراک ملی ده، بیست یا سی زنی که صبح تا شب در دفتر این سازمان می‌کوشیدند، نان داغ بربری و پنیر بود که تازه از راه رسیده‌ها با خود می‌آوردند و به میان می‌گذاشتند. به یاد دارم که هرگز این کار را سازمان داده باشیم یا بر سر آن بحثی در گرفته باشد. هر کس از در می‌رسید بر حسب وسعتش و اشتهاش یک یا چند قرص نان با خود می‌آورد و هر کس گرسنه بود از آن می‌خورد. اگر کسی نبود که نان بیاورد و هیچ خوردنی پیدا نمی‌شد یکی بیرون می‌رفت نانی و پنیری با خود می‌آورد یا اگر گرفتار بود، می‌پرسید تا کسی لقمه‌ای یا سیبی به او ببخشد. تشنگی با قند و چای بر طرف می‌شد. اجاره‌ی دفتر را از حق عضویت‌ها تامین می‌کردیم. زنان شاغل زنان کارمند که بیشتر پول داشتند، بیشتر می‌دادند. بیکاران بیشتر وقت داشتند وقت‌شان را در اختیار سازمان می‌گذاشتند. هیچ کس به دلیل پرداخت حق عضویت کمتر یا کار کمتر و بیشتر سرزنش نمی‌شد. هر که هر چه داشت، آنقدر که می‌توانست بدهد در میان می‌گذاشت... اگر ظاهر و طرز لباس پوشیدن من با اکثریت شرکت‌کنندگان در اتحاد ملی فرق داشت به این دلیل انگشت‌نما نبودم و مرا سرزنش نمی‌کردند. من با گذاشتن روسری مخالف بودم... فکر می‌کردم گذاشتن روسری به طور اختیاری حکومتگران را در اجباری کردن حجاب جری‌تر می‌کند. موافقان حجاب اختیاری می‌گفتند که در محلات، با حجاب بهتری می‌توانند هم‌رنگ جماعت شوند و با

مردم ارتباط بگیرند و به این دلیل روسری را به بی‌حجابی ترجیح می‌دادند. نظرات متفاوت و گفت‌وگوها طولانی بود اما در جوی سالم انجام می‌گرفت و حرف آخر به درستی با کسانی بود که در محله‌ها کار می‌کردند. ... همان گونه که تنوع در نوع کار را پذیرفته بودیم، تنوع در شکل و ظاهر را هم می‌پذیرفتیم اگر چه این احترام متقابل و پذیرش همیشه به آسانی که در دو کلام ذکر کردم، نبود."

فریده بهمنی یکی دیگر از اعضای اتحاد ملی زنان در باره‌ی رعایت اصول دموکراتیک در درون اتحاد تجربه خود را چنین بیان می‌کند:

"درک انحرافی اتحاد از شیوه‌ی دموکراتیک کار تشکیلاتی و بی‌توجهی به اهمیت اصول دموکراتیک مواردی بودند که به طور جدی مانع رشد و باعث کنده‌ی حرکت اتحاد در جهت تحقق اهدافش شدند. عدم رعایت شیوه‌ی دموکراتیک - تشکیلاتی بی‌توجهی به برابری افراد و آزادی بیان برای اقلیت، عدم دخالت فعال کلیه‌ی اعضا در پروسه‌های تصمیم‌گیری عملاً پتانسیل بخش عظیمی از فعالین را به هدر داده و قدرت تاثیرگذاری اتحاد ملی را تضعیف می‌نمود."

آذر منصور، موسس و یکی از سه مسئول تشکیلات دموکراتیک زنان^۱ در نقد شیوه‌ی کار تشکیلات دموکراتیک زنان چنین می‌گوید:

"تشکیلات دموکراتیک زنان در کلاس‌های سوادآموزی بسیار موفق بود. همچنین در جمع کردن زنان قالیباف و کارگر بسیار موفق عمل کرد. در کمک و تجهیز جبهه جنگ بسیار موفق بود. اما متأسفانه زمانی برنامه‌های ما موفق نبود که خانم‌ها، خصوصاً بانوانی که همسرانشان هم حزبی بودند، نسبت به کار شبانه‌روزی همسرانشان در حزب، انتقادهای خیلی جدی داشتند. ما متأسفانه نمی‌توانستیم به آنها کمک کنیم، چون این زنان هم مسئولیت کار خانه را به عهده داشتند و مسئول رسیدگی و تربیت بچه‌هایشان بودند و هم اینکه در تشکیلات زنان فعالیت می‌کردند. این زنان از ما انتقاد می‌کردند که چرا همسرانشان در حزب یاد نمی‌گیرند که وقت بیشتری برای خانواده‌هایشان بگذارند و به تفریح و رفاه خانواده و بچه‌هایشان اهمیت بیشتری بدهند. من نمی‌توانستم به گوش

۱- کارونی، بهروز، رادیو فردا، تشکیلات دموکراتیک زنان، نقاط مثبت و منفی

طراحان برنامه‌های حزبی برسانم که آقایان باید وقت بیشتری برای خانواده‌هایشان بگذارند... یکی از موارد منفی برای فعالیت تشکیلات دموکراتیک زنان این بود که در آن زمان، من تفاوت زیادی بین عضو یک حزب بودن و آمال و آرزوهای خودم برای جنگیدن در یک حزب از یک سو و فعالیت در سازمان زنان و کار کردن در یک تشکیلات زنانه قائل نبودم. به همین دلیل با همان ذهنیت حزبی که در کنار رفقای مرد کار می‌کردم، در تشکیلات زنان نیز کار می‌کردم. ولی به تدریج در سمینارها و جلسات زنان متوجه شدم که مشکلات زنان، مشکلات فعال شدن در یک حزب نیست بلکه مشکلات روزانه شخصی است. آنها در مورد مسایل انسانی همچون حسادت، عشق، طلاق، جمع کردن مال، تربیت بچه‌ها و یا در مورد اختلافی که با رفیق حزبی من، به عنوان شوهر یا برادر در خانه داشتند، بحث می‌کردند. این در شرایطی بود که من در مورد این قبیل مسایل فقط می‌توانستم چیزهایی کلی بیان کنم.

اینکه دایره آزادی‌های اجتماعی روز به روز دارد تنگ‌تر و محدودتر می‌شود و دارند ما را محدودتر می‌کنند ولی متاسفانه سیاست کلی حزب به این موضوع بهای لازم را نداد و یا نشنیده گرفت... ولی این موضوع در بالا منعکس نمی‌شد که تبدیل به سیاست روز حزب شود. رهبری حزب متاسفانه به این ترتیب ما را هم محدود می‌کرد. به همین دلیل، من به عنوان یک عضو فعال تشکیلات زنان و به عنوان یک عضو حزب فکر می‌کنم از طریق حزب بیشتر محدود می‌شدم. از طریق رهبری حزب، کار من و امثال من فقط به سیاست‌های روزانه حزب محدود شد. این اشتباه بزرگ حزب بود. حزب باید واری سیاست‌های روز عمل می‌کرد، نه اینکه قدم به قدم و به دنبال سیاست‌های روز جمهوری اسلامی برود.

ناهید نصرت یکی از اعضای تشکیلات دموکراتیک زنان در رابطه با نقش و جایگاه زنان در تشکیلات و در حزب توده این چنین می‌گوید:

"وابستگی" تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" به خط سیاسی حزب توده ایران، هم مضمون دموکراتیک را از آن می‌گرفت و هم آن را در رهبری زنان در مقابله با ارتجاعی که به سوی قدرت می‌رفت ناتوان می‌کرد. مضمون دموکراتیک از این رو سلب می‌شد که

تشکیلات به شیوه هرمی اداره می‌شد و مانند همه سازمان‌های زنان وابسته به یک حزب سیاسی، تنها زنانی به سطوح رهبری راه می‌یافتند که عضو و یا همسر عضوی از آن سازمان بودند. زنان با نظرات سیاسی دیگر حتا اگر به تشکیلات راه می‌یافتند، تنها می‌توانستند پیشبرنده سیاست رسمی آن باشند... در دهه پنجاه تشکیلات زنان به پیروی از حزب توده ایران، می‌خواست "مبارزه ضد امپریالیسم آمریکا" را زیر پرچم آیت‌اله خمینی پیش ببرد، این گونه بود که "زن‌ستیزی بنیادگرایان اسلامی" را نادیده می‌گرفت. ... تشکیلات زنان در یک تناقض بنیادی دست و پا می‌زد. ... اساسنامه از جانبی از نابرابری حقوق زنان حرف می‌زد و از جانب دیگر در حمایت از "روحانیت مبارز" تنها می‌توانست از آنان بخواهد که مدارا کنند. در مواردی مانند اختیار پوشش، قضاوت و قوانین خانواده که به روشنی حقوق فردی و اجتماعی ویژه زنان را نادیده انگاشته شده بود، تشکیلات به شکل کلی خواستار رعایت کامل حقوق زن در عرصه‌های اجتماع، خانواده و تولید می‌شد و خواست مشخصی را مطرح نمی‌کرد. از این رو فرمان حجاب اجباری آیت‌اله خمینی نه تنها با مقاومتی در "جهان زنان"، ارگان تشکیلات روبرو نشد بلکه واکنش اعتراضی هزاران زن کارمند و دانشجو به صراحت در برنامه تشکیلات مورد نقد قرار می‌گرفت. هر چند "حجاب اجباری" مورد اعتراض برخی از زنان، به ویژه زنان کارمند در تشکیلات زنان هم بود، ولی اعتراض آنها در سیاست بیرونی تشکیلات انعکاس پیدا نمی‌کرد. با این ترتیب تشکیلات زنان در دورانی که زنان افشار متوسط و مرفه با آگاهی به حقوق اولیه‌شان تلاش می‌کردند که با گردهمایی، افکار عمومی را به پشتیبانی جلب کنند و از پایداری حق فردی و اجتماعی‌شان جلوگیری کنند، می‌کوشید که آنان را به دختران حرف‌شنوی آیت‌اله خمینی تبدیل کند و به سکوت وا دارد. در عمل حقوق نسبی زنان که گام به گام توسط جمهوری اسلامی باز گرفته می‌شد، قربانی دیدگاه کمک به استقرار "حکومت ضد امپریالیستی" می‌شد.

تشکیلات زنان، با تجربه مبارزه در شرایط اختناق تلاش می‌کرد با انتخاب زبان صلح‌آمیز تا حد ممکن در فعالیت علنی باقی بماند. در همین چارچوب مدارا اگر حتا از شخصیت‌های کمونیست زن، مانند رزا لوکزامبورگ و یا کلارا زتکین، که خوشایند مذهب نبود، مقاله داشت، ولی دیدگاه سیاسی مانع از آن بود که حتا در یک چارچوب صلح‌آمیز

مساله حجاب اجباری را مطرح کند... مقاومت در برابر حجاب اجباری در حرکت‌های اجتماعی آنها هم نبود. در این دوره پر تناقض "مریم فیروز" مسئولیت تشکیلات دموکراتیک زنان ایران را به عهده داشت. وی از یک سو، به زنان توصیه می‌کرد: "نگذارند آزادی فردی‌شان مورد تجاوز قرار گیرد" ... از سوی دیگر، عمیقا به خط سیاسی حزب توده ایران و اردوگاه سوسیالیستی سابق باور داشت و زنان را به پشتیبانی از آیت‌الله خمینی، فرا می‌خواند و از زنان معترض به حجاب اجباری در درون تشکیلات می‌خواست، که "یک وجب چارقد بلندتر شده را جدی نگیرند".

۳-۱۰-۴- مصاحبه‌های شفاهی و کتبی^۱

برای آشنایی بیشتر با نظرات زنانی که در آن سال‌ها فعالیت سیاسی داشتند، پرسشنامه‌ای تهیه شد که تعدادی از این زنان به آن پاسخ شفاهی یا کتبی دادند. بیشتر زنان مصاحبه‌شونده در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰ بین ۱۸ تا ۲۶ سال داشتند و به سازمان‌های سیاسی گوناگونی گرایش داشتند: سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اقلیت، اکثریت)، سازمان مجاهدین خلق ایران، حزب توده، سازمان رهایی زن، راه کارگر، جنبش مسلمانان مبارز، سازمان اتحادیه کمونیست‌های ایران. بیشتر این زنان تحصیلات دانشگاهی دارند و بسیاری از آنان هم اکنون نیز فعال در حوزه‌ی زنان هستند. هر چند نمی‌توان این پاسخ‌ها را تعمیم داد، اما حاوی نکات جالبی هستند. برخی از پاسخ‌ها بی‌کم و کاست در زیر نقل شده است. پاسخ بیشتر آنان به سوال اول منفی بود. از آنان پرسیده شد:

آیا سازمان‌ها یا تشکل‌های مستقل زنانی را می‌شناسید که در آن سال‌ها (دهه ۵۰ و ۶۰) فعالیت می‌کرده‌است؟

✓ تا سال ۱۳۵۷ هیچ سازمان و تشکل سیاسی مستقل زنان را نمی‌شناختم که مستقل از احزاب سیاسی موجود در خصوص مسایل زنان و یا مسایل سیاسی مستقلا اعلام حضور و موجودیت کرده باشد. اما نهادهای خیریه‌ای زنانه می‌شناختم که کاملا مستقل بودند

۱ - نظرات برخی از فعالان زن در رابطه با فعالیت سازمان‌های زنان در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰

و در جریان انقلاب در خدمت اهداف انقلابی و انقلابیون مذهبی و کمک‌رسانی به مردم در محلات عمل می‌کردند. در دهه ۵۰ شمسی و تا قبل از انقلاب با "سازمان زنان ایران" که نهادی ظاهراً مستقل اما وابسته به دولت و دربار بود، از طریق نشریات آشنا بودم. اما به دلیل داشتن تفکرات انقلابی، آنها را نقد و در واقع نفی می‌کردم. پیش از انقلاب با برخی زنان عضو جبهه ملی ایران و زنان عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و زنان عضو چریک‌های فدایی خلق و زنان هوادار حزب توده و بعضاً زنان عضو جامعه روحانیت مبارز خارج کشور و زنان عضو اتحادیه اسلامی دانشجویان اروپا و امریکا آشنا بودم. سال‌های بعد از انقلاب و دهه ۶۰ شمسی نهاد مستقل زنانی که از نزدیک می‌شناختم "جامعه زنان انقلاب اسلامی" بود که به صورت حزب با دبیرکلی اعظم طالقانی کار می‌کرد. در همین دهه از طریق مجله جهان زنان با فعالیتهای تشکیلات دموکراتیک زنان ایران که وابسته به حزب توده ایران بود آشنا شدم. با زنان عضو جمعیت زنان جمهوری اسلامی به دبیر کلی زهرا مصطفوی دختر آیت اله خمینی هم آشنایی داشتم. تقریباً تا اواخر سال ۱۳۶۰ تمامی سازمان‌های سیاسی موجود - چپ‌ها عموماً، ملی‌گراها و مذهبی‌ها حدوداً - یک سازمان زنان داشت که در رابطه با سازمان اصلی (سازمان مادر) و در راستای اهداف استراتژیک و تاکتیکی آن سازمان فعالیت می‌کرد. نام چند تایی از آنها یادم است: زنان مبارز (که وابسته به یکی از سازمان‌های سه جهانی بود)، رهایی زن وابسته به سازمان وحدت کمونیستی، اتحادیه ملی زنان (سازمان چریک‌های فدایی خلق)، زنان انقلابی (تصور می‌کنم وابسته به سازمان انقلابی بود)، اتحادیه زنان و...

✓ به گمان من سازمان‌های مستقل زنان بسیار اندک بودند و فعالیتهای زنان بیشتر حول محور مطالبات انقلابی صورت‌بندی می‌شد. بنده اطلاع دقیق از اعضای سازمان‌های زنان در دهه ۶۰ ندارم. ولی از آنجا که تعداد این تشکل‌ها اندک بود، طبعاً نمی‌توانست عضو فعال و یا هوادار قابل توجهی داشته باشد. به نظر می‌رسد در این دهه بیشترین فراوانی

زنان عضو فعال یا هوادار مربوط به سازمان‌ها و تشکل‌های شناخته شده سیاسی غیر زنانه باشد.

✓ خیر تشکل مستقلی وجود نداشت و زنان مثل مردان درون سازمان‌ها و گروه‌ها کار می‌کردند.

✓ تشکل "زنان مبارز" که یک تشکیلات دمکراتیک وابسته به اتحادیه کمونیست‌ها بود و "زنان پیشرو" و "کمیته ایجاد جمعیت بیداری زنان" که اسفند ۱۳۵۷ اعلام موجودیت کردند.

✓ سال ۱۳۵۷ سازمان یا تشکل زنانی را نمی‌شناختم اما بعدها فهمیدم سازمان و تشکل‌های زنانی بودند که فعالیت می‌کردند، این سازمان و تشکل‌های زنان در بحبوحه‌ی وقایع ۱۳۵۷ تشکیل شدند و از آنجایی که مسایل زنان جدی و مستقل دیده نمی‌شد، فکر کنم در آن پروسه هوادار و عضو زیادی نداشتند.

✓ خود من هیچ سازمان مستقل زنانی را به خاطر نمی‌آورم. جبهه دموکراتیک زنان را ما بورژوازی ارزیابی می‌کردیم. آنها در حوزه مسایل سیاسی وارد نمی‌شدند و فقط مسایل زنان را پیگیری می‌کردند و ما آنها را نمی‌پذیرفتیم. فکر می‌کردیم این عرصه‌ای است که در اختیار سرمایه‌داری است. در بخش معلمان، زنان بیشتر فعال بودند.

فعالیت‌های سازمان‌های زنان در این دوره شامل چه چیزهایی بود؟

✓ فعالیت‌های سازمان زنان در آن دوره اصولاً و اساساً حول محور برنامه‌های استراتژیک و تاکتیکی سازمان‌های مادر در حوزه‌ی زنان بود. می‌توان گفت سازمان‌های زنان، دانشجویی، کارگری و به نوعی زیر مجموعه‌ی سازمان‌های مادر و محل و وسیله‌ای برای عضوگیری در این اقشار برای سازمان سیاسی مادر بودند. بدیهی است که تلاش‌شان این بود مسائل و مشکلات این اقشار و طبقات را مطرح کرده و مورد بررسی قرار دهند. اما هدف بیش از آنکه طرح مطالبات و یا مسائل این اقشار باشد، جذب نیرو به سازمان مادر و جذب سمپات به برنامه‌های سازمان مادر بود. اینکه چقدر عضو و هوادار داشتند، دقیقاً نمی‌دانم؛ ولی تا جایی که من اطلاع دارم سازمان‌های زنان این جریان‌های سیاسی یکی از بخش‌های پرجمعیت، نسبت به کارگری یا حتی دانشجویی و دانش‌آموزی، بود. در جریان‌های

که خودم کار می‌کردم (رهایی زنان) فعالیت‌های زنان بیشتر در حوزه‌ی کارگری و در رابطه با آن‌ها انجام می‌شد بدون اینکه واقعا عضوی از زنان کارگر در جمع حضور داشته باشد. بحث‌ها عمدتاً حول و حوش استعمار مضاعف و ربط آن با زنان طبقه‌ی کارگر بود. در عمر کوتاه سازمان خودمان یادم نمی‌آید به مسائلی غیر از مسائل زنان کارگر پرداخته باشیم. البته یک بار یک جزوه بزرگی در مورد تبعیض حقوقی علیه زنان در جمهوری اسلامی (بعد از الغای دادگاه خانواده و تصویب قانون اساسی و قوانین مدنی که صراحتاً علیه زنان تبعیض برقرار کرده بود) منتشر کردیم. اما در خود رهایی زن بحث‌ها عمدتاً در مورد مسائل زنان کارگر بود. اما با شرکت در بخش زنان «جبهه‌ی دموکراتیک» اطلاعات و دانش خودمان را در مورد مسائل زنان به طور کلی و مطالبات زنان در اقلات و طبقات دیگر افزایش می‌دادیم و در این حوزه‌ها نیز فعالیت می‌کردیم. به هر حال به نظر من عمر این سازمان‌های زنان بسیار کوتاه‌تر از آن بود که بتوان در موردشان قضاوتی عادلانه کرد. مطمئناً این سازمان‌ها اگر می‌توانستند دوام بیاورند دانش خود را افزایش و تعمیق داده و می‌توانستند مسائل زنان را همه جانبه‌تر نگاه کنند.

✓ فعالیت این قبیل سازمان‌ها برحسب نگرش ایدئولوژیک‌شان حول هواداری از سازمان‌های انقلابی دارای تفکر مشترک دور می‌زد. البته نگرش انقلابی به رغم تفاوت‌های ایدئولوژیک بر انواع تشکل‌ها غالب بود و تشکل‌های زنان نیز این نگرش را بازتولید می‌کردند. هشت مارس سال ۵۷ بعضی از آنها در مورد حجاب موضع‌گیری کردند اما هیچ کدام جدی نبود. اکثراً نمی‌خواستند به آن بپردازند. اکثرشان می‌گفتند که مساله حجاب فرعی است و باید به بعد موکول شود.

✓ خودم تجربه‌ای ندارم اما فکر می‌کنم تشکل‌های زنان بخشی از سازمان‌های سیاسی فعال در آن عرصه بودند و فعالیت‌شان در کارخانه‌ها و کارگاه‌های کارگری بود و مهم‌ترین و تاریخی‌ترین حرکت زنان در روز ۸ مارس ۱۳۵۷ بخشی از فعالیت این تشکل‌ها بود.

✓ سازمان مستقلی موجود نبود و تشکل‌های زنان درون گروه‌ها و... موجود کار می‌کردند. ✓ اطلاعی از وجود سازمان‌های مستقل زنان نداشتم. در ضمن متاسفانه مسایل زنان در راس مبارزات قرار نگرفته بود.

چرا با وجود سازمان‌های مستقل زنان، فعالیت در حوزه‌های دیگری مانند دانشجویی، کارگری و... فعالیت می‌کردید؟

✓ اولاً همانطور که گفته شد این سازمان‌ها مستقل نبودند. صفت مستقل برایشان نامناسب است. من و امثال من در واقع ابتدا با یک سازمان سیاسی همکاری داشتیم و در تقسیم کار درون سازمان، اغلب به انتخاب خود و یا ترغیب دیگر رفقا، کار در بخش زنان و سازمان زنان آن جریان سیاسی را انتخاب کردیم.

✓ من در بخش‌های دیگر سازمان از جمله کارگری و بخش انتشارات هم کار می‌کردم. کار کردن در بخش زنان بیشتر به ترغیب رفقا بود. ابتدا خود تمایلی نداشتم اما بعد از مدتی برایم جالب شد.

✓ در درجه نخست فکر می‌کردم تفکیک جنسیتی در مقوله نگرش انقلابی و امر سیاسی نباید وجود داشته باشد. در عین حال فکر می‌کردم تشکل‌های مستقل زنان تازه‌کارند و ناکارآمدتر از احزاب موجودند که در جریان انقلاب و پس از آن کارآمدی خود را نشان داده‌اند.

✓ با بخش دانش‌آموزی و رسانه "جنبش مسلمانان مبارز" کار می‌کردم. سال‌های نخست تاسیس و انقلاب، جنبش مسلمانان مبارز اعتقاد به تفکیک جنسیتی نداشت و معتقد به برابری زن و مرد و شایسته‌سالاری در کار حزبی و سازمانی بود و اساساً بخش زنان نداشت. اما بعدها به این نتیجه رسید که باید کمیته زنان داشته باشد. ولی من در این کمیته کار نمی‌کردم. چون به تفکیک بخش زن و مرد در فعالیت سیاسی حزبی اعتقادی نداشتم.

✓ حساسیت من نسبت به مسایل زنان بسیار کمتر از مسایل کارگری بود.

سازمان‌هایی که در آن فعالیت می‌کردید در رابطه با کدام یک از مسایل زنان در آن روزها موضع‌گیری می‌کردند و عکس‌العمل نشان می‌دادند؟ فعالیت‌هایشان در کدام بخش‌ها بیشتر بود؟

✓ فعالیت زنان هوادار ایدئولوژی مارکسیستی روی انتقاد از رفتارهای ضدانقلابی و نقد رفتارهای غیردموکراتیک و مداخله در سبک زندگی زنان و نقد گرایش‌های لیبرالی بود که جایگزین گرایش‌های انقلابی می‌شد. فعالیت زنان هوادار ایدئولوژی دینی بیشتر حول محور

دفاع از حقوقی که اسلام به زنان داده است، می‌گردید. حتا زنان احزاب و سازمان‌های مذهبی منتقد که مغضوب جمهوری اسلامی واقع شده بودند نیز از همین زاویه برداشت‌های مذهبی حاکم نسبت به زنان را نقد می‌کردند.

✓ به نظر من فعالیت‌های تمام سازمان‌های زنان در رابطه با زنان فعالیتی مستقل و برخاسته از نیاز خود زنان نبود. بیشتر یک فعالیت دستوری و تجویز شده بود و همانطور که گفتم علت اصلی آن جذب نیرو از اقشار و طبقات مختلف به سازمان‌های زنان بود و نه لزوماً ایجاد یک جنبش مستقل زنان. جنبشی که بر مبنا و به علت نیازها و دانش و آگاهی خود زنان شکل گرفته باشد. به همین دلیل هم زمان زیادی نیاز بود که این سازمان‌های زنان بتواند واقعا خود را به عنوان تشکلی مبتنی بر مسائل و مطالبات زنان عمق و گسترش دهند و ما فرصت کافی برای این کار نیافتیم.

نحوه‌ی برخورد با زنان در این سازمان‌های سیاسی چگونه بود؟

✓ در سازمان سیاسی که من فعالیت می‌کردم (وحدت کمونیستی) به علت اینکه مدت‌ها خارج از کشور فعالیت می‌کردند، تفاوتی بین زنان و مردان از نظر رده سیاسی وجود نداشت و در رده‌های بالا نیز زنانی آگاه و مبارز حضور داشتند. برخورد رفقای مرد با زنان نیز نسبت به سازمان‌های سیاسی داخل کشور متفاوت و از موضعی برابرتر بود (این امر به تجربه به من ثابت شده برای اینکه قبل از آن با یک سازمان داخل کشوری همکاری می‌کردم که نمی‌خواهم نامش را ببرم. دانش رفقای مرد سازمان در مورد زنان با دانش رفقای زن برابری می‌کرد. البته این فقط شامل اعضا می‌شد در سطح هواداران، نه زنان و نه مردان آگاهی جامع و همه‌جانبه‌ای نسبت به مسائل زنان نداشتند و مساله‌ی زنان صرفاً در رابطه با زنان کارگر مطرح می‌شد. فعالیت‌ها هم بیشتر در همین حوزه بود. می‌توانم بگویم نشریه‌ی رهایی زنان عمدتاً به مسائل زنان کارگر می‌پرداخت و جای مباحث نظری بسیار خالی بود.

✓ به نظر من در زمانی که حقوق و هویت زنان توسط جمهوری اسلامی مورد «هجمه» قرار گرفت، تمامی سازمان‌های سیاسی به این درک رسیدند که زنان نیز نیرویی مناسب برای مبارزه هستند و تلاش کردند آنان را به برنامه‌های خود جذب کنند و این تلاش

زنان را به امر مبارزه کشاند و این خود به تنهایی دستاورد مهمی بود. گرد آمدن زنان دور هم و تحت عنوان مسائل و مطالبات زنان، به رغم عمر کوتاهش، زنان را به مسائل خود تا حدی آشنا کرد، دانش آنان را در این مورد ارتقا داد و نطفه‌هایی برای مبارزات بعدی زنان به شکل جنبش مستقل زنان فراهم کرد. فراموش نکنیم که این زنان چپ بودند که محافل زنان را در دوران اختناق ایجاد کردند و همین محافل بودند که در روندی زیربنای جنبش مستقل زنان را بنیاد نهادند.

✓ آنچه که زنان در یک دهه مبارزه‌ی سیاسی آموختند، چه در بستر مبارزه، چه در زندان‌ها، چه از رفقای خود آن‌ها را برای مبارزه در عرصه‌ی زنان آبدیده کرد. آن‌ها نسبت به تازه‌کارهای جنبش زنان منضبط‌تر، مسئول‌تر و متعهدتر، قوی‌تر، آرمان‌گراتر و آگاه‌ترند. بنابراین زنانی که از این حوزه به جنبش مستقل زنان پیوسته‌اند سرمایه‌ی بزرگی برای جنبش زنان محسوب می‌شود و به ویژه در شرایط اختناق و سرکوب می‌توانند راهنمایان خوبی برای علنی‌کارهای حرفه‌ای اصلاح‌طلب باشند!

✓ گروه‌هایی که از پیش از انقلاب فعالیت داشتند به ویژه گروه‌های چریکی خواهان سهمی در قدرت بودند و از این زاویه قدرت حاکم را نقد می‌کردند. برخی سازمان‌ها از همان ابتدا راهشان را از انقلابیون حاکم جدا کردند و به جنگ با آنها برخاستند که بدیهی است مواضع آنها نفی انقلابیون حاکم بود. برخی دیگر احزاب منتقد اغلب در رابطه با رفتارهای غیردموکراتیک انقلابیون حاکم مواضع سخت با ادبیات انقلابی می‌گرفتند. بسیاری از ما واقعا باور داشتیم که می‌توان از طریق ادبیات و رفتار انقلابی یک شبه ره صد ساله برویم و به دموکراسی سیاسی اجتماعی دسترسی پیدا کنیم. رفتار بسیاری از سران انقلابی احزاب چپ و راست درون گروه و با یکدیگر رفتار دموکراتیک نبود. اما از منظر غیردموکرات بودن سایر احزاب و حکومت را مورد انتقاد قرار می‌داند. به گمانم این قبیل رفتارهای درون گروهی باعث شد که زنان در تدارک ساختن تشکلهای مستقل زنان برآمدند که البته این تشکلهای با ادبیات و رفتار انقلابی فاصله و مرزبندی آشکار داشت.

- ✓ فعالیت سازمانی که در آن کار می‌کردید در رابطه با مسایل خاص زنان چه بود؟
- ✓ دفاع از حق انتخاب زنان در سبک زندگی و پوشش - دفاع از مداخله زنان در سرنوشت سیاسی اجتماعی خود و جامعه، تاکید بر دیدگاه نواندیشی دینی که نقش موثر زنان در عرصه خانواده و جامعه را باور دارد و با به حاشیه راندن زنان مخالفت می‌کند.
- ✓ آن قدر کم‌رنگ بود که به خاطر نمی‌آید.
- ✓ ما برداشتی اصولی از مکانیزم مناسبات میان دو جنس نداشتیم که ذهن ما را به نابرابری‌های موجود رهنمون شود. ستم بر زنان را مقوله‌ای صرفاً طبقاتی می‌دانستیم و الغای قطعی آن را نیز در گرو محو طبقات و بس! در چنین فضایی بود که به نظر من زنان چپ بدون توجه به ضرورت طرح خواسته‌های مستقل خود در کنار دیگر مطالبات‌شان، عملاً از خود دست شستند و جنسیت خود را و هر آنچه با آن در پیوند قرار می‌گرفت به کناری نهادند و بدین ترتیب با نفی صوری تفاوت‌های موجود که در عرصه‌های مختلف، جایگاه کهنتر زنان را باعث می‌شد، تلاش کردند جایگاه خود را در کنار رفقای مردشان تثبیت کنند. مسایل اقتصادی - برابری حقوقی زن و مرد- و بعد از موضع‌گیری خمینی بر سر حجاب اجباری عکس‌العمل و مخالفت‌هایی از طرف زنان صورت گرفت که متأسفانه از طرف گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی جدی گرفته نشد.
- ✓ اینکه با مردم محل خصوصاً زنان ارتباط توده‌ای برقرار کنیم به منازلمان می‌رفتیم. در مسایل و مشکلاتشان مشارکت می‌کردیم و از آنجایی که معلم بودم کلاس‌های سوادآموزی ایجاد کرده بودیم، اما اینکه برنامه و هدف خاصی را در رابطه با مسایل زنان دنبال می‌کردیم خیر این‌طور نبود.
- ✓ برای من به عنوان زن مهم بود که حضور اجتماعی داشته باشم. من دوست داشتم به عنوان زن مطرح باشم و ببینم که در جامعه چه خبر است.
- ✓ خوب جو انقلابی بود و زنان سمپات یک سازمان می‌شدند. من به طرف گروهی رفتم، چون شوهرم عضو آن بود. به خاطر شرایط آن زمان بود که زنان به سمت سازمان‌های زنان نمی‌رفتند. موقع عضوگیری از زنان در مورد مسایل اجتماعی صحبت می‌کردیم بیشتر تا مسایل زنان.

✓ مسوول سازمانی ما زن بود و بسیار از این مسایل زنان با ما صحبت می‌کرد. اما برخی دیگری هم بودند که نظرشان این بود که حق و حقوق زنان در درجه بعد از مبارزه ضدامپریالیستی قرار دارد.

✓ حق برخورداری از تامین اجتماعی

✓ به یاد ندارم حتا در نشریات به طور خاص به مسایل زنان پرداخته شده باشد، چه برسد به کار عملی.

✓ یکی از مسایل سازمان‌ها در آن موقع مساله حجاب بود. در رشت، ما زنان حزب توده بی‌حجاب بودیم. قبل از دستور حزب ما با زنان در محیط‌های کار و محلات در مورد حجاب صحبت می‌کردیم. آنها را به مقاومت در برابر اجبار در پوشش و حجاب فرا می‌خواندیم. وقتی دستور حزب آمد که با حجاب و روسری به سر کار برویم شوکه شدیم. نمی‌دانستم چه کار کنم. چطور توی صورت دوستان و همکارانم که آنها را به مقاومت خوانده بودم نگاه کنم. اما دستور حزب را باید اجرا می‌کردم. فردای آن روز من اصلا سر کار نرفتم. چون نمی‌دانستم چه کار کنم.

✓ حجاب، حتا سازمان مجاهدین با حجاب اجباری مخالف بود. خودشان به حجاب اعتقاد داشتند و اعضایشان حجاب داشتند اما می‌گفتند که حجاب باید انتخابی باشد.

✓ همانطور که قبلا ذکر کردم از آنجا که جنبش اعتقاد به تفکیک جنسیتی نداشت، مسایل زنان را ذیل مسایل نابرابری‌های موجود بین فرادستان و فرودستان مورد توجه قرار می‌داد. از این رو نقاط ضعف و قوت فعالیت جنبش در زمینه دفاع از حقوق محرومان جامعه و پیشبرد مقوله برابری حقوق شهروندی را فارغ از تفکیک جنسیتی می‌توان مورد بررسی و نقد قرار داد.

✓ من چیز برجسته‌ای از حرکت‌شان در رابطه با زنان به خاطر ندارم. نقطه ضعف آنها این بود که اصلا بخش زنان نداشتند.

✓ به نظر من همه سازمان‌ها و گروه‌ها در مورد مسایل زنان ضعف داشتند.

✓ در حزب توده بحث‌ها بیشتر تئوریک بود، به نظرم خیلی به مساله زنان استراتژیک نگاه نمی‌شد. تشکیلات زنان تشکیل شده بود برای این که با زنان همراه باشیم و آنها را همراه گروه خود کنیم. هر گروه می‌خواست اعضای گروه خودش را زیاد کند و هدف اصلی این

بود که هر گروه برای خودش لشگری جمع کند. زنان فعال در سازمان به‌اندازه‌ی مردان به خصوص در زمینه تئوریک توانمند نبودند، به این دلیل بود شاید که زنان رده‌های بالا کم بودند. سازمان‌ها ساختار هرمی داشتند. اگر دستوری می‌آمد اطاعت بود و اگر مخالفتی بود در پشت انتقاد می‌شد. جزوه اطاعت کورکورانه را می‌خواندیم اما به آن عمل نمی‌شد.

✓ قبل از سال ۶۰ یکی از بچه‌ها جزوه‌ای نوشته بود در مورد مسایل زنان. حساسیت آن بچه‌ها مقابله با نظام سیاسی بود. کسب قدرت سیاسی تا مسایل اجتماعی. برخورد با مسایل کارگری هم از موضع سیاسی بود. ما باید سربازگیری می‌کردیم تا بتوانیم قدرت را بگیریم. طبقه‌ی کارگر نیروی عظیمی بود که از آن می‌شد سرباز درست کرد. این که آن کارگر زن است یا مرد فرقی نمی‌کرد. البته باید با نگاه جدیدی به مساله نگاه کنیم. خود من هم به مسایل زنان این طوری که الان هست، نگاه نمی‌کردم. خیلی‌ها می‌گفتند که این تفکر ناشی از تفکر مردسالارانه بوده است. اما من نمی‌توانم چنین چیزی بگویم.

زنان در سازمان سیاسی که شما عضو بودید در چه رده‌های سازمانی فعالیت می‌کردند؟

✓ در شورای مرکزی جنبش مسلمانان مبارز هیچ زنی حضور نداشت. اما در کمیته‌های مختلف زنان و مردان برحسب توانایی و پیگیری‌شان نسبت به اهداف جنبش مشارکت داشتند. اما واقعیت این است که تعداد زنان فعال در جنبش همواره بسیار کمتر از تعداد مردان کنشگر سیاسی در جنبش بود.

✓ عضو و زیر عضو، هوادار. اما از مرکزیت خبری نداشتیم و تا کنون هم نشنیده‌ام که فلان زن در این تشکل (راه کارگر) در مرکزیت بوده است.

✓ در حیطه کارهای محلی و تشکیلاتی زنان همپای مردان سازمان فعال بودند اما به طور مشخص این مردان بودند که جایگاه و رده‌های بالا را داشتند مثل بقیه سازمان‌ها.

✓ در سازمان ما (وحدت کمونیستی) زنان در همه‌ی بخش‌ها حضور داشتند.

مردان عضو سازمان چه موضعی راجع به مسایل زنان داشتند؟ چگونه با زنان هم سازمانی‌شان برخورد می‌کردند؟

✓ آن‌قدر مساله زنان کم‌بها داده می‌شد که به شکل جداگانه و مستقل از آن حرفی زده نمی‌شد. در باره برخورد با خود من در حالت عادی محترمانه بود اما موقع کار عملی بی‌اعتنایی می‌کردند و سعی داشتند به تنهایی، کار مشترک را انجام دهند.

✓ در آستانه پیروزی انقلاب و دوران کوتاه آزادی جنبش مسلمانان مبارز رشد نسبتاً سریعی کرد. روابط رسمی و محترمانه بین زنان و مردان هم رده بر قرار بود. البته روابط غیر رسمی و عاطفی به دلیل داشتن مرام و فکر مشترک بین هواداران و بعضاً اعضای کمیته‌ها پیش می‌آمد که اغلب منجر به ازدواج‌های موفقی هم شد.

به نظر شما جنبش زنان در آن سال‌ها چه دست‌آوردهایی داشت؟ به نظر شما چگونه می‌توان از آن تجربیات برای ارتقای جنبش مستقل زنان استفاده کرد؟

✓ در سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ مقوله جنبش زنان تعریف روشن و شناخته شده امروز را نداشت. به نظر من تجربیات و دستاوردهای زنان انقلابی و هوادار از کار در احزاب و سازمان‌های سیاسی اعم از مذهبی و غیرمذهبی؛ مستقل و غیرمستقل نقش موثری در شکل‌گیری و معنا بخشیدن به چیزی داشت که امروز به نام جنبش زنان ایران شناخته شده می‌شود و خودش را در اذهان جامعه تثبیت کرده است.

✓ هیچ نبود یک جنبش مستقل زنان در آن دوره، خود درس بزرگی برای امروز است و باید جای خالی آن را پر کرد.

✓ جنبش زنان در آن سال‌ها تجربیات تلخی داشت، سازمان‌ها و گروه‌ها در مقابل بنیادگرایی اسلامی و خصوصاً اتخاذ یک خط صحیح در مورد مساله زن مشکل خطی داشتند و رشد یک نیروی بورژوازی جدید (بنیادگرایی اسلامی در ایران) را جدی نگرفتند. هیچ کدام از نشریات سازمان‌ها و گروه‌ها حتا به مسایل زنان نپرداختند. زنان با حضوری وسیع در ۸ مارس و تظاهرات ۶ روزه به خیابان آمدند، شعار ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم را سر دادند اما واقعا به عقب رانده شدند و جدی گرفته نشدند.

✓ جنبش مستقل زنان برای مبارزه همه جانبه علیه مردسالاری و بنیادگرایی و ستم جنسیتی و دستیابی به مطالبات خود باید قطب‌نما داشته باشد، قطب‌نمایی در جهت رهایی زنان. رهایی زنان به عنوان یکی از دو جنس بشر زمانی تحقق پیدا می‌کند که فاکتور جنسیت در تعیین حقوق، قوانین، معیارهای اخلاقی و هویتی، برتری‌های اجتماعی و خلاصه در تمامی شئون زندگی بی‌معنا باشد.

✓ جنبش زنان وظیفه دارد به روشنی تعریف شود، نسبت به مسایل زنان فعالیت آگاه‌گرانه جدی داشته باشد، نیاز به سازمان‌یابی و تشکل جدی دارد. حول شعار رهایی زنان هر نوع ستم (به دور از هر گونه فرقه‌گرایی و دنباله‌روی از جنبش خود به خودی و قبول اختلافات موجود. جنبش زنان یک جنبش سیاسی ست چرا که با قدرتهای سیاسی ارتجاعی که دژهای مردسالاری و ستم بر زن هستند روبروست و به همین دلیل باید گام‌هایی در جهت دگرگونی کل نظام موجود بردارد رهایی زنان با ایجاد اصلاحاتی روئینایی، یک توهم است.

✓ با تشکیل بخش زنان در سازمان و کار روی مسایل زنان این درک داشت پیدا می‌شد که زنان مسایل خاص خودشان را دارند. اما هنوز این درک کلی نبود. در سال‌های پس از انقلاب مساله زنان آغاز شده بود. خانم‌ها جدا از این که مبارزه سیاسی می‌کنند اما مسایل خاص خودشان را هم دارند. اما آنقدر این تفکر رشد پیدا نکرده بود که تبدیل به یک درک شود. ما می‌دانستیم که زنان جمعیت ویژه‌ای هستند باید جدا سازمان داده شوند در همین حد. چرایش را می‌توان این گونه پاسخ داد چون زمان کوتاه بود. از سال ۵۹ که سازمان جوانان و زنان و... را بوجود آوردیم.

بخش چهارم
ملاحظات چند

ما با آگاهی امروزمان به گذشته نگاه می‌کنیم و آن را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم، اما بی‌شک با معیارهای امروز، نمی‌توان و نباید تاریخ را **قضاوت** کرد.

در این مجموعه بخش‌هایی از یک دهه مبارزات زنان در ایران را از نظر گذراندیم. در این دوره‌ی تاریخی، مردم ایران نابودی رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی و روی کار آمدن دیکتاتوری جدید را تجربه کردند. نیمه اول این دهه (۵۰ تا ۵۷) و سال پایانی این دهه (سال ۶۰) و پس از آن، سال‌های سرکوب، شکنجه، زندان و اعدام کسانی بود که این دیکتاتوری‌ها را بر نمی‌تافتند و علیه نظم موجود شوریده بودند. در فاصله این دو برهه (از سال ۵۷ تا ۶۰)، مردم ایران زمان کوتاهی، آزادی‌های نسبی اجتماعی و سیاسی را تجربه کردند و از این فضا در جهت مبارزه برای دستیابی به عدالت اجتماعی بهره جستند و بهایی سنگین نیز پرداختند. زنان و مردانی جوان، آگاه و عدالت‌جو، جان‌شان را بر سر آرمان‌هایشان گذاشتند.

در این مجموعه با ورق زدن گوشه‌ای از تاریخ این دوره از مبارزات زنان ایران، دیدیم که از یک سو مبارزات زنان چپ و سیاسی و از سوی دیگر مبارزات غیرسازماندهی شده و خودانگیخته زنان زحمتکش و اقشار متوسط برای زندگی بهتر و حل مشکلاتی نظیر مساله تحمیل حجاب، مسایل روزمره زندگی، مسکن و... در جریان بوده است. برخی دیگر از زنان اقشار متوسط و علاقه‌مند به فعالیت اجتماعی در سازمان‌های رسمی و دولتی فعال بودند و در چارچوب‌های تعیین شده توسط حکومت‌ها بیشتر به فعالیت‌های خیریه می‌پرداختند، به خصوص در سال‌های قبل از بهمن ۱۳۵۷ که طی رفرم‌های انجام شده، زنان امکان حضور پر رنگ‌تری را در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی به دست آورده بودند. جریان اعتراضات خیابانی علیه رژیم شاه، خیل عظیم زنان اقشار مختلف، مذهبی و غیرمذهبی به خیابان‌ها آمدند و به شکل گسترده‌ای وارد عرصه زندگی اجتماعی سیاسی شدند. در سال‌های دهه ۵۰ شمسی، در بسیاری از رویدادهای سیاسی و مبارزاتی، زنان نیز نقشی تاثیرگذار داشتند.

در هر برآمد اجتماعی و انقلابی و پس از آن، به دلیل حضور موثر زنان، جایگاه آنان در جامعه ارتقا می‌یابد و زنان می‌توانند از این گذر به برخی از مطالبات خود، هر چند اندک، دست

یابند. (مانند افزایش میزان اشتغال، دسترسی به سطوح بالای تحصیلات، آزادی انتخاب نوع پوشش، حضور در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی و...) هر چند که پس از هر برآمد اجتماعی و دوران سرکوب و خفقانِ پس از آن، بخشی از این حقوق و دست‌آوردها باز پس گرفته و سعی می‌شود زنان بار دیگر به جایگاه‌های قبلی خود بازگردانده شوند، اما حضور مدام زنان در عرصه‌ی مبارزات اجتماعی و سیاسی، سبب می‌شود که در این مسیر، زنان روز به روز در رسیدن به خواسته‌هایشان موفق‌تر شوند.

"به رغم تفاوت‌هایی که در میان زنان از نظر شرایط اجتماعی و سیاسی وجود داشت، انقلاب قلمروی عمومی‌ای را برای فعالیت زنان گشود... زنان در انقلاب نه در ارتباط با مردان بلکه در ارتباطی نو با سیاست و از طریق هویتی عمومی به عنوان شهروندان زن و دوستداران وطن مطالبه می‌کردند... اوضاع استثنایی انقلاب، زنان را به سوی قلمرو کنش جمعی و عمومی می‌کشاند ... در دورانی که نظم دیرین اجتماعی، آیین‌ها و نمادهای آن مورد حمله قرار می‌گیرد، معانی نوین با لباس‌ها و سنت‌ها و فرضیات اخلاقی و نمایش‌ها و حتا معبودها نشان داده می‌شود."^۱

زنان طبقات مختلف، هویت و نقش‌های خاص اجتماعی خود را دارند و در این سال‌ها نیز زنان ایرانی ابتدا از زوایه این نقش‌ها، از منافع خود دفاع کردند. در این سال‌ها برخی از زنان فقیر، کارگر، کارمند، طبقه متوسط، دانشجوی، معلم علیه نظم موجود شوریدند. اوج این شوریدن را در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ و قبل و بعدش در زندان‌ها شاهد بودیم. برخی از این زنان که از "جنس دوم بودن خسته شده" بودند، خود به میدان آمده، گاه اسلحه دست گرفته و در میدان رزم یا با حضور و فعالیت در سازمان‌های سیاسی انقلابی، رژیم‌های دیکتاتوری را به مبارزه طلبیدند یا با حضور در خیابان‌ها دوشادوش بقیه اقشار جامعه فریاد ضد دیکتاتوری سر دادند. آنان رفته‌رفته با سازوکار حضور در عرصه سیاسی آشنا می‌شدند. در این دوران، شرایط انقلابی موجود در جامعه "فعالیت‌های مرسوم آنان را در خانواده نیز تغییر داد و راه‌های زن بودن را در برابر آنان گشود که پیش از این همواره غیرممکن می‌نمود."^۲

۱- روباتام، شیلا، زنان در تکاپو فمینیسم و کنش اجتماعی، حضور زنان در انقلاب فرانسه

۲- همان منبع

قبل از سرنگونی رژیم شاهنشاهی، در کنار زنان چپ و لائیک مبارز، دو دسته از زنان مذهبی در فعالیتهای اجتماعی و مبارزاتی مشارکت داشتند: زنان چریک عضو سازمان مجاهدین خلق ایران و زنان خانواده‌های مذهبی که مردان‌شان علیه شاه مبارزه می‌کردند. به دلیل اینکه در ماه‌های اول پس از سرنگونی رژیم سلطنت، طیف فکری ملی-مذهبی سهمی از قدرت داشت، زنان عضو این گروه‌ها نیز سیاست‌های حاکم را تبلیغ می‌کردند، هر چند نقدهایی نیز به این سیاست‌ها داشتند و در برابر برخی از آنها موضع‌گیری می‌کردند؛ به عنوان مثال کمیته زنان جبهه ملی موضعی مخالف تحمیل حجاب گرفت یا با ممنوعیت اشتغال زنان قاضی مخالفت جدی کرد. نهضت آزادی تا سال ۱۳۶۰ بخش زنان نداشت.^۱ بخش دیگری از زنان مذهبی در سازمان مجاهدین خلق ایران و در بخش‌های مختلف این سازمان فعال بودند. انجمن یا جمعیت مادران مسلمان یکی از بزرگترین بخش‌های سازمان در محلات بسیار فعال بود. زنان چپ هم در سازمان‌های سیاسی چپ و یا سازمان‌های زنان چپ مشغول به فعالیت بودند.

اما حکومت جدید نه تنها تساوی حقوق اجتماعی، سیاسی و مدنی را برای زنان به رسمیت نشناخت، بلکه نقش آنها را فقط در خانواده و در مقام همسر و مادری مطیع و در خدمت مرد می‌خواست؛ بنابراین از همان ابتدای روی کار آمدن، سعی در به خانه راندن زنان داشت. هر چند لازم بود بخشی از این زنان به عنوان سیاهی لشگرانی در خیابان حاضر باشند، در ارگان‌هایی نظیر بسیج، نقش چماق‌دار و سرکوب‌گر را علیه نیروهای انقلابی ایفا کنند و یا تدارکات پشت جبهه‌ها را برای تداوم جنگ فراهم کنند و پایه‌های نظام جدید را محکم نمایند.

زنان فعال در حوزه سیاسی در این سال‌ها نشان دادند که نه فقط خواستار تغییرند که خود دست به کار ایجاد این تغییر می‌شوند. اینان در جامعه‌ای دست به مبارزه یازیدند که سرشار از انواع و اقسام تبعیض‌ها علیه زنان در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، خانواده و... بود. رفع این تبعیض‌ها را می‌توان از جمله مطالبات زنان سکولار، چپ و تشکل‌هایی دانست که در آن سال‌ها، مسایل و مشکلات زنان را با درجات مختلف دیده و رفع آنها را

۱- اسنادی از فعالیتهای این طیف از زنان یافت نشده است.

در کنار سایر مطالباتشان در دستور کار خود قرار داده بودند؛ مطالباتی که در نبود سازمان‌های مستقل زنان و سرکوب شدید نیروهای چپ و انقلابی دست نیافتنی باقی ماند.

سازمان‌های سیاسی چپ که در این سال‌ها فعالیت داشتند، چه سازمان‌های سیاسی یا چریکی قبل از سرنگونی رژیم شاه و چه سازمان‌های سیاسی که پس از بهمن ۱۳۵۷ تا خرداد ۱۳۶۰ فعالیت داشتند، تبعیض علیه زنان را به مثابه یکی از هزاران تبعیض و بی‌عدالتی می‌دیدند که ناشی از نظام طبقاتی سرمایه‌داری است و پی‌گیری مسایل ویژه جنسیتی به عنوان یکی از اهداف اصلی این سازمان‌ها تعریف نشده بود. نمود ضرورت وجود تشکل‌های مستقل زنان برای سازمان‌های سیاسی چپ در این سال‌ها، در تشکیل سازمان‌های زنان به ظاهر مستقل و در واقع شعبه یا ضمیمه‌ای از آن سازمان سیاسی خود را نشان داد. چه بسا اگر دوره‌ی کوتاه سه ساله ۵۷ تا ۶۰ بیشتر دوام می‌یافت، سازمان‌های مستقل زنان واقعا شکل می‌گرفتند یا بخش‌های زنان این تشکل‌ها تبدیل به تشکل‌های واقعا مستقل زنان می‌شدند. کما این که بسیاری از زنانی که در آن دوره در این سازمان‌ها و در بخش‌های کارگری، محلات، دانشجویی و... فعالیت می‌کردند و اعتقادی به جنبش مستقل زنان نداشتند، اکنون در این حوزه فعالیت می‌کنند.

مواضع و عملکرد سازمان‌های چپ و سیاسی در مورد مسایل زنان در این سال‌ها، ضعف‌های خاص خود را داشت^۱ که نقد جدی می‌طلبد، کما اینکه نقدهایی جدی، دقیق و گاه بی‌رحمانه همان زمان کم و بیش طرح می‌شد. جنبش چپ سیاسی اگر این نقاط ضعف را داشت، توان دیدن و نقد آن را نیز داشت. هر چند آغاز سرکوب‌ها که نتیجه آن، زمان کوتاه فضای نسبتا باز سیاسی بود، فرصت به بار نشستن این نقدها را از بین برد. پس از آن نیز، افراد مختلف با دیدگاه‌های خاص، متنوع و با اهداف متفاوت به نقد این عملکرد پرداخته‌اند. تنوع نقدها و همجه‌ای که علیه چپ وجود دارد، ضروری می‌نماید که از زاویه دیگری نیز به آنها پرداخته شود.

این نقدها عموماً بر چند محور مشخص استوارند:

۱ - مواضع سازمان‌های سیاسی در مورد مسایلی مانند محیط زیست، لغو کار کودک و ... نیز شامل همین استدلال می‌شود. تنها در زمینه تبعیض‌های قومی و ملی، این سازمان‌ها به دلیل شرایط خاص آن روزها مواضع کمی دقیق‌تر و روشن‌تر داشتند و در آن زمینه بیشتر کار می‌کردند.

➤ "جنبش چپ در ایران کورجنس بوده و نسبت به مطالبات زنان شکست خورده است."

این دیدگاه، "جنبش چپ مردسالار ایران" را دلیل پا نگرفتن جنبش فمینیستی در آن سال‌ها می‌داند. آیا به واقع این گونه بوده است؟

با توجه به اسنادی که در فصل‌های قبل مورد بررسی قرار گرفت و در نگاه کلی به مساله، روشن می‌شود که در این سال‌ها چپ و سازمان‌های سیاسی چپ به مساله زنان "بی‌توجه" نبوده‌اند.^۱ جنبش چپ در مورد مسایل زنان نه کورجنس بود و نه "ضدزن"، فقط مسایل زنان را طبقاتی بررسی می‌کرد، (و انگار جرم همین است!) هر چند اشتباهاتی جدی در سیاست‌ها و مواضع آنها در تحلیل مسایل ویژه زنان وجود داشت که همان زمان نیز در درون جنبش چپ مورد نقد قرار می‌گرفت. با توجه به اسناد می‌توان برداشت کرد که مواضع جنبش چپ در قبال مسایل زنان در حال "شدن" و "گردیدن" بوده و هست. مقایسه مواضع سازمان‌ها در سال ۵۸ با سال‌های بعد بیانگر این پویایی است.

تقریباً در تمام تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته، ضمن نقد فضای مردانه‌ی سازمان‌های چپ، به این نکته اشاره شده است که در آن سال‌ها، پیوستن زنان آگاه جامعه ایران به مبارزه، جایگاه زنان و نوع نگاه به زن در امر مبارزه‌ی سیاسی را ابتدا در خانواده‌های آنان و سپس در جامعه تغییر داد. این تغییر در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ به اوج خود رسید. مشارکت زنان در مبارزات سیاسی فضایی را فراهم کرد که تمام کلیشه‌های سنتی زن ایرانی را در هم شکست و به این ترتیب پایه‌های تغییر بنیادی در جایگاه زن در ایران را فراهم آورد.

در یکی از مقالات و از قول یکی از فعالان جنبش چپ چنین آمده است:

۱ - همانند سال‌های قبل از آن که جنبش چپ پیش‌تاز توجه به مسایل زنان از جمله مساله حق رای و... بوده است. در دهه بیست شمسی، تشکیلات دموکراتیک زنان، سردمدار مبارزه برای کسب حق رای زنان بود و پیش از آن نیز در جمهوری جنگل و جمهوری آذربایجان، حق رای برای زنان به رسمیت شناخته شده بود.

"سمت و سوی ایدئولوژیک اپوزیسیون نه موجب تشکیل سازمان‌های مستقل زنان گردید و نه برای تکامل منطقی ایدئولوژی فمینیستی سودمند افتاد."^۱

سوال اینجاست مگر قرار بوده که چنین اتفاقی بیافتد؟ این سازمان‌ها نه ادعایی در این زمینه داشتند و نه اعتقادی به گسترش فمینیسم داشتند. آنان بر مبنای ایدئولوژی و اعتقادات خودشان، به مسایل زنان می‌پرداختند و میزان حساسیت و آگاهی جنسیتی آنها را از میان اسناد و تحلیل‌هایشان می‌توان دریافت.

در ایران نیز مانند بسیاری از کشورهای دیکتاتوری جهان سوم، مردم در پی مبارزه‌ای سخت، در دوره‌های کوتاهی، آزادی‌های دموکراتیک را تجربه می‌کنند و سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی از جمله تشکل‌های زنان شکل می‌گیرند. اما حاکمیت سرکوبگر، پس از قلع و قمع آنها، مبادرت به برپایی سازمان‌ها و تشکل‌های خودفرموده و حداکثر سازمان‌های خیریه می‌کند و تا برآمد بعدی اجتماعی و به تبع آن دوره‌ی آزادی‌های نسبی پس از آن، فقط این سازمان‌ها و تشکل‌های دولتی و شبه‌دولتی هستند که به زعم خودشان، مطالبات جنسیتی زنان را پی می‌گیرند اما در واقع با دست زدن به یک سری فرم‌ها، تصویب قوانین و طرح مطالبات زنان در چارچوب‌های دولتی، سعی در ممانعت از اعتلای دوباره جنبش انقلابی زنان می‌کنند. در دوره رضاشاه به تدریج همه‌ی تشکل‌ها و انجمن‌های مستقل از جمله تشکل‌های زنان سرکوب شد. وی حتا تشکل‌های مستقلی که تا حدودی حامی سیاست‌های رضاشاه در باره‌ی زنان بودند، مانند جمعیت نسوان وطن‌خواه را هم تحمل نکرد.^۲ پس از کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب تمام تشکل‌های مستقل از جمله تشکیلات دموکراتیک زنان، در دهه ۴۰ طی به اصطلاح انقلاب سفید حق رای به زنان داده شد و سازمان ملی زنان به ریاست اشرف پهلوی

۱- حامد شهیدیان، زن و مبارزه مخفی

۲- این تشکل، آخرین تشکل مستقلی بود که در سال ۱۳۱۱ منحل شد. درست در همان سالی که این تشکل میزبان دومین کنگره‌ی نسوان شرق در تهران بود و ریاست افتخاری این کنگره را به شمس پهلوی واگذار کرده بود. چند سال پس از سرکوب کامل تشکل‌های مستقل زنان، رضا شاه دستور تاسیس "کانون بانوان" را داد و صدیقه دولت‌آبادی ریاست این کانون را پذیرفت. کانون بانوان که به فرمان رضا شاه تشکیل شده بود و از بودجه‌ی دولتی برخوردار بود اهداف فمینیستی را کنار گذاشته و به فعالیت‌های خیرخواهانه محدود شده بود. ("زهره اسد پور)

سردمدار حقوق زنان شد.^۱ در سال‌های پس از بهمن ۱۳۵۷ و دهه شصت نیز پس از سرکوب‌های شدید، تشکل‌های دولتی و شبه دولتی و "ان جی او"های غیرمستقل زنان تشکیل شدند که زنان فعال در این بخش، عموماً با عنوان فمینیسم اسلامی یا مسلمان دسته‌بندی می‌شوند. در این برهه‌های زمانی و هنگامی که زنان مبارز و انقلابی یا در زندان‌ها هستند یا به تبعید رفته یا در گورستان‌ها آرمیده‌اند، این تشکل‌های دولتی و شبه‌دولتی، جای خالی تشکل‌های مردمی و واقعی زنان را گرفته و رفرم‌های دولتی و از بالا به عنوان دستاورد این "جنبش زنان" مطرح می‌شود و این حکم اثبات می‌شود: "زنان چپ یا جنبش چپ در رابطه با مطالبات زنان شکست خورده است!" و در این هیاهوی ایجاد شده، کسی از این دست منتقدان نمی‌پرسد که اگر فعالان این "جنبش زنان"ی که به نظر آنان چپ نسبت به آن جفا کرده، در آن زمان بودند و فعالیت می‌کردند، چه اقداماتی انجام می‌دادند که جنبش چپ نکرده است؟

➤ به دلیل عملکرد و بی‌توجهی سازمان‌های چپ، سازمان‌های فمینیستی زنان نتوانستند در این دوره‌ی تاریخی تشکیل شوند یا رشد و گسترش یابند.

این یک واقعیت تاریخی است که سازمان‌های فمینیستی زنان نتوانستند در این دوره‌ی تاریخی تشکیل شوند یا رشد و گسترش یابند. آیا نباید دلایل این امر را در درون خود "جنبش فمینیستی" نیز جست‌وجو کرد و به این سوالات پاسخ داد:

در آن زمان آیا فعالان فمینیست در جامعه حضور فعال و پیوند لازم را با زنان جامعه برای پیگیری مسایل عینی آنان داشتند؟ آیا میزان آگاهی این فعالان جنبش زنان در حدی بود که بتوانند جنبش مستقل زنان را در آن سال‌ها شکل دهند؟ آیا فرصت کافی داشتند تا قبل از شروع سرکوب‌ها، به پختگی لازم در عمل و نظر برسند؟ و از همه مهم‌تر آیا واقعیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه در آن برهه، اجازه رشد این نوع نظریات را می‌داد؟

^۱ و چندان هم عجیب نیست که شاهد بودیم تلاش‌هایی پس از مرگ اشرف پهلوی رخ داد تا این سازمان و فعالیت‌هایش را با عنوان "فمینیسم دولتی" به عنوان بخشی از جنبش زنان محسوب کنند.

پیش از آنکه در زمینه ریشه‌یابی عدم شکل‌گیری جنبش فمینیستی زنان در آن سال‌ها با نگاه بیرونی، آن را فقط به گردن سازمان‌های چپ و اپوزیسیون انداخت، باید ضعف‌های درونی جنبش زنان و فمینیسم را نیز در این زمینه بازبینی کرد.

سال‌های دهه ۵۰ و ۶۰ شمسی مقارن است با سال‌های آخر دهه ۶۰ تا ۸۰ میلادی. پس از سال‌های ابتدایی دهه ۷۰م، فمینیسم موج دوم دوره تعلیق نسبی خود را می‌گذراند. جنبش توده‌ای زنان در اروپا و امریکا فروکش کرده بود و به تدریج فعالیت آنها از خیابان‌ها به دانشگاه‌ها و نهادهای مختلف دولتی منتقل می‌شد. در چنین شرایطی، شاهد رخداد‌های سال ۱۳۵۷ بودیم. زنان بسیاری به جنبش ضددیکتاتوری پیوستند. در چنان بحبوحه‌ای، آیا این نظریات می‌توانست در ایران و در میان زنان ایرانی مبارز و آگاه طرف‌دارانی پیدا کند و یا گسترش یافته و قوام یابد؟ زنان ایران خواست‌هایی بسیار فراتر از فمینیست‌های موج دوم غرب داشتند. این یکی از دلایلی اصلی است که فمینیسم در آن سال‌ها نتوانست در ایران (آن‌طور که اکنون برخی از فعالان جنبش زنان انتظار دارند) پا بگیرد. هر چند، بخش مترقی و پیشرو جنبش فمینیستی در غرب، در آن دوران حمایت‌های بسیاری از مبارزات زنان ایران کرد. از آن جمله می‌توان به اعزام هیاتی به ایران و برگزاری متینگ و تظاهرات در خارج از ایران، علیه تشدید فشار بر زنان ایران و... اشاره کرد.

➤ "مبارزات زنان ایران در این سال‌ها بیشتر سیاسی بود تا صرفاً فمینیستی".

در تمام دنیا و به خصوص در کشورهای جهان سوم، این عقیده که زنان نباید با سیاست درآمیزند، قدمت بسیار دارد. در واقع قدرت سیاسی از اولین حوزه‌هایی بوده است که اکثریت زنان از آن کنار گذاشته شدند. در طول تاریخ مبارزات زنان در ایران، تلاش برای دستیابی به این حوزه همواره وجود داشته است. در هر برهه تاریخی، زنان با شرکت موثر در شکل‌گیری انقلاب‌ها، مستقل از مردان و با هویت زنانه‌شان وارد عرصه‌ی عمومی فعالیت شده‌اند. در این راستا است که "شکل‌های قدیمی قدرت شخصی و جنسی تضعیف و قلمرو شخصی و عمومی تغییر می‌کند".

در این سال‌ها جنبش‌های انقلابی بسیاری در سراسر جهان سوم در جریان بود و زنان همواره از فعال‌ترین بخش‌های این جنبش‌ها بوده‌اند. با توجه به تفاوت‌های ساختاری که در حوزه‌های سیاسی اجتماعی، اقتصادی بین این کشورها با کشورهای اروپایی و امریکا وجود دارد، طبیعی است که زنان در این کشورها در مسیرهایی جدا از زنان در غرب مطالبات‌شان را پی بگیرند. زنان ایران هم از این امر مستثنا نبودند. این بخش از مبارزات زنان جهان سوم، از دید برخی از آن فعالان فمینیست در اروپا و امریکا که در رابطه با جنبش زنان، تحقیقات آکادمیک و نظریه‌پردازی می‌کردند، نادیده انگاشته شده و یا حداکثر تحت عنوان "جنبش‌های بدون عنوان" به آن اشاره کرده شده است.^۱

در واقع، حضور زنان در انقلاب‌ها، به چالش کشیدن باور دیرین "عدم توانایی زنان در حوزه‌ی سیاست" است. برای زنان چپ ایرانی در آن دوران نیز، این حضور در عرصه‌ی سیاسی چنان مهم بود که حاضر نبودند قدمی عقب بنشینند و در برابر هر گرایش فکری که تصور می‌کردند به نوعی این دستاورد را خدشه‌دار می‌کند، می‌ایستادند؛ حتا اگر این گرایش فکری، دیدگاه‌های فمینیستی بوده باشد. به عنوان مثال جمعیت بیداری زنان در مورد وحدت با سایر گروه‌ها در سال ۵۸ چنین نوشت:

"آن دسته جریان‌ات و دسته‌هایی که زنان را به متشکل شدن گرد خواسته‌هایی محدود اقتصادی صنفی و پرداختن به امور زنان می‌خوانند، آگاهانه و ناآگاهانه به جنبش انقلابی مردم و جنبش انقلابی زنان زحمتکش ایران ضربه می‌زنند و در واقع به طور غیرمستقیم این فکر ارتجاعی را تبلیغ می‌کنند که ما زنان لایق فهم همان مسایل محدود خود هستیم و نباید در امر و انقلاب و سازندگی فردا دخالت و شرکت کنیم..."^۲

و نکته‌ای دیگر، مبارزه و تلاش برای رفع ستم‌های مضاعفی که بر زنان می‌شود جز با به چالش کشیدن ساختارهای سرمایه‌سالار و مردسالار ممکن نیست و هر گام در این مسیر بی‌شک مبارزه‌ای سیاسی خواهد بود، امری که بخش‌هایی از جنبش زنان، آن را نادیده می‌انگارند.

۱- روباتام، شیلا، زنان در تکاپو فمینیسم و کنش اجتماعی

۲- آیندگان، ۷ و ۸ اردیبهشت، مقاله‌ی آشنایی با تشکل‌های زنان

➤ "ما زنان فعال چپ در این سال‌ها، کورجنس بودیم، آگاهی نداشتیم و..." عباراتى شبیه به این نیز در نقد فعالیت‌های سال‌های دهه پنجاه در مصاحبه‌های شفاهی گفته شده است. در ابتدا، باید به این سوال پاسخ داد که چرا زنان فعال چپ در آن سال‌ها بیشتر در حوزه سیاسى و در سازمان‌های سیاسى فعالیت می‌کردند تا در حوزه‌هایی با خواست‌های صرفاً زنانه و در سازمان‌های فمینیستی؟^۱

این نوع نگاه، تحلیل درستی از آن دوره به دست نمی‌دهد؛ تنها شاید نشان از عدم خودباوری زنانه‌ی ناشی از سال‌ها ستم مردسالارانه باشد. به جرات می‌توان گفت که زنان فعال چپ در آن دوره آگاهی بالایی داشتند؛ اما آگاهی آنان برآمده از زندگی روزمره‌شان و شریط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره از تاریخ ایران بود و جز این امکان نداشت. همان گونه که امروز اگر بحث جنبش مستقل زنان رشد کرده و بسیاری را به خود جذب کرده، نیز برآمده از شرایط واقعی زنان در زمان حاضر است. وقتی پای صحبت زنانی با این دیدگاه می‌نشینید، می‌بینید که در تظاهرات علیه حجاب اجباری، در تظاهرات علیه تصویب قانون حمایت از خانواده جدید و... شرکت داشته‌اند، حتا اگر سازمان سیاسى متبوع‌شان موضع رسمی در این مورد نگرفته بود که این خود نشان از آگاهی جنسیتی آنان دارد.

نوع آگاهی‌ای که در مورد مسایل زنان که در آن سال‌ها وجود داشت، با آگاهی که امروز وجود دارد، متفاوت است. نمی‌توان این انتقاد را به فعالان آن دوره (چه زن و چه مرد) وارد دانست که چرا آگاهی‌شان در آن سطح و آن گونه بوده است. برای روشن‌تر شدن مساله، باید دید که "آگاهی" چیست و چگونه بوجود می‌آید؟ آگاهی ایده و نظر است، بازتابی فراوری شده از جهان پیرامون در ذهن انسان.

"انسان‌ها تولیدکنندگان پنداشت‌ها و ایده‌های خودشان هستند ... آگاهی هرگز نمی‌تواند چیزی جز هستی آگاه باشد و هستی انسان‌ها فرایند زیست واقعی آنان است. ... انسان‌ها به موازات تکامل تولید مادی‌شان و مراوده‌ی مادی‌شان، جهان واقعی‌شان و نیز تفکرشان و فراوده‌های تفکرشان را تغییر می‌دهند. این آگاهی نیست که زندگی را تعیین می‌کند،

۱- در سطور بالا دلیل این مساله اشاره شده است.

بلکه زندگی است که آگاهی را معین می‌کند. در شیوه نگرش نخست، آغازگاه، آگاهی است که به مثابه فرد زنده در نظر گرفته می‌شود؛ در شیوه‌ی نگرش دوم، که با زندگی واقعی مطابقت دارد، خود افراد زنده، واقعی هستند و آگاهی منحصرًا به مثابه آگاهی آنان تلقی می‌شود.^۱

اگر آگاهی را به صورت مفهومی انتزاعی جدا از تاریخ واقعی، در نظر بگیریم فاقد ارزش خواهد بود. "آگاهی از همان ابتدا فرآورده‌ای اجتماعی است و تا زمانی که انسان‌ها وجود دارند چنین باقی خواهد ماند." این فرایندی بسیار پیچیده است که هرگز از طریق عوامل بیرونی به طور کامل تعیین نمی‌شود.^۲

خودآگاهی زنان ایران در آن سال‌ها، برخاسته از زندگی‌شان بود. طغیان آنان بر ضد زندگی‌ای بود که در آن زاده شده بودند و در آن، هم به عنوان یک زن و هم به خاطر موقعیت اجتماعی‌شان، مورد تبعیض و انواع ستم قرار می‌گرفتند؛ زنانی که باور داشتند که مورد ستم واقع شده‌اند نه فقط به این دلیل که زن هستند، بلکه همچنین به دلایل سیاسی و اقتصادی دیگر. این یکی از دلایلی می‌تواند باشد که نشان می‌دهد چرا در سال‌های پس از سرنگونی رژیم شاه جنبشی سازمان یافته صرفاً برای کسب حقوق زنان پا نگرفت.

"رابطه میان موقعیت‌ها و مفاهیم هرگز ساده نیست. آگاهی تاریخی در باره‌ی چگونگی به کارگیری و ادراک مفاهیم پیچیدگی آنها را آشکار می‌کند. دسته‌بندی روندهای تفکر و تمایز شکل‌های حرکت و سازماندهی در جنبش‌های اجتماعی و سیاسی ثمربخش‌اند. اما تنها با نگرستن به نحوه‌ی شکل‌گیری آنها به وسیله مردم در مسیر تاریخ، قادر خواهیم شد که چگونگی حرکت پدیده‌ها را دریابیم. فرایند تجربه و تغییراتی که در معانی و مصادیق مفاهیم روی می‌دهند، فرایندهای پویایی هستند و حال آنکه تعاریف نظری ایستا به نظر می‌آیند. چالش واقعی پیش روی ما حفظ این روش‌های مختلف مشاهده و درک عمل اجتماعی انسان در کنار هم است."^۲

۱- انگلس، مارکس، ایدئولوژی آلمانی، ترجمه پرویز بابایی، ص ۲۹۴

۲- روباتام، شیلا، کنش اجتماعی، ص ۲۰

➤ " جنبش چپ، حساسیت جنسیتی ندارد یا نداشته است."

واقعیت این است که در کشورهایی شبیه ایران به خاطر وجود حکومت‌های دیکتاتور و سرکوب شدید، تبعیضات و ستم‌های نژادی قومی، مذهبی و طبقاتی شدید، در کنار ستم جنسیتی، چنان در هم تنیده شده‌اند که نمی‌توان فقط علیه یکی از این ستم‌ها مبارزه کرد.

در آثار و اسنادی که مورد بررسی قرار گرفت، دید جنسیتی و حساسیت جنسیتی (مطابق با آن دوران و مطابق با بنیان‌های نظری این گروه‌ها) نمایان است. سازمان‌های سیاسی چپ در کنار بررسی و پرداختن به مسایل معیشتی و زندگی فرودست‌ترین و فقیرترین زنان جامعه، قوانین تبعیض‌آمیز تصویب شده علیه زنان را در مواردی که کم و بیش مبتلابه تمام زنان بود، مانند حق طلاق، حضانت، ارث، آزادی انتخاب پوشش و... نیز توجه قرار دادند و حتا در مواضع آنان مسایلی چون نوع برخورد با زنان روسپی و آتش زدن شهر نو، حق ادامه یا خاتمه دادن به بارداری و انواع و اقسام محدودیت‌های ایجاد شده برای زنان مانند زنانه مردانه کردن محیط‌های آموزشی، ورزش، دریا و ... نیز از قلم نیافتاده است. آیا اینها نشان از حساسیت جنسیتی ندارد؟ اما نباید فراموش کرد که این حساسیت جنسیتی متناسب با شرایط همان عصر و زمان بوده است. درست است که، "توجه درخور به مساله جنسیت به ما امکان بررسی قالب‌های مختلف عصیان را می‌بخشد"، اما اگر "به روشی غیرتاریخی برای همه مبارزات زمان، هدفی فمینیستی که همانا اصلاح و تغییر مناسبات جنسیتی است، متصور شد نیز به خطا خواهیم رفت."^۱

واقعیت انکارناپذیری در مورد زنان در سال‌های پس از قیام مردمی در سال ۵۷ به بعد وجود دارد: در این سال‌ها "جنسیت" سبب نشد که زنان ایران در کنار هم قرار گرفته و جنبش زنان را پی‌ریزی کنند. بخشی از زنان که به دلیل اعتقادات مذهبی و عرفی موجود در چهاردیواری خانه‌ها اسیر بوده و تنها به خانه‌داری و مادری می‌پرداختند، به یک باره فرصت حضور وسیع را در فعالیت‌های اجتماعی یافتند؛ فرصتی که تصورشان را هم نمی‌کردند. حکومت اسلامی امنیت خاطر لازم را برای آنان و مردانشان فراهم کرد. بخشی از اینان جای زنانی را گرفتند که در محیط‌های کار به دلیل اعتقادات یا پوشش‌شان پاک‌سازی شدند، زنانی که تا

پیش از این در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی فعال بودند. این زنان مذهبی در کنار حاکمیت قرار گرفتند و در مقابل زنان بی‌حجاب، کمونیست و بی‌دین و یا زنان مذهبی‌ای ایستادند که با حکومت اسلامی مرزبندی داشتند. در واقع روی کار آمدن حکومت مذهبی، گسلی میان بخش‌های مختلف زنان (و صدا البته میان سایر اقشار مانند کارگران و ...) ایجاد کرد. بخشی از زنان به بهای به دست آوردن فضای امن برای حضور در اجتماع و فعالیت‌های اجتماعی، خود عاملی برای سرکوب همجنسان‌شان شدند. آن چه بر زنان ایران گذشت، بار دیگر نشان می‌دهد که جنسیت به تنهایی و بدون توجه به مسایل طبقاتی و فرهنگی و سیاسی نمی‌تواند در کشورهایی مانند ایران، عاملی برای حرکت مشترک زنان علیه نابرابری‌ها باشد.

➤ نگاه مردسالارانه در سازمان‌های سیاسی چپ

وجود نگاه مردسالارانه در سازمان‌های سیاسی چپ، یکی دیگر از نقدهای جدی است که مطرح شده است. بی‌شک رفتارهای ناشی از فرهنگ مردسالاری، در یک سازمان سیاسی طرفدار برابری و جویای عدالت، از سوی مردان مبارز عضو، بسیار پررنگ‌تر از جامعه، خود را می‌نمایند و برای زنان آگاه و مبارز هم‌رزمشان آزاردهنده‌تر و غیرقابل تحمل است.

نگاه مردسالارانه در جامعه طبقاتی و سرمایه‌داری وجود دارد. این نگاه در میان طبقه کارگر، سازمان‌های سیاسی چپ، و حتا در تفکر و نگاه زنان چپ و حتی فمینیست هم وجود داشته و دارد. جامعه ایران یک جامعه مردسالار بوده و هست و طبیعتاً در آن مقطع زمانی نیز نمی‌توانسته از آن مبرا باشد. اما زنان فعال چپ با هر میزان آگاهی از این مساله، علیه شرایطی طغیان کردند که این نابرابری‌ها را دامن می‌زند و در این مسیر تنها تا حدودی پیش رفتند. آن چه مسلم است بخش آگاه و پیشرو هر جامعه، تنها گام‌هایی از جامعه‌ی خود جلو تر است. این افراد (اعم از زن و مرد) در ساختارهای نابرابر جامعه رشد کرده‌اند و می‌توان تصور کرد که افکار و رفتارهای مردسالارانه‌ی جامعه در میان اعضای این سازمان‌ها هم نمود داشته باشد و مردان و حتا زنان عضو این سازمان‌های سیاسی و مبارز، حامل برخی از رسوبات این فرهنگ بوده باشند. نگاه از بالا به زنان از سوی برخی از مردان هم‌سازمانی‌شان و یا عدم اعتماد به نفس و خودباوری در میان برخی از این زنان، نمونه‌هایی از آن دست مسایلی است که بیشتر

بستگی به خصوصیات شخصیتی افراد و خرده‌فرهنگ‌هایشان داشته است تا سیاست‌های کلی سازمان‌ها در قبال مسایل زنان. در این زمینه نیز، نقدهای جدی‌ای، کم و بیش در درون این سازمان‌ها وجود داشته است، سازمان‌های سیاسی‌ای که در آن برهه کوتاه سه ساله، فرصت منسجم کردن نظرات خود را در رابطه با تحلیل مشخص از شرایط مشخص جامعه‌شان، نداشتند. طیف گسترده‌کسانی که بعد از بهمن ۵۷، به سازمان‌های چپ پیوستند، از اقبشار و طبقات مختلف اجتماعی بودند و هر کدام فرهنگ و خرده‌فرهنگ‌های خاص خودشان را داشتند که در عملکرد و مواضع‌شان تاثیر داشت، در حدی که برخی از این برخوردارها، برای مرد آگاه مبارز، گاه بسیار عجیب و دور از ذهن می‌نماید. این نکته‌ای است که بسیاری از فعالان آن دوره به آن اذعان دارند:

"از سوی دیگر موضع گرفته شده در قبال مسایل روز و از جمله مسایل زنان بسته به فردی که مسئول بود و نگرش وی به مساله زنان، مواضع انتخاب شده، متفاوت می‌بود..."^۱

➤ حساسیت نسبت به واژه فمینیسم

حساسیت نسبت به واژه فمینیسم، از سوی اعضای مرد و گاه زن فعال در این سازمان‌ها نیز نقدهایی را به دنبال داشته است:

"آن زمان واژه فمینیسم در بین چپ‌ها و گروه‌های غیرکمونیست مترقی، نوعی فحش به حساب می‌آمد. همین باعث می‌شد که خیلی‌ها مرعوب این نگاه مردسالار شوند حتا خود زن‌ها ... چیرگی نگاه مردسالارانه بود و زنان هم به خاطر این که از قافله عقب نمانند، به دنبال آن رفتند."^۲

این که واژه "فمینیسم" نوعی "فحش" به حساب می‌آمد و جنبش چپ، تمام نحله‌های فمینیسم را یکی دانسته و آن را مساوی با مردستیزی معنی می‌کردند، مختص ایران نبود در کل اروپا و جهان در آن دوران این مساله وجود داشت^۳ و بررسی چرایی آن در اینجا ممکن

۱- به نقل از حیدر یکی از اعضای سازمان چریک‌های فدایی در آن سال‌ها

۲- متین، مهناز، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷، زنان، جمعیت زنان مبارز ص ۴۳۴ تا ۴۴۰

۳- حمیرا مشیرزاده، دو قرن فمینیسم

نیست. اما این حکم کلی و این باور که "زنان چپ ایران، به خاطر عقب نماندن از قافله به دنبال آن رفتند"، تنها ناشی از نبود اعتماد به نفس، عدم خودباوری و نادیده گرفتن اراده‌ی زنان ایران در آن مقطع می‌تواند باشد. البته عدم آگاهی در مورد جنبش فمینیستی نیز در آن نقش دارد. بیشتر زنانی که در آن دوران در سازمان‌های چپ فعال بودند، مسیر مبارزه‌شان را انتخاب کرده بودند. بسیاری از آنان برای ادامه فعالیت‌های سیاسی اجتماعی‌شان و در خانواده، مجبور به مبارزه با پدران، برادران و همسران خود بودند. این زنان برای عقب نماندن از قافله‌ی مردان به میدان مبارزه کشیده نشده بودند. بسیاری از آنان جان‌شان را بر سر این انتخاب گذاشتند. آنان با عمل‌شان، در کنار دیکتاتوری، مردسالاری حاکم را چه در جامعه و خانواده و چه در سازمان‌های سیاسی متبوع‌شان به چالش کشیدند. بی‌شک اگر نگاه مردسالارانه در این زنان چیره بود، نمی‌توانستند چنین کنند؛ هر چند نمی‌توان مدعی شد از این نگاه‌ها بری بوده‌اند.

➤ "جنبش چپ، حل مسایل زنان را به بعد از انقلاب موکول می‌کرد."

یکی دیگر از نقدهایی که مطرح می‌شود این است که جنبش چپ حل مسایل زنان را به بعد از انقلاب موکول می‌کرد.

"جنبش‌های انقلابی نیز زنان را بسیج کرده‌اند. آنها به زنان قول داده‌اند که ضمن الغای نظم گذشته و برقراری جامعه‌ای نوین بر اساس برابری و عدالت، انقلاب از حقوق آنان دفاع کرده و شرایطی برابر با مردان برایشان تضمین خواهد کرد. همان گونه که در ادبیات فمینیستی، چه فعالین و چه تحلیل‌گران این جنبش به آن اشاره کرده‌اند تنها بخشی از وعده و وعیدهای جنبش‌های انقلابی به حقیقت پیوسته است. با وجود شرکت فعال زنان، جنبش‌های انقلابی در اکثر موارد تنها به مشکلات فوری زنان که مربوط به فقر و ستم طبقاتی بوده است پرداخته‌اند. بدون اینکه مردسالاری را با ساختار برابری اجتماعی

جایگزین نماید. گذشته از این مشارکت در امر انقلاب لزوماً موجب کسب احترام بیشتر برای زنان نمی‌شود.^{۱۱}

بی‌تردید پرداختن به این مساله به درک بیشتر و متقابل جنبش زنان و جنبش چپ کمک می‌کرد و شاید سبب ایجاد همگرایی بیشتری میان آنان می‌شد؛ امری که در آن فرصت کوتاه سه ساله یا دقیق‌تر بگوییم دو سال و نیمه، به انجام نرسید.

سازمان‌های چپ ایران در آن زمان، پاسخ خیلی روشنی به این سوال نداشت که در چه پروسه‌ای، مسایل زنان ایران پس از انقلاب سوسیالیستی حل می‌شود و تا رسیدن به آن مرحله (یعنی انقلاب سوسیالیستی) چگونه باید مسایل زنان را پیگیری کرد، هر چند در تحلیل‌های کلی، پاسخ چپ به این مساله روشن است. (در مورد مرحله انقلاب سازمان‌های چپ دیدگاه‌های متفاوتی داشتند و بسیاری از این سازمان‌ها، در آن زمان مرحله انقلاب را دموکراتیک ارزیابی می‌کردند.) انگلس در کتاب منشا خانواده در این باره چنین می‌نویسد:

"جمهوری دموکراتیک، تناقض بین طبقات را از میان بر نمی‌دارد. برعکس عرصه را برای جنگ تدارک می‌بیند. به همین ترتیب خصلت ویژه تسلط مرد بر زن، در خانواده نوین، فقط هنگامی کاملاً واضح می‌شود که آنها از نظر قانونی یکسان باشند. آنگاه آشکار می‌شود که نخستین شرط رهایی زن و ورود مجدد زن به صنعت عمومی است و باز این امر نیز مستلزم این است که خصوصیت خانواده به مثابه واحد اقتصادی جامعه از میان برود."

کسانی که این نقد را مطرح می‌کنند، توجه ندارند که مطابق با تحلیل دیالکتیکی و ماتریالیسم تاریخی، ساختارهای یک نظام اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بلافاصله در فردای انقلاب (جابه‌جایی قدرت و تغییر دولت‌ها) تغییر نمی‌کند و نیاز به پیش‌شرط‌های بسیار دارد و در یک پروسه‌ی بسیار طولانی امکان‌پذیر است. تئوریسین‌های مارکسیست به این مساله اشاره کرده‌اند. مارکس در کتاب ایدئولوژی آلمانی چنین می‌نویسد:

۱- شهیدیان، حامد، مقاله "زن و مشی سیاسی مخفی در ایران (۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵)"، نشریه آوای زن، شماره ۳۰، پاییز

"نیل به رهایی واقعی تنها در جهان واقعی و وسایل واقعی امکان‌پذیر است. بردگی، بدون ماشین بخار و ماشین نخ‌ریسی ملغا نمی‌شود، سرواژ را بدون کشاورزی اصلاح شده، نمی‌توان از میان برداشت و به طور کلی مردم تا زمانی که قادر نیستند خوراک و پوشاک و پوشاک و مسکن خود را به قدر کفایت چه از نظر کیفی و کمی، به دست آورند، آزاد نتوانند شد. رهایی عملی تاریخی است نه ذهنی و بر اثر شرایط تاریخی صنعت، بازرگانی، کشاورزی (مراوده) فراهم می‌گردد."

در واقع می‌توان گفت که انقلاب و تغییر حکومت سیاسی، گام نخستین است برای شروع تلاش در جهت تغییر این ساختارها. این نکته‌ای است که در این گونه نقدها به آن توجهی نمی‌شود. مسایل زنان و جایگاه فرودست زنان در خانواده و ... نیز از این امر مستثنا نیست و چپ در این مورد نظر مشخص داشته و دارد؛ هر چند شاید فقط به طور کلی به آن پرداخته شده باشد. مثالی دیگر، انگلس در کتاب منشا خانواده، در مورد عشق جنسی که یکی از نمودهای مردسالاری در جامعه سرمایه‌داری است و بدیلی که جایگزین آن خواهد شد، چنین می‌نویسد:

"بدین طریق آنچه که در حال حاضر در مورد انتظام مناسبات جنسی بعد از نابودی قریب‌الوقوع تولید سرمایه‌داری، می‌توانیم حدس بزنیم عمدتاً یک خصوصیت منفی دارد و بیشتر محدود به آن چیزهایی است که از میان خواهد رفت. اما چه چیزی به آن اضافه خواهد شد؟ پاسخ این سوال بعد از آنکه یک نسل نوین پرورش یافت، معین خواهد شد: نسلی از مردانی که هیچ‌گاه در سراسر زندگی‌شان فرصت خریدن تسلیم زن را با پول و یا با هر وسیله قدرت اجتماعی دیگر نداشته‌اند و یک نسل از زنانی که هیچ‌گاه مجبور نبوده‌اند خود را به هیچ مردی به خاطر هیچ ملاحظه‌ای به جز عشق واقعی تسلیم کنند، یا از تسلیم خود به معشوقه‌های خویش به خاطر ترس از عواقب اقتصادی آن خودداری نمایند، هنگامی که چنین مردمانی پیدا شدند، آنچه را که ما می‌گوییم آنها باید انجام دهند، به پیشیزی نخواهند گرفت."

➤ "زنان چپ يا جنبش چپ از مسايل كلى زنان خبر نداشته و در واقع ارتباطى با توده‌هاى مردم نداشتند"

"بخش ديگر اين زنان انقلابى هم كه در داخل كشور زندگى و مبارزه مى‌كردند، كسانى بودند كه به واسطه حضور در سازمان‌هاى مخفى و زيرزمينى مثل حزب توده ايران، سازمان چريك‌هاى فدايى خلق و ... اساسا خبر نداشتند كه در بطن جامعه و در روابط روزمره زندگى مردم چه اتفاقات عظيم فرهنگى و سياسى و نمادين نضج مى‌گيرد. يعنى آنها هم در دايره بسته سازمان‌هاى مخفى، اغلب‌شان به يك باره از پديدار شدن اجبار در پوشيدن حجاب و بر آوردن شعار: يا روسرى يا توسرى" شگفت زده شدند. از زاويه‌ى اين بخش از زنان جدامانده از جامعه نيز اجبارى شدن حجاب احتمالا يك پديده جديد و خلق الساعه جلوه مى‌كرد..."^۱

با مرور مختصرى بر اسناد، نشريات، فعاليت‌هاى سازمان‌هاى سياسى چپ و سازمان‌هاى زنان چپ كه در اين مجموعه داشتيم، آيا باز هم مى‌توان گفت كه آنها اساسا خبر از آنچه در جامعه و عليه زنان مى‌گذشت، نداشته‌اند؟ چه محدوديت‌ها و فشارهاى بر زنان رخ داده كه در مواضع اين سازمان‌ها (از طيف راست گرفته تا چپ‌ترين‌شان) در نشريات سازمانى يا عمومى چپ از قلم افتاده است: قانون قصاص، منع زنان از قضاوت، حجاب اجبارى، تفكيك جنسيتى در محل كار و درس و محيط‌هاى اجتماعى مانند ساحل دريا، تصويب قوانين مدنى عليه زنان، بيكارى و دستمزد كمتر از مردان و ... ؟ چه كسان و چه گروه‌هاى به جز همين سازمان‌هاى چپ در زمينه اعمال محدوديت‌ها و فشارها به زنان، در آن سال‌ها افشاگرى مى‌كردند؟ چه گروه‌هاى تجمع و تحسن عليه اين فشارها را سازمان مى‌دادند؟

ناديده انگاشتن اين مبارزات را چگونه مى‌توان ارزيابى كرد؟ كسانى كه در مبارزه براى سرنگونى ۲۵۰۰ سال شاهنشاهى در آن زمان مشاركت داشتند، از شعار "يا روسرى يا توسرى" شگفت زده نشدند. آنها نمى‌توانستند باور كنند كه به اين سرعت آمال و آرزوهايشان براى آزادى و عدالت چنين نقش بر آب شود؛ به هر روى، با فاصله زمانى اندكى، بسيارى از

۱- احمدى خراسانى، نوشين، روشنفكران و حجاب، صفحه ۱۶۸

آنان علیه این روند موضع گرفتند و سرکوب، ترور و اعدام پاسخ موضع‌گیری‌هایشان بود، روندی که از همان تابستان ۱۳۵۸ با سرعت بسیار کم آغاز شد و کم‌کم تا خرداد ۱۳۶۰ شتاب یافت و سیلی سهمگین شد.

بسیاری از سازمان‌های سیاسی چپ و زنان چپ فعال در آنها، باور نداشتند که رفرم‌های تبلیغاتی حکومتی، شرایط زندگی زنان را تغییر اساسی می‌دهد. این مساله را با آمار و سند تحلیل می‌کردند. آنها با فرهنگ سرمایه‌داری خط و مرز داشتند، مذهب را به عنوان عاملی برای تداوم ستم بر زن تحلیل می‌کردند، در نوشته‌هایشان فرهنگ مردسالاری و کار خانگی و تبعات آن را در زندگی زنان ایران با ریزینی خاص خودشان به نمایش می‌گذاشتند. با این وجود، چگونه می‌توان گفت این زنان (و هم چنین مردان هم‌زمشان) از آنچه در جامعه می‌گذشت، خبر نداشتند؟ مبارزه با هر نابرابری و بی‌عدالتی برای آنان اولویت داشت و با فعالیت‌هایشان در عرصه سیاسی، مردسالاری را در عمل به چالش می‌کشیدند.

مروری بر اسناد نشان می‌دهد که این سازمان‌ها و زنان فعال در آن "زن‌ستیز" نبودند. این زنان و مردان برای رهایی زن، راه دیگری را جز راه برخی فعالان فمینیست انتخاب کرده بودند، راهی که از شرایط زندگی‌شان برآمده بود. آنان اعتقاد داشتند: راه رهایی زنان همراه با کل جامعه از مسیر انقلاب می‌گذرد. در واقع می‌توان گفت انتخاب این مسیر است برای این دسته از تحلیل‌گران سنگین می‌آید.

در نقد دیگری آمده است:

"شاید همین دیدگاه‌های زن‌ستیزانه موجود در جنبش ضد شاه سبب شد که وقتی در بهمن ۵۷ آتش‌سوزی در محله‌ی شهرنو در تهران به وقوع پیوست، واکنشی را حتا در میان زنان در گروه‌های انقلابی برنیا نگیخت، درحالی که زنی مانند ستاره فرمانفرمایان" که در نظر آنان ضد انقلاب و طاغوتی " محسوب می‌شد از قضا تنها زنی بود که یک تنه در برابر "آتش‌سوزی در شهر نو" ایستادگی کرد. ... از آوردن این واقعه تاریخی می‌خواهم به این نتیجه برسم که غیر از بحث حجاب اجباری در همان دوران

انقلاب اتفاقات بسیاری بر زندگی و حقوق زنان هوار شد که متأسفانه از واکنش زنان انقلابی ضدحجاب در برابر این وقایع، اخباری در دست نیست.^{۱۱}

در بهمن ۵۷ و قبل از سقوط کامل رژیم سلطنتی در ۲۲ بهمن، معدود اعضای سازمان‌های چپ داخل کشور، برای سرنگونی یک رژیم ۲۵۰۰ ساله در حال نبرد با ارتش شاه بودند. در آن برهه این تشکل‌های سیاسی و انقلابی چپ هنوز فرصت نکرده بودند، خودشان را سازمان دهند. در چنین شرایطی این سازمان‌ها علیه حمله به "شهرنو" موضعی نگرفتند و یا کاری نتوانستند انجام دهند. اما ستاره فرمانفرمایان که دغدغه سرنگونی رژیم شاه را نداشت، با توجه به این که کلانتری‌ها وی را به عنوان یکی از نزدیکان حکومت شاه می‌شناختند و از او حرف شنوی داشتند، توانست با کمک ماموران کلانتری‌ها و تعدادی از مددکاران و دانشجویان، اقدامات مثبتی انجام دهد و به داد زنان شهرنو برسد. در سال‌های بعد یعنی ۵۸ و ۵۹ در تمام نشریات تمام گروه‌ها، علیه شیوه برخورد حکومت، کمیته‌ها یا چماق‌داران مذهبی به شهرنو و مساله روسپیگری موضع گرفته شده است. در نشریات عمومی و مستقل چپ مانند آیندگان و همچنین نشریات سازمان‌های سیاسی چپ می‌توان مقالاتی در این راستا دید که نشان می‌دهد این سازمان‌ها و سازمان‌های زنان چپ، نه تنها این مسایل "هوار شده" بر سر زنان ایران را می‌دیدند که به افشاگری نیز می‌پرداخته و بابت این افشاگری‌ها بهایی بسیار سنگین هم پرداخته‌اند. در زیر به چند نمونه اشاره می‌شود:

سازمان‌هایی زن در مورد مبارزه با فحشا توسط رژیم جمهوری اسلامی در میزگرد نشریه "گل‌سرخ" چنین می‌گوید:

"گرچه ما معتقدیم که مساله نابودی فحشا نه تنها در ماهیت این رژیم نیست، بلکه از طریق اشاعه‌ی فحشا قانونی "صیغه" خود فحشا آفرین است. با این همه وظیفه‌ی ما افشای شیوه‌ی غیرانسانی است که این رژیم در پیش گرفته است. یعنی برای نابودی یک پدیده‌ی مریض، قربانی‌ها را هدف قرار داده است."

نماینده اتحاد ملی زنان در این میزگرد در این باره چنین می‌گوید:

"ما وظیفه داریم برای ریشه‌کن کردن کلیه‌ی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی فحشا گام برداریم. زیرا با سنگسار کردن زنان فاحشه نمی‌توان به مساله برخورد کرد یا با بستن بخشی از شهر تهران که مرکز فحشا بوده است. در حال حاضر در سطح شهر پخش شده‌اند. زیرا به پایه‌های وجودی آن کوچک‌ترین برخوردی نشده است. فقر و فشارهای متعدد بر زنان آنان را به ورطه‌ی فحشا می‌کشاند و این چنین دردی با این برخوردهای به غایت نادرست درمان نخواهد شد."

سازمان‌رهایی زن وظایف خود را این‌گونه تعریف می‌کند:

"افشای قانون اساسی، قوانین مدنی، قوانین شغلی و غیره را جزو وظایف روزمره خود می‌دانیم ولی باز معتقدیم که طرح مسایل اقتصادی از ویژگی خاصی برخوردار است. مسایلی مانند اخراج دسته‌جمعی زنان به دلایل مبهم، مساله نبودن مهد کودک‌ها و شیرخوارگاه‌ها، عدم وجود حقوق برابر زن و مرد در محیط کار، عدم برخورداری زنان کارمند و کارگر از مرخصی استعلاجی برای دوران بارداری و مسایلی نظیر آن از عمده‌ترین مسایلی است که باید با آن برخورد کنیم... از دیگر مسایلی که به نظر ما طرح آن لازم است مسایلی مانند عدم وجود وسایل جلوگیری از بارداری به طور رایگان است. در حالی که می‌دانیم رژیم حاکم حتا از وارد کردن آنها جلوگیری می‌کند. ممکن است که این مساله ظاهراً مساله زحمتکشان نباشد و تا به حال از سوی آنان مطرح نگردیده باشد ولی ما می‌دانیم که وجود یک فرزند ناخواسته در یک خانواده فقیر است که مساله می‌آفریند. یعنی در آنجاست که زن مجبور است بر خلاف فقر اقتصادی شغلش را نیز رها کند تا بتواند کودکش را نگهداری کند. بنابراین فقر چند لایه می‌شود."

همان‌گونه که گفته شد بسیاری از اسناد فعالیت‌های این سازمان‌ها در این دوران از بین رفته است. با توجه به همین اسناد معدود که در این مجموعه جمع‌آوری شده، آیا باز هم می‌توان گفت که زنان انقلابی چپ از این مسایل که بر سر "زنان هوار" شده بی‌خبر بوده‌اند؟ بسیاری از این زنان در هر حرکت اعتراضی علیه این محدودیت‌ها شرکت داشتند حتا اگر سازمان

سیاسی متبوعشان به طور رسمی به شرکت در این تجمعات اعتراضی فراخوان نداده بود. مانند تجمع آبان ۵۸ مقابل دادگستری علیه تغییر قانون حمایت خانواده.

"اخبار" و اسناد موجود است؛ اما شاید صلاح نیست باز خوانی شود!

هر چند نباید فراموش کرد که در آن سه سال پس از انقلاب، حوادث مانند سیل روان بود. شدت این سیل همراه با سرکوب و حملاتی که به تدریج و با سرعت نه چندان کم، در حال تشدید بود، فرصت زیادی برای تامل و بررسی کامل و دقیق تمام رویدادها را برای سازمان‌های سیاسی چپ باقی نمی‌گذاشت.

در جای دیگر^۱ و در نقد اتحاد ملی زنان چنین آمده است:

"این مساله که اتحاد ملی زنان "حجاب" و "پاک کردن رژ لب" را در آن راهپیمایی انتخاب کرد، مربوط به این نمی‌شد که مثلاً روشنفکران مرد و سازمان‌های انقلابی‌شان "حجاب" را فرعی می‌دانستند، بلکه مربوط به این که اتفاقاً "نحوه پوشش زنان" یکی از مظاهر اصلی انقلاب شمرده می‌شد و آنها نمی‌خواستند علیه یکی از مظاهر اصلی انقلاب خودشان قد علم کنند و از انقلاب خارج شوند"

این نقد در واقع اشاره به خاطره‌ای دارد که عاطفه گرگین در کتاب "بازبینی تجربه اتحاد ملی زنان" مطرح کرده است.^۲ لازم است یادآوری شود سازمان‌های انقلابی و چپ، هیچ‌گاه حجاب را مظهر "انقلاب خودشان" نمی‌دانستند و با آن مخالف بودند. هیچ‌سندی در این رابطه نیست. بسیاری از این سازمان‌ها از آنچه در بهمن ۵۷ در ایران رخ داد با عنوان "قیام" صحبت می‌کردند و تنها طیف فکری حزب توده و گرایش‌های فکری نزدیک به آن، به خاطر اهمیت

۱ - احمدی خرسانی، نوشین، روشنفکران و حجاب، صفحه ۱۷۲

۲- در کتاب بازبینی تجربه اتحاد ملی" به نقل از خانم عاطفه گرگین چنین آمده است:

"بعد از برگزاری برنامه اتحاد ملی در رشت، مساله تظاهرات زنان به خاطر حجاب اجباری روی داد. شعار "یا روسری یا توستری" از طرف حزب‌اله به خیابان‌ها آمد و زنان وادار به تظاهرات علیه حجاب اجباری شدند... ولی بنا به دستور "پیشگام" فدایی با عجله دختران و زنان عضو و هوادار خود را به حجاب لازم دعوت نمود و خود اتحاد ملی با حجاب شد و به خیابان‌ها آمد تا در تظاهرات زنان شرکت کند و با دادن روسری به آنان و دادن دستمال برای پاک کردن رژلب و ... خانم‌های تظاهرکننده را به آرامش در برابر توستری دعوت نمود." (متین، مهناز، خیزش

زنان در سال ۱۳۵۷، ۱۳۷۸، ص ۲۳۴)

مبارزه ضدامپریالیستی، از انقلاب اسلامی دفاع می‌کردند، به آن رای دادند و زنان را به تمکین به حجاب دعوت می‌کردند. هیچ یک از کسانی که در آن تظاهرات علیه حجاب در بهمن ۵۷ شرکت داشتند یا کسانی که عضو سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران بودند و یا سایر گروه‌هایی که به مواضع سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، به خصوص در رابطه با مواضع نسبت به مسایل زنان، نقد دارند، چنین مساله‌ای را تایید نکرده‌اند که چنین برخوردهایی (دادن دستمال برای پاک کردن روژلب و روسری) سیاست سازمان چریک‌های فدایی خلق یا دانشجویان پیشگام بوده است. حتی اگر تصور کنیم که ممکن است در جایی و در تظاهراتی، فردِ هواداری از این سازمان، بنا به سلیقه‌ی شخصی، برخوردهایی این چنینی داشته است، نمی‌توان و نباید آن را به کل موضع یک سازمان تعمیم داد، همان گونه که بسیاری از هواداران این سازمان نیز در تظاهرات علیه حجاب اجباری و در حمایت از تظاهرکنندگان در آن شرکت کرده بودند. با مروری بر اصل این متن که در زیرنویس صفحه قبل آمده، به مواردی بر می‌خوریم که نشان از مغشوش بودن آن دارد. به دلایل زیر:

۱- طبق خبرهای منتشر شده در نشریات، سفر نویسنده به رشت و سخنرانی مربوط به آبان ۵۸ است. طبق اسناد موجود و تاکید خودشان، ایشان اشاره می‌کند که "همان تظاهرات علیه حجاب اجباری که بعد از آن رخ داد" درحالی که در سال ۵۸ تظاهراتی علیه حجاب که گسترده باشد، انجام نشده است.

۲- خانم گرگین از نقش اتحاد ملی در این عمل صحبت می‌کند، اگر واقعه مربوط به سال ۵۷ باشد، اتحاد ملی هنوز در آن تاریخ شکل نگرفته بود. تاسیس اتحاد ملی زنان به فروردین ۵۸ بر می‌گردد.

۳- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و سایر سازمان‌های چپ به طور رسمی در تظاهرات علیه حجاب اجباری سال ۵۷ شرکت نداشتند ولی به گفته‌ی اعضا و هواداران این سازمان‌ها، بسیاری از آنها به طور فردی در آن شرکت داشتند، نه فقط زنان، که برخی از مردان عضو این سازمان نیز در این تظاهرات شرکت داشتند. اعلامیه‌هایی که از سوی این سازمان‌ها به خصوص سازمان فدایی (چون در اسفند ۵۷ کمی متشکل تر از سایر سازمان‌ها بود) علیه هجوم به زنان منتشر شده، نیز خلاف این موضوع را ثابت می‌کند. دانشجویان پیشگام در بیانیه‌ای در اسفند ۵۷ به طور مشخص از حق انتخاب پوشش برای زنان صحبت کرده‌اند:

"زنان زحمتکش ما نقشى عظيم و تعيين کننده در روند انقلابات گذشته و حال ايفا نموده اند و اکنون خواستار آزادى دموکراتيک در تمام ابعاد وسيع خود هستند. زن به همراه مرد بايد در انتخاب شغل و يا لباس و يا هر اقدامى که مخالف شعائر اجتماعى نباشد آزاد است."

متن اين بيانیه در آيندگان ۲۸ اسفند ۵۷ ستون "بر در و ديوار شهر" منتشر شده است و عکس آن در بخش ضمايم آمده است. همان طور که مى بينيم دانشجويان پيشگام حق انتخاب پوشش و آزادى هاى دموکراتيک براى زنان را به رسميت مى شناسند. هرچند شايد بتوان به اين بيانیه اين خرده را گرفت که "مخالف شعائر اجتماعى"؟ عبارتى بسيار کلی است که هزاران برداشت از آن مى شود، کرد و...

تظاهرات زنان عليه حجاب در اسفند ۵۷ در مهاباد در حالى برگزار شد که چريک هاى فدائى خلق مهاباد از آنان محافظت مى کردند.^۱ حتا در تظاهرات حجاب تهران نيز به نقل از خانم کيت ميلت (رادیکال فمينيست امريکايى که به ايران آمده بود) مردان چپ طرفدار سازمان چريک هاى فدائى حضور داشتند:

"اما پس از بحث و گفت و گو، راهپيمايى به تصويب مى رسد. زنان در ردیف هاى ۱۰ تا ۱۲ نفره کنار هم قرار مى گيرند. بين ۵ تا ده هزار نفرند. مردان چپ گرا که بسيارى شان هواداران چريک هاى فدائى خلق هستند، دست به دست هم مى دهند دست ها را حلقه مى کنند و زنجير حفاظتى گرداگرد صفوف زنان مى سازند.^۲ حدود ۸۰۰۰ نفرند. بيشتريشان جوانند دانشجو و روشنفکر و نيز دوست، همسر، دل داده، پسر خاله، برادر زنانى که آماده اند به سوى آزادى راهپيمايى کنند." سبيلوهای دوست داشتنى يکى پس از ديگر خود را مى نمايد... به در آهني دانشگاه که مى رسند به خوبى سازمان يافته اند."^۳

۱- اطلاعات ۲۱ اسفند ۵۷

۲- تلکس زنان در جنبش از تهران به پاریس/ ۱۲ مارس، ۲۱ اسفند ۵۷ و مجله تايم ۱۹ مارس/ به نقل از کتاب خيزش زنان ايران در اسفند ۵۷،

۳- متين، مهنار، خيزش زنان ايران در اسفند ۵۷، به نقل از کيت ميلت ص ۱۹۴ و ۱۹۵

اشاره به بخش کوچکی از بیانیه سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران و آوردن تنها این نقل قول از سوی نویسنده این نقد، نمی‌تواند عامدانه نباشد.

به واقع چپ‌ستیزی، عامل اصلی این گونه تحریف‌ها است. بدون این که به مواضع واقعی سازمان‌های چپ در مورد مسایل زنان اشاره شود، بدون اشاره به مساله سرکوب وحشتناک چپ در آن سال‌ها، بخش‌های کوچک و ناقصی از اعلام مواضع این سازمان‌ها آورده می‌شود، به برخی از اشتباهات و سیاست‌های غلط برخی سازمان‌های سیاسی چپ اشاره می‌شود، نمونه‌هایی از رفتارهای غلط و مردسالارانه برخی اعضا و هواداران آورده می‌شود و بدین ترتیب حکم کلی محکومیت چپ صادر می‌شود.

این چپ‌ستیزی در واقع ادامه و روی دیگر سکه بنیادگرایی است که در این سال‌ها رواج یافته است. رشد تفکرات بنیادگرایی مذهبی در راستای ایجاد کمربند سبز در اطراف شوروی برای ممانعت از ترویج افکار سوسیالیستی، از مدت‌ها پیش از بهمن ۵۷ در ایران آغاز شده بود (سال‌هایی که در همین راستا، رژیم شاه نیز اجازه فعالیت به برخی گرایش‌های فکری مذهبی را می‌داد) همچنان ادامه دارد. هجوم و ایجاد محدودیت‌ها و فشارهای مختلف علیه زنان یکی از بارزترین نمونه‌های این روند و رشد بنیادگرایی بود؛ به گونه‌ای که در سال ۵۶ ما شاهد وقایعی از جمله اسیدپاشی علیه زنان بوده‌ایم و هنوز هم هستیم.

سرکوب شدید نیروهای چپ از فردای روی کار آمدن رژیم اسلامی، آغاز شد و با کشتار زندانیان سیاسی در ۶۷، به نظر می‌آید خاتمه یافته است. اما رشد دوباره تفکر چپ و گسترش آن میان جوانان، بار دیگر مبارزه با چپ را ضروری می‌کند و این بار با انواع و اقسام ترفندها. این مساله را در کشورهای دیگر منطقه نیز شاهدیم، کشورهایی که بیم آن می‌رود بحران‌های اجتماعی سیاسی در آن به انقلاب و شورش‌های جدی منجر شود، تشکیل انواع و اقسام بنیادها و ان‌جی‌اوها که در زمینه‌های مختلف از جمله مسایل زنان با بودجه بنیادهایی مانند سورس، خانه آزادی و ... تشکیل می‌شوند برای آن که مبارزات اجتماعی تحت کنترل در آید و از چپ شدن آن مبارزات جلوگیری شود. رسانه‌هایی مانند صدای امریکا، بی‌بی‌سی و من و تو، نیز آشکارا به چپ‌ستیزی می‌پردازند و شیوه زندگی غربی را تبلیغ و ترویج می‌کنند. نظریه‌پردازان و تاریخ‌نگاران در این راستا فعالیت می‌کنند. در کنار همه‌ی اینها تحلیل‌هایی

از این دست نیز به تخریب چپ می‌پردازند. در این گونه تحلیل‌هاست که "جنبش ضدشاه" شامل مذهبی‌ها و چپ‌ها دانسته و انقلاب ۵۷ "انقلاب مشترک" آنان فرض می‌شود و ... این گونه دسته‌بندی‌ها که سبب مخدوش شدن خط و مرزها می‌شود، طور مشخص در راستای چپ ستیزی‌ست.

اما نمی‌توان به نقد مواضع سازمان‌های سیاسی چپ در مورد مساله زنان پرداخت و به دو آفت بزرگ، **رفرمیسم** و **فرقه‌گرایی** در جنبش چپ اشاره نکرد. بسیاری از ضعف‌هایی که در آن سال‌ها در درون جنبش چپ نسبت به مسایل زنان و سایر مسایل وجود داشت به رفرمیسم و فرقه‌گرایی موجود در جنبش چپ برمی‌گردد.

در میان سازمان‌های چپ، دیدگاه واحدی نسبت به حاکمیت و مسایل اجتماعی از جمله مسایل زنان موجود نبود. از یک سو مواضع سازمان‌هایی مانند حزب توده، فدائیان خلق (اکثریت) و حزب رنجبران و از سوی دیگر مواضع سازمان‌هایی مانند پیکار، اقلیت، وحدت کمونیستی و ... مواضع این سازمان‌ها در مورد مسایل زنان همانند سایر تحلیل‌هایشان، به تحلیل کلی سازمان‌ها و گروه‌ها از حاکمیت جمهوری اسلامی برمی‌گشت. اینجا نخستین آفت جنبش چپ در آن سال‌ها خود را نمایان می‌کند: رفرمیسم.

سازمان‌های دسته اول، شعارهای ضدغربی رژیم اسلامی را نشانه مبارزه ضدسرمایه‌داری و ضدامپریالیستی ارزیابی کرده و آن را حکومتی خلقی و مردمی می‌دانستند و مواضع خود را بر مبنای این ارزیابی مشخص می‌کردند. این نگرش شکافی عمیق در جنبش انقلابی و چپ بوجود آورد که یکی از دلایلی اصلی است که این جنبش نتوانست در آن مقطع تاریخی در مقابل هجوم سیاست‌های ارتجاعی دوام بیاورد. حمایت بخشی از این سازمان‌ها از اقدامات ارتجاعی و سرکوبگرانه حاکمان، در واقع پشت کردن به مردم بود و به جنبش‌های اجتماعی و انقلابی موجود و رو به رشد آن زمان از جمله جنبش زنان، دانشجویی، کارگری و ... آسیب جدی زد.

فرقه‌گرایی یکی دیگر از آفت‌های بزرگی بود که در آن سال‌ها به جنبش چپ ایران صدمه زد. هر گروه و سازمان فقط مواضع گروه خود را درست می‌پنداشت و در رابطه با گروه‌های دیگر تاکید بر نقاط اختلاف بود. این نوع نگاه سبب می‌شد که سازمان‌های چپ نتوانند ارزیابی

نقادانه‌ای از جامعه و نقش خودشان در رویدادها داشته باشند. فرقه‌گرایی مانعی جدی برای نزدیکی و هم‌گرایی میان گروه‌ها بود. در بررسی آثار و اسناد باقی مانده، به نظر می‌رسد در بسیاری موارد، مرز میان نقد نظرات دیگران و محترم نشمردن انتخاب دیگران، مخدوش و به این منجر می‌شد که فرقه‌گرایان بیشتر تلاش در تحمیل انتخاب خود به دیگران داشته باشند. عمل بدون پشتوانه‌ی تفکر فرقه‌گرایان، سبب می‌شد که مواضع، بیشتر به شعارگویی نزدیک شود و منافع واقعی مردم نادیده انگاشته شود. برای فرقه‌گرایان مردم فقط در حد پشتوانه‌ی هدف‌هایشان اهمیت داشت. برخوردهای متعصبانه سبب دور شدن سازمان‌ها از هم و پراکندگی نیروهای آنان می‌شد و این گونه بود که فراموش شد تغییر بنیادی در یک جامعه با فرقه‌گرایی امکان‌پذیر نیست.

"فرقه‌گرا به هر چه معتقد باشد، چون با روش نامعقول خود کور شده است، پویندگی واقعیت را درک نمی‌کند (یا نمی‌تواند درک کند) یا از آن تعبیری غلط می‌سازد."^۱ البته برای این که مشخص شود که کدام گروه یا سازمان سیاسی چه میزان فرقه‌گرا بود، نیاز به تحقیقی مفصل است که جای دارد به آن پرداخته شود.

نگاه از بالا به جنبش‌های اجتماعی توسط روشنفکران، همان برج عاج‌نشینی روشنفکرانی که از بالا به جامعه نگاه می‌کنند، یکی دیگر از دلایل افت مبارزات سیاسی و اجتماعی ما تا کنون بوده و هست. یکی از مشخصه‌های دوره‌ی ۵۷ تا ۶۰ وجود سازمان‌های دموکراتیک وابسته به احزاب مختلف سیاسی بود. این نکته به عنوان یکی از آسیب‌هایی مطرح می‌شود که تاثیر منفی بر روی سازمان‌های دموکراتیک داشته است.

البته نگاه برخی از سازمان‌های سیاسی آن دوران به مسائل زنان، فقط این گونه نبود، به سازمان‌های صنفی کارگران نیز این گونه می‌نگریستند و می‌خواستند این تشکل‌ها را از بالا و به عنوان شعبه‌ای از سازمان خودشان تشکیل دهند؛ به کارگران مرد و زن به عنوان نیروهای بالقوه‌ای برای سازمان خود می‌نگریستند که باید در تشکل‌های دموکراتیک وابسته به سازمان خودشان بالفعل شوند.

حزب توده در سال‌های دهه بیست، سندیکاها و تشکل‌های وابسته به خود را ایجاد کرد و با تشکیلات دموکراتیک زنان این امر را در میان زنان به پیش برد. این الگو در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ نیز تقریباً توسط تمام سازمان‌های سیاسی چپ تکرار شد. سازمان‌های سیاسی، تشکل‌های زنان را تشکیل دادند، نیروهای خود را به کارخانه‌ها فرستادند تا جنبش کارگری را سازماندهی کنند، اعتصابات را شکل دهند و از همه مهم‌تر به طبقه‌ی کارگر و زنان آگاهی دهند.

این نوع نگاه مشکلات جدی بر سر پیشبرد مبارزه ایجاد می‌کرد. به عنوان مثال برای زنانی که با دستور و رهنمود سازمانی‌شان به کارخانه‌ها رفتند و یا در میان زنان به کار می‌پرداختند، تضادهایی را ایجاد کرده بود. آنان به عینه در زمان‌هایی میان دو انتخاب می‌ماندند: دستور حزب یا سازمان متبوع‌شان یا حمایت از مطالبات و خواسته‌های خود کارگران و زنان. نمونه‌های زیر موید این دیدگاه است.

یکی از خانم‌هایی که با سازمان دموکراتیک زنان در سال ۵۸ کار می‌کرد نقل می‌کند:

"وقتی مساله حجاب پیش آمد من به تمام همکاران زن خود می‌گفتم که باید مقاومت کنیم. نباید تسلیم شویم. نباید با حجاب سرکار بیاییم. اما روزی که حزب دستور داد که با روسری سرکار برویم، دچار آن چنان تناقضی شدم که فردایش اصلاً نتوانستم سرکار بروم."

خانم دیگری که با دستور تشکیلاتش (اکثریت) به عنوان کارگر کارخانه کار می‌کرد، نقل می‌کند:

"سازمان دستور داده بود که در کارخانه به گونه‌ای رفتار کنم که اعتماد مدیریت را جلب کرده و بتوانم به عنوان نماینده‌ی کارگران در شورای اسلامی کار انتخاب شوم. این دستور سبب می‌شد که بسیاری اوقات در تناقضی گیر کنم. اگر دستور سازمان را اجرا می‌کردم، باید مقابل کارگران می‌ایستادم و در کنار مدیریت قرار می‌گرفتم تا اعتماد مدیران را جلب کنم و اگر به تجربه‌ی زیستی خود به عنوان کارگر توجه می‌کردم، باید در کنار کارگران و در مقابل مدیریت قرار می‌گرفتم."

جالب است که کارگران باسابقه، این گونه افراد را به راحتی شناسایی می‌کردند و اعتمادی به آنان نداشتند. در میان نیروهایی که با دستور سازمانی به درون زنان یا کارگران رفتند، فقط آنهایی موفق بودند که خود، به عنوان زن یا کارگر بخشی از محیطی شدند که برای کار

سیاسی به آنجا رفته بودند. اینان بودند که همراه با سایر کارگران و زنان و به عنوان یکی از آنان، نه سازمانده و رهبر، به سازماندهی جمعی اعتراضات و مطالبات می‌پرداختند و برای رسیدن به خواسته‌های عینی خودشان مبارزه می‌کردند.

گفته می‌شود یکی از اولین تبعات این نوع نگاه دوم سرایت موج سرکوب سازمان‌های سیاسی به نهادهای کارگری و زنان بود. البته برای جامعه‌ای مثل ایران، شاید تصور درستی نباشد که فکر کنیم اگر این استقلال وجود داشت، این سازمان‌های دموکراتیک از موج سرکوب‌ها در امان می‌ماندند. زیرا بنیادگرایی مذهبی مجال برای فعالیت سازمان‌های دموکراتیک نیز باقی نمی‌گذارد.

اینجاست که نقطه نگاه و عزیمت یک سازمان سیاسی چپ به جنبش زنان یا هر جنبش اجتماعی دیگر اهمیت پیدا می‌کند. هر جنبش اجتماعی باید از درون خود آن قشر و طبقه بجوشد و شکل بگیرد، نه اراده‌گرایانه، با دستور و از بالا. جنبش‌های اجتماعی مستقل از احزاب و سازمان‌های سیاسی وجود داشته و دارند. این جنبش‌ها باید در جریان حرکت سازمان‌ها و احزاب خود را تشکیل و سازمان دهند.

در خاتمه باید یادآور شد، برای نقد واقع‌بینانه از آن دوران از مبارزات زنان و مردان در ایران و برای اینکه گرایش‌های فکری متفاوت را شناخت، باید دید که جنبش سیاسی و چپ و جنبش زنان چگونه شکل گرفته و چه مکانیزم‌هایی در شکل‌گیری آن‌ها نقش داشته است. آیا جنبش زنان چپ و سازماندهی‌اش امری بوده از درون خود زنان؟ دستاورد این جنبش تا کجا محصول سازماندهی زنان بوده است و تا کجا محصول سازماندهی احزاب سیاسی؟ آیا امکان برون‌رفت از این شرایط وجود دارد و یا باید دائم برای توجیه بی‌عملی‌ها دنبال عوامل خارجی بگردیم! هر پدیده‌ای را باید در متن شرایط تاریخی و اجتماعی شکل‌گیری آن بررسی کرد. تشکلهای سیاسی چپ در آن دوران، همه بر آمده از جامعه دیکتاتور زده‌ای بودند که مردم در آن امکان تجربه ایجاد تشکلهای دموکراتیک و مستقل خود را نداشتند. در چنان فضایی، شوراهای مردمی در بیشتر واحدهای تولیدی، ادارات دولتی و کارخانه‌ها شکل گرفتند و کنترل امور را به دست گرفتند. این نهادهای مردمی در کنار احزاب و سازمان‌های سیاسی شروع به کار

کردند، سازمان‌هایی که عمدتاً در دوران دیکتاتوری یا حضور نداشتند یا فعالیت مخفی داشتند. تفاوت این نهادهای مردمی با سازمان‌های سیاسی در خودجوش بودن آنها بود. در جریان حرکات اعتراضی علیه رژیم سلطنتی و در دوران خلا قدرت ناشی از جابه‌جایی قدرتمداران و در شش ماهه اول پس از سرنگونی رژیم شاه، این نهادها تکامل و رشد یافتند. مردم از این طریق، قدرت خود را تجربه می‌کردند و درمی‌یافتند که جایگزین مناسبی برای قدرت دولتی هستند. از یک سو و از دید قدرتمداران، این تجربه نباید ادامه می‌یافت و از سوی دیگر، بسیاری از این سازمان‌ها درک درستی از فعالیت علنی و دموکراتیک نداشتند. نداشتن برنامه‌ی روشن، نبود کادرهای سازمانده و مستقل نبودن تشکلهای دموکراتیک مانند زنان (به معنای استقلال از احزاب)، ناآشنایی با روحیات و خصایل توده‌های زحمتکش که سبب می‌شد نتوانند با زنان ارتباط مناسب و درستی برقرار کنند ... اینها از جمله مشکلاتی است که در آن دوره وجود داشت.

و در بررسی این تجربه، بی‌شک باید تاثیر شرایط ضددموکراتیک حاکم بر جامعه و خفقانی را در نظر داشت که در طی این مدت کوتاه به سرعت بر جامعه حاکم شد و امکان فعالیت علنی و دموکراتیک را به سرعت از میان برد.

حال اگر ضروری است سطح جنبش زنان ارتقا یابد، اگر ضروری است که جنبش زنان با سایر جنبش‌های مبارز و انقلابی همکاری و هم‌افزایی داشته باشند، ضروری است نقادانه این گذشته مورد بررسی قرار گیرد. جنبش چپ این نقادی را از همان دوران شروع کرده است و باید ادامه دهد و جنبش زنان، نیز باید به نقد دورنی خود پردازد.

برای حرکت به جلو، باید خط‌مشی کلی جنبش زنان به گونه‌ای باشد که در اوج و فرودهای جنبش و جامعه، هم در دوران انقلابی و هم در دوران رکود و سرکوب، بتواند خود را تعریف کند و به پیش برود. اینجاست که ضرورت بازتعریف جنبش زنان به خصوص از سوی بخش چپ این جنبش روشن می‌شود.

در سال‌های دهه ۵۰ و همین‌طور دهه ۶۰ شمسی، همانند سال‌ها و دهه‌های قبل، با زنانی روبرو بودیم که نابرابری‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را بر نمی‌تافتند. اینان حول مطالبات خاص زنان گرد نیامده بودند. برخی از آنان در تشکلهای سیاسی و مبارز موجود عضو شده و فعال بودند و برخی نیز که زندگی عادی خود را داشتند، به خاطر خواسته‌هایی که زندگی

روزمره‌شان را بهبود می‌بخشید، در زمان‌هایی وارد عرصه مبارزه اجتماعی می‌شدند. وجه مشترک این زنان این است که هر دو گروه، این نابرابری‌ها را در عرصه‌ی زندگی واقعی به چالش کشیدند. مطالبات آنان مطالبات جنسیتی نبود، مطالبات اجتماعی، سیاسی و گاه حل مسایل ساده روزمره خواسته آنان بود. فقط در سه سال پس از بهمن ۵۷ در اعتراض علیه حجاب اجباری، یا ممانعت از اشتغال در عرصه قضاوت و اعتراض علیه لغو قانون حمایت از خانواده و... خواسته‌هایی کاملاً جنسیتی را شاهد بودیم.

زنان مبارز سیاسی (چریک و غیرچریک) علیه نظام طبقاتی و مستبد شاهنشاهی قد علم کردند. رژیمی که به رغم پز مدرنیزاسیون و برابری طلبانه برای زنان، زنان را تنها لایق آسپیزی می‌دانست،^۱ زن ضعیف و ناقص‌العقلی که نصف مرد ارث می‌برد، حق مسافرت بدون اجازه‌ی همسر و پدرش را نداشت، شهادت وی نصف مرد محسوب می‌شد. این زنان قدرقدرت‌ترین مردان جامعه‌ی خودشان را به مبارزه طلبیدند. پس از سرنگونی رژیم سلطنت، زنان مبارزی که در سازمان‌های سیاسی موجود علیه قدرت گرفتن دیکتاتوری دیگری، لحظه‌ای از افشاگری بازنایستادند. هیچ کدام از این زنان فقط خواسته‌های جنسیتی نداشتند و عرصه مردانه سیاست را عرصه فعالیت و مبارزه خود انتخاب کرده بودند. پس از شروع سرکوب‌ها، زندان‌ها عرصه‌ی دیگری از این مبارزات شد. مبارزه زنان زندانی سیاسی و مبارزه و تلاش مادران و همسران زندانیان سیاسی یکی از نمودها مبارزه زنان در این دوره بود. در دهه‌ی شصت بعد از سرکوب تمام سازمان‌های سیاسی و چپ و بعد از قتل‌عام‌ها و حاکم شدن فضای سرکوب و خفقان، باز این زنان بودند که به میدان آمدند و این فضای سنگین و سیاه را شکستند و نشان دادند که نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی سیاسی را بر نمی‌تابند. زنان در اسلام‌شهر، ۱۳ آبان، مشهد، و... به خیابان‌ها آمدند و برای زندگی مبارزه کردند.

حضور فعال زنان در عرصه‌ی مبارزات اجتماعی و سیاسی در این سال‌ها جایگاه و موقعیت زنان در ایران را در همه‌ی حوزه‌ها تغییر داد و تاثیر به‌سزایی نیز در ارتقای سطح مبارزات مستقل زنان داشت.

با این وجود، گفته می‌شود که در این دو دهه چیزی به عنوان "جنبش مستقل زنان" در ایران وجود نداشته است. حال این پرسش مهم طرح می‌شود که پس جای این زنان که گفته شد، در "جنبش مستقل زنان" کجاست؟ و چرا این زنان و مبارزات آنان بخشی از مبارزات "جنبش زنان" محسوب نمی‌شود؟ اصولاً موضع جنبش زنان در مقابل زنانی که خواسته‌هایی اجتماعی دارند، خواسته‌هایی که با مردان یا با دیگر اقشار جامعه مشترک است، چیست؟ فقط حمایت، آن هم در مقالات و بیانیه‌ها، بدون آنکه آنان را عضوی از جنبش زنان محسوب کنند؟ اگر هدف "جنبش مستقل زنان" دستیابی به برابری در همه‌ی عرصه‌هاست، چرا اقدام عملی زنان در مبارزات اجتماعی - سیاسی نباید بخشی از جنبش زنان محسوب شود؟ مشارکت زنان در مبارزات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، آن هم به طور فعال و گاه حتا پیشروتر از مردان، به طور عملی نابرابری‌های جنسیتی را به چالش کشیده و از آن گذر می‌کند. این تناقضی است که جنبش زنان به خصوص بخش چپ جنبش زنان باید بتواند آن را حل کند.

یکی از ضعف‌های جنبش مستقل زنان در این مساله نهفته است که طبق تعریفی که از جنبش زنان دارد و آن را مختص به تلاش برای دستیابی به برابری‌های جنسیتی یا رفع ستم‌های جنسیتی می‌داند، به عنوان مثال فمینیست لیبرال‌ها را بخشی از جنبش زنان می‌داند اما از این بخش فعال و زنده زنان غافل می‌ماند و نقش آنان را در رفع نابرابری‌های جنسیتی، در تعریف "جنبش زنان" نادیده می‌گیرد.

ضروری به نظر می‌رسد جنبش چپ زنان به این بازبینی درونی بپردازد و با بازتعریف خود، به گونه‌ای که در فعالیت عملی راهگشا باشد، تاثیرگذاری خود را افزایش دهد.

ضمائم

لیست تعدادی از کتاب‌های منتشر شده در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰

عناوین زیر اسامی تعدادی از کتاب‌هایی است که در حوزه مسایل زنان، در این سال‌ها منتشر شده است تیراژ این کتابها معمولا بین ۳ تا ۵ هزار نسخه اعلام شده است. کتاب‌هایی که با * مشخص شده‌اند در لیست مطالعاتی اتحاد ملی زنان قرار داشتند.

نام	نویسنده	انتشارات	سال انتشار	موضوع
تبعیض‌های قانونی حقوق زن در ایران مقایسه‌ای با اعلامیه جهانی حقوق بشر	م. محاسب	کتیبه	خرداد ۵۸	تبعیض‌های قانونی
زنان سازمان تولید و مالکیت خصوصی نگاهی به مساله زنان در کتاب منشا خانواده	کارن ساکس ترجمه‌هایده مغیثی	اتحاد ملی زنان		
پایه‌های اجتماعی مساله زن	کولنتای / مترجم م.س	باران	پاییز ۵۸	
در باره رهایی زنان	لنین	سازمان چریک های فدایی خلق	۵۸/۲/۲۵	
زن عرب	زهرا امیدوار	کانون نشر اندیشه‌های نوین	شهریور ۵۹	
چهره عربان زن عرب	نوال سعداوی	کانون نشر اندیشه‌های نوین		
زن کارکن و مادر	کولنتای	کمیته زنان سازمان پیکار در راه آزادی طبقه‌ی کارگر	مرداد ۵۹	

زن و برخورد‌های انحرافی	دکتر شایسته سپهر (یزدی)	هماهنگ	ادری بهشت ۵۹	نقدی مارکسیستی بر نظریات حزب توده ایران شریعتی و حزب رنجبران مجله ستون قسطنطنیه و حزب کارگران انقلابی
جان خلق	مارگرات رندال ترجمه فرشته مولوی هرمز ریاحی	کتیبه	اسفند ۵۹	مبارزات و دست آوردهای زنان ویتنام
انقلاب سوسیالیستی و مبارزه برای آزادی زنان			نوامبر ۱۹۷۹	قطعه‌نامه‌ی کنگره‌ی یازدهم بین الملل چهارم در باره مساله ستم‌گشیدگی زنان
سوسیالیسم و علم‌رهایی زنان	مارکس انگلس، لنین استالین و مائو	سازمان انقلابی		بردگی زنان در خانواده استعمار زن در کارخانه کمونیست و خانواده نقش زنان در مبارزه برای تحقق سوسیالیسم و ساختمان سوسیالیسم
انقلاب آزادیبخش راه‌رهایی زنان میهن ما			آبان ۵۶	
در باره‌ی نقش زن در اجتماع	لنین/ مریم فیروز	حزب توده	آبان ۵۸	
*زن و رهایی نیروهای تولید	علیرضا افشار			زن در جامعه بدوی فنودالی انقلاب صنعتی، بوجود آمدن مالکیت و تاثیر آن در نقش زن و خانواده، موقعیت زن در ایران قبل از اسلام، قیام مزدک، و... زن و اشتغال، زن و خانواده، زن و مسایل جنسی و موقعیت زن در اجتماع
*آیا سرنوشت زن را ساختمان بدنی او تعیین می‌کند؟	اولین رید			رد نظراتی که بر اساس تفاوت‌های جسمانی زن با مرد زن را ضعیفتر می‌داند، طرح مساله تقسیم کار به عنوان

علت اصلی تفاوت‌های اجتماعی زن و مرد.				
از انتشارات حزب کمونیست فیلیپین				رابطه دو جنس
زنان و مبارزات رهایی بخش طبقه کارگر			لنین	خانواده در جامعه سوسیالیستی
روز جهانی زنان کارگر/ در باره‌ی برخی از جنبه‌های تکامل روابط خانوادگی/ رابطه بین خانواده و جامعه سوسیالیستی/ مناسبات خانوادگی و طلاق/ خانواده و ارتباط میان زن و شوهر/ روابط زناشویی/ انقلاب سوسیالیستی و تغییر روابط خانواده (آلبانی)			کلارازتکین	لنین در باره مساله زنان
				سال روز هشتم مارس روز جهانی زنان کارگر
			کلارازتکین	حق رای زنان
مقالاتی در مورد استثمار زنان در جامعه طبقاتی، فحشا، جامعه کمونیستی و زنان روابط جنسی و مبارزه طبقاتی	اذر ۵۷	مزدک	مارکس انکلس، لنین بیل، کولنتای	*مارکسیست‌ها و مساله زنان
نقدی بر نظرات فنودالی سازمان پیکار در باره مساله زن	خرداد ۵۸	حزب کمونیست کارگران ودهقانان ایران نشریه ۶۹		مارکسیسم یا فنودالیسم در مسایل سازمانی
	اسفند ۵۹	چکیده	ارلین برگمن	زنان ویتنام
				* زن در الجزایر
مجموعه مقاله در باره نهضت‌های آزادی زنان در کشورهای آلبانی،				*نهضت‌های آزادی زنان

پرتقال، چین، شوروی، ظفار، کوبا، موزامبیک، ویتنام				
مجموعه مقاله موضوع اهمیت کار سیاسی در میان زنان نقش زنان در مبارزات اجتماعی و طبقاتی، روش‌های آگاه کردن زنان در مناطق مختلف با زمینه‌های فرهنگی اجتماعی متفاوت و به خصوص پس از انقلاب سوسیالیستی و در اتحاد شوروی				*سازماندهی زنان در کشور شوراها
	مرداد ۵۱		رضا براهنی	تاریخ مذکر
	۵۱ تجدید چاپ ۵۸			ستم کشیدگی زن در ایران به انضمام مقاله زن و خانواده یک بررسی تاریخی
مبارزات زنان از زمان رضا خان تا سال ۳۲، اشتغال و موارد تبعیض بین زن و مرد در قانون، زن و سوسیالیسم از دیدگاه لنین	۵۶	حزب توده	ملکه محمدی، عالیه مرامی، مریم فیروز،	*ارتش عظیم زنان به میدان می‌آید
				به پا از زن رنج‌دیده بزدا غبار قرن‌ها ستم
	۱۳۵۹ یا ۱۳۶۰			مسائل زنان تجربه ازبکستان
				ازدواج پرولتری
	۱۳۵۹		سیمون دوبوار	جنس دوم
نقد بر مقالات "واقعیت زندگی زن در ایران، زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند، انقلاب آزادیبخش تنها راه رهایی میهن ماست، ستم‌گشیدگی زن در ایران، برخورد ریاکارانه جامعه سرمایه‌داری با مساله مادر بودن زنان			نبرد کارگر	*اپوزیسیون ایران و مساله زنان با ضمیمه "زن کارکن و مادر!"

			مریم فیروز	*گفتاری چند از بزرگان در باره زن،
				*زندگینامه کولنتای
زن در آداب و رسوم اجتماعی؛ مسایل خاص زنان طبقه‌ی کارگر، ریشه‌های اقتصادی بردگی زن، برخورد اپوزیسیون ایران با مساله زن، منشا خانواده در رابطه ستم کشیدگی زن با جامعه طبقاتی				*موقعیت زن در قوانین ایران
			فروغ راد و آذر عاصی و اولین حصیر	*ستم کشیدگی زن در ایران،
لزوم شرکت زنان در مبارزه برای تحقق سوسیالیسم و لزوم مبارزه در راه کسب برابری سیاسی و حقوق مدنی به عنوان وسیله‌ای برای ایجاد وجدان سیاسی و طبقاتی کارگر، رهنمود برای جنبش کمونیستی زنان			زتکین	*مساله زن و مبارزه علیه رفرمیسم

عکس‌ها





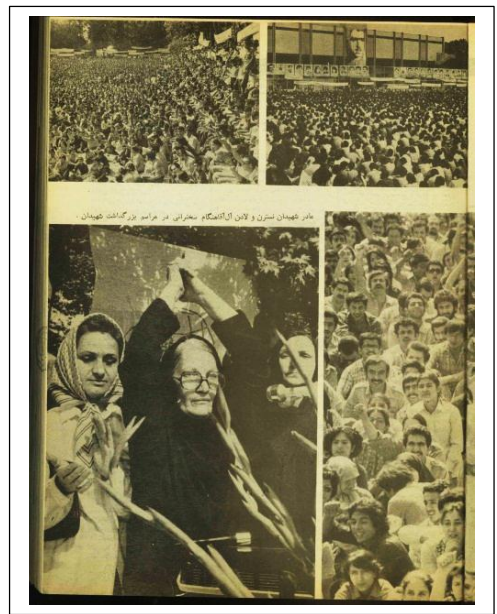














اعلامیه‌ها

تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها

اعلامیهٔ گروهی از دانشجویان دختر دانشگاه مشهد
در بارهٔ خطر ارتجاع در دانشگاه

بنام خدا

فاستجاب لهم رسمه انی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بمصرمک من بعضی نالذین هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اودوا فی سبیلی و نالوا و نالوا لاکفرن عنهم سیئاتهم " آل عمران؛ " خداوند اجابت نمود خواست شما را ، همانا ضایع نمی شود عمل بی‌پوبیت از مرد و زن . شما از یکدیگر بگردید . زن از مرد است و مرد از زن . پس آنها که از مرد و زن در راه خدا هجرت نموده ، تمسید و شکجه را در راهش پذیرا گشتند ، به جهاد مسلحانه دست زدند ، کشتند و کشته شدند با عملکرد انقلابیشان زشتی ها از آنها زده گشته و "

خواهران و برادران دانشجوی:

درود بر شما که در این مقطع حساس از حیات دانشگاه ، چون گذشته تلاشی مستمر خود را برای حفظ میراث شهیدان و امامان خلاق و حیثیت انقلابی پیشگامان جان باخته‌اش بنا کرده‌اید ، آنان که اندیشه و عمل را از محیط مقدس دانشگاه - دژ نفوذ ناپذیر خلق علیه امپریالیسم و وابستگان داخلی آن به متن تودهٔ محروم و رنج کشیده ما منتقل ساختند و با روشنگریها و بیانشانهایی خود ، پردهٔ سیاه شب را دریدند و طلوع فجر را بر تلهٔ شکوهمند توحید نویدمان دادند .

دوستان دانشجوی :

در سالهای سیاه گذشته کارگران غارتگران بین‌المللی با اشاعهٔ فرهنگ شوم سرمایه داری همهٔ اعدای خود را برای سنج هویت انسان ساز و محتوای مترقی ایدئولوژی اسلام بنا کردند تا از آن - وسیله‌ای جهت تخریب و تخریب توده های مستضعف بسازند .
شاه جلار - وارث اسلام شاهنشاهی - دست به تأسیس دانشگاه های باصطلاح اسلامی زد تا با ترویج مذهب رسمی حاکم بتواند هر ندای حق طلبانه را با نام مخالفت با دین سرکوب نماید و راه را برای تأمین هر چه بیشتر منافع اربابان خون آشام خود هموار کند .
این دانشگاه ها که بعداً " نام " الهیات و معارف اسلامی " بخود گرفت و برنامه های آن کلاً در رابطه با هدفهای ضد دینی آنها شکل یافت ، از این امتیاز برای عناصر کونه بین که از اسلام بیزار اسمی و رسمی سراغ نداشتند برخوردار بود که ورود ما دختران به آن ممنوع شده بود . گردانندگان این دانشگاه ها که دانسته یا ندانسته بنام خدمت به اسلام فقط آب به آسیاب دشمن میریختند با این صورت متقاعد شدند که برنامهٔ هاشان صد درصد اسلامی است (۱) اما آنها که شناختی هر چند نسبی از ماهیت امپریالیسم داشتند می دانستند که هر حرکتی که در گارد حاکمیت دشمنان خدا و خلق از طرف آنها صورت گیرد با منافع خلق سازگار نیست . از اینرو عموماً صدای اعتراضی دانشجویان - دانشگاه مشهد نسبت به محتوایی که این دانشگاه بنام ایدئولوژی اسلام ارائه می کرد بلند بود و آنچه که ما را بر آن داشتند است تا دست یاری بسوی شما دراز کنیم پیگیری همین سئاله مهم است .
در این زمان که با خروج خونین خلق قهرمان ما زمینه پاکسازی دانشگاهها از لوث فرهنگ استعماری فراهم آمده است نه تنها در دروس این دانشگاه تغییر صورت ندرفته بلکه بغمه های ارتجاعی دیگری نیز در آن اوج میگردد که روح هراسان آزاده و دوراندیش را میآزارد . آری عده ای از مسوعین دانشگاه اعلام کرده اند که برای دانشجویان دختر مکان جدا گانه ای در نظر گرفته اند و دانشجویان دختر حق انتخاب واحد یا سایر دانشجویان را ندارند .

یاران دانشگاهی ، حامیان این طرح چه کسانی هستند ؟

زمانی که دختران دانشجوی دوشادوش دیگر زمندگان راه حق و آزادی - و بقول پدر شهیدمان آیت الله طالقانی ، دلدادگان مکتب قرآن - پرشورترین حماسه ها را در شهدا نگاهها می سرودند و رگبار مسلسلهاشان قلب حامیان آمریکائی شاه را سوراخ سوراخ می کرد و یا بیگر مطهر خودشان در کوچه ها ، در خیابانها و بالای چوچه های دار و پا در زیر شکمجه های دژخیمان بخون می غلطید و یا سلولهای نمناک و تاریک زندانها را بغاطر رضای خدا و رهائی خلق سالها بجان می خریدند ، اینها با بهائیت مبارزه (۱) می کردند .

اطلاعیه شورای دانشجویی دانشگاه شهید

رونوشت جهت سرپرست دانشگاه شهید

رونوشت جهت سرپرست دانشکده الهیات

رونوشت جهت روزنامه بامداد

بنام خدا

بد نبال تصمیم دانشگاه شهید مبنی بر لغو شرط جنسیت از ضوابط پذیرش دانشجو و گزینش دانشجوی دختر در دانشکده الهیات که بدون شک قدمی مؤثر در برپاداشتن سدیهای رشد استفاد‌های عالیه خواهان که برآیند تا در زمینه‌های فلسفه و فقه و... ایلامه تحصیل دهند می‌باشد، نغمه جدایی محل درس خواهران از برادران از جانب عناصر و جریاناتی که اسلام را چون پوستین وارونه می پوشیده‌اند سازگشته است. و برای خواهرانی که می‌خواسته‌اند در این دانشکده درس بگیرند مزاحمتها ایجاد کرده‌اند. اقدام فرمالیستی اینان توهینی مستقیم به خواهران و برادران مسلمانی است که در کنار توده‌های مردم، پشت سر رهبر انقلاب اسام خمینی به میدان رزم شناختند و سد دیکتاتوری را از میان برداشتنند و اینکه آمده‌اند تا در ادامه رسالت مکتبشان برای استمرار انقلاب در این سنگر موضع بگیرند. اینان در گذشته نیز بر این عقیده بودند که زن را به مبارزه چکار ؟ اصلاً جهاد از گردن زن برداشته شده است بنابراین باید در خانه بنشینند و بچه داری و شوق‌داری کنند. اما وقتی رزحانیت مبارز و سایر انقلابیون و در رأس همه ائمه‌ها امام خمینی هوشیارانه با تأیید مبارزات زنان قهرمان شست مگکی بر دهان یاره گریشان کوییدند. این مرحله عقب نشینی کرده و برنامه جدیدی را طراحی کردند قابل توجه اینکه در اعلامیه‌ای بنام اکثریت دانشجویان دانشگاه شهید از این اقدام مرجعان تحت عنوان اقدام اسلامی انقلابی و پشتیبانی نموده‌اند، اما از آنجائی که "لا یحیی المکر السی الا باهله" و "ان کید الشیطان کان ضعیفا" (قرآن مجید) تائید می‌شود که استتسبل اعلامیه از اطساق است. هوشیاری عده‌ای خواهران و برادران دانشجو سبب می‌شود که استتسبل اعلامیه از اطساق پلی کبی، یعنی نویس آن از اطساق تاییب دانشکده الهیات پیدا شود و نویسنده آن که عنصر راستگرای از همین دانشکده بوده است شناخته گردد. جالب اینکه در این اعلامیه اقدامات کسانی را که در بحبوحه قیام خلق با آتش زدن اتوموسها، خوابگاهها و سلف سرویسهای دانشگاه تهران (با نغمه جدایی دختر و پسر) همکاری مستقیم با جما قدران رژیم خائن پهلوی کردند سرسشق قرار داده و آن را قدمهایی جهت نفی حاکمیت فرمشت استعماری قلمداد کرده‌اند (چه راه حل بکر و انقلابی ای () غافل از اینکه همینها گاهی نیز در سلسله اسید پاشان بر چهره زنان ظاهران برای نابودی فرهنگ عربی و واقعا برای خدشه دار کردن حیثیت اسلام عمل میکرده‌اند. و اینچنین از نام اکثریت دانشجویان در راه هدف شوم خویش استفاده می نمایند. لذا نظر مسئولان دانشگاه و خواهران و برادران دانشجو را به نکات زیر جلب می کنیم: از آنجا که

۱- بنا بر مبنای ایدئولوژی اسلامی خویش و به لحاظ رسالتی که نمایندگی دانشجویان بسر

دوشمان می‌گذارد.

۲- برای خواهران رسالتی به سنگینی رسالت برادران در تداوم بخشیدن انقلاب

و پهنسیناس خون شهیدان گلگون کفن تا علیم.

۳- طرح این مسأله از جانب افراد و جریانی که هیچگونه پیوندی با اسلام اصیل (تشیع

علوی و تسمن محمدی) ندارند عنوان گردیده و غیر انسانی و تبعاً غیر اسلامی است.

۴- هرگونه طرحی که بدون حضور نمایندگان شورای دانشجویی باشد بخودی خود مردود است.

بریده جراید

بازتاب مسایل زنان در نشریات چپ مستقل آیندگان، پیغام امروز، آهنگر

ممنوعیت پخش ترانه با صدای زنان

● سرانجام قطعی شد زنان نه تنها در هیچیک از برنامه های تولیدی تلویزیون نخواهند بود ، صدایشان نیز در هیچ ترانه ای شنیده نخواهد شد . پیش از این با رفتن قطب زاده به تلویزیون - تنها یکبار ترانه ای با صدای الهه از رادیو پخش شد و بعد قرار شد از خوانندگان فقط صدای گلچین ، شجریان و پریسا پخش شود و بس .

محافل پنهان خبر می دهند دیروز پس از بازگشت مسئول موسیقی رادیو از قم روشن شد که پریسا نیز از این فهرست حذف شده است و بنابراین دیگر ترانه ای با صدای زنان از رادیو تلویزیون پخش نخواهد شد .

این محافل گفتند مگری که به عنوان مسئول موسیقی در سازمان رادیو تلویزیون منصوب شد - همان سمتی که هوشنگ ابتهاج قبلا داشت - پیش از این نیز دوموومان از دو سنفونی بتهوون را نیز غیر قابل پخش دانسته است .

انقلاب ورزشی بدست مهره‌های دپروز!

چند روز پیش گروهی از دست‌انگیزان بدست‌های خود را در تهران و تبریز و ارومیه و سایر شهرهای ایران به نمایش گذاشتند. گروهی از زنان ورزشکاران در این نمایشگاه شرکت کردند و با لباس‌های ورزشی خود در مقابل تماشاگران ایستادند. این نمایشگاه در تهران در روزهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ بهار ۱۳۴۰ در محل نمایشگاه بین‌المللی ایران برگزار شد. در این نمایشگاه گروهی از زنان ورزشکاران در این نمایشگاه شرکت کردند و با لباس‌های ورزشی خود در مقابل تماشاگران ایستادند. این نمایشگاه در تهران در روزهای ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ بهار ۱۳۴۰ در محل نمایشگاه بین‌المللی ایران برگزار شد.

نقطه نظرای گروه متخصصین دموکراتیک ورزش

گروه متخصصین دموکراتیک ورزش، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «در این نمایشگاه، ما شاهد یک تحول بزرگ در ورزش ایران هستیم. این تحول، نتیجه تلاش‌های گروهی از زنان ورزشکاران است که با وجود مشکلات فراوان، موفق شدند تا در این نمایشگاه شرکت کنند. ما معتقدیم که این نمایشگاه، نقطه عطفی در تاریخ ورزش ایران است و ما امیدواریم که این تحول، به سایر ورزشکاران نیز منتقل شود.»

ورزشی

نخستین مصاحبه رهبران تازه ورزش دختران در حصار، ورزش خواهند کرد

بودجه سازمان ورزش ۲۷۵ میلیون تومان بودجه انجمن سلطنتی اسپ ۸۰ میلیون تومان

انجمن سلطنتی اسپ، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با بودجه ۸۰ میلیون تومانی، می‌توانیم اقدامات لازم را برای توسعه ورزش دختران در حصار، انجام دهیم. ما امیدواریم که این اقدامات، به نفع ورزشکاران باشد.»

نخستین مصاحبه رهبران تازه ورزش

دختران در حصار، ورزش خواهند کرد

بودجه سازمان ورزش ۲۷۵ میلیون تومان بودجه انجمن سلطنتی اسپ ۸۰ میلیون تومان

انجمن سلطنتی اسپ، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با بودجه ۸۰ میلیون تومانی، می‌توانیم اقدامات لازم را برای توسعه ورزش دختران در حصار، انجام دهیم. ما امیدواریم که این اقدامات، به نفع ورزشکاران باشد.»

تیم وزنه برداری ایران به شوروی می‌رود

تیم وزنه برداری ایران به شوروی می‌رود

تیم وزنه برداری ایران، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با تیمی قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

تیم وزنه برداری ایران، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با تیمی قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

قلم باقاصص؟

دکتر پرویز اریستو، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با قلمی قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

قلم باقاصص؟

دکتر پرویز اریستو، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با قلمی قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

نام‌های آیدگان

ملت کمته داد نازاری هم بیان کرد، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با نام‌های قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

نام‌های آیدگان

ملت کمته داد نازاری هم بیان کرد، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با نام‌های قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

رسیدگی به اموال توسط کمیته انقلاب

کمیته انقلاب، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با رسیدگی به اموال، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

رسیدگی به اموال توسط کمیته انقلاب

کمیته انقلاب، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با رسیدگی به اموال، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

مسئول این خوسره‌ها کیست؟

مسئول این خوسره‌ها کیست؟، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با مسئولان قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

مسئول این خوسره‌ها کیست؟

مسئول این خوسره‌ها کیست؟، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با مسئولان قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

پیام

پیام، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با پیام قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

پیام

پیام، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با پیام قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

پیام

پیام، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با پیام قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

پیام

پیام، در این باره اظهار نظر کرده و می‌گوید: «ما در این باره با گروه متخصصین دموکراتیک ورزش توافق کرده‌ایم. ما معتقدیم که با پیام قدرتمند، می‌توانیم در مسابقات بین‌المللی، موفق باشیم.»

گفتگو بایات و البالیست پیشین ایران

بانوان عملاً از شرکت در مسابقه‌های بین‌المللی محروم شده‌اند

انگیزه ، مهم‌ترین عامل جذب جوانان به میدان های ورزشی است یک جوان قبل از هر چیزی برای ارائه و نمایش شایستگی های خود قدم به میدان های ورزشی می گذارد ، محیطی که در آن بتواند اعتماد ها و برتری های نهفته خود را نمایش بگذارد و درمورد ورزش انگرز مشترک در مسابقه های داخلی و خارجی با حشمت سر تماشاچی است و اگر انگیزه از ورزش گرفته شود باید فاتحه ورزش را خواند و در مسورد

ورزش بانوان عملاً این انگیزه گرفته شده است همان طور که همه می دانند برمه‌دان های رسمی و بین‌المللی پوشیدن شورت و پیراهن ورزشی اجباری است و طایق گننه شامه‌سینی منوریت موقت سازمان ورزش ، بانوان نمی توانند بسا چنین پوششی در میدان ها حاضر شوند و به این ترتیب عملاً حق شرکت در مسابقه های رسمی و بین‌المللی را نتوانند داشت . این مازا خانم اعظم مشه که از اولیالیست های پیشین و سطح بالای ایران است و مایسل بود که نام فانیلیش محفوظ بهانه بر ایستادی گلگزی خود با آیدنگان برمه‌ان گذارد ، وی که روی مشخص با منوریت جدید ورزش بود اظهار

بکلی نومید شدم

مقاله «همه غیر مذهبی‌ها کمونیست نیستند» را من نوشتم

بعد مستحوی وزارت معوق آمریکا گنت آمریکا معوق برانستای برای خارج کردن تجهیزات نظامی خود از ایران ندارد. وی افزود: «تاکنون از اسبخت تجهیزات آمریکایی در ایران از جمله هواپیماهای جنگنده اف۱۰۵ واقعی است. اما وی میان تجهیزات نظامی آمریکایی و تجهیزات شناسایی که سازمانهای جاسوسی آمریکایی در ایران دارند فرق گذاشت و حاضر نمید دربارہ تجهیزات نظامی سخن بگوید.

دانشگاهیان دانشگاه آزاد: تهدید زنان بی‌چادر را محکوم کردند

تهدید زنان بی‌چادر سازمان ملی دانشگاهیان ایران (دانشگاه آزاد ایران) روز گذشته طی بیانیه‌ای تهدیدهای اخیر را در مورد آتش‌زدن و اسیدپاشی نسبت به زنان بی‌چادر محکوم کردند. در این بیانیه آمده است: «انتشار بیانیه افشاگرانه زنان مجاهد در رابطه با برخی حرکات ناآگاهانه گروه‌های پراکنده، همانند تهدید زنان و دختران بی‌چادر و آتش‌زدن و جاسوقتی و اسیدپاشی که در حقیقت ناشی از عدم آگاهی آنها و تأثیر تبلیغات خاکبانه عناصر مزدور می‌باشد رنگ خطر تازمای را بسفا در آورد. نقشی زنان ایران در مبارزات ملی علیه استبداد و استثمار، از آغاز جنبش مشروطیت تا به امروز که جریانهای گوناگون مبارزاتی را شاهد بودیم، انکارناپذیر است. جمع بیشماری از زنان ایران با شکل، لباس و دیدگاههای متفاوت همگام با برادران خود در سالهای سیاه اخیر دیرانه شهید شده و یا رنج زندان و شکنجه را بجان خریدند. ستار این بسی در جور نگاه داشتن این نیروی مطیع از محنته مبارزات ملت ایران به

تضارک و تصوراته حاصله از دیده و دو مرد که طاغوتی رساند و به ایران استلائی حام مثل ویدگان و پیروزی حکومت لئالیسبه و حمای و جوامع و جنس و مشرق و مگر میر نهضت ت عزیز نقضانی انتظار سخاوت می که تباری بی‌گونه جرمی و سانی و داده و آرام

الفانی نصر ۱۳۶۹

سازمان ملی دانشگاهیان ایران (دانشگاه آزاد ایران)

نام جدید سازمان خدمات اجتماعی

طبق تصمیم ستاد مرکزی سازمان ملی و خدمات اجتماعی (شاهنشاهی سابق) نام سازمان تغییر یافت.

تکامل - انتشارات ۱۱ شماره - ۳۳۰ سالروزنامه

ورزشی

کتابی باغی در دهان:

داود نصیری، کنار گذاشته شد

چرا واتی که ادبی مورد، همه بایاد نشد

پس از آنکه در روزهای گذشته با ادبی...

ایران فقط «تیران» نیست و مری به هم قسط...

چند روز پیش در تهران جنون و افراط...

تظاهر کنندگان با حجاب حاضرند بالباس ورزشی بپایند!؟

در همان زمان هر چند از تیران جوان آذربایجان آمده بودند

پس از آنکه در روزهای گذشته با ادبی...

در روزهای گذشته با ادبی مورد، همه بایاد نشد...

دوشنبه چیزی در ذهنمان ما زانیده شد

تا به روز دوشنبه، در ذهنم هیچ چیز...

منتظر جواب هستم

روزنامه معلوم عنوان: «مطالبی در خصوص...

آنها که ازده دست نیست

چون اگر کسی در این روزها...

نگوید عقب نشینی از تن جنبه تا تکنیکی داشته

در روزهای گذشته با ادبی مورد، همه بایاد نشد...

شما که خیر خواه روسیان هستید چرا؟

روزنامه «تیران»...

تکلیف غم‌نمیزی از تن جنبه تا تکنیکی داشته

در روزهای گذشته با ادبی مورد، همه بایاد نشد...

تکلیف غم‌نمیزی از تن جنبه تا تکنیکی داشته

در روزهای گذشته با ادبی مورد، همه بایاد نشد...

وزارت کشاورزی تضمین کننده شکست ماموقیت انقلاب است

چهارشنبه ۱۶ آگست ۱۳۷۷
شماره ۳۳۳ - سالوزیم - ۲۵ بهار ۱۳۷۷

در روز زر گداشت مسئول افراد نیرو هوایی مأمور امنیت شیر شد

دولت مطلقا محدودیتی برای مطبوعات قائل نیست - امیر انتظام

امیر انتظام مسئول امنیت مطبوعات و مطبوعات، در جلسه‌ای که در روز شنبه در تهران برگزار شد، اظهار داشت که دولت مطلقا محدودیتی برای مطبوعات قائل نیست و مطبوعات را در جهت فعالیت خودسراخ جلو می‌کشد.

بر پائی اجتماع سیاسی دردانشگاه تهران ممنوع شد

پرونده‌های سیاسی روزانه در مجازات استادیوم تهران ممنوع شد. امیر انتظام در جلسه‌ای که در روز شنبه در تهران برگزار شد، اظهار داشت که اجتماعات سیاسی در دانشگاه تهران ممنوع است.

درصحنه‌های دیگر

- امیر اندو به سفر پشت تخت کارگرم کرد (ممنوع است - خبرگزاری)
- سوه استفاده از نام خانوادگی در مطبوعات ممنوع شد (ممنوع است - خبرگزاری)
- وزارت معاش تعیین تکلیف شد (ممنوع است - خبرگزاری)
- موجبات خوراکی (ممنوع است - خبرگزاری)
- انتقال مطبوعات و مطبوعات (ممنوع است - خبرگزاری)
- محل های زنجبیلی ۱۳۱ (ممنوع است - خبرگزاری)
- خودمختاری بازارهای مالی ایران (ممنوع است - خبرگزاری)



فرماندهی کل گتک (ممنوع است - خبرگزاری)
فرماندهی کل گتک (ممنوع است - خبرگزاری)
فرماندهی کل گتک (ممنوع است - خبرگزاری)

سوء استفاده از تجاعی از نام اسلام را تحمل نخواهیم کرد

چهارشنبه ۱۲ صفحه ۱۲

جامعه سوسیالیستهای نضت ملی ایران از جبهه ملی جدا شد

شکاف افتاد

جامعه سوسیالیستهای نضت ملی ایران از جبهه ملی جدا شد. این گروه اعلام کرد که به دلیل سوء استفاده از نام اسلام و تجاعی از نام اسلام، از جبهه ملی جدا شده است.

تحصن کارگران در وزارت کار

وزارت کار اقداماتی را برای تحصن کارگران در نظر گرفته است. این اقدامات شامل بهبود شرایط کاری و افزایش حقوق کارگران است.

بنی احمد به دستور دادستان بازداشت شد

بنی احمد به دستور دادستان بازداشت شد. این اقدام در پی گزارشات مبنی بر فعالیت‌های غیرقانونی انجام شده است.

روز بین المللی زن در دانشگاه تهران

روز بین المللی زن در دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم، به نقش زنان در جامعه و دانشگاه پرداخته شد.

مذاکرات برای فروش نفت آغاز شد

مذاکرات برای فروش نفت آغاز شد. این مذاکرات در جهت افزایش قیمت نفت و بهبود شرایط اقتصادی کشور است.

تسهیلات برای مسافران خارج از کشور

تسهیلات برای مسافران خارج از کشور افزایش یافته است. این تسهیلات شامل تخفیف در قیمت بلیت‌ها و خدمات مسافرتی است.

جرمهای فدائی خلق: تفرقه افکنی کمک به امپریالیسم و از تجاعی است

جرمهای فدائی خلق: تفرقه افکنی کمک به امپریالیسم و از تجاعی است. این اتهامات در پی فعالیت‌های فتنه‌آمیز این گروه است.

فروغ فرخ ایلخانی

فروغ فرخ ایلخانی، نویسنده و روزنامه‌نگار، در مقاله‌ای به بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی پرداخته است.

فدائیسازان انقلاب از سوی نخست وزیر از عتقخواهی کره

بنی احمد آزاد شد

۱۲ صفحه ۱۲ شماره ۳۳۷ - ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ - ۱۰ ریل

آیندگان

کمیته‌های انقلاب حق ندارد در عزل و نصب مقامهای دولتی و خصوصی دخالت کند

آیت‌الله العظمی خنئی:
ملت عدالت می‌خواهد نه کاخ
اگر انقلاب قدم به قدم میرفت، درصاف قدمی اول
یاها را می‌توانستند
دولتی که می‌گوید دولت اسلامی‌هاست نباید همتانوری
باشد که در زمان محمد رضا خان بود
بر همه امضا

انقلاب اسلامی

شورای عالی انقلاب اسلامی
اعضای شورا
شورای عالی انقلاب اسلامی
شورای عالی انقلاب اسلامی
شورای عالی انقلاب اسلامی

اختیارات کمیته‌های انقلاب محدود شد

دستگیری تجزیم سیاسی یا
خباتکاران رژیم سابق باید با اجازه
کمیته مرکزی باشد
کسانیکه مقرر است از این‌ها در رایجات
تحت تعقیب قرار خواهند گرفت

بهره‌کشی بانکها بدتر از استثمار است - طالقانی

مهم‌تر از بهره‌کشی تجزیم سیاسی است
بصرف از بهره‌کشی تجزیم سیاسی
بصرف از بهره‌کشی تجزیم سیاسی

انقلاب اسلامی

شورای عالی انقلاب اسلامی
اعضای شورا
شورای عالی انقلاب اسلامی
شورای عالی انقلاب اسلامی

بهره‌کشی بانکها بدتر از استثمار است - طالقانی

مهم‌تر از بهره‌کشی تجزیم سیاسی است
بصرف از بهره‌کشی تجزیم سیاسی
بصرف از بهره‌کشی تجزیم سیاسی

بهای نفت همچنان رو به افزایش است

عراق و لیبی بر بای نفت گفت خود افزودند

عراق و لیبی بر بای نفت گفت خود افزودند
عراق و لیبی بر بای نفت گفت خود افزودند
عراق و لیبی بر بای نفت گفت خود افزودند

قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس

قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس
قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس
قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس

فکر می‌کنم امروزه موسی صدر مرده

فکر می‌کنم امروزه موسی صدر مرده
فکر می‌کنم امروزه موسی صدر مرده
فکر می‌کنم امروزه موسی صدر مرده

قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس

قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس
قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس
قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس

دخیره‌خیزی کشور فقط برای ۳۳ روز باقی است - یزدی

دخیره‌خیزی کشور فقط برای ۳۳ روز باقی است - یزدی
دخیره‌خیزی کشور فقط برای ۳۳ روز باقی است - یزدی
دخیره‌خیزی کشور فقط برای ۳۳ روز باقی است - یزدی

قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس

قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس
قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس
قدرت نمایی امریکا در خلیج فارس



تولید کاشی بافته است

دراخه ۴ سواپی درباره استعفا دولت:

فعال حرفی برای گفتن نذارم - بازرگان

(در صفحه اول)



مطلب برای بدست آوردن - میناجی

آیندگان

شبهه - ۱۶ اسفند ۱۳۴۷ شماره ۳۳ - سالروز زاده - ۱۶ دیال صفحه ۱۲

کمونست‌ها هم باید جمهوری اسلامی بخواهند

حکومت متکی بر ملت تصویف نخواهد شد

آینده العنلی خمینی:

پس از ۲ روز راهپیمایی، امروز در دادگستری اجتماع می‌کنند

تظاهرات زنان به خشونت گشاده شد

دستور امام برای جلوگیری از مزاحمت به زنان

خبرگزاری‌ها می‌گویند که در تهران و سایر شهرها تظاهرات زنان به خشونت گشاده شد. در جریان این تظاهرات، زنان با شعارهای تند و تازیانه‌ها به تظاهرات گشاده پرداختند. در این میان، دستور امام برای جلوگیری از مزاحمت به زنان، مورد توجه قرار گرفته است.

در چندین مدرسه دخترانه این تظاهرات با حضور دانش آموزان باحجاب و بی‌حجاب برگزار شد. در این میان، برخی از دانش آموزان بی‌حجاب با تازیانه‌ها به تظاهرات گشاده پرداختند. در این میان، دستور امام برای جلوگیری از مزاحمت به زنان، مورد توجه قرار گرفته است.

روزنامه نگاران باید عقاید خود را با صراحت بگویند. در این میان، روزنامه نگاران باید عقاید خود را با صراحت بگویند. در این میان، روزنامه نگاران باید عقاید خود را با صراحت بگویند.

استادان آزاد شدن متهم به قتل نجف‌الهی اعتراض کردند. در این میان، استادان آزاد شدن متهم به قتل نجف‌الهی اعتراض کردند. در این میان، استادان آزاد شدن متهم به قتل نجف‌الهی اعتراض کردند.

آمریکایی‌ها هواپیمای جاسوسی آواکس به عربستان داد. در این میان، آمریکایی‌ها هواپیمای جاسوسی آواکس به عربستان داد. در این میان، آمریکایی‌ها هواپیمای جاسوسی آواکس به عربستان داد.

مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز. در این میان، مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز. در این میان، مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز.

رضای پهلوی ترک تحصیل کرد. در این میان، رضای پهلوی ترک تحصیل کرد. در این میان، رضای پهلوی ترک تحصیل کرد.

فروش فوق العاده شلوار. در این میان، فروش فوق العاده شلوار. در این میان، فروش فوق العاده شلوار.



مطلب برای بدست آوردن - میناجی

مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز

در این میان، مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز. در این میان، مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز.

رضای پهلوی ترک تحصیل کرد. در این میان، رضای پهلوی ترک تحصیل کرد. در این میان، رضای پهلوی ترک تحصیل کرد.

فروش فوق العاده شلوار. در این میان، فروش فوق العاده شلوار. در این میان، فروش فوق العاده شلوار.

آمریکایی‌ها هواپیمای جاسوسی آواکس به عربستان داد

در این میان، آمریکایی‌ها هواپیمای جاسوسی آواکس به عربستان داد. در این میان، آمریکایی‌ها هواپیمای جاسوسی آواکس به عربستان داد.

مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز. در این میان، مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز.

رضای پهلوی ترک تحصیل کرد. در این میان، رضای پهلوی ترک تحصیل کرد. در این میان، رضای پهلوی ترک تحصیل کرد.

فروش فوق العاده شلوار. در این میان، فروش فوق العاده شلوار. در این میان، فروش فوق العاده شلوار.

مطلب برای بدست آوردن - میناجی

مطلب برای بدست آوردن - میناجی

در این میان، مطلب برای بدست آوردن - میناجی. در این میان، مطلب برای بدست آوردن - میناجی.

مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز. در این میان، مذاکرات مهم ایران و پاکستان درباره مسائل روز.

رضای پهلوی ترک تحصیل کرد. در این میان، رضای پهلوی ترک تحصیل کرد. در این میان، رضای پهلوی ترک تحصیل کرد.

فروش فوق العاده شلوار. در این میان، فروش فوق العاده شلوار. در این میان، فروش فوق العاده شلوار.

مطلب برای بدست آوردن - میناجی

مطلب برای بدست آوردن - میناجی

مطلب برای بدست آوردن - میناجی

مطلب برای بدست آوردن - میناجی

خبرهای خارجی

هوای پنهانهای یمن جنوبی، یمن شمالی را بیماران کردند

صفحه نخست اخبار، در گزارشی تازه، می‌نویسد که هوای پنهانهای یمن جنوبی، یمن شمالی را بیماران کردند. این گزارش در پی آن است که در این کشور، بیماری‌های خطرناکی در حال گسترش است. در این کشور، بیماری‌های خطرناکی در حال گسترش است. در این کشور، بیماری‌های خطرناکی در حال گسترش است.



پراکنش نیروهای ارتش در استان یمن جنوبی

تظاهرات و راهپیمایی زنان دردناکانه تهران، میدان آزادی و محوطه رادو تلویزیون

تظاهرات و راهپیمایی زنان در تهران، میدان آزادی و محوطه رادو تلویزیون. این تظاهرات به مناسبت روز جهانی زنان برگزار شد. شرکت‌کنندگان خواستار برقراری برابری حقوقی و اجتماعی شدند.

هیچ کشور به تئالی نی توان آمدن خلیج فارس را تضمین کند

هیچ کشور به تئالی نی توان آمدن خلیج فارس را تضمین کند. این بیانیه در پی تنش‌های منطقه‌ای صادر شد. مقامات منطقه‌ای بر اهمیت امنیت خلیج فارس تأکید کردند.

باستادگیری تکنیک

باستادگیری تکنیک. این بخش به آموزش و یادگیری مهارت‌های جدید می‌پردازد. یادگیری تکنیک‌های نوین برای پیشرفت در هر زمینه‌ای ضروری است.

قیم نگاه

قیم نگاه. این بخش به بررسی مسائل اقتصادی و اجتماعی می‌پردازد. نگاه دقیق به قیمت‌ها و بازارها برای تصمیم‌گیری صحیح ضروری است.

در انتظار سه شنبه

در انتظار سه شنبه. این بخش به اخبار و رویدادهای آینده می‌پردازد. منتظر اخبار سه شنبه باشید.

آخر خراسان تا نادیم

آخر خراسان تا نادیم. این بخش به اخبار منطقه خراسان می‌پردازد. آخرین اخبار از خراسان تا نادیم.

هککاری نزدیک حکومت

هککاری نزدیک حکومت. این بخش به اخبار امنیتی و هک‌ها می‌پردازد. هک‌های نزدیک به حکومت.

انقلابی با بی او او

انقلابی با بی او او. این بخش به اخبار سیاسی و انقلابی می‌پردازد. اخبار انقلابی با بی او او.

زنان از حقوق

زنان از حقوق. این بخش به اخبار حقوق زنان می‌پردازد. زنان از حقوق خود محروم نیستند.

دومین گشتار مسلمانان در چاد

دومین گشتار مسلمانان در چاد. این گزارش به خشونت‌ها در منطقه می‌پردازد. دومین گشتار مسلمانان در چاد.

مبارزه برای ایجاد کلاس اسلامی در افغانستان

مبارزه برای ایجاد کلاس اسلامی در افغانستان. این بخش به تلاش‌های مذهبی در افغانستان می‌پردازد. مبارزه برای ایجاد کلاس اسلامی در افغانستان.

کارتز اعتراف کرد در تلاشهای شکست خورده است

کارتز اعتراف کرد در تلاشهای شکست خورده است. این بخش به اخبار مربوط به کارتز می‌پردازد. کارتز اعتراف کرد در تلاشهای شکست خورده است.

وتنام چین را به توپخانه برای ضمیمه کردن لائوس متهم کرد

وتنام چین را به توپخانه برای ضمیمه کردن لائوس متهم کرد. این بخش به تنش‌های منطقه‌ای می‌پردازد. وتنام چین را به توپخانه برای ضمیمه کردن لائوس متهم کرد.

سران نظامی جای سران ایرانی

سران نظامی جای سران ایرانی. این بخش به اخبار سیاسی می‌پردازد. سران نظامی جای سران ایرانی.

سران نظامی جای سران ایرانی

سران نظامی جای سران ایرانی. این بخش به اخبار سیاسی می‌پردازد. سران نظامی جای سران ایرانی.

سران نظامی جای سران ایرانی

سران نظامی جای سران ایرانی. این بخش به اخبار سیاسی می‌پردازد. سران نظامی جای سران ایرانی.

سران نظامی جای سران ایرانی

سران نظامی جای سران ایرانی. این بخش به اخبار سیاسی می‌پردازد. سران نظامی جای سران ایرانی.

سران نظامی جای سران ایرانی

سران نظامی جای سران ایرانی. این بخش به اخبار سیاسی می‌پردازد. سران نظامی جای سران ایرانی.

سادات پیشنهادهای بگیرین را پذیرفت

مهر و اسیران رهاست
فرار گرفتند



انوان دوروز باقر تکسر، راهپیمایان محبوس، کوه دیزو، این بار به نوبه جان امریکا

ایلم ای. وانداچ، پهلوانی از شاه گرفت - امیر انتظام

دولت مدارک رشوه گیری کند

«نایم» را منتشر می کند

ایلم ای. وانداچ، پهلوانی از شاه گرفت - امیر انتظام

دولت مدارک رشوه گیری کند

«نایم» را منتشر می کند

اعراب خوزستان تجزیه به طلب نیستند

اعراب خوزستان تجزیه به طلب نیستند

اعراب خوزستان تجزیه به طلب نیستند

تخصن خانواده های زندانیان در داد استری

تخصن خانواده های زندانیان در داد استری

تخصن خانواده های زندانیان در داد استری

آیندگان

۱۲ صفحه
شماره ۲۲ - چهارشنبه ۱۳۷۵
۲۲ - سالروز زاهد - به ۲۴ روز

به دعوت دانشجویان مسلمان صدها هزار تن دیروز از دانشگاه به سوی سفارت آمریکا راه افتادند

راهپیمائی اعتراض عیبه توپخانه های آمریکا

باجود مذاکرات دولت ایران با معاون مرزی انگلیس
پایر اینان بخشوت رفتار می کنند

اعتراض شدید وزارت خارجه به دولت انگلیس

وزارت خارجه به دولت انگلیس اعتراض شدید وزارت خارجه به دولت انگلیس

ایران از شورای امنیت مجازات انس ائیل را خواست

ایران از شورای امنیت مجازات انس ائیل را خواست

۱۲ عامل رژیم پیشین تیرباران شدند

۱۲ عامل رژیم پیشین تیرباران شدند

شرکت در احزاب اسلامی وظیفه اسلامی و ملی است

شرکت در احزاب اسلامی وظیفه اسلامی و ملی است

هشدار مجاهدین خلق در باره سوء استفاده از اعتراض زنان

هشدار مجاهدین خلق در باره سوء استفاده از اعتراض زنان

پیام سازمان مجاهدین به جنبه دمو کراتیک ملی

پیام سازمان مجاهدین به جنبه دمو کراتیک ملی

بازرگان استغفای سنجابی را تأیید نکرد

بازرگان استغفای سنجابی را تأیید نکرد

خروج فیلمهای خبری از کشور متوقف شد

خروج فیلمهای خبری از کشور متوقف شد

۲۲۰۰ سلسله میکروشرکت سازی کز میوسان راهی

۲۲۰۰ سلسله میکروشرکت سازی کز میوسان راهی

به نظامیان حق رای داده می شود

به نظامیان حق رای داده می شود

اعراض شدید وزارت خارجه به دولت انگلیس

اعراض شدید وزارت خارجه به دولت انگلیس

ایران از شورای امنیت مجازات انس ائیل را خواست

ایران از شورای امنیت مجازات انس ائیل را خواست

۱۲ عامل رژیم پیشین تیرباران شدند

۱۲ عامل رژیم پیشین تیرباران شدند

شرکت در احزاب اسلامی وظیفه اسلامی و ملی است

شرکت در احزاب اسلامی وظیفه اسلامی و ملی است

هشدار مجاهدین خلق در باره سوء استفاده از اعتراض زنان

هشدار مجاهدین خلق در باره سوء استفاده از اعتراض زنان

پیام سازمان مجاهدین به جنبه دمو کراتیک ملی

پیام سازمان مجاهدین به جنبه دمو کراتیک ملی

بازرگان استغفای سنجابی را تأیید نکرد

بازرگان استغفای سنجابی را تأیید نکرد

ایران از شورای امنیت مجازات انس ائیل را خواست

ایران از شورای امنیت مجازات انس ائیل را خواست

۱۲ عامل رژیم پیشین تیرباران شدند

۱۲ عامل رژیم پیشین تیرباران شدند

شرکت در احزاب اسلامی وظیفه اسلامی و ملی است

شرکت در احزاب اسلامی وظیفه اسلامی و ملی است

هشدار مجاهدین خلق در باره سوء استفاده از اعتراض زنان

هشدار مجاهدین خلق در باره سوء استفاده از اعتراض زنان

مهر و اسیران رهاست
فرار گرفتند
اعراب خوزستان تجزیه به طلب نیستند
تخصن خانواده های زندانیان در داد استری
بازرگان استغفای سنجابی را تأیید نکرد
ایران از شورای امنیت مجازات انس ائیل را خواست
۱۲ عامل رژیم پیشین تیرباران شدند
شرکت در احزاب اسلامی وظیفه اسلامی و ملی است
هشدار مجاهدین خلق در باره سوء استفاده از اعتراض زنان
پیام سازمان مجاهدین به جنبه دمو کراتیک ملی

یادمان جانگان بگذرد از تحمل کیمیا

پوشش نقش ایدئولوژیکی دارد - نینی صدر

ننینی صدر، نویسنده و مترجم ایرانی، در این مقاله به بررسی نقش ایدئولوژیکی در پوشش‌های فشن می‌پردازد. او معتقد است که فشن تنها برای سرگرمی نیست، بلکه ابزاری برای انتقال پیام‌های اجتماعی و فرهنگی است. صدر به بررسی تغییرات در پوشش‌های فشن در طول دهه‌های اخیر می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که این تغییرات بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران است. او همچنین به بررسی نقش فشن در شکل‌دهی به هویت ملی و فرهنگی می‌پردازد و معتقد است که فشن می‌تواند به عنوان ابزاری برای تقویت هویت ملی و فرهنگی استفاده شود.

یک نظر گشته - ۱۰ شمسی زخمی و معان از میهمان مستقر شده

حمله مسلحانه به یادگان جلدیان

در این مقاله، نویسنده به بررسی حمله مسلحانه به یادگان جلدیان می‌پردازد. او به بررسی دلایل این حمله و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که این حمله نشان‌دهنده وضعیت ناآرامی در جامعه است و نیازمند بررسی دقیق‌تر است. او همچنین به بررسی نقش دولت و نهادهای مسئول در این حادثه می‌پردازد و معتقد است که دولت باید اقدامات بیشتری برای جلوگیری از چنین حوادثی انجام دهد.

کمیته‌های ارتکاب زاریات

در این مقاله، نویسنده به بررسی کمیته‌های ارتکاب زاریات می‌پردازد. او به بررسی اهداف و فعالیت‌های این کمیته‌ها می‌پردازد. نویسنده معتقد است که این کمیته‌ها نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند و باید به حمایت از آنها ادامه داد.

مراسم بزرگداشت جریب شهید

در این مقاله، نویسنده به بررسی مراسم بزرگداشت جریب شهید می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این مراسم و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که این مراسم می‌تواند به تقویت روحیه ملی و فرهنگی جامعه کمک کند.

نقشه به افکنان

در این مقاله، نویسنده به بررسی نقش افکنان می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این نقش و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که افکنان نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

توسیع حوزه‌های

در این مقاله، نویسنده به بررسی توسیع حوزه‌های می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این توسیع و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که توسیع حوزه‌ها می‌تواند به ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک کند.

محل وسایل نقلیه ارتش

در این مقاله، نویسنده به بررسی محل وسایل نقلیه ارتش می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این محل و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که این محل می‌تواند به ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک کند.

را اطلاع دهید

در این مقاله، نویسنده به بررسی اطلاع‌رسانی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این اطلاع‌رسانی و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که اطلاع‌رسانی می‌تواند به ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک کند.

اسطوخودوس بیرون زنانه

موضوع حجاب از بی جهت عمده جلوه نمیدهد

در این مقاله، نویسنده به بررسی موضوع حجاب از بی جهت عمده می‌پردازد. او به بررسی دلایل این موضوع و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که حجاب تنها برای سرگرمی نیست، بلکه ابزاری برای انتقال پیام‌های اجتماعی و فرهنگی است. او همچنین به بررسی تغییرات در حجاب در طول دهه‌های اخیر می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که این تغییرات بازتاب‌دهنده تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران است.

دردگسبان

در این مقاله، نویسنده به بررسی دردگسبان می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این دردگسبان و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که دردگسبان نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

یادیدود

در این مقاله، نویسنده به بررسی یادیدود می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این یادیدود و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که یادیدود نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

شهادتی

در این مقاله، نویسنده به بررسی شهادتی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این شهادتی و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که شهادتی نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

نخستین طوار در مخالفت بافشاره

در این مقاله، نویسنده به بررسی نخستین طوار در مخالفت بافشاره می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این طوار و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که این طوار نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

توسعه کارگران حمل‌ونقل

در این مقاله، نویسنده به بررسی توسعه کارگران حمل‌ونقل می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این توسعه و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که توسعه کارگران حمل‌ونقل می‌تواند به ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک کند.

و ستون‌ها

در این مقاله، نویسنده به بررسی ستون‌ها می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این ستون‌ها و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که ستون‌ها نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

ترغاف خوارستار

ورزشی

فوتبال نوجوانان جام انقلاب برای محلات تهران

در این مقاله، نویسنده به بررسی فوتبال نوجوانان جام انقلاب برای محلات تهران می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این فوتبال و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که این فوتبال می‌تواند به ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی جامعه کمک کند.

معاونات خنجرزنی

در این مقاله، نویسنده به بررسی معاونات خنجرزنی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این معاونات و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که معاونات خنجرزنی نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

کمره به تفریبات آید

در این مقاله، نویسنده به بررسی کمره به تفریبات آید می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این کمره و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که کمره به تفریبات آید نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

کمیته‌های ارتکاب زاریات

در این مقاله، نویسنده به بررسی کمیته‌های ارتکاب زاریات می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این کمیته‌ها و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که این کمیته‌ها نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

فرزادیدارهای نیمه

در این مقاله، نویسنده به بررسی فرزادیدارهای نیمه می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این فرزادیدارها و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که فرزادیدارهای نیمه نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

بایان فوتبال جام

در این مقاله، نویسنده به بررسی بایان فوتبال جام می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این بایان و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که بایان فوتبال جام نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

آبانی جانگان ورزشی

در این مقاله، نویسنده به بررسی آبانی جانگان ورزشی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این آبانی و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که آبانی جانگان ورزشی نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

آبانی جانگان ورزشی

در این مقاله، نویسنده به بررسی آبانی جانگان ورزشی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این آبانی و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که آبانی جانگان ورزشی نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

آبانی جانگان ورزشی

در این مقاله، نویسنده به بررسی آبانی جانگان ورزشی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این آبانی و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که آبانی جانگان ورزشی نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

آبانی جانگان ورزشی

در این مقاله، نویسنده به بررسی آبانی جانگان ورزشی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این آبانی و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که آبانی جانگان ورزشی نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

آبانی جانگان ورزشی

در این مقاله، نویسنده به بررسی آبانی جانگان ورزشی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این آبانی و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که آبانی جانگان ورزشی نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

آبانی جانگان ورزشی

در این مقاله، نویسنده به بررسی آبانی جانگان ورزشی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این آبانی و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که آبانی جانگان ورزشی نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

آبانی جانگان ورزشی

در این مقاله، نویسنده به بررسی آبانی جانگان ورزشی می‌پردازد. او به بررسی اهمیت این آبانی و پیامدهای آن می‌پردازد. نویسنده معتقد است که آبانی جانگان ورزشی نقش مهمی در ارتقای آگاهی اجتماعی و فرهنگی دارند.

تقویم: یکشنبه ۲۹ اسفند ۱۳۷۵ - شماره ۱۱ - سالنامه ۳۳ - سالروز زاده شهید

ورزشی

کار ورزش دیدمان ورزش است

اولین بچه‌های جمهوری رافرموش نکنیم

به برای جات ورزش، به سرورزش حجاب نکشیم

رعد افشاری را اختصاص داده به این دسته ...

بازی به مستشار ورزش اداره و بازی به ...

ورزش، به برای بازی با تاز از آسانه با فاخته

با، از مسکن بهای هم به یونی هم ...

ورزشی را از میسه شروع کند و ورزش ...

۴۰ کارگر با حداقل حقوق و وضعی رفعت نگین، عوطهور و دلچین و کانت

و بهن، برای نوکران دربار و مزدوران استعمار اسب آماده می کردند

با حقوقی و حقوقی و حقوقی و حقوقی ...

نام به نام آیدگان

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

باسخ من به خانم واتی در باره حجاب

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

تخصی کلان کاران شرکت

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

دولتمردانی قاطع را برگزینید

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

توضیح از اهان

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

توضیح از اهان

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

پیشنهاد من طور دیگر تغییر شده است

ورزشی و ورزشی و ورزشی و ورزشی ...

شهرستانها

ایندگان - دوشنبه ۲۱ خرداد
۱۳۵۸ - صفحه ۴
شماره ۳۳۷۲ - سال دوازدهم

اعتراض پلاژداران بندر انزلی به طرح زنانه - مردانه کردن دریا

«... دریا آزاد باید گردد»

بندر انزلی - خبرنگار آیندگان - بیش از ۱۰ هزار پلاژدار و کارکنان پلاژ در طول ۲۰ کیلومتر ساحل دریا دریا تکلیفی بسر می‌برند. متجاوز از یک هزار تن از پلاژداران بندر انزلی طی راهپیمایی و تظاهرات آرامی که در این شهر انجام گرفت، مخالفت خود را با طرح جدا کردن دریا به بخش‌های زنانه و مردانه اعلام داشتند. راهپیمایان از خیابان‌های سپه و گلستان عبور کردند و سپس رویه‌سوی میدان اصلی شهر نهادند و در طول راه با شعار «فرمانداران اصلاح باید گردند» دریا آزاد باید گردد» خواستار تعیین تکلیف خود شدند.

خبرنگار ما در رشت بانمایندگان این گروه تماس گرفت و آتان در این دیدار اظهار داشتند: با آنکه هوا رویه گرمی گذاشته، به عکس سایر های پیش کسی برای استفاده از آب دریا مراد نمی‌کند. علت آن بلاتکلیفی و نبودن مقررات است. عدم توجه به این امر باعث شده که مرد دریاخذ تصمیم مرد بمانند و تردید و دوری گروه‌های مختلف بیش از ۱۰ هزار پلاژدار و پلاژها را در یک مسیر ۲۰ کیلومتری ساحل دریا با ضررهای جبران‌ناپذیری مواجه ساخته و این داند که چه باید بکنند.

گزارشی کامل از آنچه در بندر انزلی میگذرد:

طرح جدا سازی ساحل دریا

بندر انزلی را در آستانه یک برخورد جدی قرار داده است

شعار راه پیمایان مخالف:

وقتی تضادهای اصلی جامعه همچنان با پرچاست، نمایندهای منطبق خلاف زدن و جدا سازی دریا، خبیثه شب بازی زهد فروشانه‌ای بیش نیست

هرزه‌باز، چشم‌چراغ‌ها باندال و وقاحت است. بگردد، صحبت طرفدار طرح اسلامی فرماندار، شعار میدهد: از ساحل دریا می‌خورم، سویی نامعلومی ندا کام برسد، و روز دیگر جسمی دیگر، زمانه مردانه کردن دریا را یک کار مسک و ارتجاعی میخوانند و شعار فرماندار انزلی، اصلاح باید گردد» مدهند.

چنگ روسای بساطدهای که در انزلی آغاز شده، علاوه بر فرماندار و کمیته این شهر و پلاژداران، گروههای اجتماعی و سیاسی را نیز میدان کشیده است. از جوانان افراطی که خواستار اجرای سوبویی اسکام اسلامند، تا گروههای روشنگر و آزادخواه تا حزب کارگران سوسیالیست و هواداران چریکیان فدایی و دانشجویان طرفدار بنگاز در راه آزادی شده کارگزاران.

بابا بندر انزلی، در آستانه وقوع یک کشمکش و سرد مائی جدی است. با گروههای سیاسی و مردم عادی انزلی که صحبت سکودیم، بسیاریان چنین خطری را حس می‌کنند، چنگی که اگر جدی بخواند، شروع شود، چنگی برای مخالفت و هیاوهی برای هیچ است. تراستی هیچ را بگذار نظر کشندگان علیه تصمیم فرماندار سنگ:

ما مردمان آزادی هستیم. اصولا مردم علیه شعار، مردمی آرام و سا بواد و

گروههای مسلمان، جوانان آزادخواه، حزب سوسیالیست کارگران، سازمان پیکار، هواداران چریکیان فدایی و طبقات مختلف مردم، بر سر زنانه - مردانه کردن دریا جبهه‌گیری قه‌اند

طرح زنانه - مردانه کردن دریا کارولیس بار حدود سه ماه پیش به فکر فرماندار انزلی (بندر پهلوی سابق) رسید و بر ریسان او جاری شد. بطور خیلی جدی، همه ساخیل بندر ریسای انزلی را تحت‌الشعاع قرار داده است. در حالیکه فرماندار سه‌ساله شیب و

هستند، پلاژداران، صاحبان منازل، جوانان و گروههای سیاسی، همچنان در حال صدور اعلامیه و تشکیل میتینگ و راهپیمایی علیه این تصمیم هستند.

بندر انزلی، در تمامی این سه ماه، هر

آینده‌العلمی حسینی در گورستان بیع بود

آیندگان

۱۲ صفحه

شماره ۹۰ - شماره ۱۱ - سال ۱۳۷۹

از گفتار مردم نمی‌ترسیم هر کس هر چه دارد بگوید

تبدیل معنوی ملت بیرونی را با آزادی دانست

در صفحه ۱۸۱

هیچ اجباری در کار نیست و مساله جادری هم نیست

نمی‌خواهیم بگوئیم زنان به ادارات نروند - طالقانی

دادگستری صحنه تظاهرات زنان شد



آیت‌الله جعفر توافقی

اسلام، قرآن و مراجع دینی می‌خواهند زنان ما شخصیت‌شان حفظ شود

بر حالی که نایب‌رئیس‌جمهوری ایران در حالی که خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی در تهران، در خصوص حجاب زنان، اظهار نظر کرد. او گفت: «ما نمی‌خواهیم زنان را مجبور کنیم که حجاب نکنند، اما می‌خواهیم که حجاب را به عنوان یک عبادت و امر معروف و نهی منکر ببینند. حجاب برای ما یک عبادت است و ما می‌خواهیم که حجاب را به عنوان یک عبادت ببینند و در کار نیست و مساله جادری هم نیست.»

خانمها باید خودشان درباره حجاب تصمیم بگیرند - خاتم

حاج سید جوادی

همسران وزرا در باره حجاب نظر می‌دهند

ماموران کسبها ● تقریباً از تمام سازمانها و ادارات مانع برخورد های خشونت آمیز می‌شوند

امر و زور وزارت خارجه جمع می‌شوند و فردا از دانشگاه تهران به سوی میدان آزادی راهپیمایی خواهند داشت

روزهای گذشته در تهران شاهد اتفاقاتی بودیم که نشانگر آن است که حجاب برای ما یک عبادت است و ما می‌خواهیم که حجاب را به عنوان یک عبادت ببینند و در کار نیست و مساله جادری هم نیست.

ما می‌خواهیم که حجاب را به عنوان یک عبادت ببینند و در کار نیست و مساله جادری هم نیست.

ما می‌خواهیم که حجاب را به عنوان یک عبادت ببینند و در کار نیست و مساله جادری هم نیست.

تلف: ۰۲۱ - ۸۱۲۰۰۰۰۰

حوادث مختلف

افزون بر این تهران دبسروز شاهد بریکوی های خشونت بار دیگری با زنان بود.

● در شامس کبابپارستان داریوش کبیر گرفتیم تکیه شد که پلی از کارکنان عصر بیمارستان که بی حساب بر میدان پلوار روپروی عکاسی اطمین بر حرکت بود مسوره جملی خدای واقع میشده که بر اثر آن دچار طوری شده است - این خاتم پس از ماندن سرپایی به منزلش اعزام شده است.

● در چهار راه پهلوی اول صبا بین دو مرد یکی موافق حجاب و دیگری بظرفداری از زنان زودخورده شیدی روی داد که با مخالفت مردم پایان یافت.

● در خیابان کاخ راننده یک اتوبوس سفید رنگ خط ۸۷ آریا شهر در ساعت ۱۲ ظهر به چند زن حمله کرد اما با تعدد

مقابل زنان راننده از مملکت گرفت.

● در میدان فردوسی زنی بوسه چمانی از نامیه کسر متروح شد که به بیمارستان امیر اهد انتقال یافت. مرتاسی که با بیمارستان گرفتیم این موضوع تکلیف شد.

● روپروی صارت ضروری گرفتگی با چلو و پنجه بکس به تعدادی از زنان حمله کردند که بر این ماجرا چند زن متروح شدند.

با چند تن از زنان و مردانی که در دانشگاهی اجتماع کرده بودند گفتگو کردیم نظر آنها را درباره حجاب جویا شدیم.

● من از طرف جمعیت زنان مبارز صحبت می کنم و معتقدیم که باید با انکاد و محسث و اعتراض های سازمانده با دولت نه گفتگو بپردازیم و امیدواریم که به نتیجه برسیم ولی اکتسز موفق تشویب امکان اعتصاب را هم بررسی خواهیم کرد.

● فریده - معلم - ما از زمان از جمله اشرف دهقان ، فریده اسکویی و ... چنین سر گرفتیم بخاطر مبارزه ما رژیم پهلوی . بخاطر اینکه اتحاد گله داشته بشیم ولی معتقدیم اگر بیسز ضرورت دوباره اعتصاب شود حتما اینکار را خواهیم کرد ولی نه با دستور و بدون تصمیم منوعان.

● غریب - محصل - نظر ما این است که خانها بد برداشت کرده اند و معنای واقعی حجاب را نپسیدند و اگر واقعا مسلمان هستند حجاب معسر سادهای دارد ما نمی گوئیم جبار سرکن و یک چشم را بسوزن بشاز ما نمی گوئیم که حجاب زیاد کلف بیوش ، ما می گوئیم روسری سرکنده و قطه موشان را بپوشاند اگر بتواند نپذیرند خلاف اسلام است و طرد خواهد شد.

● سربایه - خانها در من دستور را فرستادم که برای آزادی مبارزه کند با باید بود

بخورده بپیرد و با آزادی را بخاطر مبارزه با رژیم پهلوی و ایجاد جمهوری اسلامی ، تقوی که آقای خمینی فرموده اند رو

● پرویش - کارمند - چشم سزی یا چادر سرکنندرجایند و دل را برده می باید اصا از مبارزه با عوامل رژیم طاقتوری عفاف چادر بومیده بپسند است که هر زن رضاخانسی همین چادر و روسری را بپروز مسلمان شود

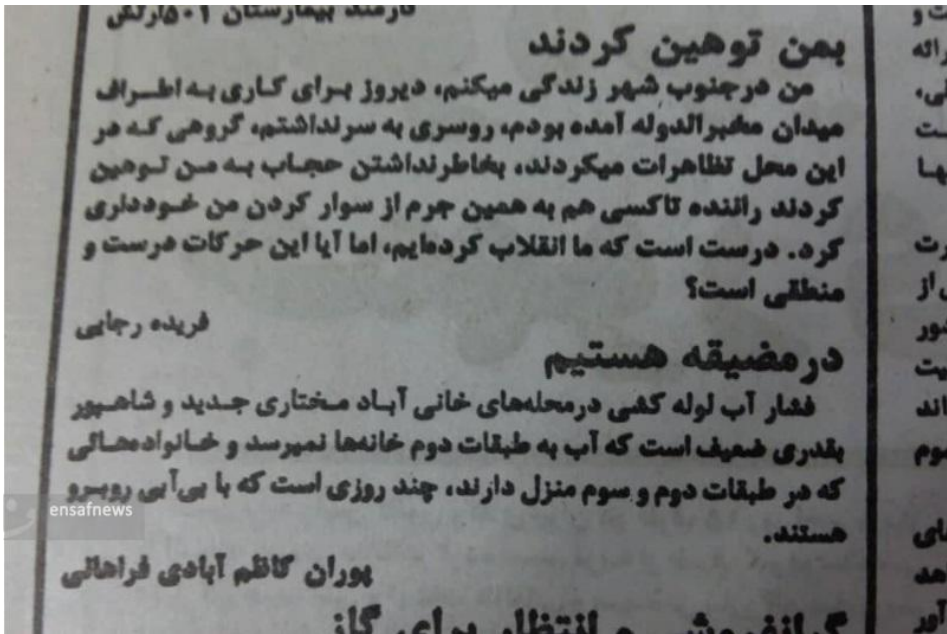
● زنده باد پروین اعتصامی از سرزن های ما بر داشت حالا

● ثریا - کارمند - کاری هم برای توفیقی زن به عسالت نکند که مجبور بشویم بگوئیم رژیم سابق بیاوم برای سفت از طلاکشان پشیمان گشته اسم کوتاهی هم که شده حجاب را مرحمت فرموده ما را سر کنید برقرار کنیم

● منوچهر - کارمندی - کمونیست بشود زیاد می شود ، دانگستر - ما طی این شش ما نمی خواهیم که بچه های ما ماه ۱۰۰ هزار کشته داده ایم از اسلام ما مفرود.

● بیگ خانم خانها در - دو دخترم دانتجو هستند و دو بعد از از این همه مبارزاتی که خواهر کارمند دارند و همه با گرفتیم با اعمال زور و خدای حجاب اسلامی به سرکان مسی نکرده اشتباه نظران خانها خانه رونه - نه وضعیت تحرک از اسلام نری میشوند ، سه کلنده است و نه کارشان اشکالی زمان توفیق می شود ، آنها را دارد ، اگر اینجا کشور اسلامی مشروب می کند و در حقیقت است هر چه رفیرمان گفته اند چیزی که از آن می نویسم بر باید اجرا شود .

● سرمان می اندیز وقتی از اسلام روگردان شدند خطر اینکسه



ensafnews

نامه به آیندگان

به بهانه «حجاب»

بیتابم که از این سالها معلوم نمیشود که چه روزی در پیوسته به جبهه میرویم. این سالها که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند، امروز که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند، امروز که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند...

بیتابم که از این سالها معلوم نمیشود که چه روزی در پیوسته به جبهه میرویم. این سالها که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند، امروز که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند، امروز که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند...

بیتابم که از این سالها معلوم نمیشود که چه روزی در پیوسته به جبهه میرویم. این سالها که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند، امروز که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند، امروز که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند...

بیتابم که از این سالها معلوم نمیشود که چه روزی در پیوسته به جبهه میرویم. این سالها که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند، امروز که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند، امروز که ما را در راه مبارزه با رژیم پهلوی میبردند...

آیا لازم است در این روزهای حساس انقلابی...

زنان اداری آبادان خواستار آزادی لباس شدند

خلیجی اهل آبادان بود و بدینوسیله انزلی در کمیت پانصدگانه انقلاب این شهر از سوی افراد ناشناسی مورد حمله قرار گرفت و بضرب کلوله کشته شد.

استادان خراسان : با مشورت هریب کام مرگم

مشهد - خبرنگار ایننگار - ظاهر احمد زاده استادان کازخراسان در نخستین روز ورود خود بمشهد در سخن امام خمینی حسرتی نظیر درمقابل چند هزار تن از طبقات مختلف این شهر بیامون موفقیت های انقلابی مشهد ایران سخن گفت و اوضاع خود را از پذیرفتن پست استناداری برای آنان تشریح کرد و بی همچنین گفت برای لباس یا طرفیات مختلف مثل ارتباط خود را با مردم در مشهد

آبادان - خبرنگار ایننگار - روز گذشته گروهی از پانویان شاغل در اداره های آبادان مقابل دادگستری این شهر اجتماع کردند و خواستار آزادی زنان در پوشیدن لباس شدند. این عده ضمن تاکید براین که بازرگانیان بتوانند به هیچ عنوان روی خوش ندارند گفتند نجابت راهم تنها بر حجاب نمی دانند.

این زنان معتقد بودند که بانوان باهدیبا توجه به نقشی که در دهست کشور داشته اند حداقل در پوشیدن لباس بانوجه به شخصیتی که برای خود قائل هستند آزاد باشند.

در همین حال گروهی از طرفداران حجاب اسلامی رویاروی آنان به شعار دادن پرداختند و با راهپیمایی در خیابان های مرکزی شهر یکسره اعلام کردند : حجاب - حجاب اسلامی - ایست شعار قرآنی -

تحمیل حجاب پایان یافته تلقی شد

زنان حقوقدان دراطلاعیه ای که دیشب صادر شد، ضمن تشکر از آیات عظام و دولت، و خواهران مبارز، مسالهی تحمیل حجاب را پایان یافته تلقی کرد. این گروه اعلام کرد که برنامه خود را برای دستیابی به سایر هدف ها، بعدا اعلام خواهد کرد.

روگیری: زاییده سلطه مرد بوزن

خود پوشی و خواه نشینی زن، میرانی از اشرافیت است.

گروهی برسو این تعصبات جان باخته‌اند.

زین اصولاً از نظر جنسی هیچگونه عذوبتی که بخواهد به پوشش اعضای بدنش در برابر مرد بیافزاید، با مردم ندارد. هرگونه اعضای که پوشش اندام زن را در برابر مرد از آنجا که - مانند شهوت انگیز بودن بین زن و نظراتی از این جنبه سبک‌بوی و بی‌عقلی بوده و پرهیزناظر های بیگانه‌های مردان و «علم‌بردارانه» که همواره در اختیار طبقات ممتاز داشته - تنویر یافته است. چه مثلاً در مورد اعضای پالاید یا لاید با صراحت گفته شده که اعضای بین زنان برای مردان همان قدر شهوت انگیز است که اعضای بین مردان برای زنان.

مطالعه در احوال اقوام بدوی که هنوز اثرات سلطه یک جنس بر جنس دیگر در ایشان به چشم نمی‌خورد. این نظر را به سادگی به تیوت می‌رساند. چه زنان اسپان که به اقبال مملو با ناهمان میزان خود را می‌پوشانند که مردان آنان. از جمله اعیان امرای و پادشاهان، مریخی‌مغزها، خنایر، بیخون، بوزغری کبی در رهنای یک گوه خاموش آتشیان قبیله زندگی کشف شده است.

در گزارش مربوط به کشف این زندگی بدوی آمده است که زنان قبیله سینه‌ها یا تاران سوادانه‌اند و همچون مردان با پوشش از پوست خرد شده فرخشان تنها به‌عمرورت برداشته‌اند.

جای بسی تعجب است که این گونه‌ها و بنده‌های تحلیلی جوامع طبقاتی اغلب به حسب «نهن» و «برهنگ» بشری گذاشته می‌شود. غیر تاریخ جهان و مطالعه احوال خلق ما به نکاتی برمی‌خوریم که فرارادهای بودن - غیر طبیعی بودن - تعجبی بودن جنس زن را به خوبی روشن می‌کند. مثلاً درحالی که در چین باستان باهای زنان از اعضای مورد پوشش بوده‌اند آن‌ها پوشش‌ها تنها اسمی از باهای زن بوده‌اند - درواقع بی‌برکگی زنان از کمر به پایین برهنه بوده‌اند. جناب تنها در پاره بالنت‌مان اعمال می‌شود. از سوی دیگر می‌دانیم که در فرهنگ ما معیار های جناب زن به گونه دیگری است. باید این برش را مطرح کرد که سرانجام اصولاً که‌ایک از اعضای بدن زن است که پایه‌ساز پوشیده‌بند و به چه جنب

از سوی دیگر برپایه کدام اصل علمی پوشیده بودن این یا آن عضو بدن زن ایجاد اشکال می‌کند، درحالی که برهنه بودن همان عضو از بدن مردحالی از اشکال است؟ این - گنگور از پوشش هر قسمت از بدن - به گونه‌ای که سبب و مایه‌ی تشدید اعمال - قدرت یک جنس بر جنس دیگر شود - باید دواخته باشد.

عزیزها افشارتاریا

ها بوده - از میان می‌برده است. در میان مردان وابسته به این طبقات - فساد و جنس خودکنش و خود خواهی نیز وجود داشته‌اند. این خصوصیات به عنوان عوامل ذهنی باید کشین زن - تنها از آن طبقات ممتاز جنسی به‌حساب آید. از طرفی زن ساده و مستغرق در ایلات و روسا - بی‌زای به این عمل مستغرق گریز مزاحم خلایق نمی‌باشد. او اصولاً روایتی از روی حکم برزندگی‌اش چنین رفتار نمی‌کند. گرایانه‌ها را ایجاد نمی‌کند است.

در زمینه جناب پس از اشاعه‌ی اسلام در کتاب تاریخ اجتماعی ایران - جلد سوم شماره ۱۸۸ چنین می‌خوانیم: «... در شرق ۳۰۰ با گسترش اسلام - در قرن نهم میلادی (سوم هجری) در جناب زن وضع کنایش انقلابی پدیدار شد. و زنا از این دوران رده‌ها میلیون زن وابسته به طبقات رستخیز، نظار کارگران و دهقانان و گنیزان تازه مسلمان، چون جناب را مانع از فعالیت روزانه خود می‌دیدند، از آن سزاوار می‌زدند.

به این ترتیب، در این زمانه که نظام و احکام زاهد مراع و مزایع می‌چراشند، و رختنوشانی که کارکنان شستن لباس در کنار رودخانه‌ها بود، گروه عقلم‌زنان رسیده، رنگرز، بافته‌ها و غیره که مدکان «ریض» (یعنی نسوون تبارستان و محلات کارگری) بودند - هرگز نمی‌توانستند خود را در جاذب مخصوص کنند و از فعالیت های روزانه دست نگذارد. به این ترتیب، در آن دوران، تنها خنرات، قیظرها و سترهای نقاوان های شوبرسان ها و بعضی زنان امرا و خواجگان و خواجه‌تباران که عبارت باشند از زنان طبقات ممتاز که کار شخصی نداشتند - خورفردار جناب مخفی می‌گردند.

مگر روگیری که زاده حکمرانی برده‌بین و در جهت تحقیر و تجلوه‌چهره بیشتر سبب حقوق اوست، در روند تکامل تاریخی خود رفته‌رفته سیما و رنگ اخلاقی به خود گرفته و به صورت تعصبانی خشک و بی‌عروانه در مردان ظهور کرد. در چنین مرحله‌ای است که امکان برخوردی فرست به این زندگی تعصبی به زن از جامعه‌ی مردان رخت برمی‌سند و احساسات جاگیرین متناقض می‌شود. جنبه‌ی منفی جناب زنان تنها به برهنه شدن آنان از جمع و خسروچشان از اصولاً لایزال خلاقیت های انسانی خلاصه نمی‌شود.

این بنده از نظر جنسی عزیز را موجودی خردبین‌پار آورده و هم تعادلش را در ایمن زمینه شدت می‌بخشد. مولوی در این‌باره می‌گوید: «هرچند که زن را امریکی که پنهان شود، او را در تعریف خود را نمودن بیشتر شود، و خلق را از نگاه شدن او رنجت به آن بیشتر کرده».

پس تو نشسته‌ای و رعیت را از دور طرف زینت می‌کنی و می‌فردای که اصلاح منی کنی، آن خود عی فساد است. اگر او را گوهری باشد که نخواهد که فعل بد کند. اگر منع کنی و نکلی او برآن طبع نیک خود و سرشت پاک خود خواهد رفت، فارغیت و تنوشش مغرور ... جن جز رعیت را از توین نمی‌کند ...

اما وجود تعصبات ناموسی - زاده‌ی تسلط مرد بر زن، با ریشه‌های چنین هزار ساله‌ای و بی‌فریدی ناشی از آن جنسی برای زن به فعل فرآیند این‌گونه نظرات مغفلی و آندیشنده‌اند و بی‌نی نمی‌گذارد. تا به آن جگانه در تاریخ ایران مگر باوقایع اسطوره‌ی برمی‌خوریم که زنان و دختران حتماً به صورت

عزیزها افشارتاریا - استاد دانشگاه کوی علم و صنعت و نویسنده‌ی کتاب زن و روانی، لوزوز نویسنده در این مقاله تحلیلی به «جنسیت و تاریخیچه‌ان، برداشته است».

بهرحالات تصور بنده‌ی جناب را نخستین بار اسلام بنده می‌نویسد - بلکه پیش از اسلام جناب وجود داشته «عربی‌مندان» می‌نویسد: «اگر مقصود از جناب پوششیدن زن و بن است - این وضع قبل از اسلام و حتی پیش از ظهور دین مسیح معمول بوده و دیانت مسیح هم نصیری در آن نداد و تا اواخر قرون وسطی در اروپا معمول بوده و آثار آن هنوز در خود اروپای متمدن‌هاست. همچنین در توران و انجیل به این موضوع که زنان از روی کار خنای چهره‌ی خود را با تریقه می‌پوشانند اشاره شده است. به‌عنوان گوی می‌توانیم زن در مقابل مرد - قبل از آن که موضوعی مذهبی و اخلاقی باشد - موضوعی اقتصادی و زاییدی شرایط را برای زندگی زن و مرد و روابط نامتناسب میان آنان است. بافتاری برپوشیدن زن به مزایای جسمی مملک دیگری است که مرد در شرایط خاص تاریخی سلطه‌ی خویش بر زن - در جهت محدود تر کردن فعالیت او و در نتیجه برتر ساختن موقع خویش، برپوشش زن داشته است. مثال نظر بیشتر شرتن‌نشان در ایران باستان موضوع جنسیت و دور کردن زن از نمای کار و فعالیت های اجتماعی تخصصی‌تر در میان زنان وابسته به طبقات اشرافیت شکی نیست. در ایران عهدساسانیان مردان طبقاتی اشراف پیش از هرچیز از نظر اقتصادی بی‌زای در شرکت دادن زنان متعهد خویش در کار و فعالیت اجتماعی نمی‌دیدند. از سوی دیگر ترجیح می‌دادند که زنانشان دور از جمع و تنها در انحصار خود و انسان باشند. چه بیرون امنیت زمانی که در شرایط نامبرای نسبت به مردان دربر وضعیت خطرات و تحت سلطه و آذاریه آنان زندگی می‌کردند - خنرینحالی از چارچوب اختیار هان‌مجموعه‌نشان را به وجود می‌آورد. و این همان نکته‌ای است که مردان حاکم به مثابه جنس مسلط از آن هراس داشتند. مرد وابسته سبب شده‌ی اشراف برای تثبیت و تشدید سلطه و اقتبای خود بر جنس‌های ارضای غریبی خودکنش‌گویی می‌شد. بهتر می‌دید که زنان متعهدش را از جمع دور داشته و محبوس کند. بنابراین آنان شده و از حیثیه سلطه‌اش بیرون آید. چنین موضوعی در بین خال از نظر روانی به نحوی آرزوی جنس خود خواهی مرد را در برآورد. مرد از آن که موجود یا موجوداتی را در انحصار خویش در آورده و قادر است آنان را به اجبار، به خود پوشش و خانه نشینی و ادرار و غذا آنان را از برخورد با دیگران منع کند مغرور و برحمت است.

موضوع جناب زین‌درمان طبقات وسیع مردان رستخیز ایران باستان گونه‌ای دیگر داشته است. مرد وابسته به این طبقات از نظر اقتصادی حداکثر قدرت اختیار پیش از زن را نداشت. تنها حسوری از سوی پادشاه به کارگرمین بوده، و خودیوشی و خانه‌نشینی وحداً از اجتماع زمینش برایش مغرور بوده است. از سوی دیگر سادگی و بی‌فقراری به خود آرایه‌ی دو میان زنان این طبقات ضرورت برده‌گریزه را - تکمیل اصل ساخته و برداشته‌ی بدبابت تو انگر و زاده‌ی روابط حاکم میان آن

بیانیه گروه «وکلاي مدافع حقوق زن»

حیاتك زن در دفتر امام یا كه میته هست؟

هونر جامعه سیاه پویش مادران و خواهران مبارز ایرانی است و هنوز به قدر خیرین در خانه همه آنان چاشنگ تبعیضات ده پانصدو قانون حمایت حیوانیه - انشائی پس عظیمتر از داغ عزیزانشان بریزل آنها نهاده شد.

چون واقع به یقین این ایستادن شخصیه ۳۳۸۸ مورخ ۱۳۷۱ از این قرار است کسه مردی پنجپنج ریزوب که کارمند پارتیستعلیق از بهادر دانشسری است - نامه ای به مقام امام خمینی می نویسد مردود قانون حمایت حیوانیه نظرخواهی می کند. دفتر امام خمینی بزحمت این نامه شخصی - جوابی کتبی خطاب به ریاست دانشگاه حمایت حیوانیه صادر می نماید بدین شرح: مکه ریاست محترم دانشگاه حمایت حیوانیه را موضوع قانون حمایت حیوانیه برخطیبی سوسی که شده بزحمت شروع انور است و حضرتعالیاعظمی صریحا اعلام فرموده اند - بیوسمیله خواهش است روی قانون مزبور اقدام شود تاغیر از آن طریق وزارت میراعلام شروع

یابگی از استانی حقوق منی دانسته و دانشماد نهران که به سبب رفتار شخصی ویه سبب اینکه هرگز از ایشان ذره ای تفریه نشده است - مسئولان حجب است نشی منجبتند فرمودند این موضوع حقیقت ندارد - امام خمینی یعنی از قضایات این فرمودند قضایات دانشگاهی حمایت حیوانیه کتعی سابق این قانون و اجراء نماید. ولی این امر به هر رادیدو تلویر و تلام شد و نه فر روزنامه هایمعنص خریدید چرا ؟

تو این بهار آزادی جا دارد برسیده شود از منافع چه گروهی برخلاف منافع زنان ایرانی وکلونگان آنان حمایت جنشود.

حکومت طاعتی با مبارزه همه زنان و مردان ایران به پایان رسیده و مادران ایرانی سزا و جود اینکه خون تازه فرزندانشان هنوز بر خاک نهد و احسانشان هنوز رفن نشده بر دهن منجم قلب بهار آزادی را جاشنگرفته. چرا ؟

پایمسه آزادی چه امید صنوان - یسه امید اینکه دخترانشان در جنای فرما آزادی از آستان رنگی کنند. به امید اینکه آزارهایی را که تحمل کردند فرزندانشان تحمل نکنند. مادرانکه دخترانشان بر این انقلاب کشته شده نام به امید نیاوردند. زیرا امید داشتن بر آینده دختر ایرانی میفری - که جنودا دختر آنها باشد از آن زندگی کش - مادران و پسرانی که دخترانشان مورد تجاوز قرار گرفته بود منجمل کریدند. باین امید که دیگر در آینده زن فقط به عنوان کزبی میروسی و بانچه دست مردان و آلفی برای خوشگرونی و تعریف آنان نباشد. اماغیر این قانون هم به آن صورت کشرح داده شد و با مسئولان مخالفت میا شروع انور اسلام و عدم تشکیل این خبر در تمام رسانه های گروهی امیدها را زحاک کرد. اگر حکومت اسلامی و پاجوتی که برپای اسلام می خواهد تشکیل شود - بی زبان به چشم بسوده میگردد. اگر حکومت اسلامی انجمن حکومتی است که اگرزنی مرست ۱۱ سالگی که حق خرید و بیع و پین و اخذ دارد بصرف گذل که تمام عمر سزا شوهرناخواسته و بیبرفاری که متاسفانه نمونه هایش در جامعه امروز کم نیست بسازد. اگر در حکومت اسلامی مرد می تواند مزاجضه که اراده کتر همسر خود را فلاق دهد. اگر در حکومت اسلامی مرد می تواند بدون اینکه عدالت او در محضر دانشگاه ثابت گردد چهار همسر عقدی و لاحولالتخصی منعه اختیار کند. اگر در حکومت اسلامی زن نباید رفن دوران بارداری. در زمان حامل و بر خدایه های دوران کوشش نورایش را تحمل کند و بعد بصرفه طلاق انهم طلاق دانخواهی مرد. کوندک از آب و گل برداشد و زکودوستی به مرد تقدم نماید. اگر در حکومت اسلامی زن باید برای اینکه شغل خرافتمندان را داشته باشد و ضایع شوهرش را داشته باشد. آن زمان این مسئول مطرح میشود که این حکومت تاجه از حکومت عدل اسلامی است ؟ این حکومت تاجه از استازیه آزادیهای را که نوب آن داده شده فریده ای این حکومت تاجه از تاراه مورد قبول میلویند زن و مرد روشنگر ایرانی است ؟

این مسئول مطرح میشود. که چرا تر استانه انقلاب شکرمند ایران که زن و مرد بران موش بدوش یکدیگر میگردند چرا باوجود تمام وعده هاییکه طعنی نظام میروبر آزادی و زن و مساوات حقوق آنان - به زبان کشور زامت میگویند این چنین به قانون حمایت حیوانیه منجملد و بدون آنکه جانشینی بر اینان نوبت شود اعلام نمودند که این قانون مخالف شروع انور اسلام است. آیا این اعلامیه ان نیست کمدتاسفانما و جور میباشند و تانکیتات مکرر امام خمینی و ایتالله خالغانسی هنوز فکر اجحاف به حقوق زن و عدم توجه به مساوات آنان با مردان در نظر روح مذهبیون منعصب وجود دارد ؟ و آیا این نشان این نیست که در دفتر امام و کسکه انقلاب حتی بکه زن برای آنکه مدافع حقوق زنان باشد و به خصوص سبتهای حقوقی اجتماعی و اقتصادی نیسی از جمعیت کشور کجی در جامعه توحیدی ایدمال نوز جانی خاصه خواهد داشت توجه نماید - و جودنورانه ؟

فردای از مدافعی حقوق زنان در ایران

این موضوع را بیگیری نمودند. آقای دکتر مطین دفتری - عضو هیئت مدیره کانون وکلا. فرحضور آنان به آقای بهریندر معاون وزارت دانشسری. گفتن کردند آقای علیصدر صدورچاین دستوری و تانکیت شونند - معاذک آنان به نفس آقای وزیر دانشسری رفتند - آقای وزیر دانشسری صریحا اعلام نمودند که این موضوع مخالفت ندارد.

صرفی از اینکه قانون حمایت حیوانیه مخالف شروع انور اسلام نیست و این موضوع وسیله حقوق زنان اسلامی روشن شده است - و صرفی از اینکه امام خمینی چنین چیزی را اعلام نگرداند - زیرا ایشان علوهی و رهبری جامعه اسلامی - شخصا مسئول مایبانی هستند و معوان بکه مسئولان با ایمان شخصها بعد گفتن هزاران کریک بیگانه که بعد از این قانون و در اثر اجرای آن خون گدازند خرابستازیه و مادرانشان را زنده و فرزندان را زنی هستند - و صرفی از اینکه معلوم نیست چرا معسر امام خمینی جواب نامه حاجزنگوب نامی را کسه معلوم نیست اسلام وجود دارد یا نه ؟ و تکر وجود انور با این سترالی خون گدازنده چه عملی - را اعلام دهد اگر این تلویر و دانشگاه حمایت حیوانیه را خواهد.

این سؤال مطرح میشود. که چرا تر استانه انقلاب شکرمند ایران که زن و مرد بران موش بدوش یکدیگر میگردند چرا باوجود تمام وعده هاییکه طعنی نظام میروبر آزادی و زن و مساوات حقوق آنان - به زبان کشور زامت میگویند این چنین به قانون حمایت حیوانیه منجملد و بدون آنکه جانشینی بر اینان نوبت شود اعلام نمودند که این قانون مخالف شروع انور اسلام است. آیا این اعلامیه ان نیست کمدتاسفانما و جور میباشند و تانکیتات مکرر امام خمینی و ایتالله خالغانسی هنوز فکر اجحاف به حقوق زن و عدم توجه به مساوات آنان با مردان در نظر روح مذهبیون منعصب وجود دارد ؟ و آیا این نشان این نیست که در دفتر امام و کسکه انقلاب حتی بکه زن برای آنکه مدافع حقوق زنان باشد و به خصوص سبتهای حقوقی اجتماعی و اقتصادی نیسی از جمعیت کشور کجی در جامعه توحیدی ایدمال نوز جانی خاصه خواهد داشت توجه نماید - و جودنورانه ؟

فردای از مدافعی حقوق زنان در ایران

این موضوع را بیگیری نمودند. آقای دکتر مطین دفتری - عضو هیئت مدیره کانون وکلا. فرحضور آنان به آقای بهریندر معاون وزارت دانشسری. گفتن کردند آقای علیصدر صدورچاین دستوری و تانکیت شونند - معاذک آنان به نفس آقای وزیر دانشسری رفتند - آقای وزیر دانشسری صریحا اعلام نمودند که این موضوع مخالفت ندارد.

بان تحریر مصرف گوشت
نجمد به اقتصاد زلاندنو

گروه وکلای مدافع حقوق زن.

زنان کارگر ایران فویان و مبارزات

در پی راهپیمایی ۱۳۰۰ نفری که در روز ۲۲ خرداد در تهران و سایر شهرها برگزار شد، زنان کارگر ایران نیز در پی راهپیمایی خود هستند. این راهپیماییها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. زنان کارگر در تهران و سایر شهرها در پی راهپیمایی خود هستند. این راهپیماییها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

کارگرمی

به دنبال راهپیمایی کارگران و معلمان، کارگرمی در تهران و سایر شهرها برگزار شد. این کارگرمیها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. کارگرمیها در تهران و سایر شهرها برگزار شد. این کارگرمیها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

کارگران بوشهر بکرزد انتخاب کردند

کارگران بوشهر در پی راهپیمایی خود، کارگرمی را انتخاب کردند. این کارگرمیها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. کارگرمیها در بوشهر برگزار شد. این کارگرمیها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

پیش نویس قانون اساسی

پیش نویس قانون اساسی در تهران و سایر شهرها منتشر شد. این پیش نویسها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. پیش نویسها در تهران و سایر شهرها منتشر شد. این پیش نویسها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

رئیس هیئت مدیره رای اعتبارات

رئیس هیئت مدیره رای اعتبارات در تهران و سایر شهرها منصوب شد. این منصوبهها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. رئیس هیئت مدیره رای اعتبارات در تهران و سایر شهرها منصوب شد. این منصوبهها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

چهار کتابی تألیف شده است

چهار کتابی تألیف شده است که در تهران و سایر شهرها منتشر شد. این کتابها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. چهار کتابی تألیف شده است که در تهران و سایر شهرها منتشر شد. این کتابها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

جدول عمل روحانیت در حیطه زندگی سیاسی

جدول عمل روحانیت در حیطه زندگی سیاسی در تهران و سایر شهرها منتشر شد. این جدولها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. جدول عمل روحانیت در حیطه زندگی سیاسی در تهران و سایر شهرها منتشر شد. این جدولها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

مجلس آملی

مجلس آملی در تهران و سایر شهرها برگزار شد. این مجلسها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. مجلس آملی در تهران و سایر شهرها برگزار شد. این مجلسها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

پایان راهپیمایی

پایان راهپیمایی در تهران و سایر شهرها برگزار شد. این راهپیماییها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. پایان راهپیمایی در تهران و سایر شهرها برگزار شد. این راهپیماییها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

پیغام امروز

جریان روز

۳۱ نفر در دانشگاه اصفهان برکنار شدند

دانشگاه اصفهان ۳۱ پیمانهای امروز اخراج یافت ۲۱ نفر از کارکنان دانشگاه اصفهان به دلیل اعتصاب تحصیلی برکنار شدند. این برکناریها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

۲۰۰ عضو وزارت خارجه اخراج

۲۰۰ نفر از اعضای وزارت خارجه به دلیل اعتصاب تحصیلی اخراج شدند. این اخراجها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

مالکیت خصوصی را محترم بشماریم

محترم بشماریم مالکیت خصوصی را. این شعارها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. محترم بشماریم مالکیت خصوصی را. این شعارها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

راه آهن تبریز - حلفا ناتمام ماند است

راه آهن تبریز - حلفا ناتمام ماند است. این خبرها در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

دختران کارآموز قضایی متحصن در دادگستری تاروشن شدن وضعیت در دادگستری متحصن خواهیم بود

دختران کارآموز قضایی در دادگستری تاروشن شدن وضعیت در دادگستری متحصن خواهیم بود. این اعتراضات در پی افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. دختران کارآموز قضایی در دادگستری تاروشن شدن وضعیت در دادگستری متحصن خواهیم بود. این اعتراضات در پی افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

پشت پرده

پشت پرده ایران را ننگین کند. این اخبار در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است. پشت پرده ایران را ننگین کند. این اخبار در پی اعتراضات به افزایش قیمتها و کاهش دستمزد است.

لغو پنهانی قانون حمایت خانواده

«اتحادیه انقلابی زنان مبارزه با انتشار يك سند اعلام كرد قانون حمایت خانواده پنهانی وبدون در نظر گرفتن مراحل قضایی لغو شده است. دویانه اتحادیه انقلابی زنان مساوی می‌خوانیم؛

اگر درست بخاطر داشته باشید، در اولین روزهای بعد از قیام پرشکوه مردم که البته با ازجان گذشتگی زنها و مردهای

وطن با انجام رسیده بعنوان اولین اقدامات دولت موقت با لغو قانون حمایت خانواده و برود هدیم. این مسئله باعث اعتراض کلیه آزاداندیشان شد، چراکه نقض کننده همان حقوق مختصر و ناقص بود که قبلاً بنفع زنان به تصویب رسیده بود چند روزی گذشت که دوباره اعلام شده این قانون لغو نگردیده و کماکان بقوت خود باقیست. تا آنجا که ما تحقیق کرده‌ایم در دادگستری عملاً این قانون اجرا نمیگردد و اینک سندی را که نشان میدهد پنهانی وبدون در نظر گرفتن مراحل قضایی این قانون لغو گردیده ارائه میدیم و تضاموت را امر بر مردم واگذار میکنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
کمیته موقت انقلاب اسلامی

شماره ۲۶۷۰
تاریخ ... ۱۳۵۸/۱۲/۱۰

د فتر از دواج و طلاق آنگاه ملاحظه فرمایید

چون طبق مقررات اسلامی حدی ملاز با مرد است و قانون حمایت خانواده به امر امام خمینی منسوخ شده میباشد مستعدی است نسبت به چهرات امر علیه کائنات و اقدس سرور رسیدگی و در صورت امکان اصلاح ذات‌البین فرمائید و در غیر این صورت طلاق از طرف زوج پلا مانع است

ستاد مرکزی کمیته موقت انقلاب اسلامی ایران

مخند رضا بهمدوی گ...

در ایران

کارگران زن چگونه استثمار میشوند



روستایی

تقریباً ۱۰۰ میلیون تن در روستاها زندگی می‌کنند. این دسته برای گنجینه عظیمی از نیروی انسانی و سرمایه انسانی است. در این کشور، روستاها به عنوان منبع اصلی نیروی کار و سرمایه انسانی برای بخش‌های مختلف اقتصاد و خدمات اجتماعی محسوب می‌شوند. با توجه به تغییرات جمعیتی و اقتصادی، نقش روستاها در توسعه پایدار کشور هر چه بیشتر اهمیت پیدا می‌کند.

در این کشور، روستاها به عنوان منبع اصلی نیروی کار و سرمایه انسانی برای بخش‌های مختلف اقتصاد و خدمات اجتماعی محسوب می‌شوند. با توجه به تغییرات جمعیتی و اقتصادی، نقش روستاها در توسعه پایدار کشور هر چه بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. کارگران زن در این بخش‌ها با چالش‌های متعددی مواجه هستند که منجر به استثمار و بهره‌برداری ناعادلانه می‌شود.

در این کشور، روستاها به عنوان منبع اصلی نیروی کار و سرمایه انسانی برای بخش‌های مختلف اقتصاد و خدمات اجتماعی محسوب می‌شوند. با توجه به تغییرات جمعیتی و اقتصادی، نقش روستاها در توسعه پایدار کشور هر چه بیشتر اهمیت پیدا می‌کند. کارگران زن در این بخش‌ها با چالش‌های متعددی مواجه هستند که منجر به استثمار و بهره‌برداری ناعادلانه می‌شود.

نشریه بی‌پوش منتشر شد

این نشریه به بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران می‌پردازد. هدف از تأسیس این نشریه، آشنایی بیشتر جامعه با مسائل روز و تحولات اجتماعی است. این نشریه به صورت فصلی منتشر می‌شود و به عنوان یک منبع معتبر برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل اجتماعی شناخته شده است.

این نشریه به بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران می‌پردازد. هدف از تأسیس این نشریه، آشنایی بیشتر جامعه با مسائل روز و تحولات اجتماعی است. این نشریه به صورت فصلی منتشر می‌شود و به عنوان یک منبع معتبر برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل اجتماعی شناخته شده است.

این نشریه به بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران می‌پردازد. هدف از تأسیس این نشریه، آشنایی بیشتر جامعه با مسائل روز و تحولات اجتماعی است. این نشریه به صورت فصلی منتشر می‌شود و به عنوان یک منبع معتبر برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل اجتماعی شناخته شده است.

این نشریه به بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی در جامعه ایران می‌پردازد. هدف از تأسیس این نشریه، آشنایی بیشتر جامعه با مسائل روز و تحولات اجتماعی است. این نشریه به صورت فصلی منتشر می‌شود و به عنوان یک منبع معتبر برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به مسائل اجتماعی شناخته شده است.

مقالات

برای رفع نابرابری حقوق زنان مبارزه می کنیم

هرین صحنه مبارزه و نسلکشی از خانه ها و مؤسسات بیستم اردیبهشت ۱۳۳۷ می باشد که در این مقاله به بررسی آن پرداخته می شود. این مبارزه با روزنامه «سلاجق از آزادی و استقلال» علیه ماسه - چه به سادگی و چه به سادگی از آن مسائل، ماسه ما یکی نباشد و ما به حرمت از این مقاله ای بخراها را منتشر می کنیم

این متملقین هستند که دیکتاتور می سازند

سید رضا پهلوی در روز دوشنبه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۳۷ در روزنامه «سلاجق از آزادی و استقلال» در مقاله «این متملقین هستند که دیکتاتور می سازند» به بررسی وضعیت ایران در آن زمان پرداخته است. او می نویسد که در ایران دیکتاتوری برقرار شده است و این دیکتاتور را می توان به متملقین نسبت داد. او می گوید که متملقین کسانی هستند که برای حفظ منافع خود، حاضرند به هر کاری بپردازند و حتی به سرکشی و بی وفایی بپردازند. او می گوید که در ایران دیکتاتوری برقرار شده است و این دیکتاتور را می توان به متملقین نسبت داد. او می گوید که متملقین کسانی هستند که برای حفظ منافع خود، حاضرند به هر کاری بپردازند و حتی به سرکشی و بی وفایی بپردازند.

در ادامه مقاله، پهلوی به بررسی وضعیت زنان در ایران می پردازد. او می گوید که زنان در ایران در برابر تبعیض و ستم قرار گرفته اند. او می گوید که زنان در ایران در برابر تبعیض و ستم قرار گرفته اند. او می گوید که زنان در ایران در برابر تبعیض و ستم قرار گرفته اند. او می گوید که زنان در ایران در برابر تبعیض و ستم قرار گرفته اند. او می گوید که زنان در ایران در برابر تبعیض و ستم قرار گرفته اند. او می گوید که زنان در ایران در برابر تبعیض و ستم قرار گرفته اند.

به فرزند دلیر کود

دلیر حسین می، دانش نوجوانی که به سان بزرگوار علم میروید که در این مقاله به بررسی آن پرداخته می شود. این مقاله به بررسی آن پرداخته می شود. این مقاله به بررسی آن پرداخته می شود. این مقاله به بررسی آن پرداخته می شود. این مقاله به بررسی آن پرداخته می شود.

در خصوص و فعالیت گروهی که در آن زمان در ایران فعالیت می کرد. این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد.

در ادامه مقاله، به بررسی فعالیت های گروهی می پردازد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد.

در ادامه مقاله، به بررسی فعالیت های گروهی می پردازد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد.

در ادامه مقاله، به بررسی فعالیت های گروهی می پردازد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد.

در ادامه مقاله، به بررسی فعالیت های گروهی می پردازد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد.

در ادامه مقاله، به بررسی فعالیت های گروهی می پردازد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. او می گوید که این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد.

خدا سرگشته اند و زنده به دستاوردهای خود نگاه نمی دارند. این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد. این گروه به بررسی وضعیت زنان در ایران می پرداخته و برای رفع تبعیض و ستم علیه زنان مبارزه می کرد.



وفاقی کارگری در کارخانه آذر الکتریک

۱۵ کارگر زن را به کارخانه راه نمی دهند

« کمیته زنستان ماشین سازی تبریز و هیئت کارگران و کارکنان آن کارخانه آذر الکتریک اعلام کرد و از برادران کارگر خواست از خواستهای برحق این کارگران حمایت کنند.

ممنوعیت که به غیر از کمیته موتی انقلاب اسلام میهنی در مسئولین مازنی، اخیر ممنوع شده چنین است:

در جلسه عمومی مورخه ۳۱ اردیبهشت کمیته زنستان ماشین سازی تبریز که چون بر سر خواستهای کمیته زنان و جمع بندی مسائل خاص زنان کارخانه تشکیل شده بود، آقایان کارگران آذر الکتریک به مسائلی از طرف کارگران این کارخانه نیز شرکت کردند. آنها پس از آن تصمیماتی را خود خواستار پشتیبانی کمیته زنان ماشین سازی از تمام اهداف این قطعنامه شدند. این قطعنامه در ضمن خواسته های این کارگران و اعلام پشتیبانی از عواید آن و طهفه خود می دانیم که برادران کارگر را نیز از مواد این قطعنامه مطلع سازیم. لازم به یاد آوری می دانیم که کارگران زن نیز در این کارخانجات موثرتی در حقوق و مستثنی سازی از حقوق و دستمزدی توکل می برانند. شایسته است متن قطعنامه کارگران کارخانه آذر الکتریک

- ۱- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه با مسئولین و اهل کارگری مجروح هستیم ضمن اینکه درخواستیم که کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۱- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۲- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۳- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۴- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۵- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۶- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۷- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۸- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۹- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۱۰- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۱۱- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۱۲- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۱۳- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۱۴- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:
- ۱۵- با این قطعنامه در خصوص مسائل کارخانه بازن شوش و سایر ادارات و مراکز خودتجاری زیرین مسائل:

ما گروهی از کارگران زن کارخانه آذر الکتریک هستیم که خواهان برابری حقوق و دستمزد با آقایان کارگران در تمامه های دیگر می باشیم که بر اثر اعمال خسیه کارگری در ماه این کارخانه بر ما باره آمده است می توانیم.

در این کارخانه ۲۳ کارگر زن هستیم که گروهی از کارگران زن کارخانه آذر الکتریک هستیم که خواهان برابری حقوق و دستمزد با آقایان کارگران در تمامه های دیگر می باشیم که بر اثر اعمال خسیه کارگری در ماه این کارخانه بر ما باره آمده است می توانیم.

رهائی زنان جدا از رهائی زحمتکشان نیست

اولین جلسه عمومی اتحاد می زنان روز شنبه بعد از ظهر در آمفی تاتر دانشکده می برگزار شد. در این جلسه پس از صحبت در مورد هدفهای سازمان، تقسیم کار بعمل آمد و کمیته معرفی شدند. این کمیته ها عبارتند از کمیته معرفی مالی - رفاهی - ایجاد آرشو و کتاب - تکثیر و توزیع اعلامیه و ترتیب سخنرانی در مدارس و ... یکی از وظایف کمیته رفاهی، ایجاد مهد کودک برای زنان بچه دار است همچنین یکی از وظایف کمیته فرهنگی ایجاد کلاسهای سواد آموزی برای زنان میسود میباشد. اساسنامه اتحادیه در حال تدوین است و بزودی منتشر میشود.

اتحادیه می زنان در روز ۸ فروردین با انتشار منشور سازمان و عدم شرکت در فراندوم بعثت غیر دمکراتیک بودن آن، اعلام موجودیت کرد. در قسمتی از منشور آمده است: « زنان ما در طی سالها اختناق در زندانها، زیر شکنجه در برابر جوخه اعداء و در میدان شهادت برامری زن و مرد را اثبات کرده اند و نشان داده اند در استقامت جسم و روح از مبارزان مرد کم ندارند. نشان دادند جامعه به دو بخش زن و مرد تقسیم نشده بلکه از دو بخش استوار کننده و استوار شونده تشکیل یافته و در نتیجه رهائی زنان در گرو رهائی ملت، برانداختن استوار و ریشه کن کردن اعداء است.»

این اتحادیه در رابطه با تیروهای سیاسی، با قاطعیت اعلام میدارد که با هیچیک از احزاب و گروههای وابسته به چین و شوروی و سایر کشورها همکاری نمیکند و رهائی خود را جدا از رهائی طبقات زحمتکش نمیدانند.

در این کارخانه ۲۳ کارگر زن هستیم که گروهی از کارگران زن کارخانه آذر الکتریک هستیم که خواهان برابری حقوق و دستمزد با آقایان کارگران در تمامه های دیگر می باشیم که بر اثر اعمال خسیه کارگری در ماه این کارخانه بر ما باره آمده است می توانیم.

بنا بر این اصل برابری حقوق مرد و زن میباید در قانون

اصل برابری حقوق مرد و زن باید در در قانون اساسی بصراحت گنجانده شود

همه افراد مستقل از اصل و نسب، وضع اجتماعی، دارائی، نسل، نژاد و ملی، جنسیت، تحصیل، زبان، عقاید مذهبی و سیاسی، نوع و حاصلت خلق، محل سکونت و موارد دیگر باید در برابر قانون مساوی باشند. برابری حقوق کلیه اتباع کشور ایران، در کلیه شؤون زندگی اقتصادی و سیاسی، اجتماعی و فرهنگی باید تأمین گردد. کلیه سیدمندان، زنان که نیسی از جهت همین تا را تشکیل میدهند، در طی تاریخ همواره مورد ستق فرودگی قرار داشته‌اند. حتی که مورد ستقو بنامشان استکباری میشدند و همین لغات در جمله سرسازاری چون ایران به زنان مرکز در برابر قانون از مساوی حقوق با مردان برخوردار نبوده‌اند. آنچنان که حتی از ناپارابریها هم سهم برابر نبوده‌اند. تمیض نسبت بپدران آنها را از برابری در حقوق تسلط انسانی با مردان،

اساسی سرراحتا گنجانده شود. زن و مرد باید در برابر قانون برابر باشند و ملاک تمیض کننده موضع و موقعیت اجتماعی آنان باید لیاقت و کفایت، تخصص، تجربه، دانش و مهارت آنان باشد. ضمن آنکه کلیه اتباع ایران اسم از زن و د باید از جمیع آزادیهای اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و که در قانون اساسی و قوانین ایران اعلام و تضمین خواهد شد. باید برخوردار گردند، همه افراد باید در مقابل قانون مساوی بوده و بدون هیچگونه تمیض و استحقاق حمایت بالویه از قانون را دارا گردند. نظام حکومتی ایران باید توسعه حقوق و آزادیها و بهبود مداوم شرایط زندگی را برای کشور را همراه با اجرای برنامه‌های رشد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی تأمین نماید.

انابه دارد

نامه اتحاد ملی زنان به نخست وزیر تیر ۱۳۵۸

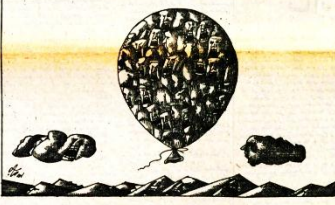
جلسه اتحادیه انقلابی زنان
مبارز مشهد
اولین جلسه اتحادیه انقلابی
زنان مبارز در دانشکده علوم
دانشگاه مشهد برگزار شد. در
این جلسه پیرامون نقش زن در
اجتماع، لزوم تشکیلات سخنرانی
شده و فیلم اعتصاب به نمایش در
آمد.

در حین اجرای برنامه چماق
بدستان حرفه‌ای برای شلوغ نمودن
سالن و ایجاد بلواگرد آمدند ولی
با گفتگوی گردانندگان جلسه
مساله خاتمه یافت

الزینت حمیت و الهجر قنبر (۲)

مآحرای بیجده و رشده حمیت

این سینه سکر در وقت جنگ جهانی اول... سینه سکر در وقت جنگ جهانی اول... سینه سکر در وقت جنگ جهانی اول...



۱۶ گران به هله کنترل و نوالد و داکتران هرم و نوالد های جامه بنگر...

در این روزها که در این روزها که در این روزها که...

سوسائت‌های مختلف افغان و سوسائت‌های مختلف افغان...

در این روزها که در این روزها که در این روزها که...

چیز می‌آید...

در این روزها که در این روزها که در این روزها که...

ساختن باغچه در باره سفا...

در این روزها که در این روزها که در این روزها که...

ساختن باغچه در باره سفا...

در این روزها که در این روزها که در این روزها که...

ساختن باغچه در باره سفا...

در این روزها که در این روزها که در این روزها که...

ساختن باغچه در باره سفا...

در این روزها که در این روزها که در این روزها که...

تفکات ایرانی از خنجر فرزانده می‌شود
در نظام آینده جانی برای سقط جنین وجود ندارد
ایران - روبرو سر سالمنده
ایران - روبرو سر سالمنده
ایران - روبرو سر سالمنده...

سر نامه‌ای از دفتر امام خمینی به رئیس دادگاه خانواده امده است
لغو قانون حمایت خانواده اعلام می‌شود
با انتشار نامه‌ای که از سوی جعفر امام خمینی به رئیس دادگاه خانواده امده است...

راه آهن ایران ۲۰ قطار فوق العاده خواهد داشت
برای تعطیلات نوروزی
برای تعطیلات نوروزی
برای تعطیلات نوروزی...

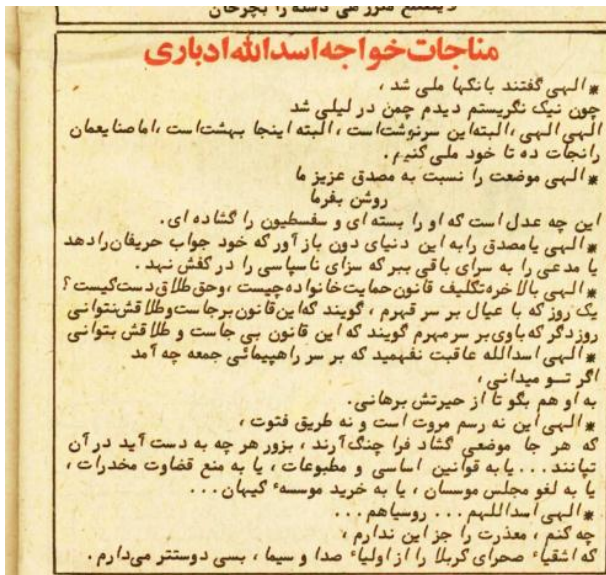


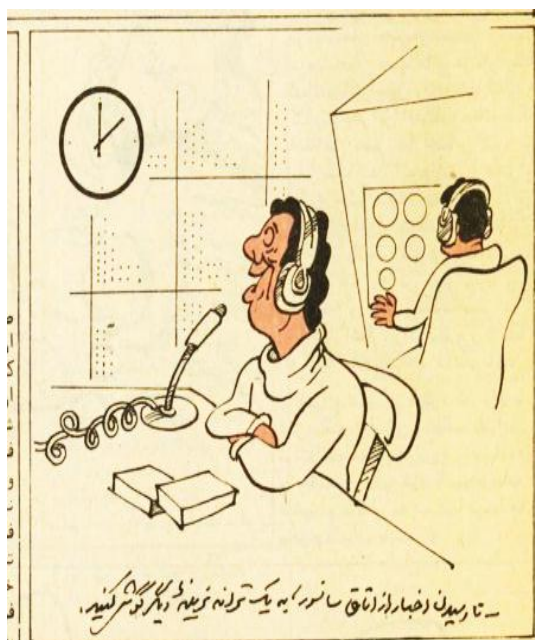
جمعه — تصرف شرعی زن روز!
هفته گذشته، طرفداران "آزادی
قلم و دوات" در موسسه کیهان، تحت
توجهات آهن فروش بزرگ شهر، نمونه
نازدهای از رعایت آزادیها در حکومت
جمهوری اسلامی به دست دادند.
فرستادگان آهن فروش بزرگ، که

از پیش می خواستند مجله زن روز را مشمول وضع خاص زنان در مقررات
جمهوری اسلامی کنند، صلاح در این دیده بودند که متهم برتعطیل
کردن این مجله نشوند. بنابراین با سانسورکردن مطلب صفحه پنج
مجله و نیز دستکاری در شرح یک کاریکار تور، باعث شوند که نویسندگان
مجله قهر کنند و خون زن روز به گردن خودشان بیفتد.
کارکنان مجله، پس از انتشار مجله و توجه به سانسور مطالبشان،
دست به اعتصاب زدند و خواستار رفع سانسور و معذرت خواهی مسئولان
شدند.

آخرین خبر رسیده حاکیست که تجربه روزنامه کیهان در مجله
زن روز تکراری شود و همان افرادی که خدمت روزنامه کیهان رسیدند،
خدمت زن روز هم خواهند رسید. ضمناً گفته می شود که به هنگام
"تصرف" زن روز، واجب است که خواندن صیفه نکاح، فراموش نشود!

شنبه — قانون نا مشروع





حلال مشکلاتم من

با خط خوانا جمله:

" این پوستیز از موی مردانه است " را بنویسند تا گوشتی دست اعضای محترم کمیته‌ها بیاید و مزاحشان نشوند.

■ در مورد پخش نشدن صدای زن از رادیو نیز عده‌ای از هموطنان عزیز اظهار ناراضی می‌کنند. برای حل این مشکل هم بنده راه حل بسیار جالبی در آستین دارم. پیشنهاد بنده اینست که ادارات رادیو از آقایانی که صدای زنانه دارند برای همکاری در رادیو دعوت به عمل آورد و ترانه‌هایی با صدای زن قبیل آقایان بپخش کنند. مطمئناً اگر با شنیدن صدای این دسته از خوانندگان، باز هم کسی تحریک شد، کلاه سر خودش رفته و گناهش به گردن مسئولان رادیو نخواهد بود.

■ مسئله شلاق زدن جماعت عرق خور هم گاهی اوقات سبب مشکلاتی شده است. البته در سابق که ما تمدن نبودیم و تازیانه زدن مخصوص اسب و الاغ بود، چون حیوانات زبان منده حساب سرشان نمیشد و یا اگر هم میشد زبان اعتراض نداشتند، اگر بجای دهن ضربه، صد ضربه شلاق هم می‌خورند مشکلی ایجاد نمیشد. اما حالا که ما تمدن شده‌ایم و آدم‌های زبان دارمان هم تازیانه می‌خورند، در موقع شلاق زدن، گاهی اشتباهاتی پیش می‌آید که سبب ایجاد برخورد بین " شلاق زدن " و " شلاق خور " میشود، بطوریکه در این مورد جوک‌هایی هم در انجمن است. بهر حال برای آنکه سعید هیچگونه اشتباه محاسبه‌ای در شلاق زدن و شلاق خوردن پیش نیاید، بنده پیشنهاد می‌کنم که دولت آمریکا جای اسلحه‌های که پولش را پیش‌پیش از ما گرفته و هنوز تحویل نداده، تعدادی " شلاق زن کامپیوتری " بسازد که بطور اتوماتیک و با ضربه‌های بکناخت به محکومین شلاق بزند. دستگاهها باید بقول خودشان دیرتال باشد و طوری ساخته شود که بتوان تعداد شلاق را در روی آن از عدد یک تا ۹۹۹ تنظیم نمود.

■ مشکل زنانه و مردانه کردن دریا نیز با وجود آنکه الان نیمی از فصل شنا گذشته هنوز جرم‌سایب بفریح و لاینحل ملکیتی است و تاکنون یک راه حل اساسی که نظر همه گروهها را تأمین کند برای آن پیدا نشده.

برای این مشکل هم بنده دوروش ابداع کرده‌ام:

الف - روش موشه‌دایانی

این روش که در آن از چشم‌بند موشه‌دایان

الهام گرفته شده شناگران مرد را مگلف میکند که قبل از رفتن نوبت آن، دو تا چشم بند به چشم چب

وراست خود ببندند و بدون خیال راحت به شنا بپردازند.

ب - روش فلغل نمکی

در این روش، مسئولین استخرها و پالایزهای

کنار دریا، قبل از وارد شدن جماعت مذکر به آب،

باندازه نوبت یک فاشق جاجخوری، نمک و فلغل نوبی

چشم آنها میریزند، بطوریکه آقایان قادر نخواهند

بود تا دو سه ساعت چشمان را باز کنند و اطراف

خود را ببینند. باین ترتیب، نظریه بر محترم کشور،

بدون آنکه نیاز به زنانه، مردانه کردن دریا باشد،

تأمین خواهد شد.

" شگول "

■ آن هفته که من پای نطق جناب نخست‌وزیر در تلویزیون نشسته بودم، دیدم ایشان از پیدا نشدن آدم حساسی با مهارت خودشان از قسط الرجال بقدری کله‌داشتند که می‌گفتند مجبور شده‌اند از زور علاجه داماد و برادر زاده خودشان را به بست‌های حساس ملکیتی بکارند.

بنده متعجب مانده‌ام که چطور شده با وجود چنین قسط الرجالی، ایشان هنوز به سراغ بنده نیامده‌اند و پستی را به اینجانب محمول نگردانند حال آنکه این بنده بشهادت صفحات همین هفته نامه آهنگر تاکنون پیشنهادهای بسیار مفیدی در مورد مشکلات و معضلات ملکیتی ارائه داده‌ام. معدلک از آنجا که اینجانب آدم بسیار پشتکار داری هستم در قاطعیت دست آقای طومار زاده را از پشت بستم، باز هم چند راه حل عملی برای مشکلات مهمی که دولت فعلاً " با آن دست به گریبان است ارائه می‌کنم، شاید هم پست وزارت، معاونتی چیزی محمول نمایند. و اما پیشنهادهای بنده:

■ همانطور که میدانید، این مسئله مجلس موسسان با مجلس خبرگان، با مجلس بررسی نهائی قانون اساسی با هر اسم دیگری که شما میخواهید روی آن بگذارید، کلی از وقت دقیقت دولت را اشغال کرده و هنوز هم در گوشه و کنار شنیده میشود که عده‌ای قانع نشده‌اند و مجلس موسسان را به همان شکل که دولت از ابتدا وعده داده بود میخواهند. بنده برای حل این مشکل، پیشنهاد بسیار عملی و کم خرجی دارم. بنظر بنده دولت بهتر است با تشکیل یک مجلس موسسان هفتصد نفری موافقت کند و اجازه بدهد که برای هر پنجاه هزار نفر یک نماینده باین مجلس برود. منتهای مزانت، برای آنکه کار بررسی قانون اساسی زیاد بطول نیانجامد، دولت تصویب قانون اساسی را باین هفتصد نفری بفراندم بگذارد تا آنها با دادن رای " آری " یا " نه " نظر خود را نسبت به پیش‌نویس قانون اساسی اعلام نمایند. باین ترتیب هم مجلس موسسان به آن شکل اولیه تشکیل شده و هم اینکه از نظر محکم کاری، قانون اساسی به بفراندم نیز گذاشته شده. با این وصف فکر نمی‌کنم که حتی بیانه‌چونترین آدم‌ها هم بتوانند به این روش دموکراتیک که مو، لای دروس سرود ابرادی داشته باشند.

■ مسئله حجاب هم این روزها که ماه رمضان در پیش است مجدداً عنوان شده و تابع است که در برخی از ادارات بخشنامه کرده‌اند، خانمها بپستی در ماه رمضان یا با حجاب سرکار بیایند و یا اینکه تمام ماه رمضان را مرخصی بگیرند. این موضوع در بین خانمهایی جهت‌نگرانی‌هایی را ایجاد کرده‌است حال آنکه واقعاً آن بسیار آسان است. بعقیده بنده، بهترین است دولت به آن دسته از خانمهایی که مایل نیستند از چادر یا روسری استفاده کنند، تکلیف کند که برای خودشان پوستیزهایی از موی مردانه تدارک ببینند و به سرشان بگذارند. باین ترتیب، هم نظر خانمها تأمین شده هم اینکه موی طبیعی آن‌ها بوسیله پوستیز پوشیده شده و از نظر شرعی اشکالی وجود نخواهد داشت. معدلک از آنجا که ممکن است بعضی از اعضای محترم کمیته‌ها نتوانند مردانه بودن این قبیل موها را تشخیص بدهند، خانمها بهتر است روی نواری که معمولاً " با پوستیز ب سرشان می‌بندند

صفحه ۱۰

پیش نویس قانون اثاثی ممالک محروسه آهنگر خانه

۱۰ مهر

سنة تعالی . مقدمه - قانون اثاثی ما از یک مقدمه و ۳۳ اصل و ۵ تبصره و یک واژه نامه که در انتها آمده است تشکیل شده است . چون تعدادی لغت فارسی در بعضی اصول گنجانده شده اند ، واژه نامه مورد نیاز است .

اصل ۱- بموجب این اصل زبان وسط رسمی ما عربی مابین فارسی کمرنگ می باشد .

۲- رنگ پرچم رسمی ما ، مشکی یکدست می باشد ، که در وسط مستطیل آن دو پا چند چماق بالدار صورت ضربدر منقوش و با ملبه دوزی شده باشد .

۳- قانون اثاثی بوسیله ۷۵/۵ نفر از "خیلگان" مورد اعتماد ، سه مورد استخاره گذاشته خواهد شد .

۴- اعضا "جلس خیلگان" از میان نمایندگان افتخار و صوف ! اجلی ساز ، مگر ، تعلیم ، آهنگر ، دستفروش و نمایندگان شیعه های زیر بازارچه ، انتخاب خواهند شد که در مورد اصول قانون اثاثی "به توحی ساریدی و جرو خست" خواهند پرداخت .

تیره های ویژه ، چماق ، انتخاب خواهند شد .

اصل ۸- دریای شمال آهنگر آباد زنانه و خلیج فارس دریای عمان مردانه و تنگه هرمز ممالک محروسه آهنگر آباد بشماره ، اعلام می شوند !

اصل ۹- برندگان آزادگن گرواز در صراط مستقیم (نه چپ و نه راست) را خواهند داشت .

اصل ۱۰- بزبان درانورا آستیری و خانه داری آزادی کامل و تا حدودی خود مختاری (که به تجزیه طلبی منجر نشود) داده خواهد شد .

تبصره ۵- خود مختاری اصولاً "حس است و شرعاً" حرام .

اصل ۱۱- ارتجاع پیروز است ، فدائی و مجاهد کفایت ناپود است .

اصل ۱۲- چون امیرالایم توبه و اعلام همسنگی نموده است ، هیچ کدام از هزار فرار داد دو جانبه " ما با آنها مسح نمی شود !

اصل ۱۳- مسئول بوقت را بدو " هوجی و بزبون " مجاز است " باره نه " وسط انقلاب خلق بدود یا راه برود .

از افرای سبی یا نسبی حضرتش کاندیدا خواهند بود . اگر داماد خوب داشته باش که خیلی بهتر است و "سه المراد" البته در مورد تصد داماد ، بقرعه و استخاره پناه خواهیم برد .

اصل ۲۲- ارتش برادر راست . ارتش و ملت هیچوقت مستقیماً " رو در روی هم قرار نخواهند گرفت مگر در مواقع جنگ دولت با ملت .

اصل ۲۳- حکومت نظامی مطلقاً " ممنوع است مگر در فاصله ساعات ۹ از شب الی ۶ صبح روز بعد و با دستور فرماندهان ارشد .

اصل ۲۴- فتوایهای افغانی برادران دینی سرمایه داران ما هستند .

اصل ۲۵- مستعین پاکستان (چون بومیدن) برادران دینی سرمایه داران ما نیستند ، بلکه زوال " خبا " الشعر برادران است .

اصل ۲۶- طبق روایات و احادیث معتبر مارکسیسم مکتبی است برای اصلاح نژاد اسب و قاطر ، پس از نظر دانشمندان اسلامی منظور و حرام

● به همکاری و اشتیاق زنان الله را به ادامه ی راه سازشگر گسوده است

فردای زنان «قلعه» را دریابید



چگونه ی حرفیا :

● ما میخواهیم شرایط را تغییر دهیم
 ● این راهی همه یکواحد ...
 ● اگر من نگاه کرده ام ، چون بعضی جوانم به پای من پیورده ؟
 ● مضارح بچه رنگی نداده را بدمند و ماری جن کار بفشارند -
 ● عکس جیبیها من تکلیفی محل موجود است تا در صورت شکایت ، آنها را مستحق کنیم
 ● پس از به جشن کشیده شدن قلعه ، بعضی از زنان در چانه های کرج مشغول فعالیت شدند .



از. نون سمانی

نامسلان بسمتق، تق، تاق، تاق، تاق
بی برینسپ، از یخه‌م بردار دست
لاموت دست بردار از سرم
آخ، ولکن، بندچیزم پاره شد
واخ، دست و پشت و پهلویم شکست
— اون یکی رو، درمیره، اصغر بزین
پاره کن بپراهنش را بر تنش
چنگ زن بر کیسوش او را بکش
کله پایش کن به نیروی چماق

— مردم از پشت ولگدچوب و چماق
آه، مردم، عینک پنم شکست
خرد شد از ضربهایت بیکرم.
گوشارم، سینهریزم پاره شد
بی ادبول کن، الگویم شکست.
اون یکی ما مانیه، کمنسریزین
بشکنه با این قیافش گردنش
با "دو تکه" بر لب دریا بکش
تا بداند زور بازوی چماق.

* * *
اینکه گنج نعره و غوغاستی
چشم واکن، جنگل مولا ببین
رفته مردک بسا زنش بهر شنا
راستی، این جنگود عوا از چیه؟

* * *
این هیاهو، از لب دریاستی
جنگ کفرو دین، لب دریا ببین
خود، تو میدانی بقیه ماجرا
ما کجا هستیم و خصم ما کیسه؟

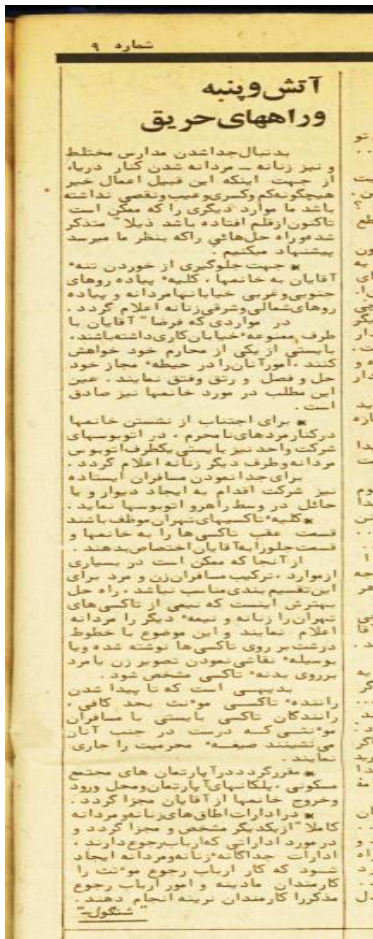
پشیه در صفحه ۲

جنگ «مایو»

گشته حل یکباره مشکلهای ما؟
مملکت گشته‌ست غرق کاروان
هر برهنه، گشته اینک نو نوار
آن یکی، کم کرد در حرشاشتر
کای خدا افسار اشترحیف بود
قصه این ساریان، بی‌کاستی
ما شتر کم کرده در این مهلکه
ما کجا این بحث بی‌حاصل کجا؟
جنگ ما، جنگ لب دریا نبود
بحث پیمانهای سری داشتیم
بحث از سنتسو و ریاتو داشتیم
ما همی گفتیم: آمریکا، سیا
ما همی گفتیم با صوت جلی:
ما همی گفتیم شاه ردل و پست
ما همی گفتیم در هر روز و شب:
این عمو سام است و با صد میکروفن
میفرستد از برایت تانک و توپ
میترشد بهر تو شاه و وزیر
زمرمه‌ها، نعره شد، فریاد شد
با تلاش بیدریغ توده‌ها
اندرین ره، گیر و ترس او بهبود
بهر محو دستگاه ظلم و زور
آسد اینک روز آزادی خلق
هر که باید با رسوم قوم خویش
غیر از این، بدر نفاق افکندنت
هر کسی با منطقی پا در هوا
رشته وحدت در این کشور گمبخت
کیست شاد از اختلاف خلق ما؟
خواهد او هر روز با مکر و حییل
گاه جنگ ترک و لبر بر پا کند
تا مسیر انقلاب خلق ما
ما برای هیچ و بوج اندر جدال
ای برادر جان من، هشیار باش
تا نیفتنی بار دیگر در تله

مانده بر جا مشکل دریای ما؟
نیست یکن، در بدر بیخاتمان؟
جز برهنه در لب دریا کنار؟
انگ میبارید بر رخ، شروشر
میرایندش بصد افسون رونود.
خود حدیث حال و روز ماستی
بهر افساریم اندر مضحکه
جنگ مایو، بر لب ساحل کجا؟
بهر مایو این همه دعوا نبسود
بدر ضد سلطنت می‌گاشتیم
کی، کجا، ما جنگ مایو داشتیم؟
عامل فقر است اندر ملک ما
جامبول ویانگی برو، ول معطلی
نیست جز فکر دلار و بند و بست
آحسن، مشت تقی، کبلا رجب
میبکد خون تو و ایشان و من
میبرد نفت تو با گوس و نقیر.
لرزه بر ارکان استبداد شد
گشت آزادی نصیب خلق ما
ترک و کرد و لبر، بهر جا هر که بود
جست از جا با همه ایمان و شور
روز عیش و عشرت و شادی خلق
در ره فردای خود تازد به پیش
شاخ وحدت را زین برکنندنت
یا به صرف ادعائی ناروا —
آب اندر آسیای خصم ریخت
آن عمو سامست و آمریکا، سیا
بین ما بر پا کند جنگ و جدل
که سر مایو بسا غوغا کند
منحرف گسردد به افسون وریا
بینگه دنیا، شاد از این قال و مقال
چشم خود را باز کن، بیدار باش
اندرین غوغای شمر و حرمه





طرح انقلابی

مسئله "میدانید فلسفه حساب اسلامی اینستکه مردان گرسنه شهوت پادیدن اندام زیبای خانمها تحریک نشوند وبخیال ناخنک نیفتند وزجر نکند. میخواهم بعرضتان برسانم در مملکت ما گرسنگان شکمی هم زیاد هستند مخصوصاً در بین مستضعفین که از دیدن غذاهای لذیذ و شیرینی های خامهای وکیکهای سوهای خوشگل خوشمزه تحریک میشوند و آب از لب برای بدست آوردن بول بهکارهای ناخایست نظیر دزدی و فروش هروئین وغیره دست میزنند و همین وضع برای کسانی هست که ماشینهای آخرین سیستم و ویلاهای زیبا را دوست دارند. پیشنهاد میکنم دولت اسلامی غذاها و اتومبیلهای نو و ویلاها یک حجاب اسلامی درست کنند تا خلق مستضعف چیزی نبینند و دلشان نخواهد. فکر میکنم بهترین راه درست کردن تمام غذاها بصورت دلمه برگ مو باشد تا کسی داخل آنرا نبیند و روی اتومبیلها هم چادر با کلمسه لاله‌الله بکشید و جلوی خانه‌های زیبا را هم دیوار خشتی کاهگلی بکشند!

"میم - الف"

درباره‌ی آشیخ محمد

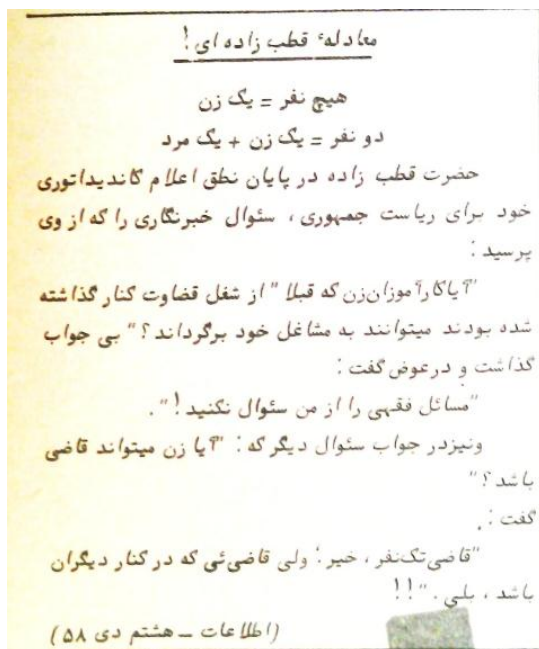
اولندش خدا گسواه است اگر اسم

فرض محال، فرض ممکن

پنجم: نویسنده محترم ما

۱ صورت مسئله: در پیش نویس قانون اساسی خلافت زن در جامعه انقلابی امروز نادیده گرفته شده است. فرض اول: زنها در تدوین قانون اساسی نقشی نداشته‌اند، بنا بر این از حقوق اساسی هم سهمی ندارند. فرض دوم: خلافت زن در جامعه انقلابی امروز تشکیل شده است از: خلافت بیجه - خلافت آگوست و خلافت دمخترک. حل المسائل: از خانمها تقاضا میشود اول وجود خلافت را در پیش نویس قانون اساسی ثابت بفرمایند، بعد ادعای سهمیه بفرمایند.

۲ صورت مسئله: در بعضی از کمیته‌ها، بعضی از مردم را با افراد مسلح خود به محضر میبرند و مجبور به امضاء اسناد می‌کنند. فرض اول: سند ملک تا وقتی سندیت دارد که توسط تنگ ژ - ۳ از درجه اعتبار ساقط نشده باشد. فرض دوم: تنگ ژ - ۳ آنچنان تفنگی است که هر کار ازش می‌آید، از جمله میتواند در موقع لزوم نقش نگاه معاملات ملکی را بازی کند. حل المسائل: مطابق قانون اساسی خانه



منتشر شده در راه کارگر



بازتاب مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ

آزادی زنان، معیار آزادی جامعه است

رهائی زن

نشریه انجمن رهائی زن

شماره ۱ - بهار ۱۳۵۸

تیر ماه ۱۳۵۸

در این شماره...

آزادی زنان، معیار آزادی جامعه است. این شماره از نشریه انجمن رهائی زن، شماره ۱، بهار ۱۳۵۸، شامل مطالبی است که به مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ می‌پردازد.

جنسی مقاومت زنان اعلامیابد

با توجه به این که در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ، مسایل جنسی به عنوان یکی از مهمترین مسایل زنان مطرح شده است، در این شماره به بررسی این مساله پرداخته می‌شود. در این مقاله، به بررسی نقش جنسیت در فرآیند تحریر و نشر نشریات می‌پردازیم و به این سوال می‌پردازیم که چگونه می‌توانیم با استفاده از قدرت جنسی، به مقابله با سانسور و سرکشی‌ها بپردازیم.

در این مقاله، به بررسی نقش جنسیت در فرآیند تحریر و نشر نشریات می‌پردازیم و به این سوال می‌پردازیم که چگونه می‌توانیم با استفاده از قدرت جنسی، به مقابله با سانسور و سرکشی‌ها بپردازیم.

بازتاب مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ

رزم زن

نشریه انجمن رهائی زن

شماره ۱ - بهار ۱۳۵۸

تیر ماه ۱۳۵۸

در این شماره...

آزادی زنان، معیار آزادی جامعه است. این شماره از نشریه انجمن رهائی زن، شماره ۱، بهار ۱۳۵۸، شامل مطالبی است که به مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ می‌پردازد.

حمله به دانگانه

حمله به آزادی است!!

آزادی زنان، معیار آزادی جامعه است. این شماره از نشریه انجمن رهائی زن، شماره ۱، بهار ۱۳۵۸، شامل مطالبی است که به مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ می‌پردازد.

516

زنان در مبارزه

انجمن رهائی زنان

شماره ۱ - بهار ۱۳۵۸

تیر ماه ۱۳۵۸

در این شماره...

آزادی زنان، معیار آزادی جامعه است. این شماره از نشریه انجمن رهائی زنان، شماره ۱، بهار ۱۳۵۸، شامل مطالبی است که به مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ می‌پردازد.

سپیده سرخ

ارگان احزاب انقلابی ایران

شماره ۱ - بهار ۱۳۵۸

تیر ماه ۱۳۵۸

در این شماره...

آزادی زنان، معیار آزادی جامعه است. این شماره از نشریه سپیده سرخ، شماره ۱، بهار ۱۳۵۸، شامل مطالبی است که به مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ می‌پردازد.

اولین هدف تیرتکشی ارتش!

انقلاب برای ایران

اولین هدف تیرتکشی ارتش! این شماره از نشریه سپیده سرخ، شماره ۱، بهار ۱۳۵۸، شامل مطالبی است که به مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ می‌پردازد.

خفت جوان رستم کینه

برای خدمت به خلق!

خفت جوان رستم کینه، برای خدمت به خلق! این شماره از نشریه سپیده سرخ، شماره ۱، بهار ۱۳۵۸، شامل مطالبی است که به مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ می‌پردازد.

نشانی‌ها د آنگاه نهایی!

نشانی‌ها د آنگاه نهایی! این شماره از نشریه سپیده سرخ، شماره ۱، بهار ۱۳۵۸، شامل مطالبی است که به مسایل زنان در نشریات سازمان‌های سیاسی زنان چپ می‌پردازد.

سهم زنان از انقلاب



همه‌ی این ریسوروی‌ها هم با گذشته‌ی خود تا ظاهر و پندار با حق و با عدالت و با حقوق بشر، هم‌راستا و هم‌جهت است. این همه‌ی این ریسوروی‌ها هم با گذشته‌ی خود تا ظاهر و پندار با حق و با عدالت و با حقوق بشر، هم‌راستا و هم‌جهت است. این همه‌ی این ریسوروی‌ها هم با گذشته‌ی خود تا ظاهر و پندار با حق و با عدالت و با حقوق بشر، هم‌راستا و هم‌جهت است.

بسیار مهمی است. این همه‌ی این ریسوروی‌ها هم با گذشته‌ی خود تا ظاهر و پندار با حق و با عدالت و با حقوق بشر، هم‌راستا و هم‌جهت است. این همه‌ی این ریسوروی‌ها هم با گذشته‌ی خود تا ظاهر و پندار با حق و با عدالت و با حقوق بشر، هم‌راستا و هم‌جهت است.

حق انتخاب آزاده‌شکل برای زنان گامین باید کرد



همه‌ی این ریسوروی‌ها هم با گذشته‌ی خود تا ظاهر و پندار با حق و با عدالت و با حقوق بشر، هم‌راستا و هم‌جهت است. این همه‌ی این ریسوروی‌ها هم با گذشته‌ی خود تا ظاهر و پندار با حق و با عدالت و با حقوق بشر، هم‌راستا و هم‌جهت است.

همه‌ی این ریسوروی‌ها هم با گذشته‌ی خود تا ظاهر و پندار با حق و با عدالت و با حقوق بشر، هم‌راستا و هم‌جهت است. این همه‌ی این ریسوروی‌ها هم با گذشته‌ی خود تا ظاهر و پندار با حق و با عدالت و با حقوق بشر، هم‌راستا و هم‌جهت است.

زنان باید از امکانات برای آموزش و پرورش برخوردار گردند

کزارشی درباره طلاق و قوانین مربوط به آن

تهیه شده توسط جمعی از دانش‌آموزان
عضو گروه تحقیق دبیرستان مسعود کیهان

از دواج درجا معما متداول است بخصوص در روستاهای ایران. ۳ - بی فرزندی و کم‌فرزندی هم باعث ناپایداری خانوادگی می‌شود. ۲۰ - شهر



کرایبی و رشد صنعت هم به زودتر متلاشی شدند خانواده‌ها کمک می‌کنند چون توقع بالامیرود و انتظارات بیشتری شود. ۵ - ناراحتی‌های روحی و روانی هم دلیل طلاق است و یکی از پدیده‌های رشد ما شین است. ۶ - ضعف قدرت جنسی در مرد و زن نیز یکی از عوامل طلاق است. ۷ - عدم سازش فکری و اجتماعی درجا معما فعلی امکان آرزای زن و مرد نسبت به گذشته بیشتر است ولی سازش فکری در پایداری زنان و شوخی نقش مهمی دارند زیرا تنها چیزی که برای طرفین عوض نمی‌شود طرز تفکر است. ۸ - نداشتن

قانون مابعدی منافع فردی و اجتماعی کلیه افراد را عملاً زدن و مردمان آنکس خواسته‌های نادرست عده‌ای را در آرای ناسودی برخی دیگر تا مین و تضمین نمایند تا نون یک وسیله انتقام جویی نسبت و نیا بدما امتیازات غلط و وحشتناکی که به برخی واگذار می‌کنند چنانچه رشوه و حق‌الکوت بگیرد. قانون نیا بددر مردان حی و خشگیری وسیله رحمی ایجاد کند و زنان بی‌پناه را قربانی اعمال سعادتمندان نماید و بالعکس. فسادیک ملت در عمق قوانینش نهفته است و به همین منظور برای ریشه‌کن کردن تنها هیئت باید در قوانین به جستجو پرداخت تا برای این قوانین مابعد اصلاح گردد. پس قوانینی مابعد وجود داشته باشد که به نفع اکثریت جامعه باشد. نیا بد افراد را ملزم به اجرای قوانین کرد بلکه قوانین مابعد بطوری باشد که افراد خود را مجری آن بدانند و با کمال میل و رغبت قوانین را اجرا نمایند. اگر قوانینی طبق خواسته مردم یک مملکت تنظیم شود مثلاً در مورد طلاق و ازدواج زن و مرد مابعد می‌شود آنها در مقابل هم و در مقابل قانون یکسان و برابر باشند. مابعد دیدجه‌هایی مابعد طلاق و ناپایداری ازدواج می‌شود:

۱ - فقر اقتصادی: طلاق در طبقات فقیر بیشتر از طبقات دیگر مابعد و رواج دارد چون فشار اقتصادی مرد را تحت فشار قرار می‌دهد و او را به سرهم زدن زندگی خانواده‌ی مجبور می‌کند. ۲ - کم‌مالی زن و مرد: اگر زن و مرد در سن کم باشند ناسازگاریها بعد از طلاق شوه‌تشان بیشتر می‌شود بخصوص برای زنهایی که زیر سن بلوغ ازدواج کرده‌اند این

بیانیه مشترک انجمن‌های زن و سه سازمان زنان دیگر در باره قانون اساسی

برعکس به نظر ما در مورد نقش زن در خانواده باید برای از بین بردن این تقسیم کار مساوی برابر برای اهل این مملکت آورده شود:

از آنجا که نیمی از نیروی تولیدی جامعه را زنان تشکیل می‌دهند تربیت فرزندان مخصوصاً در دوران کودکی مسئولیت و وظیفه مشترک پدر و مادر می‌باشد علاوه بر این باید امکانات اجتماعی لازم از قبیل مهد کودک بطور رایگان در سراسر کشور در اختیار خانواده ها قرار گیرد تا پدر و مادر بتوانند به کار تولیدی خارج از محیط خانه بپردازند.

در مورد اصل ۲۲ که با ذکر "مساوی زن و مرد در مقابل قانون" می‌خواهد بر روی عدم وجود حقوق مساوی برای زن و مرد سرپوش گذارد باید گفت که مساوی در برابر قانون به هیچ وجه به مفهوم مساوی حقوق نیست و باید در قانون اساسی تصریح شود که همه افراد ملت صرف نظر از ملیت و جنسیت دارای حقوق مساوی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌باشند.

لژم به یاد آوریم که در این بیانیه فقط به اصولی برخورد شده است که در رابطه با حقوق مشخص زنان می‌باشد و ما متعجبیم که در پیش نویس قانون اساسی اشکالات و انتقادات فراوانی وجود دارد. بخصوص آنکه حقوق اقشار و طبقات زحمتکش و خلقهای تحت ستم نادیده گرفته شده است. از آنجا که مجلس "خبرگان" با شرایط خاص برگزاری آن، به هیچوجه نمیتواند منعکس کننده خواستههای برحق و اصولی مردم باشد، ما انتقادات و طرح خواستههای برحق زنان را نه از مجلس "خبرگان" انحصارطلبان بلکه از نیروهای مترقی و مبارز می‌خواهیم و منتظریم که فقط با مبارزه‌ای پیگیر بتوان در جهت احقاقاق این خواستها قدم برداشت.

ماه گذشته بیانیه مشترکی از طرف انجمن‌های رهایی زن و سه سازمان زنان دیگر، گسروه بزوش و طرح مسایل زنان، اتحادیه زنان حقوق دان و اتحادملی زنان تدوین شد. این بیانیه به نقد و بررسی حقوق زنان در پیش نویس قانون اساسی پرداخته و اصول پیشنهادی خود را در این رابطه طرح نمود که اهل پیشنها می‌دهی بیانیه عبارتند از:

۱- در رابطه با اصل ۱۱ پیش نویس که معیارهای کنگ و قابل تفسیر اخلاقی اجابگیرین حقوق مساوی زن و مرد در خانواده کرده است و در نتیجه پدرسالاری را "بر مبنای طهارت و تقوی و ارزش های و الق انسانی" تحکیم میکند و بلا حقوق خانواده را بر حقوق فردی مقدم شمرده است که تفسیری جز زیر پا گذاشتن حقوق فردی زن در خانواده نمیتواند داشته باشد. ما پیشنهاد می‌کنیم برای از بین بردن نابرابری های موجود در امور مربوط به خانواده از جمله ازدواج، طلاق و ولایت فرزند، ارت برابری کامل حقوق زن و مرد در کلیه امور مربوط به خانواده تامین گردد و لذا خانواده باید بر مبنای انتخاب آراسته و داوطلبانه زن و مرد استوار، مساوی حقوق زن و مرد در خانواده باید در تمام زمینه ها مصون شود.

۲- در مورد اصل ۱۲ پیش نویسی که بسن نقش پدر و مادر در خانواده و تربیت دختر و پسر تعکیک قائل میگردد و در نتیجه گیری با استناد از شعارهای زیبا و فرسوده ای چون "وظیفه برار مادر" و مفاهیم کنگ و باروشی چون "مسئولیت زنان در جامعه انقلابی اسلامی" عملاً زنان معنی سیمی از نیروی فعال و تولیدی جامعه را به گناه مادر شدن به امارت در چهار دیواری خانه محکوم میکند. حال آنکه درست

حمله چاقو کشان به زنان گسترش می یابد.

گشت و پس از نظارهات بدیه دمکراتیک ملی در اعتراض به سانسور مطبوعات و تعطیل روزنامه ها ، عملیاتی که دو سه هفته به تعویق افتاد بود شروع شد. و آنچه که بقول سخنگوی دولت "شایعه" بود واقع شد، و بینشی که از طسوق مختلف تبلیغ و ترویج میشد، انعکاس مادی خود را یافت .

درازدحام حملاتی که چاقو کشان و گروههای ضربت بنام اسلام ویا حمایت همه جانبه بسوزی بدستان کمیته ها و تشویق و تایید لفظی اساً و تایید ضمنی دولت انجام دادند ، یکی از مهم ترین جهات حمله متوجه زنان "بی حجاب" بود . بازهم تحت نام حجاب و اسلام این چاقو کشان عقده های انباشته سالهای حقارت و درماندگی خودرا که ناشی از توسری خوردن از خاستواده و حکو

با لهره آنچه که میبایست در مورد "حجاب" و حمله به زنان بی "حجاب" در ماه رمضان پیش بیاید، از هفته قبل به وقوع پیوست و چاقسو کشان و دزدان حرفهیی ، جلوی زنان "بی حجاب" را میگرفتند و در موارد زیادی با چاقو بسه آنان حمله ور میشوند .

چندین هفته قبل از ماه رمضان ما انتظار وقوع چنین اتفاقاتی را داشتیم و این را از عمل کرد چندین ماهه این حاکمان و بطریق اولی از پیش و ایدئولوژی آنان نسبت به مسئله زنان دریافته بودیم . این مسئله چنان ایجاد گسترده ای در هفته قبل از رمضان بخود گرفت که سخن گوی دولت مجبور به تکذیب این "شایعات" شده با اعت گردید گروههای فشار دست نگهدارند و دو هفته ای "عزیزه بطالت" بگذرانند . اما با لهره هفته گذشته این فرست طلایی نصیب آنک

بقیه در صفحه ۸

۲۸ مرداد

شعبان بی مخ قرآن بر سر نیزه کرده است

هنوز فراموش نشده ، هنوز آن صحنه ها مقابل چشمان بسیاری است ، و هنوز بیاد دارند که دستگاه حکومتی چطور سالیان دراز از آنان به عنوان "مخالفین صدق" مردمی که ضمام کردند تا "شاه محبوب" را به وطن بازگردانند، نام میبرد .

آن بیست و هشت مرداد گذشت و قیام های خونین مردم شاه را بار دیگر بصور به فرار کرد، اما فرزندان شعبان بی مخ ها ، نسل سگ

بقیه در صفح ۸

بیست و هشت مرداد سال ۳۲ را بسیاری بی یاد دارند، بیاد دارند که شعبان بی مخ معروف به جعفری چگونه عدهیی از ارادل و اوباش، قلدران چاقو کشان و فاحشگان را سیخ کرده و بر کف تریالی ها فرش کرده و در کامیون ها (هنسوز و انتبه بازار نیا شده بود) و در خیابان می گرداند و "جاوید شاه" گویان مردم را ایداء و ادبت میکردند و دشنام های رکیکی را که به مناسبت حرفه اشان خوب آموخته بودند ، تشار این مردم میکردند . این صحنه های تبوع آور

ازدواج شناسی

همزمان یا "روز جهانی زن"، هفته‌ای کده نیروهای آگاه و مترقی در دیوار شهر را بسا پوستر و اعلامیه‌های مختلف، بمنظور بزرگداشت مبارزات زنان ستندیده ایران و جهان پر میکردند سردمداران جمهوری اسلامی نیز مفهوم "مقام والای زن" را با نسب اعلامیه‌های بزرگ و رنگارنگی که به "گپي مناصه" بیشتر شباهت داشتند، "اطلامیه" در اطراف شهر به نمایش گذاشتند. ما یکی از این "اطلامیه"ها را بصورت کامل در این جا نقل میکنیم تا سندی دیگر از درك متحجرانه حکام جدید را در مورد مسئله ازدواج ارائه دهیم. نشان دهیم که چگونه خرد و فروش زنان و دختران را در جامعه رواج میدهند.

اطلامیه پیر از ذکر آیاتی از قرآن مجید و نشانیهای شعبات دهگانه بنیاد ازدواج پیش زير از قول "خواستگار" خطاب به والدین عروس نوشته شده است:

"... بدان و هشيار باش... ای پدر دختر...
... بدان و هشيار باش... ای مادر دختر...
... من به كنگ بزرگ شما احتياج فوری دارم. جوان هستم و از سن بلوغ چند سال گذشته است. طبق قانون بشریت نیاز به همسر و شريك زندگی دارم تصمیم گرفته‌ام بر مبنای احكام مذهب اسلام و سنت پيغمبر حضرت محمد بن عبد الله و با تعهدات متقابل انسانی و شرافت - مندانه با نظارت مستقیم بنیاد و نهاد انقلابی ازدواج، ازدواج کنم. مشخصات کامل خود را بطور مشروح و با شماره رمز (۰۰۰) همراه با آدرس و معرفیهای متعدد و خصوصیات همسر آینده‌الم بد فتر بنیاد ازدواج (خیابان مولوی انرسيده به میدان قیام پلاك ۵۰۴) شعیبه خندقی آباد) اعلام کرده‌ام.

من چون مرد بودم از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر مراجعه کردم و پس از تکمیل فرم جهیست تشکیل پرونده سه قطعه عکس و دو برگ فتوکپی

شناسنامه و گواهی اشتغال بکار تحویل داده در مقابل يك شماره رمز مخصوص دریافت نمودام. اما چون فرزند شما دختر است فقط میتوانيد در ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح یکی از روزها او را نزد خانم مسئول امور بانوان در این شعبه بنیاد ازدواج برده و مشخصات خود را در فرم تکمیل نماید و هم چنین خصوصیات همسر آینده‌الکس را در فرم محرمانه شرح دهد (عکس و فتوکپی شناسنامه را حتما همراه ببرید).

شاید به تشخیص گروه تطبیق این بنیاد و خواست پروردگار متعال قسمت من یا دختر شما باشد و قرعه فالس در گردونه تقدیر بنام من اصابت کند...؟! (علامت‌ها در متن اصلی گذاشته شده است؟)

اطمینان و یقین دارم اسم و رسم دختر شما را تا آخرین مرحله توافق نهایی با من و یاهر يك از برادران جوان هموطن کاملاً شرعاً و محرمانه نگه خواهد داشت و با شماره رمز مخصوص بنیاد نشان خواهند داد مگر زمانیکه توافقهای اولیه صورت گرفته و او با خطبه عقد انشاء الله... و صد انشاء الله... محرم و حلال یکی از من حیواناتان گردد. آنها تحقیقاتی در حد امکان شما را جمع یمن کرده‌اند... البته شاید مشابه آنرا در مورد شخصیت و عفت و تقوی همسر آینده من و خانواده و رفتار بنمایند و نتیجه را همراه با مدارك جمع‌آوری شده در بایگانی محرمانه بنیاد ضبط تا هنگام تطبیق خصوصیات ما با یکدیگر و یا پاسخ نهایی به متقاضی آنها توجه نمایند اما در هر حال این ما هستیم که باید بمسئولیت خود و خانواده‌هایمان تصمیم نهایی را بگیریم و از هنگام قرائت خطبه عقد به بعد هیچ مسئولیت در زمینه گذشته‌ها و حال و آینده ما و روابطمان با یکدیگر بعهده مسئولان بنیاد ازدواج نخواهد بود. و آنها فقط نقش ارشادی خواهند داشت. اگر دخترتان جهیزیه ندارد نگران نباشید اولاً من احتیاج به صبریزه دختر شما ندارم چون

اتحاد ملی و فرقه گرایی

مراغ

جامعت کلمیم خودشان را از آب بکشند و این همه این‌ها من عاقبت خوشی ندارد. ما هنوز هم منتظر اعلام موضع مریح اتحادیه ملی زنان هستیم البته اطلاع موضع رنده خوشبو لغا یا. اما چون در بنی این حرکت عامل تکثیر و کسج اندیشی شوربیک را بسیار دخیل میدانیم به منظر سورهس آموزی از آنچه به‌دراست جریان دارد، به نکاتی چند در این رابطه می‌پرسوداریم:

نکته اول - در بین توده‌های ملیونی بی‌بازده گسائی که از روی صداقت دل میجویدند و آرزو می‌کنند جنبش چپ ایران میثاق است از این نشد و پراگندگی نماند یا بسند، بسیاری از این صداقت این هزارها یکی را لغت می‌فرستند و در شعبه اند که چرا این سازمان‌های مختلف می‌باشند. علمیرقم وجود مسائل عام جنبش چپ و مبارزات دیگران است. با رهم با هم مبارزگاری ندارند. بسیاری از این خوداران تا آنگاه نه بدان عمل که به هر طریق وجود این تشکلات ریز درست و در روتنه مبارزه طبقاتی الزامی و بدیهی است ما ور ندارند، چه رسیده اینکه وجود آنها را برای اعضای جنبش‌های مختلف می‌دانند.

ما بر این عقیده ایم که جنبش چپ ایران به علمیرقم نیایند آتش هنوز فرسنگی راه در پیش دارد. و بی‌شک‌هرا این آراه از برخورد طبایه و طبکات نظرات ما به برخورد ما باشد. نیروهای که به هردلیل از این برخورد طبایه احتساز دارند بیجا پیش زمینه مدفون شدن در گورستان تاریخ را برای خود دست و پا میکنند. این گریز از مواجهه شدن با دیگران، الزاماً گریز از عمدا و مقصد شدن با دیگران را، حتی در فعالیت‌های دیگران یک جامعه به همراه می‌آورد و طبیعتاً که این بیگانگی با هم، این نشفت و این کدبگر را رقیب و نه رفیق دیدن، هرآنکه دشمن را خاد کدبگر کار دیگری نخواهد کرد. لزوم وجود سازمان‌های متحد در این مرحله تاریخی، نه تنها شما به ما است همیت این تشکلات نیست یکدیگر کرده بلکه بر مکن با همرا گنیزنده احساس همکاری و احترام متقابل باشد. ما به نیروها باین امل واقف‌شوید، که اگر مشکلی هست مشترکاً به رفع آن بپردازید. شما به وجود ما بی‌گوناگون، و با احتملال نظراتی که بسیاری از آنها اصولی و اساسی هم هستند، موافق آن بود که هرکس فر خود را براند، همواره ما باید همرا با بود که شایع به رفتار متقابل به همکاری، شامل دیگران همرا با درما شد بیشتر داشته‌باشد. و ارتقاء دیگران همرا با شده‌باشیم و روش‌های تکسیم، البته همه جز اصول اولیه اخلاق انقلابی محصور می‌شود، که خودماری متناه شوربیک در اجتماع طبقاتیست و منافقانه پیروید که فرا می‌شود. آیا شما به قلم و قدم را بخدمت گرفتار تا این فراموشی نیروها را احاطه کنید؟

اما با وجود تمام این آرزوها، واقعیات جامعه ما حرکت دیگری را عرصه می‌آورد. حرکتی که نه تنها خوب نیست

بکنار دیگر و برای چندین بار، بحث بر سر جنبش زنان، ما محبت شکل زنان، و نحوه عملکرد سازمان‌های زنان، دور میزند. چرا که علمیرقم هزاران بار مطرح شدن آن در جنبش‌های زنان، و اشاره مکرر آن در ایران‌های هم‌عصر و تحولات سیاسی این سرزمین همرا با فرقه‌گرایی‌های این و آن، ما را با آن داشت که بکنار دیگر، مختصراً به مسائل چندین‌زاین زمینه برخورد داشته‌باشیم.

و آنچه که این شکل انبساط از چپ‌انها ایجاد می‌کند و در رابطه با شورای همسنگی زنان برای نیروهای مختلف و منضبط حرکت‌های زن بوده‌اند است: کشاره حرکتی که به هرگونه حرکت بکناله اتحادیه ملی برای بسیاری از زنان مبارزه و نیروهای سیاسی، که می‌خواهند بگویند ای به تفاوت بیندیشند، هرورست.

پس از تمام سپن ماه سال پیش و بعد از رشد نیروهای سیاسی، زنان مبارزه و آگاه ایران نیز، اقدام بدیهی ریزی شکل زنان برای دستیابی به خواستهای سیاسی خویش نمودند. روشن است که ذرات تلاش اختلاف‌نظرهای سیاسی محور همه گروه‌های سیاسی آتی شد. و مادر جای خود با این اختلافات فراهم برداشت. در اینجا همینقدر اشاره می‌کنیم که اتحادیه ملی زنان یکی از چندین تشکلی بود که برسمتای ضرورت مبارزه برای رهائی زن بوده‌اند و شکل گیری آن بدین‌ال اشکال چندمنظر بود. این سازمان بعدها به‌عنوان همسنگی زنان پیوسته که در دستور برگزاری کنفرانس مشترک زنان دربار، قانون اساسی، از تجمع چند سازمان متفرقه شکل گرفته بود.

اموی، شرکت در این همسنگی رسماً خود ما به امیدوار بودیم. اما انحرافی در زمینه مسائل شوربیک و فرقه‌گرایی، برانجام کار خود را کرد. اتحادیه ملی زنان که خود را همسنگی پرچمدان مبارزه علیه فرقه‌گرایی میدانست، به‌هفته قبل از ۱۸ آگشت و درست در زمانی که بعضاً از هر لحظه دیگری نیاز به همکاری و حرکت مشترک بود اعلام نمود که در برنام ما ۱۸ آگشت همکار نخواهد کرد و چرا؟

هنوز پاسخ این چرا داده نشده‌است و این بحث از این است. اگر سازمانی استقلال دارد و از عنوان آن هرآنسنگ نیست چه بهتر که آنرا مطرح سازد. و از حداقل احتملال انقلابی و تعهد سیاسی برخوردار باشد و دیگران را در مسیر میرنگاه تنها نگذارد همکاری کردن با همکاری نکردن، در هر دو صورت ما به دلائل کافی اعلام شود. ایستن از اصول اولیه روابط نیروهای سیاسی در یک جامعه است. و چنانچه چنین شد حداقل می‌باید به حال چنین تشکلاتی مشافه و از سرفوق آرزوی لغا داشت. این عوره‌پرست که بحال بسیاری از نیروهای سیاسی افتاده‌است و هرگز در اندیشه آن است که بیعت خویش با خود دیگران خسار کاری می‌خواهد بکند. بودن و مردن تا بی تفاوت است آنچه مهم است. آنچه علمی و حیانت‌آمیز است که ایستن

مبارزه طبقاتی و مسئله زنان

بساری از نیروهای چپ، مبارزات دمکراتیک زنان را نوعی مبارزه بورژوازی تلقیر نموده و از حمایت آن خودداری می‌نمایند.

آرژوند، شماره ۱۲، بهار ۱۳۵۲، ص ۱۰۰ تا ۱۰۳

کمیتره‌ای که در پی مبارزه با مسئله زنان در ایران است، در این باره به بحث پرداخته و در مورد آن اظهار نظر کرده و به سایر مبارزات چپ در این باره اشاره کرده است. اما در مورد مبارزه با مسئله زنان، که از دیدگاه ما، یکی از مهمترین مسائل مبارزاتی است، به بحث پرداخته و به ما اطلاع داده است. این مبارزات، که برای مبارزه با مسئله زنان در ایران است، باید به گونه‌ای باشد که بتواند به مبارزه با مسئله زنان در ایران، که یکی از مهمترین مسائل مبارزاتی است، کمک کند. این مبارزات، که برای مبارزه با مسئله زنان در ایران است، باید به گونه‌ای باشد که بتواند به مبارزه با مسئله زنان در ایران، که یکی از مهمترین مسائل مبارزاتی است، کمک کند.

مسئله زنان در ایران، که یکی از مهمترین مسائل مبارزاتی است، باید به گونه‌ای باشد که بتواند به مبارزه با مسئله زنان در ایران، که یکی از مهمترین مسائل مبارزاتی است، کمک کند. این مبارزات، که برای مبارزه با مسئله زنان در ایران است، باید به گونه‌ای باشد که بتواند به مبارزه با مسئله زنان در ایران، که یکی از مهمترین مسائل مبارزاتی است، کمک کند. این مبارزات، که برای مبارزه با مسئله زنان در ایران است، باید به گونه‌ای باشد که بتواند به مبارزه با مسئله زنان در ایران، که یکی از مهمترین مسائل مبارزاتی است، کمک کند.



هشتاد و هشت مارس روز همبستگی زنان جهان

مراسم باشکوه روز هشتم مارس
در دانشگاه صنعتی شریف

گفتند.
ابتدا، یکی از اعضای «تشکیلات
دموکراتیک زنان ایران» پس از ایراد
سخنایی چند، تر مورد نقش زنان در انقلاب
اخیر ایران، تاریخچه روز جهانی زن را برای
جاسران تشریح کرد. آنگاه «احسان طبری»
در بیان شور و هیجان جمعیت و فریادهای
«نروید بر طبری»، «نروید بر طبری»، پشت
تریون قرار گرفت و ضمن گفتن شایه‌اش برای
برگزاری جشن فرخنده هشتم مارس، برورود
چهره زن در فرهنگ و تاریخ ایران سخن
گفت. او از قدیمی‌ترین ایام که دوران
اسطوره‌های تاریخ ماست، آغاز کرد و از زنان
بسیاری که در اوستا و دیگر کتب مذهبی
رزقش سخن بیان آمده، یاد نمود. پس از

که نشانگر پشتیبانی عمیق زنان ایران از
انقلاب است:
ما، زنان، پاسدار حرمت انقلاب
شکوهتد ایران هستیم.
به پیروی از خط قاطع سند امپریالیستی و
خلق امام خمینی همه نیروها را در جهت مبارزه
با امپریالیسم جهانخواه آمریکا متمرکز کنیم.
بکوشیم با عوشیاری و آگاهی، نوظلمت‌های
سدا انقلاب را خنثی کنیم.
پیروان باد انقلاب خلقی و سد امپریالیستی
مردم ایران به رهبری امام خمینی.
در شروع برنامه، کودکانی که هنگامی
دستگاههای آمپریکسی به گردن داشتند و
پاکت‌هایی پر از گلهای رنگارنگ به میان جمعیت
رفتند و با صفای کودکانی به آنان خوشامد

به مناسبت روز هشتم مارس، روز
همبستگی زنان جهان، مراسمی از سوی
تشکیلات «دموکراتیک زنان ایران» در
شهرهای مختلف ایران از جمله شیراز، مشهد،
رشت، اسفهان، تبریز و تهران برگزار شد.
این مراسم در تهران، دانشگاه صنعتی شریف
برپا شد.
در ساعت ۵ به‌عناظر، در آغاز برنامه،
سنان محل برگزاری مراسم از انبوه جمعیتی که با
عشق و ایمان به مبارزه برای صلح، آزادی و
برابری حقوق زن و مرد گرد آمده بودند، بوج
میزد. در چهره تشنگ شرکت‌کنندگان، شوق
آمن به مراسم بود که پیش از این اجازه
برایشان را نداشتند.
سنان دانشگاه پوشیده از شعارهایی بود



جهان زنان

بازتاب مسایل زنان در نشریات عمومی مانند زن روز، اطلاعات بانوان، اطلاعات و کیهان

مقررات و نظرات درباره حجاب اسلامی زنان

داماد امام خمینی: حجاب بمعنی چادر نیست

بمناسبت روز جهانی زن و اعلام نظر درباره حجاب

تظاهرات و راه پیمائی زنان تهران

تظاهر کنندگان: حجاب اصلی زن نجابت و پاکبازی است

صفحه ۲ - ستون چهارم

تک شماره - ۱۵ ریال

۱۳۵۷ - ۹ ربیع الثانی ۱۳۹۹ - شماره ۱۰۶۰۶

قلاب بشود

ق زدن مردم ن جلوگیری میشود

صفحه ۴ - ستون سوم

آیت الله زنجانی: دمگراسی بدون حضور احزاب باینبار نمی ماند

صفحه ۴ - ستون چهارم

تصمیمات مهم دولت درباره خدمت وظیفه

صفحه ۲ - ستون پنجم

نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین در کیهان

هانی الحسن: انقلاب ایران ضربه مهلکی بر امپریالیسم وارد آورد

صفحه آخر ستون دوم



گوشه‌یی از تظاهرات بزرگ امروز زنان تهران بر فراز می‌بارد و مراسم است.



صحنه‌ای از تظاهرات اعتراضی امیر زنان

نه روسری، نه توستری! آزادی

اما... مواظب باشیم که
کلاه‌گشادی بر سر ما نگذ

آزادی زن، آزادی جامعه است

همه چیز، از روز پنجمین ۱۷ اسفندماه، آغاز شد... ناگهان در همه جا، این خبر سیاه تمبر درست یا نادرست، در پیچید که: «حجاب برای زنان اجباری شده» واکنش زنان ایران، یک طوفان بود. در یک روز برقی و توفانی دیرانده، پنجمین ۱۷ اسفندماه... روزی که در تاریخ میارزات زنان ایران، بیسنگ هرگز فراموش نخواهد شد. روزی که زنان ایران نشان دادند که «آزادی» همواره یک نطفه و هدیه اهدائی نیست، بلکه هنگامی آزادی راستین است که به خاطرش زخمی کشیده شود...

زنانی که روز پنجمین ۱۷ اسفندماه در زیر برف سنگین به عنوان اعتراضی به «حجاب اجباری»، جلوی دانشگاه تهران تظاهرات و راهپیمایی کردند، همان روز فراموشی را هم گداشتند. روز ششمین ۱۸ اسفندماه- جلوی دانشگاه و در کاخ دادگستری... خبر به هر وسیله‌ای بود به دیگران هم داده شده، و امروز صبح زنان، دستخسته و از هر طیفی، معلم و دانشجو و کارمند و پرستار و خانوار و دانش‌آموز و... به طرف این دانشگاه و دادگستری راه افتادند.

صبح ششمین، اشتیاقاً در کاخ دادگستری فقط به روی خانیها ساز بود و پاسداران انقلاب که ملو درها و خیابانهای اطراف نگاهانی می‌دادند، از ورود آقایان با عرض محترمت جلوگیری می‌کردند که البته گاه با اعتراض آقایان روبرو می‌شدند.

از نخستین ساعات روز زنان به سالن بزرگ دادگستری وارد شدند.

آن‌هایی که وظیفه حفظ انتظامات را به عهده داشتند، دیگران را راهنمایی می‌کردند. در هر گروهی صحبت همان بود که باید باشد. صحبت از «حجاب اجباری» و اینکه چادر به سر کردن یا نکردن، یک مسئله کاملاً خصوصی است و هر زنی بساید آزادی تصمیم‌گیری در این مورد را داشته باشد. خانمی می‌گفت: «منظور از جهاد نفسانی چیست؟ چرا در این ماجرا زن را قربانی می‌نمایند؟ اول اجتماع را درست کنید و بعد به زنها حمله ور شوید!» خانم دیگری می‌گفت: «بسیارم چرا هر کسی انتقادی میکند، یک مهر ضد انقلاب، به پیشانی اش می‌چسباند. ما همه‌ایمانی بودیم که در تمام راهپیمایی‌ها برای بیرون رفتن شاه سابق از ایران شرکت کرده‌ایم، ولی هرگز زیر بار استبداد نخواستیم رفت. حق انتخاب پوشاک یکی از ابتدائی‌ترین حقوق بشر است. چرا زن را از داشتن چنین حلی محروم می‌کنند؟ ما با هر نوع بی‌مردوباری مخالفیم ولی بازورگویی و حجاب اجباری هم مخالفیم».

خانم دیگری می‌گفت: «ما امروز صبح آقایان با عصیانیت سوراخ را گرفت و گفت: «عسلانم چسرا روسری به سر نکرده‌ای؟» به دروغ گفتم که جسرو افلیتهای مذهبی هستم. او هم دیگر مزاحمتی ایجاد نکرد و رفت. این چه آزادی است که برای رفع خطر از خودم باید مسلمان بودیم را انکار کنیم؟»

بسیاری از زنان شرکت کننده در این اجتماعات مدعی بودند که راه‌نندهای تاکسی بخت بی‌حجاب بودن آنها را سوار نمی‌کنند. چرا فریاد آزادیخواهی این زنان باید با شمشیرهای نظیر «ویساروسری» یا «توستری» در گلو خفه شود؟ خانمی عقیده داشت آنهایی که از این بقیه در صفحه ۸۸



تظاهراتی که به آرامی شروع شد بود بلافاصله کمی به خشونت و درگیری کشید.

اعلام گردید، برحسب قانون بمدت ۱۵ روز یعنی در ۵ آبان ماه باید این دادگاهها تشکیل میبشد. بجهت منسوج این قانون دادگاه مدنی خاص از یک مستند جامعاً شرایط و یک پند و مشاور از قضات ... و جمله شروع شد. دخترها پیش از آنکه ترسیده باشند غمگین اند. چنانچه لحظه بعد جمله دو جوان پشت به دوربین به دختری که در حال اعتراض است شروع شد.



دانشجویان زن در اعتراض به قوانین جدید

عنوان: دستورالعملی برای زنان
 در تظاهرات
 علیه زنان بوفه جدید قضایی ایران رسیده است
 تهیه: گروه انقلاب اسلامی - بوفه ایران - تهران

نزدیک بود ماهم کتک بخوریم!..

گزارشی زنده از تظاهرات خانمهایی که بر علیه لغو قانون حمایت خانواده برآشفته شدند و اعتراض خود را در راهپیمایی نیمه تمام و بی تشکیلی ابراز داشتند.

بر حسب شماره ۲ ماده ۴ اینس لایحه قانونی موارد طلاق همان است که در قانون مدنی، واحکام شرع مقرر گردیده، ولی در مواردی که شوهر بااستناد ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی تقاضای طلاق کند، دادگاه بدو حسب آیه کریمه (ان ختم شقایق بنیهاما فایهوا حکما من اهل و حکما من اهلها فان بربنا اصلاحا بوقف الله بینهما ان الله کان علیماً خیراً) موضوع را بدواری از جاع کرده و در صورتیکه بین زوجین سازش حاصل نشود، اجازه طلاق به زوج داده خواهد شد در مواردی که بین زوجین راجع به طلاق توافق شده باشد، مراجعه به دادگاه لازم

خبردار شدیم که بناست تظاهراتی از طرف زنان در خیابان مصدق برپا شود، وانگیزه اصلی این تظاهرات هم در واقع قانونی بود که در ۵۸/۱۹ پیسدهز تصویب در هیئت وزیران و شورای انقلاب در روزنامههای رسمی بچاپ رسیده بود. به موجب این قانون دادگاه حمایت خانواده ملغی و دادگاههای جدیدی بنام دادگاه خاصی مدنی، به امور مربوطه رسیدگی میکنند.

نیست، وهمن ماده موجب نگرانی وخشم بسیاری از زنان را فراهم کرد، چرا امر مهمی مانند جدائی واز هم پاشیدن یک خانواده باید به تصمیم مرد بدون اراده دلبلی منطقی و محکمه پسند بسته باشد، و چرا در صورت توافق هر دو طرف، نیازی به تشکیل دادگاه نیست. برای حفظ مصالح اجتماعی هم که شده دادگاه باید پسند آبا دلبلی منطقی برای جدائی و رها کردن فرزندان وجود داره، و بایخیر.

خانمهای تظاهر کننده معترض بودند که اساساً قانون مدنی در موارد طلاق و قیمومت فرزندان و کلا تمام قوانین مربوط به زن غیر انسانی حکم داده، و از حد عدل وانصاف خارج شده، و زن را تا حدیک برده پستین آورده است

تصمیم گرفتیم دنبال این تظاهرات را بگیریم ونظرات موافقین ومخالفین را جویا شویم ودر کنشارش اظهارات چندستان از صاحب نظران را بشنویم

آقای دکتر مستخاری رئیس دادگاه شهرستان تهران در اینمورد اظهار داشت که: لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص که در تاریخ ۵۸/۱۲ رسیده به تأیید هیئت دولت رسیده و در اول شهریور به تصویب شورای انقلاب رسیده، در ۵۸/۱۹ نیز در روزنامه رسماً

گفتگو با مصطفی کتیرائی دبیر کل سازمان اموراداری و استخدامی کشور

● وقتی به فکر بررسی مجدد طرح «بیکار کردن زنانی که شوهرانشان هم شاغل هستند» افتادیم که مشکل بیکاری را در سطح افراد تحصیل کرده «حاد» دیدیم.

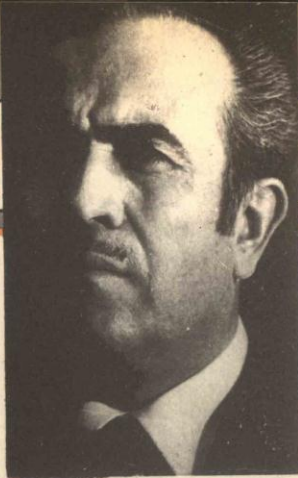
● امروز بیشترین سنگینی مشکل بیکاری بردوش بیکاران دبلیوم و لیسانس است

● شایعه بستن مهدکودکها واقعیت ندارد

● در مقررات استخدامی کشور مزایای زیادی برای خانمها وجود دارد که برای آقایان نیست.

● هنوز مسئله به مرحله لایحه نرسیده و جای هیچگونه نگرانی برای ضایع شدن هیچ حقی وجود ندارد.

● مسئله اخراج زنان از ادارات مشمول قانون باکساز است



خانمها

این اثر در روزنامه درآمده از آنها در جزیره آوری پیش از آنجا در تاجوز به سر کرد. به سر خانها سزا شود طبق شد.

تصه صغ سزا وحه میگ معه نمیش آنکه نیاز است صبه عمه طر حد می افرا آکا مور آنکه دبا

● باتوجه به گفته کسانی که ادعا می کنند، خیلی از زنان ادارات را صرفاً به دلیل زن بودنشان از ادارات اخراج خواهند کرد. بنابراین اجازه بدهید سوال کنیم که آیا اصولاً طرحی برای کاهش زنان کارمند در دست تهیه و اجرا هست یا نه؟

● در حال حاضر، هیچ طرحی که به منظور کاهش یا افزایش یا از بین بردن تومر کارمند که در آن حسیبت نقشی داشته باشد، در دست تهیه نیست. و آنچه که ما به عنوان تقلیل کارمند دولت به صورت سازماندهی کردن و بازخرید کردن کارمندان میازاد بر احتیاج دولت به تصویب رساندیم، ابلاغ نیز کردیم و هم اکنون اجرا نیز میشود، شامل زن مرد هر دو میشود. البته با وجود این یکسان بودن در اجرای لایحه، تفاوتی در نحوه عکس العمل خانمها و آقایان دیده میشود. از جمله اینکه در بعضی موارد مسائند کسار کسر کردن در شهرستانها و روستاها بجای بازخرید سرمایه گذاری پولی که به عنوان بازخرید دریافت می کنند، زنان، بسبب از سر صردا معترض بوده اند که این منطقی نیز هست و ما خودمان هم می دانیم که اینگونه کارها از عهده خیلی از مردان خارج است چه برسد به زنان. ولی بهرحال عمل بازخرید با بازخرید کردن این کارمندان، طبق ضوابطی صورت میگیرد که یکی از آنها در اکثر موارد خواست خود کارمند است و البته در بعضی موارد نیز تشخیص رؤسای مربوطه منبى بر مزاد بودن او درجایی که کار میکند و گاهی نیز منبى نبودنش از نظر بازدهی که دارد و کاری که می کند. ولی بهرحال بازم اعلام می کنم که هیچ کدام از این ضوابط، براساس زن یا مرد بودن کارمند قرار نرفته است.

ساده ترین راه حل مشکل بیکاری

● از آنجا که به گفته شما در مجموع هیچ برنامه ای برای کاهش زنان کارمند وجود ندارد، بنابراین این سوال برامان

این ترتیب از یک مسئول دولتی بخواهیم تا پیش از هر نگاه سخن پراکنی داخلی و خارجی دیگری، خود مشخصات قانونی را که احیاناً قرار است تا چند وقت دیگر به ادارات ابلاغ شود، صرفاً اعلام کند تا این میان علاوه بر آنکه عدداً را بخواهر محکوم کردن بسی جای شایسته و شایعه پردازان از روسیاهی بیجاست دهد، باعث شود تا اطمینان خاطر برای مردم که هر روز در معرض صدها گفته ضد و نقیض از جانب بدخواهان دانا یا نادانان خوش قلب هستند، فراهم آید.

● اطمینان خاطر از اطمینان خاطر، نه محبط کاری زنان شاغل در ادارات دولتی وجود داشته باشد و ندارد، بلکه صرفاً اطمینان خاطر از مسموم نشدن در فضای اوده شایعاتی است که حتی با وجود تحقق یافتن تنها بخشی از آنها، اثر سموی بر سلامت جامعه خواهد گذاشت.

● اولین سوال را به این ترتیب مطرح می کنیم که با توجه به اینکه از نظر شما هر اقدامی در زمینه کاهش کارمندان زن به هر نحوی که صورت گیرد، به منظور رفع تومر کارمند و بیکاری صورت میگیرد، آیا اصولاً آماری از زنان شاغل و حقوق بگیر دولت در دست هست یا خیر؟

● البته هرگز آمار دقیقی از کارمندان زن، تهیه نشده. ولی بطور تقریبی میتوان گفت که از بین ۸۵۰۰۰۰ کارمند رسمی مشمول قانون استخدام کشوری و ۶۵۰۰۰۰ کارمند غیرمشمول این قانون، بیست تا بیست و پنج درصد از کارمندان زن تشکیل میدهند. که این نسبت در بعضی مؤسسات خیلی زیاد و در حدود سی تا چهل درصد است و در بعضی دیگر به اندازه درصد هم نمیرسد.

در حالیکه مدت زیادی از جنجالی که مسئله حجاب برپا کرد، نمی گذرد، شایعه دیگری بر سر زانها افتاده که میرومجا جنجالی دیگر برپا کند.

● شایعاتی که اولین نشانه های واقعیت داشتند، طرحی است از طرف دولت که قرار است، بعد از سنجیدن تمام جوانبش، به صورت لایحه ای به مجلس برده شود. و آن شایعه کنار گذاشتن خانمها از ادارات و مؤسسات دولتی است و مطرح نتویستند. شایعتهای، اخراج زنان شاغلی است که شوهرانشان نیز کارمند دولت هستند.

● از آنجا که تاکنون هر شایعاتی مراحل مختلفی را طی کرده تا به واقعیت تبدیل شده و باز از آنجا که بسیاری از شایعات انقدر در نظر مردم از جهت اهداف ضد انقلاب مطرح شده اند که نتوانستیم قبولشان کنیم و بسالخره از آنجا که در اثر آن واقع شدن و این قبول نکردن ها، نشنا نتیجه ای که عایدمان شده، پوز خندهای تسخر آمیزی بوده که به رویمان زداند که «اما که گفته بودیم، تصمیم گرفتیم با سرعتی بیش از سرعت رواج شایعه و به مرحله اجرا درآمدنش دست به کار شده و مسئله را پیش از اینکه بر سر همه زانها امه از انقلابی یا ضد انقلابی جاری شود، از زمان مسئولی که در فرمایشش می تواند حداقل از درستی یا نادرستی شایعه آگاهمان کند و در نهایت از شایع و برهه های اضافی آن بر دامن بکاهد، پیشگیری شد.

● به این منظور به سراغ آقای مهتدی کشوری دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور رفتیم تا چگونگی قضیه و طرح مذکور را از ایشان جویا شویم و به

در سمینارهای حقوق زن چه می گذرد؟

نشنا بدان معنا که موضوعی واحد در تمام سمینارها ارائه میشود بلکه از آن جهت که جز معدود سمیناری در سایر سمینارها فقط به تلات ایاتی چند از قرآن مجید و سپس سخنرانی ختم میشود. این برنامه فاقد تنوع و جذابیتی کافی برای جلب مشتاقان است. با وجود اینکه امکانات از شعر و ادب گرفته تا فیلم و اسلاید، سخنرانی‌ها و سمینارها انگیزهای جسی برای جلب افراد آماده ندارد و بهین جهت نیز با وجود تبلیغات فراوانی که موبلین بر گزار کننده سمینار در این زمینه بعمل می‌آورد، باز میزان شرکت کننده محدود به عددهای معدود میگردد. همان عدای که کمتر از همه نیاز به شناخت حقوق زن دارند زیرا امکانات این شناخت از قبل برایشان فراهم بوده است.

عدم تطبیق گوینده و شنونده!

بعثت معدود بودن سخنرانان برنامه‌های حقوقی زن می‌سبب اغلب ناسمیت‌تاریخی کافای بین گوینده و شنونده وجود ندارد فرضا گوینده‌ای که اهل چادر نیست به مسجدی دعوت می‌شود و بی‌چادر رفتن او انگیزه خشم گروهی میگردد و گوینده‌ای که اهل چادر است به ادارای مطاعونای دعوت میشود که زمینه فکری مخاطبانش سراسر چادر او و با احیاناً شناختی انگیزه که باید آماده نیست. همانگونه که اشاره شد این مشکل عمدتاً ناشی از محدود بودن تعداد سخنرانان حقوق زن است که نباید سیران اندیشید و چاره جست.

ارزیابی سازنده

در کمتر سمیناری دیده شده است با بخش پرسشنامه از حاضر میخواند که سخنران و برنامه او از نظر فرم و محتوی ارزیابی کنند در نتیجه اکثر در اعرای سمینارها سخنرانان از لحاظ محتوی یا نحوه اجرا دچار خطاهایی می‌شوند این خطاهای بعد از چندین ماه همچنان ادامه دارد و به بیانی دیگر این سمینارها هیچگونه اثر سازندگی زننده و مؤثری در ارزیابی‌های شماری افراد داوطلبه، پسر گزار کننده‌های شناخت حقوق سمینارها که پسر گزار تبلیغات نمی‌نمودند یا اگر قرار باشد معددا سمینار دیگری بر گزار کنند، تجزیه به عمدشان در زمینه‌های فنی و اجرایی است.

بنابراین، این سمینارها میباید و میباید بدون آنکه در سخنرانان و برگزار کنندگان سمینارها سازندگی کافای را دارا باشد.

آبی بر آتش

اما نقی اصلی این سمینارها در عدم سازندگی و اندوختن تجربه کافای سخنرانان و موبلین نیست بلکه در واقع مهمترین نقی این سمینارها در ساختن مخاطبین است. در هر سمینار تعدادی کم یا زیاد مخاطب بعثت بگفته چندین ساعت در روز وقت خویش را بساین سمینارها اختصاص می‌دهند ولی چه از لحاظ مشکلاتی که تا اینجا با آنها اشاره شد و چه از لحاظ عدم بگیری برنامه‌های تکمیلی و تدریجی سمینار نظیر کلاسهای بحث گفتگو، تحقیق، مطالعه، برنامه سمینار سازندگی‌اش به حداقل است. سمینارها معمولاً در پایان نعتها ارزیابی نمی‌شوند بلکه با جلسات کنسرتی مطالعات و مسابقات و خصوصاً سخنرانی یا برنامه‌هایی که اثر سمینارها مداومت بخشد بگیری نمیشوند در نتیجه همانگونه که در آغاز اشاره شد مؤثرترین این سمینارها موی از شور و شوق برای شناخت است که آنهم بعثت بی‌گیری نشدن پس از مدتی سرد می‌شود و گویی چنین انرژی‌های از طرف مخاطب و مجری و سخنران صرف نشده است.

سمینار یا سخنرانی؟

بالاخره بسیاری از مشکلات حاصله ناشی از آنست که موبلین برگزار کننده سمینار و شرکت کنندگان آن فرق سمینار و سخنرانی را دقیقاً تشخیص ندادند. اصولاً یک سمینار باید سرازگاز یک سری برنامه‌های سازنده باشد. در واقع بیش از آن که به سمینار بصورت یک برنامه مستقل و آموزنده بنگریم باید سمینار را صرفاً یک محرک و انگیزه شروع بدانیم. سمینار واقعی آنست که سخنرانان در جلساتی چند مطرح مسئله بنمایند و بعد با شرکت حاضر مسائل مطرح شده را تجزیه و تحلیل و بررسی نمایند تا هم محیط دارای انگیزه باشد و هم اشتراک تجربیات حاصل آید و سپس نتایج سمینار بی‌گیری شود ولی در سمینارهای حقوقی زن و چسما بسیاری از سمینارهای دیگر که در این جامعه بر گزار میشود کیفیت سمینار با جلسه سخنرانی اشتباه شده است. سمینار مرکب شده است از تعدادی سخنران که در پایان پرسش و پاسخ سپهره‌دار دارد. اگر عسالت برگزاری این نحوه سمینارها را مورد نقد قرار

دهید، پاسخ خواهند داد که آخر حاضر نعتها به اندازه سخنرانان در موضوع تخصص و تجربه ندارند بلکه از این لحاظ اکثر کلاماً از عامل برت می‌باشند! بنظر ما این مهمترین عامل عدم شناخت نیروهای زننده موجود در زمینه مسائل حقوقی زن است. اگر افراد در جماع امکان اظهار نظر نداشته باشند یا در واقع به شرکت فعالانه در بحث و گفتگوهای سمینار تشویق نگردند مشکل محدود بودن معدود بودن سخنران همچنان ادامه خواهد یافت و سمینارها همچنان بصورت سخنرانی باقی خواهند ماند.

پرسشی از مسئولین!

پس از طرح این مشکلات، چاره را در چه می‌بینیم، چگونه باید این ارزیابی‌های صرف شده را که در حال حاضر بعثت مشکلات ذکر شده اکثر مدیر میروند ذخیره و در مسیر اصلی و هدایت بخش و هدایت پذیرشان رهبری نمود.

باید که از مسئولین نهادهای آزادی و وسائل ارتباط جمعی کمک جست. باید از مسئولین تلویزیون پرسید که کدامیک از برنامه‌های اختصاصی آنها فکری بیش از قدر زن در جامعه را در بر میگیرد؟ باید از این مسئولین پرسید کدامین مسئله از مسائلی که از آنها می‌دهند بالاتر از برنامه زن و خانواده‌هاست؟ باین جمله از دکتر قدسیه خجازی اشاره میکنم که:

اگر (وزن) فاسد شده، اندیشه بشری فاسد شده و اگر او اصلاح بنذیرت جامعه اصلاح شده‌است. اگر در امر او اختلافی رخ دهد نظم عالم مختل شده‌است و اگر او راست و درست باشد کار جهان رو به استقامت و اصلاح رفته است.

ایا جز این است که زن در جامعه جهدهنده است و اگر درست آوازه در پست باشد، جامعه بسوی نادرستی پیش خواهد رفت و اگر جهت او صرفاً مستقیم و راه‌الله باشد جامعه بر این سراط و راه خواهد افتاد؟ وزارت ارشاد ملی در این باب چه کرده است؟ با وجود اینکه خراسی و سمری که مخصوص بعد از طرح مسئله جناب در باب دادن شناخت حقوقی اسلامی بزن مسلمان، احساس شد این مسئولین نهادهای آزادی که در این سمینارها را چگونه سروسامان و وحدت بخشد؟ چگونه آنها را از طریق راه‌بوتلویزیون به شهرستانها صادر نمود؟ چه هستی برای فرار کردن دیدارها و پزایدیهای جمعی زنان شریف‌های مختلف با هم دیگر در جهت کشف عسالتی، استبدادها، تحسوه فعالیتهای زنان در شهرهای مختلف؟

حقوق زن از متکلمالوده‌شدی بدر آیند، از نهادهایی که فعالیت‌هایی در باب ارشاد زن کردند سخن نمی‌گویم زیرا خود اگاهند که چه کرده‌اند و البته خود باید اذعان کنند که فعالیتشان بسیار محدود بوده است یا فکتر خاصی را در بر گرفته است و در این امر با محق بوده‌اند و یا به تقصیر رفتارند نمیدانیم. سخن ما به آنهاتست که در این زمینه هیچ قدمی برنداشتند.

تولیزویون کاتال ۱ و بخصوص کاتال ۲ که مدعی برنامه‌های فرهنگی است برای ارشاد فرهنگی زن چه کرده؟

وزارت آموزش و پرورش با آنهمه امکانات از نظر محل و کادر اجرایی جز در این یکی دو هفته اخیر در طول ماههای گذشته برای ارشاد فکتر شرف‌معلمین زن، یعنی تربیت کنندگان و سازندگان نسل کودک و نوجوان این جامعه چه قدمی برداشت؟ خوشبختانه در یکی دو هفته اخیر برنامه‌های در زمینه زن در نواحی مختلف تربیت داده است که اگر آرا از جنبه سخنرانی بصورت سمینار درآوردند و بگیری‌های لازم نیز بعمل آید از بهترین برنامه‌های ارائه شده از طرف مردم و مقامات مسؤل بوده است.

بهر صورت مسؤلیت وزارت ارشاد ملی، رادیو، تلویزیون روحانیت در مساجد، مقامات آموزش و پرورش و سایر نهادهای ارشاد در باب مسئله سمینارها بطور اخص، از ارشاد زن بشکل بسیار کلی آن عمدتاً برقرار زبر است:

۱- نعمت بخشیدن به برنامه‌های ارشاد زن چه از لحاظ کیفی و چه از لحاظ کمی؛

۲- ارزیابی‌ها، پی‌گیری‌های سمینارها و سخنرانی‌ها طرح و برنامه دهند و خود نیز مجری باشند.

۳- از لحاظ کیفی این برنامه‌ها را از اختصاصی تهران درآورده و در شهرستانها توسعه دهند. در ضمن چه در تهران و چه در شهرستانها امکانات تبلیغی را بکار گیرند تا زنان را علاقمند به شرکت در این برنامه‌ها نموده و بکثرت شرکت کنندگان بیالایند.

۴- شناسایی نیروهای موجود در جامعه در زمینه حقوق زن امه از زن و مرد از طریق تفهیم ایجاد زمینه اشتراک افکار در سمینارها و نه شناسایی گویاها تا نیروهای شناخته‌شده از درون این سمینارها بجهت خود را نشان دهند.

۵- برقرار کردن دیدارها و پزایدیهای جمعی زنان شریف‌های مختلف با هم دیگر در جهت کشف عسالتی، استبدادها، تحسوه فعالیتهای زنان در شهرهای مختلف. ■

ند تا شوند. ناهده

این بودن سطله باشند رابط یا

است در تده در مینا در سده بود نوشتن مآلب تواند گناه گانی معناه تنک

خته ند، بن، خط سی بوق ایها رها وین

تاریخ سیر میازات زنان ایران در دهه ۵۰ شمسی

اظهار نظر حجت‌الاسلام مهدوی کرمانی، رئیس دادگاههای خاص درباره:

شرایط از دواج مجدد و تقاضای طلاق و چگونگی حضانت فرزند

● مهمترین علل طلاق عبارتند از:

نداشتن توافق اخلاقی، تنفر زن از مرد، تنفر مرد از زن، اعتیاد، نداشتن اولاد، عقیم بودن زوج یا زوج، ندادن نفقه، داشتن زنهایی دیگر و افترا.

در هفته گذشته، حجت‌الاسلام مهدوی کرمانی، طی گفتگویی حدود و شرایط نحوه کار دادگاههای مدنی خاص را اعلام نمود. هر چند که از بدو انقلاب و بسیار چیده شدن دادگاههای حضانة خانواده بسیاری خشونت و بسیاری سردرگم در واحیاناً ناخشنود گشتند ولی بهر حال این مورد نیز مانند بسیاری پدیدههای سؤال آفرین اجتماعی، حاصل عدم ارتباط مردم و مسئولین بایکدیگر است و چه بسا که با ایجاد چنین پیوند و زمینههای آشنائی مردم با یکم و کیفی قوانین، بسیاری از ناگهنگونیهای قانون توسط پیشنهاد و تلاش مردم رفع شده و بسیاری از مبهمات ناراضی تشریح نیز گسی روشن و بسی دغدغه بخود گیرد.

ما امیدواریم که خوانندگان نکته سنخ و متعهد، با توجه به نظریات رئیس دادگاههای مدنی خاص نکات مورد نظر خود را اعلام نمایند تا باری حجت‌الاسلام مهدوی کرمانی، موارد ارائه شده مورد بحث و جوانگونی قرار گیرد.

حجت‌الاسلام مهدوی کرمانی از جمله و طرفای دادگاههای مدنی خاص است، در شهرستانها هم بعضی از شعبها مسئول یک شهرند مثلاً در شهرهای بزرگ از جمله تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز از هر کدام دو شعبه دارند و در بعضی شهرستانها هم یک شعبه بیشتر نیست. در حال حاضر در سطح کشور ۴۳ شعبه دادگاه مدنی خاص داریم که این تعداد دادگاهها شاید تا ۱۵۰ شعبه افزایش یابند.

حجت‌الاسلام مهدوی کرمانی در توضیح خبری که قبلاً در روزنامه درج شده بود که ۶ هزار خانواده از هم جدا شده اند گفت: تأسیس دادگاههای مدنی خاص از اول آذرماه ۵۸ بود، و سازمان روزی که مراجعه کرده بودند گفتیم در تمام مدت تشکیل دادگاهها که بیش از ۵ ماه است، در حدود ۶ هزار تقاضا به دفتر کل دادگاهها رسیده است. از این تعداد حدود یک سوم آن مربوط به طلاق میشود یعنی آن مربوط به حضانت فرزند، تعیین هس، اثبات زوجیت یا نسب و کارهای دیگر میباشد. دادگاهها چون هیچ شعبه رسیده گی مختار نبود تا آخر آبان وقت رسیده گی به این روندها داده بودند. رئیس دادگاههای مدنی خاص درباره میزان طلاق رسیده گی قبل از انقلاب اظهار داشت: طلاق نسبت به گذشته بسیار کم شده یعنی دادگاهها تنها از طریق استعاری از مراجعین طلاق را اصلاح میکنند و بیشتر متقاضیان، تکلیف شرعی خود را در مقابل دستگاهها انجام میدهند و وقتی مشاوران ما که چند نفر از روحانیون میباشند با آنها صحبت میکنند با خود به توافق میرسند و آشنی میکردند و بی افروند با اینکه حمایت شرعیون کمال انقلاب ۵۰ میلیون نفر بود، و حالا بیش از ۶ میلیون نفر شده اند طلاق کمتر شده و اگر سابق روزی ۵۰ طلاق داده میشد حالا که حمایت افزایش یافته اگر ۶۵ تا ۷۰ طلاق انجام شود به این نسبت برای چندین نکره

است. سؤال شد اکثر مراجعین به دادگاههای مدنی خاص از زیاد بودن ماهله در خواست طلاق و رسیدگی به آن اظهار ناراضی می کنند. حجت‌الاسلام مهدوی کرمانی در باره مهلت رسیدگی به پروندهها گفت: ما در دادگاهها نگذاشتیم به پروندههای بیشتر از سه ماه وقت بدهند البته تقاضای زیاد است ولی ما به خود فشار می آوریم و بیشتر مکین ما به پروندهها بیشتر از سه ماه وقت داده نشود ولی در دوران حمایت خانواده ۹ ماه و یکسال هم وقت داده بودند.

رئیس دادگاههای مدنی خاص شرایطی را که مرد میتواند از دواج مجدد انجام دهد چنین شرح داد:

۱- در صورتی که هسمر او اجازه ازدواج مجدد بدهد و از لحاظ زندگی هم توانائی و قدرت اداره امور دو خانواده را داشته باشد.

۲- در صورتی که هسمر مرد از اول تمکین نکند و به هیچ وجه حاضر به سازش نباشد و طلاق هم نخواست باشد. دادگاه باید با توجه امکانات از اجازة ازدواج مجدد بدهد.

۳- در صورتی که زن بقیع باشد یا اینکه از نظر پزشکی تواناند رابطه نامتناسلی داشته

باشد یعنی برای زوجه از نظر پزشکی مشکلی نباشد. بازر بطرف گرفتن امکانات مرد به اجازة ازدواج مجدد، دادگاه میشود.

۴- در صورتی که هسمر مرد، هسانی، مفقودالات داشته یا در کشورها خارج باشد و به این شرایط و این مسئله برای دادگاه ثابت شود.

۵- در صورتی که زنی بایک نفر از دواج غیر رسمی کرده باشد و برای فرزند و نیا حلی از این مرد باشد. در این صورت تعیین احوال و حضانت این احوال نیز از دواج داده میشود.

حجت‌الاسلام مهدوی کرمانی در باره وضع زنی که شوهرش مبارذت به از دواج مجدد کرده باشد، گفته در صورتی که هسمر اول شرط داشته باشد میتواند طلاق خود را باعه توافق بگیرد و اگر از ادامه زندگی باه توافق نکند چون از دادگاههای مدنی خاص بطلر جزائی میتواند بر حلال خارج جنسی از همسرش از رعایت کند. آنها را به دادگاه معرفی می نمایند. اگر زن حاضر به طلاق نباشد ما جنسهای طلاق را ثابت میکنیم به حکایتک مراضه میشود و لا امل او را میبریم بفرقی خود ازدواج مجدد کرده کفرش را هم دیده باید برای هسمر اول محال و زندگی محزا داشته باشد یعنی زن عاقل دارد بگوید میتواند بفرسمر دوم مرد از دواج منزل بماند.

وقی حسین درباره دادخواستهای طلاق گفت: دادخواستهای طلاق که برای آقا و سر میزند یا از طرف نهامت می آید از طرف مرد است. تقاضای طلاق میکند اما سر میزند برای دلیل و مدرکی بماند که بتواند اثبات کند آن را دادگاه تقاضای طلاق نمیدانند یعنی طرف شوهر خود را نداشته باشد که ضمن هسمر و زوج و زوجه را از دواج برود اگر شوهرش

معتاد شد یا هسمر دیگر گرفت یا مخارجش را تأمین نکند حق طلاق داشته باشد زیرا اصولاً طلاق دست مرد است و از اینجاست است یعنی سببه طلاق بیکطرف است بنابراین بایستی خلاف یعنی هنگام اجراء سببه عند زن و مرد و کالتی از یکدیگر سر میدهند که هر یکاگر شرایطی پیش آمده سر بزنند آن را ثابت کند خودش را معطله کند اگر زن شرط داشته باشد و بتواند شرطش را ثابت کند و کالت هم از طرف شوهرش ثابت باشد دادگاه حکم طلاق میدهد و در صورتی که یکی از شرایط را نداشته باشد فقط در ۳ مورد زن میتواند تقاضای طلاق کند: ۱- در جایی که شوهر از پرداخت نفقه خودداری کند در این صورت دادگاه مرد را ملزم به پرداخت نفقه یا طلاق میکند.

۲- در صورتی که شوهر مسفقولاتر باشد شرایط ضمن عقدی هم نداشته باشد در این صورت بساید طبق فتاوی و اصولی مسلمهای که در اسلام هست ۳ مال از مردی که مرد مفقودالاتر شده بگذرد زن جسجو کرده باشد و شوهرش پیدا نشده باشد بعد که ثابت شد میتواند به حکم دادگاه طلاق بگیرد.

۳- در صورتی که زوج خواسته باشد هسمر خود را بدون سبب و جهت ثابت کند و سوء رفتار و سوء خلق دارد، این مورد وقتی برای دادگاه ثابت شد حکم طلاق میدهد و زن طلاق میکند.

عربی که نمیتوانست در مرد تقاضای طلاق کند در قانون اسلام به این است اگر زن اعتراضات اخلاقی داشته باشد یا اگر یکی از عیبهای که نمیتوانست در زن باشد، در او آن عیبها و اعتراضات در طلاق دهد ولی اگر بگوید از نظر اخلاقی نمیتواند با هسمرش سازد در این صورت دادگاهها آنها را وادار میکنند که هر کدام یک نفر فدو برتری خود تعیین کنند و این حکم باید در نظر باشد که یک نفر مرد اعتماد مرد و یک نفر مرد اعتماد زن و از فامیل نزدیک آنها باشد باید حکمین با آنها صحبت کند. در صورتی که اینها موفق شدند زن و شوهر را از هم جدا کند چه بهتر اگر رضای فاشند و مرد اصرار بر طلاق کرد و زن سکت طلاق نمیخواهد در این صورت دادگاه تصمیم میگیرد.

رئیس دادگاههای مدنی خاص در مورد حضانت فرزندان گفت: در صورت طلاق اگر فرزند پسر باشد تا ۳ سال و اگر دختر باشد تا ۷ سال حضانتش با زن است باز در زمانی که زن شوهر نکرده حضانتش به مادر میرسد و معارض حضانت و نگهداری به عهده پدر است اما بعد از این مدت به عهده مرد است ولی اگر یکی از والدین صلاحیت اخلاقی نگهداری از فرزند را نداشته باشد حضانت به دیگری محول میشود در صورتی که یکی از والدین فوت کند حضانت فرزند به عهده طرف دیگر است مثلاً اگر شوهر زن فوت کند حضانت فرزند به عهده مادر است چه پدر بزرگ داشته باشد و چه نداشته باشد و ولایت و قیمومت اصلی با پدر بزرگ است

روزگار ما، وزن مسلمانان

(۲)

نوشته:
دکتر علی شریعتی

نه زن ارتجاعی سنتی، نه زن مدرن تحمیلی!

محتوای همیشه زنده و متحرک اسلام را، باید متناسب با هر نیاز و زمانی حفظ کرد!

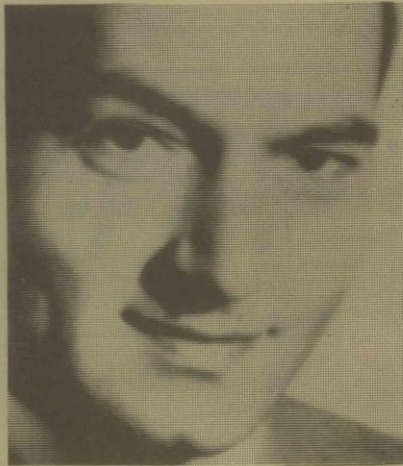
سختوای همیشه زنده و همیشه متحرک که همیشه تکامل بخش اسلامی را باید متناسب با هر نیاز و هر زمانی حفظ کرد. و مسر بعنوان تجربه، نه تحلیف علمی، تجربه حس عرض میکند، که روشنفکرترین پیشه‌ها از متربی و عیسایی و حتی آئوسیی، اگر برای ارزشهای عربان و خاص اسلامی، در ستنهای جاهلی و بومی و قومی و موروثی عرضه بشوند بیشتر و زودتر از هر کسی در برابرش تسلیم می‌شوند.

چهره انسانی فاطمه

چهره فاطمه چهره ایست که اگر درست رسمید شده اگر آنچنان که واقعا بوده آنچنان که واقعا می‌اندیشیده، مسخر می‌گفته، زندگی میکرد، آنچنان که در مسجد نقش داشته، در شهر نقش داشته، در خانه نقش دیگری داشته، در زمان تقاض دیگری داره در مبارزه اجتماعی نقش دیگری داره، در اسلام نقش دیگری داره، در تربیت فرزند نیز نقش مجزراهایی دیگری داره. آنچنانکه بوده، همه در ایام بزرگ ماورائش برای این نسل تصویر و مسخر می‌شود، نه تنها مسلمان بلکه هر انسان دوسنی که وفادار به ارزشهای انسانی و معتقد به آزادی حقیقی است، است، است و زن است، آنرا بعنوان بزرگترین تصویر و بزرگترین الگو برای پیروی امروز خواهد پذیرفت.

من دیدم که چنین قضایاتی کردماند، کسانیکه حتی احسانات مذهبی هم نداشته‌اند، جامعه مذهبی آنها را بعنوان مذهبی نمی‌شناسند، و حتی کسانیکه از مذهب بری شده‌اند، در برابر تصویر فرسوده از هر یک از خاندان اسپهری که فرسار گرفته‌اند، در برابرش خموع گردانند. و این نشان میدهد که ایان واقعا زندانند. وقتی سنی سئوسیکم اسلام زنده است، هم بعنوان مجموعه‌ای از افکار و عقاید زنده است، هم بعنوان قوانین و اصول اجتماعی

بقیه در صفحه ۵۶



نظام تولید، نظام مصرف، نظام فرهنگی نو نظام اجتماعی است. این نظام وقتی دربارش تغییر می‌کند، تحول پیدا می‌کند، عوض می‌شود، کهنه می‌شود، و منحل می‌شود، منحل می‌شود یا مانع ترقی و رشد می‌شود، و حالت ارتجاعی می‌گیرد. آؤوقت مذهب، که یک پدیده زنده و جاوید است و امروز بسکار می‌آید، چون در قالب منحل و جامد و کهنه شده سنت قرار گرفته نمی‌تواند نقش مؤثر در زندگی متفاندش داشته باشد و نمی‌تواند از خطر هجوم و حرکت جهان مضمون بماند و

یک بحث اساسی و مهم که معمولاً در ذهن همه ما مخلوط میشود تشکیک دو تا مسئله دور از هم است. تشکیک سنت است از مذهب. این دور در طول تاریخ با هم مخلوط می‌شوند و مجموعه‌ای از عقاید و سلیقه‌ها رفتار و احساسات و روابط اجتماعی و حقوقی را می‌سازند که مجموعه برای یک جامعه مقدس شمرده میشود، سنت و مذهب هر دو با هم حقوق اسلامی، ارزشهای اسلامی، دستورهای اسلامی، قوانین اسلامی، در هر موردی (اقتصاد، اجتماع، زن، مرد، خانواده، همه و حتی نظام اجتماعی) این ارزشها، این ماده‌ها، با ماده‌های سنتی که داخل جامعه بومی، در طول تاریخ ساخته میشود و تولید داخلی جامعه است، به اسلام مربوط نیستند. سنت قومی است، سنت کهنه تاریخی است. در طول تاریخ این دو ماده با هم مخلوط می‌شوند و مجموعه تعصب، حمایت از این استیخته را در جامعه بوجود می‌آورد و روشنفکر که با ماده‌های سنتی مواجه است و میخواهد خود را از آن نجات بدهد، با مجموعه آمیخته سنت و مذهب مبارزه میکند تا خودش را از هر دو نجات دهد. این است که هم کسانیکه از سنتهای کهنه بجای مذهب دفاع میکنند، و هم کسانیکه با سنتها مبارزه زنده اسلام هم مبارزه میکنند. طریف، نه روشنفکر متربی مدرن و نه قدیمی مذهبی ستارگرا، هیچ کدام نمی‌توانند مذهب را از سنت تشخیص بدهند.

چرا میگویم باید تشکیک کرد؟ بخاطر اینکه ما مسلمان هستیم و به این اصل معتقدیم که حقوق اسلامی، قوانین اسلامی، و همین قوانین سنتی از فطرت است و ازاده خلق قوانینی است که ساخت دست و زاده خلق قوانین طبیعت است و قوانین طبیعت کهنه نمی‌شود، بنابراین قوانینی نیز که براساس این ناموس کلی خلق می‌یخته شده باشد کهنه شدنی نیست. بنابراین این ارزشها کهنه نمی‌شود. اما سنتهای اجتماعی، زالیده



نوشته: زاله‌رازی

بحث چادر مهم است، یا بحث انقلاب؟

از میان برداشتن چادر جهل و اختناق و بندگی: اینست مسألهٔ روز!

با سلام و درود و تهنیت برای پایداری‌تان در مقابل غول سانسور و رهنمایی و آزادی فلیپه‌تایان از بند اختناق، ناسلام را آسان می‌کنم.

مسألهٔ «بگو! بگو! بگو!» را با دقت مطالعه کردم و اینکه که احساس میکنم وقت گفتنی است، میخواهم بگویم، بگویم و چند دقیقه‌ای با شما محرم‌ان خود در دل گفتی، گرچه در این موقعیت، منته‌مانند هر ایرانی واقعی از

وقایع اخیر مملکت‌دم مالا سال از خون است، ولی در عوض روحم آزاد است و تمام باخته‌های بدنام در انتظار آزادی در التها بند. من نمیدانم، و افلا نمیدانم که در مقابل آزادی، در مقابل ایمن احساس نو، ایمن احساس خوب و پاک و ملگونی، قلم بانوان و عاجز من چه میتوانم بر سینه کافش نقش زند، جز همان کلمهٔ مطبوعه «آزادی» عواست همه

بقیه در صفحه ۶۳

نامه‌ها و پیامهای تلفنی شما

هیج آدابی و ترتیبی معجوی! هر چه میخواهد دل تنگت، بگوی!

بگو! بگو! بگو!..

آقای بختیار! راه «مصدق» کدامست؟

آقای بختیار، شما که به دمکرات بودن خودتان تکیه می‌کنید و می‌گویند که گویا راه «مصدق» را می‌روید، آیا میدانید که مصدق پانجاهی پس مستقیم در زمین خلق داشت، و آیا شما هم این پایگاه را دارید؟ آیا به خواسته‌های واقعی مردم توجه دارید؟

اگر این چنین است، پس دست از لیبرالی بردارید و از خواب بیدار شوید، و گوش به پیام نهضت مردم و خواسته‌های مردم بدهید و ببینید که رهبر بزرگ انقلاب ایران «امام خمینی» چه می‌گوید، و این بند بزرگ از «مصدق» را نیز برای السبات و «دمکرات» بودن خودتان در گوش بگیرید که گفت: «هر جا سلت است، مجلس آنجا است»

د. محمدی

«حرمسرا» چه شد؟

داستانهای مجله خیلی کم شده و بجای پشت و دیوار حرمسرا داستان دیگری نگذاشته‌اید بود در صد مجله باید مطالب سرگرم کننده تظاهرات را که خودمان می‌نویسیم و شمارها را هم می‌نویسیم، پس دیگر شما زحمت چاپ آنها را نکشید.

چند خادم کارمند

بید نباشید در برابر باد

اگر می‌خواهید در جامعه نقش رهبری داشته باشید، عقیدتان را هر روز عوض نکنید، و مثل بادی نباشید که با وزش هر نسیمی بگریزم خم میشود. بجای اینکه بنویسید: «روز گاری چادر را به زور از سوزنها برداشتن...»، به خانیه‌ها حسالی کنید که چادر نشانه شخصیت نیست، و بی‌چادری هم نشانه دور بودن از مکتب و تقوا نمیتواند باشد.

خاتم خاندان

«بر سر دو راهی» چه شد؟

مجله اصلاً داستان ایرانی ندارد. «بر سر دو راهی» را هم برداشته‌اید، که چه؟

خاتم خاندان

بهترین بود و اشغال‌ترین شده..

● «روز روز» بهترین مجله در خاورمیانه (۱) بود، و حالا اشغال‌ترین شده است. دیگر مجله زن امروز نیست، عال پرزور هم نیست، مال هفتاد سال پیش است! مجله باید رسالت خودش را حفظ میکرد، شما بگفتی گذشته را زور پا گذاشتید، ولی این اصلاً درست نیست.

اگر میخواهید به همین صورت ادامه بدهید، الاً شما بگویند که سرویم و بقیه در صفحه ۶۳



جوانها، کوچها و خیابانها را جارو کردند و شستند... ماهها بود که تهران، حمام نکرده بود.

هفته گذشته، عده‌ای دیگر از زندانیان سیاسی آزاد شدند.

با همان قلب و همان اندیشه...

بدون خودفروشی، محبوبهٔ من
گذشتم چون گلوله‌ای از ده سال اسارت
و اگر نیندیشم به دردی که در کبد دارم،
با همان قلب و همان اندیشه‌ام.

ناظم - حکمت
(شاعر و مبارز نامدار ترکیه)

از: فر

سلام،
هر آن کسی
که همیشه
بی
من
من
ماه، روزی
بگویم
تازه
پرسه‌چینی
از خانه
بمبارستان
که گذرم
دویدم و از
بزرگی
بمبارستان
آمولانی
که مردم
بمبارستان
خدا
صمیمی
هرگز این
چشمه
کهنه و تم
بچه‌باز
سید، هر

«زن»

در لایحه قصاص کجاست؟

لازمه پاسخ به سؤال اول، ورود به جزئیات همه جانبه فقه اسلامی بوده و در مورد سؤال دوم نیز میتوان از دو جهت مسئله را بررسی نمود:

جهت اول اینکه میباید موارد اختلاف و استثناء میان زن و مرد در امر قصاص، شکافته شود و در جهت دوم باینجه که بشکل اختلاف میان شرایط زن و مرد در لایحه قصاص مورد بحث منظور شده، توجه شود. بعنوان مثال در «ماده ۵ از فصل اول» این لایحه آمده است که:

هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است. لیکن باید ولسی زن قبل از قصاص قاتل، نصف دیده مرد را به او بپردازد.

و در ماده ۱۶ از فصل دوم لایحه قصاص آمده است که: هرگاه پدر یا جد پدری فرزندی خود را بکشد، قصاص نمیشود، بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد و حاکم شرع او را تحریر نماید و غیر پدر و جد پدری مانند دیگران قصاص نمیشوند.

که در این ماده نیز ظاهراً توجهی به مادر و یا حتی به جد مادری نیز نشده است.

و یا در مورد شهادت که نمیتوان اصلی کلی و ثابت براساس «شهادت دومرد عادل و یا شهادت دوزن عادل در قبایل یکی از مردان عادل» را فرض نمود، در ماده ۳۵ و ۳۶ فصل چهارم لایحه قصاص قید شده است که:

ماده ۳۵- هرگاه ولی، مدعی قتل عمد شود و یکی از عدول شهادت به قتل عمد دهد و دیگری به اصل قتل شهادت دهد، نه به قتل عمد و متهم قتل را انکار کند، مندرج در باب لوای عیشود که مدعی باید قتل را با قسامه ثابت کند.

ماده ۳۶- هرگاه یکی از دوسرد عادل شهادت به قتل دهد و دیگری شهادت به اقرار متهم به قتل دهد، قتل ثابت نمیشود و داخل در باب لوای عیشود بود.

بهر حال اینها تنها نمونه‌هایی است از مسائلی که میتوان در مورد متن تقدیمی لایحه قصاص به مجلس شورای اسلامی طرح و بحث نمود. و بر این اساس طی توفیق برگزیده گوناگون با حجت‌الاسلام محمد خامنه‌ای، رئیس کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی، همین نمونه‌ها برای ایشان نیز مطرح شد.

و حجت‌الاسلام محمد خامنه‌ای تأکید داشتند که:

اولاً، از نظر کمیسیون قضائی و مجلس شورای اسلامی، این لایحه را میتوان قبول یا رد و یا اصلاح نمود و لذا جرأت بعبادت معمول، نباید آنرا بعنوان یک قانون قطعی وانمود کنند.

ثانیاً، اساساً حقوقدانان کمیسیون قضائی که مدتها قبل از این مجازات عمومی سابق ایران و سایر کشورها را مطالعه کرده‌اند، سعی دارند تا قانون مجازاتی تهیه شود که علاوه بر اینکه قانون اسلامی است (و قصاص هم جزئی از آن است) بلکه امور مربوط به مجازات عمومی نیز توجه کامل شود.

ثالثاً وقتی سروری مسئله‌های در اسلام با حالتی که ایجاد حساسیت کند، انگشت گذاشته میشود، نه فقط از نظر تحقیقی نمیتوان آنرا صحیح دانست، بلکه نظر صاف وزلالی نیز بهمراه چنین اشارات و توجیهاتی احساس نمیشود و احتمالاً مقاصدی در پس‌بین است که سعی شود نگرش از یک زاویه خاص انجام گرفته و با اعمال اسلام کوبیده شود. و در پایان با تأکید دو جانبه بر این اصل که تقدیم لایحه دلیل بر تسویب عین لایحه نخواهد بود، ایشان اظهار نمودند که لایحه قصاص هنوز در کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلام بررسی نشده و تنها این امر مسلم است که نسبت به آنچه که اسلام حکم قطعی داده باشد تغییر حاصل نخواهد شد و لایحه در مواردی که حکم قطعی نیست و مجتهد میتواند نظر و تعبیر دراصل دهد، هر مقدار که مصلحت جامعه اقتضا کند، انعطاف لازم منظور خواهد شد. ■

از سوی امام امت، در پاسخ تلگراف حضرت آیت‌الله العظمی گلپایگانی، تلگرامی باین شرح مخابره شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
حضرت آیت‌الله العظمی آقای گلپایگانی دامت برکاته

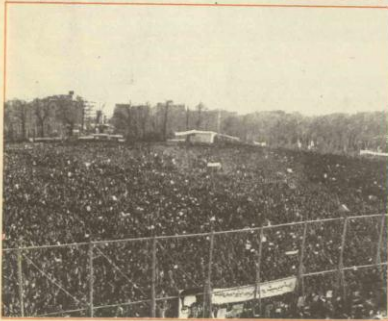
پس از اهداء تهنیت و سلام تلگراف جنابعالی که از نگرانی آن حضرت در قضایای شوم دانشگاه در روز پنج‌شنبه چهاردهم اسفند ۵۹ حکایت میکرد واصل، تلفنهای بسیاری در دنباله جنسایت متحرقتن از اطراف نیز واصل گردید.

به جنابعالی و عموم ملت شریف اطمینان میدهم که با خواست خداوند تعالی با اینگونه مخالفت‌های با اسلام برخورد شدید خواهد شد و به دستگاه قضائی گفتم که قضیه را تعقیب و محرمین و محرمین را شناسائی و محاکمه کنند و نتیجه را به اینجانب اطلاع دهند تا تکلیف آنان به حسب موازین اسلامی معین شود. باید گروهها و دست‌های منحرف سیاسی و غیر سیاسی بدانند که من با احساس تکلیف با آنان برخورد اسلامی و حدود اسلامی میکنم و به شرارت‌های ضد اسلامی، خانه میدهم.

از جنابعالی امداد دعای خیر دارم. حضر تعالی مردم را دعوت به آرامش فرماید.

والسلام علیکم ورحمته‌الله

۲۹ ربیع‌الثانی ۴۰۱ مطابق با ۱۶ اسفند ۵۹
روح‌الله الموسوی الخمینی



آنچه مسلم شد

مفسدین جمهوری اسلامی، تعداد بیشماری از افراد هستند که هنوز تکلیف مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود را معین نکرده‌اند و بانادیده گرفتن برخی «مهم‌ها» و بزرگ‌نمایی آنچه که تاکنون جلوه «مهم» بان نموده‌اند و با نداشتن، تنها درصدد دست‌پاچی به مقاصد شخصی و گروهی خود میباشند. و این امر مسلم شد که این قبیل افراد براحتی میتوانند از آبرو و شأن مسلمانی حقیر در جهت منافع و مقاصد باطناً حقیر خود بسازند.

و این افراد را میتوان در میان کتکت شرکت کنندگان و اجرام کاندگان و پشدرده و غلنی یک سخنرانی بی‌ایافت، این نیز مسلم شد.

بمناسبت روز چهارده اسفند ۱۳۵۹ معادف با چهاردهمین سالگرد فوت دکتر محمد مصدق، برنامتهائی از طریق صدا و سیما برای جمهوری اسلامی و سایر رسانه‌های گروهی و برخی از احزاب و مسئولین اعلام و اجرا شد. بهمراه آن اجرای یک سخنرانی تحت همین عنوان نیز توسط رئیس جمهور اعلام گردید. اما واقع، محدودیای بسیار وسیعتر از برپائی یک سخنرانی، آنچه بمناسبت سالگرد مرگ یک شخصیت را داشت، و به دلیل «عدم وجود» بسیاری صداقتها و «وجود» بسیاری برنامتها؛ در حال حاضر نمیتوان حدود و شعوری برجین محدود و وسیعی تصور نمود. و تنها این امر مسلم شد که درحیرم

حجاب اجباری یا حجاب ارشادی



ناتق فرزندش را در حجاب اجباری مشاهده می‌کند.

کوششگران امروزه

ناتق دختر خان

مادرش را تا ۲۰۰۰ سال پیش می‌گفتند که حجاب اجباری است. اما امروزه کوششگران این موضوع را به چالش می‌کشند. در حالی که برخی از آنها معتقدند حجاب اجباری یک امر دینی است، برخی دیگر آن را یک امر اجتماعی و فرهنگی می‌دانند. این کوششگران با برگزاری تظاهرات و سخنرانی‌ها، سعی می‌کنند تا به افکار عمومی دست بزنند و به مردم توضیح دهند که حجاب اجباری چیست و چرا باید اجتناب از آن کرد.

حجاب اجباری در ایران به معنای اجبار کردن زنان به پوشیدن حجاب است. این موضوع در سال ۱۳۵۷ با تصویب قانون عفاف و حجاب در ایران به اجبار تبدیل شد. از آن زمان به بعد، حجاب اجباری به یکی از مباحث داغ و جنجالی جامعه ایران تبدیل شده است. کوششگران حجاب اجباری، گروهی از افراد هستند که با هدف لغو یا کاهش حجاب اجباری فعالیت می‌کنند. این گروه‌ها با استفاده از روش‌های مختلف، از جمله سخنرانی، تظاهرات و انتشار مطالب، سعی می‌کنند تا به افکار عمومی دست بزنند و به مردم توضیح دهند که حجاب اجباری چیست و چرا باید اجتناب از آن کرد.

حجاب اجباری در ایران به معنای اجبار کردن زنان به پوشیدن حجاب است. این موضوع در سال ۱۳۵۷ با تصویب قانون عفاف و حجاب در ایران به اجبار تبدیل شد. از آن زمان به بعد، حجاب اجباری به یکی از مباحث داغ و جنجالی جامعه ایران تبدیل شده است. کوششگران حجاب اجباری، گروهی از افراد هستند که با هدف لغو یا کاهش حجاب اجباری فعالیت می‌کنند.



شکرگزار در حال صحبت با یکی از اربابان

۷ صفحه

۱ شماره

۱ شماره

۶ صفحه

صدای تریک رنگ زنجیری می‌باشد نازنامه، صدای تورا، نواز، بیت، ای زد، چه نام دارد، چه شغلی دارد، چه درسی خوانده ای

بیت، ای زد، چه نام دارد، چه شغلی دارد، چه درسی خوانده ای. این سؤال‌ها در ذهن بسیاری از مردم ایجاد شده است. بیت، یکی از مشهورترین گروه‌های موسیقی ایران است که با صدای تریک رنگ زنجیری خود، توجه بسیاری از مخاطبان را به خود جلب کرده است. نواز، نوازنده و آهنگساز این گروه است که با آهنگ‌هایش، فضای خاصی را در ذهن مخاطبان ایجاد کرده است. تورا، خواننده و ترانه‌سرای این گروه است که با ترانه‌هایش، احساسات بسیاری از مردم را بیان کرده است. این گروه با همکاری هم، آهنگ‌های بسیار زیبایی را خلق کرده‌اند که در ذهن مخاطبان ماندگار شده است.

۱ شماره

و انقلاب فرهنگی

و انقلاب فرهنگی. این موضوع یکی از مباحث داغ و جنجالی جامعه ایران است. انقلاب فرهنگی، به معنای تغییرات اساسی در نظام آموزشی و فرهنگی ایران است که در سال ۱۳۵۷ آغاز شد. این انقلاب با هدف ایجاد عدالت آموزشی و فرهنگی و همچنین تغییرات در محتوای کتاب‌های درسی و روش‌های تدریس انجام شد. این موضوع در بین مردم ایران بسیار جنجالی بوده است و هنوز هم بحث‌های زیادی در این باره وجود دارد.

و انقلاب فرهنگی. این موضوع یکی از مباحث داغ و جنجالی جامعه ایران است. انقلاب فرهنگی، به معنای تغییرات اساسی در نظام آموزشی و فرهنگی ایران است که در سال ۱۳۵۷ آغاز شد. این انقلاب با هدف ایجاد عدالت آموزشی و فرهنگی و همچنین تغییرات در محتوای کتاب‌های درسی و روش‌های تدریس انجام شد. این موضوع در بین مردم ایران بسیار جنجالی بوده است و هنوز هم بحث‌های زیادی در این باره وجود دارد.

۱ شماره

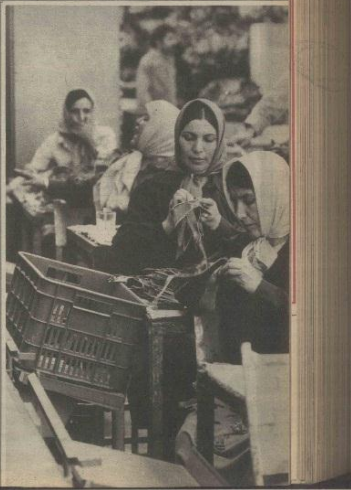
۱ شماره

۱ شماره

۶ صفحه

کاردن

فرهنگ مصطفی جلی



کاردن

مجلس شورای اسلامی در تهران، در روزهای گذشته، به منظور بررسی طرحی که در این باره تصویب شده است، با حضور اعضای هیئت مدیره و کارکنان این مرکز، جلسه‌ای برگزار کرد. در این جلسه، به بررسی طرحی که در این باره تصویب شده است، پرداخته شد. این طرح، به منظور ارتقای سطح خدمات و بهبود کیفیت کار، تدوین شده است. در ادامه، به بررسی جزئیات این طرح و اقدامات لازم برای اجرای آن، پرداخته شد.

آیا قانون کار...

مصطفی جلی

آیا قانون کار، برآستی حامی زنان است؟

مجلس شورای اسلامی در تهران، در روزهای گذشته، به منظور بررسی طرحی که در این باره تصویب شده است، با حضور اعضای هیئت مدیره و کارکنان این مرکز، جلسه‌ای برگزار کرد. در این جلسه، به بررسی طرحی که در این باره تصویب شده است، پرداخته شد. این طرح، به منظور ارتقای سطح خدمات و بهبود کیفیت کار، تدوین شده است. در ادامه، به بررسی جزئیات این طرح و اقدامات لازم برای اجرای آن، پرداخته شد.

- ۱- کاردن شماره ۴ وزارت کار قانون کار برای کارکنان کارگاه تولیدی که در این باره تصویب شده است، به منظور ارتقای سطح خدمات و بهبود کیفیت کار، تدوین شده است.
- ۲- کارکنان کارگاه تولیدی که در این باره تصویب شده است، به منظور ارتقای سطح خدمات و بهبود کیفیت کار، تدوین شده است.
- ۳- کارکنان کارگاه تولیدی که در این باره تصویب شده است، به منظور ارتقای سطح خدمات و بهبود کیفیت کار، تدوین شده است.

اینها رنگه و فوهران، مقادیر و بیچاره‌ها نیست



در این باره، رنگه و فوهران، مقادیر و بیچاره‌ها نیست. این نقاشی، به منظور آگاهی‌بخشی در مورد شرایط زندگی مردم در مناطق محروم، طراحی شده است.

اینها رنگه و فوهران، مقادیر و بیچاره‌ها نیست



اینها رنگه و فوهران، مقادیر و بیچاره‌ها نیست. این تصویر، به منظور نمایش شرایط زندگی مردم در مناطق محروم، طراحی شده است.

تجدید نظر در روابط سیاسی ایران و شوروی

کادر دیپلماتیک شوروی در ایران کاهش میابد

موت عام اینتخابات خفالی از نمایندگان گروهی سیاسی، دیپلماتهای غیر ایرانی، افغانی، شوروی انقلابی، هرات عالیترتیه و نمایندگان و سبای اتریاچیمی داخل و خارج کشور در صله ۱۲

آیت الله خفالی فاش میکند

اسرار جنگ پنهانی مافیا، اشرف و قاجاقچیان بین المللی در ایران



بیمارستان های ارتش بیماران اورژانس را عمید یزدند در صله ۱۲

تمام ابعاد پیام امام زاد را بیاید در صله ۲

اطلاعات

پنجشنبه ۱۲ تیر ماه ۱۳۶۹ - شماره ۶۱۸۰ - تقویم ۱۰ ریحال

انتخابات ساوه جمعه آینده برگزار میشود بر صله ۲

در پی ندای امامت و دعوت آیت الله العظمی منتظری

فردا مردم به حمایت از طاغوت زدایی ادارات راهپیمائی میکنند

پوشش اسلامی از دیدگاه اعظم طالقانی - زهرا رهنورد و دو ظاهر مصفا زاده



پوشش ساده باید با هم تواند الگو باشد. در صله ۲

دستور رعایت پوشش اسلامی در ادارات

دستور رعایت پوشش اسلامی در ادارات... (Text continues with details on dress code requirements for government offices, including headscarves and long sleeves.)

افشای اجنبی اسلامی وزارت امور خارجه

عمود قطارهای حامل کالا از دره فظور آغاز شد در صله ۲

خطرات دادستان کل انقلاب

خطرات دادستان کل انقلاب... (Text discusses the challenges and risks faced by the Attorney General.)

در این شماره

میخوانید: (List of featured articles and authors in this issue.)

بحران سیاسی - نظامی در بلوکهای شرق و غرب

مقررات سفر به سوریه اعلام شد... (Text discusses international relations, specifically regarding Syria and the political/military crisis in the Eastern and Western blocs.)

اطلاعه

اطلاعه... (Short news items and updates.)

تنبهات امام اما...

تنبهات امام اما... (Reflections and warnings from the Imam.)

اطلاعه

اطلاعه... (Another set of short news items and updates.)

امام:

تعرض به زنان بی حجاب حرام است

امام خمینی رضی تعالی عنده بیانگر وجود حجاب برای زنان است و بیان کرده است که نگاه کردن به زنان بی حجاب مستحرفه است و اگر کسی در معرض دید او بی حجاب و کج و کمرنگ برود، او را نگاه کند و در آن وقت از او بی حجابی بگذرد، او را نگاه کند و بی حجابی بگذرد، او را نگاه کند...

تسکون امام امت از ملت

این تقویه ایزدوار بود برادران اشد بهت... تسکون امام امت از ملت... تسکون امام امت از ملت... تسکون امام امت از ملت...

ضوابط جدید پاکسازی ادارات

تلیه کسانیکه بارها کمیته های پاکسازی منحل خدمت می شوند در بیان کسانون فکری و تولیعی متمرکز می شوند

برای نخستین بار پس از براری حکومت نظامی چندماهه از شبهه پاکسازی بدون حالت بی ادبانه تظاهرات کردید

تظاهرات بی سابقه مردم پاکستان علیه ضیاء الحق

شماره: خبثی رهبر، شیعه وستنی برانژ، یاک نفر سیدی ویشزاده، نژ زخمی شندله، حقوقدانان پاکستانی به مخالفین ضیاء الحق پیوسته اند

اطلاعات

کفتگو و اطلاعات با استاد علی تهرانی... در تفرسیه های تهرانی درباره شیعه مطهری... مساجد سلمان فارسی طوق حرم شیعه است

مصاحبه اطلاعات با استاد محمدتقی شریعتی

جوانان باید بجای ستایش ازد کتر شریعتی خطا او را بشناسند... نظر استاد شریعتی درباره گروه فرغانه... دیدار سید احمد خبثی با زنی جمهوری

مما میخو اهییم محیط را یک محیط سالمی بکنیم... نظر استاد شریعتی در باره پاکسازی... تسکین وجود در اجتماع گروهی از زنان معلول

تصمیمات مهم شورای انقلاب درباره کارمندان

رقاصه کار بهاها و اشرف در تظاهرات علیه پوشش اسلامی



دین وجود در اجتماع گروهی از زنان معلول

- ۱۵۱ ساله سیوان باز نشتسته شد... بارمانی که کمتر از ۱۵۰ ساله سابقه دارند، باز - خرید می شوند... سه کارمندی که باز نشتستند - ۹ سال نیز ارفاق سابقه داده می شود

تحلیل ما را کسب استها و غرب زده ها از کشف حجاب... نوشته دفا رهبر

دفتر رئیس جمهوری علیه خبرگزاری فرانسه اعلام جرم کرد... نوشته دفا رهبر

زندانیان زندانی شدند... در دستگیر شده اند... دستگیر شده اند... دستگیر شده اند...

آهنگی معایب نازکی زان آن بکته معظمه... نوشته دفا رهبر

مامیخواهییم محیط را یک محیط سالمی بکنیم

نظر استاد شریعتی در باره پاکسازی... تسکین وجود در اجتماع گروهی از زنان معلول... ماما میخو اهییم محیط را یک محیط سالمی بکنیم...

رقاصه کار بهاها و اشرف در تظاهرات علیه پوشش اسلامی



دین وجود در اجتماع گروهی از زنان معلول

جبار با بیاگاه مبارزه با امیر الیوم تبدیل کنیم

<p>۱۲ صفحه چاپ دوم</p> <h1>اطلاعات</h1> <p>چهارشنبه ۱۸ تیر ماه ۱۳۵۹ - شماره ۱۶۱۸۵ - شماره ۱۵ ریال</p>	<p>۲ صفحه</p> <h2>دیدار مردم تبریز با امام</h2> <p>۳ صفحه</p>	<p>از انقلاب</p> <h2>سایه‌ها گندم بخورند</h2> <p>۱۲ صفحه</p>
---	---	--

وهای انقلاب بدون تبری وارد اشنویه شد

مسیرهای د

و آمد به ترمینال

با انتقال صدای از شرکت های مسافربری بین شهری به ترمینال جزایه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و جوبه وقت از امروز شیخ خط مینیبوس این نقطه مختلف شهر به مسافران بین شهری اختصاص داده است که در این سرویس ها محلپسانی برای چندنمای مسافرین نیز در نظر گرفته شده است و حکام استفاده از این سرویس مسافران باید مبلغ ۲۰ ریال بابت بلیط شرکت واحد بپردازند .

این اطلاعیه شرکت ترمینال جزایه منظور رواد حال مسافرین اتوبوسهای مسافربری مختلف تهران با ترمینال جزایه ترمینال خرا شرکت واحد از تاریخ ۱۳۵۹/۰۷/۰۱ به اجرا در می آید .

تحت عنوان «سرویس ترمینال جزایه» این مسیره کامل مسیره سرویس ترمینال جزایه است .

۸ زن و مرد در تظاهرات زنان دستگیر شدند



۸ نفر از زنان مخالف پوشش اسلامی که در تظاهرات ضد حجاب شرکت فعالانه داشتند و توسط مأموران دستگیر شدند، در بازداشتگاه بانقار بازجویی نشسته‌اند.

در صفحه ۱۱

حمله شدید آیت الله منتظری به وزارت خارجه وزارت ارشاد و نخست وزیری

سفارتخانه ها و وزارتخانه ها باید اصلاح یا منحل شوند

۳ جاسوس خارجی در تهران دستگیر شدند

پلیس فرانسه سفارت ایران در پاریس را از اشغال دانشجویان خارج کرد

اطلاعات شماره ۱۶ قهر ماه ۱۳۶۸ - شماره ۱۶۸۸ - انتشاره ۱۵ رسل

گفت و گوی «اطلاعات» با استاد محمد تقی شریعی



تظاهرات و راه پیمائی دیروز فصل تازه ای در انقلاب بود

سفرهای دانشجویان از اشغال خارج کرد

میلیونها نفر از انقلاب اداری و انحلال گروه های ضد انقلاب حمایت کردند



میلون ها نفر از جوانان انقلابی روز سه شنبه ۱۳۶۸ در تهران علیه نظام اداری، نظام آموزشی و نظام اقتصادی تظاهرات کردند.

شورای انقلاب اعلام کرد: طرح انقلاب اداری بزودی منتشر میشود

ریشه های استثماراری کشف حجاب

دیوارهای شهر، هنوز شعار میدهند!

دیوارهای شهر پر از شعارهاست، مردم به یاد دارند...

حضرت آیه الله العظمی گلپایگانی

به ملت و رئیس جمهور



رئیس جمهوری

احتیاط، همت های پاسکاری بانکها

انقلاب بافت - مرکز دکتر ابوالحسن ایزدپا

انقلاب بافت - مرکز دکتر ابوالحسن ایزدپا

در ارتش نباید جای آدم زانبا اسلحه عوض کرد

زنان ایرانی با حفظ عفاف خود بدنیان نشان میدهند

مدرس قهرمان آزادی

مکانیسم های ارزشمندی

استاندار نماینده عالی دولت در استان است

که تسخیر ناپذیر است

منابع:

- ستم کشیدگی زن در ایران، به انضمام ترجمه مقاله‌ی زن و خانواده، یک بررسی تاریخی"، انتشارات فانوس، نیویورک، تیر ۵۱
- کمیتة تحقیق در باره‌ی مساله استثمار زن، به پا ای رنج‌دیده زن/ بزدا غبار قرن‌ها ستم، سازمان دانشجویان ایرانی در واشنگتن بالتیمور، دبیرخانه فرهنگی کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در امریکا
- جاسمی وفا، طوافچیان معصومه، در باره‌ی مساله زن، اسفند ۱۳۵۵
- انگلس، فردریک، منشا خانواده و مالکیت خصوصی، ترجمه مسعود احمدزاده
- بهرنگی، صمد، کندوکاو در مسایل تربیتی
- دهقانی، اشرف، حماسه مقاومت، سازمان چریکهای فدایی خلق
- احمدی اسکویی، مرضیه، دالغا
- فیروز، مریم، حزب توده، ارتش عظیم زنان به میدان می‌آیند ۱۳۵۵
- متین، مهناز، ناصر مهاجر، خیزش زنان ایران در اسفند ۵۷، نشر نقطه، امریکا
- متین، مهناز، ناصر مهاجر، بازبینی یک تجربه، نشر نقطه امریکا
- مشیرزاده، حمیرا، از جنبش تا نظریه اجتماعی، تاریخ دو قرن فمینیسم، نشر شیرازه،
- روباتام، شیلا، زنان در تکاپو فمینیسم و کنش اجتماعی، ترجمه حشمت اله صباغی، نشر شیرازه
- میشل، آندره، جنبش‌های اجتماعی زنان، ترجمه هما زنجانی‌زاده، نشر نیکا
- ثقفی، علیرضا، سیر تحولات استعمار در ایران
- رنجبر عمرانی، حمیرا، سازمان زنان ایران؛ ابزار فرهنگی - اجتماعی حکومت شاه و نقش اشرف پهلوی
- بهرنگی، صمد، کندو کاو در مسایل تربیتی ایران

مرتضوی، باقر، حلقه گمشده سیروس نهاوندی
 پارسا بناب، یوسف، تاریخ صد ساله احزاب سیاسی در ایران،
 انگلس، مارکس، ایدئولوژی آلمانی، ترجمه پرویز بابایی
 جمعی از پژوهشگران، حزب توده ایران از شکل‌گیری تا فروپاشی، مؤسسه مطالعات و
 پژوهش‌های سیاسی
 ببران، صدیقه، سیر تاریخی نشریات زنان در ایران معاصر، نشریات ویژه زنان، انتشارات
 روشنگران و مطالعات زنان
 گروه بررسی مسایل زنان، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، "وضعیت اجتماعی زنان قبل
 و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی"، تهیه و تنظیم تهران ۱۳۶۹
 نیروهای چپ و مبارزات زنان، مهناز متین، به نقل از مصاحبه مهناز متین با زهره احمدی یکی
 از سه بنیانگذار این کمیته، نشر نقطه
 اسدپور، زهره، مقاله فراروی از "ضعیفه" به "عامل تغییر" / نگاهی به حضور زنان در جنبش
 چریکی علیه رژیم شاه ۱۸ بهمن ۱۳۹۲
 نشریات
 روزنامه‌های کیهان، اطلاعات، آیندگان، پیغام امروز، آهنگر، زن روز، اطلاعات بانوان
 نشریات سازمان‌های سیاسی، کار، نبرد خلق، رزمندگان، پیار، راه کارگر، نوید، مردم، توفان،
 کارگر به پیش، رهایی، از رنج و رزم زنان و...
 نشریات سازمان‌های چپ زنان، زن در مبارزه، زن مبارزه، هفده شهریور، جهان زنان، رهایی
 زن و...

